

فارسی باستان

دستور زبان، متون، واژه نامه



ترجمه و تحقیق:
سعید عریان

رولاند گ. کنت

فرهنگی و
سازمان میراث

رولاندا گ. کنت

دستور زبان، مثنوی، و اثره نامه
فانکارستان

ترجمه و تحقیق:
سعید عریان

۴۰۰/۴ ز ش

۱۹/۱

Old Persian

Grammar, Text, Glossary



Ronald G. Kent

S. Oryan

الحمد لله رب العالمين



فارسی باستان

دستور زبان ، متون ، واژه‌نامه

تألیف:

رولاند. گ. کنت

ترجمه و تحقیق:

سعید عریان

۱۳۸۴

Kent, Roland Grubb

کنت. رولاند گراب، ۱۸۷۷ - ۱۹۵۲ م.

فارسی باستان: دستور زبان، متون، واژه‌نامه / اثر رولاند ج. کنت؛ ترجمه و تحقیق سعید عریان.
 - [ویراست ۲] - تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، پژوهشکده زبان و
 گویش: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۴.
 ۷۱۱ ص.

ISBN: 964-421-045-X: ۶۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

پشت جلد به انگلیسی:

Ronald G. Kent. Old Persian: grammar, text, glossary.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

ویراست دوم.

۱. فارسی -- واژه‌نامه -- انگلیسی. ۲. فارسی باستان -- دستور. ۳. فارسی باستان. الف. عریان،
 سعید، ۱۳۲۹ - ب. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. پژوهشکده زبان و گویش. ج. سازمان
 میراث فرهنگی و گردشگری. اداره کل امور فرهنگی. د. عنوان.

۸ فا / ۰۳

PIR ۱۶۰۲ / ۵۹ ف ۲

۱۳۸۴

م ۸۳-۲۷۸۹۴

کتابخانه ملی ایران



پژوهشکده زبان و گویش

پژوهشگاه

فارسی باستان (دستور زبان، متون، واژه‌نامه)

تالیف / ترجمه و تحقیق: رولاند گ. کنت / سعید عریان

ناشر: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۴۲۱-۰۴۵-X

حروفچینی و صفحه آرایی: فرزانه محمدی

لیتوگرافی / چاپ: نقش آور / توسکاگستر

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان آزادی، نبش زنجان جنوبی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۶۶۰۴۴۲۰۷

کلیه حقوق برای «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری» محفوظ است.

به گزیداران سخن

آنان که خرد را ارج می‌نهند

و برای پایایی و مانایی اندیشه دست به ترجمه می‌برند.

فهرست

۲۳	مقدمه مترجم
۳۵	پیشگفتار
۳۹	پیشگفتار بر ویرایش دوم
۴۳	کتابشناسی عمومی
۴۹	کوته‌نوشت‌ها:
۵۵	نشانه‌های به کار رفته برای نامگذاری کتیبه‌ها و واژه‌های نشان دهنده مکان

بخش نخست: دستور زبان

فصل I : زمینه زبانشناختی فارسی باستان

۵۷	پ ۱- فارسی باستان
۵۷	پ ۲- زبان‌های ایرانی
۵۸	پ ۳- ایرانی باستان
۵۹	پ ۴- ایرانی میانه
۶۰	پ ۵- ایرانی نو
۶۲	پ ۶- گویش آمیخته در کتیبه‌های فارسی باستان
۶۲	پ ۷- گویش مادی
۶۳	پ ۸- تحولات آوایی زبان مادی
۶۴	پ ۹- واژه‌های فارسی باستان نشان دهنده ویژگی‌های مادی
۶۵	پ ۱۰- گویش آمیخته در ساخت‌های فارسی باستان
۶۶	پ ۱۱- گویش آمیخته در واژگان فارسی باستان
۶۶	پ ۱۲- تاثیر زبان آرامی

فصل II : خط فارسی باستان

۶۷	پ ۱۳- خط کتیبه‌های فارسی باستان
۶۷	پ ۱۴- گام‌های نخست در رمزگشایی

- پ ۱۵- گ.ف.گرو تفتند..... ۶۸
- پ ۱۶- تکمیل رمزگشایی ۷۰
- پ ۱۷- شرح کوتاهی از روند رمزگشایی..... ۷۱
- پ ۱۸- دستگاه هجانگار فارسی باستان..... ۷۳
- پ ۱۹- نشانه‌های ۳۶ گانه هجایی فارسی باستان..... ۷۵
- پ ۲۰- نظام الفبایی عادی فارسی باستان ۷۵
- پ ۲۱- تظاهر a در خط فارسی باستان ۷۶
- پ ۲۲- تظاهر i و u در خط فارسی باستان ۷۷
- پ ۲۳- نشانه نوشتاری بلندای i و u ۷۸
- پ ۲۴- واکه‌های مرکب..... ۷۹
- پ ۲۵- y پس همخوانی..... ۸۰
- پ ۲۶- v پس همخوانی ۸۱
- پ ۲۷- ترکیب h^ai..... ۸۱
- پ ۲۸- ترکیب h^au ۸۲
- پ ۲۹- ماندگاری واکه r ۸۲
- پ ۳۰- r فارسی باستان ۸۳
- پ ۳۱- ar فارسی باستان ۸۵
- پ ۳۲- ara فارسی باستان ۸۵
- پ ۳۳- ra فارسی باستان پس از همخوان‌ها ۸۶
- پ ۳۴- نشانه خطی ar فارسی باستان با ارزشی غیر قطعی..... ۸۶
- پ ۳۵- ar فارسی باستان پیش از y و v..... ۸۷
- پ ۳۶- ā پایانی فارسی باستان ۸۸
- پ ۳۷- i پایانی فارسی باستان ۸۹
- پ ۳۸- u پایانی فارسی باستان..... ۹۰
- پ ۳۹- آواهای خیشومی فارسی باستان پیش از همخوان‌ها..... ۹۰
- پ ۴۰- همخوان‌های خفیف پایانی فارسی باستان..... ۹۰
- پ ۴۱- تکرار یک نشانه همخوانی ۹۱
- پ ۴۲- اندیشه نگارها ۹۱
- پ ۴۳- اعداد..... ۹۴
- پ ۴۴- جدایی واژه‌ها ۹۴
- پ ۴۵- عادی سازی متون فارسی باستان..... ۹۵
- پ ۴۶- ساده سازی فارسی باستان برای نوشتار ۹۶
- پ ۴۷- بی‌نظمی‌ها و اشتباهات در خط فارسی باستان..... ۹۷

پ ۴۸- ay و av میانی	۹۷
پ ۴۹- گونه‌گونی در همخوان‌ها	۹۸
پ ۵۰- اشتباهات نوشتاری	۹۹
پ ۵۱- جایجایی نشانه‌ها	۹۹
پ ۵۲- حذف نشانه‌ها	۱۰۰
پ ۵۳- افزایش نشانه‌ها	۱۰۲
پ ۵۴- تغییر نشانه‌ها از طریق حذف یا افزایش نشانه حاصل از چرخش قلم	۱۰۳
پ ۵۵- اشتباهات نوشتاری گوناگون	۱۰۴
پ ۵۶- اشتباهات در نحو	۱۰۵
پ ۵۷- گرایش به واژگان جدید در کتیبه‌های متأخر	۱۰۶

فصل III : نظام آوایی

پ ۵۸- آواهای هندواروپایی آغازین	۱۰۹
پ ۵۹- آواهای فارسی‌باستان	۱۱۱
پ ۶۰- جایگاه آواها و خوشه‌های آوایی در واژه‌های فارسی‌باستان	۱۱۳
پ ۶۱- e o a هندواروپایی آغازین	۱۱۴
پ ۶۲- ē ā ṛ هندواروپایی آغازین	۱۱۵
پ ۶۳- واکه‌های خفیف هندواروپایی آغازین	۱۱۵
پ ۶۴- i u و آ هندواروپایی آغازین	۱۱۶
پ ۶۵- ā ū و آ هندواروپایی آغازین	۱۱۶
پ ۶۶- r l و آ هندواروپایی آغازین	۱۱۷
پ ۶۷- m n و آ هندواروپایی آغازین	۱۱۸
پ ۶۸- r , l , m , n و آ هندواروپایی آغازین	۱۱۹
پ ۶۹- واکه‌های مرکب کوتاه مختوم به i هندواروپایی آغازین	۱۱۹
پ ۷۰- واکه‌های مرکب کوتاه مختوم به u هندواروپایی آغازین	۱۲۰
پ ۷۱- واکه‌های مرکب کوتاه ai و au هندواروپایی آغازین	۱۲۱
پ ۷۲- واکه‌های مرکب بلند هندواروپایی آغازین	۱۲۱
پ ۷۳- همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین	۱۲۲
پ ۷۴- همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در ایرانی آغازین	۱۲۳
پ ۷۵- همخوان‌های انسدادی لبی هندواروپایی آغازین در فارسی‌باستان	۱۲۴
پ ۷۶- همخوان‌های انسدادی دندانی هندواروپایی آغازین در فارسی‌باستان	۱۲۶
پ ۷۷- t هندواروپایی آغازین پیش از همخوان‌ها	۱۲۹
پ ۷۸- tr آریایی آغازین	۱۲۹

- پ ۷۹- tr آریایی آغازین پس از آواهای سایشی..... ۱۳۱
- پ ۸۰- ti هندواروپایی آغازین..... ۱۳۱
- پ ۸۱- tu هندواروپایی آغازین..... ۱۳۲
- پ ۸۲- tn هندواروپایی آغازین..... ۱۳۲
- پ ۸۳- تحولات دیگر انسدادی های دندانی غیر پایانی..... ۱۳۲
- پ ۸۴- آواهای دندانی پایانی..... ۱۳۳
- پ ۸۵- خوشه های دندانی $tst(h)$ و $dzd(h)$ ۱۳۴
- پ ۸۶- همخوان های انسدادی کامی هندواروپایی آغازین..... ۱۳۵
- پ ۸۷- k هندواروپایی آغازین پیش از واکه ها..... ۱۳۵
- پ ۸۸- g و gh هندواروپایی آغازین..... ۱۳۶
- پ ۸۹- ki هندواروپایی آغازین..... ۱۳۷
- پ ۹۰- ku هندواروپایی آغازین..... ۱۳۸
- پ ۹۱- ghu هندواروپایی آغازین..... ۱۳۸
- پ ۹۲- ks هندواروپایی آغازین..... ۱۳۸
- پ ۹۳- kt هندواروپایی آغازین..... ۱۳۹
- پ ۹۴- kl هندواروپایی آغازین..... ۱۳۹
- پ ۹۵- km و ghn هندواروپایی آغازین..... ۱۴۰
- پ ۹۶- ghn, gn, kn هندواروپایی آغازین..... ۱۴۰
- پ ۹۷- sk هندواروپایی آغازین..... ۱۴۱
- پ ۹۸- آواهای نرمکامی و لبی - نرمکامی هندواروپایی آغازین درآریایی آغازین..... ۱۴۱
- پ ۹۹- k و c آریایی آغازین..... ۱۴۲
- پ ۱۰۰- kh آریایی آغازین..... ۱۴۳
- پ ۱۰۱- gh, g, gh آریایی آغازین..... ۱۴۴
- پ ۱۰۲- xš فارسی باستان..... ۱۴۵
- پ ۱۰۳- k و g آریایی آغازین پیش از همخوان ها..... ۱۴۶
- پ ۱۰۴- ci آریایی آغازین..... ۱۴۷
- پ ۱۰۵- خوشه -s-c-..... ۱۴۷
- پ ۱۰۶- r هندواروپایی آغازین..... ۱۴۸
- پ ۱۰۷- l هندواروپایی آغازین..... ۱۴۹
- پ ۱۰۸- آواهای خیشومی هندواروپایی آغازین..... ۱۵۰
- پ ۱۰۹- m هندواروپایی آغازین..... ۱۵۰
- پ ۱۱۰- n هندواروپایی آغازین..... ۱۵۱
- پ ۱۱۱- خیشومی های میانی نانوشته های فارسی باستان..... ۱۵۱

پ ۱۱۲- n پایانی فارسی باستان	۱۵۲
پ ۱۱۳- i هندواروپایی آغازین	۱۵۲
پ ۱۱۴- u هندواروپایی آغازین	۱۵۳
پ ۱۱۵- s هندواروپایی آغازین	۱۵۴
پ ۱۱۶- s ایرانی آغازین	۱۵۵
پ ۱۱۷- ḡ ایرانی آغازین	۱۵۶
پ ۱۱۸- h ایرانی آغازین	۱۵۷
پ ۱۱۹- h آریایی آغازین	۱۵۹
پ ۱۲۰- z هندواروپایی آغازین	۱۶۰
پ ۱۲۱- درجات گردش واکه‌ها	۱۶۱
پ ۱۲۲- تنوع گردش واکه در ریشه	۱۶۳
پ ۱۲۳- تنوع کارای گردش واکه در ریشه فعلی	۱۶۵
پ ۱۲۴- تنوع کارای گردش واکه در واپسین هجای بن ساز اسم‌ها	۱۶۵
پ ۱۲۵- vridhhi و guna	۱۶۶
پ ۱۲۶- vridhhi به عنوان یک وند	۱۶۷
پ ۱۲۷- توارد آوایی	۱۶۸
پ ۱۲۸- افزایش واکه	۱۶۹
پ ۱۲۹- حذف به قرینه	۱۷۰
پ ۱۳۰- کوتاه کردن همخوان‌های بلند	۱۷۰
پ ۱۳۱- ادغام واکه‌ها	۱۷۱
پ ۱۳۲- تنوع همخوانی	۱۷۲
پ ۱۳۳- اتصال	۱۷۳
پ ۱۳۴- آواشناسی اتصال	۱۷۴
پ ۱۳۵- ḡ- پیش از پی چسب	۱۷۵
پ ۱۳۶- iy- پیش از پی چسب	۱۷۵
پ ۱۳۷- uv- پیش از پی چسب	۱۷۶
پ ۱۳۸- همخوان‌ها پیش از پی چسب‌ها	۱۷۶
پ ۱۳۹- ادغام واکه‌ها در سندهی	۱۷۶
پ ۱۴۰- سندهی در رابطه با پیشوندها	۱۷۷
پیوست فصل ۳	۱۷۹

فصل IV- ساخت بن‌های اسمی و صفتی

پ ۱۴۱- بن‌های اسمی و صفتی	۱۸۳

پ ۱۴۲- اسم - ریشه‌ها و صفت - ریشه‌ها	۱۸۴
پ ۱۴۳- بن‌های اسمی و صفتی همراه با -a- ماده ساز	۱۸۵
پ ۱۴۴- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ia(i)-	۱۸۶
پ ۱۴۵- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ta-	۱۸۷
پ ۱۴۶- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ka-	۱۸۷
پ ۱۴۷- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -na-	۱۸۸
پ ۱۴۸- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ra-	۱۸۹
پ ۱۴۹- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ma-	۱۹۰
پ ۱۵۰- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ua-	۱۹۰
پ ۱۵۱- بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوندهای گوناگون مختوم به -a-	۱۹۰
پ ۱۵۲- بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -ī-	۱۹۰
پ ۱۵۳- بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -ū-	۱۹۱
پ ۱۵۴- بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -r-	۱۹۲
پ ۱۵۵- بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -n-	۱۹۲
پ ۱۵۶- بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -s-	۱۹۳
پ ۱۵۷- بن‌های صفتی یا پسوند -vant-	۱۹۳
پ ۱۵۸- بن‌های اسمی و صفتی دیگر مختوم به همخوان	۱۹۴
پ ۱۵۹- ترکیبات اسمی و صفتی در فارسی باستان	۱۹۴
پ ۱۶۰- اسم‌ها و صفات معین	۱۹۵
پ ۱۶۱- صفات ملکی	۱۹۶
پ ۱۶۲- صفات مرکب بر ساخته از وجه و صفتی	۱۹۸
پ ۱۶۳- نام اشخاص	۱۹۸
پ ۱۶۴- نام‌های شخصی ایرانیان	۱۹۹
پ ۱۶۵- نام ماه‌ها	۲۰۰
پ ۱۶۶- نام جای‌ها	۲۰۱
پ ۱۶۷- نام شهرها و اقوام	۲۰۲

فصل ۷- صرف اسامی، صفات، ضمائر

پ ۱۶۸- صرف در فارسی باستان	۲۰۵
پ ۱۶۹- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -o- در هندواروپایی	۲۰۵
پ ۱۷۰- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -o- در آریایی	۲۰۷
پ ۱۷۱- حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -o- در فارسی باستان	۲۰۸
پ ۱۷۲- تحول صرف -o- در فارسی باستان	۲۱۰

- پ ۱۷۳- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -ā- در هندواروپایی آغازین. ۲۱۲
- پ ۱۷۴- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -ā- در آریایی. ۲۱۳
- پ ۱۷۵- حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -ā- در فارسی باستان. ۲۱۳
- پ ۱۷۶- تحول صرف ā- در فارسی باستان. ۲۱۴
- پ ۱۷۷- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -ā- و -ī- در هندواروپایی آغازین و آریایی. ۲۱۵
- پ ۱۷۸- حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -ā- و -ī- در فارسی باستان. ۲۱۶
- پ ۱۷۹- تحول صرف ā- و ī- در فارسی باستان. ۲۱۷
- پ ۱۸۰- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -u- در هندواروپایی آغازین و آریایی. ۲۱۹
- پ ۱۸۱- حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -ū- در فارسی باستان. ۲۱۹
- پ ۱۸۲- تحول صرف ū- در فارسی باستان. ۲۲۰
- پ ۱۸۳- بن‌های مختوم به -ū- و بن‌های مختوم به واکه مرکب پایان یافته به u در فارسی باستان. ۲۲۱
- پ ۱۸۴- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به همخوان در هندواروپایی آغازین و آریایی. ۲۲۲
- پ ۱۸۵- بن‌های مختوم به -s- در فارسی باستان. ۲۲۳
- پ ۱۸۶- بن‌های مختوم به -t- در فارسی باستان. ۲۲۵
- پ ۱۸۷- بن‌های مختوم به -n- در فارسی باستان. ۲۲۶
- پ ۱۸۸- بن‌های مختوم به همخوان‌های انسدادی در فارسی باستان. ۲۲۷
- پ ۱۸۹- صورت‌های صرفی تشبیه در فارسی باستان. ۲۲۹
- پ ۱۹۰- صفات در فارسی باستان. ۲۳۰
- پ ۱۹۱- قیود فارسی باستان. ۲۳۱
- پ ۱۹۲- ضمائر فارسی باستان. ۲۳۳
- پ ۱۹۳- ضمیر اول شخص. ۲۳۴
- پ ۱۹۴- ضمیر دوم شخص. ۲۳۵
- پ ۱۹۵- ضمائر متصل سوم شخص. ۲۳۵
- پ ۱۹۶- ضمیر سوم شخص hauv. ۲۳۶
- پ ۱۹۷- ضمیر موصولی -io- هندواروپایی آغازین. ۲۳۷
- پ ۱۹۸- ضمیر موصولی وحرف تعریف hya, hyā, tya. ۲۳۷
- پ ۱۹۹- ضمیر اشاره «این». ۲۳۸
- پ ۲۰۰- ضمیر اشاره «آن». ۲۳۹
- پ ۲۰۱- ضمیر پرسشی نامعین -q^hi-, q^ho- هندواروپایی آغازین. ۲۴۰
- پ ۲۰۲- ضمیر اشاره aita- «این». ۲۴۰

پ ۲۰۳- صفات نیمه ضمیر گونه.....	۲۴۱
پ ۲۰۴- اعداد.....	۲۴۲

فصل VI- بن ها و ساخت افعال

پ ۲۰۵- فعل در فارسی باستان.....	۲۴۵
پ ۲۰۶- پیشوندهای فعلی.....	۲۴۵
پ ۲۰۷- ساخت های زمان مضارع.....	۲۴۶
پ ۲۰۸- دستگاه زمان مضارع (نوع سنسکریت <i>āsti</i>).....	۲۴۶
پ ۲۰۹- دستگاه زمان مضارع (نوع سنسکریت <i>dádāti</i>).....	۲۴۸
پ ۲۱۰- دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت <i>krñóti</i> , <i>krīnāti</i> , <i>vénati</i>	۲۴۸
پ ۲۱۱- دستگاه زمان مضارع (نوع لاتین <i>jungit</i>).....	۲۴۹
پ ۲۱۲- دستگاه زمان مضارع (نوع سنسکریت <i>prcchāti</i>).....	۲۵۰
پ ۲۱۳- دستگاه زمان مضارع (انواع سنسکریت <i>bhāvati</i> , <i>rudāti</i>).....	۲۵۰
پ ۲۱۴- دستگاه زمان مضارع (انواع سنسکریت <i>náhyati</i> , <i>drúhyati</i>).....	۲۵۲
پ ۲۱۵- دستگاه زمان مضارع (انواع سنسکریت <i>pātáyati</i> , <i>patáyati</i>).....	۲۵۳
پ ۲۱۶- دستگاه زمان مضارع همراه با پسوند <i>-ue/-uo-</i>	۲۵۴
پ ۲۱۷- دستگاه زمان مضارع افعال جعلی.....	۲۵۵
پ ۲۱۸- ساخت های زمان ماضی.....	۲۵۵
پ ۲۱۹- زمان ماضی نقلی.....	۲۵۶
پ ۲۲۰- بن مضارع حالت مجهول.....	۲۵۶
پ ۲۲۱- وجوه قابل صرف فعل در فارسی باستان.....	۲۵۷
پ ۲۲۲- ساخت های التزامی.....	۲۵۷
پ ۲۲۳- ساخت های تمنایی.....	۲۵۹
پ ۲۲۴- ساخت های تأکیدی.....	۲۵۹
پ ۲۲۵- پایانه های شخصی فعل.....	۲۵۹
پ ۲۲۶- پایانه های اول شخص مفرد معلوم.....	۲۶۱
پ ۲۲۷- پایانه های دوم شخص مفرد معلوم.....	۲۶۲
پ ۲۲۸- پایانه های سوم شخص مفرد معلوم.....	۲۶۲
پ ۲۲۹- پایانه های سوم شخص تثنیه معلوم.....	۲۶۴
پ ۲۳۰- پایانه های اول شخص جمع معلوم.....	۲۶۴
پ ۲۳۱- پایانه های دوم شخص جمع معلوم.....	۲۶۴
پ ۲۳۲- پایانه های سوم شخص جمع معلوم.....	۲۶۵

پ ۲۳۳- پایانه‌های اول شخص مفرد میانه.....	۲۶۶
پ ۲۳۴- پایانه‌های دوم شخص مفرد میانه.....	۲۶۷
پ ۲۳۵- پایانه‌های سوم شخص مفرد میانه.....	۲۶۸
پ ۲۳۶- پایانه‌های سوم شخص جمع میانه.....	۲۶۸
پ ۲۳۷- پایانه‌های شخصی وجه امری.....	۲۶۸
پ ۲۳۸- مصدر.....	۲۶۹
پ ۲۳۹- وجوه وصفی یافت شده در فارسی باستان.....	۲۷۰
پ ۲۴۰- صفت فاعلی معلوم.....	۲۷۰
پ ۲۴۱- صفت فاعلی میانه.....	۲۷۱
پ ۲۴۲- صفت مفعولی نقلی مختوم به -to.....	۲۷۱
پ ۲۴۳- صفت مفعولی نقلی مختوم به -no.....	۲۷۳
پ ۲۴۴- صفت مفعولی آینده مختوم به -eto.....	۲۷۴

فصل VII- نحو و سبک

پ ۲۴۵- نحو فارسی باستان.....	۲۷۵
پ ۲۴۶- نحو اسم در فارسی باستان.....	۲۷۵
پ ۲۴۷- حالت فاعلی.....	۲۷۵
پ ۲۴۸- حالت ندایی.....	۲۷۶
پ ۲۴۹- حالت مفعولی صریح.....	۲۷۶
پ ۲۵۰- حالت وابستگی.....	۲۷۹
پ ۲۵۱- حالت دری.....	۲۸۱
پ ۲۵۲- حالت بایی.....	۲۸۳
پ ۲۵۳- حالت ازی.....	۲۸۵
پ ۲۵۴- همایندی حالت‌ها.....	۲۸۵
پ ۲۵۵- شمار.....	۲۸۷
پ ۲۵۶- مطابقت‌های دستوری.....	۲۸۷
پ ۲۵۷- بدل‌ها.....	۲۸۷
پ ۲۵۸- مطابقت ضمائر.....	۲۸۸
پ ۲۵۹- مطابقت مستندا.....	۲۸۹
پ ۲۶۰- ضمائر فارسی باستان.....	۲۹۰
پ ۲۶۱- ضمیر موصولی - اشاره‌ای.....	۲۹۱
پ ۲۶۲- حروف تعریف در فارسی باستان.....	۲۹۳
پ ۲۶۳- ضمیر اشاره hauv.....	۲۹۳

- پ ۲۶۴- ضمیر اشاره -ava..... ۲۹۳
- پ ۲۶۵- ضمیر اشاره iyam..... ۲۹۴
- پ ۲۶۶- ضمیر اشاره -aita..... ۲۹۴
- پ ۲۶۷- ضمائر در فراکردهای موصولی..... ۲۹۴
- پ ۲۶۸- حروف (اضافه) پیشایند و حروف (اضافه) پسایند..... ۲۹۵
- پ ۲۶۹- حروف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح..... ۲۹۷
- پ ۲۷۰- حروف (اضافه) پیشایند با حالات دیگر..... ۲۹۸
- پ ۲۷۱- حروف (اضافه) پیشایند با دو حالت یا بیشتر..... ۲۹۸
- پ ۲۷۲- حالات فعل..... ۲۹۹
- پ ۲۷۳- ساخت‌های معلوم..... ۲۹۹
- پ ۲۷۴- ساخت‌های میانه..... ۲۹۹
- پ ۲۷۵- ساخت‌های مجهول..... ۳۰۱
- پ ۲۷۶- فعل «بودن» همراه با وجه وصفی مجهول..... ۳۰۱
- پ ۲۷۷- وجه اخباری..... ۳۰۲
- پ ۲۷۸- وجه التزامی..... ۳۰۳
- پ ۲۷۹- وجه تمنایی..... ۳۰۵
- پ ۲۸۰- وجه اسری..... ۳۰۶
- پ ۲۸۱- وجه تأکیدی..... ۳۰۶
- پ ۲۸۲- مصدر..... ۳۰۷
- پ ۲۸۳- وجوه وصفی..... ۳۰۷
- پ ۲۸۴- زمان‌ها..... ۳۰۷
- پ ۲۸۵- زمان مضارع وجه اخباری..... ۳۰۸
- پ ۲۸۶- زمان‌های ماضی استمراری و ماضی وجه اخباری..... ۳۰۸
- پ ۲۸۷- وجه زمان فعل..... ۳۰۹
- پ ۲۸۸- زمان ماضی نقلی..... ۳۰۹
- پ ۲۸۹- زمان آینده..... ۳۱۰
- پ ۲۹۰- همپایگی و وابستگی..... ۳۱۰
- پ ۲۹۱- حروف ربط همپایه..... ۳۱۱
- پ ۲۹۲- قیدهای نفی..... ۳۱۲
- پ ۲۹۳- حروف ربط وابسته (ساز)..... ۳۱۳
- پ ۲۹۴- حرف ربط yātā..... ۳۱۳
- پ ۲۹۵- حرف ربط yaθā..... ۳۱۴
- پ ۲۹۶- حرف ربط yadātya..... ۳۱۴

۳۱۴	پ ۲۹۷- حرف ربط yadiy
۳۱۵	پ ۲۹۸- حرف ربط yāvā
۳۱۵	پ ۲۹۹- حرف ربط tyā
۳۱۵	پ ۳۰۰- فراکردهای پیرو
۳۱۶	پ ۳۰۱- فراکردهای موصولی
۳۱۷	پ ۳۰۲- فراکردهای اسمی
۳۱۸	پ ۳۰۳- فراکردهای شرطی
۳۱۹	پ ۳۰۴- فراکردهای زمانی
۳۱۹	پ ۳۰۵- فراکردهای قیدی گوناگون
۳۲۰	پ ۳۰۶- جایگاه صفت‌ها
۳۲۱	پ ۳۰۷- جایگاه اسم‌ها و صفت‌های مسند
۳۲۲	پ ۳۰۸- جایگاه بدل‌ها
۳۲۲	پ ۳۰۹- جایگاه حالت وابستگی
۳۲۳	پ ۳۱۰- ترتیب کلمات جمله
۳۲۵	پ ۳۱۱- جایگاه واژه‌های متصل
۳۲۸	پ ۳۱۲- عبارت‌های نامگذاری
۳۳۰	پ ۳۱۳- شجره نامه‌های اردشیر
۳۳۲	پ ۳۱۴- ساخت بی‌تسلسل
۳۳۳	پ ۳۱۵- ویژگی‌های سبکی فارسی باستان
۳۳۳	پ ۳۱۶- حذف‌های سبکی
۳۳۴	پ ۳۱۷- قلب
۳۳۴	پ ۳۱۸- عبارت‌های دارای قافیه
۳۳۷	نمایه قطعات ذکر شده در فصل VIII

بخش دیگر: متن‌ها

۳۶۳	توصیف و کتابشناسی کتیبه‌ها
۳۶۳	AmH=آریارمنه / همدان
۳۶۴	AsH=ارشام / همدان
۳۶۴	CMa=کوروش / مرغاب A
۳۶۴	CMb=کوروش / مرغاب B
۳۶۵	CMc=کوروش / مرغاب C
۳۶۵	DB=داریوش / بهستان

۳۶۸	DPa = داریوش / پرسپولیس A
۳۶۹	DPb = داریوش / پرسپولیس B
۳۶۹	DPc = داریوش / پرسپولیس C
۳۶۹	DPd = داریوش / پرسپولیس D
۳۶۹	DPe = داریوش / پرسپولیس E
۳۶۹	DPf,g = داریوش / پرسپولیس G,F
۳۶۹	DPh = داریوش / پرسپولیس H
۳۷۰	DPi = داریوش / پرسپولیس I
۳۷۰	DN = داریوش / نقش رستم
۳۷۱	DSa = داریوش / شوش A
۳۷۱	DSb = داریوش / شوش B
۳۷۲	DSc = داریوش / شوش C
۳۷۲	DSd = داریوش / شوش D
۳۷۲	DSe = داریوش / شوش E
۳۷۳	DSf = داریوش / شوش F
۳۷۳	DSg = داریوش / شوش G
۳۷۳	DSh = داریوش / شوش H
۳۷۳	DSi = داریوش / شوش I
۳۷۴	DSj = داریوش / شوش J
۳۷۴	DSk = داریوش / شوش K
۳۷۴	DSl = داریوش / شوش L
۳۷۴	DSm = داریوش / شوش M
۳۷۴	DSn = داریوش / شوش N
۳۷۵	DSo = داریوش / شوش O
۳۷۵	DSp = داریوش / شوش P
۳۷۵	DSq = داریوش / شوش Q
۳۷۵	DSr = داریوش / شوش R
۳۷۵	DSs = داریوش / شوش S
۳۷۶	DSt = داریوش / شوش T
۳۷۶	DSu, v, w, x = داریوش / شوش U,V,W,X
۳۷۶	DSy = داریوش / شوش Y
۳۷۶	DZa,b,c = داریوش / سوثر A,B,C
۳۷۷	DE = داریوش / الوند

۳۷۷	DH=داریوش / همدان
۳۷۸	XPa=خشایارشا / پرسپولیس A
۳۷۸	XPb=خشایارشا / پرسپولیس B
۳۷۸	XPc=خشایارشا / پرسپولیس C
۳۷۸	XPd=خشایارشا / پرسپولیس D
۳۷۹	XPe=خشایارشا / پرسپولیس E
۳۷۹	XPf=خشایارشا / پرسپولیس F
۳۷۹	XPg=خشایارشا / پرسپولیس G
۳۸۰	XPh=خشایارشا / پرسپولیس H
۳۸۰	XPi=خشایارشا / پرسپولیس I
۳۸۰	XPj=خشایارشا / پرسپولیس J
۳۸۰	XPk=خشایارشا / پرسپولیس K
۳۸۱	XSa=خشایارشا / شوش A
۳۸۱	XSb=خشایارشا / شوش B
۳۸۱	XSc=خشایارشا / شوش C
۳۸۱	XE=خشایارشا / الوند
۳۸۱	XV=خشایارشا / وان
۳۸۱	XH=خشایارشا / همدان
۳۸۲	A1Pa=اردشیر اول / پرسپولیس A
۳۸۲	A1I=اردشیر اول / مکان نامعلوم
۳۸۲	D2Sa=داریوش دوم / شوش A
۳۸۳	D2Sb=داریوش دوم / شوش B
۳۸۳	A2Sa=اردشیر دوم / شوش A
۳۸۳	A2Sb=اردشیر دوم / شوش B
۳۸۳	A2Sc=اردشیر دوم / شوش C
۳۸۳	A2Sd=اردشیر دوم / شوش D
۳۸۴	A2Ha=اردشیر دوم / همدان A
۳۸۴	A2Hb=اردشیر دوم / همدان B
۳۸۴	A2Hc=اردشیر دوم / همدان C
۳۸۵	A?P=اردشیر دوم یا سوم / پرسپولیس
۳۸۵	A3Pa,b,c,d=اردشیر سوم / پرسپولیس A,B,C,D
۳۸۵	Wa=داریوش / سنگ وزنه A
۳۸۶	Wb=داریوش / سنگ وزنه B

۳۸۶		Wc=داریوش / سنگ وزنه C
۳۸۶		Wd=داریوش / سنگ وزنه D
۳۸۷		SDa=داریوش / مهر A
۳۸۷		SDb, SXa, SXb, SXc=داریوش / مهر B/خشایارشا/مهر A,B,C
۳۸۷		Sa=مهر A
۳۸۷		Sb=مهر B
۳۸۷		Sc,Sd=مهر C و مهر D
۳۸۷		Se=مهر E
۳۸۸		Sf=مهر F
۳۸۸		XVs=خشایارشا / گلدان ها
۳۸۸		AVs=اردشیر / گلدان ها

کتیبه های جعلی:

۳۸۹		spur.a = کتیبه جعلی a
۳۸۹		Spur.b,c,d,e = کتیبه جعلی b,c,d,e
۳۸۹		Spur.f = کتیبه جعلی f
۳۸۹		Spur.g = کتیبه جعلی g
۳۹۰		Spur.h = کتیبه جعلی h

متن ها همراه با یادداشت ها و ترجمه

۳۹۱		AmH
۳۹۲		AsH
۳۹۲		CMa
۳۹۳		DBI-IV
۴۴۰		DB/کتیبه های کوچک
۴۴۴		DPa و غیره
۴۴۹		DPi
۴۴۹		DNa
۴۵۲		DNb
۴۵۷		DN/کتیبه های کوچک
۴۵۸		DSa و غیره
۴۶۳		DSf
۴۶۷		DSg و غیره

۴۷۰	 DSm و غیره
۴۷۴	 DZ
۴۷۶	 DE
۴۷۷	 DH
۴۷۸	 XPa
۴۷۹	 XPb
۴۸۱	 XPc و غیره
۴۸۵	 XPg و غیره
۴۹۰	 XPi و غیره
۴۹۱	 XSa و غیره
۴۹۲	 XE
۴۹۳	 XV
۴۹۴	 XH
۴۹۴	 A ¹ Pa
۴۹۶	 A ¹ I
۴۹۶	 D ² Sa و غیره
۴۹۷	 A ² Sa و غیره
۵۰۰	 A ² Ha و غیره
۵۰۲	 A [?] P
۵۰۴	 A ³ Pa
۵۰۵	 Wa و غیره
۵۰۸	 SD و غیره
۵۰۹	 XV _s و غیره

پیوست تاریخی

۵۱۱	 ۱- سلسله هخامنشی
۵۱۳	 ۲- پردیا و گئوماتا
۵۱۵	 ۳- یاران داریوش
۵۱۵	 ۴- تقویم پارسی و بهستان IV-I
۵۲۱	 ۵- جلوس خشایارشا

بخش سدیگر: واژه نامه

۵۲۵	 واژه نامه و کشف اللغات

اعداد..... ۶۹۹

قطعات ناقص..... ۷۰۰

پیوست‌ها..... ۷۰۱

تصاویر:

۱- کتیبه و پیکره‌های داریوش بزرگ در بهستان..... آغاز کتاب

۲- لوحه پرسپولیس..... مقابل ص ۷۵

۳- کتیبه «دثیو daiva» خشایارشا..... مقابل ص ۴۸۶

مقدمه مترجم

در میان زبانهای ایرانی دوره باستان، زبان کتیبه‌های هخامنشی یا زبان فارسی باستان از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار است. نخست اینکه، نیای زبان امروز ماست؛ بعبارت دیگر، فارسی نو، با یک میانجی یعنی فارسی میانه ساسانی یا پهلوی، با فارسی باستان پیوند می‌خورد. دیگر اینکه این زبان - دستکم نوع رسمی آن - در زمان حیات به کتابت در آمده است و از این روی از نظر زبانی دارای اهمیت خاصی است. ارزش دیگر این زبان و آثار بازمانده از آن که تنها در مجموعه‌ای از کتیبه‌های شاهان هخامنشی محدود می‌شود، به مطالب و داده‌های تاریخی مربوط می‌شود و این ارزش تا حدی است که باید گفت چنانچه این کتیبه‌ها - و در میان آنها بویژه کتیبه‌های داریوش - رمزگشایی، قرائت و ترجمه نمی‌شد، بی‌تردید، پژوهش‌های تاریخی ما در مورد تاریخ هخامنشیان تنها به روایات یونانی محدود می‌شد؛ و سرانجام اینکه پاره‌ای از موارد دستوری زبان فارسی نو، که عده‌ای آنها را در ردیف استثنائات دستوری و زبانی فارسی به شمار می‌آورند، با توجه به دستور این زبان توجیه می‌شود.

از زمانی که رولاند، جی. کنت، با نوشتن پیشگفتار بر کتاب با ارزش «فارسی باستان»^(۱) خود، پایان تدوین آنرا اعلام کرد، تاکنون نزدیک به نیم قرن می‌گذرد، علیرغم گذشت این زمان نسبتاً طولانی، باید گفت که این اثر هنوز در پهنه مطالعات زبانی و زبانشناسی در زمانی و بویژه زبانهای باستانی ایران، بی‌تردید بلامنازع است. البته خواننده متخصص، خود بر این حقیقت آگاهی دارد؛ و ارزش این کتاب با بهره‌گیری از آن روشن

۱. کتابی که ترجمه فارسی آن از نظر خواننده می‌گذرد.

می شود، نه گفتار درباره آن.

کتاب «فارسی باستان» سه بار در ایالات متحده آمریکا - ۱۹۵۰ چاپ نخست، ۱۹۵۳ یعنی یک سال پس از درگذشت کنت، ویرایش دوم، و ۱۹۶۱ چاپ دیگر از ویرایش دوم توسط موسسه شرق شناسی آمریکا - و نیز دوبار در ایران بصورت چاپ عکسی توسط انتشارات طهوری، منتشر شده است؛ و چنانکه کنت خود در آغاز پیشگفتارش بر چاپ نخست کتاب اشاره می کند، هیچیک از آثار پیشین، چه در زمینه متون، چه در زمینه واژگان و چه در زمینه دستور زبان، نمی توانستند به کتیبه های فارسی باستان از ابعاد فوق، رویکردی جامع داشته باشند.

یکی از ویژگی های اساسی و مهم این اثر این است که کنت در سرتاسر کار گسترده خود هرگز اسیر یکسونگری و جزمیت در نظریات خود و دیگران نشده است، چنانکه او خود در بخشی از پیشگفتار نخست می گوید «دیدگاه های منتشر شده خود من در مورد مسایل درگیر، در صورت ناسازگاری و تناقض با دیدگاه های ارائه شده در این کتاب به گونه دیدگاه های منسوخ نگریسته شده اند، حتی چنانچه آشکارا مورد انصراف قرار نگرفته باشند...»؛ و این خود ویژگی است که در هر پژوهشگری بسادگی یافت نمی شود. دیگر اینکه کتاب از نظام و شیوه ای منسجم ترکیب یافته است، بطوریکه در کوتاهترین زمان ممکن می توان به مطالب مورد نیاز مراجعه نمود. البته به این ارزش ها باید ارزش دیگری را نیز افزود و آن اینکه کنت در بخش دستور زبان که خود دارای نظامی موجه است، و نیز در واژه نامه، از شیوه ای فراگیر و تطبیقی در زبانهای هند و اروپایی بهره گرفته است و این برای پژوهشگر متخصص فوق العاده اهمیت دارد.

بهرحال، برگردان کار سترگی چون کار کنت، بی گمان دانش و چیرگی گسترده ای در حد خود او را می طلبد و این همه، از توان مترجم فراتر است. از این روی با امید به اینکه این کوشش بتواند منشاء اثر قرارگیرد، ذکر موارد زیر در مورد ترجمه اثر ضروری است:

۱- یکی از دشواریهای ترجمه اثر کنت، اصطلاحات دستوری فراوانی است که وی آنها را در سرتاسر کار خود، بویژه بخش اصلی اثر یعنی دستور زبان بکار برده است. بطورکلی بجز اصطلاحاتی که در زبان فارسی امروز دارای معادلی کاملاً مشخص و متعارف هستند، اصطلاحات دیگر را می توان به سه گروه بخش کرد: نخست آنهایی که در فارسی امروز بهیچ وجه معادلی نداشته اند و ساختن برابر نهادی برای آنها نیز نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه ضمن تداعی مفاهیم دیگر، به دشواری موجود افزوده و زبان ترجمه را نا متعارف می کند، از جمله، اصطلاحات sandhi, guna, vridddhi و

غیره، که البته می‌توان آنها را تعریف کرد ولی ساختن معادلی که در حد یک واژه اعم از ساده یا مرکب بتواند تمام ویژگی‌های این پدیده‌ها را بیان کرده و با مفهوم یا مقوله‌ای دیگر آشفستگی ایجاد نکند، ممکن به نظر نمی‌رسد. این گروه از اصطلاحات، در ترجمه فارسی به همان صورت اصلی بکار رفته است.

دیگر، پاره‌ای از اصطلاحات که در فارسی امروز دارای معادل تقریباً شناخته شده‌ای هستند اما این معادل‌ها را نمی‌توان در هر بافت بیانی بکاربرد و این وضع همانا از عدم جامعیت معادل نسبت به تمام ویژگی‌های پدیده مورد نظر سرچشمه می‌گیرد. از جمله اصطلاح Thematic که در پاره‌ای از موارد می‌توان معادل «ماده ساز» را در برابر آن قرار داد مانند Thematic vowel «واکه ماده ساز»، ولی در مواردی دیگر این امر تهی از دشواری نیست؛ مانند Thematic stem؛ زیرا بر اهل فن روشن است که بن یا ماده صورتی است که پس از فراینده ماده سازی جهت تصریف آماده می‌شود و این صورت زبانی خود ماده ساز نیست. در این موارد، آنجا که بکار بردن معادل ممکن بود، از برابر نهاد ساخته شده در فارسی استفاده شده، ولی در موارد دیگر، خود اصطلاح به همان صورت بکار رفته است.

سه دیگر، اصطلاحاتی که تاکنون در زبان فارسی برای آنها برابر نهادی ساخته نشده است اما می‌توان در این موارد برابر نهادهایی را پیشنهاد کرد. برای این دسته از اصطلاحات، تا آنجا که در توان مترجم بود، معادل سازی شده است؛ از جمله minimal "consonant = همخوان کمینه" و یا "ablaut series = رشته‌های گردش یافته" و غیره... ۲- مثال‌هایی که برای نشان دادن حالت‌های صرفی و نحوی آمده، گاه در ترجمه فارسی به گونه‌ای متفاوت در آمده‌اند. این تفاوت که بویژه میان مثال‌های نحوی و ترجمه متون بیشتر بچشم می‌خورد، اجتناب ناپذیر و طبیعی است، زیرا دستگاه نحوی زبان فارسی امروز بگونه‌ای چشمگیر با نظام نحوی فارسی باستان متفاوت است. بعبارت دیگر ترجمه دقیق آنها بطوریکه بتوانند نشان دهنده حالت نحوی مربوطه باشند، از نظر نحو فارسی نو نا متعارف خواهد بود. از این روی برای بررسی دقیق حالت نحوی باید به صورت‌های فارسی باستان توجه نمود.

این وضعیت در ترجمه انگلیسی نیز از سوی کنت اعمال شده است. چنانکه وی در پیشگفتار نخست خود می‌گوید «ترجمه انگلیسی واژه‌ها و قطعات در دستور، بویژه در بخش نحو، معمولاً با ترجمه متون در بخش دوم متفاوت است. این تفاوت برای آشکار نمودن بیشتر ویژگی که واژه یا قطعه با آن بر شمرده شده بطور عمدی صورت گرفته

است».

این امر در صرف پاره‌ای از افعال نیز که در غیر زمان ساختاری خود ترجمه شده‌اند، بچشم می‌خورد. در این گونه موارد، حتماً باید به بحث دستوری آن فعل در بخش دستور مراجعه کرد. زیرا کنت تمام موارد و کاربردهای گوناگون دستوری را در ترجمه متون رعایت کرده است و این ویژگی در ترجمه فارسی نیز دقیقاً مورد توجه قرار گرفته است. برای ترجمه و مفهوم دقیق واژه‌ها باید به ترجمه متون مراجعه نمود و واژه را در بافت جمله دید، زیرا در بخش دستور، واژه‌ها، معمولاً خارج از بافت جمله بکار رفته‌اند و در نتیجه معنی آنها نمی‌تواند جامع و مانع باشد.

۳- اساس ترجمه فارسی متون، متن فارسی باستان است. از این روی تمام اعلام بصورت رایج در زبان فارسی باستان بکار رفته و صورت یونانی آن‌ها که مورد استفاده کنت بوده، در زیرنویس صفحه مربوطه مورد اشاره قرار گرفته است. البته برگردان اسامی فارسی باستان به خط فارسی، در بعضی موارد فوق‌العاده دشوار است و این دشواری هنگام قرائت به خواننده نیز منتقل می‌شود. ولی برای حل این مشکل، در موارد لزوم می‌توان به متن واجنویسی شده کتیبه مراجعه نمود.

۴- کنت در واجنویسی‌های خود، به تبع رسم الخط انگلیسی، اعلام را با حرف بزرگ آغاز کرده است. در ترجمه فارسی، کلیه واجنویسی‌ها با حروف کوچک تحریر شده است. در برخی موارد نیز، واجنویسی‌های ارائه شده مربوط به واژه‌های فارسی نو، از سوی کنت، صورت متعارفی ندارد؛ که به تمام این موارد در زیر صفحه مربوطه اشاره رفته است.

۵- برخی از کتیبه‌هایی که در فهرست کتیبه‌ها به آنها اشاره رفته، در ردیف کتیبه‌های ترجمه شده نیامده است. در این مورد به توضیح کتیبه مربوطه مراجعه شود. زیرا علت امر در آنجا روشن شده است.

۶- کنت، واژه‌های پهلوی را براساس سنت قدیم واجنویسی کرده است. این واجنویسی‌ها به همان صورت در ترجمه فارسی آمده است، حتی در مواردی که موافق نظر مترجم نبوده است.

۷- مثال‌های مربوط به بخش دستور زبان، و نیز یادداشت‌های مربوط به متون، در پاره‌ای موارد به همان صورت موجود در متن اصلی، یعنی با کلیه اختصارات دستوری به زبان انگلیسی آمده و تنها معانی واژه‌ها به فارسی برگشته است. این امر دو علت داشته است. نخست اینکه خط فارسی و لاتین همسو نیستند و این عدم

همسویی در نوشتار در مواردی که مثال‌ها گسترده و ترکیبی باشند، هم در ترجمه، هم در چاپ و هم در خواندن، ایجاد دشواری و آشفتگی می‌کند، بویژه اینکه نظام آوانویسی نیز از رسم‌الخط لاتین تبعیت می‌کند. دیگر اینکه این کتاب برای خواننده فنی نوشته شده و طبعاً چنین خواننده‌ای با این کوتاه‌نوشت‌ها آشنایی دارد. ولی با این حال برای حل این دشواری احتمالی، فهرستی از این کوتاه‌نوشت‌ها تنظیم شده که پس از مقدمه آمده است. البته باید گفت که این وضعیت تنها در مواردی پیش آمده که راهی جز آن دیده نشده است، و موارد دیگر از این وضع برخوردار نیستند. افزون بر آن، بخش واژه‌نامه نیز به سبب اهمیت خود و نیز از این جهت که از بخش‌های دیگر پیوسته به آن ارجاع داده شده، بطور کامل و دقیق با تمام جزئیات به فارسی برگشته است.

۸- در متن انگلیسی، برای نشان دادن ترکیب معمولاً از نشانه + استفاده شده است. باز به سبب عدم همسویی خط فارسی و لاتین، بکاربردن این نشانه برای ترکیب، در ترجمه فارسی می‌توانست دشواری آفرین باشد. لذا برای حل این مشکل، در بعضی موارد به جای نشانه +، از واژه «بعلاوه» استفاده شده است تا مطلب به آسانی خواننده شود.

۹- متن انگلیسی بصورت دو ستونی تنظیم و چاپ شده و یادداشت‌های مربوط به هر مطلب نیز از شماره یک ردیف شده و در زیر ستون مربوطه مورد بحث و توضیح قرار گرفته است. رعایت این امر در ترجمه فارسی، بویژه پیش از چاپ ممکن نبود. از این روی برای رفع مشکل، یادداشت‌های تمام فصل‌ها از یک تا شماره پایانی ردیف شده و ضمن اشاره به شماره فصل مربوطه، مجموعاً در پایان بخش نخست یعنی دستور زبان آمده است. در ترجمه فارسی، کلیه یادداشت‌های زیر صفحات نیز به مترجم تعلق دارد.

۱۰- اسامی زبانها، به همان صورتی که کنت آنها را بکاربرده، در ترجمه فارسی آمده است، و خواننده اهل فن خود می‌داند که برخی از آنها مانند «پهلوی ترفانی» و یا «پهلوی اشکانی»، امروزه از رواج کمتری برخوردار است. ولی بهر حال رعایت امانت در ترجمه حکم می‌کرد که این اسامی به همان صورت در ترجمه فارسی بکار رود. سرانجام سپاس بیکران من نخست: بر استادان همیشهم. آنانکه در آموزش من در طول سالها، فراوان تلاش کردند ولی افسوس که من آن اندازه که باید از دانش آنها بر نگرفتم. بی‌گمان اگر بر این کتاب حسنی مترتب باشد از دانش آنان و اگر بر آن خطایی

رفته باشد از عدم توانمندی من در، برگرفتن دانش آنان سرچشمه می گیرد.
 دیگر: بر محمدرجیبی، دوست گرانمایه ای که به پژوهش های بنیادین، سخت
 علاقه مند است و در این راه از هیچ تلاشی فرو نمی گذارد.
 سدیگر: بر مسئولان پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، بویژه آقای محسن غنی یاری
 که در آماده سازی این اثر و همچنین آثار ارزنده دیگر کوششی پیگیر دارند.
 و نیز: بر خانم فرزانه محمدی که با فرزانه گی، صبر و چیرگی خود، حروفچینی این
 کتاب را، بصورتی آراسته، به انجام رساند.

سعید عریان

تهران - ۱۳۸۴

فهرست کوتاه‌نوشت‌ها

این فهرست از سوی مترجم تنظیم شده و در متن انگلیسی کتاب دیده نمی‌شود. کوتاه‌نوشت حالات هشتگانه نحوی، جنس، شمار، مقولات دستوری، زبان‌ها و غیره مندرج در فهرست زیر، از سوی کنت بصورت غیر ترکیبی بکار رفته است.

کوتاه‌نوشت	صورت کامل	ترجمه فارسی
abl.	ablative	حالت ازی
acc.	accusative	حالت مفعولی صریح
act.	active	معلوم
adv.	adverb	قید
Akk.	Akkadian	اکدی
aor.	aorist	آئورست، ماضی ساده
Ar.	Aryan	آریایی
Arab.	Arabic	عربی
Av.	Avestan	اوستا، اوستایی
Cf.	Confer	مقایسه شود با
Conj.	Conjunction	حرف ربط
Conj.	Conjugation	صرف
Cpd.	Compound	ترکیب
Elam.	Elamite	عیلامی
Eng.	English	انگلیسی

etc.	et cetera	و غیره
fem.	feminine	مونث
fut.	future	آینده
GAv.	Gāthic Avestan	اوستایی گاهانی
gen.	genitive	حالت وابستگی
Gk.	Greek	یونانی
Gk(Dor).	— Doric	یونانی (لهجه درین)
GK(Hom).	— Homeric	یونانی (همری)
Gm.	German	آلمانی
Gmc.	Germanic	ژرمنی
Hdt.	Herodotus	هرودوت
ins(t).	instrumental	حالت بایی
imf.	imperfect	ماضی استمراری
imv.	imperative	وجه امری
LAv.	Late Avestan	اوستایی متاخر
Lith.	Lithuanian	لیتوانیایی
loc.	locative	حالت دری
Lt.	Latin	لاتین
Med.	Median	مادی
mid.	middle	میانه
nom.	nominative	حالت فاعلی
Npers.	New persian	فارسی نو
nt.	neuter	خنثی
ocs.	old celto saxon	سلتی و ساکسونی کهن
op.	old persian	فارسی باستان
opt.	optative	وجه تمنایی
osc.	oscan	(زبان) اوسکی
pAr.	proto Aryan	آریایی آغازین
pass.	passive	مجهول

perf.	perfect	ماضی نقلی
phl.	pahlavi	پهلوی
phon.	phoneme	واج
PIE.	proto Indo-European	هندو اروپایی آغازین
plr.	— Iranian	ایرانی آغازین
pl.	plural	جمع
prep.	preposition	حرف (اضافه) پیشاوند
pres.	present	مضارع
ptc.	participle	وجه وصفی
Skt.	sanskrit	سنسکریت
subj.	subjunctive	التزامی
ved.	vedic	ودایی

فهرست کوتاه نوشت حالات هشتگانه نحوی، جنس و شمار که کنت آنها را بصورت ترکیبی در سراسر کتاب، بویژه در واژه‌نامه، با ترتیب حالت، شمار، جنس، به شرح زیر بکاربرده است.

a.	accusative	حالت مفعولی صریح
ab.	ablative	حالت ازی
d.	dative	حالت برایی
g.	genitive	حالت وابستگی
i.	instrumental	حالت بایی
l.	locative	حالت دری
n.	nominative	حالت فاعلی
v.	vocative	حالت ندایی
d. (در جایگاه شمار)	dual	تثنیه
f.	feminine	مونث
m.	masculine	مذکر
n. (در جایگاه جنسیت)	neuter	خنثی
p.	plural	جمع
s.	singular	مفرد

فهرست منابع مترجم

- ۱- ارانسکی، ای.م. مقدمه فقه اللغة ایرانی. ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۸.
- ۲- براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی پاشا صالح، جلد اول، تهران ۱۳۵۶.
- ۳- داندامایف، م.آ. ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی اریاب، تهران ۱۳۵۲.
- ۴- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه دکتر عیسی شهابی، تهران ۱۳۵۴.
- ۵- شارپ، نارمن، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، شیراز ۱۳۴۳.
- ۶- فریدریش. یوهانس، زبانهای خاموش، ترجمه دکتر یدالله ثمره، دکتر بدرالزمان قریب، تهران ۱۳۶۵.
- ۷- گلزاری، مسعود، آثاریاستانی و ابنیه تاریخی کرمانشاهان و کردستان، جلد اول، تهران ۱۳۵۸.
- ۸- گزنوفون، کوروشنامه، ترجمه مهندس رضا مشایخی، تهران ۱۳۴۲.
- ۹- ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، جلد اول، تهران ۱۳۵۳.
- ۱۰- هرودوت، تواریخ، ترجمه و حواشی، غ. وحیدمازندرانی، فرهنگستان ادب و هنر، تهران، [بی تاریخ].
- ۱۱- همایون، همادخت، واژه نامه زبانشناسی و علوم وابسته، تهران ۱۳۷۱.

12- Barraclough, Geoffrey, The Times Atlas of world History, London, 1981.

13- Bartholomae, Christian, Altiranisches Wörterbuch, strassburg,

1979.

- 14- Crystal, David, A dictionary of linguistics, Great Britain, 1988.
- 15- Justi, ferdinand, Iranisches Namenbuch, Germany, 1963
- 16- Webster, a merriam, Webster's Third New international dictionary, vol.1-3, U.S.A, 1966.
- 17- Smyth, Herbert Weir, Greek Grammar, U.S.A, 1976.
- 18- Luschnig, C.A.E, An Introduction to Ancient Greek, university of idaho, vol.1-2, New york, 1974.

پیشگفتار

این کتاب به منظور بر آوردن نیاز به برخوردی جامع با کتیبه‌های فارسی باستان، تهیه شده است؛ عبارت دیگر، نه آخرین مجموعه‌های متون، نه آخرین واژه‌نامه مربوط به آنها و نه آخرین بررسی دستوری که بخش چشمگیری از آنها جزو انتشارات بسیار جدید است، هیچیک به تنهایی، مدارک و شواهد مربوط به تمام موارد را ارائه نمی‌کند. در مطالب ریشه‌شناسی، ارائه و بازنمایی واژه‌های معتابه هم‌ریشه، خارج از قلمرو زبانهای هندوایرانی مطلوب بنظر می‌رسد؛ با توجه به اینکه تمام علاقه‌مندان به فارسی باستان، عمدتاً در اوستا و سنسکریت متخصص نیستند. برای روشنی بیشتر، بن اسم‌ها و صفت‌های مختوم به -i و -u، ترجیحاً با -i و -u بر شمرده شده‌اند تا درجه قوی یعنی -ay و -av که در میان ایران‌شناسان متداول است؛ اما فعل‌های فارسی باستان و اوستا با درجه قوی مورد استناد قرار گرفته‌اند، اگرچه ریشه‌های فعلی سنسکریت، با ساختی ثابت و متداول در میان دستور نویسان هند و نیز سنسکریت شناسان، نقل شده‌اند. ترجمه انگلیسی واژه‌ها و قطعات در دستور، بویژه در بخش نحو، معمولاً با ترجمه متن‌ها در بخش دوم، متفاوت است؛ این تفاوت، برای آشکار نمودن بیشتر ویژگی که واژه یا قطعه با آن بر شمرده شده، بطور عمدی صورت گرفت است^(۱). دیدگاه‌های منتشر شده خود من در مورد مسایل درگیر، در صورت ناسازگاری و تناقض با دیدگاه‌های ارائه شده در این کتاب، به گونه دیدگاه‌های منسوخ نگریسته شده‌اند، حتی چنانچه آشکارا مورد انصراف قرار نگرفته باشند؛ گاهی اوقات این امر را

۱. این امر در ترجمه فارسی نیز، برای آشکاری بیشتر بیان، رعایت شده است. نگاه کنید به مقدمه مترجم

ضروری دانسته‌ام بویژه رد کردن این گونه دیدگاه‌های قدیمی‌تر خود را. ارجاعات مربوط به مقاله‌های چاپ شده من، معمولاً تنها با نام نشریه صورت گرفته است، مگر در مواردی که ابهام وجود داشته باشد.

از موسسه شرق شناسی آمریکا^(۲) به سبب پیش آوردن فرصتی مناسب جهت انتشار مجموعه شرق شناسی آمریکا^(۳) و نیز از ویراستار موسسه مذکور، دکتر مورای ب، امی‌نیو^(۴) و دبیر خزانه داری این موسسه، دکتر فریس ج. استفنس^(۵) برای کوشش‌هایشان در مورد دستنویس و نیز اداره امور مربوط به این کتاب، از صمیم قلب سپاسگزاری می‌کنم. به آقای آ. اریک پارکینسون^(۶)، از موزه دانشگاهی در فیلادلفیا، برای ترسیم ماهرانه نشانه‌های خط میخی که در صفحات ۱۲ و ۲۱۵^(۷) بازسازی شده‌اند، و امدارم. همچنین سپاس قلبی من بر دوستانی که در طول آماده سازی این کتاب علاقه خود را نشان دادند و مشتاق بودند که اثر حاضر بدون تاخیر زیاد، به انجام برسد. سپاس ویژه خود را به دکتر اریک ف. اشمیت^(۸)، سرپرست هیئت اعزامی به پرسپولیس، که بطور مشترک از سوی موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو^(۹)، موزه هنرهای زیبای بوستون^(۱۰)، و موزه دانشگاهی در فیلادلفیا حمایت شده است، برای اجازه سخاوتمندانه جهت افزودن متن‌های نو یافته هیئت اعزامی مذکور و نیز بهره‌گیری از مدارک عکسی هیئت از کتیبه‌ها، که در حال حاضر در ردیف کشفیات جدید بشمار می‌رود، تقدیم می‌دارم. این وامداری در موارد بسیاری ابراز گردیده است، نه بندرت، آنهم همراه با بیان این مطلب که اطلاعات از سوی دکتر اشمیت و یا دکتر جورج جی.

۲. American Oriental Society

۳. American Oriental Series

۴. Murray B. Emeneau

۵. Ferris J. Stephens

۶. A. Eric Parkinson

۷. در ترجمه فارسی: پ ۱۸، و در پایان واژه‌نامه، اعداد.

۸. Eric F. Schmidt

۹. Oriental Institute of the University of Chicago

۱۰. Boston Museum of Fine Arts

کامرون^(۱۱) همکار پیشین وی در موسسه شرق‌شناسی و سرپرست کنونی بخش تحقیقات خاور نزدیک در دانشگاه میشیگان، تدارک شده است. دکتر کامرون، طی سال‌ها، از هر راهی، مرا از آشنایی مستقیم خود، چه بواسطه کتیبه‌ها و چه بواسطه دانش پژوهی غنی خود، بهره‌مند ساخته است؛ اخیراً نیز، نتایج اساسی و عمده خود در تحقیقات ۱۹۴۸ کتیبه بیستون را، همراه با اجازه بهره‌گیری از آنها، به من منتقل نموده است، با اینکه او خود هنوز آنها را بصورت چاپی جهت انتشار برای عموم مرتب نکرده بود؛ در این جا، سپاس بسیار فراوان من، برای تمام این لطف‌ها، نثار اوباد، اگرچه هرگونه سپاسگزاری این چنین، درحق وی بسیار اندک است.

سرانجام، سپاس بیکران من بر گروه کوچکی که با من به کار مطالعه و بررسی پرداختند، گروهی که - هنگام شکل‌گیری توسط موسسه شرق‌شناسی آمریکا، امکانات بسنده جهت نشر این کتاب را در اختیار نداشتند - تامین پشتوانه مالی لازم را برای نظارت آن در سرتاسر چاپ بعهده گرفته و برنامه خود را تا تکمیل موفقیت‌آمیز، یکسره راهبری نمودند. افراد این گروه عبارتند از: روت لی لیبنتال پی‌یرس، آلفرد سن، ماریا ویلکینس اسمیت، ای، آ. اسپیسر^(۱۲).

باید بیفزایم که بخش پیشین دقت در امور چاپی کتاب متوجه دکتر ماریا و اسمیت است؛ ویراستار مجموعه، نخست به سبب غیبت در اروپا و سپس بدلیل فشار کار، وظیفه نمونه‌خوانی را بجای اینکه خود انجام دهد، به او واگذار کرد. خواندن مکرر و ماهرانه او سبب شد تا غلط‌های چاپی متعددی که از چشم من افتاده بودند اصلاح شوند؛ البته با تمام مراقبت‌های ما، من نمی‌توانم با جرأت بپندارم که کمال مطلوب حاصل شده‌است، و از این روی، از هر خواننده‌ای که فهرستی از غلط‌های چاپی و اشتباهات بدست آمده را برایم ارسال کند، سپاسگزار خواهم شد.

رجی. ک

وین وود، پنسیلوانیا

۲۱ مارس ۱۹۵۰

۱۱. George G. Cameron

۱۲. صورت اصلی اسامی یادشده بترتیب عبارتند از: Ruth Lilienthal Pearce, Alfred senn, Maria

Wilkins Smith, E.A. Speiser

پیشگفتار بر ویرایش دوم

اتمام سریع چاپ نخست کتاب و نیز پیوستگی خوشحال کننده تقاضا برای آن از سویی، و پشتیبانی موسسه شرق شناسی آمریکا از سویی دیگر، مرا به پذیرش ویرایش و چاپ مجدد کتاب ترغیب نمود. این چاپ بازنگری شده بسیار ضرورت داشت، زیرا کامرون در یادداشت‌ها و الگو برداری‌های خود از کتیبه بیستون قرائت‌های نوین دیگری یافته بود که به تغییراتی در متن منجر می‌شد؛ افزون بر این، دانشمندان دیگر نیز در مجموع، نسبت به مطالعات جدید در فارسی باستان برانگیخته شده بودند، از این روی، در حال حاضر این کتاب مبنایی بوجود آمده است.

در اینجا از منتقدانی که انتقاد آنها به دست من رسیده است (نگاه کنید به فهرست مربوطه در صفحه ۲۱۶)^(۱) (و نیز از دوستان و همکارانی که نظرها و پیشنهاد‌های آنها مرا در بهینه‌تر کردن این کتاب یاری داد سپاسگزاری می‌کنم بویژه از: جرج، جی. کامرون؛ والتر هینتز؛ هنری، م. هونینگزوالد؛ ورنام هول؛ چارلز، ج. آگدن؛ روت، ل. پی‌یرس؛ ای. آ. اسپیسر؛ اسوالد زمیرنی و دیگران. مخصوصاً، از هربرت، ه. پاپر، برای یکسان سازی آوانگاری‌های عیلامی او بصورتی دقیق (نگاه کنید به صفحه ۲۱۶)^(۲)، و نیز از ای. آ. اسپیسر برای همین کار در مورد واژه‌های اکدی، تشکر می‌کنم^(۳).

۱. در ترجمه فارسی: بخش آغازین ضمیمه، فهرست انتقادات.

۲. در ترجمه فارسی: ضمیمه، بخش سوم، آوانویسی‌های عیلامی.

۳. صورت اصلی نام افراد مندرج در این پاراگراف بترتیب عبارتست از:

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بسیاری از اضافات با وضعی که داشتند، در متن صفحات بکار نرفتند و به پیوست منتقل شدند؛ نشانه A در حاشیه بخش اصلی کتاب، جایی را که پیوست می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، نشان می‌دهد. بهر حال، در انتقادهای پیشنهادی متعددی وجود داشت که من آنها را برای انتخاب غیر ممکن و یا نامطلوب یافتم: از جمله اینکه، ارائه یک آوا نگاری دقیق برای متون فارسی باستان، مگر به دلایل خاص، غیر ضروری بنظر می‌رسد، و عادی سازی ما، دارای این قابلیت هست که به آسانی، از سوی هر محقق، به آوانویسی دقیق تبدیل شود. بنابر دلایل مالی، هیچ متنی با الفبای میخی ارائه نشده است، بجز آنهایی که در لوحه‌های II و III آمده‌اند. علاوه بر این، مقایسه‌های بسیار کمی در گویش‌های ایرانی میانه (همانند سغدی) و ایرانی نو به کتاب افزوده شده است. زیرا این کتاب بیشتر به پیوستگی‌های میان فارسی باستان و هند و اروپایی مربوط است تا پیوستگی‌های میان فارسی باستان و گویش‌های ایرانی متاخر که نسبتاً پژوهندگان معدودی به آن می‌پردازند.

رجی. ک.

«مؤلف پیش از مرگ خود در ۲۷ ژوئن ۱۹۵۲، تقریباً کار بازنگری کتاب دوم را بیابان رسانده و پیش نویس اولیه پیشگفتار فوق را برای ویرایش دوم آماده کرده بود. در پی لطف خانم رولند جی. کنت^(۴)، تمام تغییرات و افزوده‌ها به هنری ام. هونینگزوالد، دستیار ویراستار مجله موسسه شرق شناسی آمریکا^(۵)، که مؤلف، خود با او در مورد متن مذاکراتی داشته است، داده شد. کوشش عمده برای آماده کردن نسخه جهت چاپ

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

George G. Cameron; Walther Hinz; Henry M. Hoenigswald; Vernam Hull; Charles J. Ogden; Ruth L. Pearce; E.A. Speiser; Oswald Szemerényi; Herbert H. Paper, E.A. Speiser

۴. Roland G. Kent

۵. Journal of the American Oriental Society

مجدد، از سوی دکتر ارما، ر. لرنند^(۶)، دانشجوی پیشین مولف بکار رفت. ویراستاران، برای این خدمت، وامدار او هستند. همچنین از پروفسور جورج جی. کامرون از دانشگاه میشیگان، برای تمایل به بازبینی تغییرات و افزوده‌ها و نیز برای تصحیح شماری از اشتباهات سپاسگزاری می‌شود. ویراستاران»

کتابشناسی عمومی

کتابشناسی مطالعات فارسی باستان به شرح زیر عبارتست از:

Chr. Bartholomae, Die altpersischen Inschriften, in Geiger und Kuhn's Grundriss der iranischen Philologie 2.54 - 75, Strassburg 1896-1904

Chr. Bartholomae, Altiranisches Wörterbuch, Strassburg 1904; with bibliography in the notes attached to the caption words.

H.C. Tolman, Ancient Persian Lexicon and Texts 59-134, Nashville 1908; where references are attached to the words in the lexicon.

F.H. Weissbach, Die Keilinschriften der Achämeniden, Leipzig 1911; which lists and evaluates virtually all the previous literature.

Indogermanisches Jahrbuch, in the appropriate section, beginning with 1912, but lacking some items, notably from 1914 to 1920.

J.H. Kramers, A Classified List of the Achaemenian Inscriptions, pp. 12, reprinted from the Annual Bibliography of Indian Archaeology for 1931 (Leiden 1933), containing

bibliography of the separate inscriptions from 1911 to 1932.

R.G. Kent, The Present Status of Old Persian Studies, in JAOS 56.208 - 225 (1936), with bibliography from 1912 to 1936.

R.G. Kent, Old Persian Jottings, in JAOS 58.324-30 (1938), with continuation of the preceding bibliography.

منابع زیر مربوط به دستور تاریخی زبان فارسی باستان است:

E.L. Johnson, Historical Grammar of the Ancient Persian Language, New York 1917.

A. Meillet, Grammaire du Vieux Perse, 1915; 2d ed., entirely revised by E. Benveniste, Paris 1931.

منابع زیر را نیز می توان در همین زمینه بر شمرد:

W. Foy, KZ 35.1-78(1899); a preliminary sketch of the phonology.

H.C. Tolman, Cuneiform Supplement, Nashville 1910; pp. vii-xxv

شرح کوتاهی از واجشناسی و صرف ارائه می دهد.

T. Hudson-Williams, A Short Grammar of Old Persian, Cardiff 1936; pp. 1-19

شرح کوتاه و غیر دقیقی از واجشناسی و صرف ارائه می دهد.

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions, Calcutta 1941; pp. 256-88

دستور توصیفی مبنایی و در پاره ای موارد نیز نادقیق ارائه می دهد.

کشف اللغاتی از واژگان فارسی باستان را می توان در:

E.L. Johnson, index verborum to the old persian inscriptions,

منتشر شده به همراه Cuneiform supplement از Tolman یافت

(نگاه کنید به کتابشناسی بالا).

واژه نامه ای از واژگان فارسی باستان را می توان در:

W.Hinz, Altpersischer wortschatz, Leipzig 1942,

که در بردارنده ارجاعات کتابشناختی و کشف اللغات نیز هست، یافت.

در مورد اسامی اشخاص و مکان‌ها، هم می‌توان به مدخل‌های واژه‌نامه همین اثر و هم می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

F. Justi, *Iranisches Namenbuch*, Marburg 1895.

G. Hüsing, *Die iranischen Eigennamen in den Achämenideninschriften*, Soltau 1897.

A. Hoffmann-Kutschke, *Persische Eigennamen*, in *OLZ* 9.439-44, 604-6 (1906); *Iranisches bei den Griechen*, in *Philologus* 66.173-91, 320 (1907).

F.H. Weissbach, *Die Keilinschriften der Achameniden* 136-58, Leipzig 1911.

A.H.M. Stonecipher, *Graeco-Persaia Names*, New York 1918.

مسئله دشوار و پیچیده گاهشماری کتیبه بیستون، سبب ایجاد آثار حجمی درباره تقویم فارسی باستان شده است، در این جا شایسته و مناسب است که به بحث اخیر توسط A. poebel در:

American Journal of semitic languages and literatures 55.130-65, 285-314 (1938)

ارجاع داده شود؛ نگاه کنید به: پیوست تاریخی، ۴.

در زیر، مجموعه‌های کامل کتیبه‌های فارسی باستان آمده است؛ البته من مجموعه‌های پیش از قرائت صخره بیستون توسط راولینسون را حذف کرده‌ام:

H.C. Rawlinson, *JRAS* 10.187-349 (1847); text, translation, notes.

Theodor Benfey, *Die persischen Keilinschriften, mit Uebersetzung und Glossar*, Lepizig 1847,

J. Oppert, *Les Inscriptions des Achéménides*, Paris 1851; text, translation, notes.

Fr. Spiegel, *Die altpersischen Keilinschriften*, Leipzig 1862; 2d ed., 1881; text, translation, grammar, glossary.

C. Kossowicz, *Inscriptiones Paleo-persicae Achaemenidarum*

quot hucusque repetae sunt, Petropolis 1872; euneiform and transliterated text, Latin translation, glossary.

F.H. Weissbach und W. Bang, Die altpersischen Keilinschriften, fasc. 1, Leipzig 1893; fasc. 2, 1908; text, translation.

H.C. Tolman, Ancient Persian Lexicon and Texts, Nashville 1908; text, translation, lexicon.

H.C. Tolman, Cuneiform Supplement to the preceding, Nashville 1910; autographed cuneiform texts.

F.H. Weissbach, Die Keilinschriften der Achämeniden, Leipzig 1911; OP, Elam., Akk. texts, with translation and glossary of proper names; the bibliography to the separate inscriptions, pages x-xxx, is especially valuable.

بخش بیشین منابع زیر مربوط به کتیبه‌هایی است که اخیراً کشف شده‌اند:

V. Scheil, Inscriptions des Achéménides à Suse, in Mémoires de la Mission Archéologique de Perse, tome xxi; Parsi 1929. The inscriptions, with English translation and partial vocabulay, are repeated by J.M. Unvala, The Ancient Persian Inscriptions of the Achaemenides found at Susa, Paris 1929.

V. Scheil, Inscriptions des Achéménides, pp. 105-29, in Mémoires etc., tome xxiv; Parsi 1933.

Ernst Herzfeld, Altpersische Inschriften, Barlin 1938.

ویرایش‌هایی که در مورد این کتیبه‌ها، تاکنون بصورت مجموعه منتشر شده به شرح زیر عبارتند از:

R.G. Kent, JAOS 51.189-240 (1931).

Wilhelm Brandenstein, WZKM 39.7-97 (1932), with F.W. König, Der Burgbau zu Susa, Leipzig 1930: OP, Elam., Akk.

تمام متون منتشر شده فارسی باستان تاکنون، در منابع زیرجای دارند:

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions of the Achaemenian

Emperors, Calcutta 1941; text, Sanskrit and English translations, notes, glossary, grammar (inaccurate and unreliable).

در اینجا باید به دو کتاب دیگر از انتشارات «موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو»، نیز اشاره کرد:

George G. Cameron, Persepolis Treasury Tablets, Chicago, 1948 (Or. Inst. Publ. vol. 65); containing all Elamite inscriptions found in the Treasury Halls of Darius, Xerxes, and Artaxerxes I at Persepolis. An important feature is the collection and discussion of the words borrowed from OP, many of them not found in the OP texts themselves.

Erich F. Schmidt, Persepolis, shortly to appear; containing reproductions of photographs of all inscriptions attached to reliefs at Persepolis and Naqš-e Rostam.

معرفی و شرح کتیبه‌های شخصی در آغاز بخش دیگر، پیش از پرداختن به متون، آمده است؛ اما از آنجا که کار «اونوالا» تحت عنوان Ancient Persian Texts مفید به فایده‌ای نبود، از این روی، هیچ ارجاعی به آن داده نشده است. در مجموع، از آثار پیش از اثر KT^(۷) نیز ذکری به میان نرفته است. مکانهای کنونی کتیبه‌ها مستند بر اسناد موجود است، اما امکان دارد که این مکان‌ها بر اثر واقعه جنگ جهانی دوم تغییر کرده باشد.

کوتاه نوشت ها:

نشریات زیر بصورت کوتاه نوشت مورد ارجاع قرار گرفته اند:

AbkSGW = Abhandlungen der philosophischhistorischen Klasse
der königl. sächsischen Gesellschaft der Wissenschaften.

Acta Or. = Acta Orientalia.

Acta Sem. Phil. Erlangen = Acta Seminarii Philologici
Erlangensis.

AfOF = Archiv für Orientforschung.

AJP = American Journal of Philology.

AJSLL = American Journal of Semitic Languages and
Literatures.

Arch. Anz. = Archäologischer Anzeiger.

BB = Beiträge zur Kunde der indogermanischen Sprachen,
herausgegeben von Ad. Bezzenger.

BIFAO = Bulletin de l'Institut français de l'archéologie
orientale.

BSLP = Bulletin de la Société de Linguistique de Paris.

BSOS = Bulletin of the School of Oriental (and African)
Studies, London.

GGA = Göttingische Gelehrte Anzeigen.

GN = Nachrichten von der Königlichen Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen.

IF = Indogermanische Forschungen.

IFA = Indogermanische Forschungen, Anzeiger.

JAOS = Journal of the American Oriental Society.

Jb. DAI = Jahrbuch des deutschen archäologischen Instituts.

JCOI = Journal of the Cama Oriental Institue.

JNES = Journal of Near Eastern Studies.

JRAS = Journal of the Rolyal Asiatic Society.

KZ = Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung, beründet von A. Kuhn.

Lg. = Language.

MSLP = Mémoires de la Société de Linguistique de Paris.

MVAG = Mitteilungen der vorderasiatischaegyptischen Gesellschaft.

OLZ = Orientalistische Literaturzeitung.

PAPA = Proceedings of the American Philological Association.

Rec. Trav. = Recueil de Travaux relatifs à la philologie et à l'archéologie égyptiennes et assyriennes.

Rev. d'Assyr. = Revue d'Assyriologie.

RHRel. = Revue de l'Histoire et des Religions.

Riv. Stud. Or. = Rivista degli Studi orientali.

SbPAW = Sitzungsberichte der königlich. preussischen Akademie der Wissenschaften.

TAPA = Transactions of the American Philological Association.

TPS = Transactions of the Philological Society (London).

Ung. Jrb. = Ungarische Jahrbücher.

WZKM = Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes.

ZDMG = Zeitschrift der deutachen morgenländischen

Gesellschaft.

ZfA = Zeitschrift für Assyriologie.

ZII = Zeitschrift für Indologie und Iranistik.

مؤلفین و آثار زیر بصورت کوته‌نوشت مورد ارجاع قرار گرفته‌اند:

Bthl. = Chr. Bartholomae.

Bthl. AF = Bthl., Arische Forschungen; 3 vols., Halle 1882-7.

Bthl. AiW = Bthl., Altiranisches Wörterbuch; Strassburg 1904.

Bthl. Stud. = Bthl., Studien zur indogermanischen Sprachgeschichte; Halle 1890-1.

Bthl. zAiW = Bthl., Zum altiranischen Wörterbuch; Strassburg 1906.

Brd. = Wilh. Brandenstein.

Brugmann, Gdr. = Karl Brugmann, Grundriss der vergleichenden Grammatik der indogermanischen Sprachen, 2d ed.; Strassburg 1897 ff.

Bv. = E. Benveniste.

Bv. Gr. = A. Meillet, Grammaire du Vieux-Perse, 2d ed., revised by Bv.; Paris 1931.

Bv. Origines = Bv., Origines de la Formation des Noms en Indo-européen; Paris 1935.

Cowley, AP = A. Cowley, Aramaic Papyri of the Fifth Century B.C.; Oxford 1923.

Gdr. IP = Grundriss der iranischen Philologie, herausgegeben von W. Geiger und A. Kuhn; Strassburg 1895-1906.

Hinz = W. Hinz, ZDMG 93.364-75.

HK = A. Hoffmann-Kutschke.

HK 1 or HK ApKI I = HK, Die altpersischen Keilinschriften des Grosskönigs Dārajawausch des Ersten am Berge Bagistān; Stuttgart 1908.

- HK 2 or HK ApKI 2 = HK Die altpersischen keilenschriften des
Grosskönigs Dārajawausch des Ersten bei Behistun,
stuttgart und Berlin, 1909.
- H_z. = Ernst Herzfeld.
- H_z. AMI = H_z., Archäologische Mitteilungen aus Iran;
Berlin 1929 ff.
- H_z. ApI = H_z., Altpersische Inschriften; Berlin 1938.
- J_n. = A.V. Williams Jackson.
- J_n. Iran. Rel. = J_n., Iranian Religion, in Zoroastrian Studies;
New York 1928.
- Johnson, Gram. = E.L. Johnson, Historical Grammar of the
Ancient Persian Language; New York 1917.
- Johnson, IV = E.L. Johnson, Index Verborum to the Old
Persian Inscriptions; in Tm. CS (q.v.).
- Justi, INB = F. Justi, Iranisches Namenbuch; Marburg 1895.
- K_g. = Fr. Wilh. König.
- König, Burgbau = K_g., Der Burgbau zu Susa nach dem
Bauberichte des Königs Dareios I; in MVAG 35.1, Leipzig
1930.
- König, RuID = Relief und Inschrift des Königs Dareios I am
Felsen von Bagistan; Leiden 1938.
- KT = [L.W. King and R.C. Thompson,] The Sculptures and
Inscription of Darius the Great on the Rock of Behistun in
Persia; London 1907.
- MB Gr. = Mt. Gr. (q.v.) and Bv.Gr. (q.v.).
- Mt. Gr. = A. Meillet, Grammaire du Vieux Perse; Paris 1915.
- Nyberg, Rel. = H.S. Nyberg, Die Religionen des alten Iran,
deutsch von H.H. Schaeder; Leipzig 1938.
- Oppert, IdA = J. Oppert, Les Inscriptions des Achéménides;

Paris 1851.

Oppert, Médes = J. Oppert, *Le Peuple et la Langue des Médes*;
Paris 1879.

Prašek, GMP = J.V. Prašek, *Geschichte der Meder und Perser*,
vol. II; Gotha 1910.

PW = Pauly's Real - Encyclopädie der classischen
Altertumswissenschaft, Neue Bearbeitung herausgegeben
von Georg Wissowa; Stuttgart 1894 ff.

Rawlinson = H.C. Rawlinson, *JRAS* vol. 10.

Reichelt, Aw. Elmb. = Hans Reichelt, *Awestisches
Elementarbuch*; Heidelberg 1909.

Rl. = Rawlinson (q.v.).

RV = Rigveda.

Sachau, AP = E. Sachau, *Aramäische Papyrus und Ostraka aus
einer jüdischen Militär-Kolonie zu Elephantine*; Leipzig
1911.

Scheil 21 = V. Scheil, *Inscriptions des Achéménides à Suse*, in
Mémoires de la Mission archéologique de Perse, tome XXI,
Mission en Susiane; Paris 1929.

Scheil 24 = V. Scheil, *Inscriptions des Achéménides, supplément
et suite*, in *Mémoires etc.*, tome XXIV; Paris 1933.

Sen = Sen, OPI (q.v.).

Sen, OPI = Sukumar Sen, *Old Persian Inscriptions of the
Achaemenian Emperors*; Calcutta 1941.

Spiegel = Fr. Spiegel, *Die altpersischen Keilinschriften im
Grundtexte, Uebersetzung, Grammatik, und Glossar*;
Leipzig 1862, 2d ed. 1881.

Sturtevant, IH Laryngeals = E.H. Sturtevant, *The Indo - Hittite
Laryngeals*; Baltimore 1942.

Tm. = H.C.Tolman.

Tm. CS = Tm. Cuneiform Supplement; Nashville 1910.

Tm. Lex. = Tm. Ancient Parsian Lexicon and Texts; Nashville 1908.

Tm. VS or Vdt. Stud. = Tm. The Behistan Inscription of King Darius, Vanderbilt University Studies vol. I; Nashville 1908.

Vd. = Vendidad, originally Vīdaēvadāta (a book of the Avesta).

Wb. = F.H. Weissbach.

Wb. Grab = Wb. Die Keilinschriften am Grabe des Darius Hystaspis; AbkSGW vol. XXIX, no.1.

Wb. KIA = Wb. Die Keilinschriften der Achämeniden; Leipzig 1911.

Wb. Symbolae Koschaker = Wb. in Symbolae Paulo Koschaker Dedicatae; Leiden 1939.

WB = F.H. Weissbach und W.Bang, Die altpersischen Keilinschriften in Umschrift und Übersetzung, 1.Lieferung; Leipzig 1893.

WBn = WB, 2. Lieferung, Nachträge und Berichtigungen; Leipzig 1908.

کوتاه‌نوشت‌های دیگر به سادگی فهمیده می‌شوند؛ این دسته از کوتاه‌نوشت‌ها مربوط به اسامی دانشمندان جدید و آثار آنهاست که در واقع اندکی از صورت کامل، کوچکتر شده‌اند و نیز برای مولفین یونانی و لاتین، آثار آنها، نام زبانها و اصطلاحات دستوری به کار می‌روند.

نشانه‌های به کار رفته برای نامگذاری کتیبه‌ها و واژه‌های نشان دهنده مکان

کتیبه‌ها با کوتاه نوشتن‌های زیر مورد ارجاع قرار گرفته‌اند:

نشانه نخست		نشانه دوم
Am=Ariaramnes	آریارمنه	B=Behistan بهستان
As=Arsames	آرشام	P=Persepolis پرسپولیس
C=Cyrus the Great	کوروش بزرگ	N=Naqš-i-Rustam نقش رستم
D=Darius the Great	داریوش بزرگ	S=Susa شوش
X=Xerxes	خشایارشا	Z=Suez سوئز
A ¹ =Artaxerxes I	اردشیر اول	E=Elvend الوند
D ² =Darius II	داریوش دوم	V=Van وان
A ² =Artaxerxes II	اردشیر دوم	H=Hamadan همدان
A [?] =Artaxerxes II or III	اردشیر دوم یا	M=Murghab مرغاب
A ³ =Artaxerxes III	سوم اردشیر سوم	I=incerto loco مکان نامعین
W=Weight of Darius	سنگ‌وزنه داریوش	Vs=Vase گلدان
S=Seal	مهر	
SD=Seal of Darius	مهر داریوش	

علاوه بر این، نشانه‌های دیگر عبارتند از:

- حرف کوچک دنباله روی بی فاصله: کتیبه ویژه یا بخشی از کتیبه تازه نامگذاری شده را نشان می‌دهد.

- حرف کوچک دوم: نسخه ویژه‌ای از کتیبه را نشان می‌دهد.
- V کوچک: نسخه با املای متفاوت را نشان می‌دهد.
- عدد رومیایی پس از فاصله: بخش ویژه‌ای از کتیبه را نشان می‌دهد:

عبارات و واژه‌هایی که پس از فاصله، با موارد زیر مشخص شده‌اند:

- بوسیله دو شماره: نشان دهنده ستون و سطر.
- بوسیله یک شماره: نشان دهنده سطر.
- بوسیله 0: نشان دهنده سطر مقدم بر موارد از پیش شناخته و شماره شده.
- بوسیله f پس از شماره سطر: نشان دهنده عبارت یا واژه داخل شده در سطر بعد.

نیز به نشانه‌های زیر توجه داشته باشید:

- نبود شماره در جای مورد انتظار نشان می‌دهد که کتیبه تنها یک سطر دارد.
- ○ در پایان مرجع یعنی اینکه تمام واژه بازسازی شده است.
- [] نشان می‌دهد که واژه یا واژه‌ها و یا بخشی از یک واژه که در آن محصور است، مورد بازسازی قرار گرفته است. البته در متن کامل کتیبه‌ها در بخش دیگر، بازسازی‌ها تنها با حروف ایتالیک نشان داده شده‌اند.

کوتاه نوشت‌های در افزوده

Cam. George G. Cameron.

DELG = È.Boisacq, Dictionnaire étymologique de la langue grecque;
Heidelberg and Paris 1916 (4th printing with added index, 1950).

JA = Journal Asiatique

JCS = Journal of Cuneiform Studies

LEW³ = Walde-Hofmann, Lateinisches etymologisches Wörterbuch, 3d
ed., Heidelberg 1930 on.

NGM = National Geographic Magazine, Dec. 1950.

PTT = Cam., Persepolis Treasury Tablets; Chicago 1948.

بخش نخست: دستور زبان

فصل I: زمینه زبانشناختی فارسی باستان

پ ۱- فارسی باستان نامی است که برای زبان فارسی مورد استفاده در کتیبه‌های خط میخی سلسله هخامنشی به کار رفته است؛ این زبان به جنوب غربی ایران و یا بصورت دقیق‌تر به پارس تعلق داشته و زبان بومی فرمانروایان هخامنشی محسوب می‌شده است. کتیبه‌های فارسی باستان، معمولاً با ترجمه عیلامی و اکدی خود که با نوع دیگری از خط میخی حجاری شده‌اند، همراهند؛ گاهی اوقات همراه خود دارای تحریری به آرامی و یا هیروگلیف مصری نیز هستند. از نظر زبانی، فارسی باستان به شاخه ایرانی زبانهای هند و ایرانی یا آریایی تعلق دارد که خود یکی از تقسیمات اصلی خانواده زبانهای هند و اروپایی است.

پ ۲- زبان‌های ایرانی^۱ نیز همانند بسیاری از مجموعه‌های زبانی دیگر، به اعتبار زمان به سه دوره، قابل تقسیم هستند: ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو^۲. این زبانها، در زمانهای باستان، در سرزمینی که از جنوب به خلیج فارس، از غرب به بین‌النهرین و ارمنیه، و نیز به کوههای قفقاز محدود می‌شد، گسترش یافته بودند؛ زبانهای فوق، در شرق دریای خزر نیز بصورت چشمگیری در جهت شمال مرز امروزی ایران و افغانستان، تا درون فلات پامیر ترکستان و از آن پس حدوداً در امتداد جریان رود سند به سوی دریای عمان (در متن اصلی: خلیج عمان) گسترش یافتند. این محدوده حتی امروزه نیز، تقریباً قلمرو مردم ایرانی زبان است، اگرچه در تمام ادوار جزایر زبانی غیر ایرانی بوده‌اند که در این محدوده قرار گرفته بودند، و نیز جزایر زبانی ایرانی که در خارج از آن جای داشته‌اند.

پ ۳- ایرانی باستان در برگیرنده دو زبان فارسی باستان و اوستا با متون باز مانده و نیز شماری از گویش‌های دیگر است که کمتر شناخته شده‌اند.

۱- فارسی باستان بوسیله متون کتیبه‌ای بدست آمده در ناحیه پارس، در پرسپولیس و نزدیک نقش رستم و مرغاب (پاسارگاد)؛ در ناحیه عیلام، در شوش؛ در ناحیه ماد، در همدان و نیز در فاصله نه چندان دوری از آن در بیستون والوند؛ در ناحیه ارمنیه، در وان و نیز امتداد مسیر کانال سوئز شناخته شده است. مهمترین این کتیبه‌ها عبارتند از کتیبه‌های داریوش بزرگ (۴۸۶-۵۲۱ پیش از میلاد) و خشایارشا (۴۸۶-۴۸۵)؛ و موارد دیگری که عمدتاً در قالب گسسته زبانی به تبار اردشیر سوم اختصاص دارد (۳۸-۵۳۹).

۲- زبان اوستایی زبان متون اوستا یا نوشته‌های مقدس مزدیسنیان است که با عناوینی همچون پارسیان و زردشتیان یا پروان زردشت، پیامبری که دینی خاص را اعلام کرد نیز شناخته شده‌اند. اوستا از نظر زبانی دارای دو بخش است: بخش کهن‌تر شامل گائاه‌ها یا مواظ موزون خود زردشت؛ و اوستای متأخر که در شماری از ویژگی‌های زبانی با گائاه‌ها تفاوت دارد. زردشت خود از ناحیه شمال غربی برخاست اما موفقیت‌های او در جذب دیگران به دین خویش، در ناحیه شمال شرقی، در بلخ تحقق یافت؛ از همین روی، این مسئله که زبان اوستایی زبانی است متعلق به شمال غرب یا شمال شرق، مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. البته اینکه این زبان با زبان مادی بیشتر تطبیق می‌کند تا فارسی باستان، نکته‌ای است مهم و قابل توجه، اما دارای قطعیت نیست.

۳- در میان زبانهای ایرانی باستان کمتر شناخته شده، مهمترین زبان، زبان مادی بود، که تنها از طریق واژه‌نامه‌ها، اسامی مکانها و اشخاص، و تحولات آن در فارسی میانه و نیز از سوی دیگر بوسیله و امواژه‌های آن در فارسی باستان که به نحو چشمگیری در درک خود فارسی باستان بسیار موثر و مهم است، شناخته می‌شود. موارد دیگر عبارت بودند از زبان کردوکی که احتمالاً نیای زبان کردی نو بوده است؛ زبان پارتی، که بعدها زبان امپراطوری بزرگی شد و تا زمانی پیش و پس از آغاز عصر مسیحی پیوسته در برابر روم به مخاصمه و تعارض پرداخت؛ زبان سغدی در ناحیه شمال شرقی، نیای سغدی قرون وسطایی؛ زبان سکایی، یعنی زبان یا زبانهای اقوام گوناگونی که در فارسی باستان به sakā معروف شده‌اند، و در شرق دریای خزر و شمال پارت و سغد و نیز در سمت غرب خزر در صحاری شمال دریای سیاه جای

داشته‌اند.

پ ۴- ایرانی میانه گویش‌های ایرانی را در برمی‌گیرد که حدوداً از سال ۳۰۰ پیش از میلاد تا حدود سال ۹۰۰ میلادی ظهور کرده‌اند. این گویش‌ها بطورکلی به پهلوی که تنها صورت تحول یافته متعارف و مشتق واژه « Parθava پارتی» فارسی باستان است، نامزد شده‌اند. برای روشن‌تر شدن بحث مربوط به این گویش‌ها، بهتر است قدری به گویش‌ها و قدری به آثار و مدارک باز مانده و موجود آنها بپردازیم.

۱- پهلوی اشکانی زبان رسمی سلسله اشکانی پارت بود که از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا سال ۲۲۶ میلادی فرمانروایی کرد؛ این زبان همراه با فروپاشی سلسله اشکانی از بین رفت. زبان فوق در بعضی از کتیبه‌های دو زبانه، در کنار پهلوی ساسانی، که پهلوی کلدانی یا پارتی نامیده می‌شود؛ در پوست نوشته‌های اورامان؛ در بعضی از متون مانوی ترفان (نگاه کنید به ۴ از همین پاراگراف) ارائه شده است. این زبان، همچنین پهلوی شمالی غربی نیز خوانده می‌شود و صورت تحول یافته گویشی است که تقریباً یا کاملاً به مادی شبیه بوده است.

۲- پهلوی ساسانی یا پهلوی جنوبی غربی، زبان رسمی سلسله ساسانی بود که از سال ۲۲۶ میلادی تا فتح ایران بدست مسلمانان^(۱) در سال ۶۵۲، فرمانروایی کرد. این زبان از طریق بعضی از کتیبه‌های صخره‌ای شاهان در تمام منطقه پرسپولیس، مورخ قرن سوم یا چهارم، که برخی از آنها با ترجمه پهلوی اشکانی یا حتی با ترجمه دومی به زبان یونانی همراه شده است؛ بعضی از متون روی پایروس‌های مصری مربوط به حدود قرن هشتم؛ تعدادی از متون دینی حفظ شده بوسیله زردشتیان (نگاه کنید به ۳ از همین پاراگراف)؛ و نیز بعضی از متون مانوی یافته در ترفان، شناخته شده است. صورت کتیبه‌ای این زبان را می‌توان حدوداً تا پایان قرن هفتم، در نوشته روی سکه‌ها، مهرها و سنگ‌های قیمتی ملاحظه کرد. به نظر می‌رسد که زبان فوق، گونه تحول یافته فارسی باستان و یا گویشی بسیار شبیه به آن باشد.

۳- «پهلوی کتابی»، مکتوبات حفظ شده بوسیله زردشتیان ایران و هند را دربرمی‌گیرد، و در حالیکه پیکره چشمگیری از ادبیات این زبان را تشکیل می‌دهد به شرح زیر قابل

۱. در متن انگلیسی: until the Mohammedan conquest.

تقسیم است:

- ۱- ترجمه‌هایی از بخش‌های اوستا همراه با تفسیر،
 - ۲- متونی در باره موضوعات دیگر دینی،
 - ۳- متونی درباره موضوعات غیر دینی. این مکتوبات هم پهلوی ساسانی را ارائه می‌کنند و هم پهلوی اشکانی را. آثار پهلوی کتابی، با الفبایی تحریر شده‌اند که از آرامی ریشه گرفته است و نیز، همانند تمام مکتوبات و کتیبه‌های پهلوی متقدم، دربردارنده درصد بسیار بالایی از واژه‌های سامی است؛ اما بسیاری از این واژه‌ها به برابرای ایرانی خود خوانده می‌شدند، همانگونه که ما می‌نویسم id est و می‌خوانیم "That is" و یا، viz که آنرا "namly" قرائت می‌کنیم^(۲).
 - ۴- دستنوشته‌های یافته شده در ترفان، در سال‌های آغازین قرن بیستم، متونی را در اختیار ما قرار داده است که عمدتاً متعلق به قرون ۸ و ۹ است، اگرچه قدمت پاره‌ای از آنها به آغاز عصر مسیحی باز می‌گردد. این متون، گویش‌های گوناگونی را ارائه می‌کنند که شامل فارسی میانه اشکانی و ساسانی، سغدی (شناخته شده از طریق کتیبه سه زبانه قریلگسون^(۳)) و گویشی بنام «ایرانی شرقی»، احتمالاً مشتق از سکایی شمال شرقی که در آن متون بوداییان ختن نیز وجود دارد، می‌شود. ویژگی چشمگیر این متون ترفانی آن است که نسبتاً به ایرانی خالص نوشته شده‌اند، بدون تحریر واژه‌های سامی که در گفتار، به برابر ایرانی خود بیان می‌شوند.
 - ۵- با این همه، به موازات متقدم‌ترین آثار پهلوی، نوشته‌هایی نیز به خط یونانی روی سکه‌های متعلق به فرمانروایان هند و سکایی سلسله تروشکا^(۴) در ناحیه شمال غربی هند وجود دارد که به دو قرن آغازین مسیحی مربوط می‌شود.
- پ ۵- ایرانی نو کلیه زبانهای ایرانی از حدود سال ۹۰۰ میلادی به بعد را در

۲. منظور نویسنده از «ما»، انگلیسی زبانهاست.

۳. Kara-Balgassūn.

۴. Turuška.

برمی‌گیرد؛ بارزترین اثر زبانی این دوره، حماسه ملی ایران شاهنامه یا کتاب شاهان، بر ساخته بدست فردوسی در سال حدود ۱۰۰۰ میلادی است. زبانهای این دوره به شرح زیر عبارتند از:

- ۱- فارسی، زبان ملی ایران در حال حاضر، که به گویش‌های گوناگون در سراسر این سرزمین^(۵) تکلم می‌شود؛ با اینکه برخی از گویش‌های نادر، از نظر قدمت، به گویش‌های مختلف عهد باستان برمی‌گردد، اما به نظر می‌رسد که این زبان مجموعاً از دو گونه فراگیر فارسی باستان و اوستا، آمده باشد. مهم‌ترین گویش فصیح فارسی، گویش شیراز است.
- ۲- پشتو، زبان ملی افغانستان که گاهی، زبان افغان نیز خوانده می‌شود.
- ۳- بلوچی، زبان بلوچستان
- ۴- گویش‌های پامیر، در ناحیه شمال شرقی
- ۵- گویش‌های ناحیه خزر، در نواحی جنوبی و غربی دریای خزر؛ که احتمالاً از سکایی باستان مشتق شده‌اند.
- ۶- گویش‌های کردی، که ظاهراً از کردوکی باستان اشتقاق یافته‌اند و در حال حاضر توسط تیره‌های گوناگونی در غرب ایران و نیز بخش‌های مجاور جمهوری ترکیه، تکلم می‌شوند.
- ۷- گویش‌های آسی، در سراسر منطقه قفقاز، که از سکایی جنوب روسیه اشتقاق یافته‌اند.
- ۸- یغناپی یا گویش مورد تکلم در دره یغتاب واقع در ناحیه شمال شرقی؛ که ظاهراً از سغدی باستان مشتق شده است.

تمام موارد فوق به جز مورد آخر، هریک دارای گویش‌های گوناگونی هستند. علاوه براین، در سراسر قلمرو زبانهای ایرانی نو، میان زبانهای دیگر نیز مانند عربی، ترکی، ارمنی و مغولی، رقابتی وجود دارد. ایرانیان ساکن بمبئی و نواحی مجاور آن نیز که معمولاً به پارسیان معروفند، به یکی از زبانهای هندی تکلم می‌کنند که به گجراتی (یا گجراتی) شهرت دارد.

پ ۶ - گویش آمیخته در کتیبه‌های فارسی باستان. کتیبه‌های فارسی باستان نیز همانند بیشتر و یا تمام مجموعه‌های اسنادی، به فارسی باستان خالص، بدون آمیختگی با عناصر بیگانه^۲، نیست. این کتیبه‌ها بنابر انتظار، در بردارنده و امواژه‌هایی است که به اسامی اشخاص، مکانها و احتمالاً پاره‌ای از عناصر فرهنگی مربوط می‌شود. بطور مثال: aθurā «آسور»، bābiruš «بابل»، mudrāya «مصر» سامی هستند؛ و واژه‌هایی مانند: izalā (منطقه‌ای در آسور)، dubāla (منطقه‌ای در بابل)، labanāna «کوه لبنان»، -haldita (نام یک ارمنی) نیز، بواسطه داشتن ۱، هویت غیر ایرانی خود را آشکار می‌کنند؛ تعدادی از واژه‌ها، از ریشه شناسی هندواروپایی مطمئن برخوردار نیستند، مانند: si³kabruš «عقیق سرخ»، θarmiš «الوار»، yakā (نوعی چوب)، skauθiš «سست، افتاده، ضعیف»، و یا تعدادی دیگر در شمار وامواژه‌های آشکارند، مانند: maškā «مَشک» از آرامی. اما در این میان، نفوذ اصلی عنصر بیگانه از آن گویش مادی است، که چه از نظر آوایی و چه از نظر واژگانی و نیز احتمالاً از نظر صورت‌های مختلف دستوری، دارای تمایزاتی است. همچنین به نظر می‌رسد که زبان آرامی هم، در جمله‌بندی و نحو این زبان دارای تأثیراتی بوده است. بهرحال دلیلی وجود ندارد که فارسی باستان خود، در زمان کتیبه‌ها، بهر نوعی، دارای ادبیاتی جدا از این کتیبه‌ها بوده باشد.

پ ۷ - گویش مادی زبان امپراطوری بزرگ ماد بود که با مرگ هوخشتره^(۶) در سال ۵۸۴ (پیش از میلاد) از ایران تا رودهایس گسترش یافت؛ آخرین فرمانروای مادی، آزدهاگ^(۷) پسر هوخشتره بود که در سال ۵۵۹ (پیش از میلاد) بدست نوه خود کورش^(۸)، پسر کمبوجیه^(۹)، شاه پارس و ماندان دختر آزدهاگ، شکست خورده و معزول شد. با اینکه فرمانروای جدید طبعاً تشکیلات دیوانی و نیز عناوین سلطنتی مادی را تغییر داد، اما پیوسته تأثیر آنان در زبان کتیبه‌های

۶. Cyaxares

۷. astyages

۸. cyrus

۹. cambyses

فارسی باستان متعلق به داریوش و پسینیان او دیده می شود.

پ ۸- تحولات آوایی زبان مادی که می تواند در کتیبه های فارسی باستان مورد شناسایی قرار گیرد، در زیر آمده است. البته در مورد هریک از آنها همراه با فهرست کاملی از مثال ها، در فصل نظام آوایی بحث شده است.

- $\bar{k}$ هندواروپایی آغازین به s مادی، s اوستا، θ فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۸۷
- $\bar{gh}$ و $\bar{g}$ هندواروپایی آغازین به z مادی، z اوستا، d فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۸۸
- $\bar{k}u$ هندواروپایی آغازین به sp مادی، sp اوستا، s فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۹۰
- $\bar{gh}u$ هندواروپایی آغازین به zb مادی، zb اوستا، z فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۹۱
- km آریایی آغازین به xm مادی، xm اوستا، (h)m فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۱۰۳/۲
- sq^u هندواروپایی آغازین پیش از واکه پیشین به sc آریایی آغازین، سپس به $\check{s}c$ مادی، $\check{s}c$ اوستا، s فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۱۰۵
- $q^u-s, -d q^u$ هندواروپایی آغازین در گونه sandhi، پیش از واکه پیشین، به $\check{s}c$ مادی، $\check{s}c$ اوستا، s فارسی باستان (نشان داده شده تنها بوسیله پهلوی)، و دوباره به c تبدیل شده است.
پ ۱۰۵
- tl, tr هندواروپایی آغازین به tr آریایی آغازین، سپس به θr مادی، θr اوستا، $\check{r}$ فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۷۸
- tr آریایی آغازین پس از آواهای صغیری و سایشی ایرانی به tr مادی، tr اوستا، $\check{r}$ یا احتمالاً $\check{s}$ فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۷۹
- ti هندواروپایی آغازین به θi مادی، θy اوستا، $\check{s}i$ فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۸۰
- su هندواروپایی آغازین به f مادی، hv و x^v اوستا، (h)u فارسی باستان تبدیل شده است.
پ ۱۱۸/۴

پ ۹ - واژه‌های فارسی باستان نشان دهنده ویژگی‌های مادی که در اینجا براساس معنی و کاربردشان در گروه‌های مربوطه فهرست شده‌اند، در زیر آمده است. بحث کاملتر مربوط به آنها، در فصل نظام آوایی و واژه‌نامه خواهد آمد، نگاه کنید به مدخل‌های مربوطه.

۱ - نام مکانها:

asagarta «ساگارتی» یکی از نواحی ماد، با s در -asa از k، چنانچه معنی آن «سنگ» باشد.

sikayauvatiš، یکی از قلاع ماد، با -s، از k، چنانچه بخش نخست آن، بنابر احتمال، مطابق با θikā فارسی باستان به معنی «سنگ شکسته» باشد.

دو نام ایرانی مربوط به ناحیه شرق، خارج از قلمرو ماد نیز، ویژگی‌های آوایی غیر فارسی باستان و مطابق با آواشناسی مادی را نشان می‌دهند: bāxtriš «باکتریا = بلخ»، با حفظ tr پس از آوای سایش. zraⁿka «درنگیانه = زرنگ»، با z از ḡ یا ḡh.

۲ - نام‌های شخصی:

taxma «چابک، دلیر»، با حفظ x پیش از m، در نامهای مادی taxmaspāda و نیز نام شخص ساگارتیایی *ciḡataxma.

xšaθrita اسم بر خود نهاده بوسیله fravartiš «فره‌وریش»^(۱۰) مادی؛ با θr از tr. uvaxštra «هوخته‌ره»، پادشاهی از سلسله ماد، با tr حفظ شده پس از آوای صفیری.

vištāspa «ویشتاسب»، پدر داریوش؛ با sp از ku^۵.

aspacanā، یکی از یاران داریوش؛ با sp از ku.

viⁿdafarnā، یکی از یاران داریوش؛ با f از su.

۳ - واژه‌های مربوط به عناوین رسمی:

xšāyaθiya «شاه»، با θi از ti.

۱۰. شخص نافرمان مادی که مدعی بود از خاندان سلطنتی ماد و از تبار هوخته‌ره است. نگاه کنید

vazraka «بزرگ»، با z از ĝ
vispa-zana «دارای همه گونه انسان، دارای همه گونه مردم»، با sp از ku و z از ĝ.
paru-zana «دارای مردم زیاد»، با z از ĝ.
uvaspa «دارنده اسبان خوب»، با sp از ku.

۴- واژه های فنی دین:
zūra «بدی، شرارت»، با z از ĝh
varka-zana (ماه) گرگ مردان، با z از ĝ؛ اما واژه بطور کامل پس از گونه عیلامی بازسازی شده است.

۵- اسامی مواد فرهنگی:
asan «سنگ»، با s از k̂.
kāśaka «سنگ نیمه قیمتی»، با s از k̂

۶- گوناگون:
مذکر: kašciy، خنثی: aniyašciy, avašciy, cišciy، با šc، بترتیب از q^u -s و q^u -d - درگونه sandhi؛ برای وامگیری این نوع از سوی فارسی باستان، هیچگونه دلیل روشنی نمی تواند وجود داشته باشد.
pārsa «پارس»، با s از k̂، مقایسه شود با parθava که دارای θ است؛ بنظر می رسد که این نام از سوی یک منبع بیگانه تحمیل شده باشد.
Patiyazbayam «من اعلام کردم»، با -zb- مادی، اما h^azānam (در حالت رایبی) به معنی «زبان» دارای -z- فارسی باستان است، هر دو از ĝhu هندواروپایی؛ نگاه کنید به: پ ۹۱.
vasiy «بس، بسیار»، با s از k̂؛ برای توضیح دیگر مربوط به این گونه، نگاه کنید به: پ ۸۷.
mitram¹θra، نامی الهی وام گرفته از هندی؛ نگاه کنید به: پ ۷۸

پ ۱۰- گویش آمیخته در ساخت های فارسی باستان می تواند نامعلوم و غیرقطعی تلقی شود، اگرچه در افعال، گونه هایی وجود دارد که ظاهراً بدون

تمایز معنایی با یکدیگر به کار می‌روند از جمله: سوم شخص جمع ماضی استمراری: *abaraⁿ, abarahaⁿ, abaraⁿtā*. تنها جمع ویژه *aniyāha bagāha* «بغان دیگر» با پایانه مضاعف (همانند سنسکریت ودایی: *devāsas* به جای *devās*) است که بنظر می‌رسد به جای صورت متعارف *aniyaiy bagā* فارسی باستان (جمع *bagā* الزاماً ظاهر نمی‌شود)، از زبان دین آمده باشد.

پ ۱۱ - گویش آمیخته در واژگان فارسی باستان: تشخیص سریع این که کدام واژه اصلاً فارسی باستان است و کدام واژه، قرضی، امری است دشوار. برای نمونه می‌توان به دو واژه برای «خوب»، یعنی *naiba* که یک واژه دینی است و *va^hu-* که تنها در اسامی خاص یافت می‌شود، و نیز دو واژه برای «زمین»، یعنی *zam-* (z در آن می‌تواند مادی باشد) که تنها به صورت *zm-* که از نظر آوایی همانقدر فارسی باستان است که مادی، و در یک اسم خاص و یک اصطلاح رسمی برای اعدام با شکنجه ظاهر می‌شود، و همچنین *būmi-* که بیشتر در عبارات رسمی ظاهر می‌شود اما در *Dsf* برای اشاره به زمینی که جهت ساختن قصر داریوش مورد حفاری قرار گرفت به کار رفته است، اشاره کرد. در موارد دیگر نیز، کاربردهای پهلوی کم و بیش این آگاهی را به ما می‌دهد که بطور مثال: *hauv* «او» و *iyam* «این» در حالت فاعلی، و حرف اضافه *hadā* «با»، به پهلوی شمالی غربی تعلق پیدا می‌کنند و نه به پهلوی جنوبی غربی، از این روی، اینگونه بر می‌آید که باید گونه‌های قرضی مادی باشند.^۶

پ ۱۲ - تاثیر زبان آرامی: آرامی که زبانی سامی است، از نیمه قرن هشتم پیش از میلاد، به زبان بین‌المللی آسیای جنوب غربی تبدیل شد؛ از این روی گویشوران آرامی تا قرن‌ها بعد، پیوسته در آرشیوها به خدمت مشغول بودند. از آنجائیکه، فارسی باستان در عصر کتیبه‌ها، از نظر سبک و شیوه ادبی گسترشی نیافت، بنابراین، گمان می‌رود که شیوه کتیبه‌ها بازتاب سبک آرامی باشد، که طبعاً این‌گونه است. در این مورد، جملات کوتاه، همراه با تکرار واژه‌های بنیادین (پ ۲۹۰)؛ برخی از عناوین رسمی (پ ۳۰۹)؛ و شرح بی‌تسلسل اسامی مکان‌ها و نامهای شخصی (پ ۳۱۲) قابل توجه هستند.

فصل II : خط فارسی باستان

پ ۱۳ - خط کتیبه‌های فارسی باستان همانگونه که گفتیم، از نوع میخی است: عبارت دیگر، علایم نوشتاری این خط، از ضرباتی، بوسیله میخی که در بخش انتهایی زاویه دار ونک تیز است و می‌تواند بر مواد نرم تاثیر گذارد، بوجود می‌آید. کتیبه‌های فارسی باستان، روی مواد سخت نیز، باید توسط وسایل حجاری، با تقلید از شیوه همان ضرباتی که مواد نرم را متاثر می‌کرد، ساخته شده باشند. بهر حال، نه از دوران باستان، سنتی وجود داشته است که بتواند معنی و مدلول علایم نوشتاری مربوط را مشخص سازد و نه هیچیک از کتیبه‌های فارسی باستان با تحریری همراه بوده‌اند که دارای نظام نوشتاری روشن و شناخته شده‌ای بوده باشد؛ از این روی، دانشمندان مجبور بودند که فعالیت رمزگشایی را از اولین نقطه آغاز کنند.

پ ۱۴ - گام‌های نخست در رمزگشایی. کتیبه‌ها و خط فارسی باستان از سوی شماری از مولفین باستانی، از هرودوت به بعد، و نیز بوسیله تعدادی از جهانگردان متاخر، در آغاز قرن هفدهم میلادی که بخش‌هایی از کتیبه‌های پرسپولیس را در شرح سفرنامه‌هایشان منتشر کردند، مورد اشاره، توجه و توصیف قرار گرفته است. نخستین کتیبه بصورت کامل، DPC^(۱) بود که در سال

۱. برای کوتاه نوشت کتیبه‌ها، نگاه کنید به: بخش دیگر، توصیف و کتابشناسی کتیبه‌ها

۱۷۱۱ توسط شاردن^(۲) منتشر شد. نسخه‌های بهتر دیگر، در سال ۱۷۷۸ از سوی کارستون نیبور^(۳) ارائه شد، کسی که تشخیص داد کتیبه‌های فوق با سه نظام نوشتاری به تحریر در آمده‌اند و نیز جهت نوشتار از چپ به راست است؛ عبارت دیگر، جهت نوشتار، بوسیله دو نسخه از کتیبه XPe، با تقطیعات سطری تقریباً متفاوت نشان داده شده بود. او.گ. تیخسن^(۴)، در سال ۱۷۸۹، کشف کرد که سه نظام نوشتاری در واقع نشان دهنده سه زبان مختلف می‌باشد، و نیز، خط میخ شکل مورب تکراری در تحریر نخستین که در میان تحریرهای سه‌گانه، اصیل‌ترین تحریر به شمار می‌رود، نشانه جداکننده دو واژه از یکدیگر است؛ اما او به اشتباه کتیبه‌ها را به دوره پارتی اختصاص داد. فریدریش مونتر^(۵)، در سال ۱۸۰۲، نشانه جداکننده واژه‌ها را بطور مستقل مورد شناسایی قرار داد و نیز اندیشید که زنجیره‌های تکراری علائم پربسامد باید واژه‌ای برای «شاه» باشد؛ وی کتیبه‌ها را متعلق به دوره هخامنشی دانست.^۷

پ ۱۵- گ.ف. گروتفند^(۶) اهل فرانکفورت، در سال ۱۸۰۲، توان خود را در امر رمزگشایی به کارگرفت و از طریق قیاس بین دو کتیبه DPa و XPe (در نسخه‌های نیبور) به نخستین پیشرفت واقعی دست یافت. او فرض کرد که کتیبه‌ها، کتیبه‌های شاهان هخامنشی هستند، و اساساً نام‌ها و عناوین پادشاهان را در بردارند، و نیز نخستین تحریر آنها به پارسی است که بسیار زیاد به زبان اوستا شباهت دارد. رمزگشایی جدید سیلواستر دوساسی^(۷) از عناوین سلطنتی در زبان پهلوی، یعنی: «... شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه ایران و انیران، پسر...، شاه بزرگ، و غیره»، به وی کمک کرد و او را به چیزی که انتظار داشت راهنمایی

۲ . Chardin

۳ . Carston Niebuhr

۴ . O.G.Tychsen

۵ . Friedrich Münter

۶ . G.F.Grotefend

۷ . Slester de Sacy

نمود. ما برای ساده کردن شرح موضوع، دوکتیبه فوق را در ستون‌های موازی قرار می‌دهیم:

DPa	XPe
dārayavauš:	xšayāršā
xšāyaθiya:vazraka:	xšāyaθiya:vazraka:
xšāyaθiya:xšāyaθiyānām:	xšāyaθiya:xšāyaθiyānām:
xšāyaθiya:dahyūnām:	
vištāspahyā:	dārayavahauš:xšāyaθiyahyā:
puça:Haxāmanišiya:	puça: haxāmanišiya:
hya:imam: tacaram:	
akunauš	

گرفتند، بدرستی تشخیص داد که نام هریک از دو پادشا مختلف، بوسیله عناوینی همانند «شاه بزرگ، شاه شاهان»، دنبال شده است، و نیز عنوان سوم مشابهی، در یکی به چشم می‌خورد که دیگری فاقد آن است؛ و این عنوان نیز، بدنبال نام پدر شاه آمده است، کسی که در یک کتیبه همان شخص و در کتیبه دیگر به عنوان شاه دیده می‌شود و نیز اینکه، در کتیبه دیگر، پدر، دارای عنوان «شاه» نیست. بدین ترتیب، نظر او بر داریوش که پدرش ویشتاسب^(۸) بود و عنوان شاهی نداشت، قرار گرفت تا کوروش، زیرا نام کوروش و پدرش کمبوجیه با یک حرف آغاز می‌شد^(۹)، در حالیکه دو نام قرینه در کتیبه‌های فوق با حروف متفاوت شروع می‌شدند^(۹)؛ و همچنین به این نتیجه رسید که نام «اردشیر» طولانی نیز هست. به این صورت، او پس از دقت در نام‌های سه‌گانه ویشتاسب، داریوش، و خشایارشا، در حرف‌نویسی هریک از آنها، تلفظ‌های پیشین ایرانی را به کار برد:

صورتی که گرفتند به آن دست یافته بود	صورت صحیح
̄y o sch t a s p	vi i ša ta a sa pa

۸. hystaspes

۹. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: زبانهای خاموش، ص ۵۷، یادداشت ۳.

d a r h e u sch da a ra ya va u ša
kh sch h a r sch a xa ša ya a ra ša a

بدین ترتیب، وی به جز a ذاتی و جدا نشدنی، حروف: a, u, x (از نظر او kh) البته f را شناسایی کرد. البته اعتماد به تلفظ‌های پیشین او را سخت گمراه کرد. بطوریکه وی از ۲۲ علامت نوشتاری مختلف در DPa و XPa، تنها توانست ۱۰ نشانه را بدرستی شناسایی کند، و حتی برای دو نشانه از این نشانه‌ها، به دو ارزش قایل شد (a و p, e). علاوه بر نام‌های سه گانه مذکور، واژه‌های «شاه» و «بزرگ»، تنها واژه‌هایی بودند که او درست تشخیص داده بود. گروتفند، بعدها (۱۸۱۵)، نام «کورش» را نیز در CMa شناسایی کرد اما، بقیه قرائت‌های او، حتی در کتیبه‌های فوق، متأسفانه با ارزش نبود، و او هرگز نتوانست در سال‌های بعد به این امر پی‌بَرَد که بنیان‌هایی را که او مطرح کرده بود، کمال یافت و بیشترین استفاده از آن بعمل آمد^(۱۰).

پ ۱۶- تکمیل رمزگشایی. پس از یک وقفه بیست و یک ساله، دانشمندان دیگر، کار رمزگشایی را از سر گرفتند، در حالیکه، پیشرفت، اساساً در جهت شناسایی و تشخیص نشانه‌های مجرد و نیز واژه‌های منفرد، صورت می‌گرفت. بطور کلی گام‌های چشمگیر در امر رمزگشایی به شرح زیر بود: لاسن^(۱۱) در سال ۱۸۳۶، مسئله واکه a پس از برخی از همخوانها را مطرح کرد؛ بعبارت دیگر، او پی‌برد که این همخوانها دارای یک واکه a ذاتی هستند. لاسن، همچنین در سال ۱۸۳۹، خاطر نشان کرد که پاره‌ای از نشانه‌ها تنها پیش از i و پاره‌ای دیگر تنها پیش از u، بکار رفته‌اند؛ راولینسن^(۱۲) در سال ۱۸۴۶، هینکز^(۱۳) در سال

۱۰. برای اطلاع بیشتر از مسئله رمزگشایی و روند تکمیلی آن در فارسی باستان (پ ۱۷-۱۴) نگاه کنید به:

مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، صص ۹۷-۹۲، تاریخ ادبی ایران، ج ۱، صص ۹۸-۹۳، زبانهای خاموش صص

۵۳-۵۶

۱۱. Lassen

۱۲. Rawlinson

۱۸۴۶ و اوپرت^(۱۴) در سال ۱۸۴۷، هریک جدا از دیگری پی بردند که این همخوانها، دارای واکه i و u ذاتی نیز هستند. اوپرت در همان زمان کشف کرد که واکه‌های مرکب، بوسیله i یا u پس از همخوان دارای a ذاتی، نشان داده شده‌اند، و نیز اینکه n و m پیش از همخوانها حذف گردیده‌اند.

پ ۱۷ - شرح کوتاهی از روند رمزگشایی. جزئیات روند رمزگشایی، در صورت فهرستوار زیر به بهترین وجه نشان داده شده است. برای سادگی در تدوین، من c و j را به جای ç, j, و نیز برای نشان دادن بهتر آوا، ç را به جای θr, به کار برده‌ام.

دانشمندانی که در امر رمزگشایی مشارکت داشته‌اند، با کوته‌نوشت‌های زیر نشان داده شده‌اند؛ تاریخ انتشار آثار آنان نیز داده شده است:

بیر	B Beer 1838	لاسن	L Lassen 1836 , 39, 45
بورنوف	Bf Burnouf 1836	مونتر	M Münter 1802
براندنشتین	Br Brandenstein 1932	اوپرت	Op Oppert 1847 , 51,74
اوت	E Evetts 1890	راسک	Rk Rask 1823
گروتفند	G Grotefend 1802	راولینسن	Rl Rawlinson 1846
هینکز	H Hincks 1846	شیل	Sc Scheil 1929
هولتزمن	Hl Holtzmann 1845	سن مارتین	SM Saint-Martin 23,32
هرتسفلد	Hx Herzfeld 1931	تیخسن	Ty Tychsen 1798
ژاکت	J Jacquet 1838	ویندشمان	W Windischmann 1845

پیشرفت رمزگشایی نشانه‌های حاضر شماره

1	a	a G 02
2	i	y SM 23, i SM 32

3	u	u G 02
4	k ^a	k Bf-L 36
5	k ^u	k G 15, k ^u L 39, ku Rl-H 46
6	x ^a	kh G 02
7	g ^a	g L 36
8	g ^u	gh Bf 36, g, L 36, gu Rl-H 46
9	c ^a	k, J 38
10	j ^a	z J 38, ĵ Hl 45
11	j ⁱ	g, L 36, ji Rl 46
12	t ^a	t G 02
13	t ^u	t, L 36, t ^u L 39, tu W 45, Rl 46
14	θ ^a	ç L 36, th J 38, θ L 39
15	ç ^a	t, L 36, thr L 45, tñ Rl 46
16	d ^a	d G 02
17	d ⁱ	d, Hl 45, di Rl-H 46
18	d ^u	d, L 36, du Rl-H 46
19	n ^a	n Rk 23
20	n ^u	nu Rl 46
21	p ^a	p G 02
22	f ^a	f G 02
23	b ^a	b Bf-L 36
24	m ^a	m Rk 23
25	m ⁱ	m L 36, m ⁱ L 39, mi Rl-H 46
26	m ^u	mu Rl 46
27	y ^a	y B-J 38
28	r ^a	r G 02
29	r ^u	sr G 15, r ^u J 38, ru Rl 46
30	l ^a	l Op 51
31	v ^a	w L 36, va Rl-H 46

32	v ⁱ	v SM 23, vi RI-H 46
33	s ^a	s G 02
34	š ^a	sch G 02
35	z ^a	z Bf-L 36
36	h ^a	h B-J 38

اندیشه‌نگارها و ترکیب

37	XŠ	شاه	M-G 02
38	DH	کشور	L 45
39	BU	زمین	L 45
40	AM	اهورامزدا	Op 74, E 90
41	BG	بغ	Sc 1929
42	AMha auramazdā	Sc 1929, auramazdāha	Br 1932 (cf. Hz 1931).

نشانه جداکننده واژه

43	:	Ty 1798

پ ۱۸- دستگاه هجانگار فارسی باستان. کتیبه‌های تحریر شده به زبان فارسی باستان، روی مواد سخت گوناگون، با دستگاه هجانکاری حک شده‌اند که در آن دستگاه، هر نشانه دارای یک ارزش واکه‌ای یا هم‌ارز یک همخوان به علاوه یک واکه است. به ۳۶ نشانه این دستگاه، باید ۵ اندیشه‌نگار (پ ۴۲)، یک ترکیب اندیشه‌نگار و پایانه حالت (پ ۴۲)، نشانه جداکننده واژه (پ ۴۴)، و نشانه‌های عددی (پ ۴۳) را نیز افزود.

این دستگاه هجانگار، بروشنی هرچه تمامتر، به دستگاه هجانگار میخی اکدی باز می‌گردد، اما سادگی آن در قیاس با دستگاه هجانگار منشاء، نشان می‌دهد که این دستگاه، ویژه کاربرد حاضر حرد آراسته شده است. مدرک قطعی وجود ندارد که نشان بدهد نشانه‌های نوشتاری اکدی چگونه به کار می‌رفته‌اند و نیز روشن سازد نشانه‌های

جدید، چگونه دارای ارزش آوایی فارسی باستان شدند، هرچند که تعدادی از دانشمندان در این زمینه نظریه‌هایی را مطرح کرده‌اند.^۹

دستگاه هجانگار فارسی باستان

a	j ^a	n ^a	r ^a
i	j ⁱ	n ^u	r ^u
u	t ^a	p ^a	l ^a
k ^a	t ^u	f ^a	v ^a
k ^u	θ ^a	b ^a	v ⁱ
x ^a	ç ^a	m ^a	s ^a
g ^a	d ^a	m ⁱ	š ^a
g ^u	d ⁱ	m ^u	z ^a
c ^a	d ^u	y ^a	h ^a

اندیشه‌نگارها

XŠ=xšāyaθiya

BU=būmiš

DH=dahyāuš

AM=auramazdā

BG=baga

AMha

نشانه جداکننده واژه

< \

همچنین، این مسئله نیز نامشخص است که در چه زمانی، نظام نوشتاری

فارسی باستان ابداع شده است. کتیبه‌های موجود عمدتاً به داریوش اول و خشایارشا تعلق دارند، و این امر ما را بر آن می‌دارد که این ابداع را به فرامین داریوش، هنگامیکه در نظر داشت وقایع دوران جلوس خود را در صخره بهستان^(۱۵) ثبت کند، مربوط بدانیم؛ اما سه کتیبه وجود دارد که یکی به کورش (و کتیبه‌های دیگر) آنگونه که نشان می‌دهند، یکی به آریارمنه و یکی به آرشام متعلق است. دو کتیبه اخیر، احتمالاً به عنوان یادواره و یا منظوره‌های دیگر، در دوره بعد (از صاحبان آن) نوشته و نصب شده‌اند^{۱۰}؛ چنانکه نگارش و نظام نوشتاری آن نیز حدوداً به زمان اردشیر دوم اشاره و دلالت دارد^{۱۱}. از کتیبه‌های کوروش هم، یکی بسیار مقطع و آن دو دیگر نیز به شکلی بسیار کوتاه است؛ اما از آنجا که این کتیبه‌ها در قصر متعلق به کورش^{۱۲} در پاسارگاد (مرغاب) تحریر شده‌اند، بنابراین نشان می‌دهند که دستگاه هجانگار میخی فارسی باستان، در زمان کوروش، هم وجود داشته و هم به کار می‌رفته^(۱۶) است^{۱۳}.

پ ۱۹- نشانه‌های ۳۶ گانه هجایی فارسی باستان به شرح زیر عبارتند از:

۳ نشانه واکه‌ای: a i u

۲۲ نشانه همخوانی با a ذاتی: k^a x^a g^a c^a j^a t^a θ^a

ç^a d^a n^a p^a f^a b^a m^a y^a r^a l^a v^a s^a š^a z^a h^a

۴ نشانه همخوانی با i ذاتی: jⁱ dⁱ mⁱ vⁱ

۷ نشانه همخوانی با u ذاتی: k^u g^u t^u d^u n^u m^u r^u

چنانچه آوانویسی دقیق از خط میخی مورد نیاز باشد، می‌توان آن آوانویسی را با حفظ واکه‌های ذاتی به عنوان حروف برکشیده، ارائه کرد، در غیر این صورت برای بیشتر اهداف، یک آوانویسی عادی می‌تواند کافی باشد.

پ ۲۰- نظام الفبایی عادی فارسی باستان بصورت بکار رفته در این اثر به شرح زیر است:

۱۵. گونه دیگر نام بیستون

۱۶. برای اطلاع بیشتر، نگاه کنید به: ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ص ۸۳-۴۷.

a ā i ī u ū k x g c j t θ ç d n p f b m y r l v
s š h.

آوانویسی مورد استفاده در اینجا، از بعضی جهات با آنچه که برخی از دانشمندان در سالهای اخیر بکار برده‌اند به شرح زیر تفاوت دارد:

ā نیز â (KT, Scheil)

ī ū i u بدون نشانه بلند (KT, Wb., Scheil, Mt., Bv.).

x kh (KT), k (Wb.), h (Kg, Brd), h (Hinz).

c یا č k (Wb.).

j یا r j (Wb., Scheil), ž (Hz., Hinz)

θ یا p th (KT), i (Wb., Hinz), i (Scheil).

ç tr (KT), θ^r (Tm., Hz.), r^s (Wb.) ss (Bv.)^{۱۴},

s (Kg., Brd., Hinz).

f p (Wb.).

y v j w (Kg., Brd.).

برخی از دانشمندان نیز، اغلب، h و n محذوف را بوسیله حروف برکشیده یا حروف قرار گرفته در پرائتز، و یا اینکه n محذوف را بوسیله علامت ابرو (~) در بالای واکه پیشین نشان می‌دهند. در این زمینه گونه‌های دیگر آوانویسی نیز دیده می‌شود، که اشاره به آنها در اینجا مناسب نیست.

پ ۲۱- تظاهر a در خط فارسی باستان. نشانه نوشتاری a در آغاز واژه، بصورت

ā، یا ā تظاهر می‌شود، و تصمیم‌گیری در انتخاب یکی از آندو باید بر زمینه‌های ریشه شناختی و نیز ساخت شناختی واژه استوار باشد. در جای دیگر واژه، نشانه a تنها پس از یک نشانه همراه با a ذاتی به کار می‌رود که در این صورت ارزش آن برابر است با ā؛ بدین ترتیب خواهیم داشت: n^a am^aa = nāmā. هرگاه a ذاتی و جدا نشدنی، بلافاصله بوسیله همخوان دیگری دنبال شود، و یا در موضع پایانی قرار گیرد، a مربوط به آن همخوان یا بصورت ā تظاهر می‌کند و یا کاملاً بی‌ارزش می‌شود، بنابراین خواهیم داشت:

پ ۲۴. $d\bar{a}r\bar{s}a^a = dar\bar{s}am$. برای a یا $\bar{a}$ در واکه‌های مرکب، نگاه کنید به، پ ۲۴؛
برای $\check{a}$ پایانی که به صورت $\bar{a}$ نوشته می‌شود، نگاه کنید به، پ ۳۶.

پ ۲۲. **تظاهر i و u در خط فارسی باستان.** i فارسی باستان، بصورت عادی در موضع آغازین به شکل i ، و در موضع میانی به شکل $\bar{i}$ با یک همخوان همراه با i که بر آن مقدم شده باشد و در صورت عدم وجود نشانه همخوان ویژه همراه با i به جای آوای بی صدا، با تقدم یک همخوان همراه با a ، تظاهر می‌کند. بنابراین خواهیم داشت:

$$im^a = ima, j\bar{i}v^a = j\bar{i}va, p^a it^a a = pit\bar{a}$$

تظاهر u در فارسی باستان نیز به همین نحو است:

$$ut^a a = ut\bar{a}, k^u ur^u u\check{s}a = k\bar{u}ru\check{s}, p^a u\check{s}^a = pu\check{s}a.$$

بدین ترتیب، تفاوت میان i و u کوتاه و بلند در خط نشان داده نمی‌شود، به جز در موردی که بعداً (پ ۲۳) به عنوان یک رویداد نادر، روی آن بحث خواهد شد؛ و در جاییکه نشانه همخوان ویژه همراه با $\bar{i}$ و یا نشانه همخوان همراه با u وجود نداشته باشد، دیگر وسیله‌ای برای نشان دادن تمایز میان $\bar{i}$ و واکه مرکب ai و نیز تفاوت $\bar{u}$ و au وجود ندارد (پ ۲۴)

گاهی i پس از یک همخوان با i ذاتی و نیز u پس از یک همخوان با u ذاتی، حذف می‌شود؛ در مورد عادی سازی آنچه که ما بصورت حذف بوسیله واکه ذاتی به عنوان یک نشانه برکشیده نشان می‌دهیم، در زیر مثالهایی آمده است:

$vi\theta$ DB 1.65، $v^i\theta bi\check{s}$ DB 1.65، و شکل‌های دیگر همین واژه؛ نیز پیوسته در DB، اما $vi\theta$ در کتیبه‌های دیگر.

$v\check{i}\check{s}t\bar{a}s-pa-pam-pahy\bar{a}$ پیوسته در DB، در بعضی از کتیبه‌های DS و نیز در کتیبه‌های متعلق به اردشیر دوم و سوم، اما $v\check{i}\check{s}t\bar{a}spa$ و غیره، در جاهای دیگر. $arm^i niyaiy$ چهار بار در DB، و نیز $-min-$.

$j\bar{i}va-diy A^2Sd 3$ ؛ اما $j\bar{i}va, j\bar{i}vahy\bar{a}, aj\bar{i}vatam, j\bar{i}v\bar{a}$ هریک دوبار در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا.

$M^i\theta ra$ ، $M^i tra$ و نیز $Mit [ra]$ ، در کتیبه‌های متاخر.

[uvāra]zm^lya A?P 8; vahyav^lšdāpaya Sd
 ، اما در موارد بسیار زیاد nabuk^udracara DB 1.78f, 84, 93
 .nabukudracara
 .kud^uruš DB 265
 sugudā DSf 38 ، suguda DB 1.16; DNa 23، اما ، sug^uda DPe 16
 ، s^aug^uud^a در کنار s^aug^ad^a با sugdam DPh 6, DH 5 ; sugda XPh 21
 مقایسه کنید با:
 h^ar^uuv^a در کنار صورت معمولی f^ar^ah^ar^av^am^a = fra-haravam DB 1.17
 = haruva (DB 1.40) و غیره. i پس از یک همخوان با a ذاتی، دوبار در
 کتیبه‌های داریوش و چهار بار در کتیبه‌های اردشیر دوم حذف شده است؛ ما این
 مورد را با یک a برکشیده می‌توانیم نشان دهیم:
 ، در جای دیگر bāb^arau^v DBi 11
 .baratiy (cam) ، قرائت غلط برای barat^ay DB 5.22f
 (نسخه‌های d,c) haxamān^ašiya ؛ haxāmaniš^aya DSa 2f, A²Sd 2, (d,c)
 haxāmanišiya ؛ برای صورت معمولی A²Sa3
 *abiyaparam برای ab^ayapara A²Sa 4
 [n^ayā] kama A²Sa 4 و احتمالاً apan^ayākama A²Sa 3

پ ۲۳- نشانه نوشتاری بلندای i و u در نهایت پراکنده بوده و بطور مطلق
 مشخص نیست، حتی در مواقعی که با معنی به نظر می‌رسد. از آنجائیکه i و u
 پایانی، چه بلند و چه کوتاه (پ ۸-۳۷) بصورت i^a و uv^a- نوشته می‌شده،
 لذا، تنها در مواضع دیگر می‌توان نشانه بلندا را جستجو نمود.

I- ظاهراً -iya- در موضع میانی واژه‌ها، بصورت -ī-، کوتاه می‌شود؛ در این
 مورد مثال‌های زیر وجود دارد:

niyašādayam DNa 36. nišādayam XPh 34f. niyaštāya DSn 1,
 XPh 50,XV 21. ništāya XPh 52.

abiyajāvayam XPg 9. abljāvayam XPf 40.

niyasaya DNb 5,46,49، احتمالاً برای *niyayasaya؛ اما مقایسه شود با: پیوست،

۲۰۵ا.۳۱

، *maryaka* ، سنسکریت *mērak* ، مقایسه شود با: پهلوی *marīka-DNb 50, 55, 59°* ، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

در افعال، شاید علایم نوشتاری بلندتر، بتوانند بطور مثال، همانند *nījāvayan* و غیره با رعایت برابری - *iy^a* - و - *īy* - نشانه خطی برای - *ī* -، عادی شوند؛ اما این امر در مورد صورت‌های کوتاه نشده این افعال که احتمالاً از طریق قیاس با صورت‌های غیرترکیبی همانند **ajārayam* و غیره، درجائیکه اختصار غیر ممکن بوده، بدست آمده در کنار صورت‌های کوتاه شده، بازمانده‌اند، بصورت قطعی نمی‌تواند تحقق یابد.

-II برای برابری *uv^a* و *ū* (*uv^a = ū*)، شواهد بهتری وجود دارد؛

مقایسه شود با مثال‌های زیر:

ūvnarā DNb 45, 51, ūvnaraibiš DNb 48, sūnāra-

uj^a uj^aiy^a = ūja ، بیشتر اوقات در کنار *uv^aja uv^ajiy^a = ūvja ūvjiya* ، مقایسه شود با: صورت متاخر *huž* *ūjaiy*

dahyūvnām DPh 2, DH 1f, dahyūnām ، در کنار بسامدهای زیاد *parūvnām DNa 6,7, DSe 6,7, A³Pa 6,7, parūnām* ، در کنار بسامدهای زیاد

واژه اخیر، ما را به منشاء این کاربرد راهنمایی می‌کند: *paruv* در حالت فاعلی مفرد خنثی، برای **parū* ، مأخذ نوشتار، در صورت به اشتباه تقسیم شده *paruv : zanānām* (پ ۴۴) ، پنج بسامد) ، به اندازه صورت سرهم *Paruvzanānām (XPb 15f, XPd 11)* ، در کنار صورت درست *Paruzanānām (DE 15f, XE 15f)* ، با *ū* بوده است؛ از آنجائیکه نوشتار این واژه در حالت جمع وابستگی به *parūnām* تبدیل شد، و با توجه به بلند بودن *ū* در آن، صورت *parūvnām* بدست می‌آید، از این روی صورت *dahyūnām* نیز در حالت جمع وابستگی، به شکل *dahyūvnām* در آمد. اما در *ūvja* و *ūvnarā* کاربرد - *uv* - در موضع آغازین، باید برای رعایت تلفظ غلیظ در فرایند تقطیع به منظور ساده‌سازی نوشتار، بازمانده باشد (پ ۴۶).

پ ۲۴- واکه‌های مرکب در موضع آغازین از طریق افزودن نشانه *a* به نشانه *i* یا *u*

(a + i یا u)؛ و در موضع میانی و پایانی از طریق افزودن همخوان همراه با a نشانه i یا u، بدست می آید (برای واکه‌های مرکب پایانی، نگاه کنید به: پ ۳۷-۸):

$aiv^am^a = aivam$, $aur^aa = Aurā$; $d^aiv^aa = daivā$,

$t^aum^aa = taumā$; $n^aiy^a = naiy$, $h^auv^a = hauv$.

واکه‌های مرکب بلند، نمی‌توانند در تمایز با واکه‌های مرکب کوتاه، در موضع آغازین، نشان داده شوند، اما در موضع غیر آغازین، می‌توان آنها را با نوشتن نشانه a، برای بیان بلند، نشان داد:

$f^raaiš^ay^am^a = frāišayam$, $d^ah^ay^auša = dahyāuš$ ، اما $aiš^a = āiš$,

ابهامات در توجیه، در جایی پیش می‌آید که نشانه‌های ویژه برای همخوان‌های دارای i ذاتی و u ذاتی موجود نباشد:

gen. $Cišpais$ و nom. $Cišpiš$ ، در همین وضعیت، جهت تمایز، صورت نوشتاری $cišpāiš = c^aiš^ap^aiš^a$ نیز برای حالت وابستگی، دیده شده است. $t^aiy^a = act. tiy$, mid-taiy, پایانه شخص، سوم شخص مفرد. $pauça = puça$ ، که می‌توانست بصورت pauça نشان داده شود، البته اگر نوشتار چنین صورتی از واژه ضرورت می‌یافت.

پ ۲۵-۲۶ پس همخوانی بصورت -iy - نوشته شده است؛ بنابراین:

$an^aiy^a = aniya$ ، سنسکریت: anyās؛ $dušiyāram = d^uūš^aiy^ar^am^a$ ،

خشکسالی، از: سال $*duš + iār$. اما hy بصورت hiy نوشته نمی‌شود، زیرا i بصورت عادی پس از h ظاهر نمی‌شود (پ ۲۷، در این پاراگراف تعدادی از گونه‌های مختلف نوشتاری فهرست شده است).

در این میان، استثنای مهم و منظم، ضمیر موصولی و حرف تعریف -tya است که همیشه بصورت $t^ay^a = tya$ نوشته شده و هیچگاه به شکل $t^aiy^a = tiya$ دیده نمی‌شود.

علت این امر این است که حالت فاعلی مفرد مذکر و مونث واژه فوق hya و hyā (سنسکریت: syās, syā) است که در آن i نمی‌تواند نوشته شود (پ ۲۷)؛ و الگوی صورتهای دیگر نیز که از بن -tya استفاده می‌کنند، بر همین اساس

ساخته می‌شود، بنابراین:

حالت فاعلی مذکر hya، مونث hyā، خنثی tya؛ حالت مفعولی صریح، مذکر tyam، مونث tyām، خنثی tya و غیره.

پ ۲۶-۷ پس همخوانی بصورت -uv- نوشته می‌شود، بنابراین:

$h^a r^u u v^a = haruva$ ، سنسکریت: $sārvas$ ؛ $\theta^a u v^a m^a = \theta u v \bar{a} m$ ، سنسکریت: tvām. در $f^a r^a h^a r^a v^a m^a$ که برابر است با fraharavam (برای fra-haruvam)، یک نوشتار استثنایی وجود دارد. زیرا h پیش از u- به نوشتار در نمی‌آید و از این روی huv در مقابل hv بصورت uv نوشته می‌شود (پ ۲۸).

پ ۲۷- ترکیب $h^a i$ نوعی ترکیب ویژه است، زیرا بصورت عادی تنها می‌تواند هم ارزش با hai مورد استفاده قرار گیرد و نه hi. در هنگام ظهور hi، واکه i، اعم از اینکه یک واکه ریشه‌ای باشد و یا تنها بخش از hiy به جای hy (پ ۲۵) و یا اینکه به hi- پایانی تعلق داشته باشد (پ ۳۷)، بصورت طبیعی در نوشتار حذف می‌شود:

$an^a h^a t^a = Anah^a ta$, Av. Anāhitā; $d^a h^a y^a auš^a = dahyāuš$, Skt. dāsyu; $h^a y^a = hya$, Skt. syās; $p^a r^a i b^a r^a h^a y^a = pari-barāhy$, Skt. bhārāsi; $h^a z^a an^a m^a = h^a z \bar{a} nam$ DB 2.74, Av. hizvā.

y- در hy- به جای hi-، پیش از یک پی‌چسب، از بین می‌رود:
paribarāh^a-diš DB 4.74, cf. paribarāhy 78; vikanāh^a-diš DB 4.77, cf. vikanāhy 73.

به ندرت پیش می‌آید که h^a حذف و i، حفظ شود:

$aiš^a t^a t^a = a^h ištata$ DB 1.85, cf. Av. pres. hištaite

هر دو گونه نوشتار در مثال زیر دیده می‌شود:

maniyāhaiy برای maniyāiy XPh 47, maniyāhay Dpe 20

$h^a i$ بطور استثنایی هم ارزش و بجای hi در نام مکان $hi^n duš = h^a i d^u uš^a$ و اشکال دیگر آن، در معنی قومی آن بصورت $h^a i d^u y^a = hi^n du y^a$ ، و نیز یک بار در $an^a h^a it^a = anahita$, A²Sd 3f آمده است. گاهی، واژه‌های دارای

A

A

$h^a i y^a$ به جای hiy - که بطور عادی بصورت $h^a y^a$ نوشته می شود نیز، به چشم می خورند، که عبارتند از:

$a\theta a h y a$ در جاهای دیگر $a\theta^a h^a i y^a = a\theta a h i y a$ XPh 18

$d r a y a h y \bar{a}$ در جاهای دیگر $d^a r^a y^a h^a i y^a a = d r a y a h i y \bar{a}$ XPh 23

$a h^a i y^a a y^a a = a h i y \bar{a} y \bar{a}$ XPb 17, XPd 12, XE 17 و در برخی از تحریرهای XPj؛ در جاهای دیگر $a h y \bar{a} y \bar{a}$.

$X\check{S}y^a h^a i y^a a = X\check{S}y a h i y \bar{a}$ ظاهراً در برخی از تحریرهای XPj؛ در جاهای دیگر $X\check{S}y a h y \bar{a}$.

پ ۲۸- ترکیب $h^a u$ نیز یک ترکیب ویژه است، زیرا تنها هم ارزش با hau می تواند به کار رود، چنانکه در: $h^a u v^a = hauv$. در هنگام نشان دادن h^a ، hu پیوسته حذف می شود و تنها u به نوشتار در می آید:

$u b^a r^a t^a m^a = h u b a r t a m$; $p^a t^a i p^a y^a u v^a a = p a t i y a p a y a h u v \bar{a}$, cf. Skt. - yasva; $a n^a i y^a a u v^a = a n i y \bar{a} h u v \bar{a}$, cf. Skt. anyāsu + ā; $d^a a r^a y^a v^a u \check{s}^a = n o m . d \bar{a} r a y a v a h u \check{s}$, $d^a a r^a y^a v^a h^a u \check{s}^a = g e n . D \bar{a} r a y a v a h a u \check{s}$.

پ ۲۹- ماندگاری واکه r در فارسی باستان^{۱۵}، در روند عادی سازی مشکلاتی را بوجود می آورد. صورت عادی شده پاره ای از واژه های دارای r^a قطعی است. بطور مثال $g^a r^a m^a$ در ماهنام - garmapada، بصورت نظری می توانست - grama یا - garama و یا - grma بشود؛ اما در عمل صورت - garma، براساس هم خانواده های ریشه ای، قطعیت یافته است. نامواژه $a r^a \check{s} \bar{a} m^a$ در واقع $r \check{s} \bar{a} m a$ است، اگرچه نشانه های نوشتاری آن بخوبی می توانند نشان دهنده $a r \check{s} \bar{a} m a$ باشند، و آنهایی که می خواهند آنرا با r به عنوان یک واکه، عادی کنند، واژه فوق را با استفاده از نشانه مربوط به آوای بستواج چاکنایی که در همه جا برای نشان دادن واکه ای، با ارزش a به کار میرود، بصورت $r \check{s} \bar{a} m a$ می نویسند. در حالیکه مادر واژه $\theta^a r^a m^a i \check{s}^a$ ، هیچگونه سرنخی از واکه هجای آغازین نداریم؛ واژه ممکن است $\theta a r m i \check{s}$ یا $\theta a r a m i \check{s}$ و یا $\theta r m i \check{s}$ باشد (اگرچه صورت $\theta r a m i \check{s}$ نادر است، زیرا θr به $\check{r}$ تبدیل شده است). برای پرهیز از

لزوم تصمیم‌گیری قطعی در جایی که هیچ‌گونه دلیل و سندی وجود ندارد، باید عادی سازی مورد استفاده در این شرایط را که ar همانند صورت آوایی ar و نیز صورت آوایی r است، پذیرفت، در آن مواردی نیز که ما فاقد هرگونه ملاک ارزش هستیم، عادی سازی می‌تواند ara یا ra باشد.

این مسئله ما را در هر جایی که به سه همخوان پی‌درپی برخورد کنیم، درحالی‌که همخوان نخست دارای a ذاتی باشد و همخوان دوم r^a باشد، در هرجائیکه به a آغازین + r^a + همخوان همراه با a برخورد کنیم، و نیز در هرجائیکه در پایان واژه با همخوان دارای a ذاتی مقدم بر r^a برخورد کنیم، با مشکل مواجه می‌سازد. دلایلی که می‌توانند سبب قطعیت ارزش آوایی شوند، انواع زیر را در برمی‌گیرند:

I- دلیل مبتنی بر قیاس ریشه‌شناختی: از آنجائیکه r فارسی باستان، تنها از صورت کهن تر r می‌آید، لذا از طریق تطبیق با r یا مشتقات آن در زبانهای دیگر، بویژه تطبیق با r(۱) سنسکریت، و (۲) arə اوستا arə اوستا، بطور طبیعی ثمره ar کهن‌تر باز آمده از er, or, ar, el, ol, al هند و اروپایی آغازین (است) قطعیت می‌یابد.

II- دلیل مبتنی بر (ساخت آوایی) ایرانی متاخر: تحول آواها در زبان پهلوی و نیز فارسی نو و گویش‌های گوناگون آن، می‌تواند تمایز میان ar کهن‌تر و r را نشان دهد. بعبارت دیگر r در فارسی نو بصورت ir، پس از آواهای دندانی و پسکامی، و بصورت ur پس از آواهای لبی ظاهر می‌شود، در حالی‌که ar پیوسته با ویژگی a باقیمانده و به ir یا ur تبدیل نمی‌شود.

III- دلیل مبتنی بر وامواژه‌ها: واژه‌های فارسی باستان دخیل در عیلامی به جای r با ur, ir، و به جای ar، با ar ظاهر می‌شوند؛ که البته در این مورد تناقضاتی نیز وجود دارد. همچنین و امواژه‌هایی در ارمنی و نیز چند واژه‌ای در عربی (از پهلوی) دیده می‌شود که دارای تفاوت‌هایی هستند که خود بازتاب تمایز میان r و ar در فارسی باستان است.

IV- گاهی نیز دلایل گوناگون دیگری وجود دارد که متناقض یکدیگرند، در چنین وضعی، تصمیم‌گیری، طبعاً باید بر دلیل قویتر استوار باشد^{۱۶}.

پ ۳۰- r فارسی باستان از طریق واژه‌های زیر مورد تثبیت قرار می‌گیرد؛ البته در

بسیاری از موارد، فهرست کاملتری از صورتهای مستند در این زمینه را می توان در واژه نامه یافت:

artācā=rtācā, Elam. ir-ta-ba-si؛ نیز در artaxšaça, artavardiya, artāvā, براساس حرف نویسی های عیلامی. aršaka, aršādā نیز در Aršāma=ršāma, Elam. ir-ši-ma, ir-šā-um-ma

arštām = rštām براساس ریشه شناسی، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه
aršti=rštiš, Skt.rstl-, اوستا aršti- (<r> اوستا: ar پیش از št)، فارسی نو: hišt (-h) بعداً افزوده شده است) نیز در arštibara.

avahar[da] = avahrda, Skt. ava-srjat.

uvāmaršiyuš=mršiyuš, Av. mərəθyu, Skt. mrtyú.

karta- = فارسی نو kārđ دارای -ār- براساس قیاس با اشکال دیگر فعل -kar-
krta-,Skt.krtā-,Av. kərəta-

karnuvakā=krnuvakā,cf.Av. present stem kərənv

karša=krša-,Elam. kur-šā-um.

agarbāyam, āgarbāta=-grb-,Skt. agrbhāyat,Av.gəurvayat.

Θāigarcaiš=grc-,Elam. sa-a-kur-ri-ši-iš.

Dādaršiš = -drš -, Skt. dādhṛṣi -, Elam.da-tur-ši-iš (یکبار: da-tar-ši-iš)

adaršnauš=-drš-, Skt. ádhṛṣṇot.

prcchāmi;parsāmiy=pršāmiy,Skt.Av. 3d sg.lmf. pərəsat; و اشکال دیگر همین فعل

Bardiya=Brđ-, Elam. blr-ti-ia.

parga=prga فارسی نو purg عربی: furj؛ علیرغم عیلامی: par-rak-qa.

barta,marta- برگرفته از ریشه های mar- و bar-، برابر با mrta-، brta-، سنسکریت: mrtā- و bhrtā-، اوستا: bərəta-, mərəta-.

vi-mardatiy، سنسکریت mrdāti

varnavatām و صورتهای دیگر؛ برابر با vrñ-، سنسکریت: vrñ-، اوستا: vərənav-.

Varkāna=Vrkān، عیلامی mi-ir-qa-nu-ia-ip، گرگان، گرگانی؛ پهلوی، فارسی میانه: gurgān، یونانی: Υρκαῖα.

vardanam=vrj-، اوستای گاهانی vərəzəna، اوستای متأخر varəzəna، سنسکریت: vrjáana؛ نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه.

ardata ، نقره ، اوستا: -ərəzata ، یزدی: ālī ، نقره؛ از صورت کهن تر -ard ، که الزاماً شاهد معتبری برای فارسی باستان نیست، زیرا یزدی یک گویش کردی است؛ سنسکریت: -rajatā- ، نیز دارای واج آغازین متفاوتی است.
-partara- ، جنگ ، نبرد ، اوستا: -pəšana- ، سنسکریت: -prtana-.

پ ۳۱- ar فارسی باستان از طریق موارد زیر مورد تثبیت قرار می گیرد:

از طریق نوشته های عیلامی:

Arxa (araxa 𐎠𐎼𐎡𐎴) , Arbairā- , Armina , Asagarta , Parθava ,
Frarartiš (fravartīkān 𐎠𐎼𐎡𐎴 𐎠𐎹𐎡𐎴) , Marguš , Mardunia , -vard-
Vidarna , (نیز اوستا xārənō 𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬀) → Artavardiya , Vidfarnā
Sparda , haumavargā:

بسیاری از این موارد از طریق اشکال یونانی و غیره نیز تایید می شوند.

از طریق واژه های همیشه اوستا و سنسکریت:

atar ، سنسکریت: antar-؛ garma- در garmapadahya ،

سنسکریت: -gharmá-؛ θard- اوستا: -sarəd-؛ darga- اوستا:

darəga ، سنسکریت: -dīrghá- ; baršnā ، اوستا: در حالت بایی ،

martiya-؛ barəšna سنسکریت: -martya-.

ardasfāna- ، قاب پنجره ، عیلامی: -har-da-iš-da-na-.

atarsatiy با ایرانی: -tars- ، زیرا فارسی نو: tārsād ، علیرغم اوستا: tarsaiti از -trs-

هر دو با پسوند هندواروپایی -ske-؛ سنسکریت: trāsati از *treseti.

c , cartanaiy نشان می دهد که قبلاً یک واکه پیشین بلافاصله پس از آن وجود داشته

است؛ بنابراین -car از *cer- از -ker*.

karkā یونانی: kāpikoi , kāpes عیلامی: kur-qa-ap ، که شاهد معتبری به نظر نمی رسد.

[va]rtaiyaiy در صورت همانندی با سنسکریت: vartaye ، نگاه کنید به واژه نامه ، زیر

مدخل مربوطه ، و نیز به -vart جهت ارجاع.

پ ۳۲- ara فارسی باستان از طریق موارد زیر مورد تثبیت قرار می گیرد:

از طریق واژه‌های هم‌ریشه در سنسکریت و اوستا:
partaram, hamarana-, para, aparam, apataram و اسم مصدرهای
-kara- و -bara- به عنوان عنصر دوم واژه‌های مرکب.

از طریق واجنویسی عیلامی و دیگر واجنویسی‌ها:
arakadriš (یا ark-?) ; arabāya، بخش پایانی nabukudracara.
arasam، ماضی استمراری از بن مضارع -rasa- (sa- از -ske-*)
فارسی نو: rāsām، علیرغم سنسکریت: rccchāti از *rsketi
arašaniš، سنسکریت: aratni، نیز نگاه کنید به: واژه‌نامه.
daraniya، اوستا: -zaranya، سنسکریت: -hiranya

پ ۳۳. ra فارسی باستان پس از همخوان‌ها از طریق موارد زیر تثبیت می‌شود:
پس از fθx، زیرا p t k پیش از همخوان‌های دیگر در زبانهای ایرانی به قرینه
به واک سایشی تبدیل می‌شود (θr) در فارسی باستان به ʔ تبدیل می‌شود اما در
مادی به همان صورت باقی می‌ماند، پ (۷۸): fra- به عنوان پیشوند،
سنسکریت: para، و تمام واژه‌هایی که با -fra- آغاز می‌شوند؛ xraθum؛ Miθra

از طریق حرفنویسی‌ها:
patigrabanā ؛ dra - در -zraka ؛ nabukudracara، یونانی: Δραγγιάων.
fraštam در -u - frastam، u - fraštam، وجه وصفی از ریشه لاتین: precor با
حفظ واکه با درجه قوی.
brazmaniya، عیلامی -bur-ra-is-man-nu-ia.
vazraka، یک واژه مورد بحث؛ نگاه کنید به مراجع مدخل مربوطه در
واژه‌نامه.

پ ۳۴. نشانه خطی ra فارسی باستان با ارزشی غیر قطعی. نشانه خطی ar
فارسی باستان نمی‌تواند در موارد زیر با قطعیت مورد ارزشیابی قرار گیرد:
موارد غیر قطعی با درجات گردش واکه: Ardumaniš که در برابر آن آوانویسی
عیلامی وجود ندارد؛ duvaθim ؛ [da]rtanam که در آن هم بازسازی و هم

ساخت، غیر قطعی است.

مواردی که در برابر آنها هم‌ریشه وجود ندارد: *arjanam*؛ *θarmiš*.

پ ۳۵- *ar* فارسی باستان پیش از *y* و *r* فارسی باستان، در این موقعیت، نمی‌تواند بطور قطعی تظاهر کند. در تمام مثال‌ها، نشانه نوشتاری *ar*، بوسیله *iy* یا *uv* دنبال شده، گویی *r* دقیقاً به گونه یک همخوان قلمداد گردید است. در حالیکه در بعضی از واژه‌ها، شواهدی برای ارزش *ar* وجود دارد.

I- توالی *-ariy-* در *ariya* (و ترکیبات مربوطه)، یافت می‌شود، در حالیکه برابر آن به عیلامی *har-ri-ia* است، با تحقق واحد آوایی *ar*، نه *r*؛ و نیز به همین صورت در ساخت میانه *amariyatā* از ریشه *mar-* مردن، ساخت مجهول *abariya* از ریشه *bar-*، حمل کردن، و نیز ساخت‌های مجهول *akariyatā* و *akariya kariyaiš* از ریشه *kar-*، کردن، ساختن. برابر این صورت‌ها، در سنسکریت، در سوم شخص مفرد ماضی استمراری عبارتند از *abhriyata* و *amariyata*، اما اشکال گوناگون بر ساخته از ریشه *kar-* در فارسی باستان نمی‌توانند دارای این نظام واکه‌ای باشند، زیرا در آن صورت نتیجه، *-axriya** خواهد بود. در این فعل و به تبع آن در این اشکال، میان *k* و *r*، واکه‌ای وجود داشته است: اعم از یک واکه کامل و یا یک واکه تحلیل یافته و ضعیف (شوای ثانویه یا *ṛ*)، که با ارزش کامل یک واکه کوتاه در هند و ایرانی به کار می‌رفته است. احتمال دارد که دو فعل دیگر نیز دارای همین ساخت بوده باشند. بنابراین تائیدیه محکم و مطمئنی برای توالی *ri* در فارسی باستان باز مانده وجود ندارد.

II- برای *-aruv-* فارسی باستان، مثال‌های زیر را پیدا می‌کنیم:
haruva-، یک بار بصورت *fra-haravam* نوشته شده است؛ سنسکریت:
sārva- نشان می‌دهد که این واژه دارای یک واکه کامل بوده است، همانگونه که شکل یونانی *ὄλος* بیان می‌کند.
Paruvam (و مشتقات) برابر با سنسکریت: *pūrva-* که دارای *ṛ* بوده است؛ این آوا در اوستا به *ar* تبدیل شده، و از این رو در اینجا *arv* ایرانی وجود دارد.
aruvāyā و *aruvastam* احتمالاً دارای *arv-* هستند، زیرا عیلامی *aruvastam*

را بصورت har-ma-as-tām (در برابر هرتسفلد ApI 80 har-wa-as-tam) واجنویسی می‌کند.
gaubaruva برابر با barv، در نمونه عیلامی: kam-bar-ma یا baruv- در
نمونه در افزوده اکدی: gu-ba-ru-، یونانی: γωβρυνς

پ ۳۶- ā پایانی فارسی باستان.

- I ā پایانی فارسی باستان با علامت بلند نوشته می‌شده و با افزایش نشانه مجزا
برای a همراه بوده است: ut^aa=utā، سنسکریت: utā؛ cā=-cā^a،
سنسکریت: ca؛ martiyahyā=ma^ara^at^aiya^ahyā^a، سنسکریت: asya-.
- II امانشانه نوشتاری ā^(۱۷) پایانی پیوسته هر ā پایانی یا هر ā را که بوسیله یک
همخوان کمینه نانوشتاری دنبال شده باشد، نشان می‌دهد (پ ۴۰):
pitā^a=pitā، سنسکریت: pitā؛
napā=napāt^t، سنسکریت: napāt؛
pārsā=pārsā^d در حالت ازی، سنسکریت در حالت ازی: ād؛
در حالت فاعلی جمع مونث: tyā^h=tyā^h، سنسکریت: tās.
- III هر نشانه نوشتاری ā پایانی، ā همراه با یک همخوان کمینه نانوشتاری پایانی را
نشان می‌دهد:
abā^arā برابر است با abara برای abara^t، سنسکریت: ābharat یا ābaraⁿ،
سنسکریت: ābharan؛
hā^ayā برابر است با hya برای hya^h، سنسکریت: syās؛
tā^ayā برابر است با tya برای tya^d، سنسکریت: tyād؛
pā^aiçā برابر است با piça برای piça^h، یونانی: πατρός.
- IV گاهی نشانه نوشتاری ā پایانی در یک واژه، ā پایانی فاقد همخوان را نشان
می‌دهد، بویژه اگر با واژه بعدی رابطه تنگاتنگ نحوی وجود داشته باشد؛ این
وضعیت در واقع در شناسه وابستگی āhyā- برابر با سنسکریت: asya- محدود
می‌شود:

۱۷. ā با نشانه نوشتاری مستقل

الف: پیوسته در *ahyā* - شناسه وابستگی در ماهنام، پیش از واژه
;viyaxnahyā māhyā DB 1.37: māhyā

مثال‌های دیگر در: 1.42, 96; 2.26, 36, 41, 56, 61, 69, 98

و بازسازی شده در: 1.89 3.88; 3.7f, 18, 39, 46, 63, 68

ب: گاهی اوقات در حالت‌های وابستگی دیگر، قرار گرفته پیش از اسامی که
 به آن وابسته می‌شوند:

(اما *hyā* - در DB 2.15f, 2.81; *uvaxštrahyā taumāyā*; DB 4.19, 4.22, e.7, g.9f)

(اما *hyā* - در DB 1.79; *nabunaitahyā puça*; DB 3.81, 4.14, 4.30, d.5f, i-7f)

DB 3.79: *halditahyā puça*، یا همراه آنچه که با هم مطابقت می‌کنند:

10 : *aurahyā mazdāha* XPc (مقایسه شود با پ ۴۴)؛

DSb 8f: *būmiyā haruvahyāyā* (اما احتمالاً *yāyā* - در DSf 16, 18).

پ: چهار بار پیش از یک واکه آغازین، همه در یک قطعه کوتاه
 : (DB 3.38-51)

DB 3.38f, 3.46 : *vahyazdātahyā aja*

DB 3.49 : *āhatā agarbāya*

(معمولاً *āhatā*) DB 3.51 : *āhatā uvādaicaya*

در هیچیک از این موارد رابطه نحوی، دقیق نیست. نیز مقایسه شود با: پ
 DB 5-2f/III در مورد

پ ۳۷- i پایانی فارسی باستان پیوسته همراه با *y^a* در افزوده (پ ۴۶) نوشته
 می‌شده است:

āsmi، سنسکریت: *amīya = amiy*

āsti، سنسکریت: *as^at^aiy^a = astiy*

این مورد شامل واکه مرکب *-ai* نیز می‌شود: *vain^aaiy^a = vainataiy*

اما *hi* - پایانی، که بنابر انتظار *h^aiy^a* - برابر با *hiy* - را می‌دهد، باید بصورت

h^ay^a - برابر با *hy* - نوشته شود، زیرا *h^ai* در واقع هرگز برای *hi* نوشته نمی‌شود

پ (۲۷): $am^a h^a y^a$ برابر با amahy برای *as-masi ; $v^a in^a ah^a y^a$ برابر با vaināhy

پ ۳۸- u پایانی فارسی باستان پیوسته همراه با v^a در افزوده (پ ۴۶) نوشته می شده است:

$h^a uv^a = ha uv$; $bh^a ratu$: سنسکرت: $b^a t^a t^a va = baratuv$; anu : سنسکرت: $an^u ur^a = anuv$; $puru$: سنسکرت: $p^a t^a uv^a = paruv$

پ ۳۹- آواهای خیشومی فارسی باستان پیش از همخوان‌ها در نوشتار حذف می شده‌اند، مگر پیش از y و v در صورت نیاز، هریک از آواهای حذف شده، می تواند بوسیله حروف برگشیده، در آوانویسی عادی شده، نشان داده شوند: $h^a t^a iy^a = ha^a tiy$ ، سنسکرت: $sánti$ ؛ «کمبویه» $ka^m bujia$ ؛ $ka^b a uj iy^a$ ؛ نگاه کنید به واجنویسی‌های عیلامی، اکدی و یونانی در واژه‌نامه؛ $b^a d^a k^a = ba^a daka$ ؛ پهلوی: $bandak$ ؛ $ka^m pa^a da$ ؛ عیلامی: $qa-um-pan-taš$ ؛

پیش از پی‌بست‌ها، آوای خیشومی پایانی که بصورتی دیگر می تواند به تحریر در آید حفظ می شود:

$g^a i^a am^a caa$ برابر با $gai^a am-cā$ ؛ $xšačam-šim$ ، $paruvam - ciy$ ، $adam - šim$ ، برای -ny- و -niy-،nv- و -nuv- نیز نمونه‌های زیر نوشته شده‌اند (پپ ۲۵-۶):

$an^a iy^a = aniya$ ، سنسکرت: $an^i yàs tunuva^a tam$ = *؛ برای $t^u un^u uv^a t^a m^a$ ؛ *tunvantam.

پ ۴۰- همخوان‌های خفیف پایانی فارسی باستان در نوشتار حذف می شده‌اند، این همخوان‌ها عبارتند از: s (پس از $\bar{a}$)، nt ، n ، d ، t ؛ در آریایی آغازین s به h تبدیل شده و nt به n تقلیل یافته است. از این امر که این آواها از ظهور $\check{a}$ که واکه بلندی بر آن مقدم شده باشد، جلوگیری می کنند چنین بر می آید که آنها، ولو با ارزش کمینه، هنوز دستکم پس از $\check{a}$ کوتاه، به تلفظ در می آمده‌اند (پ III / ۳۶): بنابراین در حالت ندایی، $martiyā$ برای -yā-، سنسکرت: ya ؛

اما در حالت فاعلی، martiya برای ya^h ، سنسکریت: yah- در موارد لزوم، همخوان‌های نانوشته می‌توانند، در واجنویسی عادی شده، بوسیله حروف بر کشیده نشان داده شوند: بنابراین $abara^n$, $abara^t$, tya^d , hya^h (برای -nt)، $nāma^n$ ؛ در حالت جمع فاعلی: $martiyā^h$ در حالت مفرد ازی: $pārsā^d$. نیز یک مثال برای همخوان تقلیل پس از i وجود دارد^{۱۷}: پی بست -ciy- برابر با اوستا: $\check{c}it$ -، سنسکریت: cid، لاتین: quid. برای همخوان‌های تقلیل یافته پایانی پس از u، مثالی وجود ندارد^{۱۸}.

پ ۴۱ - تکرار یک نشانه همخوانی تنها هنگامی جایز است که واکه ذاتی نشانه پیش، یک واکه قابل تلفظ باشد: $im^a m^a = imam$, $ad^a d^a a = adadā$. هر همخوان بلندی که از طریق همگون سازی گسترش یافته باشد، در ایرانی کوتاه می‌شود؛ حتی همخوان‌های مضاعف نیز که بر آمده از فرایند پی‌بستی هستند، در نوشتار به یک همخوان تقلیل می‌یابند:

$\bar{a}pišim$ DB 1.95f = $\bar{a}piš-šim$

$taumanišaiy$ DNb 25f = $taumaniš - šaiy$

$[n^a yā]$ kama A²Sa 4 = $niyākam-maiy$ (پ ۵۲/I)

اشتباه در تقطیع نشانه‌ها و یا در نوشتن از روی نمونه، سبب تکرار m^a در واژه $c^a i y^a a k^a r^a m^a m^a c^a i y^a$ شده که دوبار در DNb 51-2 برای $m^a c^a m^a i y^a$ - برابر با $ciyākaramcamaiy$ آمده است.

پ ۴۲ - اندیشه نگارها. در فارسی باستان پنج اندیشه نگار وجود دارد که بصورت: $xšāyaθiya$, AM, BU, DH, XŠ و BG واجنویسی شده و به ترتیب در برابر: «شاه»، $dahyāuš$ «مملکت»، $būmiš$ «سرزمین»، $auramazdā$ «اهورامزدا» و $baga$ «بغ» قرار می‌گیرند. در DSk 4 موردی وجود دارد که بنظر میرسد صورت تحریری پیوسته‌ای برای AM-ha باشد. اندیشه نگارها بدون نشانه‌های هجایی در افزوده، برای حالت فاعلی مفرد به کار می‌روند؛ صورت‌های دیگر از طریق نوشتن آخرین نشانه یا نشانه‌های واژه کامل پس از اندیشه نگار، نشان داده می‌شوند. بنابراین $xšāyaθiyam$ در حالت

مفعول صریح، بصورت‌های $X\check{S}m^a$ یا $X\check{S}-y^am^a$ یا $X\check{S}m$ یا $X\check{S}yam$ ؛ $x\check{s}aya\theta iyahy\bar{a}$ در حالت وابستگی بصورت‌های $X\check{S}-y^a$ ، $X\check{S}-h^ay^a$ ، $X\check{S}-ah^ay^a$ ، $X\check{S}hy\bar{a}$ و $X\check{S}ahy\bar{a}$ نوشته می‌شود؛ اما $X\check{S}y\bar{a} = X\check{S}-y^ah^ay^a$ در A^2Sd2 یک املای غلط است، زیرا منظور از این صورت بیشتر می‌تواند $X\check{S}ahy\bar{a}$ باشد تا $X\check{S}ahy\bar{a}$ مورد نظر.

کاربرد اندیشه نگارها، براساس کتیبه‌های موجود، هم دارای محدودیت زمانی است و هم محدودیت مکانی. داریوش اول در بیستون، نقش رستم، الوند و نیز در سنگ وزنه‌ها، از هیچگونه اندیشه نگاری استفاده نکرده است؛ خشایارشا نیز نه در الوند و نه در وان، اندیشه نگار بکار نبرده است. داریوش اول، تنها اندیشه نگار $X\check{S}$ را در سوئز بکار برده و نیز با بکار بردن اندیشه نگار $X\check{S}$ در برخی از کتیبه‌های پرسپولیس و به کار نبردن هیچ اندیشه نگاری در برخی دیگر، این کتیبه‌ها را از یک دیگر متفاوت ساخته است؛ همچنین خشایارشا نیز، در کتیبه‌های پرسپولیس با استفاده از اندیشه نگار $X\check{S}$ در بعضی و به کار نبردن هیچگونه اندیشه نگاری در برخی دیگر، بین آنها ایجاد تمایز کرده است، به جز کتیبه XPj که در آن $X\check{S}$ و DH آمده است و نه BU . در شوش نیز، داریوش اول با استفاده از تنها $X\check{S}$ در پاره‌ای از کتیبه‌ها، به کار نبردن هیچگونه اندیشه نگاری در برخی، و نیز بهره‌گیری از اندیشه نگارهای BU ، DH ، $X\check{S}$ و AM تا آنجایی که امکان داشته در بعضی دیگر از کتیبه‌ها، ایجاد تنوع و تمایز نموده است (در مورد DSt ، $D\check{S}m$ ، $D\check{S}f$ ، $D\check{S}e$ ، نگاه کنید به مطالب زیر)؛ خشایارشا در دو کتیبه کوتاه خود نمونه‌ای از هیچ اندیشه نگاری بدست نمی‌دهد، در حالیکه داریوش دوم در کتیبه‌های خود از هر پنج اندیشه نگار استفاده کرده که این بهره‌گیری شامل اندیشه نگار BG ، که تنها در D^2Sa آمده نیز می‌شود؛ اردشیر دوم دقیقاً از چهار اندیشه نگار استفاده کرده، اما از کاربرد آنها در کتیبه‌ای دیگر کاملاً جلوگیری نموده است. کتیبه آریا رمنه در همدان، دارای اندیشه نگار نیست؛ کتیبه داریوش اول و نیز خشایارشا، تنها دارای اندیشه نگار $X\check{S}$ است و از واژه‌های اندیشه نگار دیگر استفاده نشده است؛ کتیبه اردشیر دوم دارای چهار اندیشه نگار است (در مورد A^2Hc ، نگاه کنید به مطالب زیر)، اما واژه $baga$ در A^2Hc کامل نوشته شده است. متون دیگر نیز جهت توجیه ملاحظات ویژه، کوتاه و یا ناقص هستند.

بدین ترتیب، در مجموع، بیشترین اندیشه نگارها در متون متأخر، و در میان آنها نیز، اندیشه نگارهای بکار رفته در کتیبه‌های شوش، بیشتر از هر جای دیگر است. افزون بر این، XŠ اندیشه نگاری است با کاربردی بسیار وسیع، و نظم کاربردی اندیشه نگارهای دیگر به کار رفته در مقدمه متون، به ترتیب به AM, BU, DH و BG، مربوط می‌شود. تعدادی از متون، از این نظر، از بی‌قاعدگی برخوردارند، و تعدادی دیگر نیز، هم صورت اندیشه نگار یک واژه را به کار برده‌اند و هم صورت کامل نوشتاری همان واژه را؛ موارد استثناء در زیر آمده است:

DSe : دارای هر پنج واژه است با این تفاوت که تنها XŠ بصورتی قاعده‌مند در آن به کار رفته و چهار واژه دیگر بطور کامل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته استثنای واژه auramazdā با گونه‌های مختلف، پس از چهار با ظهور، در سطر ۵۰ بصورت اندیشه نگار AM به کار رفته است (بازسازی شده اما قطعی).

DSf : هم از صورت būmim استفاده کرده و هم از صورت BU, BUyā؛ به جز این، هم از XŠ و هم از DH، اما auramazdā و бага را به طور کامل به تحریر در آورده است.

DSm : بازسازی شده به وسیله «براندنشتاین»، 39.55-8، WZKM، دارای XŠ و DHnām, XSāyaθiyam و AMhā, būmiyā, dahyāva و AMmai؛ احتمالاً تمام واژه‌های مذکور می‌توانسته‌اند بصورت کامل نوشته شده باشند، اما به نظر می‌رسد که در ارائه متن، امر اصلاح و تغییر بسیار کم اهمیت بوده است، زیرا تنها قطعات کم ارزشی حفظ شده است.

DSt : بازسازی شده، دربردارنده XŠ و xsāyaθiyam (هر دو کاملاً بازسازی شده‌اند)، و būmim, auramazdā, багаibis؛ این مورد می‌توانست وجود نداشته باشد، اما من هیچگونه جایگزینی را ندیدم.

A²Sc : بنظر می‌رسد که باید دارای XŠ, xsāyaθiya باشد، اما این متن بسیار ناقص و دارای افتادگی است، البته لازم به ذکر است که کتیبه‌های اردشیر دوم هیچیک با دقت به تحریر در نیامده‌اند.

A²Hc : مطابق با DSf؛ دارای būmim و BUyā، در جای دیگر XŠ و DH، auramazdā و бага.

A³Pa : دارای DH, xsāyaθiya و būmām, BUyā, auramazdā, бага؛ با نوعی

دگرگونی و تغییراتی که میتوان آن را به بی دقتی نوشتاری در فارسی باستان در این دوره حمل کرد.

پ ۴۳- اعداد. با اینکه اعداد اصلی به طور کامل به تحریر در نیامده اند (به جز aiva = یک، آنهم در عبارتی کلیشه ای) اما بوسیله علایمی خاص نشان داده شده اند: عدد ۱، با یک میخ بلند عمودی؛ عدد ۲، با دو میخ عمودی کوتاه، یکی روی دیگری؛ عدد ۳، با دو میخ کوتاه عمودی با میخی بلند و عمودی در سوی راست، و غیره؛ عدد ۱۰ با یک زاویه و رأس آن در سوی چپ؛ عدد ۲۰، با دو زاویه کوچک، یکی روی دیگری؛ عدد ۱۰۰، با دو میخ افقی کوتاه از نوک بیکدیگر پیوسته، روی یک میخ عمودی. در اعداد مرکب واحدهای کوچکتر در سوی راست واحدهای بزرگ جای می گیرند؛ در حالیکه اعداد ترتیبی بطور کامل، با نشانه هایی منظم به تحریر در آمده اند.

پ ۴۴- جدایی واژه ها در فارسی باستان از طریق نشانه جدا کننده واژه که در متن کتیبه بیستون بصورت زاویه با رأسی در سوی چپ و در متن کتیبه های دیگر بصورت یک میخ کج با کجی کشیده شده از بالا چپ به سوی پائین راست، آمده است، صورت می پذیرد. نشانه جدا کننده در آغاز هر ستون، هر بخش و نیز کتیبه های کوچکتر بیستون و همچنین در پایان کتیبه های بیستون a-g, i-j, قرار می گیرد؛ در موارد دیگر، این نشانه در آغاز متن قرار نمی گیرد، اما در پایان DPd, برخی از تحریرهای XPd, A³Pa و نیز برخی از عنوانها در A?P, آمده است. در متون مربوط به شیل، بدست آمده از شوش، بویژه در DSa, DSc, DSa, DSj, DSi, DSg, DSd, و A²Sd, معمولاً بین واژه ها، نشانه جدا کننده وجود ندارد؛ با اینکه از این متون نه از طریق وسایل مکانیزه، که با دست نسخه برداری شده است، اما حذف موارد مشابه در DSy که بوسیله مالش کربن، از نسخه اصلی قرائت شده، موثق بودن نسخه بردار را تأیید می کند^{۱۹}. در کتیبه های دیگر، حذف نشانه جدا کننده، فوق العاده نادر است: مثالها عبارتند از: . upā artaxša [çām]Sf و yadimaniyāiy XPh 47=yadi(y):maniyā(ha). در 10 XPh نیز auramazdāha در حالت وابستگی، جای خود را با mazdāha aurahyā که در آن هر دو بخش یک واژه مرکب بدون نشانه جدا کننده شناسه

صرفی گرفته‌اند، عوض کرده است.^{۲۰} قید تاکید *apiy*، گاهی اوقات همانند شناسه صرفی به واژه مقدم بر خود می‌پیوندد و گاهی اوقات نیز بوسیله نشانه جداکننده، از آن جدا می‌شود. ضمیر متصل *diš* نیز در DB 4.34, 35, 36، بوسیله نشانه جداکننده، از واژه جدا شده است. در DB 5.11 *utā:daiy : marda*، قرائت غلطی است که توسط KT به جای *utā:viyamarda*^{۲۱} و حذف نشانه جداکننده دوم، به عمل آمده است؛ ویژگی‌های دیگر مربوط به پی‌چسب‌ها در پ ۱۳۳، آمده است. دو واژه مرکب هست که گاهی اوقات اجزاء ترکیبی آنها بوسیله نشانه جداکننده از یکدیگر جدا می‌شوند. این ترکیبات عبارتند از: *aria:ciqā* و *ariyaciqā*، *paruv:zanānām* و *paruvzanānām*، همچنین میان قید مرکب *paradraya* و عبارت اضافه‌ای *para : draya* نیز تفاوت وجود دارد، اما در قطعه تئای^(۱۸) *DSf* [...] *-k^a* : *y^a* [...] که می‌توان فرض نمود که به 49 *dāranīyakarā* تعلق دارد، می‌توانست بصورت [...] *-s^a* : *y^a* [...] قرائت شود، همانند پاره‌ای از 51-2 *spardiya* : *avaīy*

پ ۴۵- عادی سازی متون فارسی باستان^{۲۲}. نخستین گام، آوانویسی دقیق متن است، بطوریکه بتوان واژه‌های ذاتی نشانه‌های همخوانی را بوسیله حروف بر کشیده نشان داد. بنابراین در عادی سازی^{۲۳}:

(الف) نشانه واکه *a* در آغاز به گونه *ä* یا *ā* یا بخش آغازین واکه مرکب *āi* یا *āu* : در میان بصورت *ā* یا بخش آغازین *āi* و *āu* : در پایان بصورت *ā* در می‌آید (عادی سازی می‌شود).

(ب) نشانه‌های واکه‌ای *i* و *u* به گونه *ā* یا *ā* یا *ū* یا *ū* ؛ یا بخش دوم یک واکه مرکب در می‌آیند.

(پ) نشانه‌های همخوانی دارای *i* و *u* ذاتی، چنانچه پیش از *i* یا *u* قرار گیرند، واکه ذاتی خود را از دست می‌دهند.

(ت) نشانه‌های همخوانی همراه با *a* ذاتی :

الف) a را برای نشان دادن آوای واکه‌ای پیش از یک همخوان میانی و یا بخشی از واکه‌های مرکب ai و au و یا آوای پایانی پیش از یک همخوان کمینه نانوشتاری (t,d,n,h)، حفظ می‌کند.

ب) a را از دست می‌دهند، هنگامیکه آوای همخوانی، بلافاصله بوسیله همخوان دیگری، یا بوسیله نشانه a (=ā) دنبال شود، یا هنگامیکه همخوان در موضع پایانی واژه باشد (v,-y,-r,-m,-š-)، و یا هنگامیکه نشانه دارای a ذاتی به جای نشانه دارای i- یا u- ذاتی پیش از نشانه‌های i یا u، عمل کند.

ث) a و i,u برکشیده در متن عادی شده به کار می‌روند تا نشان دهند: الف) i و u را؛ برای نشان دادن نشانه‌های دارای i- و u- ذاتی که پس از آنها i,u نمی‌توانند به تحریر در آیند.

ب) a را؛ برای نشان دادن نشانه‌های دارای a ذاتی که به جای نشانه‌های دارای i ذاتی که پس از آنها i به نوشتار در نمی‌آید، عمل می‌کنند.

ج) n برکشیده و، h میانی و t,d,n,h پایانی، ممکن است گاهی مبین آواهایی شوند که در نوشتار نشان داده نمی‌شوند:

الف) n میانی، پیش از همخوانی به جز y و v.

ب) h میانی، پیش از u و بندرت پیش از i و m.

پ) h,n,d,t، پس از ā و ã

پ ۴۶- ساده سازی فارسی باستان برای نوشتار. کاتبان، در تجزیه واژه‌های فارسی باستان به آواهای تشکیل دهنده، می‌باید واژه‌ها را به آهستگی بیان می‌کردند و این امر را آنقدر طول می‌دادند تا بتوانند هریک از واحدهای آوایی را به روشنی متمایز کرده و نشانه‌های مربوطه را دریابند. این رویه، ظاهراً می‌توانست در برابر بسیاری از ویژگی‌های دستگاه هجایی جوابگو باشد، بویژه موارد زیر: هر همخوانی که پیش از یک همخوان یا در موضع پایانی قرار می‌گرفت، به واکه a معمولی مجهز می‌شد؛ y و v پس همخوانی به iy یا uv تبدیل می‌شد (پ ۲۵، پ ۲۶)؛ ã پایانی به ā تداوم می‌یافت (پ ۳۶)، همخوان‌های پایانی تقلیل یافته، ولو اینکه هرگز به نوشتار در نمی‌آمدند، اما عامل باز دارنده امتداد بوده و سبب حفظ ā می‌شدند (پ ۴۰)؛ i و u پایانی به iy

و uv امتداد می‌یافتند (پ ۳۷، پ ۳۸؛ همخوان‌های تقلیل یافته پایانی، پس i و u، کاملاً از بین رفته به نظر می‌رسند، پ ۴۰)؛ آ و ā پیش همخوانی، گاهی به Āy و ū امتداد می‌یافتند (پ ۲۳)؛ ay و av میانی، گاهی به aiy و auv تبدیل می‌شدند (پ ۴۸).

بهرحال، این رویه، نه ویژگی‌های مربوط به نوشتار h پیش از i و u (پ ۲۷، پ ۲۸) را توجیه می‌کند و نه حذف آوای غنه‌ای پیش همخوانی و نیز برخی از همخوان‌های پایانی تقلیل یافته را (پ ۳۹، پ ۴۰)؛ بیشترین چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که با اینکه این آواها به دلیل ضعیف بودن در نوشتار نادیده گرفته شده‌اند، اما با این وجود بیشتر آنها در دوره‌های بعدی زبان فارسی باقیمانده‌اند.

پ ۴۷- بی‌نظمی‌ها و اشتباهات در خط فارسی باستان بی‌تردید یافت می‌شود؛ ما در بخش‌های پیشین مثال‌های مربوط به موارد بی‌قاعده زیر را بر شمرده‌ایم: نبود i یا u پس از یک همخوان دارای i یا u ذاتی برای دلالت کردن بر i یا u؛ پ ۲۲.

نبود i پس از یک همخوان دارای a ذاتی، برای دلالت کردن بر i؛ پ ۲۲.
 نبود a پایانی، برای نشان دادن قطعی ā پایانی به عنوان ā، پ ۳۶.
 نوشتن hi بصورت h^a یا با i و یا بصورت h^ai، پ ۲۷.
 نوشتن -lya و گونه‌های دیگر آن بصورت -t^aya به جای -t^aiy^a، پ ۲۵.
 گاهی نوشتن iy^a و uv^a برای دلالت کردن بر ā و ū، پ ۲۳.
 تفاوت میان اندیشه نگارها و صورتهای کامل در یک کتیبه، پ ۴۲.
 بی‌نظمی‌ها در تقسیم واژه و نیز در کاربرد نشانه جداکننده واژه، پ ۴۴.
 به نظمی‌ها و اشتباهات دیگر در پ ۴۸ تا پ ۵۷ مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پ ۴۸- ay و av میانی گاهی در تجزیه جهت ساده سازی برای نوشتار، امتداد می‌یابند که در این صورت به aiy و auv تبدیل می‌شوند (مقایسه شود با: JAOS 62.271-2)؛ مثال‌ها به شرح زیر عبارتند از:

adāraya DB 1.85, 2.9, 3.23, DNā 41; adāraiya DNā 22.

amānaya DB 2.48, 2.63; amānaiya DB 2.28.

paradraya DNa 28f; paradraiya A?P 24 (cf. draya, drayahyā, drayahiyā).

vartayaiy. → بجای, DB 4.44, [va]rtaiyaiy شاید

dūraiapiy, DNa 12, گونده سندهی → نیز مقایسه شود با

dūrai apiy. → و نیز بصورت دو واژه, DNa 46, Dūrayapiy,

bavatiy DNb 14, bauvatiy DNbv 14.

gāθavā DB 1.62f, etc.; dahyauvā DB 1.34.

tauvlyā DSe 39. cf. Skt. sthavlyās-.

yauviyā DZc 8f, 10; cf. Skt. yavyā.

am. - بی چسب + hauv → از, *hav-am, → بجای, DB 1.29, hauvam,

پ ۴۹- گونه گونی در همخوان ها گاهی اوقات در نوشتار ظاهر می شود، اگرچه معمولاً به عنوان معلول علت های ویژه ای، از جمله: تأخر، گویش و نیز وام گیری از زبان های دیگر، توجیه می گردد.

الف) t/d، در گونه متاخر ardaxcašca AVsa، به جای artaxšaça. در صورت وام گرفته شده XPj، tacaram DPa6 و dacaram DSd3.

ب) c/š در کتیبه های متاخر:

haša A²Sdc4 به جای صورت متعارف hacā.

xšayārcahyā در A²Sa بند ۲ دوبار، به جای xšayāršā و غیره.

[usta]canām A²sc 5f به جای ustašanām A³Pa22.

ardaxcašca AVsa به جای artaxšaça.

پ) c و گونه های دیگر: در صورت متاخر ardaxcašca AVsa به جای artaxšaça.

در صورت متاخر m¹θra, m¹tra, mit[ra] (نگاه کنید به واژه نامه) و نام

شخصی پارسی DB 2.49 vau-misa و غیره.

صورت های دیگر، در واجشناسی، به عنوان نمونه های آمیزه ای گونه های

مادی مورد بحث قرار گرفته است؛ مقایسه شود با: پ ۸.

پ ۵۰- اشتباهات نوشتاری را می‌توان با عنوان‌های زیر بخش نمود:

- ۱- جابجایی نشانه‌ها؛ پ ۵۱.
- ۲- حذف نشانه‌ها و گروه نشانه‌ها، پ ۵۲.
- ۳- افزایش نشانه‌ها و یا گروه نشانه‌ها، پ ۵۳.
- ۴- تغییر نشانه‌ها از طریق حذف یا افزایش حاصل از چرخش قلم، پ ۵۴.
- ۵- تحریرهای غلط که به سادگی بتوانند طبقه بندی شوند، پ ۵۵.
- ۶- کاربرد نحوی غلط ساخت‌ها، پ ۵۶.
- ۷- ایجاد صورت‌های غلط جدید، پ ۵۷.

برخی از مثالها ممکن است در زیر بیش از یکی از این فصل‌ها طبقه‌بندی شوند، اما بهر حال در جاهایی قرار خواهند گرفت که بیشتر تناسب داشته باشند. براساس مشاهدات، بخش بیشین این اشتباهات مربوط به کتیبه‌های متاخر یعنی دوره پس از خشایارشا هستند. دوره‌ای که پیشرفت به سوی فارسی میانه در جریان بود؛ آواها در معرض تغییر و دگرگونی بودند، واژه‌های نو و نیز معانی جدید در حال ورود به زبان دوره جدید بودند و همچنین هجاهای پایانی روی به نابودی می‌گذاشتند. بدین ترتیب حیات فارسی‌باستان به عنوان یک زبان بومی از حرکت باز ایستاده بود و در نتیجه کاتبانی که کتیبه‌ها را می‌نوشتند، آنطور که باید، تجربه‌ای از زبان نداشتند. آنان در حد استفاده از واژه‌ها و اشکال موجود در اسناد کهن‌تر، عقب مانده بودند، کاربردی که اکنون دیگر آنرا نمی‌توانستند بفهمند. در چنین وضعیتی، نتیجه یعنی بی‌دقتی و عدم توجه در خط بویژه در هجاهای پایانی، اجتناب ناپذیر بود.

پ ۵۱- جابجایی نشانه‌ها مثال‌ها بشرح زیر عبارتند از:

DNb 51, 51f $ciyākaram^a c^a iy^a$ به جای $c^a m^a iy^a$ - برابر با $ciyākaram-ca-maiy$.

A?P 22 $im^a y^a$ به جای $iy^a m^a$ برابر $iyam$.

25 XPf $dārayavahauš$ در حالت فاعلی، 28 XPf $dārayavauš$ در حالت وابستگی؛ نسخه اصلی در هر دو جا، دارای $-v^a uš^a$ بوده، و مصحح با یافتن اشتباه در بند ۲۸؛ آنرا

در واژه موجود در بند 25 نیز درج کرده است.
 $k^u\check{s}^a i y^a$: Kūšiya XPh 28, skudrā XPh 27 یک اشتباه همانند؛ نبود a باید به واژه
 تسری داده می شد در حالیکه این امر شامل واژه $s^a k^u d^a r^a$ شده است که پیش از واژه
 فوق آمده است.
 2 DNc šarastibara، نوشته شده بصورت $\check{s}^a r^a s^a t^a i b^a r^a$: نسخه اصلی دارای
 $a r^a \check{s}^a t^a i b^a r^a = a r \check{s} t i b a r a$ بوده، و در تلاش تغییر به
 نشانه نخست را به جای نشانه سوم تغییر داده است.
 $x^a a m^a n^a$ - $x^a m^a n^a$ به جای $haxamān^a \check{s} i y a$ A²Sa3
 n^a به جای $daivadāvam$ XPhb 37f به جای صورت درست dānam- در نسخه a ؛ v^a به جای
 در پایان سطر ۳۷ آمده است، در واقع از سطر ۳۶ که در آن آخرین نشانه v^a است،
 نسخه برداری شده است.

پ ۵۲ - حذف نشانه‌ها: موارد حذف در سطوح گوناگون واقع می شود.

I- نشانه‌های $i y^a$ در پایان یک واژه، گاهی پس از یک همخوان دارای a ذاتی حذف می شوند:

$t^a y^a = t y a(i y)$ XPh 23; $a n^a i y^a \check{s} a c^a = a n i y a \check{s} c(i y)$

XPh 41f; $p^a r^a i y^a i t^a = p a r i y a i t(i y)$ XPh 52.

$a p^a n^a y^a k^a m^a = a p a n^a y \check{a} k a m a(i y)$ A²Sa 3;

$[n^a y^a a] k^a m^a = [n^a y \check{a}] k a m a(i y)$ A²Sa 4.

$p^a a r^a s^a = (loc.) P \check{a} r s a(i y)$ AsH 3.

II- i- ممکن است در $a i y$ - پایانی حذف شود:

$a u r a m a z d \check{a} - t a y$ DB 4.58 به جای $t a i y$ -.

$m a n i y \check{a} h a y$ DPe 20 به جای $h a i y$ -.

4 A²Sdc $u t a - m a y$ به جای $u t a - m a i y$ (مندرج در db)، مقایسه شود با

صورت‌های مختلف $d \check{u} r a i y$ ، همراه با پی چسب $a p i y$ (پ ۱۳۶).

III- نشانه a گاهی اوقات، درجائیکه نشان دهنده بلند باشد، حذف می شود:

52f DB $\check{c} [i t \check{a} m c \check{a}]$ (یا $m c \check{a}$) $d u v i t \check{l} y \check{a} m c \check{a}$.

10 A³Pa 2f, XŠyānām DPh 1, DH 1, xšāyāθiyānām A²Sc

به جای -yānām.

avaθā XPf 30 به جای صورت متعارف avaθā.

auramazdāhā XPh 34,43,XPh 14,33,37,44, A¹Pa 18f به جای -āhā.

ahāniy XPh 47, 48 (اول شخص مفرد التزامی) برابر با سنسکریت: āsani؛

مگر اینکه ā به قیاس از ā در صورت‌های دیگر آمده باشد، همانند سوم شخص مفرد: ahati.

stūnāyā D²Sa 1, A²Hb شاید حالت دری مفرد مونث به جای -āyā.

framātāram A³Pa 8 به جای صورت متعارف framātāram.

anāhitā, anāh^atā در A²Sa, A²Sd, A²Ha به جای (اوستا): -anāhitā.

hyā uvaspā AmH 6 به جای hyā.

tyā ukārām uvaspām AsH 9f به جای tyā ukārām uvaspām.

(مقایسه شود با: پ ۵۶/V)

IV- به نظر می‌رسد که در avāhar[da]DB 2.94، نشانه a مبین افزونه، وجود ندارد.

در مورد marda DB 5.11 که ظاهراً دارای افزونه است. مراجعه شود به:

پ ۴۴ و نیز واژه‌نامه، زیر واژه -mard.

V- m پایانی در موارد زیر حذف شده است:

tuva XPh 46; XŠyānā A²Sb; apadāna A²Sa 3, A²Ha 5;

ab^ayapara A²Sa4.

برای تمام موارد به جز مورد آخر، صورتهای با -m، در قطعات دیگر دیده شده

است. نیز مقایسه شود با: AsH 9,13°, tyā DB 4.89° به جای tyām (پ 52/

III، پ ۵۶ / V).

VI- نشانه‌های گوناگون، به شرح زیر حذف شده‌اند؛ ما در اینجا برای رعایت

کوتاهی، نشانه‌های محذوف در واژه را، در پرانتز قرار می‌دهیم:

auramaz (d)ām DB 1.54f

u(t)ā DB 3.77,

ava (θ) ā DB 4.51 شاید

i (ya)m DB 4.89

در u]tā[na:n]āma DB 4.83، براساس KT، فاصله برای n^a:n^a ضرورت

ندارد:

i.(mā)m به جای im^a DB 4.91 (Cameron)

nabuku(d)racara DBi 5f.

[u]z(ma)yāpatiy DB 3.92; [uba(r)tām DB 4.88.

auramazdā(ma)iy DNa 50; ayā(ma)iniš DNb 59.

yadi(y:)maniyā(ha)iy به جای y^adⁱm^an^aiy^aaiy^a XPh 47

ahyā(yā) A²Sdc 1 = ahyāyā A²Sdb 1.

ut(ā: tya)mai y : kartam به جای utamai y : kartam A²Sdb4(-may dc)

dārayava(u)šahyā A²Ha 2,2°,4,4°.

marti(ya)hyā A³Pa 4f; aθaga(i)nām A³Pa 22.

VII- بنابر Bv. MSLP 23.182-3، در DB 1.66، یک حذف بسیار مهم صورت

گرفته است، آنجا که به نظر وی باید بصورت : adfīnā : adam :

kāram (patiyābaram : adam:) خوانده می شد. البته نظر و فرض وی

ضروری نیست.

پ ۵۳- افزایش نشانه ها: تقریباً تمام مثال های افزایش، به نشانه a مربوط می شود:

avājaniyā DB 1.51,52، شاید بجای avajaniyā، مقایسه شود با

JAOS 62.274.

A Patiyābaram DB 1.68، شاید به جای Patiyabaram؛ مقایسه شود با

JAOS 62.275.

hamātaxšatā DB 4.92 به جای -mat-، همانگونه که در DB 4.65f آمده

است.

haxāmanišiya به جای hāxāmanišiya XPa 10f.

āham XPh 15f به جای āham.

akunauš به جای akunauš همانگونه که در XSaa2 آمده است.

artaxšaçāhyā بند ۲ دو بار، به جای artaxšaçahyā (یا به گونه ای که در

پ ۱۷۲ آمده است).

XŠah^ay^aa = XŠāhyā A²Sd 2 به جای XŠh^ay^aa یا XŠy^ah^ay^aa

برابر با XŠyahyā.

akunavām A²Sdb3 به جای akunavam.

gāstā A²Sda4, db 4 به جای gāstā (همانگونه که در A²Sdc یا هر جای دیگر آمده است).

puṣā A²Hb به جای puṣa (پس از napā براساس Brd. WZKM 39.92).

pārsa AmH5 به جای pārsa.

asmānām A³Pa 3 به جای asmānam.

گاهی صورتهای دوگانه‌ای نیز ظاهر می‌شود که یکی همراه با نشانه a و دیگری بدون نشانه a است، در این حالت این تردید پیش می‌آید که آیا هر دو تلفظ وجود دارد و یا اینکه یکی از دو صورت نوشتاری غلط است:

uvāipašiyahyā DNb 15 برابر uvāipašiyam DB 1.47.

ciyākaram DNb 50,51,51f برابر ciyākaram DNa 39.

cišpāiš DB 1.5f در حالت وابستگی در برابر AmH3 ؛ DBa8 ، cišpāiš مقایسه شود با : پ IV / ۱۷۹ و نیز 19.222.Lg.

dahyāum DPd 15,18,DNa 53 در حالت مفعولی صریح، در برابر y^aum^a-

yaum یا -yum، در 12 XPa ، visadahy^aum^a A³Pa 26 ، DHy^aum^a.

در A²Sb ، یک X^š اضافی پس از X^šyanā نوشته شده است؛ این امر توجیهی ندارد مگر اینکه در واقع حکاک کتیبه واژه DHyūnām را بلافاصله پس از واژه اضافی X^š حذف کرده باشد.

پ ۵۴- تغییر نشانه‌ها از طریق حذف یا افزایش نشانه حاصل از چرخش قلم گاهی با تغییر ارزش، اتفاق می‌افتد؛ اشتباه ممکن است یا در صورت کنده شده اصلی وجود داشته و یا در قرائت از سوی مشاهده کنند بعدی:

I- اشتباه حاصل از چرخش قلم وجود ندارد؛ صورت صحیح در آغاز داده شده است:

[a]tamaita DB 5.5 ، قرائت پیشین m^am^ait^a] ، نگاه کنید به واژه‌نامه.

0adayātaiy DSa 5 ، قرائت پیشین، m^aiy^a- برابر با miy ؛ مقایسه شود با: Hz. ApI 156-8.

utava DB 4.71f ، به جای d^at^as^a در KT.

abaraha XPh 17 بصورت ab^ar^an^a نوشته شده است.

θ atagudaya، شاید قرائت شود به جای 11 θ ataguiya A?P؛ نگاه کنید به واژه نامه.

- II اشتباه حاصل از چرخش قلم زاید و افراطی است:
- 3.55 DB agaubatā ، بنابر KT بصورت $\text{ag}^{\text{a}}\text{ur}^{\text{a}}\text{t}^{\text{a}}$ نوشته شده است.
- 3.67 DB abara ، بنابر KT بصورت $\text{ar}^{\text{a}}\text{r}^{\text{a}}$ نوشته شده است.
- 3.92 DB akariyatā ، بنابر KT بصورت $\text{as}^{\text{a}}\text{r}^{\text{a}}$ نوشته شده است.
- 4.71,73 DB vikanāhy ، بنابر KT بصورت $\text{v}^{\text{h}}\text{is}^{\text{a}}$ نوشته شده است.
- 4.77 DB $\text{vikanāh}^{\text{a}}\text{diš}$ ، بنابر KT بصورت $\text{v}^{\text{h}}\text{is}^{\text{a}}$ نوشته شده است.
- 5.21 DB $\text{pasāva: had]ā: k[ārā}$ ، بنابر صورت تصحیح شده در KT:
- $\text{.hadā: kār] ā: sa[kām}$.
- 5 DSa $\text{f}^{\text{a}}\text{r}^{\text{a}}\text{s}^{\text{a}}\text{m}^{\text{a}}=\text{frašam}$ بیشتر از $\text{f}^{\text{a}}\text{r}^{\text{a}}\text{s}^{\text{a}}\text{t}^{\text{a}}=\text{frašta}$ ، مقایسه شود با:
- H. ApI 156-8.

پ ۵۵- اشتباهات نوشتاری گوناگون به شرح زیر عبارتند از:

- I- واژه قابل شناخت است، اما در قطعات دیگر بصورت چشمگیری از نوشتار شناخته شده متفاوت شده است.
- 4.65 DB $\text{š}^{\text{a}}\text{k}^{\text{a}}\text{ur}^{\text{a}}\text{im}^{\text{a}}=\text{škaurim}$ به جای $\text{s}^{\text{a}}\text{k}^{\text{a}}\text{u}^{\text{a}}\text{ima}=\text{skau}^{\text{a}}\text{im}$
- 39 XPh $\text{y}^{\text{a}}\text{d}^{\text{a}}\text{i}^{\text{a}}\text{y}^{\text{a}}\text{i}^{\text{a}}\text{š}^{\text{a}}=\text{yadaiyaiša}$ به جای $\text{y}^{\text{a}}\text{d}^{\text{a}}\text{i}^{\text{a}}\text{i}^{\text{a}}\text{š}^{\text{a}}=\text{yadiyaiša}$
- 39 XP $\text{y}^{\text{a}}\text{d}^{\text{a}}\text{ay}^{\text{a}}\text{a}=\text{yadāyā}$ ظاهراً به جای yadātay .
- 4 A²Sdb $\text{v}^{\text{h}}\text{is}^{\text{a}}\text{p}^{\text{a}}=\text{vispā}$ به جای $\text{v}^{\text{h}}\text{is}^{\text{a}}\text{p}^{\text{a}}=\text{vispā}$ (به گونه 4 A²Sda,dc).
- 2 A³Pa $\text{b}^{\text{a}}\text{um}^{\text{a}}\text{am}^{\text{a}}=\text{būmām}$ به جای $\text{b}^{\text{a}}\text{um}^{\text{a}}\text{im}^{\text{a}}=\text{būmim}$.
- 4 A³Pa $\text{š}^{\text{a}}\text{ay}^{\text{a}}\text{t}^{\text{a}}\text{am}^{\text{a}}=\text{šāyatām}$ به جای $\text{š}^{\text{a}}\text{iy}^{\text{a}}\text{at}^{\text{a}}\text{im}^{\text{a}}=\text{šiyātim}$.
- 3, 5f A²Ha $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{am}^{\text{a}}=\text{akunām}$ (در این مورد تنها ām قابل رویت است)، 4,5 A²Sa (بازسازی شده)؛ 7 A²Ha $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{a}=\text{akunā}$ ؛
- 3 A²Sdc $\text{ak}^{\text{u}}\text{v}^{\text{a}}\text{n}^{\text{a}}\text{s}^{\text{a}}\text{š}^{\text{a}}=\text{akuvanašāša}$ (و 3 A²Sdb $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{v}^{\text{a}}\text{ama}=\text{akunavām}$)
- 3 D²Sbb $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{u}^{\text{a}}\text{š}^{\text{a}}=\text{akunaš}$ به جای $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{u}^{\text{a}}\text{š}^{\text{a}}=\text{akunaš}$ ؛ تمام این صورت ها به جای $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{v}^{\text{a}}\text{ama}=\text{akunavām}$ نگاه کنید به پ ۵۳)؛
- 3 D²Sbb $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{u}^{\text{a}}\text{š}^{\text{a}}=\text{akunaš}$ به جای $\text{ak}^{\text{u}}\text{un}^{\text{a}}\text{u}^{\text{a}}\text{š}^{\text{a}}=\text{akunaš}$.
- II واژه در خود دارای پیچیدگی و ابهام است:

4.89 a+t^aa+DB گرنه‌ای که بوسیله KT قرائت شده، در حال حاضر نگاه کنید به قرائت کامرون.

4.92 am^ax^am^at^aa DB قرائت غلط بوسیله KT؛ قرائت درست بوسیله کامرون بصورت: a[ta]xsata (پ II / ۱۰۳).

38 DNb af^auv^aay^aa , شاید به جای aruvāya (JNES 4.44.52).

1; A¹I; b^aat^uug^ar^a : s^aiy^am^am^a = bātugara : siyamam واژه‌ها نامشخص.
3 A²Sd j^av^adⁱiy^a : p^ar^ad^aam^a=j^avadiy:paradayadām ؛ واژه‌ها نامشخص. تمام واژه‌های روی مهرهای b,c,d,e نامشخص هستند.

پ ۵۶- اشتباهات در نحو یا نتیجه تحریر عمدی و آگاهانه صورتی است متفاوت با کاربرد واژه براساس ضرورت بافت متن مربوطه، و یا پیامد تحریر غلطی است که از روی تصادف، صورتی را خارج از ضرورت و اقتضای متن بوجود می‌آورد. از آنجا که هر دو مورد در فارسی باستان رخ داده است، از این روی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

I- صورت فاعلی، در یک گروه دارنده دو واژه یا بیشتر، به عنوان بدل یا خبر برای اسمی در حالت دیگر و یا برای قید بکار رفته است. نگاه کنید به: پ ۳۱۲، پ ۳۱۳، پ ن/ ۲۴۷.

II- در نسب نامه اردشیر یکم، دوم و سوم، حالت فاعلی با استفاده غلط به جای حالت وابستگی و حالت وابستگی به جای حالت فاعلی به کار رفته است؛ این کاربردهای غلط تنها به عنوان نمونه‌های مربوط به ساخت بی تسلسل قابل توضیح هستند؛ نگاه کنید به پ ۳۱۳.

III- در کتیبه‌های DN و A?P، کنیه سلاطین، گاهی به صورت جمع قومیت و با نام ایالت به جای قومیت به تحریر در آمده است؛ ما در زیر نمونه‌هایی را با ترجمه تحت‌اللفظی آورده‌ایم:

DN xv iyam: sakā: tigraxa[udā]	این سکای تیز خود است
DN xxix iyam: maciyā	این اهل مک است
A?P 9 iyam : zrakā	این زرنگی است
A?P 14 iyam : sakā : haumavargā	این سکای هوم نوش است

- A?P 15 iyam : sakā : tigraxa[ud]ā (همانند مورد فوق)
- A?P 23 iyam : yaunā این ایونیایی است
- A?P 24 iyam : sakā: paradraiya این سکای آنسوی دریاست
- A?P 26 iyam:yauna:takabarā است (جمع) سپردار
- DN xvi [iyam : bā]biruš, A?P 16 iyam : bābiruš این بابلی است
- IV کاربرد ضمائر جمع مذکر با مراجعی بصورت اسم جمع چه مذکر و چه مونث، نمونه مشخص و محسوس تری را نسبت به اشتباه نحوی بدست می دهد؛ مثال ها در: پ III / ۲۵۸.
- V اشتباهات گوناگون مربوط به حالت های نحوی و جنسیت ها:
- AmH2 pārša به جای loc.(§ 314b) ; 5 tya به گونه asf (= tyām);
- 8f iyam dahyāuš, nom. بجای loc. (§ 314b).
- AsH 2 pārša, nsm بجای Isf (§ 52. I) ; 9f tya ukāram uvaspam, nt. بجای fem, tyā, tyām ukārām uvaspām
- (احتمالاً از طریق تقلید عبارت پردازی موجود در DSf 11، جاییکه با xšaçam خنثی مطابقت دارد).
- XPh 33 ava (بجای avām) dahyāvam.
- A¹I hya (nsm بجای gsm.) imam (asm. بجای nsm. iyam)
- bātugara siyamam (asm. بجای nsm.-ma).
- A²Sc 4f [i]mām (asf. بجای asm.ima) hadiš; 6 tya (بجای asf. tyām) aθagainām.
- A²Sd 3 imām (asf. بجای nsn.ima) hadiš.
- A²Ha 7 imam (asm. بجای asn. ima)tya; همچنین A²Sa5 (بازسازی شده).
- A³Pa 22f imam ustašanām aθaganam (بجای nom. iyam uštašanā aθagainā) mām (شاید بجای manā)upā mām kartā.
- A³Pa 26 tya mām kartā (شاید بجای manā kartam).

پ ۵۷- گرایش به واژگان جدید در کتیبه های متأخر پس از خشایارشا، ممکن است به عنوان اشتباهات جاری قلمداد شود، اگرچه قابل توجیه هستند. تمام ساخت های نو برای حالت وابستگی - احتمالاً پس از xšāyaθiyahyā در حالت

وابستگی، همراه با حالت‌های وابستگی نام سلطنتی که پیوسته بیکدیگر مربوطند، و artaxšācahyā در حالت وابستگی در زیر آمده‌اند:

haxāmanišahyā AmH 3f.

→ A²Sc; و بازسازی شده در A¹I, A²Sa, A²Hc, در dārayavaušahyā

→ A²Ha. در dārayavašahyā

→ در (S 49b) xšayārcahyā; A²Ha, A¹I, A¹Pa, در xšayāršahyā

→ A²Hc. در (S 187) Xšyāršāhyā; A²Sa;

فصل III : نظام آوایی

پ ۵۸- آواهای هندواروپایی آغازین که تداوم تاریخی آنها را می‌توان در فارسی باستان ردیابی کرد، بشرح زیر عبارت بوده‌اند از:

I- واکه‌ها:		ساده		نیم‌همخوانی	
کوتاه:		e o a		i u r l m n	
خفیف:		ḫ ḫ ɔ			
بلند		ē ō ā		ī ū r ī m n	
II واکه‌های مرکب:					
کوتاه:		ei oi ai ɔi		eu ou au ɔu	
بلند:		ēi ōi āi		ēu ōu āu	
III همخوان‌ها:					
		بی‌واک		واکدار	
		نادمیده		دمیده	
		نادمیده		نامدیده	
انسدادی‌ها		p		b	
لبی		ph		bh	
دندانی		t		d	
کامی		kh		gh	
		k		ĝ	
				m	
				n	
				ñ	

	gh	g	qh	q	نرمکامی ساده
η	g ^u h	g ^u	q ^u h	q ^u	لبی - نرمکامی
					خوشه‌ها
	dzdh	dzd	tsth	tst	دندانی

آواهای پیوسته (واکدار، به جز s)

z	s	صفیری‌ها
l r		روان‌ها
i u		نیم‌واکه‌ها

ملاحظات در مورد فهرست آواهای هندواروپایی آغازین:

الف - من از این فهرست موارد زیر را حذف کرده‌ام:
 الف) آواهای متعلق به «بروگمان»^(۱)، یعنی ʔp Ph ō ōh، آواهایی با طبیعت پیچیده، که برای توجیه و توضیح ظهور انسدادی‌های دندانی در زبان یونانی، همانند صفیری‌ها در زبان‌های دیگر هند و اروپایی بر آورد شده‌اند.
 ب) آواهای پیوسته پیش دمیده و z متعلق به استورتوانت^(۲)، که تنها ویژگی‌های معینی از تحول را در زبان یونانی توضیح می‌دهد.
 پ) آواهای sh و zh متعلق به «بروگمان»^(۳)، از s پس از انسدادی‌های دمیده بی‌واک و واکدار، تولید غیر مشخصی که در هر زبان هندواروپایی ظاهر می‌شود.

ت) ȳ و η واکه‌ای کوتاه و بلند، زیرا این‌ها، آواهای واجی نبوده، و نیز به سبب نادر بودن در سطح گسترده‌ای از واژه‌های فارسی باستان ظاهر نمی‌شوند.

ب - تمام آواهای بر شمرده در فهرست، واجی نبوده‌اند:

ȳ و η تنها از یک آوای غنه‌ای قرار گرفته پیش از، بترتیب، انسدادی‌های کامی و

۱. Brugmann

۲. sturtevant

نرمکامی تحول یافته‌اند؛ z تنها از s پیش از انسدادی‌های واکدار و پس از انسدادی‌های دمیده واکدار، و در خوشه‌های دندانی واکدار، تحول یافته است.

پ - نیازی به نشانه‌ای ویژه برای نشان دادن آوای نرمکامی g نیست، زیرا تحولات زبان آریایی (پ ۷۳/ I-III) آوای نرمکامی g را از آوای کامی g متمایز می‌سازند.

ت - خوشه‌های دندانی، یعنی خوشه‌هایی که هریک دارای سه واج بوده و در تحولات خود در زبانهای جدا از هم، دارای چنان خصوصیت ویژه‌ای بوده‌اند که بتوانند در فهرست جایی را بخود اختصاص دهند؛ این خوشه‌ها در دوره هندوچتی آغازین^(۳)، از ترکیبات زیر بوجود آمده‌اند:

tst < t-t d-t

tsth < th-t th-th t-th d-th

dzd < t-d d-d

dzdh < dh-t dh-th dh-d dh-dh th-d t-dh th-dh d-dh

مهمترین این موارد، ترکیبات t d dh با t مربوط به یک پسوند است.

ث - «واکه‌های تخفیف یافته»، b تخفیف یافته c است؛ ʔ تخفیف یافته o است؛ ð تخفیف یافته ā ē ō، یعنی رشته‌های گردش یافته IV-VI، (پ ۱۲۱) است

پ ۵۹- آواهای فارسی باستان در یک تحریر عادی سازی شده، با بهره‌گیری از نشانه‌های زیر، نشان داده می‌شوند:

a	i	u	ā	ī	ū	واکه‌ها:
āi	āu	āi	āu			واکه‌های مرکب:

انسدادها و سایشی‌های همانند و غنه‌ای‌ها:

p	b	f	m	لبی
t	d	θ	n	دندانی
c	j			کامی
k	g	x		نرمکامی
s	š	ç	z	صفیری‌ها
r	l	y	v	آواهای پیوسته دیگر

البته آواهای نشان داده شده با این علائم، نمی‌توانند از دقت کامل برخوردار باشند، اما در مجموع آنها معمولاً با همین نشانه‌ها ارائه می‌شوند، مضافاً بر اینکه محدودیت‌های زیر نیز در مورد آنها وجود دارد:

الف (b d g)، هنگام قرار گرفتن در میان دو واکه، احتمالاً سایشی‌های واکدار بوده‌اند تا انسدادی‌های واکدار.^{۲۷}

ب) j c انسدادی نبوده‌اند، مگر ç و ژ انسدادی - سایشی (همانند church و judge در زبان انگلیسی)؛ اما j نشانگر آوای ž نیز بوده است (همانند آوایی که در واژه azure وجود دارد).

پ) f θ x، سایشی‌های بیواک بوده‌اند.

ت) ç در میان آوای دندانی s و آوای لثوی š، یک آوای صفیری بیواک بوده است.

ث) v، نیم واکه لبی واکدار بوده است، همانند آوایی که در واژه انگلیسی we وجود دارد.

ج) آوای j بوسیله نشانه 𐎠 که نشانه a یا یک نشانه همخوانی دارای a ذاتی بر آن مقدم شده باشد. نشان داده می‌شد، و نیز از نظر تحریری، از واحد آوایی ar متمایز بوده است؛ نگاه کنید به: پ ۲۹.

چ) برای آواهای دیگر موجود در زبان گفتاری که در خط نشان داده نمی‌شوند، نگاه کنید به: پ ۲۷، پ ۲۸، پ ۳۹، پ ۴۰، پ ۱۰۳/II، پ ۱۱۸/II.

(ح) جزئیات دیگر، در رابطه با پیشینه آواهای مورد نظر، ارائه خواهد شد.
(خ) در مورد جایگاه و طبیعت تکیه هجایی در فارسی باستان، هیچگونه مدرکی وجود ندارد، به جز حضور واژه‌های دارای پی‌چسب که نشان می‌دهند تکیه‌ای وجود داشته است.

پ ۶۰- جایگاه آواها و خوشه‌های آوایی در واژه‌های فارسی باستان.

I- واکه‌های $\check{a} \bar{a} \bar{I} \bar{I} \check{u} \bar{u} r$ و نیز واکه‌های مرکب $\check{a}i \bar{a}i \check{a}u \bar{a}u$ ، ممکن است در هر جایی از واژه ظاهر شوند. نمونه‌های بسیار گسترده‌ای از ظهور آغازین $\check{a} \bar{a} \bar{I} \bar{I} \check{u} \bar{u} r$ ظهور میانی $\check{a}i \check{a}u$ ، ظهور میانی همه موارد و نیز ظهور پایانی $\check{a} \bar{a} \bar{I} \bar{I} \check{u} \check{a}i \check{a}u$ وجود دارد.

II- همه همخوان‌ها در موضع آغازی پیش از واکه‌ها ظاهر می‌شوند به جز f ؛ نیز همه آنها در موضع میانی، بین دو واکه ظاهر می‌شوند.

III- خوشه‌های دو همخوانی زیر در موضع آغازی پیش از واکه‌ها ظاهر می‌شوند:
 ty ; $xr \ x\check{s} \ dr \ dv \ fr \ br \ sk \ st \ sp \ zr \ hy$ تنها در موضع آغازی بن $-tya$ می‌آید (نگاه کنید به: واژه‌نامه، زیر واژه مربوطه). $x\check{s}n$ تنها خوشه سه همخوانی در موضع آغازی است.

IV- خوشه‌های دو همخوانی زیر در موضع میانی، بین واکه‌ها ظاهر می‌شوند:

$xt \ x\theta^* \ xn \ xm^* \ xr \ x\check{s}, \ gd \ gn \ gm \ gr, \ jy, \ tp^* \ tr^*, \ \theta b^* \ \theta m \ \theta r^*, \ dr \ dv, \ ny$
 $nv, \ fr, \ br, \ mn \ my, \ rk \ rx \ rg \ rc \ rj \ rt \ r\theta \ rd \ rn \ rb \ rm \ ry \ rv \ rs \ r\check{s}, \ ld^*, \ st$
 $sp \ sm, \ \check{s}k \ \check{s}c \ \check{s}t \ \check{s}d^* \ \check{s}n \ \check{s}p \ \check{s}m \ \check{s}y \ \check{s}v, \ zd \ zb \ zm \ zr, \ hy$

در خوشه‌های $nk \ nx^* \ ng \ nt \ nd \ mp \ mb \ hm \ hv$ ، هنگام ظهور در عمل، آوای پیشین، در نوشتار حذف می‌شود. در مورد خوشه‌های مشخص شده با علامت * باید گفت: θb از طریق ساخت‌های قیاسی ظاهر می‌شود؛ $x\theta$ تنها در یک واژه غیر قابل توضیح؛ θr xm و zb تنها در واژه‌های مادی؛ xn تنها در یک نام سکایی؛ tp, tr, ld ، تنها در نام‌های غیر ایرانی مکان و اشخاص؛ $\check{s}d$ تنها در نوشته‌های بظاهر مخدوش، می‌آید.
V- خوشه‌های سه یا چهار آوایی در موضع میانی، میان دو واکه، بشرح زیر ظاهر

می شوند:

xšn؛ منتقل شده از موضع آغازی (III)؛ xstr و xštr، که مادی هستند؛ ngm، نوشته شده بصورت gm؛ rvy؛ ršy، ršn، ršt؛ که مورد اخیر از نظر آوایی rviy است.

VI- در موضع پایانی، فقط همخوان‌های تنها یافت می‌شوند، و از بین آنها، تنها m r، به نوشتار در می‌آیند؛ اما ویژگی‌های خط نشان می‌دهد که n, d, t پایانی (از nt و n) و h (از s پس از ā آریایی آغازین)، با تلفظی ضعیف (یا بعبارتی دیگر تلفظ کمینه یا خفیف)، تنها در گفتار باز مانده‌اند.

پ ۶۱- e o a هندواروپایی آغازین همه با هم به یک آوای a در آریایی آغازین تبدیل شده‌اند و این وضعیت، بدون دگرگونی، همچنان در ایرانی آغازین و نیز فارسی باستان بر جای مانده است^{۲۸}:

*ebherom, OP abaram, Skt. ábharam, Gk. ἔβηρον.

*ēkuom, OP asam, Skt. ásvam, Lt. equom.

*pro, OP fra-, Skt. prá, Gk. πρὸ.

*apo, OP prefix apa-, Skt. ápa, Gk. ἀπὸ «از»، Lt. ab.

*akmōn-, OP acc. asmānam, Skt. ásmānam, Gk.nom. ἄκμων «سندان».

در تعدادی از واژه‌ها، تشخیص این امر که ā فارسی باستان تحول یافته کدامین واکه هندواروپایی آغازین است، غیر ممکن می‌باشد؛ در این حال، تصور یک آوای هم خانواده ولی غیر آریایی، از زبانی که تمایزات را میان واکه‌های اصیل حفظ می‌کند، الزامی است، باستثنای جاییکه یک واکه پیشین هندواروپایی آغازین، یک آوای نرمکامی انسدادی مقدم را کامی کرده و بدین ترتیب ماهیت اصیل خود را نشان داده باشد (پ III/ ۷۳).

ā پایانی در فارسی باستان بطور مطلق ā- نوشته می‌شده؛ و با افزایش نشانه a گویی به بلند مبتلا می‌شده است. این پدیده در جاییکه ā- بوسیله یک همخوان کمینه نانوشتاری پیرو، حفظ می‌شد، به کار نمی‌رفت. نگاه کنید به: پ I/ ۳۶، پ ۴. برای -ay- تبدیل شده به -aiy- و -av- تبدیل شده به -auv-، نگاه کنید به: پ ۴۸؛ برای ادغام و اختصار ahah به āh پس از فقدان h ناهمگون شده پیشین، نگاه کنید به: پ ۱۳۱.

پ ۶۲- ē ō ā هندواروپایی آغازین نیز همانند واکه‌های قرینه کوتاه خود، همگی به ā آریایی آغازین تبدیل شده و با همین ارزش در فارسی باستان بازمانده‌اند:

*e-dhē-t, OP adā ساخت او, Skt. ádhāt, Lt. fē-cit.

*mātē[r], OP - mātā, Skt. mātā, Gk. (Dor.) μᾶτηρ.

→ *dō-, OP dadātuv, باشد که بدهد, Skt. dādātu, cf. Gk.

διδωμι, می‌دهم

subj. *gnō-skē-ti, OP xšnāsātiy, بدانند Lt. (fut.) nōscet خواهد آموخت

*bhrātēr, OP brātā, Skt. bhrātā, Gk. φράτηρ برادر قومی:

برای [r] tē - یا tēr -, نگاه کنید به: پ ۱۶۸/II.

پ ۶۳- واکه‌های خفیف هندواروپایی آغازین.

I- ʔ هندواروپایی آغازین، تخفیف یافته e کامل، و ʔ تخفیف یافته o کامل بوده است، در آثار بازمانده فارسی باستان، این واکه‌ها، بطور متقاعد کننده‌ای، تنها به صورت واکه پیش از یک آوای روان یا آوای غنه‌ای بعلاوه یک واکه دیده می‌شوند، البته در مواضعی که انتظار می‌رود در آنها، آوای روان یا غنه‌ای، صرفاً با ارزش واکه‌ای بکار رفته باشند. نمونه‌های مربوط به ʔ در رابطه با i واکه‌ای و همچنین m و n واکه‌ای ارائه شده است (پ ۶۶/II، پ ۶۷/ I-II)؛ در زیر مثال‌های احتمالی مربوط به ʔ آمده است، در حالیکه، به نظر می‌رسد که زبان‌های دیگر، بویژه u سنسکریت نشان می‌دهند که فرایند تخفیف از o ناشی شده است تا e.

*pʔros, OP para, Skt. purás, Gk. πάρος.

*pʔlu-, OP paru-, Skt. purù-, Gk. πολὺς.

II- ə هندواروپایی آغازین، تخفیف یافته ē یا ō یا ā بوده است؛ این واکه در آریایی آغازین به i، ولی در تمام شاخه‌های دیگر هندواروپایی به a تبدیل شده است.^{۲۹}

*pətē[r], پدر, OP pitā, Skt. pita/ā, Gk. πατήρ.

*sedos, OP hadiṣ محل سکونت → *sedos, Gk. εδος محل نشستن

*menos, OP-maniš → اما، در نامهای شخصی *menos, Gk. μένος (نیروی روح).
در hadiš و -maniš، با یک واکه کوتاه تفاوت دارد، بطوریکه مبین اصل
دیگری است؛ بهر حال مسئله پیچیده‌تر از آن است که بتوان در این جا، بحث
بسنده‌ای را مطرح ساخت.

اما هندواروپایی آغازین، پیش از i یا u متعلق به یک هجا یا هجای بعد، به a تبدیل
می‌شود، حتی در آریایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۷۱.

پ ۶۴- u و i هندواروپایی آغازین در زبانهای گوناگون، دستخوش دگرگونی‌های
بسیاری قرار گرفته‌اند؛ این واکه‌ها در فارسی باستان دست نخورده ظاهر
می‌شوند:

*q^hid, OP -ciy, Skt. cid, Gk. u چه، Lt. quid.

*peri, OP pariy, Skt. pári, Gk. περι پیرامون.

*esisteto, OP a^hištata, cf. Skt. átiṣṭhata.

*su- سالم، OP u-fraštam, Skt. su-, Gk. ὑγιής (صفت، قید).

*putlo-, OP puça, Skt. putrá-, Osc. puclo-.

*susko-, OP ^huška-, Skt. suṣka-, Lith. sausa-s خشک.

در فارسی باستان i- پایانی پیوسته از سوی ^ay و u- پایانی بوسیله ^ah دنباله
می‌شده است؛ و این امر یک واقعیت بوده اعم از اینکه i و u یک واکه ساده
بوده باشد و یا بخشی از یک واکه مرکب. نگاه کنید به: پ ۳۷، پ ۳۸.
در مورد شیوه نوشتار i و u در فارسی باستان و نیز بی‌قاعدگی‌های مربوط به آن، نگاه
کنید به: پ ۲۲؛ در مورد شیوه نوشتار hi و hu، نگاه کنید به: پ ۲۷، پ ۲۸.

پ ۶۵- u و i هندواروپایی آغازین در بیشتر زبانهای هندواروپایی، از جمله
فارسی باستان، بدون تغییر بازمانده است؛ اما به سبب طبیعت نظام نوشتاری
فارسی باستان، با استثناهایی نادر و نیز از طریق ملاحظات واژه شناختی، از ^hu
متمايز می‌شوند:

*g^huuos زندگی، OP jīva, Skt. jīvās, Lt. vīvos.

*dhī-dhi (§126), OP inv. dīdiy بین، cf. NPers.

فکر کردن dhāl → ریشه Skt. dān, دیدن

*bhūmi-, OP acc. būmim زمین، Skt. bhūmim.

pAr. *dūra-, OP قید → dūrai۱ دور، Skt. dūrā دور.

برای کاربرد گاهگاهی uv^a=uv و نیز کاربرد احتمالی iy^a=iy، برای دلالت بر $\bar{u}$ و $\bar{a}$ ، نگاه کنید به: پ ۲۳.

پ ۶۶-۱ و ۲ هندواروپایی آغازین هردو با هم به ۲ آریایی آغازین تبدیل شده‌اند که در سنسکریت و نیز ظاهراً در فارسی باستان دست نخورده بازمانده‌اند، اگرچه صورت نوشتاری آن با ۲^a که a یا یک همخوان دارای a ذاتی بر آن مقدم شده باشد، نشان داده می‌شود: بدین ترتیب k^aṛ^at^am^a، صورت عادی شده kartam، می‌شود kṛtam، سنسکریت، kṛtām؛ -ar^at^a، صورت عادی شده arta-، می‌شود rta. برای جزئیات نگاه کنید به: پ ۳۵-۲۹.

I- ظاهراً ۲ هندواروپایی آغازین در فارسی باستان، پیش از n به u تبدیل شده، اگرچه این ارزش تنها در ساخت‌های -kar «ساختن، کردن»، دیده می‌شود؛ و این تحول خاص را باید بیشتر به تاثیر افعال دیگر که در ریشه، پیش از پسوند -nau- دارای u هستند، نسبت داد.^{۳۰}

آریایی آغازین: *kr̥nauti، فارسی باستان: kunauti۱، سنسکریت: kr̥ṇóti؛ و نیز ساخت‌های دیگر زمان حال و ماضی استمراری، همانند، اول شخص مفرد ماضی استمراری: akunavam، اول شخص مفرد وجه التزامی میانه: kunavānai۱ و غیره؛ و همچنین از طریق گسترش در ماضی نامعین قوی: سوم شخص مفرد میانه akutā و غیره.

II- هنگامیکه ۲ (با هر خاستگاهی)، بنا بر ضرورت، پیش از یک واکه قرارگیرد، باید یا بصورت همخوان ۲ در آید و یا بصورت واکه تخفیف یافته به‌علاوه همخوان ۲. ترکیب اخیر^{۳۱} در فارسی باستان به صورت -ar- ظاهر می‌شود:

PIE *gh̥l-enio-، OP daraniya-، طلا، Skt. hr̥anya-

PIE *e-kṛiionto، OP akariyaⁿtā، cf. Skt. ākriyanta.^{۳۲}

چنین به نظر می‌آید که پیش از i و u، همان تحولی صورت گرفته باشد که پیش از یک واکه صورت می‌پذیرد؛ ممکن است که akariyaⁿtā فارسی باستان،

بیشتر بر **kbrionto* استوار باشد.

پ ۶۷- *m* و *n* هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین پیش از همخوان‌ها به *a* تبدیل شده است:

**mbhi*, OP *abiy*, Skt. *abhi*, oHG *umbi* (*abiy* واژه‌نامه زیر مدخل).

**kmtom*, 100 → **Θata-guš* (ریشه‌شناسی نامعلوم، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

**bhndh-to-*, OP *basta-* (§85), Skt. *baddhá-*, cf. Eng. *bound*.

**n* → *a-xšaina-*, *a-xšata-*, etc. پیشوند نفی

**sm-dhe*, OP *hadā*, Skt. *sahá*.

I- *m* و *n* هندواروپایی آغازین، پیش از یک واکه یا *i* یا *u*، باید همانند *r* (پ ۶۶/II)، بصورت **m* و **n* ظاهر شوند، که در این صورت در فارسی باستان به *am* و *an* تبدیل می‌شوند:

**guṁm-iēt*، سنسکریت: **gamyāt*، فارسی باستان: **ā-jamiyā* «ممکن است بیاید»، (با زقیاسی، پ ۱۰۱).

پیشوند نفی **n-*، در *an-āhitā* (در نوشتار، بسیار، نگاه کنید به واژه‌نامه)، «ایزد بانوی پاک»

در *a-yāu(ma)iniš*، منفی *yāumainiš*، پیشوند، در ساخت پیش همخوانی نیز تعمیم یافته است.

II- *m* و *n* هندواروپایی آغازین، هرگاه در جایگاه پایانی واژه قرار گیرند، به *a* آریایی آغازین تبدیل می‌شوند، که البته در فارسی باستان بصورت *ā* نوشته می‌شده است (پ ۳۶/I).

acc. **nōmṇ*، نام، OP *nāmā*, Skt. *nāma*, Lt. *nōmen*.

اما اگر *m*، پایانه حالت مفعولی صریح مفرد یک اسم و یا پایانه اول شخص مفرد یک فعل قرار می‌گرفت، آنگاه ارزش *-am* به جای **m* که درست پیش از واکه آغازین واژه بعدی قرار داشت تعمیم می‌یافت: بی‌تردید. این *-am*، بصورت عادی، از طریق تاثیر همزمان *-am* در حالت مفعولی صریح مفرد بن‌های مختوم به *-ō-* و نیز در صیغه اول شخص مفرد ماضی استمراری افعال

تماتیک تثبیت می شده است:

acc. viθ-am, asmān-am; cf. kāra-m, martiya-m.

*ēs-m «من بودم» OP āh-am, Skt. ās-am, Gk. (Hom.)

ṛ̥-a; cf. OP abara-m, Skt. ābhara-m, Gk. ἔφερο-v.

پ ۶۸ - **r, l, m, n** هندواروپایی آغازین به واکه‌های کوتاه هندواروپایی آغازین قرینه، مانند $\bar{u}$ ، $\bar{a}$ تا $\bar{i}$ ، $\bar{u}$ ، $\bar{a}$ ، $\bar{i}$ مربوطند؛ دو مورد نخست در فارسی باستان به **ar**، در سنسکریت به $\bar{r}$ یا $\bar{ur}$ ، و دو مورد بعدی در فارسی باستان و سنسکریت بطور همانند به $\bar{a}$ تبدیل شده است. در این زمینه، تنها چند مثالی را می‌توان، آنهم همراه با برخی احتمالات، برپایه معادل‌های سنسکریت شناسایی کرد:

*dīgho «دراز»، فارسی باستان: dargam، سنسکریت: dīrghá-، یونانی: δολιχός.
*g^um - tu - «جا، مکان»، فارسی باستان: gāθu-، سنسکریت: gātū-، باریشه -g^uem
«آمدن»

*e-gñ-nā-t «او دانست»، فارسی باستان: adānā، سنسکریت: ājānāt، با ریشه -gnō-،
مگر اینکه این زمان - ساخت در حقیقت -gnō-nā-، با فقدان n ناهمگون
شده پیشین آریایی آغازین باشد.
*pṛuom، فارسی باستان: paruvam «قبلاً»، سنسکریت: pūrvam.

پ ۶۹ - واکه‌های مرکب کوتاه مختوم به **i** هندواروپایی آغازین یعنی **oi, ai**،
^{۳۳}ei، همگی در آریایی آغازین به **ai** تبدیل شده‌اند که در فارسی باستان نیز
باقی مانده است^{۳۴}، اما در اوستا به **aē** یا **ōi** و در سنسکریت بصورت **e**
دگرگون شده‌اند. این واکه‌ها در یونانی به طور متمایز و تقریباً بدون تغییر مانده و
در لاتین، به ترتیب به **ae, i** یا **oe, i** تغییر یافته‌اند. ابهام در نوشتار
فارسی باستان، مشکل چشمگیری را در تشخیص این واکه‌ها بوجود می‌آورد؛
اما $j^a d^a m^a v^a + i$ واکه‌های مرکب را نشان می‌دهند، زیرا نشانه‌های ویژه‌ای
چون $j^a d^a m^a v^a + i$ وجود دارد که نوعاً پیش از واکه ساده **i** به کار می‌روند. علاوه
بر این، **kai** و **gai**، نیز، معرف **oi** و **ai** اصیل هستند؛ همچنین صورت **cai** و **jai**

هنگامی بدست می آید که واکه مرکب اصیل ei بوده باشد (پ ۹۸).

*eitiy, او میرود, aitiy, Skt. éti, Gk. ετοι.

→ در - ne - id, نه, OP naiy, Av. nōit, Skt. néd, cf. Lt. ne - nescio من نمی دانم.

*oiuos, تنها (Hom) oīos, OP asm. aivam, Av. nsm. aēvō, Gk. (Hom) oīos, یک,

*moi, به من, OP maiy, Skt. me, Gk. μοι.

vaināhy, Skt. ind. vénati; hainā, Skt. sēnā; aita, duvaištam, gaiōām, naibam, -taiy, -šaiy, tyaiy.

در مورد نشانه ai برای a پیش از y, نگاه کنید به: پ ۴۸؛ در مورد نشانه aiy - برای ai - پایانی، نگاه کنید به: پ ۳۷؛ برای برابری نشانه h^{ai} با hai و نه hi, نگاه کنید به: پ ۲۷.

پ ۷۰ - واکه های مرکب کوتاه مختوم به u هند و اروپایی آغازین ou, au, ^{۳۵}eu, همگی در آریایی آغازین به au تبدیل شده اند که در فارسی باستان نیز باقی مانده است ^{۳۶}، اما در اوستا به ao یا ōu، و در سنسکریت بصورت o دگرگونی یافته اند؛ این واکه ها در یونانی بنابر ضرورت، بی تغییر مانده و در لاتین به ترتیب بصورت ū ū au ظاهر شده اند. این واکه های مرکب، نسبت به واکه های مرکب مختوم به i، دارای بسامد ظهور کمتری هستند، و نیز تمایز آنها از یکدیگر به سبب عدم وجود دلیلی آشکار، بسیار دشوار است. اما در فارسی باستان، یک واکه مرکب، از طریق کاربرد یک همخوان دارای a ذاتی پیش از u، بطور قطع مشخص می شود. البته اگر همخوان قرینه دارای u ذاتی (k, g, t, d, n, m, r) نیز وجود داشته باشد؛ آوایی همانند g, k, پیش از e اصیل، کامی می شوند (پ ۹۸) و au پس از k یا g باید از ou یا au هندواروپایی آغازین ناشی شده باشد.

Av. kərənaoiti, Skt. OP kunautiy, او می سازد, neu- - پسوند krñóti.

*leukes, OP rauca, روز, Av. raočō, Skt. rocas, روشنی.

*dhroughos, OP drauga, دروغ, Av. draoyō, Skt. drōgha-s.

OP kaufa, کوه, Av. kaofō; gaušā, دو گوش, Av. gaoša;

cf. Gk. ou-tos. 'او، این' hauv, Av. taoxman-; فامیل، tau^hmā,

در مورد نشانه au برای a پیش از v، نگاه کنید به: پ ۴۸؛ در مورد نشانه auv- برای au- پایانی، نگاه کنید به: پ ۳۸، برای برابری h^au با hau و نه hu، نگاه کنید به: پ ۲۸. معمولاً به جای a^hu، بطور آشکار au قرار می‌گیرد، همانند:

ah^h uramazdā, Av. ahurō mazdā, Skt. āsura-s; nom.

dārayava^huš, اما → gen. dārayavahuš.

پ ۷۱- واکه‌های مرکب کوتاه ai و au هندواروپایی آغازین پیوسته بصورت ai و au هندواروپایی آغازین تحول می‌یابند و تنها از طریق ملاحظات ریشه شناختی قابل تمایزند؛ این واکه‌ها فقط به عنوان درجه صفر واکه‌های مرکب بلند به وجود آمده‌اند. به همین نحو، هندواروپایی آغازین نیز در آریایی آغازین به a پیش از i یا u هجای بعد، تبدیل شده است. تقریباً یک مثال قطعی در بن مضارع- paya (apayaīy) "من محافظت کردم"؛ pati-payauvā "تو از خودت محافظت کن" به عنوان گونه‌ای از pā- (pātuv) "ممکن است او محافظت کند"، و غیره). دیده می‌شود؛ از آنجا که pā- به اعتبار واکه، دارای درجه عادی به نظر می‌رسد (نیز بنابر گواهی سنسکریت)، از این رو، paya- باید در برابر pā-ie- باشد. به همین نحو، چنانچه xšnau در ā-xšnautiy "او راضی می‌کند" (همچنین مقایسه شود با درجه صفر در xšnuta "راضی") گسترشی از ریشه xšnā "آموختن" (از gnō*؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر واژه -xšnāv)، باشد، بنابراین باید در برابر gnōu* قرار گیرد.

پ ۷۲- واکه‌های مرکب بلند هندواروپایی آغازین در فارسی باستان بصورت āi و āu، در برابر واکه‌های مرکب کوتاه ai و au، ظاهر می‌شوند؛ این واکه‌ها در نوشتار به سادگی از هم متمایز می‌شوند، مگر هنگامی که در جایگاه آغازی قرار بگیرند که در این صورت، در این جایگاه دارای ابهام شده و با واکه‌های مرکب کوتاه اشتباه گرفته می‌شوند. در زیر موارد ظهور این واکه‌ها آمده است: uvāipašiyam «خویش»، مقایسه شود با: uvaipašiyahyā، با واکه مرکب کوتاه (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر واژه مربوطه).

ریشه - ei «رفتن»، با افزونه، در *āiš* «اورفت»، ظهور *āi* از طریق صورت مرکب *atiy-āiš* «او بعد رفت»، تحقق یافته است.

ریشه **eis* «با شتاب رفتن»، با افزونه در وجه سببی *frāišayam* «من به جلوگسیل داشتم» از **fra-āišayam*.

θāigarcaiš نام ماه در حالت وابستگی مفرد، با ویژگی *vridhhi* (پپ ۱۲۵۶) در هجای نخست؛ ویژگی ریشه شناختی آن نامعلوم است.

dahyāuš در حالت فاعلی و *dahyāum* (قلمرو) در حالت مفعولی صریح، با بلندای واکه مرکب بن در حالت‌های فوق.

اما *āi* در *cišpāiš* و نیز در *cicixrāiš* در حالت وابستگی، تنها یک نشانه نوشتاری است، مراجعه شود به: ۱۷۹/IV؛ *aniyāuva, maškāuvā* به جای *a^huvā* -، برابر با سنسکریت *āsu* - به علاوه پی چسب *-ā*، می‌آید؛ *paišiyāuvādāyā* نیز احتمالاً به جای *paišiyā^huvādāyā* می‌آید.

پ ۷۳ - همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین:
همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در گذر به آریایی آغازین
دستخوش تحولات کلی معینی قرار گرفته‌اند که به شرح زیر عبارتند از:

- I- همخوان‌های انسدادی کامی هندواروپایی آغازین به همخوان‌های صفیری آریایی آغازین یعنی (s, sh, zh) تبدیل شده‌اند.
- II- همخوان‌های لبی - نرمکامی هندواروپایی آغازین، ویژگی لبی خود را از دست داده، و با همخوانهای نرمکامی هندواروپایی آغازین، مجموعه جدیدی از نرمکامی‌ها را (q, qh, g, gh) بوجود آورده‌اند.
- III- مجموعه جدید نرمکامی‌ها، متناسب با طبیعت آواهای زیر، خود به دو مجموعه تقسیم می‌شود: کامی (c, ch, g, gh)، چنانچه پیش از *i, ā, ē* هندواروپایی آغازین قرار گیرند؛ نرمکامی‌ها (k, kh, g, gh)، چنانچه پیش از آواهای دیگر قرار گیرند.
- IV- در هندی آغازین (و نیز بطور جدا در یونانی آغازین)، از میان دو آوای انسدادی دمیده که هر دو در یک واژه قرار داشته و دستکم از سوی یک واکه از یکدیگر جدا شده باشند، آوای مقدم دمیدگی خود را از دست می‌دهد؛ این فورمول

تحت عنوان «قانون گراسمن» شناخته شده است. مثال‌های مربوطه را می‌توان در: پ ۷۵/III، پ ۷۶/III، پ ۱۰۱، یافت. اگرچه این دگرگونی نه در آریایی و نه در ایرانی، رخ نداده است، اما مطرح شدن آن در اینجا به سبب درک دقیق واژه‌ها و ساخت‌های سنسکریت است که این قاعده در آنها عمل کرده است.

-V لازم به ذکر است که تقریباً در تمام مواقع، روند عمومی کهنی که در هندواروپایی آغازین عمل کرده، پیوسته به عملکرد خود ادامه داده است: انسدادی‌های واکدار و z، که پیش از انسدادی‌های بی‌واک یا s قرار، بی‌واک و انسدادی‌های بی‌واک و s، که پیش از انسدادی‌های واکدار یا z قرار گرفته واکدار شده‌اند.

-VI بدین ترتیب، آریایی آغازین، از انسدادی‌های هندواروپایی آغازین، مجموعه آواهای زیر را ذخیره کرده است:

انسدادی‌های لبی	p	ph	b	bh
انسدادی‌های دندانی	t	th	d	dh
صفیری‌های کامی	s	sh	z	zh
انسدادی‌های کامی	c	ch	g	gh
انسدادی‌های نرم‌کامی	k	kh	g	gh

پ ۷۴ - همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در ایرانی آغازین: تولید انسدادی‌های هندواروپایی آغازین، در گذر از آریایی آغازین به ایرانی آغازین، دستخوش دگرگونی‌های کلی بیشتری شده است:

-I انسدادی‌های بی‌واک p t c k، چنانچه پیش از یک همخوان قرار گیرند، به سایشی‌های بی‌واک f θ š x تبدیل می‌شوند، مگر هنگام تقدم یک آوای صفیری آریایی.

-II دمشی‌های بی‌واک، چنانچه پس از یک آوای صفیری قراگیرند، ویژگی دمشی خود را از دست داده و به ترتیب به p t c k تبدیل می‌شوند، در غیر این صورت به سایشی‌های بی‌واک f θ š x تغییر می‌یابند.

-III دمشی‌های واکدار، ویژگی دمشی خود را از دست داده و به غیر دمشی‌های

واکدار g d b شبیه می شوند.

IV- جزئیات دیگر، شامل تحولات مربوط به صفیری‌های کامی و نیز افزودگی‌ها و استثنائات متعلق به این فورمول‌های کلی، در پاراگراف‌های بعدی خواهد آمد؛ لازم به ذکر است که i تنها همخوانی است که کامی‌های آریایی آغازین، پیش از آن می‌توانند تحول یابند.

پ ۷۵- همخوان‌های انسدادی لبی هندواروپایی آغازین در فارسی باستان: بنابر فورمول‌های ارائه شده در پ ۷۳ و پ ۷۴، p هندواروپایی آغازین همیشه در فارسی باستان بصورت p، و پیش از همخوان‌ها بصورت f ظاهر می‌شود؛ ph هندواروپایی آغازین، در فارسی باستان بصورت f، و پس از s بصورت p در می‌آید؛ b و bh هندواروپایی آغازین به b فارسی باستان تغییر می‌یابد. بازنمایی کلی این آواها در زبانهای دیگر عبارت است از:

pIE p, Skt. p, Av. p و f, Gk. π Lt. p, Gmc. f, BS p.
pIE ph (یک آوای نادر), Skt. ph, Av. f و p, GK. φ, BS p.
pIE b, Skt. b, Av. b, Gk. β, Lt. b, Gmc. p, BS b.
pIE bh, Skt. bh, Av. b و w, Gk. φ, Lt. f- و -b -, Gmc. b, BS b.

I- P فارسی باستان:

pIE *peri, OP pariy, Av. pairi, Skt. pári, Gk. περι.
pIE *pətē و *pətēr, OP pitā, Skt. pitā, GK. πατηρ, Lt. pater.
pIE *putlo-, OP puça-, Av. puθra-, Skt. putrá-, Osc. puclo-.
pIE *apo, OP apa-, Skt. ápa, Gk. ἀπό.
pIE *nepōt-s, OP napā, Skt. nāpāt, Lt. nepōs.
OP gen. xšapa' شب, Av. xšap-, Skt. ksap-.

II- f فارسی باستان، از p هندواروپایی آغازین پیش از همخوان:

pIE *pro, OP fra - بعنوان پیشوند, Skt. prā, Gk. πρό.
pIE *prek → OP ptc. u-fraštam خوب مجازات شده

cf. Lt. precor, پرسیدم, pIE *prk-skō, OP parsā-miy, Skt. prcchā-mi, Lt. poseō.

در مورد f فارسی باستان باز آمده از ph هندواروپایی آغازین نمونه مشخص وجود ندارد؛ به نظر نمی‌رسد که *kaufa «کوه» در فارسی باستان، و نیز kaofa- در اوستا، هم‌ریشه نزدیکی در خارج از گستره زبان‌های ایرانی داشته باشند.

A

- III

b فارسی باستان، اغلب باز آمده از bh هندواروپایی آغازین است؛ بجای b در هندواروپایی آغازین، آوای فوق‌العاده نادری وجود داشت که تنها مورد ظهور احتمالی آن در فارسی باستان، در -ā-big-na، دومین بخش صورت مرکب bagābigna است، البته چنانچه این صورت، یک وجه مفعولی برای ریشه bīja «بذرافشاندن» در سنسکریت باشد (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر واژه مربوطه).
گرامی داشتیم, OP abaram, بردم, pIE *ebherom,

Skt. ābharam, Gk. εφερον.

pIE *bhrātē و *bhrātēr, OP brātā, Skt. bhratā,

Lt. frāter.

pAr. *bhi,^{۲۷} OP abiy, Skt. abhi.

pIE *u-bhō و -bhōu, هر دو, OP ubā, Skt.

ubhá ubhāu, Gk. ἀμφω, Lt. am-bō.

در برخی از واژه‌ها، b فارسی باستان، اگرچه باز آمده از bh هندواروپایی آغازین است، اما با b سنسکریت برابری می‌کند، زیرا «قانون گراسمن» (پ ۷۳/IV) در هندی نیز عمل کرده است:

هندو اروپایی آغازین: *pbhendh- «بستن»، در فارسی باستان: baⁿdaka- «بنده»، مقایسه شود با سنسکریت: bandhá «بند»، و -b در انگلیسی: bond, bind, از هندواروپایی آغازین: -bh.

هندواروپایی آغازین: *bhergh- «بلند مرتبه باش»، در bardiya - , baršan , brazmaniya-؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

-IV

ترکیب آوای لبی با همخوان‌های زیر به جز ɾ، به ندرت در فارسی باستان رخ می‌دهد؛ با این حال صورت: با آبها, OP abiš > *abbhiš > *ap-bhis (JAOS 62.269-70; §73.V, §130) دیده می‌شود. برای p در sp از ku هندواروپایی آغازین، به: پ ۹۰؛ برای b در zb از g^{hu} هندواروپایی آغازین به:

پ ۹۱؛ و برای f از su در -viⁿdafarnah، به: پ IV/۱۸، مراجعه کنید.

V- p b f فارسی باستان در بعضی از اسناد و مدارک تا نیاکان خود در هندواروپایی آغازین قابل ردیابی نیستند و یا اینکه قطعاً از منابع خارجی به وام گرفته شده‌اند؛ برخی از نمونه‌ها عبارتند از: -piru «عاج»، -siⁿkabru «عقیق سرخ»، بصورت بسیار محتمل θarmi «الوار»، و نیز بسیاری از نامهای مربوط به اشخاص و مکان‌ها، همانند: priāva «نیل»، putāya «لیبیایی»، bābiruš «بابل»، arabāya «ارابیایه»، arbairā «اریل»، -ufrātu «فرات»، naditabaira، ندیت بَئیر، nabukudracara «بخت النصر».

پ ۷۶ - همخوان‌های دندانی هندواروپایی آغازین در فارسی باستان: بنابر فرمول‌های ارائه شده در: پ ۷۳ و پ ۷۴، t هندواروپایی آغازین، معمولاً در فارسی باستان بصورت t و پیش از همخوان‌ها بصورت θ ظاهر می‌شود؛ th هندواروپایی آغازین در فارسی باستان به θ و پس از s به t تبدیل می‌شود؛ d و dh هندواروپایی آغازین نیز در فارسی باستان به d تغییر می‌یابد. اما θ باز آمده از t هندواروپایی آغازین پیش از همخوان‌ها، در برخی از ترکیبات دچار دگرگونی‌های اضافی می‌شود، که در: پ ۷۷-۸۲، مورد بحث قرار خواهد گرفت، معادل‌های آواهای دندانی هندواروپایی آغازین در زبان‌های دیگر به شرح زیر عبارتند از:

pIE t, Skt. t, Av. t و θ, Gk. τ, Lt. t, Gmc. Þ, BS t.

pIE th, Skt. th, Av. θ و t, Gk. θ, Lt. f- -d- -b-.

pIE d, Skt. d, Av. d و δ, Gk. δ, Lt. d, BS d.

pIE dh, Skt. dh, Av. d و δ, Gk. θ, Lt. f- -d- -b-, BS d.

I- t فارسی باستان باز آمده از t هندواروپایی آغازین:

pIE *eti, OP ati-, Skt. áti, آنسوی, Gk. ετι, هنوز, Lt. et و.

pIE *ute, OP utā, Skt. utá, Gk. Hom. η-vτε همانند.

pAr. *tanū- Op tanū- تن, Av. tanū, Skt. tañ-.

pAr. *tuvam, OP tuvam, Skt. Ved. tuvám, cf. Lt. tū.

pIE *pətē, OP pitā, §75 I; pIE *bhrātē, OP brātā, §75.III.

pIE *qrto-, OP karta-, Skt. krtá-.

-II θ فارسی باستان باز آمده از th هندواروپایی آغازین:

pIE *pn̥thi-, OP acc. paθim راه, Skt. path-.

pIE *rotho-, OP u-raθa-, Av. دارنده گـردونه خوب, Skt. rátha-, cf. Lt. rota, 'چرخ' (ba → pIE t, نه → th).

pAr. *iathā, OP yaθā, Skt. yáthā; و نیز → OP avaθā.

OP mauθ-, āθiyābaušna-, gaiθā-, fraθara-, miθah-,

نگاه کنید به واژه نامه زیر مدخل مربوطه.

OP raxθatuv, وجه امری از ترکیباتی کاملاً ناشناخته

t فارسی باستان باز آمده از th آریایی آغازین پس از s, در فارسی باستان: stā (نگاه کنید به واژه نامه), اوستا: stā-, سنسکریت: sthā باز آمده از آریایی آغازین sthā- (نمونه برای آوای دمیده در زبانهای غیر هندی وجود ندارد؛ مقایسه شود با: Gk. Dor. ι-σtā-μ, Lt. stā-re, oCS sta-ti)

-III d فارسی باستان باز آمده از d هندواروپایی آغازین:

pIE *deiwo- 'خدا', OP daiva- 'دیو', Av. daēva-, Skt. devá-, Lt. dīvos deus.

pIE *ped- 'پا', loc. در → OP ni-padiy, Skt. pad-, Lt. abl. pede, Gk. dat. ποδ-; pIE *pedo-m, OP pati-padam 'بر پایه اش', Skt. padá- 'گام', Gk. πεδov 'زمین'; pIE *pōdo- 'پا', OP inst. dual pādaibiyā, Skt. pāda-, cf. Gt. fōtu-.

pIE *dō- 'دادن', OP dadātuv, 'باشد که بدهد', Skt. dādātu, cf. Gk. διδῶτω.

pIE *sed- 'نشستن', OP had-iš, مکان, Gk. قصر, جا, OP niy-aśādayam, 'و من مستقر کردم', وجه سببی در جا, مکان, Skt. ásādayam. (در مورد -š- نگاه کنید به: پ ۱۱۷)

OP *dus- → پیشوند جدا نشدنی هندواروپایی آغازین

duš-, Av. duš-, Skt. duṣ-, Gk. δυσ-.

pIE *duitl̥io- 'دوم', OP duvitīya-m, Skt. dvitīya-.

d فارسی باستان باز آمده از dh آریایی آغازین، باز آمده از dh هندواروپایی آغازین:

pIE *dhē- 'گذاشتن', OP adā, Skt. ádhāt.

pIE *dher- 'داشتن', OP dārayāmiy 'من دارم', Skt. dhārāyāmi.

pIE *dhuor- 'در', OP loc. duvarayā, Av. dvar-, Lt. forēs, cf. Gk. θυρά.

OP baⁿdaka, 'بند', در → pIE *bhendh-, → § 757 III.

OP hadā 'با', Skt. sahá, از → pIE *sm-dhe; همان پسوند در → avadā, idā, ada-kaiy.

d سنسکریت، باز آمده از dh هندواروپایی آغازین، برپایه «قانون گراسمن» (پ ۷۳/IV):

pIE *dhrugh-ie- در → OP adurujiya 'دروغ گفت', Skt. drūhyati 'او فریب داد', Gm. trügen; pIE *dhrougho- در → OP drauga- 'دروغ', Skt. dróha-drógha- 'آسیب'.

pIE *dhighā-, OP didā, 'دیوار', cf. Skt. dehī-, Gk. τεῖχος.

pIE *dhugh- در → OP ha-dugā- 'کتیبه'

نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه.

ساخت‌های مضاعف هندواروپایی آغازین همانند *dhē-, فارسی باستان: adadā سنسکریت: ādadhāt.

نام‌های شخصی مضاعف، همانند: dādarši-, برابر با صفت سنسکریت: dādhṛī- «جسور، بی‌باک»، در هندواروپایی آغازین: *dhers-, در فارسی باستان، نگاه کنید به: adaršnauš «جرأت کرد، شهادت نشان داد»، سنسکریت: ādhṛsnot.

IV- در مورد ۱ هندواروپایی آغازین پیش از همخوان، به: پ ۷۷-۸۲؛ در مورد تحولات ویژه دیگر مربوط به انسدادی‌های دندان‌ی غیر پایانی به: پ ۸۳؛ در مورد دندان‌ی پایانی به: پ ۸۴؛ در مورد آوای دندان‌ی به علاوه دندان‌ی به:

پ ۸۵؛ در مورد θ و d فارسی باستان باز آمده از انسدادی‌های کامی هندواروپایی آغازین به: پ ۸۷-۸، مراجعه شود.

-V نیز نمونه‌های متعددی از $t\theta d$ فارسی باستان در دست است که نمی‌توان آنها را با قطعیت تا ریشه‌های هندواروپایی ردیابی کرد، و یا اینکه بطور آشکار از منابع غیر هندواروپایی به وام گرفته شده‌اند. از میان این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: $taka-$ «سپر، کلاه گرد» در $taka-bara-$, $tacara-$ «قصر»، $dipi-$ «کتیبه» (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، $spāda-$ «سپاه» (تنها در زبانهای ایرانی)، وجه امری $raxθatuv$ با معنی نامعلوم؛ و همچنین نامهای متعلق به اشخاص و مکان‌ها، از جمله: $atamaita-$ (عیلامی)، $naditabaira$ (سامی)، $ufratu-$ «فرات»، $katpatuka$ «کپدوکیه»، $tigrā-$ «دجله»، $putāya-$ «لیبیایی»، $aθurā, mudrāya-, dubāla- daha, dātuvahya-$ و غیره

پ ۷۷ - t هندواروپایی آغازین پیش از همخوان‌ها در ایرانی آغازین به آوای سایش بی‌واک θ تبدیل شده است؛ اما دگرگونی‌های پیشین نیز در این مورد رخ داده است. مراجعه شود به: پ ۸۲-۷۸.

پ ۷۸ - tr آریایی آغازین باز آمده از tr و tl هندواروپایی آغازین (به استثنای مواردی که پس از یک آوای سایشی قرار گیرد، پ ۷۹)، به θr ایرانی آغازین تبدیل شده است، که در اوستا و مادی نیز باقیمانده ولی در فارسی باستان به یک آوای صفیری تغییر یافته است؛ این آوا بصورت θ آوانویسی شده و ظاهراً آوایی است بین آوای دندان‌ی خالص s و آوای کامی $\$$. مثال:

$PIE^*putlo-$, $OP pu\ca-$ «پسر»، $Av. pu\thetara-$, $Skt. putrā-$, $Osc. puclo-$.

$PIE^*p\theta r-os$ (نه بصورت اصیل، بلکه صورت بازسازی شده و متاخر)، $OP pi\ca$, $Av. pi\theta r\bar{o}$, $Gk. \pi at\rho\acute{o}s$ → $OP pit\bar{a}$ «پدر».

$pAr. *k\acute{s}atram$ «سلطنت»، $OP x\acute{s}a\gamma am$, $Av. x\acute{s}a\theta r\bar{e}m$, $Skt. k\acute{s}atr\bar{a}m$ ؛ اما θr مادی در $x\acute{s}a\theta rita$ «فروریش»، نامی که سوی یک از شورشی مادی به کار رفته است.

pIE *tritl̥io- «سوم»، OP čitl̥yam, Av. θritya-(θritl̥ya- (در نوشتار برای

Skt. tr̥tīya-, Lt. tertius. → مقایسه شود با

Av. ātar-āθr- «آتش» → āčiyādiya- قابل مشاهده در نام ماه فارسی باستان،

(علیرغم این واقعیت که āčina یک عیلامی بوده است) āčina → احتمالاً در نام شخصی

Av. čīθra- «تبار، چهار»، OP ciça-.

OP vaça- «کمانور» → با ریشه شناسی نامعلوم در، «کمان» OP vaça-

Skt. mitrá- «دوست».

واژه اخیر، یعنی mitrá- که در ایرانی به وام گرفته شده، در آغاز به عنوان صفتی برای یک ایزد و سرانجام به عنوان نام او به کار رفته است؛ این واژه در فارسی باستان به گونه های -miça-, mīθra-, mītra-، در واژه مشتق ha-miçiya «متحد» (در توطئه)، -misa- در نام شخص va^hu-misa (= سنسکریت: vasu-mitra؛ نگاه کنید به زیر) به نوشتار در آمده است. املاهای گوناگون در یک جا اختلافات گویشی، و در یک جا تلفظ های گوناگون یک واژه بیگانه را که بطور ناقص با الگوی آوایی گویش هایی که در آن بکار می رود، همگون شده، نشان می دهد.

تولید آوای θr آریایی آغازین در فارسی باستان بصورت آوای صغیری در آمده که در املاهای واژه های وام گرفته شده نشان داده می شود. بنابراین & در ciçaⁿtaxma-، در واژه عیلامی ši-iš-šā-an-tak-ma، به صورت & باز نموده شده است (مبنای tr در واژه اکدی ši-it-ra-an-tah-ma، صورت مادی نام مذکور می باشد، زیرا نام فوق بر یک شخص بومی ساگر تی در ماد اشاره دارد). نیز به موارد زیر توجه کنید:

OP *ciça-farnā, Gk. Τισσα-φερνῆς, → cizzaprīna. لیسایی

OP arta-xšaça, Elam. ir-tak-šā-āš-šā, Akk. ar-ta-ak-šā-as su (Vs.c, b; → لیدیایی (rtxšš, (Aram. (Elephantine)، (در کتیبه های بلندتر ar-tak-šat-su artaksass.

OP Vau-misa بجای -miça- (نگاه کنید بالا)، Elam. ma-u- mi-iš-šā, Akk. ù-mi-is-si; اما → Akk. mi-it-ri با برابر non-OP mitra- یا mīθra-.

OP āčina, Elam. ha-iš-ši-na, Akk. a-ši-na.

OP āçiyādiya-, Elam. ha-iš-ši-ia-ti-ia-iš.

OP çūšā-, Elam. šu-šā-an, نیز → Akk. šu-šā-an.

در مورد Ç باز آمده از kl هندواروپایی آغازین در niy-açārayam (من بازگرداندم، من بازسازی کردم)، نگاه کنید به: پ ۹۴.

پ ۷۹ - tr آریایی آغازین پس از آواهای سایشی (شامل آواهای صفیری) در اوستا بدون تغییر ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد که این خود در مادی نیز یک تحول بوده باشد، همانند آنچه که در نام مادی uvaxštra- «هوخستره»، عیلامی: ma-ak-iš-tar-ra، اکدی: ù-ma-ku-iš-tar، دیده می‌شود. نام ایالت شمال شرقی یعنی «بلخ»، یونانی: Báktpa، نیز در صورت bāxtriš، به همین نحو، یک ساخت غیر فارسی باستان را نشان می‌دهد، عیلامی: ba-ik-tar-ri-iš، اکدی: ba-ah-tar؛ اما گونه خالص فارسی باستان *bāxšiš یا *bāxçiš، از طریق گونه دیگر عیلامی یعنی ba-ak-ši-iš مورد تأیید قرار گرفته است. سرانجام، uša-bāri- «سوار برشتر» فارسی باستان، از طریق مقایسه با -uštra «شتر» در اوستا، نشان می‌دهد که در فارسی باستان، حتی پس از آوای سایشی یا یک آوای صفیری، tr به θr و سپس به Ç دگرگونی یافته و نیز پس از š، Ç با آن š مقدم، همگون شده است.

پ ۸۰ - ti هندواروپایی آغازین بنابر قاعده (پ ۷۷) به θi ایرانی آغازین تبدیل شده است، که در اوستا و مادی باز می‌ماند ولی در فارسی باستان به š dگرگون می‌گردد:

OP xšāyaθiya ' شاه، از pAr. *kšāiatia-؛ مادی

OP hašiyam ' حقیقت، Skt. satyám.

OP uvā-maršiyuš (نگاه کنید به واژه‌نامه)، Skt. mrtyù - مرگ.

OP uva-pašiyā- خویش، از pAr. *patia- (نگاه کنید به واژه‌نامه)

OP anušiya- پیرو، از *anu-tio-.

paišityā ' قبل، cpd. prep. *pati-ā، (127§) با توارد آوایی.

در مورد aθiy به عنوان صورت سندهی مضاعف atiy و نیز در مورد بازماندن t

در -*tya* و اشکال مربوط به آن، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل های مربوطه.

پ ۸۱ - *tu* هندواروپایی آغازین بنابر قاعده (پ ۷۷) به *θu* ایرانی آغازین تبدیل شده، که در فارسی باستان با املاء $\theta^{uv} = \theta^{uv^a}$ باز مانده است:

pIE **tuē* + acc.-m, OP *θuvām*, Av. *θwam*, Skt. *tvām*.

pAr. **gātu-* *gāθu-* *gātav-*, Skt. *gātu-* *gātv-* *gātav-*, Av *gātu-* *gāθw-* *gātav-*, OP (با *θ* تعمیم یافته) acc. *gāθum*, loc. *gāθavā*.

pAr. *kratu-* etc., Skt. *hrātu-* etc., Av. *xratu - xraθw - xratav -*, OP acc. *xraθum*. (با *θ* تعمیم یافته)

پ ۸۲ - *tn* هندواروپایی آغازین بنابر قاعده (پ ۷۷) به *θn* ایرانی آغازین تبدیل شده، که در اوستا باقی مانده، اما در فارسی باستان به *šn* دگرگون شده است؛ بنابراین، صورت آریایی آغازین: *aratn-*, *aratan-*، در روند تحولی خود، در اوستا: *araθnā* در حالت تثویه، را داده، اما در فارسی باستان، صورت *arašn-* و (باگستره §) *arašan-* «آرش، واحد اندازه گیری»، در حالت جمع بایی: *arašaniš* (نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل *arašan-*) از آن بدست آمده است. برای *baršnā*، *vašnā*، نگاه کنید به: پ ۹۶، پ ۱۲۰.

پ ۸۳ - تحولات دیگر انسدادی های دندانی غیر پایانی.

I - *d-n-* هندواروپایی آغازین به *n-* ایرانی آغازین تبدیل شده است (کوتاه کردن -*nn-*، پ ۱۳۰)، همانند، هندواروپایی آغازین: **ueid-ne-*، فارسی باستان: *vaināmiy* «من می بینم»، اوستا: *vaēnaiti* سوم شخص مفرد؛ مقایسه شود با همان ریشه همراه میانوند غنه ای (به جای پسوند غنه ای) در سنسکریت: *vinadāti* «او می یابد»، و در فارسی باستان: *viⁿda^l-farnah-* «ویدفَرَن»^(۴) (نگاه کنید به واژه نامه، زیرمدخل مربوطه؛ *n-* از طریق حرف نوشت های یونانی،

۴. نام یک پارسی، متحد داریوش علیه گئومات.

عیلامی و اکدی، به اثبات رسیده است).

II- در دو واژه، θ در جایگاهی که انتظار d می‌رود، یافته شده است:
فارسی باستان: $\theta anuvaniya$ «کماندار»، در حالیکه واژه در سنسکریت دارای dh است: $dhānvan-$ «کمان»؛

فارسی باستان: $spāda$ «سپاه»، در نام مادی $taxmaspāda$ ، در حالیکه واژه به ظاهر مشتق از آن یعنی $spāθmaida-$ «اردو، جنگ»، دارای θ است. در مورد این دگرگونی، تاکنون هیچگونه توجیهی پیشنهاد نشده است.

III- نام ایالت $tp-$, $katpatuka$ - $tp-$ ناهمگون شده‌ای را نشان می‌دهد که از طریق معادل‌های عیلامی و اکدی آن بنیاد گرفته است؛ این نام غیر ایرانی بوده و برای نمونه‌های خوشه‌ای ایرانی و فارسی الگو سازی مجدد نشده است.

پ ۸۴ - آواهای دندانی پایانی ضعیف شده و در نتیجه در نوشتار فارسی باستان ظاهر نمی‌شوند. این آواها، پس از $\tilde{a}$ ، در تلفظ تا حدی باقی میمانند که از نوشتار واکه بصورت بلند جلوگیری کنند (پ III/۳۶):

فارسی باستان: $abara$ «اوئرد»، سنسکریت: $\acute{a}bharat$ ؛ فارسی باستان: سوم شخص جمع $abara$ ، سنسکریت: $\acute{a}bharan$ ، به جای $ebheront$ *. این آواها، پس از $\tilde{a}$ ، تقریباً بطور کامل ناپدید می‌شوند^{۲۸}؛ در مورد $hyāparam$ ، به نظر می‌رسد که این واژه حالت از $hyād$ * به علاوه $aparam$ بوده باشد و این ادغام مبین حذف از پیش واقع شده d - می‌باشد.

d - پایانی پس از i ناپدید می‌شود همانند: پی چسب فارسی باستان $ciy-$ ، سنسکریت: cid ، هندواروپایی آغازین $q^{u}id$ ؛ فارسی باستان: $naiy$ «ته»، اوستا: $nōit$ از $ne + id$ *. به نظر می‌رسد که t پایانی پس از u ، در فارسی باستان، در واژه‌های $akunauš$ «او ساخت»، $adaršnauš$ «او شجاعت نشان داد»، سنسکریت: $\acute{a}dhrsnot$, $\acute{á}krnot$ ، بصورت $\tilde{a}$ حفظ شده است؛ اما این $\tilde{a}$ به عنوان گستره s در آنوربست، که t پس از آن باید حذف شده باشد، دارای توجیه بهتری است. پیشوند ud «بالا»، که بدون تغییر، پیش از یک واکه در $udapatatā$ «او خروج کرد (در شورش)» ظاهر می‌شود، به تمام وجوه همگون سازی d در $uzma-$ «چوبه مرگ» (از $ud-zma$ *) تن در داده و در $us-tašanā$ «پلکان»، در یک خوشه دندانی، به $us-$ تبدیل شده است (پ ۸۵). برای ترکیب سندهی d

پایانی با c آغازی، نگاه کنید به: پ ۱۰۵.

پ ۸۵- خوشه‌های دندانی **tst(h)** و **dzh(h)**، (پ / ۵۸)، آوای دندانی آغازین خود را بواسطه فرایند ناهمگون سازی، کاملاً از دست داده‌اند و در واقع این خوشه‌ها در ایرانی و یونانی دارای این تحول هستند؛ در حالیکه در هندی باستان، در اکثر نمونه‌ها آوای صفیری، و در ایتالیایی باستان آوای دندانی دوم را از طریق قیاس‌های انواع گوناگون از دست داده‌اند^{۳۹}. بدین ترتیب، تحولات معمولی خوشه‌های فوق به شرح زیر عبارتست از:

pIE tst, Av. OP st, Skt. tt, Gk. στ, Lt. ss.

pIE tsth, Av. OP st, Skt. tth, Gk. σθ, Lt. ss.

pIE dzd, Av. OP zd, Skt. dd, Gk. δ, Lt. (بدون مثال‌های معین).

pIE dzdh, Av. OP zd, Skt. ddh, Gk. σθ, Lt. ss.

تغییرات بیشتر، مربوط به ویژگی قیاس، در شماری از این ترکیبات، بویژه وجه وصفی ریشه مختوم به dh که دارای -dzdh- باز آمده از -dh-t- است، و معمولاً در ایرانی و یونانی در -tst- بسیار متداول (از -t-t- و -d-t-) بازسازی شده، رخ داده است.

مثال‌های موجود در فارسی باستان به شرح زیر عبارتند از:

pasti- «سربازپاده»، از *patsti- از *ped-ti-.

- ustašānā «پلکان»، از *utst- از *ud-te-.

aruvastam «فعالیت»، در شکل نظری: *arvattam (-tst- متناسب با بافت)، اما نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

basta «بسته»، وجه وصفی برای ریشه هندواروپایی آغازین -bhendh-؛ بنابراین، (Skt. baddhā), -badzdha- > *bhndh-to-، جابجا شده با -batsta- در ایرانی.

-gasta- «بلا»، وجه وصفی برای ریشه هندواروپایی آغازین در اوستا: ganti- «گند»، سنسکریت: gandhā «بو»، با جابجایی مشابه میان -dzdh- با -tst-.

azdā قید «معلوم»، سنسکریت: addhā «واقعاً، بدین نحو»، از آریایی آغازین: -adzdha-.

aura-mazadā «هورامزدا»، از *ma(n)dzdhās، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر

مدخل مربوطه.

پ ۸۶ - همخوان‌های انسدادی کامی k, kh, g, gh هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین به آواهای صغیری $*s, sh, z, zh$ تبدیل شده‌اند؛ البته آوای دمیده بی‌واک بسیار نادر بوده و احتمالاً از مجموعه مورد بحث زیر حذف شده است. s, z, zh آریایی آغازین در سنسکریت بصورت s (اغلب به شکل ṣ و آنوئسی شده است)، h, j ؛ و در اوستا بصورت s, z, z ظاهر شده است، زیرا آواهای دمیده واکدار، در ایرانی آغازین، ویژگی دمشی خود را از دست داده‌اند. در فارسی باستان تظاهر آوایی دوگانه‌ای وجود داشته است: θ و d در فارسی باستان خالص s, z در واژه‌های به وام گرفته شده از مادی (تحولات دیگر در بعضی از خوشه‌ها، پ ۹۷-۸۹). در شاخه‌های گروه آریایی غربی خانواده زبانی هندواروپایی، این آواها دقیقاً همانند آواهای نرم‌کامی خالص تحول یافته‌اند (پ ۹۸).

پ ۸۷ - k هندواروپایی آغازین پیش از واکه‌ها به جز مواردی که s بر آن مقدم شده باشد، به θ فارسی باستان و s مادی تبدیل می‌شود:
 pIE $*kens$ → OP $a\theta aham^*$ ، 'من گفتم'، Av. root $sah-$ ، Skt. $sas-$ ، Lt. pres. $c\bar{e}nse\bar{o}$.
 pIE $*nek-$ ، Lt. 'او تباه می‌کند' OP $vi-n\bar{a}\theta ayaity$ → در 'خرابی، ویرانی'، nocet، Skt. $n\bar{a}s\acute{a}yati$.
 pIE $*mak-$ → در OP $ma\theta i\acute{s}ta$ ، بزرگترین، Av. $masi\acute{s}ta-$ ، بلندترین، Gk. $\mu\eta\kappa i\sigma\tau o\varsigma$.
 pIE $*ak$ → در OP $a\theta a^ng a-$ ، سنگ، Av. $as\bar{e}ng a-$ → مقایسه شود با $asan-$ ، سنگ، Med. s → در nom. $as\bar{a}$ → و احتمالاً در $asa-garta-$ (نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه).
 سنگ، آسمان، Av. $asman-$ ، آسمان، acc. $asm\bar{a}nam$ → نیز مقایسه شود با Skt. $\acute{a}smān-$ ، سنگ، Gk. $\acute{a}\kappa\mu\omega\nu$ 'سندان'، sm) باز آمده از km ، احتمالاً علاوه بر اینکه مادی است، فارسی باستان هم هست؛ پ ۹۵).

هندواروپایی **uik-*، فارسی باستان *viō-* خانه، خانه سلطنتی، اوستا *vīš-* محل سکونت اشراف، سنسکریت *vis-* محل سکونت، مقایسه شود با: یونانی *oīkos* خانه؛ فارسی باستان در حالت جمع بایی *v'θbiš*، *θ* را زیر تاثیر بن مشتق از صفت فارسی باستان *viθa-* «متعلق به خانه سلطنتی» نگهداشته است.
 فارسی باستان: *θikā* «تخته سنگ، قلوه سنگ»، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه؛ احتمالاً نام قلعه مادی *sikaya^huvatiš*، همین واژه همراه با *s* مادی است.

parθava «پارت» و *pārsa* «پارس» که به نظر می رسد *θ* و *s* در آنها، ارزش های موضعی *k* را وارونه کرده اند، ظاهراً هر دو استان بوسیله فرمانروایان غیر بومی نام گذاری شده اند.

vasiy «بسیار، مطابق میل»، با *s* مادی، چنانچه حالت دری باشد برای یک اسم-ریشه، **uek-i* بیشتر از *vasaiy* و نیز دقیق تر از آن، حالت دری است برای **uek-sko* (نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه)

kāsaka «سنگ نیمه قیمتی»، با *s* مادی، چنانچه دقیقاً به همان ریشه ای برگردد که *kas-* «درخشیدن» در سنسکریت برمی گردد.

مثال های دیگر *θ* فارسی باستان باز آمده از *k* هندواروپایی آغازین در: *θakata-*، *θard-*، *θaⁿd-*، *θuxra-*، *θūravāhara-*، *θāigarci-*، *θatagu-*، *θarmi-*، و نیز احتمالاً در: دیده می شود؛ نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل های مربوطه.

پ ۸۸ - *g* و *gh* هندواروپایی آغازین پیش از واکه ها و نیز *r* (باز آمده از *r* و *l*

هندواروپایی آغازین) در فارسی باستان به *d*، و در مادی به *z* تبدیل می شود:
*PIE *greios*، *OP draya* دریا، *Av. zrayō*، *Skt. jráyas* 'گستره'.

*PIE *gī-* → *OP adīnam* بزرور گرفتم، *Av. zināiti* می زند، *Skt.* صدمه می زند *gī-* در *PIE* 'او ظلم می کند' *jināti*.

*PIE *iagetai*، *OP yadataiy* او می ستاید، *Av. yazaite*، *Skt. yājate*.

*PIE *rg̃nto-*، *OP ardata-* نقره، *Av. ərəzata-*، *Lt. argentum*، cf. *Skt. rajatām*.

*PIE *geus-* → *OP dauštar-* دوست، *Av. zaoš-* لذت بردن، *Skt.* لذت بردن *geus-* در *PIE* *jus-*.

، بزرگ -vazraka OP → در -ueg *pIE

واژه -vazraka، در عنوان سلطنتی و نیز به عنوان صفت زمین به کار می‌رود، مقایسه شود با اوستا: -vazra «گرز»، سنسکریت: -vājra «صاعقه ایندرا»؛ با z مادی.

در -jāna Skt.، -zana Av.، -z Med. → با، انسان -zana OP، -gono *pIE → -paruzana، -vispa-zana OP،

و نیز در (صورت بازسازی شده ماهنام) -varkazana؛ d فارسی باستان در -vispazana، -visa-dana دیده شده و از طریق واژه عیلامی mi-iš-ša-da-na مورد استنباط و تأیید قرار می‌گیرد.

pIE *eghom، OP adam 'من'، Av. azəm، Skt. ahám.

pIE *ghosto-، OP dasta- دست، Av. zasta-، Skt. hásta-.

pIE *gh̥l- در OP daraniya- طلا، Av. zaranya-، Skt. hlranya-، cf. Eng. gold.

pIE *dhighā، OP didā دیوار، قلعه، cf. Skt. deh-، Gk. tel̥chos.

*ghi، OP-diy، Av. zī، Skt. hi. ادات متصل هندواروپایی آغازین

pIE *ghūros، OP zūra زور، خطا، Av. zūrō، cf. Skt. hvāras- فریبکاری- صورت فارسی باستان واژه، دارای z مادی است.

فارسی باستان: -zra^aka «نام ایالت شرقی»، با z غیر فارسی باستان باز آمده از g یا gh؛ مقایسه شود با یونانی: -Zapárrai و نیز -Δaparrān با d فارسی باستان مثال‌های دیگر مربوط به d فارسی باستان باز آمده از g هندواروپایی آغازین در: -ardastāna، -ardumaniš، -avahar[da]، -uradana، -dan → -adānā،

→ در gh یا g pIE → از -bardiya، -gaud pIE gh → از؛ -vardana، -yaud-.

برای مطالب مربوطه به این واژه‌ها، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

پ ۸۹ - Ki هندواروپایی آغازین در ابتدا به si آریایی آغازین، سپس به θi و سرانجام به šī فارسی باستان تبدیل می‌شود، زیرا θ پیش از i در فارسی باستان به š تحول می‌یابد (پ ۸۰)؛ تنها مثال بازمانده، مثال مشکوکی است: -paišiyā-

«متن نوشته شده»، از *-peik** یا *-poik** به علاوه *-iā*، بکار رفته در جزء مقدم جای - نام *-paišiyā^huvādā-* (مشتقات و صورت های دیگر عادی شده نیز، پیشنهاد گردیده است، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه).

پ ۹۰ - ku هندواروپایی آغازین در آغاز به *su* آریایی آغازین و سپس به *sp* اوستایی، *sp* مادی، *s* فارسی باستان و *sv* سنسکریت تبدیل شده است:
*pIE *e^hkuo-* اسب، *OP asa-* → *acc. asam* و *asabāra-*; *OP aspa-*
uvaspa-, *aspacana-*, *vištāspa-*; *Av. aspa-*,
Skt. āsva-, *Lt. equos.*
*pIE *u^hkuo-*, *OP visa-* → *visadahyu-*; *OP vispa-*
→ *vispazana-*; *Av. vīspa-*, *Skt. vīśva-*.
*pIE *kuā-* در *Av. spā-*، پرت کردن، *OP sā*، ساختن،
(ریشه شناسی نامعلوم!) *s-aor. pass. frāsa-* [ya]DSf 27. → در؛ برپا کردن

پ ۹۱ - ghu هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین به *zhu*، سپس در مادی و اوستا به *zb^{۴۲}*، در سنسکریت به *hv*، و در فارسی باستان به *z* تبدیل شده است؛ در متون فارسی باستان تنها یک مثال مربوط به ارزش این آوا در زبان مادی و یک مثال مربوط به ارزش آن در فارسی باستان وجود دارد:
pIE ghu- در *OP patiy-azbayam*، من اعلام کردم *Av. zbā-*، ریشه
Skt. pres. hvāyati.
OP h^azānam → *acc. hizānam* زبان، *Av. hizvā-*، *Skt.*
jihvā-؛ برای جزئیات نگاه کنید به واژه نامه؛ زیر مدخل مربوطه.

پ ۹۲ - ks هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین به *cs* و در هندی باستان (سنسکریت) با رجعت به اصل به *ks^{۴۳}*، در ایرانی آغازین به *šš* و پس از کوتاه شدن به *š* تبدیل شده است:

*pIE aor. *e-peik-s-m*, *OP niy-apaišam*;

مقایسه شود با اشکال دیگر *-paiθ* در واژه نامه، زیر مدخل مربوطه.

پ ۹۳ - **kt** هندواروپایی آغازین (از **k** یا **g** بعلاوه **t**) به **st** آریایی آغازین و سپس به **št** ایرانی آغازین، و **št** فارسی باستان و اوستا، و **st** سنسکریت تبدیل شده است؛ این خوشه‌ها در اشتقاق با پسوند همراه با **-t** دیده می‌شوند:

هندواروپایی آغازین: ***pīk-to-**، فارسی باستان: **ni-pišta-** «حک شده»؛ ***peīk-t-** در صورت مصدری **ni-paištanaīy**، برای موارد هم‌ریشه، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل **-paiθ**.

هندواروپایی آغازین: ***uīk-to-** «وارد شده»، فارسی باستان: **višta-** «آماده»، در **vištāspa-**، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

هندواروپایی آغازین: ***prek-to-**، فارسی باستان: ***u-frašta-** «خوب مجازات شده»، برای موارد هم‌ریشه، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل **-fraθ**.

هندواروپایی آغازین: ***rg-ta-tā-** (با حذف هجایی) یا وجه وصفی مونث: ***rg-tā-**، فارسی باستان: **arštā** «راستی»، از ریشه ***reg-rg-** «درست، راست نگهداشتن»، مقایسه شود با: **rāsta-** در زیر.

گاهی اوقات در فارسی باستان به جای **st**، **št** می‌آید؛ این امر، احتمالاً معلول قیاس با **-st-** در بن‌های دندانی همانند **basta-** از هندواروپایی آغازین: ***bhendh-**، **gasta-** «پلید»، از هندواروپایی آغازین: ***gendh-**، است (مراجعه شود به: پ ۸۵)، زیرا **g(h),k** از هندواروپایی آغازین، در فارسی باستان **θ** و در صورت‌های صرفی دیگر **d** را داده است.^{۴۴} مثال‌های مربوطه عبارتند از:

***u-frasta-** متفاوت با ***u-frašta-**، نگاه کنید به بالا.

هندواروپایی آغازین: ***rēg-to-**^{۴۵}، فارسی باستان: **rāsta-** «راست، درست»، اوستا:

rāšta- «هدایت شده»، لاتین: **rectus** «مستقیم، هدایت شده، درست».

هندواروپایی آغازین: ***nek-to-**، فارسی باستان: **vi-nasta-** «تباهی»، برای موارد هم‌ریشه، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل **naθ**.

پ ۹۴ - **kl** هندواروپایی آغازین به **sr** آریایی آغازین و ایرانی آغازین و سپس به

θr و پس از آن به **ç** فارسی باستان تبدیل شده است؛ تنها مثال در این مورد واژه

niy-açārayam «من بازسازی کردم» است که در آن، ریشه همان است که در

لاتین بصورت **clīnō** «من مایلم» دیده می‌شود؛ برای جزئیات، نگاه کنید به

واژه‌نامه، زیر مدخل **-çay**.

پ ۹۵ - **km** و **ghn** هندواروپایی آغازین به ترتیب در فارسی باستان **sm** و **zm** (تاجائیکه می‌توانیم بگوئیم، نه θm و نه $dm^{۴۶}$) را داده است:
 سنگ، Skt. *ásmāna*، 'آسمان'، OP acc. *asmānam* → در pIE **akmōn*،
 §87. سنگ - *asan-* → (با *s* مادی)، سنگ، OP *aθaⁿga-*،
 → در **ghm-* اما، Lt. *humus*، زمین، Lith. *žēmė* → در pIE **ghem-*،
 → *uvārazmī-* و در نام ایالت؛ تیر، تیرک OP *u-zma-*،
 نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه.
 نمازگزار - OP *braz-man-ia-* → در pIE **bhregħ*،
 نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

پ ۹۶ - **ghn**، **gn**، **kn** هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین به **zhn**، **zn**، **sn** و سپس در ایرانی آغازین همگی به **šn** تبدیل شده‌اند، زیرا در ایرانی، صفری‌های پیش از **n** به آوای بی‌واک مبدل می‌شوند (پ ۱۲۰)؛ **šn** آغازین، **x** پیش افزوده بخود می‌گیرند. این **xšn** بدون تغییر، در اوستا و فارسی باستان بصورت آغازین باقی مانده و گاهی، براساس قیاس به جایگاه‌های میانی نیز تعمیم می‌یابد.

او ممکن است بداند pIE **gnōskēti*، OP 3d sg. subj. *xšnāsāity*،
 دانستن، Skt. *gnā-* زرشه، Lt. *gnōscet*،
g آشکارا و مشخص بصورت **z** در اوستا: *zixšnāⁿhəmnā*، وجه وصفی
 مضاعف، جمع مونث در حالت فاعلی بر ساخته از وجه آرزویی دیده می‌شود
 (برای مضاعف سازی، مقایسه شود با سنسکریت، ماضی نقلی: *jajñāu*،
 یونانی، زمان حال *γινώσκω*). نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل *xšnā-*.
 OP *xšnuta*، خشنود، Av. *xšnūtō*؛
 -*xšn-* میانی در ترکیب فارسی باستان *ā-xšnautiy* «او خشنود می‌شود». نگاه
 کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های *xšnav-*، *uxšnav-*.

OP *vašna-*، -*no-* پسوند + 'آرزو' - pIE **uek-*،
 نگاه به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.؛ 'لطف'،
ghn هندواروپایی آغازین در جایگاه میانی، بصورت **šn** در واژه *baršnā* «از
 ارتفاع، از اوج»، و احتمالاً در واژه *⁴⁷ašnaiy* «نزدیک، یافت می‌شود؛ نگاه کنید

به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه.

پ ۹۷- **sk** - هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین به **ss**، سپس در ایرانی آغازین به **ss,ss** و صورت کوتاه شده آن به **s** تبدیل شده است که در اوستا و فارسی باستان نیز دیده می‌شود؛ اما **ss** آریایی آغازین از هندی باستان به **(c)ch** سنسکریت تحول یافته است^{۴۸}. این خوشه آوایی، بویژه در پسوند زمان حال افعالی مشخص دیده می‌شود:

pIE *pr̥k-s̥ke-، در **OP parsāmiy** مجازات می‌کنم ، **Av. pərəsaiti** ، **Skt. prcchāti**، **Lt. poscit**.
او سئوال می‌کند

pIE *tr̥s-s̥ke-ti، **OP tarsatiy** او می‌ترسد ، **Av. tərəsaiti**.

pIE *gn̥ōskēti، **OP xšnāsātiy** می‌کند ، **Lt. gn̥ōscet**،
او خواهد آموخت

pIE *im-s̥ke- در **OP āyasatā** تصرف کرد، از آن خود کرد
Av. pres. yasaiti، **Skt. yācchati**.

pIE *r̥-s̥keti، **Skt. rcchāti** 'او حرکت می‌کند' اما → **OP imf. arasam** 'از من بیرون رفتم'
→ ***rē-s̥ke-**.

هندواروپایی آغازین: ***uek-s̥koi**، چنانچه **v̥s̥aiy^a** بصورت **vasaiy** و دقیق‌تر از آن بصورت **vasiy**، عادی شده باشد؛ نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل **vasiy**.

پ ۹۸- آواهای نرم‌کامی و لبی - نرم‌کامی هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین تماماً به یک مجموعه از انسدادی‌های نرم‌کامی تبدیل شده (پ ۷۳/II)، و سپس بر پایه «قانون کامی شدگی در آریایی» به دو مجموعه تقسیم می‌شوند (پ ۷۳/III): کامی‌های **c, ch, g, gh** پیش از **i, ē, ā** هندواروپایی آغازین؛ نرم‌کامی‌های **k, kh, g, gh** در همه‌جا. بنابراین در آریایی آغازین نیز آواها از چنین مرحله‌ای که در زیر مشاهده می‌شود، گذشته‌اند (در سنسکریت، آواهای دمیده تابع و موضوع پدیده «ناهمگون سازی» هستند که تحت عنوان «قانون گراسمن» شناخته می‌شود، پ ۷۳/IV؛ و **gh** و **gh** نیز که بدین ترتیب تغییر نکرده‌اند، معمولاً به **h** سنسکریت تبدیل می‌شود تا **gh** و **jh**):

کامی‌های	نرمکامی‌های	نرمکامی‌ها و لبی - نرمکامی‌های
آریایی آغازین	آریایی آغازین	هندواروپایی آغازین
c	k	q q ^u
ch	kh	q ^h q ^u h
g	g	g g ^u
gh	gh	g ^h g ^u h

آواهای دمیده بی‌واک بقدری نادرند که در اصل می‌توانند نادیده گرفته شوند. در آریایی آغازین، آواهای دمیده واکدار، ویژگی دمشی خود را از دست داده‌اند؛ آوای نادیده بی‌واک k پیش از همخوان‌ها به آوای سایشی بی‌واک x و آوای نادیده بی‌واک c پیش از i (تنها همخوانی که می‌تواند پیش از آن ظاهر شود). به ð تبدیل می‌شود.

مثال‌های مربوط به این تحولات در بخش‌های بعدی آمده است؛ اما از آنجا که واژه‌های در بر دارنده این آواها دارای بسامد ظهور بسیاری در فارسی باستان هستند، لذا معمولاً تمایز میان نرمکامی‌های اصیل و نیز لبی نرمکامی‌های اصیل غیر ممکن است، زیرا ما دارای واژه‌هایی خویشاوند در یک زبان غیر آریایی نیستم که هر یک از این آواها در آنها متمایز شده باشد. همچنین، تنها در ایرانی نیز، بسامد ظهور واژه‌هایی که نمی‌توان در آنها، میان آواهای نادیده واکدار اصیل و نیز آواهای دمیده واکدار تمایزی قایل شد، نادر نیست.

پ ۹۹ - k و c آریایی آغازین بدون دگرگونی گفته شده در پیش، در فارسی باستان، در موارد زیر آمده‌اند:

Gm. جنگ 'kāras Lith. cf. 'سپاه، مردم' OP kāra- → در، -q pIE
سپاه Heer.

cid, (ادات) Skt. و Lt. quo-, Skt. ka-s, OP kaš-ciy, pIE *q^uos-q^uid
Lt. quid.

Eng. wolf, Skt. vrka-s, OP varkāna- → در، گرگ pIE *ulq^uo-

Lt. → قابل قیاس با ریشه، با Skt. śacā, OP hacā, از pIE *seq^uē
دنبال می‌کنم sequor.

روشنایی - rōcas, Skt. OP rauca → در، درخشیدن pIE *leuq-

Gk. λευκός سفید.

pAr. ریشه kar- ساختن، کردن، OP pres. kunautiy, inf. pass. akariya, zūra-kara- فساد کننده → ker- در → pres. inf. cartanaiy, *kēr- در → ucāram خوب انجام گرفته → ke-kr perf. opt. caxriyā.

فارسی باستان maka «نام یک استان»، اما قومیت برگرفته از آن: maciya با فرایند کامی شدگی، زیرا پسوند آن با یک آوای کامی آغاز شده است. و همانند آن، فارسی باستان: ākaufaciyā «مردم متعلق به ākaufaka».

pAr. kāma-, OP kāma کام, Skt. kāma-.

برخی از نمونه های k و c در فارسی باستان، به واژه هایی با نظایر نادر از نظر ریشه شناسی، و برخی دیگر به وامگیری آشکار از زبانهای دیگر مربوط می شود، مانند: maškā- «خیک باد شده»، katpatuka «کیدوکیه» و kūša- «اتیوپی».

جائیکه k آریایی آغازین، پیش از واکه های متفاوت آمده باشد، ممکن است در تولیدات آوایی تفاوت هایی بروز کند (مانند ساخت های حاصله از ریشه kar-) و یا اینکه ممکن است یکی از ارزش های آوایی تعمیم یابد: فارسی باستان: rauca، از حالت فاعلی و مفعولی صریح هندواروپایی آغازین: *leuqos، با c از حالت های غیر مستقیم که هندواروپایی آغازین در آن حالت ها دارای صورت *leuqes- بوده است (مقایسه شود با یونانی: γενος γενεος، لاتین: genus generis).

پ ۱۰۰ - kh آریایی آغازین در تعدادی از واژه هایی که ارتباطات ریشه شناختی دور از دسترس ندارند، ظاهر می شود:

xaudā-: «کلاه خود»، نیز در tigraxauda- «دارنده کلاه خود تیز، تیز خود»، مقایسه شود با اوستا: zaranya-xaōda- «دارنده کلاه خود زرین».

mayūxa-: «دستگیره در»، سنسکریت: mayūkha- «گیره، میخ».

haxā-: «دوست»، در haxā-maniš- «هخامنش»، سنسکریت: در حالت فاعلی: sákhā.

نیز نام - جای raxā-، نامهای شخصی arxa و sku^axa و همچنین واژه های

مشکوک *xaršadašya* و *hadaxaya*؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

در مورد *x* فارسی باستان باز آمده از *k* پیش از همخوانها، نگاه کنید به: پ ۱۰۲ و پ ۱۰۳. در برابر سنسکریت: *khānati* «او حفر می‌کند»، ما دارای فارسی باستان: *akaniya* «کنده شد» هستیم، اوستا: *kan-* «کندن»، و نیز اوستا: *xā* «چاه» با گونه‌گونی غیر قابل توجه میان آوای دمیده و نادمیده.

پ ۱۰۱ - *gh, g, g-* و *gh* آریایی آغازین در فارسی باستان بصورت *g* و *z* ظاهر می‌شوند؛ در تعیین دقیق ریشه هندواروپایی این موارد نیز، همان مشکلات موجود در بخش‌های پیشین، وجود دارد.

ha^mgmatā, پیش رفته *parā-gmatā* OP ptc. pl. → در *LT. veniō*, آمدن-**g^uem* ریشه *pIE* *Skt.* ممکن است بیاید *pres. opt. ā-jamiyā* → اما با فرایند کامی شدگی، گرد آمده *gamyāt.* (بدون فرایند کامی شدگی).

OP → در **g^uoi-* *pIE*, *LT. vīvos*, *Skt. jīva*, *OP jīva*, زندگی **g^uluo-* *pIE* *acc. gaiθām* رمه.

نگاه کنید به واژه‌نامه *gaubaruva*, *gau-māta* → در نام‌های شخصی، گاو-**g^uou-* *pIE*.

Skt. ghōsa- 'سرو صدا'، *OP gauša-* 'گوش'، *pAr. *ghauša-*.

Gk. δολιχός, *Skt. dīrghá-s*, *OP adv. dargam*, دراز **dlghos-* *pIE*.

با فرایند کامی شدگی؛ خورنده *-φayos* *Gk.*، توزیع کننده *bhāga-* *Skt.*، بغ *baga-* *OP*، *OP bājim* بیاج.

پیرودروغ دروغزن، *-draujana* → و با پسوند کامی، *-eno-*، دروغ *drauga* *OP*، *pIE *dhrougho-* فعل بر ساخته از اسم بر پایه «دروغ» *(acc) druj-im* 'بن موجود در اوستا = او دروغ گفت' *adurujiya*.

داغ *formus* *Lt.*، در ماهنام *garma-pada-*، *OP* *gharmá-s* *Skt.*، گرما **g^uhormo-* *pIE*.

Skt. áhan.، *OP 3d sg. inf. ajaⁿ*، *Skt. hānti*، *OP jaⁿtiy*، برخورد کردن، **g^uhen-* ریشه *pIE*.

(*z* سنسکریت بر اساس قانون گراسمن، پ ۷۳/IV) *Skt. jahl*، *OP jadiyah*، *(inv.) dhl- *g^uhn-* *pIE*.

البته مثال‌های دیگر *g* و *z* را نیز می‌توان به موارد فوق افزود، اما همین موارد کافی است.

ریشه‌های هندواروپایی آغازین **g^hem-* و **g^hen-* در فارسی باستان، ارزش کامی شدگی همخوان نرمکامی را تعمیم داده‌اند مگر اینکه پیش از همخوان دیگری آمده باشد.
در مورد -j- در *nijāyam*، نگاه کنید به: پ ۱۲۰.

پ ۱۰۲ - *xš* فارسی باستان دارای منابع گوناگونی بوده و می‌تواند در کنار *š* باز آمده از خوشه‌هایی همانند مورد بحث قرارگیرد. ریشه‌های مورد نیاز برای بحث و نیز همانندهای آنها به شرح زیر عبارتند از ۴۹:

pIE qḥ, Av. OP xš, Skt. ks, Gk. kt.

pIE qs, Av. OP xš, Skt. ks, Gk. ξ.

pIE kḥ, Av. OP š, Skt. ks, Gk. kt.

pIE ḱs, Av. OP š, Skt. ks, Gk. ξ.

ریشه هندواروپایی آغازین: **qPei-*، فارسی باستان: *-axšayaīy* «من فرمان راندم»، سنسکریت: *ksáyati* «او در اختیار گرفت»، یونانی: *ktàomai* «من بدست می‌آورم»؛ با اشتقاق؛ نگاه کنید به: واژه‌نامه، زیر مدخل *-xšay*.

ریشه هندواروپایی آغازین: **qPen-*، فارسی باستان: *-axšata-* «ناگستنی»، سنسکریت: *ksanóti-* «او زیان می‌رساند»، یونانی: *kteivw* «من می‌کشم».

هندواروپایی آغازین: **ueg-*، **aug-* «افزایش دادن»، لاتین: *augeō* و غیره: با -s- در افزوده: **ueks-*، **auks-*، در یونانی: *auξw*، ژرمنی: *wachsen*، سنسکریت: *vaksati*، فارسی باستان: *-u-vaxš-tra-* «هوخشتر».

آریایی آغازین: **baug-* «آزاد»، در اوستا: *bunḡjainti* «آنها نجات می‌دهند» (با میانوند غنه‌ای)؛ با -s- در افزوده: *-buxša-* در: *baga-buxša-* (نگاه کنید به: واژه‌نامه)؛ **baug-s-na-*، ایرانی آغازین: **bauxšna-*، و با فقدان -x- در فارسی باستان متأخر، در: *-āθiyābaušna-* (نگاه کنید به: واژه‌نامه).

ریشه نامعلوم (خویشاند قطعی خارج از زبان آریایی وجود ندارد): فارسی باستان: *xšap-* «شب»، سنسکریت: *ksap*؛ فارسی باستان: *-axšaina-*، اوستا: *axšaēna-* «تیره رنگ»، *-xšaēta-* «درخشان».

هندواروپایی آغازین: **tekP-* «بریدن»، اوستا: *tataša* «او آفریده است»، سنسکریت: *táksati* «آنان درست می‌کنند»، در فارسی باستان: *us-tašanā* «پلکان».

هندواروپایی آغازین: $^*tekP$ - و $^*tueqP$ ، تغییر شکل داده در فارسی باستان: $taxš$ - «فعال باش»، مضارع: $ha-taxšataiy$ (نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل $taxš$). هندواروپایی آغازین: $^*qek-s$ ، احتمالاً در فارسی باستان: $caša-m$ «چشم»، مقایسه شود با اوستا: $čašman$ - «چشم»، سنسکریت: $cákṣas$ - «چشم» (نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل $caša$).

هندواروپایی آغازین: $^*peik-s$ ، در فارسی باستان (آنوریست): $niy-apaišam$ «من حک کردم»، مقایسه شود با سنسکریت: $pisāti$ «او می بُرد، تزیین می کند». برای $xšn$ - فارسی باستان باز آمده از gn - هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۹۶.

پ ۱۰۳ - k و g آریایی آغازین پیش از همخوان ها (جز s ، پ ۱۰۲) در فارسی باستان: در این زمینه مثال های زیر موجود است:

- I- kr آریایی آغازین به xr ایرانی آغازین تبدیل شده است (پ ۷۴/I):
 OP $xraθu$ - 'خرد'، Av. $xratav$ -, Skt. $krātu$ -, قدرت.
 OP $θuxra$ - (نام مرد)، Av. $suxra$ -, Skt. $sukrá$ - درخشان.
 OP perf. opt. $caxriyā$, Skt. $cakriyāt$, → kar ساختن، کردن.
 II- km آریایی آغازین به xm ایرانی آغازین تبدیل شده، در حالیکه در اوستا و مادی باقیمانده و در فارسی باستان به hm تغییر یافته است (h در نوشتار حذف شده است):

فارسی باستان: $taxma$ - «تهم، دلیر»، با xm - مادی در نام مادی $taxmaspāda$ - و نیز نام ساگارتی $ciçataxma$ ، اوستا: $taxma$ - «دلیر، تهم».
 فارسی باستان: $tau^h mā$ - «تخمه، خانواده»، مقایسه شود با پسوند دیگر اوستا: $taoxman$ - «تخمه»، سنسکریت: $tókman$ - «پره سبزجو».

البته نه در واژه فارسی باستان $amaxmatā$ (نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه)، که قرائت غلطی است از KT ، قرائت او بصورت $am^a x^a m^a t^a$: $h^a m^a$ در واقع گونه غلطی است از قرائت درست (کامرون) بصورت $h^a m^a a[t^a] x^a š^a t^a$ که برابر است با $hamātaxšatā$ ، (نگاه کنید به: پ ۵۵/II؛ JAOS 72.15).

- III- مثال های دیگر مربوط به k پیش از همخوانها، که در پیش مورد بحث قرار گرفت، در نام - جای $bāxtri$ - «باختر، بلخ»، ماهنام $viyaxna$ - و نیز وجه امری

فعل *raxθatuv* با معنی و روابطی نامعلوم، دیده می‌شود.

IV- به نظر می‌رسد که *g* متقدم، پیش از همخوان‌ها، به جز *s*، *t*، که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، در نمونه‌های موجود بدون تغییر باقی می‌ماند:

patigrabanā شهری در پارت، شاید از فارسی باستان: *-grab* (هندواروپایی آغازین *-ghrebh-*)، که جای دیگر در فارسی باستان تنها بصورت *-garb* (صورت نوشتاری هم برای *-garb* و هم برای *-grb*) ظاهر می‌شود.

tigra «نک تیز»، نیز در *-tigraxauda*؛ *-tigra* «قلعه‌ای در ارمنیه»، *tigrā* «دجله»، وام گرفته شده از سامی.

-gmata- «آمده»، از ریشه *-gam-*، در *-parāgmatā*، *-hagmatā*، *-hagmatāna-*

-bagābigna- «نامی برای یک مرد»، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

-sugda- «ایالتی در ایران»، نیز *suguda* با افزایش واکه (پ ۱۲۸).

اما *-gh-to-*، هندواروپایی آغازین، دگرگون شده بصورت *-gdho-*، ایرانی آغازین: *-gda-*، در فارسی باستان، با *-kt-* جابه‌جا شده است (به قیاس با *-gt-* تبدیل شده به *-kt-*): *-duruxtam* «دروغ»، وجه وصفی برپایه بن مضارع: *-durujiya-*، مقایسه شود با: *-drauga* «دروغ» (فرایند کامی شدگی تنها در بن مضارع، جایی که پسوند *-io-* وجود دارد).

پ ۱۰۴ - *ci* آریایی آغازین در اوستا و فارسی باستان به *šī* تغییر یافته است

(صورت نوشتاری در فارسی باستان *-šiy-*، پ ۲۵):

*pIE *q^uiēto-*، *OP šiyāta-* شاد، *GAv. šyāta-*، شاد، *Lt. quiētus*.

*pIE *q^uiēti-*، *OP šiyāti-* شادی، cf. *Lt. quiēs*، gen. *quiēt-is*.

*pIE *qieu-*، *OP ašiyava* او رهسپار شد، *Skt. ācyavai*، *Gk. (Hom)aor.*

εσσευε، او به حرکت در آورد.

پ ۱۰۵ - خوشه *-s-c-* در فارسی باستان با تقلیل یافتن به *s* در *pasā* «پس»، از

هندواروپایی آغازین: **po-sq^uē*، ظاهر می‌شود: مقایسه شود با اوستا: *pasča*،

سنسکریت: *pascā*. مدارک بازمانده از پهلوی ساسانی نشان می‌دهد که این

ارزش در فارسی باستان، صرفاً یک ارزش آوایی است (Bv. Gr. §114)، و آن

-šc- که در برخی از ترکیبات سندهی دیده می‌شود، بیشتر به مادی تعلق دارد:

فارسی باستان: *kašciy* «هرکس»، از هندواروپایی آغازین **q^uos-q^uid*؛

32: *manaš-c[ā]* DnB از **menosq^ue* در مورد *zūra-kara* «پلید کردار»، از

*zurah-kara-، نگاه کنید به: پ ۱۱۹.

- نتیجه ترکیب سندهی -d c- نیز دارای گوناگونی همانند است: s (تائید نشده) و c باز ساخته فارسی باستان (پ ۱۳۰)، *šč مادی؛ مثال‌ها به شرح زیر عبارتند از: pIE *ed-q^uid, OP aciy سپس, Av. atičit.

pIE *iod-q^uid, OP yaciy زمانیکه, Av. yatčit.

pIE *q^uid-q^uid, OP cišciy هرچیز *šč مادی → OP avašciy و نیز؛ با *šč مادی → از صورت متقدم *avad-cid; OP aniyašciy, → از صورت متقدم *aniad-cid.

پ ۱۰۶ - r هندواروپایی آغازین بنابر ساخت‌های ضبط شده، در بسیاری از زبانهای هندواروپایی، بدون تغییر باقیمانده است، به جز ترکیباتی که در فارسی باستان دارای تغییر بوده و در زیر به آنها اشاره شده است:

pIE *rēkto- مستقیم, OP rāsta- راست, Av. rāšta- قائم, Lt. rēcto-.

pIE *pro, OP fra- (در ترکیبات), Av. frā, Skt. pra, Gk. πρò.

pIE *enter داخل, OP aⁿtar, Av. antarə, Skt. antár, Lt. inter.

pIE *su-prek-to-, OP ufrašta- شده مجازات, cf. Skt. prchāmi می‌پرسم.
Lt. precor, می‌پرسم.

pIE *proterom, OP frataram, Skt. pratarām, Gk. πάτερόν.

pIE ریشه *dhreugh- در → OP drauga- دروغ, Skt. drùhyati فریب دادن
Gm. trügen فریب دادن.

pIE *mortiio-, OP martiya- مرد, Skt. mártiya-, cf. Lt. mortālis.

pIE *ebheront آنها بردند, OP abaraⁿ, Skt. ábharan, cf. Lt. ferō.

r فارسی باستان می‌تواند از r̥ هندواروپایی آغازین (پ ۶۶، پ ۶۸، مقایسه شود به پ ۳۵-۳۰)، و یا نیز از r̥ یا r̥̥ هندواروپایی آغازین (پ ۱۰۷، پ ۶۶، پ ۶۸) آمده باشد؛ و از آنجائیکه r و l هندواروپایی آغازین تنها زمانیکه ما دارای واژه‌های هم‌ریشه خارج از شاخه آریایی خانواده هندواروپایی باشیم قابل تمایز هستند، لذا در این زمینه ابهاماتی وجود دارد. همچنین در بسیاری از نمونه‌ها، تمایز میان r و l اوکاهی اصیل و نیز r و l همخوانی اصیل بسیار دشوار است (پ ۳۵-۳۰).

برای تحولات tr آریایی آغازین در فارسی باستان، نگاه کنید به: پ ۷۸-۹؛ و نیز برای تحولات sr آریایی آغازین در فارسی باستان، نگاه کنید به: پ ۱۱۸/II. در نامواژه‌های دخیل اشخاص و مکان‌ها، r بسامدی مکرر و فراوان دارد، همانند: aθurā «آشور»، arbāya «عربستان»، -ufrātu «فرات»، armina «ارمنیه»، karkā «کاریان، اهالی کاری، که ساخت‌های مربوط به زبانهای دیگر، r را در آنها به عنوان یک پدیده اصیل در زمان وامگیری تثبیت می‌کنند.

پ ۱۰۷- I هندواروپایی آغازین به r آریایی آغازین تغییر یافته است و از این روی از r هندواروپایی آغازین در زبانهای آریایی غیر قابل تمایز بوده مگر اینکه واژه‌ای هم‌ریشه بتواند، از سوی شاخه دیگری از زبانهای هندواروپایی مستند شود.

pIE *soluo-, OP haruva-, Av. haurva-, Skt. sárva-, Gk. Ion. oūlos, Att. olos.

pIE *pʰlu-, OP paru-, Skt. puru-, Gk. πολυ-.

pIE *leuqos, OP rauca, Skt. rōcas, cf. Gk. λευκός سپید.

pIE *suel-nos, OP -farna در → viⁿda-farnā, Av. x^varənō 'فره‌شاهنشاهی', cf. Gk. σελας از درخشش.

pIE *g^uel → در OP car → abicariš چراگاه مرتع، cf. Skt. cāratī 'او می‌رود' Lt. colit.

نیز ا یا ا در فارسی باستان: -varkāna یا -varkazana (نگاه کنید به واژه‌نامه)، ا در -darga (پ ۶۸).

در وامگیری، یک ا اصیل به r فارسی باستان تغییر می‌یابد، مشروط بر اینکه واژه‌ها واقعاً در فارسی باستان همگون شوند؛ بنابراین:

arbairā = اربل = Akk. ar-ba-'il; tigrā = دجله = Akk. di-iq-lat; nadiⁿtabaira = نديتابيرا = Akk. ni-din-tu-^{il}u^{bēl}; bābiru = بابل = Akk. bāb-ilu.

در موارد دیگر که کاربرد بسیار کمتری دارند، ا باقی می‌ماند:

-haldita «نام یک ارمنی»، -labanāna «کوه لبنان»، -dubāla «ناحیه‌ای در بابل»

و izalā «ناحیه‌ای در آشور».

برای تحول tl هندواروپایی آغازین نگاه کنید به: پ ۷۸؛ برای kl هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۹۴؛ برای l هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۶؛ برای ā هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۸.

پ ۱۰۸ - آواهای خیشومی هندواروپایی آغازین مجموعاً در زبان‌های گوناگون هندواروپایی بدون تغییر باقی می‌مانند، به استثنای آنهاییکه متناسب با موقعیت آوای انسدادی یا سایشی بعد تغییر می‌کنند؛ البته از آنجائیکه آواهای خیشومی پیش از آواهای انسدادی یا سایشی هم مخرج ۵۰ در خط هجانگار فارسی باستان نوشته نمی‌شود، بنابراین، این دگرگونی در فارسی باستان تقریباً نشان داده نمی‌شود (پ ۳۹).

پ ۱۰۹ - m هندواروپایی آغازین مجموعاً در تمام زبانها به صورت m باقی می‌ماند.

pIE *mā, -ذ, OP mā, Skt. mā, Gk. μη.

pIE *moi -من یا به من, OP maiy, Skt. me, Gk. μοι

pIE *mrto- مرده, OP marta, Skt. mrtá-, Lt. mort-uos.

pIE *somo- هم, OP hama-, Skt. samá-, Gk. ὁμός.

pIE *nōmn نام, OP nāmā, Skt. nāma, Lt. nōmen.

pIE *eghom من, OP adam, Skt. ahám, cf. Gk. εγω.

m فارسی باستان پیش از n، در موضع پایانی، و نیز پیش از پی چسب‌ها باقی می‌ماند:

kamnam, jiyamnam, acc. nāham, adam-šim, avākaram-ca-maiy, paruvam-ciy.

در مورد kam-ma [= kama] [n^ayā] نگاه کنید: پ ۱۳۰. دربارهٔ m هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۷؛ برای m هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۸؛ در مورد عدم نوشتار m پیش از انسدادی‌ها و سایشی‌ها، نگاه کنید به: پ ۱۱۱. m در اسامی خاص غیر ایرانی و نیز در واژه maškā «مَشک»، که برگرفته از آرامی است، ظاهر می‌شود.

پ ۱۱۰ - **n** هندواروپایی آغازین بطورکلی در فارسی باستان، اوستا، سنسکریت، یونانی و لاتین به همان صورت باقی می ماند.

pIE *nās- بینی, OP acc. nāham, Skt. nās-, Eng. nose.

pIE *nepōt-s نوه, OP nom. napā, Skt. nāpāt, Lt. nepōs.

pIE *nōmn نام, OP nāmā, Skt. nāma, Lt. nōmen.

pIE *gnōskēti 3d sg. subj., OP xšnāsātiy, Lt. fut. (g)nōscet.

pIE *eg^hhen-m, OP ajanam من نابود کردم, Skt. áhanam,
cf. Lt. dē-fen-dō.

n فارسی باستان، در نام اشخاص و مکانها، که برخی از آنها نیز غیر ایرانی بوده اند، بسامد ظهور فراوانی داشته است. برای **n** پیش از آوای انسدادی و سایشی، نگاه کنید به: پ ۱۱۱؛ برای **n** پایانی نگاه کنید به: پ ۱۱۲. برای **n** هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۷؛ برای **n** هندواروپایی آغازین نگاه کنید به: پ ۶۸. برای **ni** که بصورت **niy** نوشته می شود، نگاه کنید به: پ ۲۵؛ برای **nu**، که بصورت **nuv** نوشته می شود، نگاه کنید به: پ ۲۶.

پ ۱۱۱ - خیشومی های میانی نانوشتاری فارسی باستان. آواهای خیشومی فارسی باستان، پیش از انسدادی ها و نیز سایشی ها (به جز **m** پیش از بی چسب ها، پ ۳۹) در نوشتار بیان نمی شده، بلکه حضور این آواها یا بوسیله حرف نویسی به زبانهای دیگر و یا بوسیله شواهد متکی بر قیاس های ریشه شناختی نشان داده می شود.

ka^mpaⁿda ناحیه ای در ماد, Elam. qa-um-pan-taš.

ka^mbūjiya کمبوجیه, Elam. kàn-bu-si-ia, Akk. kam-bu-zi-ia.

viⁿdafarnā ویندفرن, Elam. mi-in-da-par-na.

skuⁿxa نام شورشی سکایی, Elam. iš-ku-in-qa.

hiⁿduš سِند, Elam. hi-in-du-iš, Av. hindu-, Skt. sındhu-.

aθaⁿga- سنگ, Av. asənga-.

baⁿdaka بنده, Phl. bandak, NPers. بنده.

aⁿtar اندر, Skt. antár, Lt. inter.

پ ۱۱۲ - n پایانی فارسی باستان. n فارسی باستان در موضع پایانی نوشته نمی شده است:

loc. *nōmen, OP nāma (نگاه کنید به واژه نامه زیر مدخل مربوطه);

3d pl. inf. *ebheuont, OP abava, Skt. ábhavan.

در مورد abaran گونه غلط نوشتاری برای abaraha, نگاه کنید به: پ ۵۴/I.

پ ۱۱۳ - i هندواروپایی آغازین در موضع آغازین و نیز میان دو واکه، در فارسی باستان، همانند سنسکریت، بی تغییر باقی می ماند؛ در حالیکه در اوستا، پیرو برخی تغییرات نوشتاری است:

OP yaθā, Skt. yáthā.

OP yadataiy و ستایش می کند Skt. yájate, Gk. ἄζetai (PIE i- > Gk.h-).

OP dārayatiy و نگهدارنده Skt. dhārāyati.

OP vayam ما, Skt. vayám.

OP draya دریا, Av. zrayō, Skt. jráyas-.

i هندواروپایی آغازین، همچنین پس از همخوان ها نیز در فارسی باستان و سنسکریت بی تغییر باقی می ماند، اما بنابر قاعده پیوسته بصورت -iy- (پ ۲۵) نوشته می شود:

کنده شد, akaniya → در -ya-, pass. +, کردن kan-ریشه

قحطی dušiyāram → در سال *yār- + بد *duš-

cf. مرگ Skt. mrtyù-š, با خود مرگی (۵) uvāmaršiyuš nsm.

مرد OP martiya → در -tiio-

دروغ cf. drauga, و دروغ گفت adurujiya.

Skt. (mid) ácyavata. و رهسپار شد ašiyava.

توجه:

pAr. ki > pAr. ci > OP šy, §104; pAr. ti > pIr. θi > OP šy, §80.

maciya- فارسی باستان در مقایسه با maka «نام یک ایالت»، باید صورتی باشد برای *makiios و یا ساختی متاخر که در آن، صورت *makios تغییر ثانویه آوایی را به انجام نرسانده است، همانند ākaufacyā نسبت به *ākaufaka. اما hy بطور معمول بصورت hy نوشته می‌شده، نه بصورت hiy پ ۲۷؛ در مورد tya، با ابقاء t و عدم نوشتار بصورت tiya، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

در فارسی باستان، در پایان واژه، به i پایانی y افزوده می‌شده است: فارسی باستان pariy، سنسکریت: pári، یونانی: περι؛ فارسی باستان -ciy، سنسکریت: cid، لاتین: quid (پ ۳۷؛ پ ۸۴ برای عدم نوشتار d پایانی در فارسی باستان)؛ پی‌چسب فارسی باستان: -maiy، سنسکریت: me، یونانی: μol.

گاهی -ay- میانه بصورت -aiy- نوشته می‌شده است؛ نگاه کنید به: پ ۴۸. بصورت بسیار نادر -iy- = -i-y^a- که برای نشان دادن بلندای آبکار می‌رفته است، نگاه کنید به: پ ۲۳.

پ ۱۱۴ - u هندواروپایی آغازین در فارسی باستان و سنسکریت بدون تغییر ظاهر می‌شود، در حالیکه در اوستا تغییرات متعددی وجود دارد که در اصل، تنها نوشتاری است: ۷ فارسی باستان یک نیم واکه، همانند we در انگلیسی بوده است نه یک آوای سایشی همانند eve انگلیسی:

acc. *uīk-m, OP viθam, Skt. vīsam, cf. Lt. vīcus دهکده

pl. *uei, OP vayam, Skt. vayám, Gt. wei-s.

pIE *deiwo-, OP daiva- دیو, Skt. devá- خدا, Lt. dīvos.

pIE *g^ulwo- زندگی, OP jīva, Skt. jīvā-s, Lt. vīvos.

همچنین پس از همخوان‌ها نیز، u هندواروپایی آغازین، در فارسی باستان و سنسکریت، بدون تغییر باقی می‌ماند؛ اما در فارسی باستان بنابر قاعده بصورت -uv- نوشته می‌شود (پ ۲۶):

OP haruva- همه, Skt. sárva-.

OP loc. duvarayā در، در استانه در, Skt. dvár-.

OP acc. *θuvām*, Skt. *tvām*; اما گونه دو هجایی → OP *tuvam*, Skt. *tuvām*.

OP *θanuvaniya* کماندار, cf. Skt. *dhānvan-* کمان.

u هندواروپایی آغازین، پس از انسدادی های لبی، از میان می رفته است:
 → از ریشه **bhu-iiē-* → از *biyā^h*, 3d sg. *biyā^t*, OP 2d sg. opt. *biyā^h*,
**bheu-*,

نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل *-bav*.

توجه:

pAr. *tu* > pIr. *θu* > OP *θv*, §81; pAr. *su* > pIr. *hu* > OP *hv*,
 → در *Med. f* → *uv* → برای *uv* → در نوشتار بصورت *uv*,
farnah-, §118.IV; pAr. *ru* و *ru*, §35.

در پایان واژه، در فارسی باستان، به u پایانی v افزوده می شده است:
 OP *paruv* پُر، زیاد Skt. *purú*, Gk. *πολυ*; OP loc. *margauv*, *hiⁿdauv*
bābirauv (§38).

گاهی *-av-* میانی، بصورت *-auv-* نوشته می شده است، نگاه کنید به: پ ۴۸.
 بصورتی بسیار نادر *-uv-* = *-u-v^a-* که برای نشان دادن بلندای *ū* بکار می رفته
 است، نگاه کنید به: پ ۲۳.

پ ۱۱۵ - s هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین بدون تغییر باقی مانده است،
 به استثنای موارد زیر:

(۱) s هندواروپایی آغازین در صورت تقدم واکه -i یا واکه -u (شامل واکه های بلند
 و کوتاه و واکه های مرکب)، یا r یا r̥ آریایی آغازین (باز آمده از l یا l̥
 هندواروپایی آغازین)، یا یک آوای انسدادی کامی یا نرمکامی برآن، به š آریایی
 آغازین تبدیل شده است.

(۲) s هندواروپایی آغازین، هنگامیکه در موضع پایانی، پس از ā آریایی آغازین قرار
 گیرد و یا بلافاصله با مکثی میان عبارات دنبال شود و یا در پایان یک جمله
 بیاید، به h ضعیفی تغییر می یابد که به صورت h نوشته می شود (این h را در
 سنسکریت *visarag* می نامند).

s آریایی آغازین در ایرانی آغازین پیش از p t k آریایی آغازین (و احتمالاً پیش از ph th kh آریایی آغازین، در حالیکه برای این موارد در فارسی باستان مثالی وجود ندارد)، باقی میماند؛ اما در جایگاه‌های دیگر به h ایرانی آغازین تغییر می‌کند.

s پایانی در آریایی، پیرو تحولات گوناگون سندهی به جز š- و h- بوده و این موارد در سنسکریت به خوبی دیده شده‌اند. در حالیکه زبان ایرانی š- و h- را تعمیم داده و تنها این ارزش‌ها و نیز تحولات آوایی مستقیم آنها را نشان می‌دهد، به استثنای تعدادی ترکیبات با پی‌چسب‌ها (مثال‌های فارسی باستان در: پ ۱۰۵ آمده‌اند). واژه‌ها و ساخت‌های سنسکریت برای اینکه به وضوح ارتباط خود را با واژه‌ها و ساخت‌های مورد مقایسه در فارسی باستان نشان دهند، با s- و h- خواهند آمد.

تحولات مربوط به s h h ایرانی آغازین در زبان ایرانی و فارسی باستان، در بخش بعد مورد بحث قرار خواهند گرفت.

پ ۱۱۶ - s ایرانی آغازین باز آمده از s هندواروپایی آغازین در st sp sk ایرانی آغازین، در فارسی باستان بدون تغییر باز می‌ماند:

st در هندواروپایی آغازین: *esti «او هست»، فارسی باستان: astiy، سنسکریت: ásti، لاتین: est؛

هندواروپایی آغازین: *ghosto- «دست»، فارسی باستان: -dasta،
اوستا: -zasta، سنسکریت: -hāsta.

فارسی باستان: avāstāyam «من باز گرداندم»، مقایسه شود با لاتین: stāre؛
فارسی باستان: stānam «جا، مکان»، سنسکریت: sthānam (اینکه st در زبان ایرانی نیز همانند سنسکریت به st- هندواروپایی آغازین برمی‌گردد نامعلوم است، اما اگر چنین باشد، آنگاه ویژگی دمی‌دگی، در زبان ایرانی، پس از یک آوای صفیری، باید از میان رفته باشد؛ زبانهای دیگر نیز در این وضعیت تولیدی نادیده دارند).

spāda «سپاه»، در -taxmaspāda (نام یک مادی)؛ در -vāyaspāra (نام یک پارسی): اما ریشه نهایی این واژه‌ها روشن نیست.

sk در -skaudra-, skuⁿxa-, skauθi- : هیچیک از این نامها در اصل ریشه پارسی ندارند و در اینجا صرفاً به عنوان مثال برای ظهور خوشه آوایی sk آمده‌اند. s فارسی باستان در بسیاری از موارد از ریشه‌های دیگری می‌آید: s (مادی) از k هندواروپایی آغازین، پ ۸۷؛ از خوشه‌های دارای k هندواروپایی آغازین، پ ۹۰، پ ۹۳، پ ۹۵؛ از آوای دندانی - انسدادی هندواروپایی آغازین t+، بصورت tst، پ ۸۵؛ و نیز در واژه‌هایی که از نظر ریشه‌شناسی مبهم هستند و یا از زبانهای دیگر به وام گرفته شده‌اند، مانند: saka-, sug(u)da-, nisāya-, siⁿkabru-، ساکا و واژه مشکوک siyamam.

پ ۱۱۷ - š ایرانی آغازین باز آمده از s هندواروپایی آغازین، پس از پاره‌ای از آواها (پ ۱۱۵)، در فارسی باستان بدون تغییر باقی می‌ماند:

OP maθišta- بزرگترین، Av. masišta-, Gk. μυκίotos

OP frāišayam روانه کردم، Skt. eṣayati

OP uška- خشک، Av. huška-, Lith. saūsa-s.

OP gauša- گوش، Skt. ghóṣa- سرو صدا.

OP adaršnauš او جرأت می‌کند، Skt. dhṛṣṇóti او جرأت داشت

OP arša- گاونر، Skt. ṛṣa-bhá- آرشام → aršāma- در، مرد، نر،

PIE *sed-as- → OP hadiš کاخ، cf. Gk. εδος (از) PIE *sedos).

PIE *e-si-ste-to, OP a^hištata- او ایستاد، cf. Gk. ισταται او ایستد (از) *sistetai).

PIE *r̥sti-, OP nom. arštiš, Skt. r̥sti-s (cf. §115).

OP nom. tanūš تن، Skt. tanū-s.

برای ks و خوشه‌های دیگر منتج به xš، نگاه کنید به: پ ۱۰۲؛

برای kn و gn منتج به xšn آغازی و šn میانی، نگاه کنید به: پ ۹۶؛

برای -šc- به عنوان یک تولید سندهی، نگاه کنید به: پ ۱۰۵؛

برای c آریایی آغازین منتج به šy فارسی باستان، نگاه کنید به: پ ۱۰۴؛

برای ti آریایی آغازین منتج به šy فارسی باستان، نگاه کنید به: پ ۸۰؛

برای tn آریایی آغازین منتج به šn فارسی باستان، نگاه کنید به: پ ۸۲.
پیشوند فعلی -ni، روی s آغازین ریشه فعل تاثیر می‌گذارد؛ بدین ترتیب:
ni-štā- از: ni+stā- و نیز -ni-šad- از: (در ایرانی -had-) sad- + -ni، و ارزش š
به هر جایگاهی نیز که š بوسیله افزونه از i جدا شده باشد، گسترش می‌یابد:
niyaštāyam «من فرمان دادم» (اما avāstāyam «من بازگرداندم»)،
niyašādayam «من فرمان دادم». همچنین این وضع در مورد ضمیر متصل
-šim، -šāam، -šaiy- نیز، در ساخت گسترش یافته پس از i و u پایانی
واژه‌ای که به آن متصل شده، تعمیم یافته است. مقایسه شود با اوستا:
hōi، hām، hāš- که تعمیم h آغازی را که پس از بیشتر آواهای پایانی عادی
است نشان می‌دهد.

پ ۱۱۸- h ایرانی آغازین باز آمده از s هندواروپایی آغازین، پ ۱۱۵.

h - I ایرانی آغازین در فارسی باستان باز می ماند.

pIE *soluo- سومه, OP haruva, Skt. sárva-.

pIE *snt-iom, OP hašiyam حقيقت, Skt. satyám, cf. Eng. sooth.

pAr. *sainā- سیاہ, OP hainā-, Skt. sénā-.

OP *vāhara-*, در، بهار → *θūra-vāhara-*, Skt. *vāsará-* درخشان, Lith.

vāsara تاستان.

pIE gen. -osio, OP martiy-ahyā مَرْتِيَّاهِيَّآ Skt. mārty-ahya.

pIE acc. *nās-m, OP nāham, Skt. nāsam.

II- در فارسی، یاستان، h پیش از r و m نوشته نمی شده است:

OP rauta رود, Skt. srótas- جاری.

OP amiy هستم, LAv. ahmi, Skt. ásmi, از → pIE *esmi.

OP amāxam ما, Av. ahmākəm, Skt. asmākam.

OP taumā تخمه, *tauhmā → *tauxmā, §103. II.

III- hai فارسی باستان بصورت h^ai نوشته می شده است؛ hi آغازی یا میانی فارسی باستان نیز با i یا h^a نوشته می شده است؛ صورت نوشتاری h^aiy^a=hiy فارسی باستان که انتظار می رود برای hy و hiy غیر پایانی و نیز hi پایانی بیاید، معمولاً بدون i نوشته می شود؛ صورت (برای -hi) -hy = h^ay^a پایانی فارسی باستان نیز، چنانچه از سوی یک پی چسب دنبال شود، ^a را از دست می دهد. برای مثال ها و فهرست کامل استثنائات نگاه کنید به: پ ۲۷.

IV- صورت نوشتاری h^au، شکل متعارف برای hau بوده است، همانند: hauv, hauvam, haumavarga-, vahauka-, است؛ برای بیان hu، با u واکه ای، تنها نشانه u مورد استفاده قرار می گرفت؛ و نیز برای نشان دادن huv به جای hu (از su) uv^a نوشته می شده است - h^a در هر دو وضعیت حذف می شده است:

Nom. dārayava^huš, gen. dārayavahauš.

Nom. hara^huvatiš, Skt. sárasvatī.

Loc. pl. aniyāhuv-ā, Skt. anyāsu.

^huva- خود, Av. x^va-, Skt. sva-.

^huvaspa-، 'دارنده اسب های خوب، Skt. su-āśva-.

در نام viⁿda-farnah «ویندفرن»، جزء دوم، همان x^varənah اوستا به معنی «فره شاهنشاهی»، باز آمده از -suel-nos هندواروپایی آغازین است، مقایسه شود با سنسکریت: svar- «خورشید»، لاتین: sōl؛ به نظر می رسد که f به جای hu فارسی باستان، باز آمده از su، یک ویژگی مادی باشد، اگرچه «ویندفرن» یکی از پارسیانی بود که داریوش را دربراندازی بردیای دروغین یاری داده بود. واژه های دیگری نیز با h وجود دارند که برخی دارای ریشه شناسی نامعلوم بوده و پاره ای از زبانهای دیگر به وام گرفته شده اند:

anāhitā که معمولاً بصورت anahata نوشته شده و نام ایزد بانویی است با نامی ظاهراً ایرانی بر پایه یک ریشه نامعلوم؛ -haldita «نام یک ارمنی»؛ hiⁿduš «نام ایالتی باز آمده از هندی باستان»، اما با تحول ایرانی s آغازی.

VI- برای فقدان h در زنجیره ahah، و نیز ادغام بعدی واکه ها، نگاه کنید به: پ ۱۳۱.

پ ۱۱۹ - **h** آریایی آغازین از **s** هندواروپایی آغازین پس از **a** آریایی آغازین که در موضع پایانی عبارت یا جمله‌ای قرار گرفته باشد، تحول یافته است. این **h** در فارسی باستان نوشته نمی‌شده است، اما حضور آن به عنوان یک آوا به این طریق نشان داده می‌شد که چنانچه **h** پس از **ä** می‌آمد، **ä** پایانی، در نوشتار به همان صورت **ä** باقی میماند، اما اگر خود تنها در جایگاه پایانی قرار می‌گرفت، به شکل **a** نوشته می‌شد. در صورت تمایل به نشان دادن این **h** نانوشتاری، می‌توانیم از **h** برکشیده یا **s** برکشیده استفاده کنیم^{۵۱} که بسیار مناسب‌تر است.

OP nom. martiya^h, Skt. mārtyah, از، pIE -os.

OP nom. pl. bagāha^h بغان، cf. Skt. Ved. devāsah بغان.

→ اما OP abara^htā, Skt. ābharanta; OP agarbāyatā, Skt. agrbhāyata.

در فارسی باستان مدرکی دال بر ماندگاری **h** بعنوان یک آوای نانوشتاری پس از **a**، وجود ندارد:

در بن‌های مختوم به **-ā** -āyāh Skt. gen. taumāyā تخمه OP gen.

OP npf. kartā ساخته، کرده Skt. hrtāh

حالت بایی جمع واژه raucabiš از rauca^h «روز»، مسئله‌ای را پیش می‌آورد. صرف متناسب با بن‌های خنثی مختوم به **-os/es-**، با کاربرد محدود **-mānas-** «اندیشه» در سنسکریت و **-manah-** «اندیشه، احساس»، در اوستا، انطباق دارد:

	pIE	Skt.	Av.	OP
Nom.sg.	*menos	mānah	manō	rauca ^h
Ins.pl.	*menez-bhis	mānōbhiṣ	manōblīš	raucabiš
Loc.pl.	*menes-su	mānahsu	raočōhv-a	

ظاهراً پسوند **-as-** یا **-az-**، در برخی از ساخت‌ها با **-ah-** جایگزینی داشته، در حالیکه **-ah-**، تحول آوایی ساده‌تری را پشت سر گذاشته است. ما می‌توانیم فرض کنیم که raucabiš از raucah-bihš آمده است، که **h** خود، پیش از انسدادی واکدار، واکدار شده و در فارسی باستان از میان رفته است. در حالیکه

در اوستا و سنسکریت، با دگرگونی ناشی از واکه مقدم بر $\bar{o}$ از میان رفته است. همانند این جایگزینی در $z\bar{u}ra^h-kara$ «پلید رفتار» دیده می‌شود، موردی که در آن h پیش از انسدادی بی‌واک از میان رفته است؛ مقایسه شود با، سنسکریت: $manah-pati$ «ایزد اندیشه».

پ ۱۲۰ - z هندواروپایی آغازین در هندواروپایی آغازین، تنها تحول یافته از موارد زیر است:

- (۱) از s که در ساخت - واژه، پیش از یک انسدادی واکدار آمده باشد؛
 - (۲) از s که در ساخت - واژه، پس از یک انسدادی دمیده واکدار آمده باشد (در این مورد مثالی از فارسی باستان وجود ندارد)؛
 - (۳) در خوشه‌های واکدار dzd و $dzdh$ که از ترکیبات معین دندانی + دندانی تحول یافته باشد (پ ۸۵) ^{۵۲}. در این زمینه تنها چند مثال محدود وجود دارد: $vahyaz-dāta$ «نام شخص، (پیرو) قانون بهتر»، مرکب از $vahyas$ «بهتر» (سنسکریت: $vāsyas$) و $dāta$ «قانون».
- $azdā$ و $aura-mazdāh$ ، با $-dzdh$ ، نگاه کنید: پ ۸۵؛ برای $-basta$ و $-gasta$ ، با $-tst$ وجه وصفی جایگزین شده با $-dzdh$ نگاه کنید به: پ ۸۵.
- پیشوند $niš^*$ آریایی، باز آمده از $s + ni^*$ هندواروپایی آغازین (پ ۱۱۵)، پیش از انسدادی‌های واکدار به $niž$ تبدیل می‌شود، همانند، اوستا: $niž-bərəta$ «ربوده شده» (اسم خنثی)، که در فارسی باستان بصورت $nij-$ ، در $nij-āyam$ «من پیشروی کردم»، نوشته می‌شود.
- موارد دیگر مربوط به z ، عمدتاً به ثمره تحول g و gh هندواروپایی آغازین در مادی (پ ۸۸)، پ ۹۱) و یا وقوع پیش از همخوان‌ها در فارسی باستان (پ ۹۱)، پ ۹۵)، مربوط می‌شود؛ این z پیش از n به s و سپس به $\tilde{s}$ تبدیل می‌شود:
- pIE g: paruzana-, vispazana-, varkazana-, vazraka-.
- pIE gh: brazmaniya-, uvārazml̥, uzma-, zūra-, zūrakara-.
- pIE g gh: zraⁿka-.
- pIE ghu: patiyazbayam, h^azānam.
- نام - جای‌های غیر ایرانی $zazāna-$, $zūzahya-$, $izalā$.
- باید توجه داشت که z فارسی باستان، پیش از m ، بدون تغییر باقی می‌ماند،

همانند: brazman، اگرچه پیش از n بی واک می شود (و نیز از پیش تغییر کرده بود)، همانند: baršnā. اما zm که در اوستای گاهانی حفظ شده بود، در اوستای متأخر به sm تغییر می یابد.

پ ۱۲۱ - درجات گردش واکه ها: دگرگونی واکه های هندواروپایی آغازین، که تحت عنوان گردش واکه ای نامیده می شود، در فارسی باستان بخوبی و صراحت وجود دارد، اگرچه در تحولات آریایی آغازین مبهم است: e o a هندواروپایی آغازین به a آریایی و ē ō ā هندواروپایی آغازین به ā آریایی آغازین تبدیل شده، واکه های مرکب نیز به همین نحو، به ai āi, au āu، تقلیل یافته اند. علاوه بر این تخفیف یافته پیش از آوای روان، غنه ای، یا نیم واکه نیز در آریایی آغازین به a تغییر یافته است؛ نیز مقایسه شود با تحول آواهای واکه ای بلند روان و غنه ای بلند. پ ۶۸. بدین ترتیب در مجموع تصور می شود که رشته های واکه ای هندواروپایی آغازین در فارسی باستان دارای اشکال زیر باشد:

فارسی باستان هندواروپایی آغازین

رشته I

e	o	ف صفر	ē ō	a	ف صفر	ā
ei	oi	i ²	ēi ōi	ai	i ²	āi
eu	ou	u ²	ēu ōu	au	u ²	āi
er ¹	or	r ² ʔr ʔr	ēr ōr	ar	r ² ar	ār
en ³	on	n ² ʔn ʔn	ēn ōn	an	a,n an	ān

رشته II

a ⁴	o	ف صفر	ā ō	a	ف صفر	ā

رشته IV V

ē ⁷	ō	ə	ā	i,a ⁶
ā	ō	ə	ā	i,a ⁶

تذکراتی در مورد جدول: ۱) el هندواروپایی آغازین و غیره که به ar آریایی آغازین و غیره تغییر یافته است. ۲) چه آوای همخوانی و چه آوای واکه‌ای برطبق طبیعت آواهای همجوار. ۳) em هندواروپایی آغازین و غیره که am آریایی آغازین و غیره را داده است. ۴) گونه‌های واکه مرکبی مربوطه به این رشته، همانند رشته I وجود دارد؛ اما مثال‌های کمی از این رشته را می‌توان در فارسی باستان موجود شناسایی کرد. ۵) رشته III شامل «صفر 0 0» و غیره، و رشته VI شامل 0 0 0، که ممکن است صرفاً گونه‌های رشته I و IV بدون مثال‌های موجود مربوط به درجات بترتیب e و ē باشد. ۶) ارزش آوایی a پیش از u و u، و u، تحول یافته است. ۷) گونه‌های واکه مرکبی مربوط به رشته IV و V، همراه با درجات صفر ai یا ā، u یا ū و غیره وجود دارد.

علاوه بر جزئیات، درجات واکه در دو ستون نخست هندواروپایی آغازین، اساساً به هجاهای تکیه بر تعلق دارد، آنها که در ستون نخست جای دارند به هجاهای تکیه بر اولیه و آنها که در ستون دوم قرار گرفته‌اند به هجای تکیه بر ثانویه؛ و در مجموع تحت عنوان درجات متعارف یا درجات تکیه بر شناخته می‌شوند. آنهایی که در سه ستون بعدی هندواروپایی آغازین آمده‌اند، اساساً به هجاهای بی تکیه تعلق دارند؛ آنهایی که در ستون سوم قرار دارند تحت عنوان درجات صفر، و آنهایی که در ستون چهارم و پنجم آمده‌اند تحت عنوان درجات تخفیف یافته شناخته می‌شوند. آنهایی که در دو ستون آخر هندواروپایی آغازین قرار دارند تحت شرایطی مخصوص از جمله: ادغام واکه آغازین یک فعل با افزونه واکه‌ای، مشخص کردن اسم مشتق از ریشه فعلی، نشان دادن بن سببی یک فعل یا نشان دادن حالت فاعلی مفرد یک اسم (گاهی به حالت مفرد مفعولی صریح و فاعلی جمع نیز تعمیم یافته است)، ویژگی بلند را کسب کرده‌اند؛ و ضمن اینکه تحت عنوان درجات بلند شناخته می‌شوند، اساساً حاصل به ترتیب تکیه اولیه و تکیه ثانویه هستند. اما توزیع درجات بصورت طرحی چنین کلی نمی‌تواند جامع و مانع باشد، زیرا در تبدیل ساخت‌های وابسته، ممکن است به نتیجه‌ای فراتر از موارد شناخته شده منجر شود، و بدین ترتیب، جهت حفظ یک همانندی مفید در ساخت‌های وابسته، پای قیاس به میان می‌آید.

در فهرست‌های زیر، کوشش به عمل آمده تا درجات e و o از هم متمایز شوند؛

در حالیکه این امر غیر ممکن است، ولی پیش ساخت مربوطه، با نظام واکه‌ای آریایی آغازین داده خواهد شد. در بیشتر بخش‌ها، تنها مثال‌هایی داده خواهد شد که دو درجه مختلف را در خود فارسی باستان نشان دهند.

پ ۱۲۲ - تنوع گردش واکه در ریشه:

مثال‌هایی از فارسی باستان:

*ē- در as-tiy او هست، *s- در h-aⁿtiy آنها هستند، *ēs- (با افزونه) در āh-am من بودم.

*ped- یا *pod- پا، در ni-padiy ، pati-padam ، garma-pada، (آریایی) *pād- در pādaibiya با دویا.

*sed- نشستن، در iš-had محل سکونت، مقرر؛ (آریایی) : *sād- در niyašādayam من برقرار کردم.

*nek- تباه کردن، در vi-nas-ta- صدمه، (آریایی) : *nās- در viy-anāθaya او صدمه زد.

*ei- رفتن، در aitiy او می‌رود، *i- در idi- تو برو، (parīdiy ، para-idiy از

*pari-idiy) و itā- رفته (para-itā) ؛ *ēi- (با افزونه) در upāyam (از

*upa-āyam) من وارد شدم، upariy-āyam من رفتار کردم، atiy-āiš او رفت.

*peik- بریدن، در ni-paištaniy نوشتن؛ *pik- در وجه وصفی ni-pištam نوشته.

*teu- در taumā قدرت، u-tava دارای قدرت زیاد، tauvīyā قویتر (برای tavīyā نگاه

کنید به. پ ۴۸) ؛ *tu- در tunuvā قدرتمند؛ آریایی : *tāu- در tāvayatiy او توانا

است.

*dhrogh- در drauga دروغ، *dhrugh- در duruxtam دروغین.

*g^uou- در gau-māta ، gau-baruva ؛ *g^u- در θata-gu-š (اما نگاه کنید به واژه‌نامه،

زیر مدخل مربوطه) ؛ *g^uou- در سنسکریت: gáús (گاو).

*bheu- شدن، در bavatiy او هست؛ *bhu- در biyā باشد.

*bher بردن، در baraⁿtiy آنها می‌برند؛ *bhor- در aršti-bara- نیزه‌دار، برنده نیزه؛

*bhr- در u-bar-tam محترم شمرده شده؛ *bhōr- در asa-bāra- سوار، uša-bāri-

شتر سوار.

*qer- کردن، ساختن، در cartaraiy کردن؛ *qor- در zūra-kara پلید کردار؛ *qr- در

ca-xr-iyā ساخته باشد *qr- در kartam ساخته؛ *qṛ- در akariya انجام شده بود؛ *qēr- در u-cāram موفق.

*mer- مردن، در marīka انسان حقیر (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، *mor- در martiya مرد (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، *mr- در marta مرده، uvā-maršiyuš با خود مرگی^(۶) (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ احتمالاً *mṛ- در amariyatā او مرد (مقایسه شود با اوستا miryeiti او می‌میرد).

*bhendh- یا *bhondh- در baṇdaka بنده، *bhndh- در basta بسته.

*g^uhen- در ajanam من زدم، *g^uhṇ- در jadyo تو بزنی، *jata- زده.

*dher- یا *dhr- در adaršiy تصرف کردم؛ *dhr- در duruva محکم؛ (آریایی)؛ *dār- در dārayati او دارد.

*g^uem- آمدن، در ā-jamiyā بیاید، *g^um- در parāgmatā پیش رفته (نگاه کنید به. پ ۲۴۴).

*ap- آب، در جمع بایی *āp-, abiš در حالت فاعلی āpiš، در حالت دری āpiyā.

*bhag- در бага، *bhāg- در bāji با ج.

*g^uoi- در gaiθām رومه (oi در عدم کامی شدگی g تحقق یافته است)، *g^uī- در jīva زندگی.

*prek- در ufraštam خوب مجازات شده، *prk- در aparasam مجازات کردم.

*reg- راست، فرمانراندن، یا *rog- در uradanām؛ *rg- در arštām, ardu-maniš؛ *rēg- در rāstam راست (مقایسه شود با: پ ۹۳ ی ۲).

*stā- جا، در niyaštāyam, avāstāyam, stānam؛ تخفیف یافته به *st- با واکه ماده ساز به جای *stə- در a^hištātā.

*pā- (آریایی) پاییدن در pāta, pātuv, pādiy؛ *pə- در apayaiy, patipayauvā (پ ۲۱۴).

gnō- در xšnāsātiy؛ *gnə-u- در ā-xšnautiy مقایسه شود با *gn-u- در xšnuta (پ ۲۰۸).

*dhē- گذاشتن، تنها در این درجه: adā او ساخت، dātam قانون.

۶. نگاه کنید به یادداشت ۵، پ ۱۱۳.

*dō- دادن، تنها در این درجه: dadātuv بدهاد.

پ ۱۲۳ - تنوع کارای گردش واکه در ریشه فعلی: مثال‌های مربوطه در

بخش‌های پیشین دیده شده‌اند و در مجموع موارد زیر را در بر می‌گیرند:

(۱) درجه قوی با دگرگونی به درجه صفر یا تخفیف یافته در صورت‌های صرفی با

قاعده، با درجه بلند درجایی که با افزونه ادغام صورت گرفته باشد.

(۲) درجه بلند در ساخت‌های سببی، در حالیکه زبان‌های دیگر درجه -ō- را نشان

می‌دهند:

vināθaya-, Lt. noceō; dāraya-, mānaya-, çāraya-, šādaya-, tāvaya-, jāvaya.

(۳) درجه بلند در اسامی مشتق از ریشه فعلی:

asa-bāra-, uša-bāri-; u-cāram, bāji-.

پ ۱۲۴ - تنوع کاری گردش واکه در واپسین هجا- بن اسم‌ها:

(۱) در بن‌های مختوم به -ō-: حالت فاعلی: -os، همچنانکه در martiya آمده، و

-o- در چندین ساخت دیگر؛ حالت ندایی: -e در martiyā؛ نگاه کنید به: پ

۱۶۹.

(۲) در بن‌های مختوم به -u-: (آریایی) -au- در dahyauv-ā در حالت دری مفرد،

-u- در dahyu-šuvā در حالت دری جمع، -āu- در dahyāu-š در حالت فاعلی

مفرد؛ نگاه کنید به: پ ۱۸۰. dārayava^huš در حالت فاعلی مفرد و va^hum- با

-u- در حالت مفعولی صریح، -vahuš- با -au- (آریایی) در حالت وابستگی.

باید توجه داشت که واژه pirāva «رود نیل»، از piruš «عاج»، باز نیامده است،

مراجعه شود به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

(۳) در بن‌های مختوم به -i-: -i- در cišpiš در حالت فاعلی، -ai- (آریایی) در

cišpaiš در حالت وابستگی؛ نگاه کنید به: پ ۱۷۷.

(۴) در بن‌های مختوم به -s-: -nos- در manaš-cā در حالت فاعلی و مفعولی صریح

خنثی، -nes- در manahā در حالت بایی، -nēs- در vida-farnā در حالت

فاعلی مذکر، -nās- در haxā-maniš, ardu-maniš؛ نگاه کنید به: پ ۱۸۵.

(۵) درجه بلند به عنوان نشانه حالت مفرد فاعلی بن‌های مختوم به همخوان:

بن مختوم به -t-: napā، بن های مختوم به -r-: pitā -mātā brāta dauštā-، بن های مختوم به در -n-: asā, artāvā, xšaçaṣpāvā نگاه کنید به: پ ۱۸۸، پ ۱۸۶، پ ۱۸۷. درجه بلند با [tē] در pitā، نیز درجه صفر -tr- در piça در حالت وابستگی، مشتق از *pə-tr-os دیده می شود. همچنین واژه dahyāus با بن مختوم به -u- نیز به همین بحث مربوط می شود (نگاه کنید بالا، بند ۲).

(۶) درجه بلند به عنوان نشانه حالت مفعولی صریح مفرد همین طبقات:

asmānam framātāram nāham h³zānam dahyāum dahyāvam

نگاه کنید به: پ ۱۸۴.

(۷) درجه بلند به عنوان نشانه حالت فاعلی جمع همین طبقات: dahyāva، نگاه

کنید به: پ ۱۸۳.

پ ۱۲۵ - GUNA و VRIDDHI: دستور نویسان هند، در داخل یک ریشه یا

یک وند، تنوع واکه هایی را بازشناسی کردند. واکه هایی را که آنان در سیستم ریشه های خود مورد تشخیص قرار دادند، از سوی خود آنها به عنوان واکه های بنیادین تلقی می شد؛ پیشوند افزایی ā به هریک، شکل guna (سنسکریت: vrddhi؛ و بلندای شکل guna، شکل vriddhi (سنسکریت: «رشد، بالندگی») را بدست می داد. در این میان ā صورتی از شکل guna خود بوده و در واقع ā بدون هیچگونه تغییری می توانست بعنوان شکل guna خود نیز بکار رود. بدین ترتیب این دستور نویسان به برابری به شرح زیر دست یافتند؛ باید به خاطر داشت که نزد دستور نویسان هند، e و o، واکه های مرکب ai و au محسوب می شدند (همانطور که واقعاً بودند!).

واکهای بنیادین:	a	ā	i	ī	u	ū	r	l
guna:	a	ā	e		o		ar	al
vriddhi:	ā	ā	āi		āu		ār	āl

این جدول در اصل، تحول رشته های گردش یافته هندواروپایی آغازین را در آریایی نشان می دهد، در حالیکه e o a هندواروپایی آغازین به a و نیز ē ō ā هندواروپایی آغازین به ā تغییر یافته است؛ و چنانچه این وضعیت در هیچیک از دو شاخه آریایی و هندواروپایی وجود نمی داشت، ارائه کردن آن ضرورت پیدا نمی کرد، بطور کلی، تغییر واکه به واکه ای با ویژگی vriddhi، مهمترین شیوه ساخت -واژه به شمار می رفته است.

در این کاربرد، آ و گاهی اوقات به عنوان واکه با ویژگی *vridddhi* و نیز برابر با *i* و *u* (به جای *āi* و *āu* در جدول ارائه شده در فوق) عمل می‌کنند.

پ ۱۲۶ - VRIDDHI به عنوان یک **وند**. *vridddhi* یا بلندای واکه در آریایی، کار آمدترین شیوه برای ساخت اشتقاقات بوده است؛ برای مثال بسیاری از صفات در سنسکریت، تنها از طریق واکه با ویژگی *vridddhi* در هجای آغازین، از اسامی قابل تمایزند. در فارسی باستان، تعدادی مثال معین در این زمینه وجود دارد (به جز مواردی که در آنها وقوع واکه با درجه بلند می‌تواند به عنوان توارث مستقیم از هندواروپایی آغازین و یا از یک نظام ساختی هندواروپایی آغازین مورد بررسی قرار گیرد):

dāraniya-kara- زرگر، در مقایسه با *-daraniya* زر.

bāga-yādi- ستایش بخ (ماه)، در مقایسه با *-baga* بخ.

uvārštika نیزه‌دار خوب (*-hvār**)، در مقایسه با *arštiš* نیزه، سنسکریت: *arstiḥ* نیزه؛ این مورد غیر قطعی است، چه به اعتبار *ārštika* نیزه‌دار، که از نظر نظام واکه‌ای با *uvārštika* مطابقت دارد و ما آن برگزیده‌ایم، و چه به اعتبار *arštika* نسبت به *arštiš*. مقایسه شود با مورد بعد.

uvāsabāra سوار خوب (*-hv-āsa**)، در مقایسه با *-asa* اسب؛ *asabāra* با احتمالاً از طریق مقایسه با واکه غیر بلند در *uśabāri* شتر سوار، شکل گرفته است. *uvāmaršiyuṣ* با خود مرگی^(۷) (نگاه کنید به واژه‌نامه) در مقایسه با *-hva** خود. *uvāipašiya-* خود، با *-hvāi** در ارتباط با *-uvaipašiya* خود، مگر اینکه املا با *-āi* یک اشتباه باشد.

xšāyaθiya- شاه، در مقایسه با *-axšaya* من فرمانراندم.

θāiygarci- یک ماهنام با ریشه نامعلوم.

yāumainiṣ ماهر، مشتق از *-yau-man**

māniya- بردگان خانگی، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

ūvnarā مهارت‌ها، در مقایسه با *-hu-nara** (در اینجا *u* با ویژگی *vridddhi* بصورت *ū* در آمده است).

۷. نگاه کنید به یادداشت ۵، پ ۱۱۳.

mārgava مروی، در مقایسه با marguš مرو.
 pārśa پارس در مقایسه با parθava پارت.
 احتمال دارد که vridhhi، در هجای آغازین مثال‌های زیر، بعنوان یک وند بکار رفته باشد:
 - ماهنام‌های -viyaxna-, anāmaka-, adukanaiša؛ برای دو ماهنام دیگر نیز قطعاً چنین وضعی وجود دارد (نگاه کنید بالا).
 - نام‌های شخصی -frāda-, vāyaspāra-.
 - واژه دال بر قومیت pātiśuvaris (در مقایسه با ?patiy).
 - نام جای -kāpiśakāni-
 - aθagaina- یا aθagaina- سنگی، صفت از aθaga- سنگ.
 - ariya- یا āriya-^{۵۳}، aruvastam یا āruvastam، arjanam یا ārjaram.
 - kāsakaina-, kāsaka-
 vridhhi به عنوان عامل، در جزء دوم یک ترکیب، در موارد زیر دیده شده است:
 yād- در yād- bāga-yādi- و āci - yādiya- دو ماهنام.
 vāhara- در vāhara- θūra-vāhara- ماهنام، مقایسه شود با لیتوانیایی: vāsara- تابستان، با ā
 متقدم.
 احتمالاً uvā-dā- (برای *hvā-dā-) در paiśiyā-uvādā نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر
 مدخل مربوطه.
 احتمالاً vāyaspāra-، ^hu-tāna, vi-vāna, ^hu-vāra-zmiy-
 -cāra-، -bāri-، -bāra- بعنوان جزء دوم ترکیبات.
 نام‌ها و صفات احتمالی ساخته شده برپایه ریشه دارای واکه بلند در این جا آمده است:
 kāma-, pāda-, bāji-, rāsta- نیز نگاه کنید به ساخت‌های دارای واکه‌های بلند در پ ۱۴۳.

پ ۱۲۷ - توارد آوایی عبارت است از ورود i یا u یا واکه دیگر در یک هجا، زیر
 تاثیر آوای هجای بعد؛ نتیجه این فرایند این است که آوای واکه قرار گرفته در
 هجای مبتلا به توارد، دگرگون شده و تغییر می‌یابد. این فرایند در اوستا
 عمومیت دارد، همانند paiti برای *pati، فارسی باستان: pati، یا pouru

برای **paru*، فارسی باستان *paruv*. تنها مثال مسلم در فارسی باستان *yāumainiš* برای **yāumaniš* و نیز صورت ترکیبی آن یعنی *ayāu(ma)iniš* در DNb 40,59 است. احتمالاً در *paišiyā* DB 4.91 و بطور نامحتمل در *paišiyāuvāda* نیز این فرایند دیده می شود (نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه).

پ ۱۲۸ - افزایش واکه عبارت است از ظهور یک واکه میان دو همخوان که تلفظ آن ها بدون واکه میانجی برای گرایشور دشوار باشد؛ مقایسه شود با تلفظ معمولی *athletic* بصورت *athæletic*. فارسی باستان در خوشه *dr*، هنگامی که از سوی *u* دنبال شود، دارای فرایند افزایش واکه است: *duruva* «امن»، سنسکریت: *duruxtan; dhruvā-s* «دروغ»، سنسکریت: *adurujiya*; *drudham* «او دروغ گفت»، مقایسه شود با اوستا: *drujīm* «پلید» در حالت مفعولی صریح. تنها خوشه دیگر در فارسی باستان که به فرایند افزایش واکه دچار شده، *gd* است، که ما آنرا در صورتهای گوناگون نوشتاری نام سغد باز می یابیم: *s^aug^uda* برابر با *suguda*، *s^aug^ud^a* برابر با *sug^uda*، علاوه براین *s^aug^ad^a* = *sugda* نیز، صورت دیگری از تلفظ این نام است.

البته این امکان وجود دارد که خوشه های *dr br fr zr* نیز پیش از *a* دچار این فرایند شده باشند، اما نوشتار فارسی باستان نمی تواند در این مورد مدرکی را ارائه دهد. فارسی نو: *durōy* برابر با فارسی باستان: *drauga*، فارسی نو: *birādār* برابر با فارسی باستان: *brātā*، فارسی نو: *fārmān* برابر با فارسی باستان: *framānā*؛ بدین ترتیب ممکن است که فرایند افزایش واکه در این موارد، بعد از دوره فارسی باستان صورت گرفته باشد. در برابر *zraⁿka*، یونانی دارای صورت *zapávyi* (در: آریان) و *Σαράγγαι* (در هردوت) با فرایند افزایش واکه است، اما از آنجا که یونانی دارای *sr-* یا *zr-* آغازین نیست، بنابراین صورت *Δραγγιᾶν* (در: دیودوروس) نیز، بدون فرایند افزایش واکه، وجود دارد، و این خوشه آغازین، در یونانی، طبیعی است. ما می توانیم به این واژه ها، واژه های *draya* «دریا» و *nabukudracara* را نیز بیفزاییم. فرض اینکه فرایند افزایش واکه در واژه های فارسی نو، متاخر از دوره فارسی باستان است، اشتقاق *buzurg* فارسی نو را از *vazraka* آسان می کند (نسبت به *vazarka* یا *vazrka*).

نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

پ ۱۲۹ - حذف به قرینه عبارت است از حذف یکی از واحدهای دو آوایی شبیه و پی درپی که هریک شامل حداقل یک همخوان و یک واکه یا یک واکه و حداقل یک همخوان باشند، بدین ترتیب: انگلیسی: *mineralogy* از **mineralology*. فارسی باستان در این زمینه یک مثال معین دارد: *hamāta* از **hama-māta* «هم مادر»، مقایسه شود با: *hama-pita* «هم پدر»، که در آن حذف به قرینه صورت نمی‌گیرد. مثال دوم که احتمالی و غیر طبیعی است، عبارت است از *duvarθim* از **dvar-varθim* «دالان». و نیز احتمالاً *arštā-* «راستی» از **aršta-tā-*، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه؛ و نیز *dīdiy* «بین»، چنانچه به وجه امری حال؛ ساخت مضاعف، یعنی **dhi-dhī-dhi*، بیشتر از وجه امری آتوریست یعنی **dhī-dhi*، توجه داشته باشیم.

پ ۱۳۰ - کوتاه کردن همخوان‌های بلند. همخوان‌های بلند در ساخت واژه به کرات متحول می‌شوند که این تحول یا به سبب همجواری دو همخوان همانند روی می‌دهد و یا بواسطه همگون شدن یک همخوان با همخوان مجاور. تمام همخوان‌های بلند متعلق به دوره متقدم در ایرانی آغازین، و تمام همخوان‌های بلند متعلق به دوره متاخر در ایرانی آغازین یا فارسی باستان، کوتاه شده‌اند. در زیر مثال‌هایی از فارسی باستان آمده است:

بن‌های مضارع - *ske* → در *pIr. ss > pAr. ss > pIE sk*

§97. *OP parsāmiy*, *Skt. prcchāmi*, *Lt. poscō*; → نیز مانند

OP aor. niy-apaišam → در *pIr. šš > pAr. cš (§92) > pIE ks*

§102. *pIE *peik-* → برپایه ریشه

pIE str → *pAr. štr > pIr. štr > OP šθr šç šš š* (→ *u* بعد از)

§79. *Av. uštra-*، شتر، *OP uša-* → مانند

OP vaināmiy، می‌بینم، *pIr. n > pAr. nn > pIE dn* → مانند

§83.I. *pIE *ueid-* → برپایه

abiš → مانند *b > pIr. bb > pAr. bbh > pIE pbh*

(§75.IV) **ap-bhis* → از

این کوتاه شدگی در اغلب زبانها، پیش و پس از همخوان‌ها اتفاق می‌افتد؛ مثال در فارسی باستان: uzma- «دار»، از ud-zma-، پ ۸۴. کوتاه شدن ترکیب سندهی -dc- به -c- در aciy yaciy (پ ۱۰۵)، احتمالاً از طریق همگون شدگی آوای ضعیف d- (پ ۸۴) به آوای بعدی یعنی c- صورت گرفته و در نتیجه همخوان بلند، کوتاه شده است، اما کوتاه شدن ترکیبات سندهی، هنگامیکه پی‌چسب‌های آزاد در فارسی باستان به پی‌چسب‌های متصل تبدیل شده‌اند، ممکن است صرفاً نوشتاری باشند، مانند: āpišim = āpiš - šim, taumanišaiy = taumaniš-šaiy, [n^ayā] kama = -kam-maiy, patišamaiy ucāramaiy = -m-maiy, (۵) 138.

پ ۱۳۱ - ادغام واکه‌ها در فارسی باستان (یا در فارسی باستان آغازین)، هنگامی رخ می‌دهد که در ساخت واژه یا یک ترکیب، دو واکه بلافاصله با یکدیگر برخورد کنند. مثال‌های مربوطه به شرح زیر عبارتند از:

ā + ā > ā: *ava-arasam > avārasam, *xšaya-aršā > xšayāršā;
 *upa-āyam > upāyam, *fra-āišayam > frāišayam;
 *parā-arasam > parārasam; *ā-āyaⁿ tā > āyaⁿtā;
 *pasā-ava > pasāva; *ariya-āramnā > ariyāramnā.

ā + i > ai: *parā-itā > paraitā; *parā-idīy > paraidīy.

ā + āi > āi: *fra-āišayam > frāišayam.

ā + u > au: pAr. masc. *sa و fem. *sā + *u + OP masc.-fem. hauv.

ī + ī > ī: *pari-idīy > parīdīy.

-iya- > -ī-, → §23.I.

نظر بر این است که میان دو واکه a، و سپس در برخورد با ā، حذف می‌شده است، این نظر واقعیت دارد البته چنانچه زنجیره -ahah- باشد؛ به موارد زیر توجه کنید:

fraharavam, avahar[da], auramazdāha -dāhā -dahā, nāham, aniyāha bagāha, āvahanam, θūravāhara-, āham

و ساخت‌های دیگر زمان فعل: aθaham aθaha و غیره، و نیز maniyāhaiy،

frāha^ajam. مثال‌های مربوط به āh > ahah، به شرح زیر عبارتند از:

*ahahy > āhy، باشی، cf. ahatiy باشد.

*θahāhy > θāhy، بگویی.

*θahahy > *θāhy، بگویی → چنانچه براساس قیاس، بگویی *θahatiy > θātiy می‌گوید.

*māhahyā > māhyā، (البته نه در حالت دری، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه)، ماه،

واژه vivāna به سختی می‌تواند دارای صورت -vi-vah-ana باشد، با همین

پیشوند و ریشه در اوستا: -vī-vah-vant، سنسکریت: -vi-vās-vant؛

apariyāya نیز -ahap نیست، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -ay.

برای زنجیره āhā، صورت‌های نوشتاری غلطی در XPh وجود دارد:

ah^aam^a = āhām به جای ah^am^a = āham، من بودم، ah^an^aiy^a =

ahaniy (gen.)، ممکن است باشم *ahāniy = *ah^aan^aiy → بجای

aur^am^az^ad^ah^aa = auramazdahā (XPf) نیز دوبار در

-dāhā = -d^aah^aa یا -dāha = -d^aah^a - → بجای

اما با اینکه برخی از این صورتهای غلط نوشتاری، قابل توضیح هستند (پ ۵۲،

پ ۵۳، پ ۲۲۲/I)، نظر مطرح شده در فوق را دگرگون نمی‌کنند.

پ ۱۳۲ - تنوع همخوانی در واژه‌های فارسی باستان به عنوان نتیجه موارد زیر، ظاهر می‌شود:

(۱) سندهی درونی در ساخت واژه

(۲) تحولات آوایی آریایی آغازین

(۳) تحولات آوایی ایرانی آغازین

(۴) گویش آمیخته فارسی باستان و مادی

(۱) نشانه‌های نفی -a پیش از همخوان‌ها، -an از *p پیش از واکه‌ها؛ پیشوند -ha و

-ham نیز به همین نحو (= سنسکریت: (sa- sam-). پایانه ریشه‌ای پیش از

پسوندهای دندانی: gh و gh-t هندواروپایی آغازین <gdh، که در

فارسی باستان با تولید gt جابه‌جا می‌شود: adurujiya و druxtam (پ ۷۳/III،

پ ۲۴۲). dh و dh-t هندواروپایی آغازین <dzdh، که در فارسی باستان با

تولید tst جابه‌جایی شود: baⁿdaka و basta (پ ۸۵، پ ۲۴۲).
(۲) کامی شدگی نرم‌کامی‌های آریایی آغازین پیش از واکه‌های کامی، که در فارسی باستان نوعی تناوب و جایگزینی میان k/c , g/j ایجاد می‌کند (پ ۷۳/III):

maka maciyā, kunautiy kartam cartanaiy, kašciy, drauga draujana
adurujiya, parā-gmatā ha^mgmatā ā-jamiyā.

(۲-۳) انشقاق s هندواروپایی آغازین به s š h آریایی آغازین، و انشقاق s آریایی آغازین به s و h ایرانی آغازین (پ ۱۱۵):

stānam avāstāyam niyaštāyam a^hištata; hadiš niy-ašādayam;
aθaham θastanaiy; → бага-^h pasti-š piru-š.

(۳) تغییر p t k ایرانی آغازین به f θ x , پیش از همخوان‌ها (پ ۷۴/I): parā
بصورت aparsam, fra بصورت -fraštam, tuvam بصورت θuvām در حالت
مفعولی صریح، akariya بصورت caxriyā , drauga adurujiya بصورت
duruxtam.

(۴) در مورد تفاوت‌های میان نظام همخوانی فارسی باستان و مادی، نگاه کنید به: پ ۸.

پ ۱۳۳ - اتصال در فارسی باستان پدیده‌ای بسیار رایج است. بطور کلی، پی‌چسب‌ها به شرح زیر عبارتند از:

ضمایر:

1st sg. acc. -mā, gen.-mai, abl. -ma.

2d sg. gen. -taiy.

3d sg. acc. -šim, gen. -šaiy, abl. -ša;

pl. acc. -šiš, gen.-šām.

acc. -dim; pl. acc. -diš.

pl. acc. -tā → (avaθāša-tā DB 4.72 است! تنها در).

: حروف ربط همپایه

یا، -vā , و -cā -

حروف (اضافه) پسایند:

نیز هردو بعنوان واژه جدا پیش یا پس از اسامی خود ā, patiy;

قیود و ادات:

هرگز بصورت جدا به کار نمی‌روند -am, -kaiy, -ciy, -diy,
هر دو جدا نیز به کار می‌روند -apiy, -patiy

موارد دیگر:

tya در mātya DB 4.43, 48, 71; yadātya Xph 35f
(yadāyā Xph 39) → صورت نوشتاری غلط), cf. yaθā: tya Xph 29.

در موارد دیگر به عنوان واژه دارای تکیه ثابت mām,
در mātyamām DB 1.52. →

نیز بصورت جدا rādiy → avahya-rādiy DB 1.6f, etc.;

اتصال مضاعف:

mā-tya-mām DB 1.52; rauca- pati-vā DB 1.20; nai-pati-mā
DNb 20; avā-karam-ca-maiy DNb 72f; ciyākaram-ca-maiy
DNb 51, 51f.

استثنائات: diš بصورت یک واژه جدا نوشته می‌شود (یعنی با نشانه جدا کننده
مقدم) در DB 4.34,35,36 ؛ taiy در DNb 58 نیز به همین صورت. اما daiy
DB 5.11 یک قرائت غلط است، مقایسه شود با: پ ۴۴. تنوعات دیگر در بالا
ذکر شده است.

پ ۱۳۴ - آواشناسی اتصال روی نوشتار واژه‌های دارای پی چسب تاثیرات کاملاً
مشخصی دارد. بنابراین افزایش یک پی چسب، طبعاً از بلند شدن -ā -ī -ū
بصورت -ā -īy -ūv، جهت کاهش در نوشتار، جلوگیری می‌کند؛ و مثال‌های
متعددی وجود دارد که در آنها نتایج دیگری نیز حاصل می‌شود. این موارد، در
پاراگراف‌های زیر مورد بحث قرار گرفته است.

پ ۱۳۵ - ā - پیش از پی چسب طبعاً به ارزش واقعی خود برمی‌گردد، و نشانه بلندای آن حذف می‌شود، بدین ترتیب:

manā → mana-cā; avākaram-ca-maiy; avahya-rādiy;
fra-haravam.

avadā → avada-ša, avada-šim, avada-šiš; → avadā-šim DB
3.74.

ada-kaiy; dūrada-ša.

utā → uta-maiy (گاهی اوقات)، uta-šim Xph 34;

اما در بسیاری موارد، utā, ā خود را حفظ می‌کند:

utā-maiy, utā-taiy, utā-šaiy, utā-šim, utā-sām, utā-diš.

البته حفظ ā در موارد فوق براساس قیاس با یک واژه جدا صورت می‌گیرد.

پ ۱۳۶ - iy - پیش از پی چسب طبعاً به ارزش واقعی خود برمی‌گردد، البته بدون y؛ اما گاهی قیاس با یک واژه مستقل سبب حفظ آن می‌شود:

nai-mā, mai-maiy, nai-šim, nai-pati-mā, pati-maiy, tyai-šaiy,
imai - vā, yadi - patiy, yadi - vā, [uš]l-cā, dipl - maiy;

→ pati-padam, ni-padiy. در عبارات ترکیبی

→ naiy-diš DB 4.73, 78. براساس قیاس

dūrai + apiy که در اغلب موارد دو واژه است، بصورت dūraipiy، بدون y ظاهر می‌شود، و نیز گاهی بصورت dūrayapiy در می‌آید که بیانگر تحول i میان واکه‌ای به y است.

حالت‌های دری با ā پس‌بینند: āi(y) - پیش از ā به āy- تبدیل می‌شود، همانند: duvarayā از dvarai + ā، aθurāyā از aθurāi + ā. اما خط، نه حالت‌های دری مختوم به -i- را که i آنها پیش از ā به y تبدیل شده باشد، نشان می‌دهد، و نه حالت‌های دری را که برپایه قیاس، واکه آنها حفظ شده باشد، مشخص می‌کند: drayahyā (یک بار بصورت -hiyā-) ممکن است بیانگر -hi- باشد و یا نشان دهنده -hii-.

hy- پایانی که به جای -hiy- نوشته می‌شود (پ ۳۷)، پیش از یک پی چسب به h^a تخفیف یافته است:

vikanāhy و vikanāh^a-diš DB 4.73, 77;
paribarāhy و paribarāh^a-diš DB 4.78, 74.

پ ۱۳۷ - uv - پیش از پی چسب معمولاً به ارزش واقعی خود برمی‌گردد، البته بدون v؛ اما گاهی قیاس با یک واژه مستقل سبب حفظ آن می‌شود:
hauv, بصورت hau - maiy, hau - šaiy hau - dim hau - diš;
نیز hauv-maiy, hauv-taiy, hauv-ci-y.
anuv, بصورت anu-dim.

هنگامی که am- در افزوده باشد auv- به -av- تبدیل می‌شود، اما در hauv-am براساس قیاس باقی می‌ماند؛ -tū- پیش از am- به -ūv- تبدیل می‌شود، در tuvam از -am + *tū.

هنگامی که ā به حالت‌های دری افزوده گردد، (v)au- به -av- تبدیل می‌شود، مانند gāθavā، یا براساس قیاس باقی می‌ماند، مانند dahyauvā؛ ā + (v)u- به uvā- تبدیل می‌شود، که البته پس از همخوان‌ها دارای ابهام خواهد بود، بعبارت دیگر می‌تواند بصورت -uv- یا -v- در آید، مانند dahyušuvā، aniya^huvā، (مقایسه شود با پایانه جمع دری -su, -šu- در سنسکریت).

پ ۱۳۸ - همخوان‌ها پیش از پی چسب‌ها تغییرات معدودی را نشان می‌دهند:
I- همخوانهای مضاعف بصورت تکی نوشته می‌شوند:

āpiš + šim = āpišim DB 1.95f; taumaniš + šaiy = taumanišaiy DNb 25f; -kam + maiy → [n^ayā]kama A²Sa 4.
در → DNb 51f → ciyākaram^am^aciy^a → دوبار بجای = m^aca^amai^a, = ciyākaram-ca-maiy. Cf. §130.

II همخوان‌های پایانی تخفیف یافته که در پایان واژه نوشته نمی‌شوند بندرت در ترکیب سندهی ظاهر می‌شوند؛ مثال عبارتند از: -s c-, -s k-, -d c- که در پ ۱۰۵ آمده است.

پ ۱۳۹ - ادغام واکه‌ها در سندهی هنگام ترکیب با پی چسب‌ها امری است مطابق با انتظار، اما در فارسی باستان، موقعیت‌هایی که این وضع را پیش می‌آورند نادر

است. در این مورد یک نمونه احتمالی وجود دارد:
 vašnā[pi]y XPg 7f, برای vašnā + apiy.

پ ۱۴۰ - سندهی در رابطه با پیشوندها همان پدیده‌ای را نشان می‌دهد که با پی‌چسب‌ها نشان میداد.

I - نشانه نوشتاری -uv -īy -ā به جای -ū -ī -ā، پیش از همخوان‌ها به -ū -ī -ā برمی‌گردند:

حرف اضافه upā بصورت upa-stām؛ پیشوند fra- (در فارسی باستان بصورت جدا ظاهر نمی‌شود) در fra-haravam, fra-mātāram.

حرف اضافه patiy بصورت pati-padam؛ pari- بصورت pari-barāmiy؛ پیشوند ni- (بصورت جدا در فارسی باستان یافت نمی‌شود) در ni-rasātiy, ni-padiy.

صفت خشتی paruv بصورت paru-zanānām، نیز paruv-zanānām و paruv: zanānām پس از paruv بصورت جدا.

II - ā- پایانی با ā- ī- āi- ā- آغازین ادغام می‌شود؛ ī- پایانی با ī- آغازین ادغام می‌شود؛ بنظر می‌رسد که ī- پیشوند؛ با افزونه فعلی a- ادغام می‌شود، مگر اینکه از طریق قیاس از این امر پیشگری شود؛ مثال‌ها در پ ۱۳۱.

III - ī- پایانی، پیش از ā- آغازین به صورت نوشتاری iy^a در می‌آید؛ خط نشان نمی‌دهد که آیا ī- پیش از واکه، همخوانی می‌شود یا نه، زیرا دستگاهی برای بیان آن تمایز ندارد؛ اما pati- هرگز در ترکیبات به (-pasy) = pašiy* تبدیل نمی‌شود؛ با اینکه -ty- به -š(i)y- فارسی باستان تغییر می‌کند:

patiy-āvahyaiy, patiy-āišaⁿ, patiy-ajatā; pariy-ait(iy), niy-apaišam, viy-atarayam.

به نظر می‌رسد که زنجیره -iya- در بعضی از موارد بصورت -ī- در هم ادغام می‌شود؛ تمام مثال‌های مربوطه در ساخت‌های افزونه‌ای افعال مرکب وجود دارد، البته در برخی از آنها اشکال ادغام نشده نیز ظاهر می‌شود که علت این ادغام نشدگی قیاس با ساخت ترکیبی است که بصورت جدا به کار می‌رود:

abī-jāvayam, نیز abiy-ajāvayam.

nī-šādayam, نیز niy-ašādayam.

nī-štāya, نیز $\rightarrow$ *niy-aštāya* و *niy-aštāyam*.

nī-yasaya بجای $\rightarrow$ **niy-ayasaya*,

مگر اینکه این فعل برگرفته شده بوسیله بنویست باشد، نگاه کنید به: 47.124-5, Bv. BSLP و نیز واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

IV - *u*- پایانی، پیش از *-ā* آغازین نیز در نوشتار دارای ابهام است؛ اما احتمالاً پیشوند آریایی *-su**، ایرانی آغازین *-hu**، پیش از واکه به *-hv* تبدیل می‌شود، همانند: *uvaspa-* مقایسه شود با اوستا *hvaspō*، پهلوی *hvasp*. مثال‌های دیگر این پیشوند در واژه‌نامه، زیر مدخل *hu^h* یافت می‌شود.

V - *m* پایانی جزء مقدم، پیش از همخوان آغازین جزء دوم، نوشته نمی‌شده است: *ham^m-gmatā*, *ham^m-karta-*, *ham^m-dugā*, اما $\rightarrow$ *ham-aranam*.

ham^m-taxšataiy, اما $\rightarrow$ *ham-ataxšatā*.

VI - *s* آغازین جزء دوم، پس از *-i* یا *u*- پایانی جزء مقدم، مطابق با تغییرات آوایی آریایی، بصورت *š* ظاهر می‌شود (پ ۱۱۵):

*pAr. *sad-*, *pIr. *had-*,

اما *ni-šad-* آریایی آغازین، در ایرانی بی تغییر می‌ماند: گسترش یافته در *niy-ašā-dayam*، صورت ادغامی و کوتاه شده: *nīšādayam*.

**ni-stā-*، آریایی آغازین: *ni-štā-*، در ایرانی بی تغییر مانده و نیز گسترش یافته در: *niy-aštāyam*, *niy-aštāya*، صورت ادغامی و کوتاه شده: *nī-štāya*. سنسکریت: *sam. aranam*، فارسی باستان: *hamaranam*؛ اما با پیشوند: *ušhamaranakara*، با نوشتار مضاعف بخش آغازین، *š* پس از *u*، و *h* هنگامی که در آغاز یک واژه مستقل قرار می‌گیرد، دارای ارزش می‌شود. شاید فارسی باستان: *pātišuvāriš* به جای *pātiš^huvāriš* نیز به همین نحو باشد، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه، نیز مقایسه شود با Reichelt, Aw. Elmb. §103، برای همین پدیده در اوستا. برای *-š-* آغازین ضمیر متصل *-šaiy-*, *-šim-*, *-šām-*, *-šiš*، نگاه کنید به: پ ۱۱۷.

VII - *y-* آغازین، پس از همخوان پایانی جزء مقدم، حتماً بصورت *-iy-* ظاهر می‌شود، مانند: *duš- + yāram* از *dušiyāram*.

پیوست فصل ۳

سرچشمه آواهای فارسی باستان، همانگونه که در بحث مربوطه به واجنویسی عادی، بیان شد، می تواند از داده های زیر ردیابی شود (پاره ای از مآخذ فصل ۲ نیز به حساب آمده است):

a < pIE e o a §61, cf. §36; pIE ʔ ʔ §63.I, §66.II, §67.I-II; pIE m
n §67; pIE ə §71; نیز نگاه کنید به ar در زیر; i §22; → نشانه نوشتاری برای
i < pIE i §64; pIE ə §63.II.

u < pIE u §64; قیاسی، به جای r §66.I.

$\bar{a} < \text{pIE } \bar{e} \bar{o} \bar{a}$ §62, §36; $\text{pIE } \bar{m} \bar{n}$ §68; از طریق ادغام $\rightarrow \bar{a} + \bar{a}$ §131, §135; $\rightarrow \bar{a}\bar{h}\bar{a}$ §61, §131; نشانه نوشتاری برای $\rightarrow \bar{a}$ §36.I, §135; $\rightarrow$ با ویدگی vriddhi §126.

$\bar{I} < \text{pIE } \bar{I} \text{ §65;}$ از طریق ادغام $\rightarrow \bar{i} + \bar{i} \text{ §131,}$ و نیز، $\rightarrow \check{I} + \check{a} \text{ §131,}$
 §140.III; *vridhhi*؛ ما و بگے $\rightarrow \text{§126.}$

$\bar{u} < \text{pIE } \bar{u}$ §65; vridddhi یا ویرگی → §126.

ai < pIē ei oi ai §69; pIē əi §71; از طریق ادغام → ä + i §131;
 §48; → نشانه نوشتاری برای a پیش از y §127; از a با توارد آوایی
 cf. §136.

au < pIE eu ou au §70; pIE əu §71; ā + u §131; از طریق ادغام
 v → §70. و نیز برای ahu, §48. → نشانه نوشتاری برای a بیش از

→ نشانه نوشتاری برای $\bar{a} + \bar{a}i$ §131; → از طریق ادغام; $\bar{a}i < pI\bar{e} \bar{e}i \bar{o}i \bar{a}i$ §72; $\bar{a}i$ §72, §179.IV; *vriiddhi* → با ویژگی §126; cf. §136.

āu < pIE ēu ōu āu §72; → āhu §72; vridhhi با ویزگی → §126.

ar §29-§35.

$$= r < p \mathbb{I} E r \mid \S 66, \S 29, \S 30.$$

= ar < Iran. ar §31-§33; pIr. tr tr §66.II;

pIE r̄ ī §68.

§99. → از طریق وامگیری §98, §99; $k < pIE \ q \ q^u$

x < pIE qh q^uh §100; pIE q §102; pAr. k §103.I- III; pAr. gh

- §103.IV; → از طریق وامگیری §100.
- g < pIE g gh g^u g^h §98, §101, §103.IV.
- c < pIE q q^u §98, §99, §105; pIE d + q^u §105.
- j < pIE g gh g^u g^h §98, §101; pIE s §120.
- t < pIE t th §76, §76.I-II; pIE dh §103.IV; pIE t(h) در → tst(h) و d(h) در → dzd(h) §85; → از طریق وامگیری §76.V, §83.III.
- θ < pIE th §76, §76.II; pIE t §77-§81; pIE k §86, §87; → بجای d(h) §83.II; → از طریق وامگیری §76.V.
- ç < pIE tr tl §78, §79; pIE kl §94; → از طریق وامگیری §78.
- d < pIE d dh §76, §76.III; pAr. d از → pIE dh §76.III; pIE d(h) در → dzd(h) §85; pIE g gh §86, §88; → از طریق وامگیری §76.V.
- p < pIE p ph §75, §75.I; pIE u §75.IV, §90; → از طریق وامگیری §75.V.
- f < pIE ph p §75, §75. II; pIE su §75. IV, §118. IV; → از طریق وامگیری §75.V.
- b < pIE b bh §75.III; pAr. b از → pIE bh §75.III; pIE u §75.IV, §91; pIE p + bh §75.IV, §130; → از طریق وامگیری §75.V.
- n < pIE n §110, cf. §67.I-II; pIE dn §83.I, §130; → از طریق وامگیری §110.
- m < pIE m § 109, cf. § 67.I-II; pIE + m + m § 130 → از طریق وامگیری § 109.
- y < pIE i §113.
- r < pIE r l §79, §106, §107; بخشی از → pIE r ṛ l ṛ §66, §68; → از طریق وامگیری §106.
- l < → تنها از طریق وامگیری §107.
- v < pIE u §114.
- s < pIE s §115, §116; pIE ts از → tst(h) و dz از → dzd(h) §85; pIE k §86, §87, §90, §93, §95; pIE ku §90; pIE sk §97, §130; pAr. sc §105; → از طریق وامگیری §116.

š < pIE s §102, §105, §115, §117, §140.VI; pIE k §89, §93, §96, §120; pIE g gh §93, §96, §120; pIE ks §92, §102, §130; pIE ʔ kʔ §102; pAr. c §104; pIE t §80, §82; pIE str §79, §130; pIE d §105; š+š §130; از طریق وامگیری §84 → از طریق گسترش قیاسی; → §117.

همچنین کاستی‌ها و فزونی‌های معینی نیز وجود دارد که در پیش به حساب نیامده است؛ این موارد صرفاً نوشتاری هستند مگر هنگامیکه به عنوان وبژگم‌های آوایی متمایز شوند:

h → \$22. i → \$64, \$27, \$37; a → \$22.

i پیش از h → §27, §64, §118.III; u پیش از → §28, §70, §118.IV,
§140.IV; m r پیش از → §103.II, §118.II; در (بصورت آوایی) → āh از → āhāh §131.

§118.III, §136. $y \rightarrow$ پایان، پیش از ی، حسب‌ها

§137. $v \rightarrow$ یا یانی، بیشتر، از به، حسبها

$t \rightarrow \$40, \$84.$ یا یانی،

$d \rightarrow \$40, \$84.$ یا یا نه

پایانی $n \rightarrow \$40, \$84, \$112$; میانی $\rightarrow \$39, \$108, \$111$;
 $\rightarrow \$68$. (بصورت آوایی) از طریق ناهمگون سازی

m → §39, §108, §111, §140.V. میانہ

§114. → (بصورت آوایی) پس از لی، ها u pIE

pAr.t → -nt §40, §84. (بصورت آوایه) در pAr.t

§40, §105, §119. (بصورت آوایی در بعضی از مواضع) pAr. h

§129. → هجاهای موجود آمده از طریق حذف به قرینه (بصورت آوایی).

فزونیه‌ها:

i پس از همخوان‌ها → §25, §140.VII.

§128. (بصورت آوایی) از طریق افزایش واکه; §26, §114 → u پس از همخوان‌ها

§23.I, §65 → پس از ā, ī, ē, §37, §64, §113 → -i y پس از -i

§23.II, §65, §114 → پس از ā, ē, §38, §64; §23.II → v پس از -u

§96. → همخوان + x (بصورت آوایی) پیش از §

فصل IV- ساخت بن‌های اسمی و صفتی

پ ۱۴۱ - بن‌های اسمی و صفتی ممکن است تنها از ریشه ساخته شده باشند، مأخوذ از اسم یا فعل باشند (پ ۱۴۲)، و یا در همان حالات با واکه -ā- ماده ساز (پ ۱۴۳) یا با پسوند مختوم به پایانه -ā- (پپ ۱۴۴-۱۵۱) یا -i- (پ ۱۵۲)، یا -ī- (پ ۱۵۳) یا یک همخوان (پپ ۱۵۴-۱۵۸)، همراه باشند. یک پسوند اسمی یا صفتی چنانچه مستقیماً به ریشه فعلی بچسبد، پسوند گروه اول، و چنانچه به بن اسمی یا صفتی بچسبد، پسوند گروه دوم، نامیده می‌شود. تعدادی از بن‌ها دارای دو پسوند یا بیشتر هستند، و یا از دو جزء ترکیب شده‌اند، که جز مقدم یا غیر قابل تغییر است و یا غیر قابل تغییر می‌شود. عملکرد کامل بن‌هایی که در بخش‌های بعدی آمده، طبعاً در واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه یافت می‌شود. پسوندها و نیز بن‌های مرجعی که در این جا ارائه می‌شوند، نه با ساخت هندواروپایی آغازین که با ارزش آریایی آغازین یا حتی ایرانی و فارسی باستان خود آمده‌اند تا با سهولت به املا در آیند.

بن‌های اسمی و صفتی زیر، با این بحث تناسبی نداشته و یا اگر داشته باشند موردی هستند زیرا یا در ساخت دارای ابهام هستند و یا وامواژه محسوب می‌شوند؛ توجیهات ساختی آنها تا حد امکان درباره‌ای از مدخل‌های واژه‌نامه یافت می‌شود:

بن‌های مختوم به -a-

fraša-, spāθmaida-, ainaira-, autiyāra-, atamaita- adukanaiša-,

arabāya-, arxa-, armina-, ū(v)ja-, uvādaicaya-, katpatuka-, ka^mpaⁿda-, karka-, karmāna-, kūša-, gaⁿdāra-, gaⁿdutava-, tигра-, dātuvahya-, daha-, dubāla-, naditabaira-, nabukudracara-, nabunaita-, nisāya-, parga-, pirāva-, frāda-, maka-, mudrāya-yauna-, labanāna-, sug(u)da-, skuⁿxa-, skudra-, sparda-, zazāna-, zūzahya-, zraⁿka-, haraiva-, haldita-.

بن‌های مختوم به -ā-

aθurā-, arbairā-, aršādā-, izalā-, uyamā-, kuganakā-, tāravā-, tigrā-, çūšā-, yautiyā-, yadā-, raxā-, ragā.

بن‌های مختوم به -l-

arakadri-, kāpišakāni-, cicixri-, cišpi-, pātišuvāri-, višpauzāti-.

بن‌های مختوم به -ū-

abirādu-, kuⁿduru-, bābiru-, māru-.

پ ۱۴۲ - اسم - ریشه‌ها و صفت - ریشه‌ها ؛ بعضی از این اسامی و صفات که

تنها در اشتقاقات و ترکیبات دیده می‌شوند، بشرح زیر عبارتند از:

نیک خشنود u-xšnu- → در-xšnu, شب xšap-, آب āp-
 duvara- → در، در duvar-, سال θard-, در ترکیبات، گاو-gau-
 → در، پا pad-، بینی nāh-, کشتی nāv-, ūv-nara- → در، مرد nar-
 → در-stā, خانه vasiy, viθ- → در قید، آرزو vas-, ...و غیره nipadiy
 ...و غیره u-zma- → در، زمین zam-, کمک upa-stā-

شاید napāt- «نوه»، یک واژه کهن هندواروپایی آغازین باشد و یا احتمالاً یک

ترکیب؛ احتمال دارد که -dā در-uvādā^h، در u]vādā[m با حالت مفعولی

صریح وجود داشته و یا به عنوان جزئی از -paišiyā-uvāda- شمرده شود.

پ ۱۴۳ - بن‌های اسمی و صفتی همراه با -a- ماده ساز به صورت‌های زیر ظاهر می‌شوند:

I- چسبیده به یک ریشه فعلی، درجه گردش واکه در ریشه متغیر است:
→ قید kara-, u-cāra-, kāma-, karša-, gauša-, raga-,
zana-, در ترکیبات bāra- و -bara-, бага-, drauga-, daršam,
caša-, u-tāna, u-tava-, ساخت‌های با قطعیت کمتر در؛ در ترکیبات
→ gara- در -bātu-gara, vivāna-, varga- → hauma-varga-.

II- گسترش بن غیر فعلی:
→ pati-, pada- pāda- برپایه -uvāi-pašiya- nar-, برپایه -nara- ūv-
→ margu-, duš-iyāra- برپایه -mārgava- pad-, برپایه
→ -vazr-, vāhara- برپایه -vazra-ka → در -vazra-, yār-
→ zam-, hama- برپایه -vasr-, u-zma- → برپایه -θūra-vāhara-
→ baru-, māha- برپایه -gau-baruva- → احتمالاً ham;
→ mäh-, viθa- برپایه -viθ-.

III- با ساخت اسمی یا فعلی بسیط نا آشکار:
→ hūva-, صفت ملکی -u-ba-, -aspa-, aršāma- → در -ama-
→ -kaufa-, kāra-, daiva-, darga-, naiba-, pārša-, māda-, raθa- → در
→ -varka-zana-, saka-, و -varkāna- → در -varka-,
spāda- → در -taxma-spāda, spāra → vāya-spāra-; hana-
→ در -vāra- → احتمالاً؛ با ریشه شناسی نامعلوم -hana-tā; mayūxa-
→ hū-vāra-zmī.

IV- ساخت‌های مونث قرینه مختوم به -ā-:
→ isuvā-, xaudā-, θikā-, didā-, yakā-, sakā-, ha^mdugā-, hazā- در
→ maškā-; و اموازه paradayadām, صورت مبهم hazānam,
صورت مونث برپایه صفات مختوم به -a- مذکر و خنثی.

V- این ساخت‌ها معانی متفاوتی دارند، که شامل موارد زیر است:

اسم‌های معنی: *kāma*- «کام، میل».
 فاعل‌های منطقی: *baga*- «تقسیم کننده، خدا»؛ *drauga*- «فریبنده،
 دروغ»؛ *aršti-bara*- «نیزه دار»؛ *zura-kara*- «بدکار»؛ *dāraniya-kara*-
 «زرگر، طلا ساز».
 مجهول‌ها: *ha^m-dugā*- «نشانه گذاری شده، حک شده» (= «کتیبه»؛ *pati-kara*-
 «ساخته شده روی آن» = «پیکر، مجسمه»؛ *asa-bāra*- «سوار».
 صفات نسبی: *mārgava*- «وابسته یا متعلق به مرو، مروی»؛ *ūv-nara*- «مرد کار
 آمد، مهارت»

VI- نظام واکه‌ای ریشه در این ساخت‌ها تغییر می‌کند، یا با *a*- (هندواروپایی
 آغازین: *e*- یا *o*- یا *a*-) مانند: *daiva*-, *bara*-, *baga*-؛ یا با درجه صفر،
 مانند: *darga*-, *u-zma*-, *karša*- (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های
 مربوطه)؛ و یا با ویژگی *vridhhi* یا درجه بلند (پ ۱۲۶). مانند:
mārgava-, *asa-bāra*-, *kāma*-

پ ۱۴۴ - بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند *-(i)ia*:- این‌ها ساخت‌های
 صفتی هستند که ممکن است دارای کاربرد اسمی شوند؛ پیش از پسوند فوق،
a- پایانی بن بطور معمول، و *-ā*- گاهی اوقات، حذف می‌گردد. مثال‌های
 فارسی باستان به شرح زیر عبارتند از:
 I- گروه اول در:

ā-gar- → برپایه *āgar-ia*-; *ar-ia*-.

II- در واژه‌هایی مبین ارزش عددی:
pAr- → برپایه *cit-īya*-, *duvit-īya*- → در *-īia*-, *an-ia*- → در *-ia*-
**duita*-, **trit-a*.

III- ساخت‌های مبین قومیت:
aθurā- → برپایه *aθur-ia*-; **ākaufaka*- → برپایه *Ākaufac-ia*;
asagarta- → برپایه *asagart-ia*-; *armina*- → برپایه *armin-ia*;
 → برپایه *kūš-ia*-, *uvārazmi-ya*-, *ū(v)ja*- → برپایه *ū(v)j-ia*;
 برپایه *(-riya)*- → احتمالاً صورت اشتباه به جای *gaⁿdāra-ya*-, *kūša*-
 → یا *uviya*- → صورت اشتباه به جای *gaⁿdāra*-, *θatagu-ia*-

-udaya- → -udiya-(?) برپایه θ atagu-; putā-ya-; bābiruv-ya-; mac-ya- → -maka-; spard-ya- → sparda-; haxāmanišiya-; harauvati-ya-; hiⁿdu-ya → صورت‌اشتباه به جای hiⁿduviya-?).

IV- سایر ساخت‌ها، شامل برخی از نام‌های شخصی:

θ anuvan-ya- → برپایه (Av.) θ anvan-/-r- (§154.I), daran-ya-, brazman-ya-, mart-ya- → marta-, haš-ya- → hat
(§240), ha-miç-ya- → miθra-; artavardiya-, ka^mbūj-ya-, bard-ya-, mardun-ya-.

V- ساخت‌های مونث قرینه به عنوان اسامی معنی، که ممکن است به اسامی ذات تبدیل شوند:

sand, نوشته paiš-iyā → احتمالاً؛ قابل کشتیرانی nāv-iyā؛ کانال، مجرای yauv-iyā
در Paišiyā-huvādā.

VI- با پسوند -tia-، تبدیل شده به مادی -θia- در xšāyaθiya- و به فارسی باستان -šia- در anušiya-.

پ ۱۴۵ - بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ta- موجود در فارسی باستان عمدتاً وجوه وصفی (پ ۲۴۲)، صفات برترین (پ ۱۹۰/II) و اعداد ترتیبی (پ ۲۰۴) هستند. مثال‌های باز مانده عبارتند از: aruvasta-، اسم معنی خنثی که ظاهراً برپایه صفتی بصورت -aruant* ساخته شده است (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ xšaθrita-، صورت مصغر یک اسم شخصی مرکب؛ ardata- «نقره»، احتمالاً -a- گستره وجه وصفی مختوم به -nt-، مقایسه شود با لاتین: arg-ent-um؛

dasta «دست»، که نمی‌تواند به هیچیک از ریشه‌های بسیط موجود وابسته باشد؛ و نیز سه اسم معنی مونث -pavastā-, hanatā-, arštā-، که دو اسم اخیر مشکوک و اسم سوم بعنوان واژه‌ای با مفهوم ذات گرفته شده است.

پ ۱۴۶ - بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ka- صفاتی هستند که ممکن است با معانی اسمی به کار روند. پسوند -ka- می‌تواند مستقیماً به بن اسمی یا

فعلی متصل شود؛ این پسوند ممکن است بصورت -aka- یا -ika- ظاهر شود که در این صورت نمی‌توان مشخص کرد که واکه به پسوند تعلق دارد یا بن پایه. تنها هنگامی که صورت -ika- به یک بن مختوم به -ā- بچسبد، مشخص است که واکه -i- به پسوند تعلق دارد.
مثالی‌های فارسی باستان عبارتند از:

I- نمونه‌های احتمالی گروه اول:

uš-ka-, karnuv-aka-.

II- نمونه‌های گروه دوم:

pAr. → برپایه -ika-; a^hr-ika-; anāma-ka-; ākaufaciya- → در ākaufa-ka-
*asra-, LAV. aṇra-; arša-ka-, صورت مصغر یک اسم مرکب -āršti- ka-,
vridhhi با ویژگی kapauta-ka-; kāsa-ka-; baⁿda-ka-; vazra-ka-;
vahau-ka-, صورت مصغر یک اسم مرکب.

III- نمونه‌هایی با تجزیه و تقطیع تقریباً نامعین:

niyāka-, apa-niyāka-, marī-ka-

(نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه)

پ ۱۴۷ - بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -na- که بصورت -ana- نیز تغییر می‌کند، در فارسی باستان کم نیستند؛ پسوند -na- همچنین به -ina- و -mna- نیز گسترش می‌یابد.

I- -na- گروه اول، در افزوده به ریشه یا بن فعلی -a- دار (معمولاً از اسم‌های مصدر قابل تمایز نیست!)، سازنده اسم‌هایی با معانی گوناگون:
بیان مکان:

us-taša-nā-, → مونث ā-yada-na-, daiva-dā-na-, apa-dā-na-,
ā-vaha-na-, stā-na-, varda-na-.

بیان اسم‌های معنی (کنش‌ها):

aš-naiy, adj. → فید، حالت دری -fra-mā-nā-, → مونث
Pati-graba-nā- → احتمالاً مونث; ham-ara-na-, vašna-
تبدیل شده به نام - جای

بیان اسامی ذات:

arja-na-, مونث → stū-nā-, fem. hai- nā.

بیان صفت فاعلی به عنوان اسم شخصی:

vi-dar-na-; vi-yax-na- ماهنام.

ساخت صفات:

a-xšai-na-.

ساخت وجوه وصفی مجهول، نگاه کنید به: پ ۲۴۳.

-II na- گروه دوم، سازنده صفات:

→ به عنوان اسم مذکر; kam-na- → احتمالاً در اینجا; para-na-

سازنده اسم; pariy-ana- → به عنوان اسم معنی خنثی, drauja-na-

mardun-iya-; mardu-na- → احتمالاً; āçi-na- → شخصی مصغر

varka-, برپایه -varkāna- → سازنده نام - جای‌ها با بلند شدن واکه مقدم

→ با -na- بدون منشاء مشخص; ha^m-gmata- → برپایه -ha^m-gmatāna-

(نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه) -h^azāna.

-III ina- گروه دوم، سازنده صفات:

aθaⁿ ga-ina-, kāsaka-ina-, nauca-ina-,

-IV mna- در وجوه وصفی حال میانه، نگاه کنید به: پ ۲۴۱.

-V برای اسم معنی خنثی و مشکوک -dar-tana-, نگاه کنید به: پ ۲۳۸.

پ ۱۴۸ - بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ra- در فارسی باستان بشرح زیر ظاهر می‌شوند:

-I پسوند -ra-, گاهی بصورت پسوند گروه اول و گاهی بصورت پسوند گروه دوم، در موارد زیر ظاهر می‌شود:

در -tig-ra-, a^hu-ra-، نام شخصی -θux-ra-, θūra- در ماهنام -θūra-vāhara-؛

صفت -dū-ra-، قید زمان -nū-ram؛ صورت غیر قطعی -^hu-raθa-ra- صورت

مسئله ساز و احتمالاً غیر ایرانی -dacara- -tacara- در مورد -vazra-

-vazraka-, -vāhara- در -θūra-vahara-، و -partara-، نگاه کنید به: پ ۱۵۴/I.

-II صفات برتر، در -(a)ra-، -tara-، -θara-، نگاه کنید به: پ ۱۹۰/III.

III- پسوند گروه اول -tra-، در موارد زیر ظاهر می شود:
 در -ci-ça-, xša-ça-, pu-ça-, va-ça- در -vaça-bara-؛ -tra-^hu-vāxš- (با tr مادی
 بعد از s)؛ و امواژه -mitra-، miθra- نیز در -ha-miç-ya- و -va^hu-misa-.

پ ۱۴۹ - بن های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ma-.

- I- ma- گروه اول در موارد زیر:
 dar-ma- در نام شخصی -upa-darma, gar-ma, در ماهنام -garma- pada-، صورت
 مونث -tau-mā-، صفت -tax-ma- در نام های شخصی (نگاه کنید به واژه نامه)،
 -hau-ma- در -hauma-varga-.
 برای مورد مشکوک siyamam نگاه کنید به واژه نامه.
 II- ma- گروه دوم، در عدد ترتیبی -nava-ma- (پ IV/۲۰۴).

پ ۱۵۰ - بن های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ua- گروه متنوعی را تشکیل
 می دهند. این گروه شامل موارد زیر می شوند:
 -ai-va- «یک»؛ صفت -duru-va- برپایه ریشه فعلی -dar-؛ صفت -par-uva-؛ واژه
 بیان کننده قومیت -parθa-va-، مقایسه شود با -pārsa-؛ -yā-va- برپایه موصول -ya-؛
 -har-uva-؛ -visa- و (واژه مادی) -vispa-، از هندواروپایی آغازین -uik-uo*؛
 -jā-va- «زندگی»، بجز مواردی که v به نوعی ریشه ای باشد (مقایسه شود با: پ
 ۲۱۶). در مورد -gaubaruva-، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه؛ در مورد
 واژه مونث -aruvā- به عنوان اسم معنی، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه.

پ ۱۵۱ - بن های اسمی و صفتی همراه با پسوندهای گوناگون مختوم به -a-
 که تاکنون داده نشده اند موارد زیر را در برمی گیرند:

- gai-θā- → صورت مونث → در -θa-.
- asan- → مقایسه شود با، -aθaⁿ-ga- → در -ga-.
- baga-buxša- → در نام شخصی -bux-ša-، → در -sa-.

پ ۱۵۲ - بن های اسمی و صفتی مختوم به -ī- به جز تعدادی از نام های

شخصی و نام - جای‌هایی که در: پ ۱۴۱ آمده، موارد زیر را در برمی‌گیرند؛ بن‌های مختوم به -ī- و همچنین آنهایی که به -ā- ختم می‌شوند، قابل تمایز نیستند، مگر از طریق نظایر آنها در زبان‌های دیگر که گاهی اوقات نیز یافت نمی‌شوند (پ ۲۲):

I- بن‌های مختوم به -ī-:

acc. paθ-im, bāj-im; āθi- شخصی → āθiy-ābaušna-; dip-i;
→ در صورت مصغرنام شخصی -ātr* → گسترش یافته‌از -āci-; uša-bār-i-;
dādarš-i- → در نام‌های شخصی -āci-yādiya- → و در ماهنام -āci-na-;
→ وامواژه؛ -yāuman-i- → از نوع گروه دوم در صفت -yād-i-; bāga-θāgar-i- → ماهنام‌های
skauθ-i-.

II- بن‌های مختوم به -ā- که پاره‌ای از آنها ممکن است به صرف بن مختوم به -i- تبدیل شده باشد (پ ۱۷۹/I): -āp- (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل

مربوطه)؛ صورت تثنیه -uš-ā-؛ صفات مونث برپایه بن‌های مختوم به -vant- مانند نام - جای‌های -sikaya^h-uvat-ā-, hara^h-uvat-ā-؛ وجه وصفی مونث [yau[daⁿtim] برپایه صورت مذکر -ant-؛ برپایه بن مختوم به -tar- مانند: -bāx-tr-ā-؛ -uvārazm-ā-؛ صفت -aθaⁿgain-ā- در صورت فاعلی جمع مونث -iya- برپایه صورت مذکر -aθaⁿgaina-.

III- پسوند -ti-:

→ برپایه -arš-ti-, iš-ti-, pa-ti- → -huvāi-pašiya-, šiyā-ti-, pas-ti-
uvā-maršiyu- → در، مرگ (PIE *mr-ti-) -mar-ti-, pad-، -fra-var-ti-.

IV- سایر موارد:

→ -mi-؛ -bū-mi- → در -mī-؛ -duvar-θi- → در -thi-.

پ ۱۵۳ - بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -ū- به جز برخی از نام - جای‌های مندرج در: پ ۱۴۱، به شرح زیر عبارتند از:

I- بن‌های مختوم به -ū-:

→ -ardu-maniš-, va^h-u- → در نام شخصی -ard-u-, par-u- → صفت

dāraya-vau-, vau-misa-, vahau-ka- → در نام‌های شخصی
 gau-baruv-a-, maršiy-u- → در baru- → اسم‌های
 uvā-maršiyu-, mard-u- → در marduniya-, mag-u-,
 hiⁿd-u-, marg-u-, kūr-u-, → صورت مبهم bāt-u- →
 bātu-gara-; واماژه بازسازی شده: ufrat-u-, pir-u- → واماژه‌های
 agur-u-; → صورت مبهم بعنوان بن θatag-u-, sikabr-u-.

-II بن مختوم به -ū-: tan-ū-

-III با پسوند -tu-:

gā-θu-; xra-θu- (مگر اینکه -t- در این واژه ریشه‌ای باشد تا پسوندی. برای θ
 نگاه کنید به: پ ۸۱).

-IV با پسوند -iu-: dah-yu-; با ریشه نامعلوم.

پ ۱۵۴ - بن‌های اسمی و فعلی مختوم به -r- برپایه موارد موجود در
 فارسی باستان، دو دسته از اسامی را در برمی‌گیرد.

-I اسامی خنثی با حالت فاعلی و مفعولی صریح، مختوم به -r-، و در دیگر حالات،
 جایگزین شده با -n-؛ در فارسی باستان تنها در اشتقاقیات:

OP → در *uas-r-; pAr. *uaz-r- → در OP vazr-a-ka-; pAr. *prt-r- → در OP partara-
 θūra-vāhar-a-;

احتمالاً در مصدر فارسی باستان گسترشی از -n- بصورت پسوند -tr/-tn- دیده
 می‌شود (پ ۲۳۸)، شاید در [da]rtanayā (پ ۲۳۸).

-II اسامی همراه با پسوند -tar-، شامل فاعل‌های منطقی -jaⁿtar-،
 fra-mā-tar-، dauš-tar-؛ واژه‌های مبین خویشاوندی -pi-tar-، mā-tar-،
 brā-tar-؛ و نیز -ā-tar- «آتش»، در اسامی شخصی مشتق.

پ ۱۵۵ - بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -n- در فارسی باستان، دارای انواع
 گوناگونی هستند:

-I بن‌های مختوم به -an-: as-an- و مشتق آن aθaⁿga-، arš-an متفاوت با

. barš-an, arš-a-

-II بن‌های مختوم به -tan: ara-šan: (برای -š- نگاه کنید به: پ ۸۲).

-III بن‌های مختوم به -man:

→ در صفت as-man, tau-man-, nā-man-, braz-man-
brazman-īya-, yāu-man- → در صفت yāuman-i-.

-IV بن‌های مختوم به -van:

→ θanuvan-īya- در θan-uvan-, xšaça-pā-van-, artā-van-.

-V بن مختوم به -vin: صفت mana^h-uvin.

پ ۱۵۶ - بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -s- در فارسی باستان دارای انواع گوناگونی هستند:

-I بن مختوم به -s: maz-dā-h-, نیز در a^hura-mazdah-

-II اسامی و صفات خنثی مختوم به -as:

→ در dray-ah-, man-ah-, miθ-ah-, rauc-ah-, zūr-ah-, har-ah-

→ با ساخت‌های مذکر در اسم مرکب hara^h-uvati-; can-ah-

→ پسوند -nas-; rau-tah- → پسوند -tas-; aspa-canah-;

far-nah- → با ساخت‌های مذکر در اسم مرکب viⁿda^l-farnah-.

-III بن‌های مختوم به -ias:

→ صفات تفضیلی; sikaya^h-uvati- → در نام - جای sika-yah-

→ vahyaz-dāta (§120) در اسم شخصی vah-yah-, tauvī-yah-;

maθ-išta- → نوع صفر درجه -is- در پایانه صفات عالی -iš-ta-

duva-išta- §190.II.

-IV بن‌های مختوم به -is:

بصورت مذکر در نام‌های شخصی; abi-cariš, had-iš- → صورت‌های خنثی

→ ardu-man-iš, haxāman-iš.

پ ۱۵۷ - بن‌های صفتی با پسوند -vant- تنها در مشتقات یافت می‌شود؛ خط

هجانگار فارسی باستان روشن نمی‌کند که این اشتقاقات برپایه -vant-

(هندواروپایی آغازین -uent-) شکل گرفته‌اند و یا نوع صفر درجه -vat- (هندواروپایی آغازین -unt-)؛ به احتمال قوی این اشتقاقیات برپایه vat ساخته شده‌اند:

ar-uvant → aruvas-ta-, sikaya^h-uvant- در → sikaya^huvat-i-,
hara^h-uvant- در → hara^huvat-i-.

پ ۱۵۸ - بن‌های اسمی و صفتی دیگر مختوم به همخوان در بحث مربوط به اسم - ریشه‌ها و صفت - ریشه‌ها، فهرست شده‌اند، پ ۱۴۲.

پ ۱۵۹ - ترکیبات اسمی و صفتی در فارسی باستان به جز قیود ترکیبی (پ ۱۹۱/IV)، ممکن است به عنوان جزء نخست دارای یک قید جدا نشدنی، همانند: (§268) -a-xšata-, ^hu-cāra-, duš-iyāra-, ham-arana-، و یا یک قید حرف اضافه‌ای، همانند: (§268) -apa-dāna-, pati-kara-، و یا یک بن اسمی و صفتی باشند^{۵۴}. این ترکیبات همچنین به عنوان جزء دوم نیز، دارای یک بن اسمی یا صفتی هستند که ممکن است یک پسوند در افزوده به خود بگیرد. در این جا تنها ترکیبات بن + بن مورد بحث قرار می‌گیرد. هر بن خود می‌تواند ترکیبی باشد؛ هر بن می‌تواند دارای یک پسوند یا بیشتر باشد. هجای آغازین بخش نخست، بویژه در صفات، می‌تواند مبین ویژگی vridhhi یا بلندای واکه باشد، همانند: dāraniya-kara- «زرگر» برپایه -daraniya- «زر»؛ این وضعیت به ندرت در بخش دوم نیز ظاهر می‌شود، همانند: bāga-yādi- «ستایش یغ» (ماهنام)، که هر دو بخش دارای این ویژگی هستند، و نیز همانند: asa-bāra- «سوار» که معنای مجهول را نشان می‌دهد.

صفات مرکبی که جزء دوم آنها دارای جنس مشخصی است، جنسیت‌های معنی مشتقشان را بخود می‌گیرند، و در موارد لزوم، با تغییر ساخت به کار می‌روند. بنابراین اسم مذکر haxā-maniš «دارنده منش دوست، هخامنش»، برپایه جزء دوم خود دارای بن خنثی است، و نیز بدون تغییر، در صفت مذکر به عنوان اسم بکار رفته است؛ صفت مذکر -tigraxauda- «دارای کلاه خود نک تیز»، دارای جزء دوم -xaudā- «کلاه خود» بصورت مونث است.

صفات مشتق بر پایه ترکیبات، ممکن است از طریق در افزودن

پسوندهایی ساخته شده باشند: *haxāmaniš-īya* «هخامنشی»، بر پایه *asa-garta-haxāmaniš-īya* «متعلق به اسگرتی»، بر پایه *asa-garta*. ترکیبات بن + بن، تا آنجا که در فارسی باستان ظاهر می‌شوند، ممکن است به موارد زیر تقسیم گردند:

- (۱) اسامی و صفات معین، وابسته و توصیفی،
 - (۲) صفات ملکی، وابسته و توصیفی،
 - (۳) صفات بر ساخته از وجوه وصفی، که در این موارد، جزء نخست روی جزء دوم تاثیر می‌گذارد. تمام صفات مربوط به طبقات فوق، ممکن است به اسامی اعم از نام‌های شخصی و نام - جای‌ها تبدیل شوند.
- نمونه‌های زیر به سبب ابهامات و نیز دشواری‌های توجیهشان، موارد مناسبی در این جا نیستند، اما ممکن است در واژه‌نامه، زیر هریک از این مدخل‌ها، اطلاعاتی مربوط به آنها یافت شود:

huvādā: اسامی عام

ka^mbūjiya-, *gaumāta-*, *cišpi-*: اسامی شخصی

uvādaicaya-, *uvārazmī-*, *paišiyāuvādā-*: نام - جای‌ها

اسامی شخصی و نام - جای‌هایی که دارای اصل عیلامی، واکدی و ارمنی هستند نیز، نمی‌توانند در مبحث مربوط به ترکیبات فارسی باستان، مورد بحث قرار گیرند.

پ ۱۶۰ - اسم‌ها و صفات معین کننده مرکب از بن + بن؛ جزء نخست جزء دوم را تعیین و محدود می‌کند.

I - اسم‌ها و صفات معین کننده وابسته؛ جزء نخست در حالتی مرتبط با جزء دوم قرار می‌گیرد:

(الف) حالت مفعولی صریح:

ززرگر - *dāraniya-kara*؛ پلیدکار - *zūra-kara*؛ جنگاور - *hamarana-kara*

چنان avā-kara-؛ چقدر بزرگ ciyā-kara-
 کسی که کلاه لبه پهن بر سر دارد. taka-bara-؛ کماندار vaça-bara-؛ نیزه دار aršti-bara-
 زردیف ستون و دالان (برای) duvar-θi- (*duvar-varθi-)؛ ساتراب، حافظ قلمرو xšaça-pāvan-
 نگاه کنیده و اژه نامه، زیر مدخل های مربوطه hauma-varga-, maz-dāh-, bātu-gara-
 اعمال کننده عدالت arta-vardiya-

ب) حالت وابستگی:

در بردارنده دیوها daiva-dāna-؛ محل روشنایی arda-stāna-
 قهرمان پادشاهان (از) xšaya-aršan- (*xšayāršan-)
 دوست نیکی va^hu-misa-؛ سرور چهارپایان

پ) حالت بایی:

حمل شده با شتر uša-bari-؛ حمل شده با اسب asa-bāra-
 انجام شده با دست [dasta] karta-
 بوجود آمده بوسیله خدا احتمالاً: bagābigna-؛ رستگار شده بوسیله خدا бага-buxša-

ت) حالت ازی:

آزاد شده از بدبختی āθiy-ābaušna-

ث) به منظور تصریح:

متهور از نظر نژاد ciça-taxma-

II- اسم ها و صفات معین کننده توصیفی ۵۵؛ جزء نخست به عنوان صفت یا بدل،
 مستقیماً جزء دوم را توصیف می کند:

سرور خردمند تحت اللفظی، اهورامزدا a^hura-mazdāh-

مراجعه شود به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه.

پ ۱۶۱ - صفات ملکی از مورد پیشین، تنها از طریق تغییر تکیه ای که در واژه های
 تکیه بر سنسکریت می تواند ملاحظه شود و در فارسی باستان و اوستا قابل

تعیین نیست، متمایز می‌گردد.

- I- ترکیبات معین‌کننده (مقایسه شود با: پ I/۱۶۰)؛ تمام مثال‌های فارسی باستان، نام اشخاص یا نام - جای و یا ماه‌نام است:

الف) حالت مفعولی صریح:

(ماه) نشان شده با ستایش بغان -bāga-yādi؛ دوست دارنده اسب -aspa-canah

ب) حالت وابستگی:

- دارنده قدرت یک قهرمان (از -arša-ma) *aršāma؛ دارنده قلمرو عدالت -arta-xšaça
(ماه) دارنده مکان گرما -garma-pada؛ دارنده منش دوست -haxā-maniš
(سرزمین) دارنده غارهای سنگی -asa-garta
II- ترکیبات توصیفی (مقایسه شود با: پ II/۱۶۰):

الف) جزء نخست یک توصیف‌کننده صفتی است:

- دارای همه گونه مردم -vispa-zana؛ دارنده جمعیت زیاد -paru-zana
دارای یک پدر -hama-pitar؛ شامل همه سرزمین‌ها -visa-dahyu
به‌سردارنده کلاه خود نوک تیزه -tigraxauda؛ دارای یک مادر -ha-mātar
(نگاه کنید به واژه‌نامه)، دارنده مرگ خود -uvā-maršiyu
دارنده اندیشه شریف -ardu-maniš؛ دارای نژاد آریایی -ariya-ciça
پیرو قانون بهتر -vahyazdāta؛ دارای سپاه دلیر -taxma-spāda
دارنده اسب‌های آماده (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه) -višta-aspa → از -vištāspa
(نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، (سرزمین) دارنده صدها چهارپا -θata-gu
(ماه) دارای بهار پر طراوت -θūra-vāhara

ب) جزء نخست، بدل جزء دوم است:

- (ماه) متعلق به گرگ مردان، -varka-zana
با پسوند صفتی، دارنده آنچه که به خود تعلق دارد -uvāi-pašiya

پ) جزء دوم، مسند جزء نخست است:

- دارنده آرامش آریاییان -ariya-āramna → از -ariyāramna

نیز می‌تواند مورد تعبیر قرار گرفته باشد، زیرا وجوه وصفی مختوم به -na-، مجهول هستند.

پ ۱۶۲ - صفات مرکب بر ساخته از وجه وصفی وجه وصفی به عنوان جزء نخست ترکیب، روی جزء دوم تاثیر می‌گذارد؛ تمام مثال‌های موجود در فارسی باستان، نام‌های شخصی هستند^{۵۶}:

dāraya¹-va^hu- دارنده خوبی

viⁿda¹-farnah- یابنده فره

vāya¹-spāra- سازنده محافظ‌های حصیری = بافنده سپرها

مگر اینکه vāya- وجه وصفی نبوده و اسم فعل (بن مختوم به -a-) به شمار آید، که در این صورت اسم، یک صفت ملکی خواهد بود (پ: ب - ۱۶۱/I)، «دارنده محافظ بافته شده» = محافظ حصیری.

پ ۱۶۳ - نام اشخاص در کتیبه‌های فارسی باستان باید متناسب با ملیت‌ها تقسیم شود تا ویژگی زبانی را نشان دهند.

I- نام‌های پارسی دارای بیشترین شمار هستند؛ اما برخی از آنها ویژگی آوایی مادی را نشان می‌دهند که در زیر با M داخل پراوتز مشخص شده‌اند:

الف) نام‌های سلسله هخامنشی:

ariyāramna-, artaxšaça-, aršāma-, uvaxštra- (M),

kabūjiya-, kūru-, xšayāršan-, gaubaruva-, cišpi-,

dārayavau-, bardiya-, vištāspa- (M)

ب) نام‌های دیگر پارسیان:

artavardiya-, ardumaniš-, aspacanah- (M), utāna-, θuxra-,

dātuvahya-, dādarši-, bagābigma-, bagabuxša-, marduniya-,

vaumisa- (با -s- که نه پارسی است و نه مادی) vāyaspāra-,

vahauka-, vahyazdāta-, vida-farnah- (M), vidarna-,

vivāna-, haxāmaniš-.

-II نام‌های مادی‌ها:

xšaθrita-, gaumāta-, taxmaspāda-, fravarti-,

و نیز نام اسگرتی -ciçataxma-

-III نام‌های دیگر ایرانیان:

→ skuⁿxa-; سکایی; → frāda- (بلخانی) مروی

و نام‌های نامشخص: -āθiyābaušna-, aršaka-

-IV نام‌های ارمنیان:

arxa-, dādarši-, haldita-.

-V نام‌های عیلامی‌ها:

atamaita-, cicixri-,

و چهار نامی که دارای صورت ظاهری نام‌های هندوایرانی بوده:

(نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های مربوط) -āçina-, upadarma-, martiya-

و هنگام بازنویسی به خط فارسی باستان، از نظر ریشه‌شناسی کم و بیش قابل تشخیص هستند؛ و نیز -imaniš، نام بکار رفته از سوی martiya پارسی به عنوان شاه غاصب عیلام، با -maniš- که یاد آور اسامی -haxāmaniš- و -ardumaniš- است.

-VI نام‌های بابلی‌ها: نام‌های اکدی

ainaira-, naditabaira-, nabukudracara-, nabunaita-

-VII صورت‌های نوشتاری نامشخص و احتمالاً گسسته:

→ (= احتمالاً) xaršādašyā (= xšayāršā ?), ardaxcašca

artaxšaça), vašdāsaka, vahyavšdāpaya, hadaxaya.

پ ۱۶۴ - نام‌های شخصی ایرانیان از انواع معمول نام‌های هندوایرانی است.

-I نام متعارف هندوایرانی، شامل ترکیبی از دو بن است؛ این نام‌ها عمدتاً در: پ

۱۶۰-۱۶۲ مورد بررسی و توضیح قرار گرفته‌اند. به این نام‌ها باید دو مورد

-gaumātā- و ka^mbūjiya- را نیز که دارای توضیحی غیر قطعی هستند، افزود

(نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه).

-II ترکیباتی که در هریک از آنها، پاره نخست، جزئی جدا نشدنی و یا پیشوند حرف اضافه‌ای است به شرح زیر عبارتند از:

→ و احتمالاً، *h^u-vaxštra-*, *vi-darna-*, *vi-vāna-*, *fra-varti-*, *h^u-tāna-*.

احتمالاً برخی از این نام‌ها تنها، گونه‌های کوتاه ترکیبات بزرگتری بوده، و در هریک از آن ترکیبات جزء نخست به شمار می‌آمده‌اند، و نیز اینکه ممکن است به گروه III تعلق داشته باشند.

-III نام‌های مصغر و یا القاب در هندواروپایی آغازین، از طریق محدود کردن نام مرکب به تقریباً بخش نخست آن، که امکان داشت پسوندی نیز به آن افزوده بشود یا نشود، شکل می‌گرفته است. مثال‌های احتمالی از نام‌های فارسی باستان به شرح زیر عبارتند از:

θuxra-, *bard-iya-*, *vahau-ka-*, *arša-ka-*, *xšaθr-ita*, *frāda-*, *martiya-*

-IV نام‌های دیگر، اسامی جنس هستند که ویژگی اشخاص را بیان می‌کنند، همانند صورت مضاعف *dā-darši-* «بی‌باک». احتمالاً نام‌های *h^u-vaxštra-*, *vidarna-*, *vi-vāna-* نیز (که در گروه II آمده‌اند) به این گروه تعلق دارند. یا نام‌هایی که می‌توانند بر شغل دلالت کنند؛ این گونه نام‌ها تا حد امکان بصورت مشتق صفتی و احتمالاً در گونه پدر-نامی می‌آیند *mardun-iya-* «پسر (مرد) می‌فروش».

-V نام‌های نامشخص: (یا *ca^hišpi-*؛ *cišpi-*، *kūru-*، *dātuvahya-* و *arxa-* نام یک ارمنی، با معنی نامشخص، و احتمالاً متعلق به گروه III یا IV.

پ ۱۶۵ - نام ماه‌ها در فارسی باستان جز و صفات، یا اسامی به عنوان صفات، بوده و یا توصیف کننده واژه «ماه» هستند؛ عبارت در بردارنده نام ماه، همیشه در حالت وابستگی است^{۵۷}. تمام این نام‌ها، ترکیباتی از دوین و یا پیشوند + بن هستند، و برخی از آنها به یک پسوند صفتی پایان می‌پذیرند. با ویژگی *vridddhi* در جزء نخست: *θaigarci-* (ریشه‌شناسی نامعلوم)؛ احتمالاً در *adu-kanaiša-* (ریشه‌شناسی نامعلوم)، *a-nāma-ka-*. با ویژگی *vridddhi* در هر دو جزء: *bāga-yādi-*.

با ویژگی *vridddhi* در جزء دوم: *ṭūra-vāhara-,āṣi-yād-īya-*.
 احتمالاً با ویژگی *vridddhi* در پیشوند: *vi-yāx-na-* (عنصر ریشه‌ای نامعلوم است).
 بدون ویژگی *vridddhi* در اجزاء: *garma-pada-* و صورت بازسازی شده
varka-zana- (اما نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).
 برای جزئیات بیشتر نیز نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه و: پ
 ۱۶۱.

پ ۱۶۶ - نام جای‌ها از نظر وضوح و روشنی ریشه شناختی شباهت کمی به نام
 اشخاص دارد، زیرا نام جای‌ها معمولاً حتی هنگام تغییر و دگرگونی جمعیتی و
 تغییر زبانی ناشی از آن نیز بر جای می‌ماند^{۵۸}. نام - جای‌های فارسی باستان
 شامل انواع زیر است: *dahyāuš* «ایالت اداری» و نیز «ناحیه» ای از یک ایالت؛
 در فارسی باستان واژه عامی به عنوان «شهر» نیامده است؛ *vardanam* «قصبه»؛
āvahanam «دهکده»، *didā* «قلعه»؛ *kaufa* «کوه»؛ *rauta* «رود». در نخستین
 معرفی نام - جای‌های کمتر شناخته شده، بنابر قاعده، واژه عام آمده است، اما با
 نام ایالات تنها هنگامی همراه شده که فهرستی از همه آنها یا تعدادی از آنها
 موجود باشد، و در کنار برخی از نواحی بزرگتر (*karmāna*, *varkāna*)، شهرها
 (*pārsa* اگر = پرسپولیس؛ *paīsiyāuvādā* «پاسارگاد»؛ *hagmatāna*
 «اکباتان»^(۱)؛ *arbairā* «اربل»؛ *bābiruš* «بابل») و رودهای معروف (*ufrātuš*
 «فرات»؛ *tigrā* «دجله») حذف شده است. نام - جای‌ها می‌توانند از نظر
 جغرافیایی و نیز گستردگی زبانی معین، با هم به شرح زیر گروه‌بندی شوند^{۵۹}.

I- ایالات هندوایرانی:

Pārsa پارس: شامل نواحی *karmāna*، *yautiyā*؛ شهرهای *paīsiyāuvādā*، احتمالاً
pārsa؛ قصبه‌های *uvādaicaya*، *taxā*، *tāravā*، *kuganakā*؛ کوه‌های
parga، *arakadriš*.

māda ماد: شامل نواحی *asagarta* (به عنوان ایالت اداری، مندرج در DPe 15)،
ragā، *nisāya*، *kapada*؛ شهر *hagmatāna*؛ قصبه‌های *kuduruš*، *māruš*؛

قلعه sikayauvatiš

Parθava پارت: شامل ناحیه varkāna گرگان، و قصبه های višpauzātiš, patigrabanā
 harauvatiš رنج: شامل ناحیه gadutava؛ قلعه های aršādā, kāpišakāniš.
 bāxtriš بلخ: شامل ناحیه marguš مرو.
 ākaufaciya مردم کهستان؛ ūvārazmīy و نیز صورت miš – خوارزم؛ gadāra گندار؛
 θatagus تگوش؛ dahā ده؛ maka یا قومیت maciya؛ saka یا بصورت
 مونث sakā سگ یا سکایی ها؛ sug(u)da سغد؛ haraiva آریا^(۲)؛ hiduš
 سند.

-II عیلام:

ū(v)ja عیلام، شامل شهر ūšā، دهکده abirāduš.

-III ایالات سامی:

bābiruš بابل: شامل ناحیه dubāla؛ شهر bābiruš بابل؛ قصبه szāna؛
 رودهای tigrā, ufrātuš.
 aθurā آسور و سوریه: شامل ناحیه izalā؛ شهر arbairā؛ کوه labanāna
 arabāya اربایه.

-IV ارمنیه:

armina یا arminiya ارمنیه: شامل ناحیه autiyāra؛ دهکده zūzahya؛
 قلعه های tigrā, uyamā.

-V ایالات آسیای صغیر و اروپای جنوب شرقی:

katpatuka کپدوکیه؛ karkā کاری ها؛ yauna ایونی یا yaunā اهالی ایونی؛
 sparda سارد، لیدی؛ skudra تراس و مقدونیه.

-VI ایالات آفریقا:

mudrāya مصر یا mudrāyā مصریان، شامل رود pirāva نیل.
 kūša اتیوپی یا kūšiyā اتیویایی ها.
 putāyā لیبیایی ها.

پ ۱۶۷ - نام شهرها و اقوام. در منابع قطعی، نام ایالت صرفاً قوم - واژه مذکر، با

asagarta		asagartiya	
ū(v)ja	x	ū(v)jiya	
uvārazm -l̄y-iš		uvārazm ^{iya} *	
-l̄y-iš			
katpatuka	x [*]		
		karka	karkā
kūša		kūšāya [*]	kūšiyā
gadāra		gadāraya [*]	
θataguš		θataguiya [*]	
			dahā
parθava	x		
pārsa	x		
		Putāya [*]	Putāyā
bāxtriš			
bābiruš	x	bābiruviya	
maka		macya [*]	macyā
māda	x		
mudrāya	x		mudrāyā
yauna	x		yaunā
saka	x	Sakā	sakā
sug(u)da			
skudra	x [*]		
sparda		spardiya	
zraka	x [*]		
haraiva			
harauvatiš		harauvatiya [*]	
hiduš		hiduya [*]	

فصل V- صرف اسامی، صفات، ضمایر

پ ۱۶۸ - صرف در فارسی باستان. اسم فارسی باستان همراه با ضمیر و صفت تقریباً مجموعه‌ای از ساخت‌های متعارف و منتظره را نشان می‌دهد. اسامی و صفات بسیاری با بن‌های مختوم به -a- -ā-, -i- -ī-, -u- -ū-, -āh- -ah- iš-, tā-, -tar- وجود دارد. پاره‌ای از این طبقات بصورت ناقص ارائه شده‌اند، و در بحث مربوط به هر طبقه، تمام اشکال موجود به فهرست در آمده‌اند، به جز آنجا که مثال‌های فراوان باشند. تمام حالات موجود در سنسکریت و اوستا، در فارسی باستان نیز یافت می‌شود، به جز حالت‌هایی که در فارسی باستان از بین رفته و بیان عملکردهای آن به عهده حالت وابستگی است. حالت ازی نیز ساخت متمایزی ندارد و چه از طریق گسترش آوایی و یا قیاس، بتدریج در حالت‌های بایی و دری، ادغام شده است؛ جز برای یک ساخت یعنی bābirauš که همانند سنسکریت با حالت وابستگی یکسان می‌باشد. بهمین نحو، حالت جمع مفعولی صریح نیز، چه از طریق فرآیند آوایی و چه از طریق قیاس، به حالت فاعلی شبیه شده است، جز در مورد ضمایر چسبان که حالت فاعلی ندارند. در فارسی باستان، برای اعداد، هر دو حالت مفرد و جمع آمده، و نیز تعدادی ساخت‌های تثنیه وجود دارد.

پ ۱۶۹ - پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -O- در هندواروپایی آغازین: این پایانه‌ها، به واکه بن، که یا e است و یا o، افزود می‌شود، و هنگامی که واکه به

واکه‌ای افزوده شود، نتیجه، ادغام دو واکه خواهد بود، و در این صورت یا واکه بلند بدست می‌آید و یا واکه مرکب.

I- پایانه‌های مفرد: حالت فاعلی -s، و مفعولی صریح -m، به بن مختوم به واکه -o- افزوده شده و -os، -om- را بدست می‌دهد؛ حالت ندایی همان بن برهنه مختوم به -e- است: لاتین lupus, lupum, lupe؛ یونانی λúkos, λúkov, λúke. جنس خنثی دارای پایانه -m- برای حالت فاعلی و نیز حالت مفعولی صریح است. پایانه وابستگی -sio- موجود در آریایی و یونانی، به بن مختوم به واکه -o- افزوده شده است: toū (کلاسیک)، (Hom) toŋo, Gk. (Hom) tásyā, Skt. tosio؛ و نیز با -s- در افزوده در تعدادی او از واژه‌های لاتین: -eius, Skt. asyá؛ از *q^uosio cuius, Skt. kásya, این پایانه در اصل تنها در ضمائر بوده، و در پاره‌ای از زبانها، از ضمائر به طبقات معینی از اسامی گسترش یافته است. حالت بایی به -ē, -ō- پایان پذیرفته و قطعاً این پایانه‌ها از ادغام بن مختوم به واکه -e- و -o- با واکه دیگر که کیفیت آن مشخص نیست، بدست آمده است. حالت ازی دارای پایانه -ēd و -ōd بوده است، ادغامی همانند، با واکه‌ای غیر قابل تشخیص و یک همخوان دندانی که می‌تواند t یا d باشد؛ در واقع فرآیند سندهی تشخیص طبیعت اصلی آن را غیر ممکن ساخته است.^{۶۰} حالت دری مختوم به -i-، به هر بن مختوم به واکه‌ای افزوده شده است: مقایسه شود با یونانی: oíkol و oíkel «در خانه».

II- ساخت‌های دارای شمار جمع: پایانه فاعلی جمع -es، در افزوده به بن مختوم به واکه -o-، به -ōs- تبدیل می‌شود که در آریایی، ژرمنی باستان (گوتیک wulfōs «گرگ‌ها»)، او سکواومبریایی (جایگزین شده با -oi-، همراه با نشانه جمع ضمیرواره -i-، در یونانی، لاتین، بالت -اسلاوی)، باقی مانده است. پایانه مفعولی صریح جمع -ns، در افزوده به -o-، -ons- را می‌دهد. حالت فاعلی و مفعولی صریح جمع خنثی مختوم به -ā-، دقیقاً دارای همان صورت فاعلی مفرد مونث مختوم به -ā- با معنی جمع بوده است. پایانه جمع وابستگی -ōm- ادغام شده با بن مختوم به واکه -o-، -ōm- را می‌دهد، همانند یونانی λúkov، اما در آریایی، پس از بن‌های مختوم به -n- در حالت جمع وابستگی، دوباره ساخته شده است. پایانه جمع بایی -ais- (a- نامشخص به جای a e o!)، ادغام شده

باین مختوم به واکه -o-، -ōis- را می‌دهد، که در λúkois یونانی بصورت کوتاه، و در سنسکریت و اوستا با حفظ ویژگی بلند، دیده می‌شود؛ اما ضمیرواره -oibhis- (بن مختوم به واکه -o- + ضمیرواره جمع -i- + پایانه جمع بایی -bhis-)، باز ساخته شده از صورت برایی -ازی مذکر -oibhios- (سنسکریت -tébhyas، ضمیر اشاره) علیرغم وجود پایانه جمع بایی مونث -ābhis- (سنسکریت -tābhis، در فارسی باستان دیده شده است. پایانه دری جمع -su، در افزوده به بن مختوم به واکه -o- + ضمیر جمع -i-، در آریایی و اسلاوی، موجود است؛ اما -oisu- برپایه -oisī- موجود در یونانی (برایی جمع λúkoisī)، با وجود پایانه مفرد دری -ī- دوباره ساخته شده است.

III- ساخت‌های دارای شمار تثنیه: نگاه کنید به: پ ۱۸۹.

پ ۱۷۰ - پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -o- در آریایی. جدول تطبیقی پایانه‌های هندواروپایی آغازین، آریایی آغازین، سنسکریت، اوستا و فارسی باستان، در اینجا داده شده است، این جدول حالات ارائه شده در واژه‌های موجود فارسی باستان را، به جز ساخت‌های تثنیه که در: پ ۱۸۹، آمده، دربرمی‌گیرد.

	plE	pAr.	Skt.	Av.	OP
sg. Nom.	-os	-ah ^۱	-ah	-o	-a ^h
Acc.	-om	-am	-am	-əm	-am
Inst.	- ē, -ō	-ā	-ena ^۲	-ā-a ^۳	-ā
Abl.	- ēd, -ōd	-ād	-āt ^۱	-at	-ā ^۱
Gen.	-osio	-asya	-asya	-ahyā -ahe ^۳	-ahyā
Loc.	- ei, -oi	-ai	-e	-ōi, -e ^۳	-aiy
				-ay-a ^۳	-ay-ā
Voc.	- e	-a	-a	-ā -a ^۳	-ā
Pl. Nom.	-ōs	-āh ^۱	-āh	-ā -a ^۳	-ā ^h
		-āsah ^۴	-āsah	-āṛhō	-āha ^h
Acc.	-ons	-ān ^۵	-ān	-as	-ā ^h

Inst.	-āis	-āiš	-āis	-āiš	-aibis ⁶
Gen.	-ōm	-ānām ^v	-ānām	-ānam	-ānām
Loc.	-oisu	-aišu	-esu	-aēsu	-aišuv-ā
Neuter					
Sg.Nom.-Acc.	-o-m	-am	-am	-əm	-am
Pl.Nom.-Acc.	-ā	-ā	-ā [^]	-ā-a ³	-ā

(۱) و تولیدات دیگر سندهی. (۲) با پسوند مختلف. (۳) واکه پایانی کوتاه در اوستای متاخر؛ واکه‌های بلند یا واکه مرکب در اوستای گاهانی. (۴) پایانه مضاعف، با -as در افزوده، حاصل از حالت فاعلی جمع بن‌های مختوم به همخوان. (۵) با بلندای ناشی از قیاس؛ و -s- حفظ شده در برخی از ترکیبات سندهی. (۶) از oibhis-، مقایسه شود با پایانه برایی - از جمع سنسکریت ebhyah-، اوستا aēibyō- از oibhios-^{*}، (۷) از طریق تاثیر بن‌های مختوم به -n- (۸) ودا ā-، اما سنسکریت کلاسیک āni-، با وجود بن‌های مختوم به -n-.

پ ۱۷۱ - حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -o- در فارسی باستان:

فاعلی مفرد:

martiya, xšāyaθiya, kāra, бага, drauga, hamiçiya, anušiya;
 pārsa, māda, sugda → نام - جایها و اقوام kabūjiya; → نام شخصی
 suguda, saka, sparda, mudrāya, ūja ūvja, yauna,
 parθava, armina, arminiya, asagarta, gadāra, mārgava,
 ūvjiya.

مفعولی صریح مفرد:

martiyam, xšāyaθiyam, kāram, hamiçiyam; kabūjiyam;
 pārsam, mādam, sugdam, mudrāyam, ūvjam, arminam,
 asagartam, ufraštam.

بایی مفرد:

kārā, pārsā, aurā, visā, → احتمالاً karšā; → خنثی artā, dātā,
 ariyā; → مذکر یا خنثی vašnā.

ازی مفرد:

draugā, kabujiyā, pārsā, sugudā, spardā, mudrāyā, kūšā, yaunā, gadārā, karmānā; خنثی → dušiyārā, vispā, gastā.

وابستگی مفرد:

martiyahyā, xšāyaθiyahyā, kārahyā, pārsahyā, visahyā, māhyā; احتمالاً → uškahyā, uvaipašiyahyā, jlvahyā, [ha]kartahyā.

دری مفرد:

pārsaiy, mādaiy, mudrāyaiy, ūjaiy ūvjaiy, parθavaaiy, arminiyaiy, asagartaiy, hagmatānaiy; با- در افزوده → duvarayā, dastayā, spāθmaidayā, karšayā, [da]rtanayā; احتمالاً → uzmayā.

ندایی مفرد:

martiyā, marlkā.

فاعلی جمع:

martiyā, xšāyaθiyā, hamiçiyā, anušiyyā, takabarā, tigraxaudā, haumavargā, paruvā, mādā, sakā, mudrāyā, yaunā, ūvjaiyā; با پایانه مضاعف → aniyāha bagāha.

مفعولی صریح جمع:

martiyā, xšāyaθiyā, hamiçiyā, sakā, ūvjaiyā, ufraštā.

بایی جمع:

asabāraibiš, martiyaibiš, hamiçiyaibiš, bagaibiš, viθaibiš, kamnaibiš; mādaibiš, sakaibiš, parθavaibiš, mārgavaibiš, ūvjaiyaibiš; خنثی → ūvnaraibiš.

وابستگی جمع:

martiyānām, xšāyaθiyānām, bagānām.

دری جمع:

mādaišuv-ā.

فاعلی مفرد خنثی:

xšačam, dušiyāram, ardatam, daraniyam, aruvastam, dātam,

θakatam, kartam, visam, kamnam; xšačam, stānam, daraniyam, aruvastam, kartam, visam, uvāipašiyam, uvaspam, احتمالاً → cašam.

فاعلی جمع خنثی:

ūvnaṛā, θakatā, [d]ātā; āyadanā, [uvaspā],
uraθā. مفعولی صریح →

پ ۱۷۲ - تحول صرف -o- در فارسی باستان:

فاعلی مفرد: فارسی باستان -ā-، با قاعده از آریایی آغازین -ah-، هندواروپایی آغازین -os؛ عدم توانایی در نوشتار واکه بلند پایانی، بصورت همخوان کمینه پایانی تظاهر می‌کند: -a^h-. مفعولی صریح مفرد: فارسی باستان -am-، با قاعده از آریایی آغازین -am-، هندواروپایی آغازین -om-

بایی مفرد: فارسی باستان -ā-، با قاعده از آریایی آغازین -ā-، هندواروپایی آغازین -ē- یا -ō- ازی مفرد: فارسی باستان -ā- بجای -ā^h، با قاعده از آریایی آغازین -āt- هندواروپایی آغازین -ēd یا -ōd- (یا -t-).

وابستگی مفرد: فارسی باستان -ahyā-، با قاعده بجای آریایی آغازین -asya-، هندواروپایی آغازین -osio-، فارسی باستان -ā- به جای -ā^h- نشان می‌دهد که هیچ همخوان کمینه‌ای در پی نیامده است؛ برای نوشتارهای متعدد -ahyā-، نگاه کنید به: پ ۳۶/IV. برای māhyā از māhahyā^{*}، نگاه کنید به: پ ۱۳۱.

دری مفرد: فارسی باستان -aiy- در نام -جایها، با قاعده از آریایی آغازین -ai-، هندواروپایی آغازین -ei- یا -oi-؛ فارسی باستان -ayā- در اسامی عام، -ai- موجود + حرف پسایند -ā- (ساخت‌های همانند در اوستا موجود است).^{۶۱}

ندایی مفرد: فارسی باستان -ā-، با قاعده از آریایی آغازین -ā^h، هندواروپایی آغازین -e؛ با -ā- فارسی باستان، زیرا همخوان کمینه پایانی وجود ندارد.

فاعلی جمع: فارسی باستان -ā- بجای -a^h، با قاعده از آریایی آغازین āh، هندواروپایی آغازین -ōs؛ نیز فارسی باستان āha- بجای āha^h- در aniyāha bagāha «بغان

دیگر»، مقایسه شود با: پ ۱۰ و ساخت‌های همانند اوستا: *ahurāphō* «اهوره‌ها»، سنسکریت: *devāsah* «خدایان».

مفعولی صریح جمع: فارسی باستان *-ā* بجای *-ā^h*، یا بصورت با قاعده از آریایی آغازین *-āns* با *n* تخفیف یافته در برخی از وضعیت‌های سندهی؛ یا فاعلی جمع به عنوان مفعولی صریح از طریق قیاس (پ ۱۶۸).

بایی جمع: فارسی باستان *-aibiš*، با قاعده برای آریایی آغازین *-aibhiš*. وابستگی جمع: فارسی باستان *-ānām*، با قاعده برای آریایی آغازین *-ānām*، (۱) با *-nām* از بن‌های مختوم به *-n* (پ ۱۸۷)؛ برای نوشتار *-ānām* نگاه کنید به: پ ۵۲/III.

دری جمع: فارسی باستان *-aišuvā*، با قاعده از آریایی آغازین *-aišu*، هندواروپایی آغازین *-oisu* + حرف پسایند *-ā*؛ *-švā* به *-švā* تبدیل شده است، اما نوشتار فارسی باستان، میان ارزش *-švā* و *-šuvā* که در آن *-u* به عنوان یک واکه، زیر تاثیر ساخت اصلی و نیز یک همخوان غلتان^(۲) نوشته شده بین آن و واکه بعدی، نگهداشته شده، نمی‌تواند تمایزی را نشان دهد.

فاعلی - مفعولی صریح خنثی مفرد: فارسی باستان *-am*، با قاعده از آریایی آغازین *-am*، هندواروپایی آغازین *-om*.

فاعلی - مفعولی صریح خنثی جمع: فارسی باستان *-ā*، با قاعده از آریایی آغازین *-ā*، هندواروپایی آغازین *-ā*.

dādā در DB 1.23, Xph 49,52، هنگامیکه همراه با *-pari-ay* «احترام» بکار رفته باشد، به سبب نبود حرف (اضافه) پیشایند *hacā*، احتمالاً بیشتر در حالت بایی است تا ازی؛ توجه داشته باشید که متن DSe 37-9، به عنوان یک متن تازه بازسازی شده، علیرغم نظریات من در JAOS 54.46, Lg.13.303، JAOS 58.117 حالت ازی را در قطعات دیگر اثبات نمی‌کند. در مورد *karšā* در حالت بایی مفرد، *karšayā* در حالت دری مفرد، *čašam* در حالت مفعولی صریح خنثی، و *ufraštdi-y* در حالت مفعولی صریح جمع، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های مربوطه.

۱. در متن اصلی، ابتدای پرانتز مشخص نیست، ولی احتمالاً باید از همین بخش از جمله آغاز شود.

artaxšaça- بصورت با قاعده دارای حالت وابستگی -cahyā-^{۶۲} است، در حالیکه حالت فاعلی -ca- و مفعولی صریح آن -cam-، با xšayār-šā-šām (پ ۱۸۷)، و نیز صورت (A²Hc) artaxšaçaāhyā با حالت وابستگی واژه اخیر یعنی xšayāršāhyā همگون شده است (پ ۱۸۷)؛ مگر اینکه تنها، افزایش یک نشانه وجود داشته باشد، پ ۵۳).

پ ۱۷۳ - پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -ā- در هندواروپایی آغازین: در این زمینه، تنها موارد مربوط به ساخت‌های موجود در فارسی باستان مورد بحث قرار خواهند گرفت.

I- در شمار مفرد، -ā- فاعلی، درجه قوی بن مختوم به واکه، بدون پسوند حالت ویژه است. -ām- مفعولی صریح عبارتست از بن مختوم به واکه -ā- + پسوند حالت -m-. از مدارک مربوط به زبانهای غیر آریایی در می‌یابیم که هندواروپایی آغازین باید دارای -ā- برای حالت بایی (از -ā- + -a-)، -ās- برای حالت ازی و وابستگی (از -ā- + es-) و -ai- برای حالت دری (از -ā- + -i-) باشد^{۶۳}؛ در حالیکه ما، در آریایی به پایانه‌های دو هجایی برخورد می‌کنیم، -āyā- برای حالت بایی، -āyāys- برای حالت ازی و وابستگی، و -āyā- برای حالت دری. بهرحال، چه یک بن هندواروپایی آغازین متنوع مختوم به -āyā- در این جا ظاهر شود، چه این بن در پس این حالات مفرد ظهور نکند (در فارسی باستان در حالت برایی افتاده باشد)، و یا این حالات برپایه یک بن استخراج شده از حالت دری مفرد -āyā- ساخته شود (همانند ایرانی، اما در سنسکریت بوسیله -m- گسترش یافته): برای حالت دری مفرد، بن مختوم به واکه -ā- + پایانه -i- وجود دارد که حرف پسایند ā- نیز برای ساختن -āyā- به آن افزوده شده است. در مقایسه با بن استخراج شده -āyā-، ساختن پایانه حالت بایی -āyā-، و نیز پایانه حالت وابستگی وازی -āyās-، ساده است.

II- شمار جمع در هندواروپایی آغازین دارای پایانه فاعلی -ās- از -ā- + -es-؛ مفعولی صریح -ās- از -ā- + -ns-، با نبود n میان واکه بلند و s پایانی در هندواروپایی آغازین؛ وابستگی -om- از -ā- + -ōm-، در آریایی آغازین جایگزین شده با -ānām- پس از بن‌های مختوم به -n-؛ دری -āsu- از -ā- + -su-

می باشد.

پ ۱۷۴ - پایانه های حالت بن های مختوم به -ā- در آریایی.

جدول تطبیقی زیر، تنها حالاتی را در برمی گیرد که در ساخت های موجود فارسی باستان ارائه شده است.

sg.	pIE	pAr.	Skt.	Av.	OP
Nom.	-ā	-ā	-ā	-ā -a ^۱	-ā
Acc.	-ām	-ām	-ām	-am	-ām
Inst.		-āyā ^۲	-ayā	-ayā ^۱	-āyā
Abl.		-āyās	-āyās	-ayāt ^۳	-āyā ^h
Gen.		-āyās	-āyās	-ayā	-āyā ^h
Loc.	-āi	-āyā	-āyām	-aya	-āyā
Pl.					
Nom.	-ās	-ās	-ās	-ā	-ā ^h
Acc.	-ās	ās	ās	-ā	-ā ^h
Gen	-ōm	-ānām	-ānām	-anam	-ānām
Loc.	-āsu	-āsu	-āsu	-āhu	
				-āhva ^۱	-ā ^h uvā

۱ - ساخت های اوستایی همراه با -a- پایانی کوتاه متعلق به اوستای متاخر؛ به خاطر داشته باشید که نشانه بلند در هجا های داخلی واژه های اوستایی، معتبر نیست. ۲ - مقایسه کنید با: پ / ۱۷۳، یادداشت ۳.۶۳ - نمونه سازی مجدد پایانه وابستگی در اوستای متاخر، پس از پایانه -āt- حالت ازی بن های مختوم به -o-.

پ ۱۷۵ - حالت های صرفی بن های مختوم به -ā- در فارسی باستان:

فاعلی مفرد:

→ صفات taumā, hainā, framānā, yauviyā, didā, θikā; aθurā; kartā, gastā, hamičiyā.

مفعولی صریح مفرد:

taumām, yauviyām, didām, θikām; paišiyāuvādām,

sakām; صفت → aθagainām.

بایی مفرد:

framānāyā, aruvāyā, احتمالاً → ha[natāyā]

ازی مفرد:

paišiyāuvādāyā, haināyā, taumāyā, yadāyā.

وابستگی مفرد:

taumāyā.

دری مفرد:

arbairāyā, aθurāyā, çušāyā; احتمالاً → pavastāyā, stūnāyā
(مگر حالت وابستگی در بعضی قطعات) (vazrakāyā → صفت; §176; →)

فاعلی جمع:

stūnā, hamiçiyā, kartā.

مفعولی صریح جمع:

[stūnā] (فقط بازسازی شده)

وابستگی جمع:

paruzanānām, vispazanānām.

دری جمع:

maškā^huvā, aniyā^huvā.

پ ۱۷۶ - تحول صرف ā- - در فارسی باستان. بررسی جدول پایانه‌ها در: پ ۱۷۴، می‌تواند نشان دهد که فارسی باستان، با اندکی تغییرات جزئی، دقیقاً همان پایانه‌هایی را داراست که در آریایی آغازین وجود داشته است. عدم نوشتار همخوان‌های کمینه پایانی، صورت نوشتاری واحدی برای āyā- یعنی پایانه حالات بایی، ازی، وابستگی و دری مفرد، بوجود می‌آورد. مشخص کردن اینکه فارسی باستان به تبع حالت ازی مختوم به āt- بن مختوم به ā- در انشقاق پایانه حالت ازی - وابستگی āyās- بصورت وابستگی āyās* -، ازی āyat* -، با اوستای متاخر سهیم بوده، غیر ممکن است؛ در نبود دلیل و نشانه، ما فرض را بر این می‌گیریم که حالت ازی و وابستگی فارسی باستان، با āyā- همانند بوده و از صورت کهن‌تر āyās- آمده است. حالت دری فارسی باستان در افزایش

عمومی $\bar{a}$ - در آریایی سهم است، در حالیکه با افزایش m - در سنسکریت اشتراک ندارد. ساخت‌های جمع فارسی باستان نیز کاملاً با قاعده است، حالت وابستگی نشاندهنده نمونه سازی مجدد با وجود بن‌های مختوم به n -، و حالت دری نشان دهنده افزایش $\bar{a}$ - است که در تعدادی از ساخت‌های اوستایی ظاهر می‌شود. همان ابهام مربوط به ارزش آوایی $a^{huvā}$ - موجود در بن‌های مختوم به o - (پ ۱۷۲)، در این صرف نیز وجود دارد.

این واقعیت که حالت دری مفرد بن‌های مختوم به $\bar{a}$ - آریایی آغازین، دارای $\bar{a}$ - افزوده‌ای است که به حالت دری مفرد اسامی عام و صفات بر ساخته از طبقات بن‌های دیگر و نیز به حالت دری جمع در فارسی باستان و گستره کوچکتری در اوستا، گذر می‌کند، احتمالاً این نکته را بوجود می‌آورد که بن‌های مختوم به $\bar{a}$ - نقطه آغازی هستند برای این گونه نمونه سازی مجدد پایانه.

ساخت معماگونه $stūnāya$ ، تنها در عبارت $apadānam stūnāya$ $aθagainam$ «... کاخ را با ستون سنگی» ظاهر می‌شود؛ و از آنجائیکه این واژه، تنها در متون مربوط به داریوش دوم و پس از او می‌آید، لذا ممکن است نوعی اشتباه نوشتاری، همراه با حذف a پایانی بوده و بجای $stūnāyā$ در حالت بایی یا دری به منظور تصریح قرار گرفته باشد (مقایسه شود با کاربرد $karšā$ در حالت بایی و $karšayā$ در حالت دری همراه با عدد، Lg.19.227-9): «کاخ را باستون(های) سنگی»، با اینکه $stūnāya$ در ساخت مفرد است، اما در معنی کلی است و از این روی اسم جمع به شمار می‌رود.^{۶۴}

پ ۱۷۷- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به $\bar{a}$ - و $\bar{ā}$ - در هندواروپایی آغازین و آریایی: در این زمینه، تنها موارد مربوط به ساخت‌های موجود در فارسی باستان مورد بحث قرار گرفته‌اند.

I- بن‌های مختوم به $\bar{ā}$ -، دارای $i-s$ فاعلی مفرد، $i-m$ مفعولی صریح، $ei-s$ و یا $oi-s$ وابستگی هندواروپایی آغازین (با درجه قوی بن مختوم به واکه) بوده‌اند؛ این پایانه‌ها در $agnēs agnzm, agnzs$ «آتش» سنسکریت نشان داده شده‌اند. حالت دری، دارای واکه مرکب بلند، بدون پسوند حالت $\bar{ē}$ - بوده است؛ از آنجائیکه واکه‌های مرکب بلند، هنگام قرار گرفتن در موضع پایانی، در

هندواروپایی آغازین، نیم واکه را از دست می دهند، لذا ēi- به ē- تبدیل می شود:
در سنسکریت (ودا) ۶۵agnā.

II- بن های مختوم به -ī-، دارای -ī- فاعلی مفرد، -ī-m- مفعولی صریح، -ī-ies یا -ī-ias (از -ī- وابستگی ۶۶، -ī-ia یا -ī-ie ۶۷، -ī-ie یا -ī-ia ۶۶ (از واکه مرکب بلند پایانی، همانند بن های مختوم به -ī-) هندواروپایی آغازین بوده اند. پایانه جمع فاعلی، -ī-es- هندواروپایی آغازین بوده است، که -ī-es را می دهد. این پایانه ها از طریق devī devīm devyās devyā devyā-m «ایزدبانو»، (با -m- پیوسته به حالت دری؛ همانند بن های مختوم به -ā-)، نشان داده شده اند، جمع: devyās = devlyas.

III- بن های مختوم به -ī-، منحصرأ مونث بوده اند، در حالیکه بن های مختوم به -ā- شامل هر دو جنس مذکر و مونث می شده اند؛ هم در سنسکریت و هم در اوستا، بن های مونث مختوم به -ā-، به اختیار یا بنابر قاعده، پایانه های بن های مختوم به -ī- را در حالت بایی، برایی، از -ī- وابستگی، و دری مفرد، به خود می گیرند. گاهی اوقات نیز، بن های مونث مختوم به -ī- فاعلی مفرد بر آمده از بن های مختوم به -ā- سنسکریت و اوستا را که -ā- فاعلی را می دهد، کسب می کنند.

پ ۱۷۸ - حالت های صرفی بن های مختوم به -ā- و -ī- در فارسی باستان:

I- بن های مذکر مختوم به -ā-:

Nom. Sg: skauθiš, pastiš, θarmiš, yāumainiš ayāu(ma)iniš; نام های شخصی →
fravartiš, dādaršiš, cišpiš; قومیت → pātišuvāriš; جای های →
arakadriš, kāpišakāniš, viš[pa]uz[ā]tiš.

Acc. Sg. skauθim, ušabārim, duvarθim, fravartim, dādaršim.

Gen. Sg. skauθaiš, fravartaiš, cišpaiš, θāigarcaiš, bāgayādaiš; نیز → cišpāiš, cicixrāiš.

II- بن های مونث مختوم به -ā- (برخی بن های احتمالی مختوم به -ī-):

Nom. Sg: arš[i]š, šiyātiš, ištiš, dipi[š] → احتمالاً

Acc. Sg.: šiyātim, bājim; paθim (بر پایه یک بن بی قاعده)

III- بن‌های مونث مختوم به -T-:

Nom. Sg.: uvārazmTly uvārazmiš, baxtriš; hara^huvatiš (Skt. sárasvatī), sika[ya]uvatiš; āpiš (در → āpišim = āpiš-šim §130; بن بی‌قاعده); dipTly (191b.11.Ed.] → مقایسه شود با پیوست [dipT-maiy §140.I] (در → dipT-maiy §140.I) (تنها بصورت اندیشه نگار) زمین BU

Acc. Sg.: harauvatim, būmim, dipim, احتمالاً → yau[datim].

Abl. Sg.: harauvatiyā, bāxtriyā, uvārazmiyā.

Loc. Sg.: harauvatiyā, bāxtriyā, āpi[y]ā, būmiyā, d[i]p[iy]ā.

Nom. Pl.: aθagainiya.

IV- مواردی که در اینجا به حساب نیامده:

Inst. Pl.: abiš, arašaniš:

نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

پ ۱۷۹ - تحول صرف -Ā- و -T- در فارسی باستان^{۶۸}.

- I- بن‌های مختوم به -Ā- و -T-، در فارسی باستان، به یک صورت صرفی در آمده و دارای پایانه‌های صرفی فاعلی مفرد -iš، مفعولی صریح -im، وابستگی -aiš- از -iyā^h (= سنسکریت -yās-)، دری -iyā (= سنسکریت -yā-m-) فاعلی جمع -iya^h هستند. تنها بازماندگان صورت‌های صرفی مستقل، عبارتند از **A** uvārazmTly (miš - در کتیبه‌های متأخر) و همچنین dipT-maiy در حالت فاعلی، که هنوز نشان دهنده -T- اصیل هستند. این احتمال وجود دارد که هنگامیکه -T- فاعلی بن‌های مختوم به -T-، پایانه -s- گرفته است، بلندای واکه برای تمایز میان بن‌های مختوم به -T- و نیز بن‌های مختوم به -Ā-، باقی مانده باشد؛ همچنین ممکن است بازماندن واکه بلند در -Im- مفعولی صریح را هم، به همین نحو توجیه نمود. نظام نوشتاری فارسی باستان این ابهام را از دست می‌دهد. اما بسیار محتمل است که پایانه جدید -Tš- و نیز پایانه کهن -Im-، به تبع ساخت‌های همانند بن‌های مختوم به -Ā-، به ترتیب به -Tš- و -Im- تبدیل شده باشند.
- II- این واقعیتهای است که حالت ازی مفرد و نیز حالت وابستگی مفرد این بن‌ها در آریایی، دارای پایانه همانندند (همچنین است در تمام بن‌ها به جز بن‌های مختوم به

-ō-!)، و ما در این جا حالت وابستگی را با پایانه -aiš- و حالت ازی را با پایانه -iyā- می یابیم. اما تمام حالت های وابستگی فارسی باستان از واژه های مذکر و تمام حالت های دری آن از واژه های مونث است؛ و همانگونه که در: پ III/۱۷۷، یاد آور شدیم، بن های مونث مختوم به -T-، احتمالاً در پاره ای از حالات غیر فاعلی مفرد، پایانه های بن های مختوم به -T- را به خود گرفته اند. در واقع، ممکن است در فارسی باستان، مونث ها در پاره ای از ساخت ها بدون حفظ یک نوع صرفی جدا و مستقل، از نمونه های مذکر بن های مختوم به -ā- جدا شده باشند. بخاطر داشته باشید که būmiyā به نظر می رسد که تنها در حالت دری باشد؛ چنانچه این ساخت در قطعه ای ظاهر می شد که حالت وابستگی، قطعاً در آن ضرورت داشت، آنگاه به نظر می رسید که این تمایز باید مشخص می شد. هنوز هم در بن های مختوم به -ā-، ما هردو پایانه را در حالت ازی مذكر می یابیم.

-III

همیشه امکان پذیر نیست که بتوان مشخص نمود که آیا اسامی عام مونث دارای بن های مختوم به -ā- هستند یا بن های مختوم به -T-؛ و برای این منظور، قیاس ریشه شناختی ضروری است. و وقوع واژه کوتاه در -aršti-، سنسکریت: *ṛṣṭu* «سپر»؛ *paθim*، بن سنسکریت *pathu* در پاره ای از صورت های صرفی، قطعی و حتمی است، در حالیکه این وقوع در *bāji-*، *išti-*، *šiyāti*، تنها یک احتمال است. همچنین وقوع واژه بلند در *būmi-*، از طریق *bhūmī* سنسکریت ودایی (تنها یک بار؛ علیرغم ۱۲ بار ظهور ساخت جدید *bhūmis*) قطعیت داشته، و نیز در *aθagainiya* در حالت فاعلی جمع، همانند سنسکریت: *pāpyās*، نسبت به مونث مفرد *pāpī*، که در قیاس با *pāpās* «پلید»، و نیز احتمالاً *dipī*، یک ساخت مونث است، مسلم و قطعی می باشد.

-IV

پایانه وابستگی -āiš- در *cišpāiš* و *cicixrāiš*، یعنی در واژه هایی که حالت فاعلی و وابستگی آنها یکسان به نوشتار در می آیند، صرفاً نشانه ای است برای -āiš: *cāiš^apāiš^a* = حالت فاعلی *cišpiš* یا حالت وابستگی *cišpāiš*؛ بهمین نحو -riš = *rāiš^a* یا *-raiš*.

-V

در ساخت های مختوم به -iyā-، -ī- احتمالاً هجایی است و نه صرفاً نوشتاری؛ از این روی *harahvatyā** به *harauvašiyā** تبدیل می شود نه به *harauvatiyā*، و نیز *dipyā** به *difiyā** تغییر می یابد نه به *dipiyā**.^{۶۹} در موارد دیگر، ممکن است

هجای بلند پیشین سبب عملکرد «قانون سپورس»^(۳) شده و در نتیجه *yā*- به *iyā*- تغییر یابد.

پ ۱۸۰ - پایانه‌های حالت بن‌های مختوم -ū- در هندواروپایی آغازین و آریایی:

بار دیگر باید متذکر شد که در این زمینه، تنها موارد مربوط به ساخت‌های موجود در فارسی باستان مورد بحث قرار گرفته‌اند.

بن‌های مختوم به -ū-، دارای -u-s- فاعلی مفرد، -u-m- مفعولی صریح، -eu-s- یا -ou-s- وابستگی هندواروپایی آغازین (با درجه قوی بن مختوم به واکه) بوده‌اند که در سنسکریت *sātrus sātrum sātros* «دشمن»، و در اوستا *vaṇhuš* *vohūm vaṇhōuš* «خوب»، دیده می‌شود. بایی مفرد، عبارت بوده است از بن مختوم به -ū- + پایانه -ā- آریایی آغازین؛ -ū-، واکه‌ای باقی می‌ماند چنانچه پس از یک تک همخوان، دو همخوان یا یک تک همخوان پس از یک واکه بلند یا واکه مرکب بر آن مقدم می‌شد، در حالیکه، پس از تک همخوانی که بر آن یک واکه کوتاه مقدم شده بود، همخوانی می‌شده است. حالت دری مفرد، به درجه قوی یا درجه بلند بن مختوم به واکه -eu- یا -ēu-، که در ایرانی معمولاً به هریک، حرف پسایند -ā- افزوده می‌شد، پایان می‌پذیرفته است: سنسکریت *sātrāu*، اوستا *vaṇhāu*، نیز *aṇhava* در قیاس با *aṇhuš* «وجود». حالت فاعلی - مفعولی صریح مفرد خنثی عبارت بود از بن برهنه، و به -u- پایان می‌پذیرفته است: سنسکریت *mādhū* «عسل»، اوستای گاهانی *vohū* «خوب» (در اوستای گاهانی تمام واکه‌های پایانی، بلند هستند). پایانه وابستگی جمع عبارت بوده است از *(u)uōm* - هندواروپایی آغازین، که در آریایی آغازین، به تبع بن‌های مختوم به -n-، به -ū-nām-، تبدیل شده است؛ اوستا در *vaṇhvam* و نیز *vohunam* هر دو پایانه را دار است.

پ ۱۸۱ - حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -ū- در فارسی باستان:

فاعلی مفرد مذکر:

→ نام پادشاهان *uvāmaršiyuš* → صفت *maguš*, *piruš*, *sikabruš*

dārayava^huš, kūruš; نام - جای ها → abirāduš, kud^uruš,
θata-guš, bābiruš, mā[ru]š, marguš, hiⁿduš.

مفعولی مفرد مذکر:

magum, xraθum, gāθum; dārayava^hum; bābirum, margum;
visadahyūm; شاید → [agurum].

بایی مفرد:

ufrātuuvā

وابستگی مفرد مذکر:

kūrauš; dārayavahauš, واژگان جدید →
dārayavaušahyā, dārayavašahyā.

ازی مفرد مذکر:

bābirauš, bābirauw, hidauv, gāθavā.

دری مفرد مذکر:

bābirauw, margauw, gāθavā.

وابستگی جمع مذکر:

parūnām , paruvnām, مونث → parūnām

فاعلی مفرد خنثی:

paruv, dāruv

مفعولی صریح مفرد خنثی:

[dār]uv

برای ساخت های , tanuš, dahyāuš, uxšnauš, nāuš, نگاه کنید به: پ ۱۸۳.

پ ۱۸۲ - تحول -ū- در فارسی باستان. تحول پایانه ها از هندواروپایی آغازین و آریایی آغازین، در بیشتر بخش ها، کاملاً روشن و واضح است و از این روی سبب بروز کمترین مسایل و اظهار نظرها شده است.

I- واژه های جدید dārayavaušahyā و dārayavašahyā نمونه هایی از کوشش در ساختن صورت های وابستگی برپایه شکل فاعلی به گونه یک بن، در زمانی است که پایانه ها فرو ریخته و در گفتار دارای تمایزی نبودند؛ پ ۵۷.

-II حالت دری مختوم به -auv، نشاندهنده واکه مرکب کوتاه (علیرغم واکه مرکب بلند در سنسکریت)، بدون پسوند حالت است؛ و صورت مختوم به -avā عبارت است از تحول آوایی با قاعده -ā+au-.

-III bābirauš با حالت ازی، دارای حالت وابستگی نیز هست؛ زیرا در آریایی همین ساخت به عنوان حالت وابستگی و نیز بصورت حالت ازی عمل می‌کند؛ به جز در بن‌های مختوم به -ō-؛ صورت‌های دیگر ازی، ساخت‌های دری هستند (مقایسه شود با ادغام و اختلاط ساخت دری وازی و عملکردهای مربوط در لاتین).

-IV صورت وابستگی جمع، از بن‌های مختوم به -n-، دارای پایانه قاعده‌مند -nām- آریایی است؛ ملاحظه شده است که ساخت مذکر این صفات به گونه مونث نیز عمل می‌کند.

-V حالت فاعلی -مفعولی صریح مفرد خنثی پایانه کهن را به ارث می‌برد؛ paruv فارسی باستان در حالت فاعلی، دقیقاً معادل است با اوستا pouru، سنسکریت purú، و یونانی πολύ.

پ ۱۸۳ - بن‌های مختوم به -ū- و بن‌های مختوم به واکه مرکب پایان یافته به u در فارسی باستان.

-I تنها بن مختوم به -ū- در فارسی باستان tanū «تن، خویش» است که در سنسکریت و اوستا بصورت tanū دارای واکه بلند می‌باشد؛ ساخت‌های آن در فارسی باستان عبارتند از: فاعلی tanūš، مفعولی صریح tanūm، مگر اینکه از طریق همگون سازی با بن‌های مختوم به -ū-، دارای پایانه‌های -ūš و -ūm باشد.

-II صورت مونث -dahyau «سرزمین، ایالت» در فارسی باستان، در اکثر ساخت‌های صرفی دارای واکه مرکب است، نه درجه صفر -u-، و از نظر این ویژگی، در مجموع با خویشاوند اوستایی خود سهیم است. این واکه مرکب، به عنوان نشانه فاعلی مفرد، ویژگی بلند را پذیرا شده است: فارسی باستان dahyāuš (اما در اوستا daiṛhuš). این بلند به صورت مفعولی صریح مفرد نیز تعمیم یافته است: فارسی باستان dahyāvam و dahyāum (که صورت نخست از نظر آوایی صحیح^{۷۰} بوده و شکل دوم قیاسی است برپایه صورت فاعلی^{۷۱}؛

dair̥haom اوستایی، صورت نوشتاری است برای āvam-)؛ این در حالی است که ما به عنوان جزء دوم یک ترکیب، dahyum- را در visadahyum (یا dahyaum-)، که بصورت y^aum^a- دارای ابهام است)، می‌یابیم، و نیز DHyaum^a را که می‌تواند DHyaum یا DHyum (dahyūm اوستا احتمالاً صورتی است برای yūm-) باشد، در A³Pa 26، داریم. dahyauva- فارسی باستان در حالت دری، در واقع dahyauv، همانند bābirauv است، با ā- در افزوده؛ متنها واکه مرکب در اینجا، پیش از واکه در افزوده، حفظ شده است (علیرغم gāθavō). dahyāva در حالت فاعلی جمع، دارای واکه مرکب بلند گسترش یافته از صورت فاعلی مفرد بوده و نشانگر āvas- آریایی آغازین است (به همین نحو نیز dair̥hāvō در اوستا)؛ در واقع این ساخت بمنظور عملکردن در حالت مفعولی صریح جمع در فارسی باستان گسترش یافته بود (همچنین در اوستا). dahyūnām و dahyūvnām فارسی باستان در حالت وابستگی جمع، صورت با قاعده وابستگی جمع بن‌های مختوم به -u- در آریایی است (اوستا: dahyunam). dahyušuvā فارسی باستان در حالت دری جمع همان صورت دری جمع بن مختوم به -u- است همراه با پایانه -su + حرف پسایند ā-؛ از نظر آوایی چه ušuvā- و چه ušvā-، به u مربوط به -su- که یا پیش از واکه در افزوده، همخوانی شده بوده و یا براساس قیاس حفظ شده، وابسته‌اند.^{۷۲}

III- u[xšna]uš «خوب راضی»، در حالت فاعلی مفرد، با پسوند حالت s، اما نه بصورت بلند ساخته شده است.

IV- صورت فاعلی جمع [nāva] با سنسکریت nāv-as، یونانی vη-es، مطابقت کرده و شکل با قاعده فاعلی جمع بن دارای واکه مرکب -nāu* (هندواروپایی آغازین: nāu-es*) است.

پ ۱۸۴- پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به همخوان در هندواروپایی آغازین و آریایی.

بار دیگر باید یاد آور شد که تنها، بخشی از حالات، در فارسی باستان دارای ساخت‌های موجود هستند.

فاعلی مفرد مذکر و مونث: ساخته شده از طریق افزایش -s، یا بلند شدن آخرین واکه

بن، و نیز بندرت از هر دو طریق. در هندواروپایی آغازین آوای روان یا غنه‌ای، پس از یک واکه بلند شده، از میان می‌رفته است.^{۷۳}

مفعولی صریح مفرد مذکرومونث: ساخته شده از طریق افزایش -m، که در اینجا خود بخود به -m تبدیل می‌شود، زیرا پس از همخوان دیگری قرار گرفته است.

فاعلی - مفعولی صریح مفرد خنثی: مصدر برهنه بدون پسوند.

وابستگی مفرد: -es و -os هندواروپایی آغازین^{۷۴}، -as آریایی.

دری مفرد: مصدر برهنه، در درجه قوی، چنانچه دارای گردش واکه‌ای باشد؛ یا همان مصدر برهنه + پایانه حالت -i.

بایی مفرد: ساخته شده از طریق افزایش -ā (آریایی)، باز آمده از -ē یا -ō هندواروپایی آغازین.

بایی جمع: ساخته شده از طریق افزایش -bhis، آریایی -obhiš.

لازم به یاد آوری است که در آریایی، هنگامیکه واژه‌ای به دو یا همخوان بیشتری پایان پذیرفته باشد، همخوان یا همخوان‌های پایانی آنقدر تخفیف می‌یابند تا تنها یکی باقی بماند. بنابراین: صورت فاعلی *nepōt-s «نوه» هندواروپایی آغازین، nepōs لاتین به *napāt آریایی آغازین، nāpāt سنسکریت تبدیل شده است.

پ ۱۸۵ - بن‌های مختوم به -s در فارسی باستان:

از این گونه بن‌ها، انواع گوناگونی وجود دارد.

I- ساخت خنثی با پسوند -os در صورت فاعلی - مفعولی صریح مفرد، -es در ساخت‌ها دیگر: Lt. gen-us gener-is, Gk. γεν-os γεν-ε-os, Skt. ján-as ján-as-as. فارسی باستان دارای صورتهای زیر است: فاعلی rauta^h «رودخانه»، سنسکریت srōtas؛ صورت فاعلی - مفعولی صریح rauca^h «روز»، اوستا raocō «روشنی»، سنسکریت rócas «روشنی»؛ مفعولی صریح draya^h «دریا» (و draiya^h پ ۴۸). اوستا zrayō، سنسکریت jráyas، مفعولی صریح manaš-čā (پ ۱۰۵)، اوستا manō، سنسکریت mānas؛ مفعولی صریح zūra^h «پلید»، اوستا zūrō؛ مفعولی صریح miθa^h «پلید». صورت بایی manahā سنسکریت mānasā. دری drayahy-ā (با -ā در

افزوده؛ بصورت drayahiyā نیز نوشته شده است. اعم از اینکه -i- هجایی بوده و نتواند مشخص شود)، سنسکریت jṛāyasi، مقایسه شود با اوستا manahi-čā. بایی جمع raucabiš، احتمالاً بجای *rauca^hbiš، مقایسه شود با اوستا manōbiš، سنسکریت mānobhis: h- باز آمده از s- در بعضی از حالات سندهی، در اینجا پیش از همخوان پسوند حالت به موضع میانی منتقل شده است و سپس پیش از همخوان واکدار، واکدار شده و در هنگام پایانی بودن، با همان تولیدات، در زیانهای مربوطه از میان رفته است.

-II

هنگامیکه یک بن مختوم به -es/-os-، جزء دوم ترکیبی را شکل دهد، اعم از اینکه صفت باشد یا نام شخص، در حالت فاعلی مفرد دارای ēs- و در حالات دیگر دارای -es- خواهد بود: یونانی: Διογενῆς, δουμενῆς نسبت به , μένος, γένος. این ēs- به ās-, āh-, آریایی و ā^h- فارسی باستان تبدیل شده است: viⁿda-farnā^h، مقایسه شود با اوستا x^varənō «فره شاهی»، هندواروپایی آغازین *suelnos؛ aspacanā^h، مقایسه شود با سنسکریت cānas «شادی».

-III

ظاهراً یک پسوند خنثی -əs- نیز وجود داشته که نه در صورتهای صرفی تغییر می کرده و نه در ساخت مذکر قرینه: سنسکریت kravls «گوشت خام»، یونانی κρεας. فارسی باستان، فاعلی - مفعولی صریح hadiš از sed-əs، مقایسه شود با یونانی εδος از sed-os؛ مفعولی صریح abicariš «چراگاه»، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه. در نامها haxā-maniš, ardumaniš و شاید i-maniš؛ صورت وابستگی متاخر haxāmanišahyā از افزودن پایانه وابستگی بن های مختوم به -o- به حالت فاعلی به عنوان بن ساخته می شود.^{۷۵}

-IV

باقیمانده بن های مختوم به -s- فارسی باستان عبارتند از: nāh- «بینی» tāuvīyah- «نیرومند». a^huramazdāh- «هورامزدا»، و احتمالاً māh- «ماه». صورت مفعولی صریح nāh-am در فارسی باستان، nāsam در سنسکریت، دارای پایانه -m- تعمیم یافته در ارزش پیش واکه ای خود است که بصورت -am در بن های مختوم به -o- ظاهر می شود. صورت فاعلی مفرد مذکر tauvīyā^h در فارسی باستان، در ساخت همراه با واکه بلند، دارای پسوند صفت تفضیلی است، هندواروپایی آغازین iōs-، آریایی آغازین iās-؛ spanyā «مقدس تر» اوستا نیز از همین پسوند و ساخت صرفی برخوردار است، در حالیکه sthāvītyān «نیرومندتر» سنسکریت، بجای yāns- می آید، همراه با -n- زاید^{۷۶} و

نبود همخوان پایانی خوشه دو همخوانی، اما بصورت بن ساختی^(۴) نزدیک تر به *tauvlyā* (در مورد -auv-، پ ۴۸). فارسی باستان. *māhyā* فارسی باستان در اینجا احتمالاً ارتباطی با صورت دری *māhi* + -ā ندارد، مقایسه شود با صورت دری *māsi* در سنسکریت، بلکه صورت وابستگی مفرد **māhahyā* است، برپایه *māha*، سنسکریت *māsa*، با تخفیف *-āhah* (پ ۱۳۱). صورت فاعلی *auramazdā^h* فارسی باستان به **dhēs* - هندواروپایی آغازین یعنی ساخت دارای *-s* - برپایه ریشه دارنده واکه بلند، ختم می شود که در این ساخت، گردش واکه ای را نشان نمی دهد (مقایسه شود با لاتین *flōr-is*, *flōs* و ساخت های دیگر تک سیلابی)؛ به *-dhēs*، آریایی آغازین *-dhās*، یک *-s* فاعلی نیز افزوده می شود که البته هیچ تغییری را بوجود نمی آورد، زیرا صورت *-ss* خود به خود به *-s* تخفیف می یابد. شکل مفعولی صریح *auramazdām* به جای *dāham* - نشان می دهد که ساخت فوق به بن های مختوم به *-ā* گذر کرده است.^{۷۷} صورت وابستگی *auramazdāha^h* برای بن مختوم به *-dāh*، صورتی با قاعده است، در عین حال که صورت منحصر بفرد *aurahya mazdāha^h* نیز در هر دو بخش صرف شده است.^{۷۸} صورت وابستگی *auramazdāhā^h*، زیر تاثیر پایانه وابستگی *āyā^h* - بن های مختوم به *-ā*، دارای پایانه *-āhā^h* است، زیرا پایانه فاعلی *-dā*، مفعولی صریح *-dām*، هم اکنون با پایانه فاعلی *-ā*، مفعولی صریح *-ām* - بن های مختوم به *-ā* - مطابقت می کند.^{۷۹} صورت وابستگی *auramazdāhā* یک اشتباه نوشتاری است که با صورت وابستگی جمع *xšāyaθiyānām* «شاهان» به جای *-ānām*، در یک طبقه به شمار آمده است (پ ۵۲/III).

پ ۱۸۶ - بن های مختوم به *-r* - در فارسی باستان: این بن ها در دو گروه جای می گیرند.

I - اسم فاعل های دارنده پسوندهای *-tor* - و *-ter* - هندواروپایی آغازین در صرف نشان دهنده تغییر حاصله از گردش واکه هستند؛ صورت فاعلی مفرد دارای

واکه بلند است که معمولاً به برخی یا تمام ساخت‌های صرفی تعمیم می‌یابد:
 لاتین dator، حالت وابستگی datōr-is (ō در همه موارد)؛ یونانی δωτωρ
 δωτωρ-os (ō تنها در صورت فاعلی مفرد) δωτῆρος dotḥp-os δωτῆρ
 (ē در همه موارد بجز صورت ندایی مفرد δωτερ)؛ سنسکریت dātā، حالت مفعولی
 صریح dātāram، حالت برایی dātṛé، حالت دری dātāri و غیره.
 فارسی باستان دارای صورت فاعلی مفرد jaⁿtā «نابود کننده» است، اوستا:
 janta، سنسکریت hantā؛ dauštā «دوست». صورت مفعولی صریح
 فارسی باستان framātāram «فرمدار»، باگسترش واکه بلند صورت فاعلی، و
 ارزش پیش واکه‌ای پایانه مفعولی صریح (پ ۶۷/II).

-II

واژه‌های خویشاوندی دارای پسوند -ter- هستند، صورت فاعلی tē- یا به شکل
 دوباره بازسازی شده tēr-، حالات دیگر: -ter- یا -tr-، فارسی باستان pitā
 «پدر» در حالت فاعلی، سنسکریت pitā، یونانی πατήρ، لاتین pater؛ نیز در
 ترکیب hama-pitā «هم پدر». صورت فاعلی فارسی باستان mātā «مادر» در
 hamātā «هم مادر»، سنسکریت mātā، یونانی μᾶτηρ (دُری) πατήρ، لاتین māter.
 صورت فاعلی فارسی باستان brātā «برادر»، سنسکریت bhrātā، یونانی
 φράτηρ «برادر قبیله‌ای»، لاتین frāter^۸. صورت وابستگی فارسی باستان
 piça^h، یونانی πατρός، لاتین patris، از pətr-os* یا -es، علیرغم سنسکریت
 pitūs از pətrs.

پ ۱۸۷ - بن‌های مختوم به -n- در فارسی باستان: این بن‌هائیز در گروه‌های
 گوناگونی جای می‌گیرند.

بن‌های همراه با پسوندهای (آریایی) -an- -van- -man- (واکه هندواروپایی
 آغازین -e- یا -o-) دارای صورت فاعلی مختوم به -ā -vā -mā- هستند:
 فارسی باستان taumā «نیرو»، بن -tauman-؛ artāvā «خجسته»، اوستای
 گاهانی ašavā، اوستای متاخر ašava، سنسکریت rtāvā، مقایسه شود با
 صورت مفعولی صریح اوستای گاهانی ašavanəm؛ asā «سنگ»، مقایسه شود
 با اوستای متاخر asōga- در ترکیبات، فارسی باستان aθaⁿga-
 «سنگ»؛ xšaça-pāvā «محافظ قلمروشاهی، ساتراپ»، با بن -pāvan- همانند
 سنسکریت (ودا) tanū-pāvan «محافظ شخص». صورت مفعولی صریح با

گسترش واکه بلند، در فارسی باستان asmānam «آسمان»، مقایسه شود با صورت مفعولی صریح لیتوانیایی ākmeni «سنگ» و یونانی ākμova «سندان»، به ترتیب با -mēn- و -mōn-. این امر که صورت مفعولی صریح h^azānam (به جای hizānam) دارای بن مختوم به -an- با واکه بلند است یا بن مختوم به -āna-، نامشخص است؛ بهر ترتیب مورد مذکور گسترشی است از بن hizvā- موجود در اوستا (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -hazāna-). بن‌های خنثی همراه با پسوند -men-، دارای صورت فاعلی - مفعولی صریح مختوم به پایانه درجه صفر mn^۱- هستند؛ صورت مفعولی صریح فارسی باستان nāmā، سنسکریت nāma لاتین nōmen از nōmñ^{*}.

بن -xšayāršān^۲، دارای صورت با قاعده فاعلی xšayāršā است، اما حالات دیگر برپایه نمونه auramazdā مفعولی صریح dām-، وابستگی dāha- (پ ۱۸۵/IV) مجدداً الگوسازی شده‌اند: مفعولی صریح xšayāršām و وابستگی xšayār[š]āha همراه با صورتهای متاخر وابستگی xšayāršāhyā (پ ۵۷) و xšayāršāhyā (A²Hc)، با -ā- میانی حالات دیگر. در مورد ساخت‌های artaxšaça-، نگاه کنید به: پ ۱۷۲.

از ساخت‌های دیگر، baršnā فارسی باستان، صورت بایی مفرد است برپایه بن -baršan-، مقایسه شود با صورت بایی barəšna اوستا برپایه -barəzan-، سنسکریت rājñā برپایه -rājan- «شاه». nāma فارسی باستان، احتمالاً حالت دری بدون پسوند nāmaⁿ است؛ نیز carmā، حالت دری مختوم به -mēn- با درجه بلند می‌باشد. ساخت‌های بایی جمع taumaniš و arašaniš، ساخت‌های قیاسی هستند به جای abiš-، در صورت فاعلی ana^h-، وابستگی anām-، بایی abiš- (از -n-bhis^۳).

ساخت فاعلی manauviš فارسی باستان، احتمالاً ساختی است بجای *manas-vī^{*}، یعنی صورت فاعلی برپایه -vin- (مقایسه شود با صورت فاعلی bañ^۴ سنسکریت برپایه بن -balzn- «نیرومند»)، با -s- فاعلی در افزوده^۴.

پ ۱۸۸ - بن‌های مختوم به همخوان‌های انسدادی در فارسی باستان: این گروه از بن‌ها شامل بن‌های مختوم به napāt- «نوه» (، *tunvant-)*nt ، pad- «پا»، rād- «علت، سبب شدن» (، xšap-)*p ، θard- «سال»، «نیرومند» (،

«شب»، ap- «آب» مقایسه شود با (āpī-) k̄, (viθ-) «خانه»، vas- «خواستن» می شود.

I- صورت فاعلی $napā^t = napā$ سنسکریت $napāt$ از هندواروپایی آغازین $nepōt-s$ با افتادن آخرین همخوان خوشه پایانی در آریایی؛ یا $napā^h$ از صورت دوباره ساخته شده ایرانی $napās$ موجود در اوستا $napā$.

II- صورت فاعلی $tunuvā = tunvān$ با $ōnt$ - هندواروپایی آغازین (صورت فاعلی با واکه بلند) همانند یونانی $φερων$ «تحمل»، یا همان $s +$ فاعلی، همانند اوستا has «هستی» از ایرانی $hānt-s$ ، مقایسه شود با صورت فاعلی سنسکریت $sān$ از $sant-s$ ، هندواروپایی آغازین $s-ent-s$. صورت مفعولی صریح $tunuvantam = tunuvatam$ ، با پایانه با قاعده مفعولی صریح $-am$ از m - (پ ۶۷/II). صورت وابستگی $tunuvantahyā = tunuvantahyā$ ، با گذر به پایانه بن مختوم به $-o$ - و ابقای $-ant$ - پسوند، همانند صورت وابستگی مفرد مذکر $fšuyantō$ «فزاینده گله» در اوستا، علیرغم اوستا $hatō =$ سنسکریت $sat-ās$ ، صورت وابستگی مفرد مذکر هندواروپایی آغازین $sntés$ (یا $sntós$) «هستی»، با درجه قوی در صورت فاعلی مفرد مذکر $snt-s$.

III- صورت های مفعولی صریح $θardam$ ، وابستگی $θarda$ ، وابستگی $xšapa$ دری $padiy, rādiy$ - در $vasiy, ni-padiy$ (مراجعة شود به واژه نامه زیر مدخل مربوط)، همگی در صرف خود دارای پایانه های با قاعده هندواروپایی آغازین هستند: مفعولی صریح m ؛ وابستگی $-es$ یا $-os$ ؛ دری $-i$ ، بدون $-ā$ در افزوده، زیرا این ساخت ها به ترتیب به گونه حرف (اضافه) پیشایند، عبارت قیدی و قید عمل می کنند.

IV- صورت های مفعولی صریح $viθam$ ، بایی $viθā$ ، دری $viθiyā$ ، برپایه $-viθ$ از هندواروپایی آغازین $uik-$ نیز دارای پایانه های با قاعده هستند: مفعولی صریح m ، بایی $-ē$ یا $-ō$ ، دری $-i$ ، در اینجا با $-ā$ در افزوده، زیرا $viθiyā$ واقعاً دارای کاربرد دری است.

V- صورت بایی جمع $viθbiš$ و $abiš$ ، پایانه با قاعده $-bhis$ را نشان می دهند که در سنسکریت به شکل $-bhis$ ، در اوستا بصورت $-bīs$ دیده می شود؛ $-θb$ - به عنوان یک خوشه، زیر تاثیر بن جدا و پایانه (بنابر انتظار ما $-db$ - از $-k-bh$ -) باقی

می‌ماند، و -b- در *abiš* صورتی است به جای -bbh- از -p-bh-.

پ ۱۸۹ - صورت‌های صرفی تشبیه در فارسی باستان:

صورت فاعلی *ubā* «هر دو»، *uši* «دو گوش، هوش و گوش»؛ مفعولی صریح *gaušā* «دو گوش»، *ī - cā* [uš]؛

صورت بایی *dastaibiyā* «با دو دست»، *pādaibiyā* «با دوا»، *uštbiya*، *uštīyā*، *gaušāyā*^{۸۵}.

موارد فوق همگی مذکرند، به جز *uštīy* که خنثی است^{۸۶}.

ساخت فاعلی - مفعولی صریح بن‌های مختوم به -o-، به -ō- یا -ōu- هندواروپایی آغازین پایان می‌یابد، چنانکه در سنسکریت *ubhā ubhāu*، لاتین *am-bō*، فارسی باستان *gaušā* و *ubā*، دیده می‌شود. بن‌های خنثی مختوم به -i- نیز به -ī- پایان می‌یابند، همانگونه که در سنسکریت ودایی *aksī* «۲ چشم» با شمار تشبیه، لاتین *vi-ginti* «۲ ده تا»، ملاحظه می‌شود، و این -ī- در آریایی به بن‌های مختوم به همخوان گذر کرده است، همانند، سنسکریت *amānas-ī* شمار تشبیه برای *mānas* «اندیشه»؛ بدین ترتیب *uštīy* ساخت درستی است، و اینکه بن آن *uš-* است و یا *uši-*، نکته‌ای است که نمی‌توان آن را مشخص کرد.

صورت بایی *dastaibiyā* و *pādaibiyā*، بترتیب دارای بن‌های *dasta-* و *pāda-* همراه با عامل ضمیرواره جمع -ī- به اضافه پایانه بایی *-ā + bhi-*، است، همانند صورت برایی تشبیه اوستا *aspaēibya* «دو اسب» = *aspaibya**؛ در زبان‌های آریایی، ساخت‌های برایی، بایی، دری، در تشبیه یک صورت دارند. سنسکریت در این ساخت دارای *āsvābhyām* با *-bhyā* (همانند ایرانی) در افزوده به تشبیه مختوم به *-ā* به عنوان یک بن، و *-m*- پایانی متصل است؛ *uštbiyā* فارسی باستان نیز همین ساخت است برپایه *uštīy*، مقایسه شود با سنسکریت *aksībhyām* برپایه *aksī* «دو چشم». بنظر می‌رسد که *uštīyā* فارسی باستان، صورت بایی تشبیه‌ای (این واژه دارای همان کاربرد و معنی *uštbiyā* است) باشد که برپایه یک بن مثنی با پایانه بایی مفرد *-ā*- ساخته شده است؛ *gaušāyā* نیز دارای ساختی همانند *gaušā* است. در *uštīyā*، *ī* پیش از *-ā*، سبب ظهور نیم واکه -y- می‌شود، که به عنوان یک «جدا سازنده واکه»، به *gaušāyā* نیز گسترش

یافته است؛ نخستین ā در gaušāyā نشان می دهد که -T- در ušīyā نیز، بلند است.^{۸۷}

پ ۱۹۰ - صفات در فارسی باستان تمام کاربردها و ساخت های همیشگی و معمول خود را دارند. در مورد اعداد اصلی و ترتیبی، نگاه کنید به: پ ۲۰۴؛ برای شبه ضمیرواره -haniya-, haruva-, hama-, پ ۲۰۳؛ برای صفات اشاره و مشخص کننده که به گونه ضمائر نیز عمل می کنند، پ ۱۹۹، پ ۲۰۰، پ ۲۰۲؛ برای ضمیر موصولی، پ ۱۹۸؛ برای وجوه وصفی پ ۲۳۹-۲۴۴.

I- صفات در تمام طبقات بن ها یافته می شوند و پیشینه ساخت های صرفی آنها با اسامی مشترک است. معمول ترین نوع بن های صفتی، در جنس مذکر و خنثی به -o- و در جنس مونث به -ā- ختم می شوند: پایانه فاعلی هندواروپایی آغازین ā -om -os = فارسی باستان -ā -am -a^h (پ ۱۶۹ - پ ۱۷۶). بن های مختوم به -ī- عبارتند از: ušabārim (ma)iniš, yāumainiš aiš, -im -iskauθ-īš؛ بن های مختوم به -T- عبارتند از: مفعولی صریح مفرد [datim]yau، احتمالاً [daⁿtim]yau برپایه - yaudant مذکر و فاعلی جمع aθagainiya برپایه -aθagaina- (پ ۱۷۷-۹). بن های مختوم به -ū- عبارتند از: (خنثی paruv، وابستگی جمع parūnām)، فاعلی مفرد مذکر uvāmaršiyu-š و u-š [xšna]، مفعولی صریح مفرد مذکر visadahyu-m (پ ۳-۱۸۰). بن های مختوم به همخوان عبارتند از: artāvan-, manauvin-, tauvīyah-, hamapitar-, hamātar-, tunuvaⁿt-, artāvā, manauviš, tauviyā, hamapitā, tunuvā نیز با صورت مفعولی صریح مفرد tunuvaⁿtam و وابستگی مفرد tunuvaⁿtahyā متعلق به ساخت بن مختوم به -o- در آمده اند (پ ۸-۱۸۴).

II- کهن ترین گونه قیاس میان صفات، از طریق پسوندهای -ies-/-ios- برای صفت تفضیلی و -is-to- برای صفت عالی شکل می گرفته است؛ در حالت ایجاب، هردوی این پسوندها، بیشتر به ریشه افزوده می شدند تا بن صفت. مثال های زیر در فارسی باستان موجود است:

صفت تفضیلی، فاعلی مفرد مذکر: tauvīyā با -liōs- (پ ۴۸ برای -auv-)، برپایه صورت

ایجابی *tau-ma** «نیرومند»؛ مقایسه شود با سنسکریت، فاعلی مفرد مذکر *sthāvīyān* برپایه صورت ایجابی *sthū-rā* بن تفضیلی: *vah-yas-* در *vahyaz-dāta* (برای *z* نگاه کنید به: پ ۱۲۰)، برپایه صورت ایجابی *va^h-u-* «نیک»، سنسکریت *vāsu-*، مراجعه شود به واژه نامه، زیر مدخل *va^h-u-*.

صفت عالی، فاعلی مفرد مذکر: *maθiṣṭa* «بزرگترین». مفعولی صریح مفرد مذکر *maθiṣṭam* با *-isto-*؛ مقایسه شود با اوستا *-masista*، یونانی *μᾶκistos* برپایه *μᾶκρός*.

صفت عالی، مفعولی صریح مفرد خنثی: *duvaiṣ[ta]m* به عنوان قید «برای مدتی طولانی»، سنسکریت *dāviṣṭha-* «دورترین»، صفت عالی برپایه فارسی باستان، اوستا و سنسکریت *dūra-* «دور».

III- نوع دوم قیاس، قیاسی است که از طریق اتصال پسوندها به بن صفت، همانگونه که در حالت ایجاب دیده شد، شکل می گیرد، این گونه قیاس در آریایی، با استفاده از *-tara-* و *-tama-* ساخته می شده است، مقایسه شود با یونانی *ταρος - τερος*، لاتین *ex-terus* و *ex-timus*. این گونه صفت تفضیلی در فارسی باستان در *fratarā-* و قید *apataram*، و صفت عالی در *fratama-* دیده می شود. صفت تفضیلی خنثی *fraθaram* دارای گونه دیگری پسوند با همخوان انسدادی دمشی است، همانگونه که در صفت عالی سنسکریت *prathamā* دیده می شود. پسوند صفت تفضیلی همانند آن، در آریایی *-ra-* (هندواروپایی آغازین *-ro-*) است، که در *apara-* ساخته شده برپایه قید موضعی فارسی باستان *apa-*، دیده می شود.

IV- صفات به کار رفته در فارسی باستان، صرفاً توصیفی و اسنادی نیستند، بلکه به عنوان اسم نیز مورد استفاده قرار می گیرند: بنابراین *skauθiṣ* «دوست داشتنی»، به صورت مذکر مفرد، «شخص دارای مقام والا»، معنی می دهد. این صفات در برخی از ساخت های صرفی، به عنوان قید عمل می کنند (پ ۱۹۱).

پ ۱۹۱ - قیود فارسی باستان در این جا فهرست شده است، البته به جز حروف ربط (همپایه، پ ۲۹۱؛ وابسته، پ ۲۹۳-۹) و حروف (اضافه) پیشایند و پیشوندهای فعلی، همراه با پیشوندهای جدا نشدنی (پ ۲۶۸ - پ ۲۷۱)، که در

جای خود بطور کافی مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ و برای اطلاعات بیشتر می‌توان به واژه‌نامه مراجعه نمود. این قیود ممکن است همانند زبانهای دیگر، دارای معنی موضعی، زمانی، وجهی و ترتیب باشند؛ ما در این جا آنها را براساس ساخت آنها گروه‌بندی می‌کنیم:

I- قیود کهن:

منفی: naiy, mā (§292)

پایانه مختوم به i: apiy (نیز بصورت چسبان), diy, upariy, pati-y (نیز بصورت چسبان).

II-

قیودی که دارای پایانه‌های قیدی ویژه هستند:

مختوم به پایانه وجهی (آریایی آغازین) *thā:-

avaθā (cf. conj. yaθā), an]iyaθā.

مختوم به پایانه ازی (هندواروپایی آغازین) *tos:-

amata, paruviyata, fravata

مختوم به پایانه دری (هندواروپایی آغازین) *ta:-

citā (cf. conj. yātā)

مختوم به پایانه دری (هندواروپایی آغازین) *dhe:-

ada-, avadā, idā, dūrada-, vi[s]padā.

مختوم به پایانه ازی (فارسی باستان) *ša:-

avadaša, dūradaša, احتمالاً → avaθāša-.

A

III-

صورت‌های صرفی به عنوان قید:

مفعولی صریح خنثی:

apataram, aparam, çitīyam, dargam, ragam, daršam,

duvaištam, nūram, paranam, paruvam, duvitīyam, -ciy,

[duruxta]m (DB 4.89);

ترکیبیات duvita-paranam (جزء اول در حالت بایی), fra-haravam (جزء

اول قید), ha-karam (جزء اول عدد جدا نشدنی), hyā hyāparam در حالت

ازی بعلاوه aparam؛ مقایسه شود با حرف ربط yad-iy.

بایی:

avā (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل
مربوطه)؛ مقایسه شود با dūvitā در بالا.
ازی:
احتمالاً hyā (مقایسه شود با hyāparam در بالا).
دری:

IV- yāniy. → مقایسه شود با حرف ربط -kaiy; vasiy, dūrai, ašnaiy.
احتمالاً قیود تشکیل شده از حرف (اضافه) پیشایند + صورت مفعولی صریح یا
دری، و نیز تشکیل شده از صورت مفعولی صریح یا وابستگی + حرف (اضافه)
پسایند:

abiy-aparam (صورت نوشتاری) → ab^ayapara), pati-padam,
para-draya (نیز به صورت دو واژه), pasāva *pasā ava ni-padiy.
yad-ā. → مقایسه شود با حرف ربط ava-parā, avahya-rādiy.

پ ۱۹۲ - ضمائر فارسی باستان عبارتند از موارد زیر، که هریک به ترتیب
فهرست ارائه شده، مورد بحث قرار خواهد گرفت:

- الف) ضمائر شخصی: adam «من»، tuvam «تو».
ب) ضمائر سوم شخص متصل: di-, ši-.
پ) ضمیر فاعلی سوم شخص: hauv.
ت) بازمانده ضمیر موصولی هندواروپایی آغازین: *io.
ث) ضمیر موصولی و حرف تعریف فارسی باستان: hya hyā tya
ج) ضمیر اشاره iyam ima و مکمل‌های آن
چ) ضمیر اشاره ava- «آن».
ح) ضمیر پرسشی - مبهم هندواروپایی آغازین: *q^ui- *q^uo-.
خ) ضمیر اشاره aita- «این».
د) ضمیر اشاره ama- «آن»، تنها در قید amata «از آنجا»؛ نگاه کنید به
واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه
ز) ضمیر انعکاسی ^huva، ضمیر و صفت ملکی سوم شخص، تنها در
ترکیبات؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل uva-.

(ر) صفات ضمیرواره: *aniya* «دیگر»، *haruva* «همه»، *hama-* «هم»

پ ۱۹۳ - ضمیر اول شخص.

- I- فاعلی مفرد: *adam*، اوستا *azəm*، برابر با هندواروپایی آغازین **eghom* یا **egom*؛ انتخاب یکی از این دو صورت به عنوان اصل نمی‌تواند قابل تشخیص باشد، اعم از اینکه ساخت‌های ایرانی در داشتن *gh* زیر تاثیر صورت برایی **meghi* (سنسکریت *māhy-am*، لاتین *mihī*) با صورت *ahám* در سنسکریت مطابقت کنند و یا اینکه، گسترش آوای دمشی به هندی باستان محدود شده، و زبان‌های ایرانی *g* غیر دمشی هندواروپایی آغازین را حفظ کرده و بنابراین با لاتین *ego* و یونانی *εγω* مطابقت داشته باشند.
- II- مفعولی صریح مفرد: *mām* در داشتن پایانه مفعولی صریح *-m* اسامی در افزوده به **mē* هندواروپایی آغازین که ساختی تکیه بر بوده است، با *mām* سنسکریت مطابقت دارد: پی‌بست مفعولی صریح *mā* - احتمالاً همان مورد فوق است بدون *-m*، زیرا در سنسکریت نیز *mā* به عنوان یک پی‌بست وجود دارد (هرچند که *mā* - فارسی باستان و *mā* اوستا می‌تواند برای پی‌بست **mē* هندواروپایی آغازین و *με* یونانی آمده باشد، زیرا فارسی باستان، *ā* پایانی و اوستا تمام واکه‌ها را در واحدهای تک سیلابی بلند می‌نویسد).
- III- وابستگی مفرد: *manā*، گاهی پیش از پی‌بست‌ها بصورت *manā* بجای آریایی آغازین **mana*، اوستا *mana* می‌آید، مقایسه شود با سنسکریت *māma* همراه با همگون سازی همخوانی: پسوند حالت *-na* که در تعدادی از زبانهای غیر هندوایرانی ظاهر می‌شود، دارای اصلی نامعین است، اما احتمال دارد که از حالت بایی منتقل شده باشد (فارسی باستان *tyanā*؛ سنسکریت *kāmena*، حالت بایی برپایه *kāma* «کام»). پی‌بست وابستگی *mai* - (نوشته شده در *A²Sa* بصورت *-ma*، پ ۵۲/۱) بجای هندواروپایی آغازین **moi*، پی‌بست وابستگی - برایی در اوستای گاهانی *moi*، سنسکریت *me*، یونانی، حالت برایی *μοι*، آمده است.
- IV- پی‌بست ازی: *-ma*، از هندواروپایی آغازین **med*، اوستا *mat*، سنسکریت *mat*، آمده است، مقایسه شود با **mēd* تکیه بر هندواروپایی آغازین در لاتین باستان *mēd*، لاتین کلاسیک *mē*.

- V فاعلی جمع: vayam، از هندواروپایی آغازین *uei بعلاوه -om- که از ضمائر دیگر از قبیل tuvam, adam گرفته شده، آمده است، سنسکریت vayām، اوستا vaēm، مقایسه شود با گوتیک wei-s همراه با -s جمع ساز.
- VI وابستگی جمع: amāxam با ahmākəm اوستا مطابقت می‌کند. سنسکریت asmākam، صفت خنثی با عملکرد وابستگی، از بن موجود در سنسکریت با حالت بایی بصورت asmābhiṣ، دری asmāsu. منشاء دمشی که در فارسی باستان سبب ظهور -x- می‌شود نا شناخته است.

پ ۱۹۴ - ضمیر دوم شخص.

- I فاعلی مفرد: tuvam، همان tuvām سنسکریت است، از هندواروپایی آغازین *tū بعلاوه -om- (گسترش یافته از ضمیر اول شخص adam و غیره): tuva بدون m، پ ۵۲/V.
- II مفعولی صریح مفرد: θuvām همان tvām سنسکریت است، از هندواروپایی آغازین *tuē بعلاوه -m مفعولی صریح اسامی (مقایسه شود با mām «مرا»).
- III پی‌بست وابستگی: -taiy، همان صورت وابستگی - برای te سنسکریت است، هندواروپایی آغازین *toi؛ -tay، پ ۵۲/II.

پ ۱۹۵ - ضمائر متصل سوم شخص.

- I مفعولی صریح: -šim، عبارت است از مفعولی صریح هندواروپایی آغازین -sT*، در ساخت سندهی آریایی آغازین با š پس از -i و -u پایانی (پ ۱۷۱)؛ sTm سنسکریت دارای واکه بلند است؛ hTm اوستا دارای h آریایی آغازین است که خود پیش واکه‌ای متعارف است، اما واکه بلند آن مهم نیست زیرا در اوستا معمولاً پیش از -m پایانی بصورت بلند نوشته می‌شود^{۸۸}. صورت وابستگی - برای šaiy -، برپایه -šim، از طریق قیاس با اول شخص -mai- و دوم شخص -taiy ساخته شده است. صورت ازی ša^۱- تنها به عنوان پسوندی برای قیود ازی به کار می‌رفته است؛ و در ساخت قیاسی است براساس اول شخص -ma^۱، اوستا -mat، سنسکریت māt و نیز دوم شخص اوستا θwat، سنسکریت tvāt؛ اما DB 1.50 -šim، بصورت ازی عمل می‌کند. صورت‌های مفعولی صریح

جمع *-šiš* (اوستا *hš*) و وابستگی *-šām*، از طریق قیاس ساخته شده‌اند، اگرچه *-šim* برای ارجاع به مرجع جمع نیز بکار می‌رفته است.

II-

مفعولی صریح: *-dim* (اوستا *dīm*)، که در عملکرد تفاوتی با *-šim* ندارد، به نظر می‌رسد که براساس تقسیم بندی غلط در برخی ترکیبات همانند *pasāvadim* (مقایسه شود با *DNa 33* که در آنجا ما واژه را به *pasāva-dim* بخش می‌کنم)، که در آن *-im* شناسه مفعولی صریح برپایه **is*، لاتین *is* «این، او» بوده، بوجود آمده است. شناسه مفعولی صریح جمع *-diš* (اوستا *dīš*) از طریق قیاس با *-šiš* شکل گرفته است و گاهی اوقات نیز بصورت یک واژه جدا نوشته می‌شود (*DB 4.34,35,36*)؛ در مورد قرائت غلط شناسه مفعولی صریح جمع *daiy* (*DB 5.11*) نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل *daiy*.

III-

-šiš و *-diš* تنها ساخت‌های مفعولی صریح جمع فارسی باستان هستند که از نظر پایانه حالت از دیگر ساخت‌ها متفاوتند؛ تمام ساخت‌های دیگر مفعولی صریح جمع فارسی باستان، همان ساخت فاعلی جمع هستند که یا از طریق تحول آوایی و یا از طریق قیاس با یکدیگر همسان شده‌اند. ساخت *-šiš*، که *-diš* بنابر قیاس از روی آن ساخت شده، باید کهن‌تر از ادغام دو مجموعه از ساخت‌ها باشد و در واقع *-š* - خود را از *-ns* مفعولی صریح جمع هندواروپایی آغازین گرفته که در هندواروپایی آغازین، پس از واکه‌های بلند به *-s* تقلیل یافته است، همانند مفعولی صریح جمع سنسکریت *sénās* «سپاهیان»، *devīs* «الهی‌ها»، *vadhūs* «زنان»، مقایسه شود با پی‌بست مفعولی صریح جمع مذکر، **š* در مصدر مختم به *-i* اوستای گاهانی. بدین ترتیب ما نمی‌توانیم مشخص کنیم که *-šiš* و *-diš* بیشتر واکه کوتاه داشته‌اند تا واکه بلند. دلیل نگهداری این ساخت‌های متمایز این است که این بن‌ها از ساخت‌های فاعلی که بتوانند از راه قیاس دارای عملکرد مفعولی صریح شوند، برخوردار نبوده‌اند.

پ ۱۹۶ - ضمیر سوم شخص *hauv*، که بصورت یک صفت نیز عمل می‌کند،

عبارت است از *so** هندواروپایی آغازین بعلاوه ادات **u*؛ نیز نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه. *so** خود عبارتست از صورت فاعلی مفرد مذکر ضمیر اشاره **sā tod* *so** هندواروپایی آغازین که در اوستا بصورت *hō hā tat*، در سنسکریت بصورت *sā-s sā tād*، و در یونانی به شکل *ὁ τὸ* دیده می‌شود. *hauv* فارسی باستان هم به گونه فاعلی مفرد مذکر (از *so-u**) عمل می‌کند و هم

بصورت فاعلی مفرد مونث (از *sā-u) (پ ۱۳۱)؛ این ضمیر پیش از یک ضمیر متصل بصورت hau- و یا hauv- نوشته می‌شود (پ ۱۳۷). ساخت hauvam (DB 1.29) عبارتست از hauv+am از صورت tvam, adam و غیره، با حفظ v- پس از الگوی hauv بصورت جدا.

همین ضمیر اشاره هندواروپایی آغازین، احتمالاً در پی چسب مفعولی صریح جمع مذکر tā- در avaθāša-tā (DB 4.72) نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل (ta-) و نیز به عنوان جزء نخست در tya, hyā,hya (پ ۱۹۸).

پ ۱۹۷ - ضمیر موصولی io- هندواروپایی آغازین در فارسی باستان بعنوان جزء دوم در hya hyā tya (پ ۱۹۸)؛ در صورت فاعلی - مفعولی صریح خنثی yaciy «آنکه» از iōd-q'id؛ و نیز در حروف ربط وابسته yātā yaθā, yaniy yadiy, yadā, yāvā، باز مانده است، ساخت هریک از آنها در واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه آمده است.

پ ۱۹۸ - ضمیر موصولی و حرف تعریف hya, hyā, tya فارسی باستان

در مقابل صورتهای متقدم *syas syā tyad که خود آمیزه‌ای از ضمیر اشاره *sa sā tad (هندواروپایی آغازین *so sā tod) و ضمیر موصولی *ias iā iad (هندواروپایی آغازین *ios iā iōd) هستند و در اوستا برابر آنها دیده نمی‌شود، قرار می‌گیرند. ضمیر اشاره سنسکریت و دایی syā-s syā tyād علی‌رغم اینکه از نظر آوایی با مورد فوق همسان است، اما در معنی تمایز دارد و بنظر می‌رسد نوعی گسترش (i)ios - از ضمیر اشاره کهن مذکور باشد، که جانشینی پایانه‌های خود ضمیر اشاره را عهده‌دار شده است (Lg. 20.1-6).

صورت‌های موجود در فارسی باستان به شرح زیر عبارتند از:

		مذکر	مونث	خنثی
مفرد	Nom.	hya	hyā	tya
	Acc.	tyam	tyām	tya
	Inst.			tyanā
مثنی	Nom.	tyā		

جمع	Nom.	tyaiy tyai-	tyā tyaiy	tyā
	Acc.	tyaiy	tyā	tyā
	Gen.		tyaišām	

ضمیر موصولی فاعلی مفرد در هندواروپایی آغازین، همانگونه که در بالا آمد، در حالت فاعلی مفرد بصورت $hya^h hyā tya^d$ نشان داده می شود. صورت های دیگر از صرف معمولی -o/-ā- تبعیت می کنند، بجز موارد زیر:

حالت بایی $tyanā$ دارای پایانه -na است، همانگونه که در سنسکریت $yéna$ اوستا $kana$ (برپایه اوستا -ka- «چه کسی؟») دیده می شود؛ صورت فاعلی جمع $tyaiy$ دارای ضمیرواره جمع -i است، همانند سنسکریت $yé$ از هندواروپایی آغازین $*ioi$ ، و این ساخت دقیقاً مذکر فاعلی، ممکن است بصورت مذکر مفعولی صریح و مونث فاعلی نیز عمل کند (به موازات صورت با قاعده مونث فاعلی $tyā$ ، سنسکریت $yās$)؛ ساخت وابستگی جمع $tyaišām$ دارای -i جمع بعلاوه ضمیرواره وابستگی جمع $sōm$ است، مقایسه شود با سنسکریت $yésām$ و به همان اندازه ای که برای مذکر بکار می رود، برای مونث نیز مورد استفاده قرار می گیرد (مثال مذکر موجود نیست).

در حالی که بن مذکور، با s آغازین اصیل، در اصل به ساخت فاعلی مفرد مذکر و مونث محدود می شد، گاهگاه گسترش از s- در ساخت های دیگر هم وجود دارد. در فارسی باستان دارای صورت ازی مفرد خنثی $hyā$ از آریایی آغازین $*siād$ به گونه قید در $hyā duvaištam$ و $hyāparam$ هستیم.

پ ۱۹۹ - ضمیر اشاره «این» در فارسی باستان، ترکیبی است از دو بن هر یک در دو ساخت: -i و -a-ima و -ahyā: تحولات آنها در زیر شرح داده شده است. ساخت های موجود عبارتند از:

		مذکر	مونث	خنثی
مفرد	Nom.	iyam	iyam	ima
	Acc.	imaṃ	imām	ima
	Inst.	anā		
	Loc.		ahyāyā	
جمع	Nom.	imaiy	imā	

Acc.	imaiy	imā	imā
Inst.			imaibiš
Gen.	imaišām		

بن -i همان است که در لاتین بصورت is، خنثی id، در هندواروپایی آغازین بصورت فاعلی مفرد is، خنثی id، دیده می شود؛ صورت فاعلی مفرد مونث احتمالاً *T بوده است که باافزایش am-(آریایی) از ضمایردیگر، صورت فاعلی مفرد مونث سنسکریت iyām، فاعلی مفرد مونث فارسی باستان iyam را می دهد و این در حالی است که این ساخت به عنوان مذکر نیز بکار رفته است. ساخت مفعولی صریح مفرد مذکر در هندواروپایی آغازین im است که با همین وند در سنسکریت بصورت imām در فارسی باستان به شکل imam و در اوستا بصورت iməm در می آید؛ از این مورد، بن ima- استخراج گردیده و سپس متناسب با پایانه های ضمیروار صرف شده است: خنثی imad، فارسی باستان ima، اوستا imat؛ فاعلی جمع مذکر imai، فارسی باستان imaiy، اوستا ime. ساخت های دیگر بر ساخته از این بن در صورت های صرفی با قاعده اند، اما در سنسکریت و اوستا، آنها به حالات فاعلی و مفعولی صریح محدود می شوند؛ در فارسی باستان -i جمع، پیش از پایانه صرفی در حالت بایی و وابستگی، نگهداشته می شود.

از صورت وابستگی مفرد مذکر *ahya (سنسکریت asyá، اوستای گاهانی ahyā، اوستای متاخر ahe) در فارسی باستان موجود، مثالی یافت نشده است، بن -ahya که برپایه آن بن مونث ahyā، و صورت دری مفرد مونث ahyāyā و نیز گاهی اوقات ahiyāyā شکل گرفته (پ ۲۷) در فارسی باستان استخراجی است. بن a- که *ahya براساس آن شکل گرفته، در هندواروپایی آغازین -e است، همانگونه که در لاتین بصورت خنثی ed در ec-ce «هان!» دیده می شود؛ همچنین برپایه آن، صورت بایی مفرد مذکر anā فارسی باستان و صورت اوستای گاهانی anā، با پایانه بایی -na که در tyanā دیده می شود نیز شکل گرفته است.

پ ۲۰۰ - ضمیر اشاره «آن» در فارسی باستان همانند اوستا -ava بوده است (در سنسکریت تنها بصورت وابستگی مثنی avòs). ساخت های موجود در فارسی باستان عبارتند از:

A

		مذکر	مونث	خنثی
مفرد	Nom.	ava		ava avaš-ci-y
	Acc.	avam	avām	ava avaš-ci-y
	Inst.			avanā
	Abl.	avanā		avanā
	Gen.	avahyā		
جمع	Nom.	avaiy	a[vā]	avā
	Acc.	avaiy		
	Gen.	avaišām		

صورت خنثی ava بجای *avad، با ضمیر واره d- قرار گرفته؛ و صورت avaš-ci-y نیز یک تولید سندهی است (پ ۱۰۵). صورت بایی مفرد خنثی avanā دارای پایانه بایی -na- است، همانند anā و tyanā. صورت ازی avanā بجای avasmād، با پایانه ضمیر گونه با قاعده ازی قرار گرفته است، همانند اوستا ahmāt، سنسکریت asmāt، برپایه بن -a-؛ در جائیکه *ava^hmā^d فارسی باستان پس از صورت بایی avanā بصورت avanā بازسازی شده است. ساخت‌های باقیمانده، ویژگی‌های جدیدی را نشان نمی‌دهند. قیود باز آمده از این بن عبارتند از:

avaθā, avadā, ava-parā, avahya-rādiy, pasāva (*pasā ava از).

پ ۲۰۱ - ضمیر پرسشی نامعین -q^ui-/*q^uo- هندواروپایی آغازین در فارسی باستان به ندرت ظاهر می‌شود. صورت فاعلی مفرد مذکر kaš-ci-y «هرکس»، عبارتست از q^uo-s، سنسکریت kas، اوستا kas-، بعلاوه پی‌چسب ci-y؛ صورت مفعولی صریح مفرد خنثی ciš-ci-y «هرچیز»، عبارتست از q^ui-d، یونانی τι لاتین quid، بعلاوه پی‌چسب ci-y: هر دو صورت با تحول سندهی مربوط به زبان مادی (پ ۱۰۵). پی‌چسب ci-y در هندواروپایی آغازین *q^uid، در سنسکریت cid، در اوستا čit-، در لاتین quid است، و غیره. نیز نگاه کنید به صورت‌های زیر، در واژه‌نامه:

acy, yacy, kā-, kaiy, citā, ci[nā], ciyākara-

پ ۲۰۲ - ضمیر اشاره -aita- «این» احتمالا عبارت بوده است از ضمیر اشاره

هندواروپایی آغازین -e* (پ ۱۹۹) بعلاوه نشانه اشاره ای -i- بعلاوه ضمیر اشاره -to* (پ ۱۹۶). در فارسی باستان، ما صورت فاعلی مفرد خنثی -مفعولی صریح مفرد خنثی aita (اوستا aētat، سنسکریت etāt) و مفعولی صریح جمع مونث aitā را می‌یابیم.

پ ۲۰۳ - صفات نیمه ضمیر گونه صفاتی هستند که در بعضی از گسترش‌ها به عنوان ضمائر قابل استفاده بوده، و بنابراین پاره‌ای از صورت‌های صرفی ویژه ضمائر را بخود می‌گیرند: برای مثال برخی از آنها عبارتند از، لاتین alter, ūnus و غیره، با صورت وابستگی در -tus، با حالت برایی در -ī، همانند hic, quī, is و غیره.

I- فارسی باستان -aniya، اوستا-ainya، سنسکریت -anyā «دیگر (از دوتا)» ساخت‌ها:

		مذکر	مونث	خنثی
مفرد	Nom.	aniya	aniyā	aniya aniyaš-ciy
	Acc.	aniyam	aniyām	
	Abl.	aniyanā		
جمع	Nom.	aniyai-ciy aniyāha	aniyā	
	Acc.		aniyā	
	Loc.		aniyāuvā	

در میان این ساخت‌ها، صورت فاعلی مفرد خنثی aniya دارای -d است، همانند سنسکریت anyād اوستا، قید ainyat «بجز»؛ ساخت aniyaš-ciy دارای همان تحول سندهی است که در ciš-ciy, avaš-ciy دیده می‌شود. صورت ازی aniyāna همانند صورت ازی avanā تحول یافته است (پ ۲۰۰)؛ مقایسه شود با صورت ازی سنسکریت anyāsmād. ساخت فاعلی جمع مذکر -aniyai دارای ضمیرواره جمع -i- است؛ صورت aniyāha دارای پایانه مضاعف است همانند bagāha که آنرا توصیف

می‌کند (پ ۱۰). ساخت دری *aniyāuvā* برابر است با سنسکریت *anyāsu*، با حرف پسایند در افزوده *-ā*؛ مقایسه شود با *maškāuvā* (پ ۱۷۵۶).

II- فارسی باستان *haruva-* «همه» (اوستا-*haurva* سنسکریت *sárva-*) دارای صورت فاعلی مفرد خنثی *haruva*؛ مفعولی صریح مفرد خنثی *haravam* در قید *fraharavam* (با نوشتار بی‌قاعده *-rv* - پ ۲۶) است؛ صورت بایی مفرد مونث *haruvahyāyā* روی بن مونث *haruvahyā* برپایه صورت وابستگی مفرد مذکر **haruvahyā* ساخته شده است، سنسکریت *sárvasya* (*haruvahyāyā* یک صورت نوشتاری ناقص است و بلندای واکه را نشان نمی‌دهد)، مقایسه شود با ساخت بایی مفرد مونث *ahyāyā* (پ ۱۹۹).

III- فارسی باستان *hama-* «هم» (اوستا *-hama* سنسکریت *śamā-*) تنها دارای ساخت وابستگی مفرد مونث *hamahyāyā* است که برپایه بن مونث *hamahyā* که خود استخراج شده از صورت وابستگی مفرد مذکر **hamahyā* بشمار می‌رود ساخته شده است. همانند صورت بایی مفرد مونث *ahyāyā* و *haruvahyāyā*. (قرائت من به شکل *hama* در DB 4.90 و 92 در JAOS 62.268-9 اشتباه است).

پ ۲۰۴ - اعداد (به صورت واژه) بندرت در فارسی باستان آمده‌اند، زیرا معمولاً با نشانه‌های عددی نشان داده می‌شوند (پ ۴۳). عدد واژه‌های نوشته شده به خط میخی در زیر بصورت کامل آمده است:

I- یک: مفعولی مفرد مذکر *aivam*، اوستا *-aēva*، یونانی قبرس *ofos* «تنها»، از هندواروپایی آغازین **oiuos*؛ احتمالاً مرکب از نشانه اشاره‌ای *-o*؛ بعلاوه *i* اشاری، بعلاوه پسوند *-uo-*، مقایسه شود با دیگر پسوندها، سنسکریت *éka-* «یک» از هندواروپایی آغازین **oiqo-*، و لاتین *ūnus*، گوئیک *áins* از هندواروپایی آغازین **oino-*، صورت هندواروپایی آغازین **sem* «یک» (یونانی، صورت خنثی *ev* «یک»، لاتین *sem-per* «همیشه») در ساخت ضعیف *sm* به صورت بخش نخست فارسی باستان *ha-karam* «زمانی» دیده می‌شود، مقایسه شود با سنسکریت *sa-krt* «یکبار»؛ احتمالاً پیشوند جدا نشدنی فارسی باستان *ha-*, *ham-* (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های

- مربوطه)، سنسکریت -sa, sam-، با مورد مذکور همانند است.
- II دو: صورت خنثی *duvitīyam* «بار دوم»، دقیقاً برابر است با سنسکریت *dvitīya-* «دوم»؛ که براساس **dui-* (سنسکریت *dvīs* «دوبار») بعلاوه پسوند ترتیبی *-to-* بعلاوه پسوند دیگر *-tīo-* ساخته شده است. بنظر می‌رسد که صورت بسیط *dvita-* با حالت بایی مفرد بعنوان بخش نخست *duvitā-paranam* «پیشین با دومی» یعنی «یکی پس از دیگری»، ظاهر شده باشد. بن *aniya* یا یکی از دوتا، دیگر، بقیه» همان است که در سنسکریت بصورت *anyā-* دیده می‌شود؛ مقایسه شود با یونانی *anPara-*، انگلیسی *other* با پسوند قیاس تفضیلی، نگاه کنید به: پ III/۱۹۰.
- III سه: صورت خنثی *çitīyam* «سومین بار» و نیز صورت حدسی مفعولی صریح مفرد مونث *[itām]*، به بن **tri-* «سه» ارتباط دارند، در اوستا *θritīm* (صورت نوشتاری برای *-tīyam*) «سومین بار»، و در یونانی *τρίτος* «سومین»، همانگونه که در فارسی باستان *duvitīyam* و *dvita-* خویشان همسانند (نگاه کنید به II)؛ سنسکریت *tritīya-* نیز دارای همان پسوند است اما برپایه شکل بسیطی از بن استوار است.
- IV نه: صورت فاعلی مفرد مذکر *navama* «نهم»، با سنسکریت *navamā-s* یکسان است، و از عدد ترتیبی هندواروپایی آغازین **neun*، سنسکریت *nāva*، به تقلید از **dek̑mos* برپایه **dek̑m* ساخته شده است، مقایسه شود با سنسکریت *dasamā-s* برپایه *dāsa*، لاتین *decimus* برپایه *decem* . *n-* موجود در "nine" نه، در عدد ترتیبی لاتین *nōnus* از **nouenos* نیز دیده می‌شود.
- V صد: ممکن است بخش نخست نام ایالت *θata-guš*، بن صورت هندواروپایی آغازین **kmtó-m* «۱۰۰» باشد، که البته این موضوع قطعیت ندارد، مقایسه شود با اوستا *satəm*، سنسکریت *satām*، لاتین *centum*.

فصل VI- بن‌ها و ساخت افعال

پ ۲۰۵- فعل در فارسی باستان طبقات ساختی پیش‌بینی شده و متعارفی را نشان می‌دهد، اگرچه برخی از آنها بندرت ارائه شده‌اند:

بن‌های زمان: مضارع، ماضی، نقلی، با ساخت‌های گوناگون.

حالت‌ها: معلوم، میانه، مجهول.

وجوه: اخباری، التزامی، تمنایی، تاکید، امری.

زمان‌ها: مضارع، ماضی استمراری، ماضی، ماضی نقلی.

اشخاص: اول شخص، دوم شخص، سوم شخص.

شمارها: مفرد، تثنیه، جمع.

مصدر: مضارع.

وجوه وصفی: صفت فاعلی معلوم، صفت فاعلی میانه، صفت مفعولی نقلی، صفت مفعولی آینده.

پ ۲۰۶- پیشوندهای فعلی

الف) قیدهای زیر که در کاربردهای حرف (اضافه) پیش‌بینی نیز ظاهر می‌شوند، در فارسی باستان بعنوان پیشوندهای فعلی یافت شده‌اند:

ā-, ati-, abi-, upa-, upari-, ni-, pati-, parā-.

ب) موارد زیر در آثار موجود فارسی باستان، نه بعنوان حروف (اضافه) پیش‌بینی، بلکه بعنوان پیشوندهای فعلی یافت شده‌اند:

apa-, ava-, ud-, nij-, fra-, vi-.

- A پ (پیشوندهای مضاعف، احتمالاً در دو شکل یافت شده‌اند):
 pati-ā- در patiyābaram در DB 1.68
 ava-ā- در avājaniyā در DB 1.51,52
 اما حتی این موارد نیز دارای ویژگی‌های مبهم هستند، مقایسه شود با JAOS 62.274-5.

- پ ۲۰۷ - ساخت‌های زمان مضارع که در فارسی باستان یافت شده‌اند انواع زیر را در برمی‌گیرند، این انواع در بخش‌های آینده مورد بحث قرار گرفته‌اند:
- الف) نوع سنسکریت .āsti.
 - ب) نوع سنسکریت .dádihāti.
 - پ) انواع سنسکریت .krñóti, krīnāti, vénati.
 - ت) نوع لاتین .jungit.
 - ث) نوع سنسکریت .prcchāti.
 - ج) انواع سنسکریت .bhávati, rudāti.
 - چ) انواع سنسکریت .náhyati, drúhyati.
 - ح) انواع سنسکریت .pātáyati, patáyati.
 - خ) نوع همراه با پسوند -ue-/-uo-.
 - د) نوع سنسکریت namasyati (جعلی)

پ ۲۰۸ - دستگاه زمان مضارع نوع سنسکریت āsti: در این دستگاه بن، ریشه برهنه، فاقد ادات ماده ساز، بدون پسوند، و نیز فاقد فرآیند مضاعف سازی است؛ ریشه در حالت مفرد اخباری معلوم و نیز مفرد امر معلوم دارای درجه قوی بوده (بجز زمانیکه پایانه شخص، *dhi- هندواروپایی آغازین باشد)، و در ساخت‌های دیگر از درجه ضعیف برخوردار است، مگر اینکه همترازی جانشینی از این امر ممانعت کند:

هندواروپایی آغازین *ei-ti «او میرود»، فارسی باستان aitiy سنسکریت éti ؛ *i-te «شما بروید»، فارسی باستان itā- در paraitā، سنسکریت itā ؛ *i-dhi «توبرو»، فارسی باستان idiy- در parīdiy، سنسکریت ih- ؛ ماضی استمراری *ēi-m «من

رفتم»، فارسی باستان āyam- (بجای -am، پ ۶۷/II) در nij-āyam [up]-āyam، سنسکریت āyam؛ ماضی استمراری سوم شخص مفرد فارسی باستان āiš (در مورد -š، پ ۲۲۸/III) و atiy-āiš؛ ماضی استمراری سوم شخص جمع با واکه ماده ساز از اول شخص مفرد، فارسی باستان āyaⁿ در apariyāyaⁿ، āišaⁿ (در مورد -šaⁿ، پ ۲۳۲/III) در patiy-āišaⁿ، میانه āyaⁿtā از ā-āyaⁿtā.

هندواروپایی آغازین es-mi «من هستم»، فارسی باستان a^hmiy، سنسکریت ās-mi «او هست»، فارسی باستان astiy، سنسکریت āsti؛ s-enti «آنها هستند»، فارسی باستان haⁿtiy، سنسکریت sānti؛ آریایی آغازین s-mas-i «ما هستیم»، سنسکریت smās-i، فارسی باستان a^hmahy (با درجه کامل ریشه گسترش یافته از مفرد)؛ ماضی استمراری es-m «من بودم»، در تحول پیش واکه‌ای سنسکریت āsam، فارسی باستان āham، در جایی همراه با واکه ماده ساز سوم شخص مفرد فارسی باستان āha¹، اوستا aⁿhat، سوم شخص جمع فارسی باستان āhaⁿ، سنسکریت āsam، حالت میانه فارسی باستان āhaⁿta (و āhaⁿta، پ ۳۶/IV).

هندواروپایی آغازین g^uhen-ti «او نابود می‌کند»، فارسی باستان jaⁿtiy، سنسکریت hānti؛ eg^uhen-t «او نابود کرد»، فارسی باستان ajaⁿ، سنسکریت āhan؛ دوم شخص مفرد امر g^uhn-dhi، فارسی باستان jadiy؛ سنسکریت jah¹؛ نیز دوم شخص جمع امر g^uhn-te، فارسی باستان jatā، و سوم شخص مفرد ماضی استمراری میانه g^uhn-to، فارسی باستان patiy-ajatā؛ ماضی استمراری eg^uhen-m، فارسی باستان ajanam، سنسکریت āhanam (با تحول پیش واکه‌ای m، پ ۶۷/II)، در جایی با واکه ماده ساز سوم شخص جمع فارسی باستان ajanaⁿ- در avājanaⁿ و شاید صورت باز ساخته سوم شخص جمع التزامی vi-janātiy.

آریایی آغازین k(h)an «حفری کردن»، در سوم شخص جمع ماضی استمراری فارسی باستان viy-akaⁿ، سوم شخص مفرد امر فارسی باستان ni-kaⁿtuv. آریایی آغازین pā- «پاییدن»، سنسکریت pāti «او می‌پاید»، فارسی باستان دوم شخص مفرد امر pādiy، سوم شخص مفرد و جمع امر pāⁿtuv، pātuv. ایرانی آغازین xšau-ti، فارسی باستان xšnautiy-ā «او خشنود می‌کند»، امر

*xšnu-dhi، فارسی باستان ā-xšnudi «توبشنو».
هندواروپایی آغازین *g^uem- در وجه تمنایی سنسکریت gam-yāt، فارسی باستان ā-jamiyā^t (مقایسه شود با: پ ۱۰۱).
هندواروپایی آغازین *bhu-iiēt برپایه ریشه *bheu-، در فارسی باستان biyā^t، مقایسه شود با اوستا buyāt از *bhu-iēt؛ در مورد نبود -u-، پ ۱۱۴.

پ ۲۰۹ - دستگاه زمان مضارع نوع سنسکریت dādhati:

در این دستگاه، بن، همان ریشه، فاقد ادات ماده ساز، بدون پسوند، دارای فرایند مضاعف سازی است؛ درجات گردش واکه‌ای ریشه همان است که در نوع قبل گفته شد:
هندواروپایی آغازین - dhē «گذاشتن، ساختن»؛ ماضی استمراری فارسی باستان adadā، سنسکریت ādadhāt، یونانی ετιθη
هندواروپایی آغازین - dō «دادن»؛ امر فارسی باستان dadātuv، سنسکریت dādātu، یونانی διδοτω
هندواروپایی آغازین -sta- «قرار دادن»، (میانه) «ایستادن»؛ ماضی استمراری میانه فارسی باستان a^hištata، سنسکریت ātisthata، هر دو احتمالاً به نوع دارای ادات ماده ساز تغییر می‌کنند (پ ۲۱۳)، یونانی ιοτατο
هندواروپایی آغازین -dhī- «اندیشیدن، دیدن»، در امر سنسکریت dīdīh، فارسی باستان dīdīy (با حذف به قرینه، پ ۱۲۹).

پ ۲۱۰ - دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت krñōti, krīñāti, vēnati:

در این دستگاه، بن، همان ریشه (معمولاً) با درجه ضعیف بوده، و با پسوندی همراه است که با یک آوی غنه‌ای آغاز می‌شود.

پسوند، -neu- است که بصورت -nu- نیز تغییر می‌کند:

آریایی آغازین *kr-nau- در فارسی باستان kunautiy، سنسکریت krñōti، امر فارسی باستان kunautuv، سنسکریت krñōtu، ماضی استمراری فارسی باستان akunavam (پ ۲۲۶/II)، akunauš (پ ۲۲۸/III)، سنسکریت

ákr̥navam . ákr̥not ؛ با واكه ماده ساز، فارسی باستان سوم شخص جمع معلوم ⁿakunavaⁿtā، میانه ⁿakunavaⁿtā.

آریایی آغازین -dhr̥š-nau- در فارسی باستان adaršnauš، سنسکریت ádhr̥ṣnot. آریایی آغازین -ur-nau- در سنسکریت vr̥nóti ؛ با ادات ماده ساز در ماضی استمراری میانه فارسی باستان avarnavatā، امر میانه varnavatām.

آریایی آغازین -tu-nau-/-nu- در مضارع tunauti، وجه وصفی فاعلی مفرد مذکر فارسی باستان tunuv-ā، مفعولی صریح مفرد مذکر aⁿtam-، وابستگی مفرد مذکر aⁿtahyā-.

در مورد danu[taiy] به عنوان گونه جانشینی برای danu[vatiy]، نگاه کنید به: پ ۲۱۶ ؛ در مورد ā-xšnautiy و اشكال مربوطه، نگاه کنید به: پ ۲۰۸.

-II پسوند، -nā- است كه با -nə- جانشینی دارد:

ماضی استمراری فارسی باستان adīnā^t «ستاند»، مقایسه شود با اوستا zināiti «او آسیب می‌رساند»؛ اول شخص مفرد فارسی باستان adīnam با -nā- همانند ساخت دارای ادات ماده ساز.

فارسی باستان، ماضی استمراری adānā^t، سنسکریت ājānāt «او می‌دانست»، از -gnnā-؛ مگر اینکه از gnō-nā با درجه كامل ریشه و نبود n ناهمگون مقدم، باشد (پ ۶۸).

-III پسوند، -ne-/-no- ماده ساز است:

هندواروپایی آغازین -ueid-ne-/-no- در فارسی باستان vaināmiy «من می‌بینم»، سوم شخص مفرد vainatīy، میانه vainataiy ؛ سنسکریت vénāmi «من میل دارم»، vénate, vénati.

پ ۲۱۱ - دستگاه زمان مضارع نوع لاتین jungit:

A در این دستگاه، بن، همان ریشه با درجه ضعیف بوده و با میانوند قابل گردش -ne-/-n- همراه است: سنسکریت yu-nā-k-ti «او پیوند می‌دهد»، جمع yu-ñ-j-ānti، برپایه ریشه -ieug-/*iug-. در بعضی زبان‌ها، صورت‌های صرفی با ساخت جمع هماهنگ گردیده‌اند، و بن بصورت تمایتک، ساخته شده است؛ بنابراین لاتین jungit و jungunt. این همان وضعیتی است كه در ریشه آریایی -mauth-، مضارع سنسکریت

^{۸۹}munṭhate «او می‌گریزد»، ماضی استمراری فارسی باستان ^۱amuⁿθa «او گریخت» و احتمالاً در آریایی -pais*، مضارع سنسکریت pisāti، ماضی استمراری سوم شخص جمع فارسی باستان ⁿapiθa (DSf 54) نیز وجود دارد. همین ساخت در سنسکریت vi-n-dāti «می‌یابد»؛ صفت فاعلی فارسی باستان -riⁿda^۱ که جزء نخست vidafarnā «ویدفَرَن» را تشکیل می‌دهد، دیده می‌شود.

پ ۲۱۲ - دستگاه زمان مضارع نوع سنسکریت prcchāti:

در این دستگاه، بن دارای پسوند ماده ساز -sṛke/-sṛko-، و ریشه در حالت معمولی دارای درجه ضعیف است؛ اما بعضی از افعال دارای درجه قوی گسترش یافته از بن‌های دیگر هستند:

هندواروپایی آغازین -prek*، مضارع -prk-ske*، فارسی باستان parsāmiy «کیفر می‌دهم»، سنسکریت prcchāmi «می‌پرسم»، ماضی استمراری فارسی باستان aparsam، سنسکریت āprccham؛ امر فارسی باستان parsā، سنسکریت prcchā.

هندواروپایی آغازین -iem* «رسیدن»، مضارع -im-sṛke*، سنسکریت yācchati؛ ماضی استمراری میانه فارسی باستان āyasatā (برپایه ā-yam).

هندواروپایی آغازین -tres* در سنسکریت trāsati؛ مضارع -tr-sṛke*، فارسی باستان tarsatiy «می‌ترسد»، جمع ⁿtarsa، ماضی استمراری ^۱atarsa، جمع ⁿatarsa، تاکید اول شخص مفرد tarsam.

هندواروپایی آغازین -gnō*، مضارع -gnō-ske*، لاتین gnōscit «می‌آموزد»؛ التزامی فارسی باستان xšnāsāhy، xšnāsātiy، لاتین (آینده اخباری) gnōscet، gnōscēs.

هندواروپایی آغازین -r* در مضارع -r-sṛke*، سنسکریت rcchāti؛ -re-sṛke*، فارسی نو rāsāḍ «رسد»، ماضی استمراری فارسی باستان arasam «رفتم»، سوم شخص مفرد arasa - در ^۱parārasa.

پ ۲۱۳ - دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت bhāvati، rudāti:

در این دستگاه، بن شامل ریشه مختوم به -e/-o- ماده ساز می‌شود؛ ریشه در

حالت معمولی چنانکه تکیه بر باشد، دارای درجه قوی و چنانچه واکه ماده‌ساز تکیه بر باشد، دارای درجه ضعیف خواهد بود:

هندواروپایی آغازین **bhere-*، سنسکریت *bhárati*؛ فارسی باستان *baraⁿtiy* «می‌برند»، سنسکریت *bháranti*؛ ماضی استمراری فارسی باستان *abaram*، سوم شخص مفرد *abara¹*، سوم شخص *abaraⁿ*، *abaraⁿtā*؛ میان *abaraⁿtā*؛ امر سوم شخص مفرد *baratuv*، در ترکیبات، سوم شخص مفرد مضارع *ā-baratiy*، دوم شخص مفرد امر *pari-barā*.

هندواروپایی آغازین **bheue-*، سنسکریت *bhávati*، فارسی باستان *bavatiy* «می‌شود»، سوم شخص جمع *bavaⁿtiy*، ماضی استمراری *abavam*، *abava¹*، *abavaⁿ*. هندواروپایی آغازین **pete-*، سنسکریت *pátati* «می‌برد»، ماضی استمراری میان *udapatatā* «برخاست، شورش کرد».

هندواروپایی آغازین **iage-*، سنسکریت *yājati* «می‌ستاید»؛ حالت میان *yadataiy*، ماضی استمراری اول شخص مفرد *ayadaiy*، سنسکریت *āyaje*. هندواروپایی آغازین **reghe-* (یا **redhe-*، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، سنسکریت *rahatī* «ترک می‌کند»؛ تاکید دوم شخص مفرد فارسی باستان *ava-radaⁿ*.

هندواروپایی آغازین **qieue-*، سنسکریت *cyávati* «حرکت می‌کند»، ماضی استمراری فارسی باستان *ašiyavam* «رهسپار شدم»، *ašiyava¹*، *ašiyavaⁿ*. هندواروپایی آغازین **ke(n)se-*، سنسکریت *sāsati* «می‌ستاید»، فارسی باستان *θātiy* (پ ۱۳۱) «می‌گوید»؛ ماضی استمراری فارسی باستان *aθaha¹*، *aθaham*.

هندواروپایی آغازین **neie-*، سنسکریت *náyati* «راهبری می‌کند»؛ ماضی استمراری فارسی باستان *anayam* - در *anaya¹*، *anayaⁿ*، سوم شخص مفرد میان *anayatā*.

هندواروپایی آغازین **mr̥de-*، سنسکریت *mṛdāti* «از میان می‌برد»، فارسی باستان *vi-mardatiy*، ماضی استمراری *viyamarda¹* (مقایسه شود با: پ ۴۴).

هندواروپایی آغازین **sr̥ge-*، سنسکریت *sr̥jāti* «رها می‌کند»؛ ماضی استمراری فارسی باستان *ava-har[da]* (بدون افزونه).

هندواروپایی آغازین **sn̥ge-*، سنسکریت *sájati* «می‌آویزد»، یا **sen̥ge-* (تکیه در ریشه با درجه ضعیف در سنسکریت بی‌قاعده است)؛ ماضی استمراری

فارسی باستان ahajam- (یا ? ahaⁿ jam-) در frāhajam نیز با ریشه های قوی: فارسی باستان kana- در ماضی استمراری avākanam ؛ gauba- در صورت میانه gaubataiy، ماضی استمراری agaubatā، جمع ؛ taxša- agaubaⁿtā در صورت میانه ha^mtaxšataiy، ماضی استمراری hamataxšaiy hamataxšatā، hamataxšaⁿtā ؛ yauda- (اوستا yaozaiti)، در ماضی استمراری ayauda^t، ayaudaⁿ، وجه وصفی [yau[daⁿtim] ؛ ظاهرأ vaja- در avajam، raxθa- در امر raxθatuv، آمده است.

آریایی آغازین *kšaia- در سنسکریت kṣāyait «در اختیار دارد»، ماضی استمراری فارسی باستان patiy-axšayaiy «حکمرانی کردم»، وجه وصفی xšayamna «حکمران»؛ مگر اینکه این مورد بیشتر از هندواروپایی آغازین *qPə-ie- باشد (پ ۲۱۴) تا *qPē-، که در یونانی *kektynuai «در اختیار دارم»، نیز دیده می شود. آریایی آغازین *gTua-، فارسی باستان *Tva- نگاه کنید به: پ ۲۱۶.

پ ۲۱۴ - دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت náhyati, drúhyati :

در این دستگاه، پسوند -ie-/-io-، به ریشه، اعم از درجه قوی یا درجه ضعیف افزوده می شود؛ این پسوند می تواند با پسوند حالت مجهول که تکیه بر است، همسان باشد (پ ۲۲۰)، بدین ترتیب این نوع، صرفاً مجهول است که در معانی معلوم (یا میانه) بکار رفته، و معمولاً با تغییر تکیه در هجای ریشه همراه است. بنظر می رسد که صورت های همراه با ریشه قوی، ساخت های متأخری باشند که از افزایش مستقیم پسوند بی تکیه به ریشه ها بوجود آمده اند.

هندواروپایی آغازین *dhreugh-: آریایی آغازین *drughia در سنسکریت drúhyati «می فرید»، ماضی استمراری فارسی باستان *adurujiya^t، جمع *adurujiyašaⁿ. هندواروپایی آغازین *men-: آریایی آغازین *mania- در سنسکریت mányate «می اندیشد»، فارسی باستان اول شخص مفرد *maniyaiy، ماضی استمراری amaniyaiy.

هندواروپایی آغازین *mer-: آریایی آغازین *mrīe- یا *mrīie- در سنسکریت mriyāte (یا تکیه حالت مجهول) «می میرد»، ماضی استمراری فارسی باستان amariyatā. هندواروپایی آغازین *ghuā- (ویژگی واکه ای نامعلوم) و *ghuā-: آریایی آغازین

zhua-ya- «صدا زدن» در سنسکریت hváyati، ماضی استمراری

فارسی باستان patiy-azbayam.

آریایی آغازین *pā- «پاییدن» و *pa-ya- (از هندواروپایی آغازین *pə-) در اول شخص مفرد ماضی استمراری فارسی باستان apayaīy، دوم شخص امر میانه pati-paya^huvā.

هندواروپایی آغازین *g^uhedh- در آریایی آغازین *gadhia-، اوستا jaidyeiti، فارسی باستان jadiyāmiy «در خواست می‌کنم».

آریایی آغازین *as- «انداختن» در *asia-، سنسکریت ásyati، ماضی استمراری میانه فارسی باستان [ā]h[yat]ā.

هندواروپایی آغازین *stā- در آریایی آغازین *stā-ia-، ماضی استمراری فارسی باستان avāstāyam -astāyam، در niyaštāyam «فرمان دادم» (در مورد š، پ ۱۱۷) و niyaštāya¹ «دوباره برپا ساختم»، سوم شخص مفرد niyaštāya¹.

هندواروپایی آغازین *mē- «اندازه گرفتن» در آریایی آغازین *mā-ia-، سنسکریت māyate: ماضی استمراری میانه فارسی باستان amāyatā- در frāmāyatā «فرمان داد».

در مورد xšaya- فارسی باستان، نگاه کنید به: پ ۲۱۳.

پ ۲۱۵ - دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت patáyati , patáyati:

این دستگاه، یک ساخت اصیل سببی است که با اتصال پسوند هندواروپایی آغازین -éie/-éio- به ریشه ضعیف، همراه است؛ در آریایی، پسوند، -aia- است و ریشه نیز دارای -ā- (همچنین در واژه‌های مرکب -ai- و -au- پیش از همخوان‌ها) و یا -ā- (بندرت -ī- یا -ū-) می‌باشد.

هندواروپایی آغازین *dher- «محکم نگهداشتن»: آریایی آغازین *dhāraia- در سنسکریت dhārāyati؛ فارسی باستان dārayāmiy، جمع dārayatiy، ماضی استمراری سوم شخص مفرد adāraya¹، اول شخص مفرد میان hamadārayaiy.

هندواروپایی آغازین *klei- «خم شدن»: آریایی آغازین *šrāiaia- در سنسکریت šrāyāyati؛ اول شخص مفرد ماضی استمراری فارسی باستان niy-açārayam،

با -r- پس از dārayatiy.

هندواروپایی آغازین -neḱ* «از بین بردن»: آریایی آغازین -nāsaia* در سنسکریت nāsáyati، فارسی باستان -vi-nāθayatiy، سوم شخص مفرد ماضی استمراری vi-nāθayaiš، سوم شخص مفرد وجه تمنایی vi-nāθayaiš. هندواروپایی آغازین -sed* «نشستن»: آریایی آغازین -sādaia* «کرسی» در سنسکریت sādáyati؛ ماضی استمراری فارسی باستان -niyašādayam «نشستم» (در مورد š، پ ۱۱۷).

آریایی آغازین -aiš-aia* در سنسکریت eṣayati؛ ماضی استمراری فارسی باستان frāišaya^۱، frāišayam. آریایی آغازین -gāu-aia* در سنسکریت jāvayati؛ ماضی استمراری فارسی باستان abiy-ajāvayam «ایجاد کردم». آریایی آغازین -tāu-aia* در فارسی باستان tāvayati «توانایی دارد»، ماضی استمراری atāvayam.

آریایی آغازین -tar-aia* «عبور کردن»، ماضی استمراری فارسی باستان viy-atarayam «گذشتم»، مقایسه شود با سنسکریت tāráyati. آریایی آغازین -mān-aia* «ماندن»، ماضی استمراری فارسی باستان amānaya^۱. آریایی آغازین -gaužh-aia* «پنهان کردن»، دوم شخص مفرد تأکیدی فارسی باستان apa-gaudaya^h؛ مقایسه شود با سنسکریت gūháyati.

ایرانی آغازین -šadaia* «بنظر رسیدن»، اوستا sadayeiti، سوم شخص مفرد تأکیدی فارسی باستان θadaya^۱؛ مقایسه شود با سنسکریت chandáyati, chādayati. هندواروپایی آغازین -uort-eie* «سبب چرخیدن شدن»، سنسکریت vartayati؛ احتمالاً در فارسی باستان [va]rtaiyaiy «خود را متوجه (خدا) می‌کنم» (بجای tayaiy، -، پ ۴۸).

فارسی باستان آغازین -ias-aia* مشتق از ایرانی آغازین -iaša* (با -ske- هندواروپایی آغازین، ماضی استمراری فارسی باستان āyasatā «برای خود گرفتم»)، nīyasaya^۱ «فرو فرستاد» (بجای nīyayasaya^۱، پ ۲۳/I).

پ ۲۱۶ - دستگاه زمان مضارع نوع همراه با پسوند -ue-/-uo-:

این دستگاه در فارسی باستان، تنها در وجه تأکیدی stambā-va^h «شورش کن!»،

با قطعیت یافت شده است، مقایسه شود با فارسی نو -stāmb- «ستمب». دو مثال دیگر نیز، البته با قطعیت کمتر، وجود دارد:

فارسی باستان [danu|vatiy] ، سنسکریت dhānvati ، بن آریایی آغازین dhanva- ؛ مگر اینکه می‌توانستیم [danu|taiy] فارسی باستان را بار دیگر باز سازیم، همانند سنسکریت dhanutē ، بن هندواروپایی آغازین -dhn-nu- (متفاوت با -neu-، پ ۲۱۰/۹۰)

وجه امری فارسی باستان jīvā «زندگی کن» از هندواروپایی آغازین *g^uī-ue ؛ سوم شخص تنیہ ماضی استمراری فارسی باستان ajīvātam ؛ مقایسه شود با سنسکریت jīvati «زندگی می‌کند»: مگر اینکه *g^uīue- ، واقعاً صورت شکسته شده ساخت مضاعف -g^uī-g^ue- ، براساس ریشه *g^uei- «زندگی کردن»، با نبود g دوم، ناهمگون‌ساز باشد، مقایسه شود با لاتین vīvō «زندگی می‌کنم»، vīvos «زنده»، اُسکی، فاعلی جمع مذکر bivus «زنده»، اما انگلیسی باستان cwīcu «زنده»، انگلیسی نو quick آلمانی quicken, queck.

پ ۲۱۷ - دستگاه زمان مضارع افعال جعلی (نوع سنسکریت namas-yati)

«مقدس می‌شمرد»، برپایه -nāmas- «احترام گذاشتن» دارای پسوند هندواروپایی آغازین -ie-/-io- است که به بن اسمی می‌چسبد؛ این پسوند در اصل تکیه بر است: فارسی باستان avah-ya- در ماضی استمراری patiy-avahya- «کمک خواستم»، برپایه بن اوستا avah- «کمک کردن»

فارسی باستان garbā-ya- در ماضی استمراری garbāya^۱ agarbāyam agarbāyatā ؛ برپایه آریایی آغازین *grbhā- ، مقایسه شود با سنسکریت grbhāyati ؛ فارسی باستان وجه وصفی ā-garbīta دارای بن -واکه پایانی اسم تغییر یافته به ā است، همانگونه که در مثال بعدی دیده می‌شود.

فارسی باستان draujī-ya- «بعنوان دروغ تلقی کردن»، در دوم شخص مفرد التزامی [draujī]Tyāhy برپایه drauga- «دروغ»، قرائت و بازسازی غلطی است که در DB 4.43 بجای maniyāhay : dra[uga]m صورت پذیرفته است (قرائت کامرون).

پ ۲۱۸ - ساخت‌های زمان ماضی یافت شده در فارسی باستان معدود و نادر هستند.

I- ماضی s دار، در niy-apaišam «نو شتم» (یا ?-apišam ۹۱)، برپایه ریشه -paiθ دیده می شود، هندواروپایی آغازین -peiṯk؛ در حالت میانه adaršiy «تصرف کردم»، برپایه ریشه -dar، هندواروپایی آغازین -dher؛ احتمالاً در حالت مجهول -asahya در [frāsaḥ[ya]. پایانه های سوم شخص مفرد -s-t، و نیز جمع -s-nt ماضی، می توانند جوابگوی پایانه های مربوط به āišⁿ āiša برپایه ریشه -ay- (پ ۲۰۸) نیز باشند؛ akunavaša akunauš برپایه ریشه -kar؛ adurujiyaša برپایه -durujia؛ abaraha برپایه -bar.

II- ماضی قوی یابدون پسوند، با درجه قوی ریشه در مفرد اخباری معلوم، و با درجه ضعیف در بیشتر ساخت های دیگر، در موارد زیر در فارسی باستان دیده می شود: adā^t «او آفرید»، سنسکریت ādhāt، هندواروپایی آغازین *édhēt؛ فارسی باستان akutā «او ساخت»، *akrma، ākrta. همچنین ممکن است وضع مذکور در سنسکریت *krṣva و *krṣva. البته چنانچه بدون حذف بقرینه توضیح داده شود (پ ۲۰۹)، و وجه تمنایی ā-jamiyā (پ ۲۰۸)، که به عنوان زمان حال گرفته شده اند، و احتمالاً دوم شخص مفرد وجه تمنایی biyāⁿ، سوم شخص مفرد biyā^t (پ ۲۲۳/I) نیز تعلق داشته باشد. اما صورت amaxamatā در DB4.92، یک قرائت اشتباه است، نگاه کنید به واژه نامه زیر مدخل مربوطه و نیز یادداشت متن

پ ۲۱۹ - زمان ماضی نقلی با قطعیت، تنها از سوی تک - ساخت وجه تمنایی caxriya^t، از *qe-qr-iiēt، با مضاعف سازی با قاعده و با درجه ضعیف ریشه، در وجه تمنایی، مورد تأیید قرار می گیرد. اصلاح من در JAOS 62.267-8، مربوط به سوم شخص مفرد ماضی نقلی وجه اخباری مجهول [c]āxr[iyatā] یا caxr[iyatā] در DB 4.90 بجای صورت ax^ara [ارائه شده توسط KT، کاملاً اشتباه بوده است.

پ ۲۲۰ - بن مضارع حالت مجهول در هندواروپایی آغازین، از طریق افزودن پسوند هندواروپایی آغازین -ie-/-io-، که در سنسکریت تکیه بر است، ساخته می شود؛ در فارسی باستان، ریشه بنابر قاعده، دارای درجه عادی و متعارف

است، با -a-: ماضی استمراری سوم شخص مفرد و جمع abariyaⁿ، abariya از ریشه -bar-؛ ayadiyaⁿ، ayadiya از ریشه -yad-؛ akaniya از ریشه -kan- «کندن»؛ aθahya و aθahiya، از ریشه -θah-؛ avaniya از -van-؛ ajaniya از -jan-؛ akariyaⁿtā، akariya از ریشه -kar-؛ اول شخص جمع زمان حال θahyāmahy از ریشه -θah-؛ سوم شخص مفرد تمنایی kariyaiš از ریشه -kar-؛ fraθiyaiš از ریشه -fraθ-، سوم شخص جمع yadiyaišaⁿ از ریشه -yad-.

با نظام واکه‌ای بن زمان مضارع: adāriya، از ریشه -dar-، مضارع dāraya- (پ ۲۱۵)؛ و صورت دارای افتادگی بسیار niyapi[θ]i[ya] در DB 4.91 از ریشه -ni-paiθ-، مضارع -piθa- (پ ۲۱۱). صورت شکل گرفته برپایه بن زمان مضارع: سوم شخص مفرد ماضی استمراری akunavayatā از ریشه -kar-، مضارع kunav-a- (پ I/۲۱۰). دو ساخت نسبتاً مشکوک نیز برپایه بن ماضی s دار، وجود دارد، [frāsah[ya]] در DSf 27 از ریشه -sā- (پ I/۲۱۸)، و patiyafrasiya در DB 4.91 از -pati-fraθ- (در مورد s بجای ð نگاه کنید به، پیوست).

A

این نکته باید یاد آوری شود که پایانه‌های معلوم با دو استثنا بکار می‌روند، و این در حالی است که پسوند -ya- شایستگی نشان دادن ارزش مجهول را داراست.^{۹۲} این دو استثنا عبارتند از akunavayatā و akariyaⁿtā با دو پسوند مجهول و پایانه حالت میانه.

پ ۲۲۱ - وجوه قابل صرف فعل در فارسی باستان:

وجه اخباری، مستقیماً برپایه بن زمان و از طریق افزایش پایانه‌های شخص به آن، همانند وجه امری، ساخته می‌شود. وجه التزامی و تمنایی دارای ساخت‌های وجهی ویژه هستند و وجه تأکیدی در نداشتن افزونه از وجه اخباری متمایز می‌شود؛ بدین ترتیب این سه وجه می‌توانند بطور مستقل، و وجه اخباری و امری نیز می‌توانند تنها از نظر پایانه‌های شخصی مورد بررسی قرار گیرند (پ ۲۲۵ - پ ۲۳۷).

پ ۲۲۲ - ساخت‌های التزامی:

تمام ساخت‌های التزامی، تا آنجا که در فارسی باستان یافت شده است، دارای

پایانه‌های شخصی اولیه هستند (پ ۲۲۵).

- I- بن‌های غیر تماتیک دارای ساخت‌های التزامی همراه با واکه ماده ساز هستند، واکه بلند در اول شخص و واکه کوتاه در دوم و سوم شخص: as- «بودن»، سنسکریت *āsāni*، *āsasi*، *āsati*، فارسی باستان *ā. ahaniy*، *āhy*، *ahatiy*، *ahāniy*، چنانچه یک اشتباه نوشتاری نباشد، گسترشی است از ساخت‌های دیگر؛ *āhy* نیز بجای **ahahi* قرار گرفته است (پ ۱۳۱).
- II- بن‌های تماتیک، تماماً دارای ساخت‌های التزامی همراه با واکه بلند ماده ساز هستند، در اول شخص مفرد و اول شخص و سوم شخص جمع *ō*، و در ساخت‌های دیگر *ē*؛ دوم شخص و سوم شخص مفرد و حالت میانه نیز همانند سنسکریت *bhár- āsi-āti- āsc- āte*:

فارسی باستان:

xšnāsāhy، *θāhy* (بجای **θahāhy*)، *apa-gaudayāhy*، *pati-parsāhy*، *pari-barāhy* (و *pari-barāh^a-diš*)، *vaināhy*؛ *ni-rasātiy*، *xšnāsātiy*، *padi-parsātiy*، *bavātiy*، *vainātiy*؛ *maniyāhaiy* (برای املاهای مختلف نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل *¹man-*)؛ *maniyātaiy*، *gaubātaiy*، *θadayātaiy*، *yadātaiy*، *vainātaiy*.

سوم شخص جمع میانه، همانند سنسکریت *-ānti*: فارسی باستان *vi-nāθayaⁿtiy* (شکل بازسازی شده).

- III- برخی از بن‌های غیر تماتیک که در وجه اخباری، گاهی به بن‌های تماتیک تغییر می‌یابند، دارای ساخت‌های التزامی از نوع دوم هستند:
- kar-* زمان حال *kunav(a) : kunavāhy*، اول شخص مفرد میانه *kunavātaiy*، سوم شخص مفرد *kunavānaiy*، زمان حال *var- : varnav(a)*، زمان حال *varnavātaiy*، زمان حال *xšnav- : xšnav(a)*، زمان حال *āxšnavāhy*، زمان حال *kan- : kan(a)* (و *vi-kanāhy* *-āh^a-diš*)، زمان حال *jan- : jan(a)*، احتمالاً (صورت بازسازی شده) سوم شخص جمع *vi-janaⁿtiy*، مقایسه شود با سوم شخص مفرد اوستا *janāiti*.

پ ۲۲۳ - ساخت‌های تمنایی:

تمام ساخت‌های تمنایی در فارسی باستان، همانند زبان‌های دیگر، دارای پایانه‌های ثانویه هستند.

I- بن‌های غیر تماتیک دارای ساخت‌های تمنایی همراه با *-iē-* هندواروپایی آغازین در مفرد معلوم و *-I-* در صورت‌های دیگر هستند. پسوند *-iē-*، که تنها در فارسی باستان موجود ظاهر می‌شود، پس از دو همخوان، حتی در هندواروپایی آغازین، به *-iiē-* تغییر می‌یابد؛ و حتی در فارسی باستان، *-iē-*، پس از هر همخوانی بجز *h* (پ ۲۵)، بصورت *-iyā-* نوشته می‌شده است. مثال: دوم شخص مفرد *b-iyā^h*؛ سوم شخص مفرد *ā-jam-iyā^t, b-iyā^t*، ماضی نقلی *caxriya^t*.

II- بن‌های تماتیک، دارای ساخت‌های تمنایی همراه با *-I-* (همانند درجه ضعیف *-iē-*، مقایسه شود با I) افزوده شده به واکه ماده ساز هندواروپایی آغازین *-O-* هستند که در هندواروپایی آغازین *-oi-* را می‌سازد: مقایسه شود با، دوم و سوم شخص مفرد یونانی *φεποις φεποι*، سنسکریت *bhàret bhàreṣ*.

مثال:

سوم شخص مفرد *vi-nāθayaiš*، مجهول *fraθiyaiš kariyaiš*، مجهول جمع *yadiyaišaⁿ* (برپایانه، پ ۲۳۲/III)؛
دوم شخص مفرد میانه با پایانه *-so-*، *yadaišā*، مقایسه شود با یونانی *φεποιο*.

پ ۲۲۴ - ساخت‌های تاکیدی صرفاً ساخت‌های اخباری ثانویه بدون افزونه‌اند؛

صورت‌های زیر در فارسی باستان یافته شده‌اند:

اول شخص مفرد *tarsam*؛ دوم شخص مفرد *stabava^h*، *apa-gaudaya^h*،
ava-rada^h؛ سوم شخص مفرد *θadaya^t*.

نیز نگاه کنید به: پ ۲۳۷.

پ ۲۲۵ - پایانه‌های شخصی فعل تا آنجائیکه در ساخت‌های موجود

فارسی باستان ظاهر می‌شوند، در جدول زیر آمده‌اند؛ چون معادل

هندواروپایی آغازین این پایانه‌ها در همه موارد، مشخص نیست، ازین روی، هم ارزش آریایی آغازین آنها داده شده است.

جدول پایانه‌های شخصی

		میان			معلوم		
		امری	ثانویه	اولیه	امری	ثانویه	اولیه
مفرد	1	-i	-nai		-i	-m	-mi
	2	-sua	-sa	هیچ	-dhi	-s	-si
	3	-tām	-to		-tai	-t -tu	-ti
تثنيه	3					-tam	
جمع	1					-ma	-masi
	2					-ta	
	3	-nta				-nt	-nti

ویژگی اصلی a آریایی آغازین در پاره‌ای از این پایانه‌ها، در برخی از زبان‌های دیگر، بویژه یونانی دیده می‌شود: پایانه دوم شخص جمع -ta برابر است با -te هندواروپایی آغازین؛ -tai, -sai برابر است با -tai, -sai هندواروپایی آغازین؛ -sa سوم شخص مفرد -ta و -tam, -nta برابرند با -to, -so, -tom و -nto هندواروپایی آغازین؛ -masi و -ma بین -e- (همانند یونانی $\mu\epsilon\varsigma$) و -o- (همانند لاتین -mus-) در تغییر و نوسان بوده‌اند؛ برای -ā- در -nai, -sua, -tām نیز، شاهی وجود ندارد.

تعدادی از تغییرات مربوط به ساخت‌های هندواروپایی آغازین در بخش‌های آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت. پایانه‌های امری، بصورت مجموعه در: پ ۲۳۷ ارائه شده است.

لازم به ذکر است که پاره‌ای از این پایانه‌ها، در دستگاه هجانگار فارسی باستان، قابل تشخیص نیستند. پایانه‌های -nti -tai -ti، در مجموع بصورت $t^{a}iy$ نوشته می‌شوند، اگرچه در نمونه موجود در یک بافت و یا ساخت‌های دیگر همان فعل، بصورت $t^{a}iy$ -taiy- عادی شده‌اند. -ta, -nta هر دو بصورت t^{a} -

نوشته و بصورت ${}^n\text{tā}$, tā - عادی می‌شوند؛ -s , -t , -nt ، چنانچه -ā بر آنها مقدم شده باشد، در مجموع در خط قابل ارائه نیستند، اگرچه همانند n در -nti و -nta ، آنها نیز می‌توانند بطور اختیاری، بوسیله حروف بر کشیده، در فرایند عادی سازی، ارائه شوند. پایانه‌های -ni و -nai وجه التزامی نیز، هر دو بصورت ${}^n\text{aiy}$ نوشته می‌شوند، اگرچه بصورت -niy و -naiy عادی می‌گردند. علاوه بر این، دگرگونی مربوط به آریایی که سبب تبدیل e و o هندواروپایی آغازین به a می‌شود، تشخیص ویژگی این واکه ماده ساز را صرفاً از طریق نمونه ساخت‌های آریایی، غیر ممکن می‌سازد؛ از این روی، برای این منظور، واژه‌های هم‌ریشه و خویشاوند یونانی بر شمرده شده‌اند.

پ ۲۲۶ - پایانه‌های اول شخص مفرد معلوم.

I- پایانه اولیه -mi مستقیماً به بن‌های غیر تماتیک می‌چسبد، همانند هندواروپایی آغازین *es-mi ، سنسکریت āsmi ، اوستا ahmi ، فارسی باستان amiy . پایانه بن‌های تماتیک عبارت بود از صورت بلند واکه ماده ساز o ، همانند لاتین ferō ، یونانی φερω ؛ اما در آریایی، به این -ō ، پایانه -mi نیز افزود می‌شده است، همانند سنسکریت bhārā-mi ، اوستا barāmi ، فارسی باستان pari-barāmiy . مثال‌های دیگر فارسی باستان:

parsāmai y, Skt. prcchāmi ; dārayāmi y, Skt. dhārāyāmi ; vaināmi y, jadyāmi y.

پایانه -ni ، با اصلی نامشخص، به همان ترتیب، به اول شخص مفرد وجه التزامی مختوم به -ō افزوده شده است: هندواروپایی آغازین *es-ō برپایه *es «بودن»، یونانی ایونی εω ، لاتین (آینده اخباری) erō ؛ اما سنسکریت āsā-ni ، فارسی باستان ahāniy (با ā احتمالاً پس از ā در دیگر ساخت‌ها، همانند سوم شخص مفرد ahatiy).

II- پایانه ثانویه -m مستقیماً به واکه ماده ساز -o افزوده می‌شود: هندواروپایی آغازین ebhero-m «من بردم»، سنسکریت ābharam ، یونانی εφερον ، فارسی باستان abaram ، سنسکریت āprccham ، فارسی باستان aparsam . مثال‌های دیگر فارسی باستان: niyaśādayam , frānayam , arasam ، و غیره.

این پایانه هنگامیکه به بن‌های غیر تماتیک افزوده گردد، *-m* دارای ارزش واکه‌ای می‌شود و در آریایی آغازین به *-am* تحول می‌یابد، در واقع، نوعی تعمیم ارزش پیش واکه‌ای، از طریق همسانی حاصله از *-am* با واحد ماده ساز *-o-m* تحقق می‌یابد: هندواروپایی آغازین **ēś-m* «بودم». سنسکریت *āsam*؛ فارسی باستان *āham*؛ سنسکریت *ākṛnavam*، فارسی باستان *akunavam*؛ فارسی باستان *frājanam avājanam, viyakanam, avākanam, [rā]stāyam*، ماضی *f[rā]stāyam*، *niyapaišam*، *[u]pāyam upariy-ā[ya]m, nij-āyam* پسوند *-nā* در *adīnan* به *-na* تبدیل شده است، همانند اول شخص‌های دیگر.

پ ۲۲۷ - پایانه‌های دوم شخص مفرد معلوم.

I- پایانه اولیه *-si* مستقیماً به بن مضارع می‌چسبده، اعم از اینکه تماتیک یا غیر تماتیک باشد، اما در فارسی باستان، این وضعیت تنها در ساخت‌های التزامی ظاهر می‌شود: *pati-parsāhy(-hy)* (در مورد §37), *Skt. prcchāsi; pari-barāhy* و *-barāh^a-diš* (§136), *vikanāhy* و *-kanāh^a-diš, kunavāhy*, *xšnāsāhy, ā-xšnavāhy, vaināhy, apa-gaudayāhy, θāhy* → بجای **θahāhy* (§ 131); *āhy* برای وجه التزامی دارای واکه کوتاه (پ ۲۲۲/I) **ahahy* که برابر است با سنسکریت *āsasi*.

II- پایانه ثانویه *-s* در سنسکریت *ābharas*، یونانی *εφερες*، دید می‌شود؛ این پایانه در فارسی باستان، تنها در ساخت تاکیدی *ava-rada, apa-gaudaya, stabava*، و ساخت تمنایی *[biy]ā* ظاهر می‌شود که در آنها نیز نوشته نمی‌شود، زیرا در موضع پایانی پس از *ā* قرار دارد (پ ۳۶).

پ ۲۲۸ - پایانه‌های سوم شخص مفرد معلوم.

I- پایانه اولیه *-ti* است، که واکه ماده ساز پیش از آن *-e* می‌باشد: هندواروپایی آغازین **bheuēti*، سنسکریت *bhāvati*، فارسی باستان *bavatiy*؛

هندواروپایی آغازین **bhereti*، سنسکریت *bhàrati*، فارسی باستان *ābaratiy*؛ فارسی باستان *tarsatiy*، *dārayatiy* و غیره؛ *θātiy* به جای **θahatiy* پس از **θāhy* بجای **θahahy* (پ ۱۳۱). غیر تماتیک: هندواروپایی آغازین **esti*، سنسکریت *hānti*، فارسی باستان *jaⁿtiy*؛ سنسکریت *krñóti*، فارسی باستان *kunautiy*؛ فارسی باستان *ā-xšnautiy* ساخت‌های التزامی: سنسکریت *bhāvāti*، فارسی باستان *bavātiy*؛ سنسکریت *āsati*، فارسی باستان *ahatiy*؛ و غیره (پ ۲۲۲).

-II

پایانه ثانویه *-t* است، که در فارسی باستان، در موضع پایانی، پس از *ā* نوشته نمی‌شود (پ ۴۰)؛ واکه ماده ساز پیش از *-t*، *-e* است: هندواروپایی آغازین **ebheuēt*، سنسکریت *abhavat*، فارسی باستان *abava*، هندواروپایی آغازین **ebheret*، یونانی *εφερε*، سنسکریت *ābharat*، فارسی باستان *abara*؛ سنسکریت *ādruhyat*، فارسی باستان *adurujiya*؛ سنسکریت *ādhārayat*، فارسی باستان *adāraya*؛ *viyamarda*؛ بدون افزونه *avahar[da]*؛ و غیره، ساخت تاکیدی *θadaya* غیرتماتیک بازسازی شده *āha^t* «بود». ساخت مجهول *abariya*، *adāriya* و غیره (پ ۲۲۰). غیر تماتیک: *adānā^t* برپایه *xšnā-*، *adadā* از ریشه *adā-*، *adīnā* از ریشه *adī-*، *viy-akaⁿ* از ریشه *kan-*، *avājan-* از *ava-jan-*؛ در دو صورت اخیر، *n* ریشه‌ای نیز همانند پایانه *-t* در خط فارسی باستان نشان داده نمی‌شود. ماضی با وجه قوی: هندواروپایی آغازین **edhēt*، سنسکریت *ādhāt*، فارسی باستان *adā*. ساخت‌های تمنایی: سنسکریت *gamyāt*، فارسی باستان *ā-jamiyā*؛ فارسی باستان *avā-janiyā*، *biyā*، ماضی نقلی *caxriyā*.

-III

هنگامیکه *i* یا *u* پیش از پایانه *t* قرار گیرند، آن ساخت در فارسی باستان دارای *š* پایانی خواهد بود. احتمالاً، این حالت، از ماضی *s* دار منتقل شده است، جائیکه پایانه‌ها در آن می‌باید *-is-m*، *-is-s* و *-is-t* هندواروپایی آغازین، *išam* و *iš-iš-* آریایی آغازین باشد؛ همسانی ساخت‌های دوم و سوم شخص سبب نوعی قیاس در دوم شخص مفرد ماضی استمراری مختوم به *-i-š* می‌شود (در فارسی باستان مثالی موجود نیست)، در حالی که سوم شخص مفرد ماضی استمراری هم، به *iš-* پایان می‌پذیرد^{۹۳}. پس از *u* نیز، این پدیده‌ها همانگونه‌اند^{۹۴}. مثال‌های فارسی باستان عبارتند از *āiš* «رفت»، *atiy-āiš*

«رفت»، akunauš «ساخت»، (سنسکریت ākr̥not)، adaršnauš «جرات داشت»، (سنسکریت ādhr̥snot)؛ و نیز ساخت‌های تمنایی معلوم تماتیک vināṭhayaiš، مجهول kariyaiš، fraṭhiyaiš (مقایسه شود با پایانه یونانی φεροι، سنسکریت bhāret).

پ ۲۲۹ - پایانه‌های سوم شخص تثنیه معلوم تنها در ساخت ajīvātam «(هر دو) زندگی می‌کردند»، با پایانه مطابق با پایانه اولیه یونانی در زمان حال φερετον «(هر دو) می‌برند»، هندواروپایی آغازین -tom، ظاهر می‌شود. در قرینه ماضی استمرار، یونانی دُری εφερετᾶν و سنسکریت ābharatām، هر دو ساخت دارای واکه‌های بلند هستند.

پ ۲۳۰ - پایانه‌های اول شخص جمع معلوم

I - پایانه اولیه -mes، هندواروپایی آغازین بوده است، همانند یونانی دُری φερομες یا -mos، همانند لاتین ferimus؛ آریایی آغازین دارای -mas یا شکل در افزوده آن با -i اشاره بصورت -masi است. هر دو صورت -mas و -masi در سنسکریت ظاهر می‌شود، در حالیکه در ایرانی تنها، صورت -masi دیده می‌شود. بنابراین سنسکریت smās و smāsi «ما هستیم»، اوستا mahi، فارسی باستان a^hmahy (a- پس از صورت مفرد a^hmiy، astiy، همانند یونانی εσμε-v). همین پایانه در فارسی باستان θahyāmahy «خوانده می‌شویم» نیز وجود دارد.

II - پایانه ثانویه عبارت بود از هندواروپایی آغازین -me یا -mo، همانند یونانی εφερομε-v سنسکریت ābharāma؛ مثال‌های فارسی باستان: ماضی استمرار viy-atarayāmā، ماضی akumā.

پ ۲۳۱ - پایانه‌های دوم شخص جمع معلوم.

تنها ساخت‌های فارسی باستان دو ساخت تاکید ی زیر به گونه امر است: paraitā «فراروید»، از parā+itā، مقایسه شود با امر سنسکریت itā، یونانی

ite، لاتین (با درجه قوی ریشه از صورت مفرد)؛ و jatā «بزَن»، سنسکریت hatá. این پایانه صورت ثانویه هندواروپایی آغازین -te است.

پ ۲۳۲ - پایانه‌های سوم شخص جمع معلوم

I- پایانه اولیه، پایانه هندواروپایی nti بوده که به واکه ماده ساز -o متصل می‌شده است:

هندواروپایی آغازین bheronti، یونانی دری φεροντι، سنسکریت bhàranti، فارسی باستان baraⁿtiy؛ سنسکریت bhàvanti، فارسی باستان bavaⁿtiy؛ سنسکریت dhārāyanti، فارسی باستان dārayaⁿtiy؛ فارسی باستان tarsiⁿtiy؛ ساخت‌های التزامی (بازسازی شده) با -ō- فارسی باستان vināθayāⁿtiy، vijanāⁿtiy (مقایسه شود با: پ ۲۲۲/III). هنگامیکه به بن بی تکیه غیر تماتیک می‌چسبید، nti- الزاماً تکیه بر می‌شده و صورت هندواروپایی آغازین énti- را بخود می‌گرفت: هندواروپایی آغازین s-énti «آنها هستند»، اُسکی sent، یونانی دری (پی چسب) εντι، سنسکریت sánti، فارسی باستان haⁿtiy. باید یاد آور شد که خط فارسی باستان، امکان نشان دادن آوای غنه را در پایانی نمی‌دهد (پ ۱۱۱).

II- پایانه ثانویه عبارت بود از nt- هندواروپایی آغازین، که در آریایی آغازین، t پایانی را از دست داده است، مگر زمانیکه آواشناسی جمله ابقاء آن را ممکن ساخته باشد؛ و این در حالی است که در آریایی آغازین تنها یک همخوان می‌تواند در پایان واژه قرار بگیرد. در فارسی باستان نیز n پایانی نوشته نمی‌شده است (پ ۱۱۲). واکه ماده ساز پیش از این پایانه -o- بوده است.

pIE *ebheront, Gk. φερον, Skt. ábharan, OP abaraⁿ; OP abavaⁿ, anayaⁿ, ayaudaⁿ, ašiyavaⁿ, atarsaⁿ, agarbāyaⁿ;

مجهول abariyaⁿ, ayadiyaⁿ.

بن‌های غیر تماتیک، معمولاً پس از همخوان‌ها دارای پایانه هندواروپایی آغازین nt- هستند که در آریایی آغازین بصورت -at- در می‌آید؛ اما این پایانه معمولاً پس از am- اول شخص مفرد، با an(t)- جایگزینی پیدا می‌کند: هندواروپایی آغازین ēs-nt، اما سنسکریت āsan، فارسی باستان āha؛

فارسی باستان $avājana^n$ ، $apariyāya^n$.

III- ماضی s دار نیز بهمین نحو سوم شخص جمع خود را از sat (< s..nt) بصورت $san(t)$ ، دوباره بازسازی کرده است؛ بنابراین در یونانی، ماضی s دار $ελῦσ-uv$ «رها کردند»، در جای دیگر ماضی با درجه قوی $εδο-σav$ «آنها دادند» و (یونانی متاخر) صورت تماتیک $ελᾶβο-σav$ «آنها گرفتند». همچنین در فارسی باستان نیز، san - در پاره ای از افعال گسترش یافته است^{۹۵}، در حالیکه از روی قاعده، پس از a بصورت ha^n - و پس از i بصورت $ša^n$ - در آمده است: $abaraha^n$ در برابر $abara^n$ ، $patiyāiša^n$ ، تمنایی مجهول $yadiyaiša^n$ و با گسترش $ša^n$ - به جایگاه پس از a، $adarujiyaša^n$ ، $akunavaša^n$ در برابر $akanava^n$.

پ ۲۳۳ - پایانه های اول شخص مفرد میانه.

I- بنظر می رسد که زمان ماضی نقلی دارای پایانه ai - بوده است، همانند سنسکریت $tutudé$ ، لاتین $tutudī$ ، با ویژگی واکه ای که بوسیله اسناد فالیشی^(۱) مشخص شده است؛ این پایانه همانند پایانه a - اول شخص ماضی نقلی معلوم، که در یونانی $οἶδα$ ، سنسکریت $véda$ بعلاوه پایانه میانه i - دیده می شود، بنظر می آید (نگاه کنید به پاراگراف V در زیر).

II- علیرغم پایانه اصیل در زمانهای اصلی، این پایانه نیز همانند پایانه زمان ماضی نقلی، در آریایی با ai - جایگزین شده است؛ احتمالاً این، صورت ساده شده ای بوده است که از تغییر واکه ماده ساز $-e/-o$ به $-a$ - آریایی، و ai - مربوط به دوم شخص مفرد sai - و سوم شخص مفرد tai -، بدست می آمده است، مانند یونانی (غیر تماتیک) $διδο-σαι$ $διδο-ται$ (تماتیک) $φερη φερetai$. در فارسی باستان، ما زمان حال $maniyaiy$ (= سنسکریت $mānye$) و $vartaiyaiy$

۱. faliscan - صفت نسبی منسوب به اقوام فالیشی که در شهر فالری واقع در منطقه اتروریا زندگی

می کردند. قومی باستانی از نژاد ایتالیایی که در قرن پنجم پیش از میلاد در بخش جنوبی اتروریا ساکن

بوده و لهجه ای بنام فالیشی متعلق به زبان لاتین داشتند. این زبان بوسیله کتیبه های کوچک نوشته شده

به الفبایی با ریشه اتروسیک شناخته شده است.

(بجای *-tayaīy*، پ ۴۸؛ = سنسکریت *vartaye*) را داریم. همین *-ai*، به عنوان پایانه اولیه بن‌های غیر تماتیک، در اوستا و هندی باستان نیز دیده می‌شود، اما در فارسی باستان برای آن مثالی وجود ندارد.

این *-ai*، در آریایی به عنوان پایانه ثانویه در ساخت‌های ماضی استمراری تماتیک نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت، همانند:

Skt. *āmanye*, OP *amaniyaiy*; OP *ayadaiy*, *apayaiy*, *ham-adārayaiy*, *ham-ataxšaiy*, *patiy-āvahyaiy*, *patiy-axšayaiy*.

ساخت مضارع التزامی میانه *kunavānaiy*، دارای *-ni* معلوم است که صورت دوباره بازسازی شده‌ای است برپایه *-nai* پس از *-sai* دوم شخص مفرد و *-tai* سوم شخص مفرد؛ *-ānai* موجود در این ساخت، در سنسکریت که تنها دارای *-āi* است، یافت نمی‌شود، اما در اوستا، هر دو صورت *-āi* و *-āne* (از *-ānai*) ظاهر می‌گردد.

پایانه *-i* در ساخت‌های ماضی استمراری و نیز ساخت‌های ماضی غیر تماتیک در آریایی، اصیل به نظر می‌رسد؛ مقایسه شود با سنسکریت *ānesi* «هدایت کردم» از ریشه *-nī*. در این مورد، تنها یک مثال در فارسی باستان وجود دارد که آنهم صورت ماضی *s* دار *adaršiy* «تصرف کردم» از ریشه *-dar* (عادی سازی *adaršaiy*، با *-aiy* نیز، همانند همه اول شخص‌های مفرد میانه دیگر فارسی باستان، امکان پذیر می‌باشد) است.

پ ۲۳۴ - پایانه‌های دوم شخص مفرد میانه.

I- پایانه اولیه، *-sai* هندواروپایی آغازین بوده است، که در یونانی (غیر تماتیک) *διδο-σαι*، سنسکریت (تماتیک) *bhārase* دیده می‌شود. تنها مثال فارسی باستان ساخت التزامی *maniyāhaiy* (با املاهای متفاوت، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل ¹*man*) است.

II- پایانه ثانویه *-so* هندواروپایی آغازین بوده است که در یونانی (غیر تماتیک) *εδιδο-σο* دیده می‌شود و با اوستا مطابقت دارد (سنسکریت دارای پایانه متفاوتی بصورت *thās* - است). در این مورد یک مثال فارسی باستان وجود دارد که آنهم ساخت تمنایی *yadaišā* است؛ برای ساخت و پایانه، مقایسه شود با

یونانی $\epsilon\pi\omicron\iota\omicron$ «باشد که دنبال کنی»، اوستا $haxšaēša$ (نوشته شده بصورت $hix-$).

پ ۲۳۵ - پایانه‌های سوم شخص مفرد میانه.

- I- پایانه اولیه $-tai$ هندواروپایی آغازین بوده است، همانند یونانی $\phi\epsilon\rho\epsilon\tau\alpha\iota$ ، سنسکریت $bhárate$ ؛ این پایانه در $gaubataiy$ ، $yadataiy$ (=Skt. $yájate$)، $ha^m-taxšataiy$ ، $vainataiy$ ، $varnavataiy$ و نیز در ساخت‌های التزامی $gaubātaiy$ ، $yadātaiy$ و غیره (پ ۲۲۲) فارسی باستان دیده می‌شود.
- II- پایانه ثانویه $-to$ هندواروپایی آغازین بوده است، همانند یونانی $\epsilon\phi\epsilon\rho\epsilon\tau\omicron$ ، سنسکریت $ābharata$ ؛ این پایانه در فارسی باستان $udapatatā$ (یونانی $\epsilon\pi\epsilon\tau\epsilon\tau\omicron$ ، سنسکریت $āpatata$)، $anayatā$ (سنسکریت $ānayatā$)، $amariyatā$ ، $āyasatā$ ، $ham-ataxšatā$ ، $agaubatā$ ، $agarbāyatā$ ، $frāmāyatā$ ، $[ā]h[yat]ā$ ، ساخت مجهول $akunavayatā$ ؛ صورت غیر تماتیک بازسازی شده به تماتیک $avar[navatā]$ و $a^h ištātā$ ؛ ماضی غیر تماتیک $akutā$ (سنسکریت $ākṛta$) و ماضی استمراری $patiy-ajatā$ (سنسکریت $āhata$)؛ و نیز در قرائت‌ها و بازسازی‌های اشتباه در DB 4.90-2 همانند $c[āxr[iyatā]$ ، $adā[rayat]ā$ ، $am[āvatā]$ ، $amaxmatā$ و $a[vādā]tā$ دیده می‌شود.

پ ۲۳۶ - پایانه‌های سوم شخص جمع میانه. واکه ماده ساز پیش از پایانه عبارت

بوده است از $-o-$ ، همانگونه که در یونانی نشان داده می‌شود.

- I- پایانه اولیه عبارت بود از $-ntai$ هندواروپایی آغازین، مانند یونانی $\phi\epsilon\rho\omicron\nu\tau\alpha\iota$ ، سنسکریت $bhārante$ ؛ برای این پایانه در فارسی باستان، شاهد مثالی وجود ندارد.
- II- پایانه ثانویه عبارت بوده است از $-nto$ هندواروپایی آغازین، همانند فارسی باستان $abara^ntā$ ، سنسکریت $ābharanta$ ، یونانی $\epsilon\phi\epsilon\rho\omicron\nu\tau\omicron$ ؛ $agauba^ntā$ ، ساخت مجهول $akariya^ntā$ ، صورت غیر تماتیک بازسازی شده به تماتیک $akunava^ntā$ «کردند»، $āha^ntā$ «بودند»، $āya^ntā$ «رفتند».

پ ۲۳۷ - پایانه‌های شخصی وجه امری. علاوه بر ساخت‌های تاکیدی،

ساخت‌های امری با پایانه‌های ویژه نیز وجود دارند که در اینجا مورد بحث قرار گرفته‌اند. ساخت‌های تاکیدی آنهایی هستند که همراه با mā در تحریم‌ها بکار می‌روند: اول شخص مفرد tarsam (پ ۲۲۶/II)، دوم شخص مفرد stabava^h (پ ۲۲۷/II)، سوم شخص مفرد θadaya^h (پ ۲۲۸/II)؛ و آنهایی که بعنوان ساخت‌های با قاعده امری بکار می‌روند: دوم شخص جمع paraitā jatā (پ ۲۳۱).

- I- دوم شخص مفرد معلوم بن‌های تماتیک، همان بن بدون پسوند است:
jīvā, Skt. jīva; pari-barā, Skt. bhāra, Gk. φέρει; parsā, Skt. prechá, Lat. posce.
- بن‌های غیر تماتیک دارای dhi- تکیه بر هستند که به درجه ضعیف ریشه متصل می‌شود:
pIE *i-dhi, OP -idiy → paraidiy و parldiy, Skt. ihi, Gk. ἰθι;
pIE *g^uh₁-dh₁, OP jadiy, Skt. jah₁; OP pādiy, dīdiy (§129),
ā-xšnudi, rādiy (DB 4.54).
- II- سوم شخص مفرد معلوم و سوم شخص جمع معلوم دارای پایانه‌های -tu و -ntu هستند، که ممکن است ساخت‌های تاکیدی مختوم به -t و -nt با افزایش ادات تاکید u (شناخته شده در سنسکریت) باشند: تماتیک baratuv, سنسکریت bhāratu؛ raxθatuv؛ غیر تماتیک dadātuv سنسکریت dādātu؛
pāⁿtuv سوم شخص جمع؛ kunautuv, pātuv, ni-kaⁿtuv؛
- III- دوم شخص مفرد میانه در آریایی دارای پایانه -sua بوده است:
OP pati-paya-^huvā, cf. Skt. bhārasva; OP ku-šuvā, Skt. kr-svā.
- IV- سوم شخص مفرد میانه، در آریایی دارای پایانه -tām بوده است، مانند سنسکریت bhāratām؛ تنها مثال فارسی باستان varnavatām است که ساخت تماتیک بازسازی شده‌ای است از یک بن غیر تماتیک.

پ ۲۳۸ - مصدر در فارسی باستان، تنها در مضارع معلوم همراه با پسوند -tanaiy

یعنی صورت کهن پایانه مصدری *tān* - یا *dān*^(۲) - فارسی نو، ظاهر می شود: *cartanaiy* «کردن، انجام دادن»، برپایه *kar-*؛ *kantanaiy* «کندن»، برپایه *kan-*؛ مقایسه شود با فارسی نو *kāndān* (کندن)؛ *bartanaiy* «بردن»، برپایه *bar-*؛ *nipaištānaiy* «نوشتن»، برپایه *-ni-paiθ-* در *cartanaiy*، گواه گردش واکه ای *-e-* در این ساخت است (پ ۹۸)؛ *kārdān* (کردن) در فارسی نو، دارای *k-* تعمیم یافته از بقایای صورت صرفی است. از نظر ساخت، *-tanaiy* - صورت برایی مفرد بن مختوم به *-tan-* است (صورت های دیگر بن های مختوم به *-an-*^{۹۶}، در هندی باستان، بصورت مصدر ظاهر می شود و در جای دیگر که به احتمال ضعیف بصورت *-tanaiy* - در می آید بیانگر حالت دری مفرد بن مختوم به *-tana-* است).

پ ۲۳۹ - وجوه وصفی یافت شده در فارسی باستان صفت فاعلی معلوم با پسوند *-nt-*؛ صفت فاعلی میانه با پسوند *-mno-*؛ صفت مفعولی نقلی با پسوند *-to-* و *-no-*؛ و صفت مفعولی آینده مختوم به *-eto-*، با معنی قابل تغییر به گذشته را در برمی گیرد.

پ ۲۴۰ - صفت فاعلی معلوم دارای پسوند *-nt-* است، که واکه ماده سازیش از آن *-o-* می باشد: فاعلی مذکر هندواروپایی آغازین *-ōnt-* یا *-ont-s-*، مونث *ōntī-* یا *ontī-*، خنثی *ontia-*؛ یونانی *ont-*؛ *φέρ-ων-ουσα-ov*؛ سنسکریت *bhàran, bhàrantī* یا *bhàrati, bhàrat*، در حالی که ساخت های تماتیک (آریایی) بیشتر دارای *-at-* هستند تا *-ant-* و این بر اثر گسترش ساخت های غیر تماتیک است، *-nt-* به سبب همخوان مقدم، به *-nt-* تغییر می کند؛ بر عکس، ساخت های غیر تماتیک (آریایی) می باید براساس تبعیت از ساخت های تماتیک و یا به سبب پسوند مربوطه، دارای *-ant-* باشند، که در صورت تکیه بر بودن، ارزشی برابر با *ent-* یا *ont-* هندواروپایی آغازین می داشته است. مثال های فارسی باستان عبارتند از: فاعلی مفرد مذکر *tunuvā*، از *-ōnt-*، احتمالاً با *-s-* در افزوده در ایرانی (پ ۱۸۸/II)، برپایه مضارع **tunau-ti*؛

مفعولی صریح مفرد مذکر *tunuva^htam*؛ وابستگی مفرد مذکر *tunuva^htahyā*، با صرف تماتیک: -s- و -ant- فاعلی بن، با ساخت‌های اوستا مطابقت می‌کند. صورت بازسازی شده غیر قطعی [yau[da^htim] در حالت مفعولی صریح مفرد مونث نیز وجود دارد که بنابر قاعده برپایه **yaudati* مضارع ساخته شده است.

A

at- که صورت کهن خنثی در آریایی آغازین است، در جزء نخست ترکیبات *dāraya^h-va^hu-* «داریوش»، *vi^hda^h-farna^h-* «وید فرن»، *vāya^h-spāra-* (پ) (۱۶۲) و نیز در واژه مشتق *hašiya-* «درست» برابر با سنسکریت *satyā-*، هندواروپایی آغازین **sn-io-* باقیمانده است، در حالیکه *sāt* (سنسکریت) وجه وصفی خنثی است که بر پایه *as-* «بودن» شکل گرفته است.

پ ۲۴۱ - صفت فاعلی میانه پسوند *-meno-* دارد که در یونانی *φερδμενος* دیده می‌شود، در حالیکه این پسوند در سنسکریت دارای واکه بلند است، همانند *bhāra-mānas* و یا دارای درجه ضعیف همانند اوستا *barəmna-*. واکه ماده ساز مقدم بر *-meno-* در یونانی باید بصورت *-o-* دیده شود؛ اما در واژه یونانی *βελε-μνov* «پُرانه»، این واکه *-e-* است، زیرا پسوند آن به صورت *-mno-* آمده است. مثال‌های فارسی باستان عبارتند از *xšayamna* «حکمران»، *jīyamnam* «آخر»

پ ۲۴۲ - صفت مفعولی نقلی مختوم به *-to-* ممکن است برپایه هر ریشه فعلی اعم از متعدی یا لازم، ساخته شود؛ هنگامیکه ریشه از نظر معنی لازم باشد، وجه وصفی در معنی، معلوم خواهد بود، همانند فارسی باستان *para-itā* «فرا رسیده»، *marta* «مرده».

I-

پسوند وجه وصفی *-to-* تکیه بر است و از این روی ریشه فعلی بنابر قاعده دارای درجه ضعف خواهد بود: بدین ترتیب *para-itā*، سنسکریت *itā*، برپایه *ay-* «رفتن» *[p]ištā, ni-pišta-*، سنسکریت *pištā-*، برپایه *paiθ-* «تزیین کردن»؛ *xšnuta-* برپایه *xšnav-*؛ *axšatā*، سنسکریت *ksata-* برپایه *xšān-*؛ *ava-jata*، سنسکریت *hatā-*، برپایه *jan-*؛ *karta-*، سنسکریت *kṛtā-*، برپایه

kar-؛ parā-bartam، سنسکریت - bhrtá، برپایه - bar؛ marta-، سنسکریت - mrtá، برپایه - mar؛ arta-، سنسکریت - rtá، برپایه - ar؛ احتمالاً parta[m]؛ par-؛ dltam، مقایسه شود با اوستا zyā؛ hita- در an-ā-hltā، با پیوندی نامشخص.

خوشه حاصله از یک آوای واکدار دمیده انسدادی +t در هندواروپایی آغازین، به خوشه واکدار حاصله از یک آوای نادمیده + دمیده، در هندواروپایی آغازین منجر می شود، تولیدی که در هندی باستان باقی مانده، اما در ایرانی، با یک خوشه بی واک نادمیده قیاسی جایگزینی می یابد:

pIE *dhreugh-:ptc. *dhrugh-to-> *dhrugdho-، pAr.

*drugha-، Skt. drugdhá-؛ اما → pIr. *druxta-، GAv. druxtō، OP duruxtam.

pIE *bhendh-: ptc. *bhndh-to-> *bhndzdho- (§58 .D^(۳)), Skt.

baddhá-، اما → Av. basta-، OP basta-

pIE *gendh-: OP gasta- پلید، cf. Skt. gandhá- بو

II- گاهی اوقات -to- به عنوان نتیجه همترازی با نظام واکه ای که در ساخت های دیگر فعلی وجود دارد، به درجه قوی ریشه می پیوند؛ در پاره ای از نمونه ها، مزاحمت خوشه های همخوانی درجات ضعیف یک عامل بحساب می آمده است.

هندواروپایی آغازین -dhə-to-: *dhē-، سنسکریت - hitá؛ اما اوستا -dāta «حق»، فارسی باستان -dātam «قانون».

آریایی آغازین -pā- «پاییدن»: سنسکریت -pāta-، اوستا -pāta-، فارسی باستان -pāta-، هندواروپایی آغازین -mē-to-: *mē-، سنسکریت -mitá-، اوستا -mita-؛ نیز اوستا -māta-، فارسی باستان -ā-mātā، fra-mātam-

فارسی باستان -šiyāta «شاد»، اوستا -šyāta-، لاتین -quiētus.

سنسکریت -khatá- «کنده شده» برپایه -khan؛ اما اوستا -kanta-، فارسی باستان -kaⁿtam «حفاری».

هندواروپایی آغازین -prek- «سئوال کردن»: -prk-to-، سنسکریت -prstá-، اوستا

paršta-؛ اما فارسی باستان -u-frašta-، -u-frasta- «خوب مجازات شده»
(جایی که تغییر p به f نشان می‌دهد که r همخوانی بلافاصله در پی آن آمده
است، پ ۷۴/۱).

هندواروپایی آغازین -nek- «از بین بردن» -nek-to- با درجه قوی، سنسکریت -nastá-،
اوستا -našta-، فارسی باستان -vi-nastahyā-.

هندواروپایی آغازین -reg- «راست» -rēg-to- با بلندای واکه (پ ی ۹۳/۴)، لاتین
rēctus، اوستا -rāšta-، فارسی باستان -rāstam- «راست، حق».

هندواروپایی آغازین -ghrebh- «گرفتن»؛ آریایی آغازین -grbhī-ta- (درباره -ī-، پ
۲۱۷)، سنسکریت -grbhītā-، فارسی باستان -ā-garbhīta-.

احتمالاً، -garta- در asagarta (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)،
-māta- در gaumāta (بدشواری همانند -māta- در āmātā، آمده در بالا)؛
-marta- به عنوان پایه -martiya- (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه) نیز،
به همین بحث تعلق دارند.

پ ۲۴۳ - صفت مفعولی نقلی مختوم به -no- در سنسکریت sanná «مستقر
شده» برپایه -sad-، یونانی ἅγιος «مقدس» از ἅγιος «مقدس می‌شمرم»،
لاتین plēnus «پر» از plē «پر کردن» و نیز در وجوه وصفی ژرمنی باستان مانند
ژرمنی gesprochen، انگلیسی spoken و غیره، دیده می‌شود. با اینکه این
ساخت‌ها، بطور طبیعی دارای ریشه ضعیف هستند، اما همان تغییراتی را نشان
می‌دهند که وجوه وصفی دارای -to- نشان می‌دادند (پ ۲۴۲). در
فارسی باستان دو مثال وجود دارد که هر دو به عنوان جزء دوم اسامی شخصی
بکار می‌روند:

A فارسی باستان -ā-bigna-، برپایه یک ریشه نا شناخته، در -bagābigna-.
فارسی باستان -ā-baušna-، صورت متأخری برای -ābāuxšna-، برپایه ریشه
-baug- «رهاندن»، موجود در اوستا -pouru-baoxšna-؛ در فارسی باستان
-āθiyābaušna- (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).
احتمالاً همین ساخت در قید ašnaiy نیز وجود دارد (نگاه کنید واژه‌نامه، زیر

مدخل مربوطه).

پ ۲۴۴ - صفت مفعولی آینده مختوم به *-eto-* از طریق سنسکریت *-yajatā*، اوستا *-yazata* «سزاوار ستایش» برپایه (سنسکریت) *-yaj-* «ستایش کردن»، مشخص می‌شود؛ اما این ساخت در اغلب اوقات، تقریباً دارای عملکرد صفت مفعولی نقلی مختوم به *-to-* است: مقایسه شود با سنسکریت *-pacatā*، اما یونانی *πεντὸς*، لاتین *coctus* «پخته شده». نیز مقایسه شود با یونانی *a-σχετος* «عنان گسیخته»، برپایه *εχω* «من می‌گیرم، دارم». مثال‌های فارسی باستان از ساخت‌های لازم مشتق می‌شوند و بنابراین از نظر معنی معلوم هستند: فاعلی مفرد خنثی *θakatam*، فاعلی جمع خنثی *θakatā* «تمام شده» از ریشه *θak-* «گذشتن» و *-gmata-* «رفته» از *-gam-* «رفتن»، در فاعلی جمع مذکر *ha^m-gmata* «گرد هم آمده»، فاعلی مفرد مونث *parāgmata* «پیش رفته»، و احتمالاً، فاعلی مفرد مونث *[avagmat]ā* «فرو رفته، سقوط کرده»، مقایسه شود با اوستا *-γəmata-* و نیز ساخت با قاعده صفت مفعولی *-gata-* (هندواروپایی آغازین *-g^um-to-*، همچنین در سنسکریت *-gatā-*، یونانی *-βαρος*، لاتین *(ventum)*).

فصل VII- نحو و سبک

پ ۲۴۵- نحو فارسی باستان دارای ویژگی‌های معدودی است که آن را از زبان‌های دیگر خویشاوند متفاوت می‌سازد؛ اما تعداد کم متون و میزان بالای تکرار در آن‌ها، سبب شده است که این متون از نظر تنوع ساخت‌ها، بسیار محدود باشد. با اینکه در این کتاب هم متن و هم ترجمه، هر دو قابل دسترسی است، اما بعضی از مثال‌ها با ارجاع و متن، بدون ترجمه؛ و برخی دیگر تنها با ارجاع بر شمرده شده‌اند.

پ ۲۴۶- نحو اسم در فارسی باستان در اصل از طرح پیش‌بینی شده‌ای پیروی می‌کند. مشخصه‌های ویژه آن عبارتند از کاربرد بی‌تسلسل حالت فاعلی (پ ۳۱۲-۴)، نبود حالت برایی و فرض کاربردهای برایی از طریق حالت وابستگی (پ ۲۵۰)، میزان معینی از همابندی حالات دری، ازی، و بایی (پ ۲۵۴).

پ ۲۴۷- حالت فاعلی در فارسی باستان، در کاربردهای زیر یافت می‌شود:

الف) بعنوان فاعل یک فعل قابل صرف اعم از اینکه بطور صریح بیان شود و یا بطور ضمنی:

DB 1.1 adam dārayavauš, 1.3f θātiy dārayavauš xšāyaθiya.

ب) بعنوان مسند برای مسندالیه در حالت فاعلی:

DB 1.1 adam dārayavauš, 1.7 vayam haxāmanišiyā
θahyāmahy, 2.27 avaθāšām hamaranam kartam

پ) به عنوان بدل برای یک حالت فاعلی:

DB 1.1 adam dārayavauš xšāyaθiya vazraka.

ت) پیش آوردن حالت دیگر، معمولاً با یک ضمیر از سرگیرنده یا قیدی که کاربرد آن حالت را تعریف می‌کند؛ نگاه کنید به: پ ۳۱۲، پ ۳۱۴.

ث) در کتیبه‌های متاخر، بعنوان یک ساخت عمومی جایگزین حالت وابستگی (پ ۳۱۳) یا حالت مفعولی صریح:

A³pa 5f hya mām artaxšaça xšāyaθiya akunauš

» (او) مرا که اردشیر (هستم) شاه کرد«.

پ ۲۴۸ - حالت ندایی در بیان و خطاب مستقیم بکار می‌رود:

martiyā DNa 56

پ ۲۴۹ - حالت مفعولی صریح در فارسی باستان، در کاربردهای زیر یافت می‌شود:

الف) به عنوان مفعول صریح یک فعل متعدی:

DB 1.19 manā bājim abaratā «مرا باج دادند»

ب) به عنوان مفعول صریح یک اسم مصدر:

DB 4.55f auramazdā θuvām dauštā biyā

«اهورامزدا دوست تو باد»

پ) به عنوان مفعول صریح پیش آورنده فاعل یک بند مفعولی:

DB 1.52f. mātyamām xšnāsātiy tya adam naiy bardiya amiy
«مبادا (مردم) مرا بشناسند که من بردیا نیستم».

ت) به عنوان مفعول دوگانه، یکی برای شخص و دیگری برای شیئی:
DB 1.44f aita xšačam tya gaumāta hya maguš adīnā
kabūjiyam

«این شهریارى که گئوماتای مغ از کمبوجیه ستانده بود»

و نیز 1.46f, 59, 65f, و صورت مجهول آن در 1.49f

hya avam gaumātam tyam magum xšačam dītam caxriyā
«که شهریارى را از آن گئوماتای مغ باز ستاند»

DB 4.65 naiy škaurim (=skauθim) naiy tunuvatam zūra
akunavam

«نه به ضعیف، نه به توانا ظلم نکردم»

DPd 20-2 aita adam yānam jadiyāmiy auramazdām

«این را من به عنوان لطف اهورامزدا می خواهم»

در حالت مجهول، حالت مفعولی صریح شیئی بدون تغییر باقى می ماند:

DNb 8f tya skauθiš ... miθa kariyaiš

«که به ضعیفی ستم کرده شود»

نیز DNb 10f و DB 1.49f (مندرج در بالا).

ث) به عنوان بدل برای حالت مفعولی صریح دیگر:

DB 1.49f gaumātam tyam magum;

DPd 2f hauv dārayavaum xšāyaθiyam adadā

«او داریوش شاه را آفرید»

ج) به عنوان مسند برای مفعول صریح یک فعل حقیقی:

DNa 5f hya dārayavaum xšāyaθiyam akunauš

«که داریوش را شاه کرد»

و افعال دیگر، مقایسه شود با yānam در DPd 20-2 (ذکر شده زیر: ت).

چ) برای بیان مقصد؛ بنابراین نام مکانها معمولاً بدون حرف (اضافه) پیشایند بکار رفته‌اند (بنابر قاعده، با -fra-aiš-, -ara-ar-, -parā-ar-, -šiyav-), در حالیکه نام اشخاص همیشه دارای حرف (اضافه) پیشایند هستند: DB 3.82 abiy avam arxam ašiyava bābirum, به استثنای DB 5.21f ašiyavam abiy sakām, مقایسه شود با DB 5.23f (ava-ar-), DB 2.72f (fra-aiš-), DB 2.72, 3.73f (šiyav-), با -ay- «رفتن»، جایها نیز همانند نام اشخاص، حرف (اضافه) پیشایند می‌گیرند، مقایسه شود با DB 1.91f, 3.73, DZc 11 برای جایها، و DB 1.93, 2.32f برای نام اشخاص.

ح) همراه با حروف (اضافه) پیشایند و حروف (اضافه) پسایند، نه صرفاً برای بیان مقصد، بلکه گاهی برای بیان منظورهای دیگر، نگاه کنید به: پ ۲۶۹.

خ) با kāma «کام»، ظاهراً حالت مفعولی صریح نهایی است که نشان می‌دهد که کام و اشتیاق به شخص رسیده و از سوی او مورد احساس قرار گرفته است (JAOS 66.44-9): DB 4.35f yaθā mān kāmā «هر طور مرا کام بود»، XPf 21f auramazdām avaθā kāmā āha «هورامزدا را کام چنان بود».

د) برای بیان مدت زمان، همانند قید dargam jīvā: DB 4.56 dargam «زندگیت دراز باد».

ذ) برای بیان زمان نامعین، همانند قیدهای paranam و paruvam «سابقاً»، و با حرف (اضافه) پسایند pati: DB 1.20 xšapavā raucapativā ava akunavayatā: «چه شب چه روز همان کرده شد»؛

DB 2.61f θūravāharahya māhya jiyamnam patiy avaθāšām hamaranam kartam

«نزدیک پایان ماه ثورواهر، آن گاه جنگ از سوی آنان در گرفت».

ر) برای بیان تصریح: nāmā همانند marguš nāmā dahyāuš «سرزمینی مرو نام» (DB 3.11)، البته اگر nāmā واقعاً در حالت مفعولی صریح خنثی باشد و نه در حالت دری

با واکه‌ای بلند (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -nāman).

پ ۲۵۰ - حالت وابستگی در فارسی باستان، با کاربردهای زیر ظاهر می‌شود:

الف) ملکی^{۹۷}، همانند DB 2.19f manā badaka «بنده من»؛ DB 4.82f anušiya manā «پروان من»، نیز با متضاد آن در DB 2.79f hauvmai y hamičiya abava «او در برابر من نافرمان شد» (نیز DB 3.11, 4.12، بجای hacāma «از من» و نیز همانند DB 1.40, 2.6f, 3.27, 3.78, 3.81f)؛ DB 1.4 manā pitā و 1.29f kabujiyahyā brātā و بادیگر واژه‌های خویشاوندی. این وضعیت در گزاره نیز دیده شده است: DB 3.9f pasāva dahyāuš manā abava «سپس کشور از آن من شد»؛ مقایسه شود با DB 5.19f، 35f و DB 3.58f avam kāram hya dārayavahauš xšāyaθiyahyā gaubataiy «آن سپاهی را که خود را از آن داریوش شاه می‌خواند».

ب) فاعلی، همانند DB 1.11f vašnā auramazdāha «بخواست اهورامزدا»، DN a 56f hyā auramazdāhā framānā «فرمان اهورامزدا»؛ بویژه با صفات مفعولی، که در آنجا به عامل تحول می‌یابد: DB 1.27 tya manā kartam «آنچه بوسیله من کرده شد»، XPf 38 tyamaiy piça kartam āha «آنچه را که بوسیله پدرم ساخته شد». شیوه‌های دیگر بیان عامل عبارتند از ساخت وابستگی همراه با حرف (اضافه) پسایند rādiy (نگاه کنید به^(۱)k)، ساخت ازی با hacā در hacāma (نگاه کنید به: پ ۲۷۱ و واژه‌نامه، زیر مدخل hacā)، و ظاهراً ساخت مفعولی صریح به تنهایی (A³Pa 22f mām upā mām kartā) «بوسیله من در زمان من ساخته شد»، A³Pa 26 mām kartā «آنچه بوسیله من ساخته شد»؛ احتمالاً هر دوی این نمونه‌ها مخدوش است، مقایسه شود با عبارت mām kāma پ ۲۴۹/۱^(۲).

۱. در ترجمه نگاه کنید به: ذ.

۲. در ترجمه: پ خ/۲۴۹

پ) مفعولی، مانند DB 4.78f Auramazdātaiy jatā biyā «اهورامزدا نابود کننده تو باد» (مگر اینکه این مورد دارای کاربرد برایی باشد)؛ و بویژه با DB 1.1f xšāyaθiya xšāyaθiyānām framātar- و xšāyaθiya «شاه شاهان» و DNa 7f aivam parūvnām framātāram «یک فرم‌دار از بسیاری». اما تنها ساخت وابستگی جمع با xšāyaθiya بکار می‌رود؛ در حالت مفرد، ساخت دری مورد استفاده قرار می‌گیرد (پ) ۲۵۱/۳^۳. ساخت وابستگی با فعل «فرمانراندن»، احتمالاً به این موارد تعلق دارد:

DNa 18f adamšām patiyaxšayaiy «برآنها فرمانراندم»
DNb 15 uvaipašiyahyā xšayamna «بر (هوس) خود فرمانروا هستم»

ت) توزیعی، بیان کننده یک کمیت کامل:

DB 1.37f viyaxnahya māhyā XIV raucabiš θakatā āha «چهارده روز از ماه ویخن گذشته بود»
DB 1.49 naiy amāxam taumāyā kašciy «نیز نه کسی از تخمه‌ما»
مقایسه شود با DB 1.28f amāxam taumāyā که مستقیماً به kabūjiyā اشاره دارد؛ DPd 1f hya maθišta bagānām «بزرگترین خدایان».

ث) بیان متمم زمانی:

«در همان یک سال» DB 4.4f hamahyāyā θarda؛ از این کاربرد، کاربرد صورت وابستگی DB 1.20, xšapa، در یک جفت با قافیه با ساخت مفعولی صریح و پی‌چسب patiy، برای نشان دادن زمان مبهم، برآمده است.

ج) به عنوان بدل برای حالت وابستگی، همانند

DB 3.58f dārayavahauš xšāyaθiyahyā.

چ) بعنوان ساخت برایی، برای مفعول غیر صریح، در

DB 1.12 auramazdā xšačam manā frābara,

DB 1.31f kārāhyā naiy azdā abava, «برای مردم معلوم نشد»،

DB 1.75 kārāhyā avaθā aθaha, D5a 5 visahyā frašam θadayātaiy.

(ح) بعنوان ساخت برایی ارجاع، در DB 1.87 aniyahyā asam frānayam «برای عده‌ای اسب تهیه کردم»، DNā 3f hya šiyātim adā martiyahyā «که شادی را برای مردم آفرید»؛ و نیز شامل ساخت برایی برای مالکیت، همانند DB 4.56 utātaiy taumā vasiy biyā «دودمان تو بسیار باد».

(خ) بعنوان ساخت برایی، برای مقصد، در DB 1.13 imā dahyāva tyā «این‌ها هستند کشورهایی که از آن من شدند».

(د) با مفهومی که بوسیله hama- بیان می‌شود، در ترکیبات: DB 1.30 hamātā hamapitā kabūjiyahyā «دارای یک مادر و یک پدر با کمبوجیه»؛ جایگاه ساخت وابستگی پس از صفات، این تصور را پیش می‌آورد که این بیشتر کاربرد ساخت برایی است تا کاربرد واقعی حالت وابستگی (مقایسه شود با: پ ۳۰۹) ۹۸.

(ذ) با حروف (اضافه) پیشایند، کاربرد آمیخته با patiy- (نگاه کنید به: E) (۴)؛ DB 3.32 pasā manā «پس از من»؛ با -anu «برابر با»، در DNb 16,18؛ با -rādiy برای بیان عامل در DNb 9,10f؛ با پی‌چسب -rādiy، در avahyarādiy «از این جهت».

پ ۲۵۱ - حالت دری در فارسی باستان، در کاربردهای زیر ظاهر می‌شود:
الف) بیان مکان نامعین، بدون حرف (اضافه) پیشایند، همانند DB 1.34f pasāva drauga dahyauvā vasiy abava utā pārsaiy utā mādayi

utā aniyāuvā dahyušuvā «سپس دروغ در کشور بسیار شد، هم در پارس هم در ماد و هم در دیگر کشورها»؛ DB 2.75 duvarayāmai; basta adāriya «بسته، کنار در کاخ من نگاهداشته شد»؛ DB 2.76 pasāvašim hagmatānaiy uzmayāpatiy akunavam «سپس او را در همدان به صلابه کشیدم»؛ DB 1.15 tyaiy drayahyā «اهل دریا» (نه «جزیره نشینها»، زیرا این اصطلاح به ولایتی دلالت می‌کند که مرکز آن داسکیل بود، JNES 2.304). اسامی مفرد همراه با واژه «شاه»، در حالت دری هستند، مانند DB 1.2 xšāyaθiya pārsaiy «شاه در پارس»، در حالیکه اسامی جمع دارای ساخت وابستگی می‌باشند (پ ۲۵۰/۵)؛ بهمین صورت DB 1.81 xšačam tya bābirauv «شاهی را در بابل». حالت دری در DB 2.23f hya mādaišuvā maθišta āha «کسی که سر کرده مادی‌ها بود»، جانشین حالت وابستگی است (مقایسه شود با: پ ۲۵۰/۶).

ب) بیان مکان مورد ارجاع، با حرف (اضافه) پیشایند yāta «تا»، در DSf 32f abara yātā bābirauv «تا بابل حمل کردند»، 34 yātā čušāyā «تا شوش»؛ نیز شاید بتوان گفت، به سبب تصور حرکتی که بنظر می‌رسد در فعل نهفته باشد، همانند (DB 1.62f) gāθavā avāstāyam

gāθavā niyašādayam (DNa 36), maškāuvā avākanam (DB 1.86), uzmayā-patiy (DB 2.76) و غیره.

پ) بیان تصریح: nāma «به نام» (برای مثال‌ها، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه، و نیز پ ۳۱۲)، و شاید nāmā (اگر واکه بلند، مربوط به حالت دری باشد و نه مربوط به حالت مفعولی صریح)؛ احتمالاً Wc 1 D²Sa 1 (A²Hb) apadānam و «۱۲۰ (واحد) به وزن» و CXX karšayā

۵. در متن: پ پ/۲۵۰.

۶. در متن: پ ت/۲۵۰.

stūnāya aθagainam (اگر āya- به جای āyā- آمده باشد). «قصر را با ستون‌های سنگی».

ت) کاربردهای نامتعارف: گاهی اوقات حالت دری همراه با hačā، جایگزین حالت ازی می‌شود تا مکان مبداء را نشان دهد: hacā bābirauv DSf 33 (از بابل) (در حالیکه حالت ازی آن در DB 2.64f بصورت hacā bābirauš آمده است)، (DSf 44, DPh 7, DH 5f) hacā hidauv؛ و حتی یک بار بدون حرف (اضافه) پیشایند بکار رفته است: XPf 32-4 yaθāmaiy pitā dārayavauš gāθavā ašiyava «و قتیکه پدرم داریوش از تخت رفت (= مرد)».

ث) با حروف (اضافه) پیشایند: حالت دری با حروف (اضافه) پیشایند yātā (نگاه کنید به: ب)، hacā (نگاه کنید به: D^(۷))، ni- در قید ni-padiy patiy، (نگاه کنید به الف، ب) دیده شده است. ازین گذشته، تمام ساخت‌های دری، دارای حرف (اضافه) پیشایند ā- هستند، بجز نام مکان‌ها در حالت مفرد و نیز آنهایی که بعنوان قید عمل می‌کنند (همانند ni-padiy، rādiy، dūrai، و غیره).

ج) بعنوان بدل برای حالت دری، همانگونه که در DB 1.34f آمده است.

پ ۲۵۲ - حالت بایی در فارسی باستان، در کاربردهای زیر ظاهر می‌شود:

الف) با hadā، برای اشاره به همراهی، چه دوستانه و چه خصمانه: DB 2.21f pasāva hauv vidarna hadā kārā ašiyava «پس از آنکه آن ویدرن با سپاه روانه شد»؛ DB 2.23 avadā hamaranam akunauš hadā mādaibiš «آنجا با مادی‌ها جنگ کرد».

ب) با pari-ay- «احترام گذاشتن به»، برای نشان دادن پیوند و ارتباط:

DB 1.23 imā dahyāva tyanā manā dātā apariyāya «ایمن
(است) کشورهایی که به قانون من احترام گذاشتند».

پ) به تنهایی، برای نشان دادن قابلیت:
DB 1.11f vašnā auramazdāha adam^(۸) xšāyaθiya amiy
«بخواست اهورامزدا من شاه هستم».

ت) به تنهایی، برای بیان تصریح: DNb 40f yāumainiš amiy utā
dastaibiyā utā pādaibiyā «آزموده هستم چه با هردو دست و چه با
هر دو پا» نیز همراه با اعداد: DB 2.56 anāmakahya māhyā XV
«از ماه انامک، ۱۵ روز گذشته بود»؛ Wa 1 II raucabiš θakatā āha
karšā «۲ (واحد) بوزن»؛ مقایسه شود با Lg. 19.227-9.

ث) با ویا بدون حروف (اضافه) پیشایند^{۹۹}، برای اشاره به مکان نامعین یا مکان
در بر گیرنده: DB 1.92 vardanam anuv ufrātuvā «شهری در کنار
فرات»؛ DB 3.26 kāra pārša hya vⁿⁱθāpatiy «سپاه پارسی که در کاخ
(بود)»؛ XPa 13f vasiy aniyašciy naibam kartam anā pārša «(بسیار) ساختمان) زیبای دیگر در این (شهر) پارس ساخته شد».

ج) با hacā برای اشاره به مکان مبدا:
DPh 5 (DH 4) hacā Sakaibiš «از سکاها»؛ اما شاید ساخت
ازی در صورت جمع از میان رفته و عملکردهای آن به ساخت بایی محول
شده باشد، در این زمینه، صورت جمع ازی صریحی در فارسی باستان
دیده نشده است.

چ) به تنهایی، برای بیان علت:
DSe 46f «به سبب آنها قابل کشیرانی بود»؛ DB 1.86 abiš nāviyā āha

۸. در متن، به اشتباه aham آمده است.

didā ha[natāyā avagmat]ā «دیوار از گذشت زمان فرو ریخته بود» (هر دو مثال قابل تردید است، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل های مربوطه).

(ح) با anuv برای بیان مطابقت:

DNb 24-6 martiya tya kunautiy yadivā ābaratiy anuv
taumanišaiy «آنچه مردی برابر قوایش انجام دهد یا بجای آورد».

(خ) بصورت یک ساخت عمومی، در افزوده بعنوان واپسین واحد یک مجموعه مفعولی صریح: DB 1.64f abicariš gaiθāmca māniyamca; vⁱθbišcā؛ و نیز در Xph 50f و 53f بصورت auramazdām...artācā. ظاهراً در مورد اخیر، دو برداشت گوناگون، نوعی ابهام بوجود آورده است: «اهورامزدا همراه آرت» و «اهورامزدا و آرت» با مفهوم «اهورامزدا و همراه او آرت». در اوستا کاربردی همانند و مشابه ولی بسیار وسیع و گسترده برای حالت بایی به عنوان یک ساخت عمومی وجود دارد.^۹

(د) با حروف (اضافه) پیشایند: hadā (نگاه کنید به: الف)؛ anuv (نگاه کنید به: H, E)؛ patiy (نگاه کنید به: E)؛ hacā (نگاه کنید به: F)^(۹)

پ ۲۵۳ - حالت ازی در فارسی باستان، در کاربردهای زیر ظاهر می شود:

الف) با hacā، برای بیان تصورات «ازی» گوناگون، در: پ ۲۷۱ فهرست شده است.

ب) با yātā، برای بیان مقصد در فاصله مکانی: DPh 6 (DH5) yātā a kūšā «تا اتیوی»، DPh 7f (DH 6) yātā ā spardā «تا سارد»؛ اما مقایسه شود با: پ 270/II.

پ ۲۵۴ - همایندی حالت ها در ساخت ها و نحو فارسی باستان عامل چشمگیری

۹. در ترجمه به ترتیب: نگاه کنید به ث، ح؛ ث؛ ج.

بحساب می‌آید. با کاهش *t-s* پایانی به یک آوای کمینه، که احتمالاً پس از *ā* کاملاً حذف می‌شده است (اگرچه پس از *-ā-* از میان نمی‌رفت)، پایانه‌های پاره‌ای از حالت‌ها، که در اصل متفاوت بوده‌اند، همانند می‌شوند. بنابراین در بن‌های مختوم به *-ā-*، یک ساخت مختوم به *-āyā-* دارای حالت‌های وابستگی، بایی، دری وازی است؛ در بن‌های مختوم به *-ō-*، ساخت مختوم به *-ā-* هم دارای حالت بایی است و هم دارای حالت ازی؛ در بن‌های مختوم به *-ī-*، ساخت مختوم به *-iyā-* دارای حالت‌های بایی، دری، ازی (و احتمالاً وابستگی، در این مورد مثال معینی وجود ندارد) است؛ در حالیکه چنین آشفتگی‌ای در بن‌های مختوم به *-ī-* (ساخت‌های بایی، دری وازی موجود نیست)، در بن‌های مختوم به همخوان (ساخت‌های ازی موجود نیست)، و نیز در بن‌های مختوم به *-ā-* (ساخت‌هایی بایی یا ازی موجود نیست، اما نگاه کنید به مطالب زیر)، قابل اثبات نیست. این موارد برای مفرد است؛ در جمع، حالت فاعلی و مفعولی، همیشه همانندند، حالت وابستگی متمایز است، حالت بایی و دری متفاوت هستند، و ساخت ازی نیز بکلی وجود ندارد.

بدین ترتیب ممکن است که (بجز در مورد ضمائر متصل *-ma* در *ša, hacāma* در *avadaša* و غیره) ساخت ازی به عنوان یک ساخت متمایز، در فارسی باستان از میان رفته باشد، زیرا ساخت‌های اصیل ازی، با ساخت حالت‌های دیگر، بویژه با حالت بایی و دری، از پیش همانند شده بودند، و از همین روی پاره‌ای از ساخت‌های بایی و دری - البته نه به سبب همانندی اصیل با ساخت ازی - با *hacā* «از» بکار رفته‌اند (پ *D* ۲۵۱/، پ *F* ۲۵۲/ (۱۰)). این وضع همچنین می‌توانست کاربرد با قاعده حرف (اضافه) پیشایند را با آنچه که ما تحت عنوان حالت ازی می‌شناسیم، برای ما توجیه کند، در صورتیکه حالت‌های دیگر هم با حروف (اضافه) پیشایند و هم بدون آن‌ها بکار می‌روند، و تنها در یک مورد، آنهم در *XPf 33* که صورت دری *gāθavā* بدون *hacā* ولی در معنی ازی بکار می‌رود، دارای استثناء هستند. در این میان، یک ساخت برای بررسی و توجه باقی می‌ماند: *DB 2.65*، دارای صورت *bābirauš*، بعنوان ساخت کهن ازی برابر با ساخت وابستگی همانند سنسکریت است؛ اما کتیبه

متاخر DSf، در سطر ۳۳ دارای صورت *bābirauv* با *hacā* است، و نیز صورت *hidauv* که در DH 5f, DPh 7, DSf 44 با *hacā* ظاهر می‌شود و دگرگونی در این صرف را نشان می‌دهد. اوستای متاخر نیز با ایجاد ساخت‌های جدید ازی مختوم به *-t*، از همانندی کهن ساخت وابستگی و ازی (خارج از بن‌های مختوم به *-ō-!*) دور شده؛ و این در حالی است که فارسی باستان، برای اینکه متعارف بماند، آمیزه ساخت ازی و حالت‌های دیگر را پذیرفت.

پ ۲۵۵ - شمار در فارسی باستان معنی معمولی خود را دارد. در DB 1.87 *aniyahyā asam frānayam* «برای بقیه اسب (هایی) تهیه کردم»، ساخت مفرد دارای معنی جمع است؛ تحریر عیلامی DB 1.65 *māniyam* «برده(های) خانگی» دارای شناسه شخصی است؛ و نیز احتمالاً در *A²Hb* *apadānam stūnāya aθagainam* و *D¹Sa 1* «قصر سنگی با ستون (ها) = قصر با ستون‌های سنگی»، این مورد مشاهده می‌شود، البته چنانچه *stūnāya* صورت نوشتاری اشتباهی باشد برای حالت دری *stūnāyā*. در مورد *kāra* و *dahyāuš* بعنوان مرجع ضمائر جمع مذکر، نگاه کنید به: پ ۲۵۸/III؛ برای ساخت‌های مفرد دیگر بعنوان مراجع ضمیر جمع، نگاه کنید به: پ ۲۵۸/IV.

پ ۲۵۶ - مطابقت‌های دستوری در فارسی باستان از انواع متعارف موجود در زبان‌های هندواروپایی، همانند صفات وصفی، اسامی بدل و صفات اسامی و مسند و صفات، انواع ضمائر گوناگون و افعال با فاعل‌های مربوطه، دنباله روی می‌کند. پاره‌ای از ویژگی‌های معدود، همراه با برخی از نمونه‌های دارای کاربرد با قاعده، در بخش‌های زیرین فهرست شده است.

پ ۲۵۷ - بدل‌ها در حالت‌های زیر ظاهر می‌شوند؛ نبود مثال در حالت‌های دیگر اتفاقی است: حالت فاعلی در DB 1.1, 1.53 و تقریباً در همه جا؛ حالت مفعولی صریح در DB 1.54, DPd2, DNb 4f و غیره؛ حالت وابستگی در DB 3.59, DPd9-11, XPc 14 و غیره؛ حالت دری بصورت کمیاب در DB 1.34f. در بیشتر موارد، چنانچه بدل از تکواژه بیشتر باشد و یا چنانچه در حالت غیر صریح بیاید، بوسیله یک عبارت فاعلی بی‌تسلسل که از سوی یک ضمیر یا قید

از سرگیرنده دنبال می‌شود، بیان می‌گردد (پ الف ۳۱۴؛ پ ۳۱۲).

بدل‌های ناقص در DB 1.34f pasāva drauga dahyauvā vasiy abava utā «سپس دروغ در کشور بسیار شد، هم در پارس هم در ماد هم در کشورهای دیگر»، نیز در DB 1.40f, 1.48f و DSf 25f θikā avaniya aniyā XL arašaniš baršnā aniyā XX arašaniš baršnā شفته انباشته شد، بخشی ۴۰ ارش در عمق، بخشی دیگر ۲۰ ارش در عمق» ظاهر می‌شود. اسم‌های بدل الزاماً در جنس مطابقت نمی‌کنند؛ بنابراین در DPd 6f iyam dahyāuš pārša «این کشور پارس»، dahyāuš مونث و pārša مذکر است.

پ ۲۵۸ - مطابقت ضمائر در مجموع وضعیت‌های قابل انتظار و نیز پاره‌ای ویژگی‌های خاص را نشان می‌دهد که در اینجا ارائه شده‌اند.

I- ضمائر *-dim, -šim, ava-, hauv* و اشکال مختلف آنها، معمولاً برای ارجاع به یک عبارت مقدم یا فراکرد موصولی، بکار می‌رود؛ در این حال، عبارت مقدم معمولاً در حالت فاعلی قرار دارد، همانند DB 2.30f *kāra hya hamičiya* «سپاه نافرمان که خود را از آن من نمی‌خواند، بزن»، اما گاهی اوقات نیز در حالت واقعی خود است، همانند DB 2.84 *kāram hamičiyam hya manā naiy gaubātaiy avam jatā* «سپاه نافرمان را که خود را از آن من نمی‌خواند، بزنید».

II- ضمائر متصل *-šim* و *-dim* و اشکال گوناگون آنها، ممکن است مراجعی با هر جنس داشته باشند و نیز اشکال مفرد آنها ممکن است به مراجعی با هرگونه شمار اشاره کند؛ برای جزئیات، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های *-ša-* و *-di-*.

III- ضمائر جمع معمولاً در جایی بکار می‌روند که مرجع، «مردان» - که بطور ضمنی در واژه مقدم *kāra* «مردم، سپاه» بیان شده - یا *dahyāuš* «کشور» و یا موارد مشابه، باشد؛ بنابراین *-diš-* در DB 1.65، برمی‌گردد به *kārahyā* در سطر ۶۴: 2.19-21 *šām* با دو بار ظهور و دو ساخت امر جمع، به *kāram* برمی‌گردد؛ در DB 3.11f *akunavaⁿta* بواسطه معنی *dahyāuš*، دارای

ساخت جمع است، همانگونه که *agarbāya*ⁿ در DB 3.48 و نیز *agarbāya*ⁿ در DB 3.49، بواسطه ارجاع به *kāra* بصورت جمع آمده است. *-šām* در *DNa* 36f با اشاره به «مردم» (مقایسه شود با II در بالا) که معنی ضمنی آن از *būmim* برمی آید، به *šim* 36 باز می گردد. *-šiš* در DB 4.5f بواسطه ارجاع به *hamaranā* «نبرد»، دارا معنی «دشمنان» است (نگاه کنید به JAOS 35.344-50, 41.74-5؛ کامرون آنرا *-šiš* قرائت می کند نه *!-šim*).

IV- ویژگی های دیگر: در *DSe* 32-7، صورت جمع مونث *dahyāva* سبب آمدن *aniya aniyam* می شود. در DB 4.68f، صورت جمع مذکر *avaiy* به صورت مفرد مذکر *martiya* که دو فراکرد موصولی از طریق ایجاد ارتباط با *vā* «یا»، به آن متصل شده اند، باز می گردد. در عبارت *atar aitā dahyāva tyaiy upariy* در *nipištā* «در میان این کشورهایی که در بالا نوشته است»، مندرج در *XPh* 30f، موصول مذکر *tyaiy* به صورت مونث *dahyāva* اشاره دارد، اگرچه *dahyāva* دارای صفت مونث *aitā* می باشد. *tyā* در DB 1.65 و *[-diš]* در *DSs* 6 دارای صورت جمع خنثی با مرجع هایی مختلف الجنس هستند.

پ ۲۵۹ - مطابقت مسندها از موارد معمولی است. اما یک صفت در حالت مفرد

خنثی می تواند بعنوان مسند برای هر مسندالیهی بکار رود^{۱۰۱}:

DB 2.18f *kāra pārša utā māda hya upā mām āha hauv kamnam āha*
«سپاه پارسی و مادی که با من بود، آن کم بود»؛ نیز:

DB 1.47 *uvāipašiyam* (عطف به) *pārsam utā mādam utā aniyā dahyāva*, *DNa* 39 *ciyākaram āh avā dahyāva*, *DNb* 6f *avākaram amiy*, *DNb* 27f *avākaram - ca - maiy ušiy utā framānā*, *DNb* 50f *ciyākaram amiy ciyākaram-ca-maiy uvnarā*.

یک مسندالیه خنثی می تواند دارا اسم مذکری بعنوان مسند باشد: *DNb* 11f: *tya rāstam ava mām kāma* «آنچه راست است، آن میل من است».

در DB 2.92f *parθava utā varkāna hamičiyā abavaⁿ hacāma* «پارت و گرگان نسبت به من نافرمان شدند، آنها خود را از آن فروریش خواندند»، افعال جمع نشان می دهد که صفت اسنادی

hamiçiyā بیشتر جمع است تا تشبیه، با اینکه مسندی است برای دو اسم مفرد. DB 1.8 hacā paruviyata hyā amāxam taumā xšāyaθiyā āha در احتمال بر این است که xšāyaθiyā دارای حالت فاعلی جمع بمعنی «شاهان» می باشد، که در آن حالت āha، مطابق با مسند خود، جمع است؛ اما اگر xšāyaθiyā بعنوان یک صفت مفرد فاعلی بمعنی «سلطنتی» آمده باشد، آنگاه āha مطابق با مسندالیه خود، taumā «تبار»، مفرد خواهد بود.

پ ۲۶۰ - ضمائر فارسی باستان که ضمائر دارای کاربرد صفتی را نیز در بر می گیرند، بشرح زیر عبارتند از:

I- ضمائر شخصی adam «من» و tuvam «تو»، دارای ویژگی های خاص نحوی نیستند؛ صورت های وابستگی آنها در تمام کاربردها بکار می رود و با صفات ملکی جایگزین نشده اند (مگر کاربرد meus و tuus در لاتین، برای جایگزینی با اضافه ملکی و گاهی اوقات کاربردهای وابستگی دیگر). تنها کاربرد tuvam و اشکال آن، عبارت است از اشاره به دوم شخص فرضی با ویژگی عمومی که از طبیعت متون بدست می آید.

II- ضمائر متصل سوم شخص šim- و dim- و اشکال گوناگون آنها، از نظر جنس تغییر شکل نمی دهند؛ مقایسه شود با واژه نامه، مدخل های مربوطه. درباره اشکال مختلف dim- مکتوب بصورت واژه های جدا، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل di- و پ ۱۳۳.

III- تمام ضمائر دیگر با هم بعنوان ضمائر یا صفات اشاره، یک مجموعه را تشکیل می دهند، اگرچه بنظر می رسد که معنی اشاره ای و شناسه ای در آنها ترکیبی است که قطعاً نمی توانند جدا از یکدیگر باشند؛ همه این ها هم بعنوان ضمائر و هم بعنوان صفات بکار می روند:

hauv (پ ۲۳۶)، بسیار شبیه is در لاتین

ava- (پ ۲۶۴)، هم ارزش با ille در لاتین

iyam و مکمل های آن (پ ۲۶۵)، همانند hic و is در لاتین

aita- (پ ۲۶۶) همانند hic در لاتین

تمام اینها بعنوان ضمائر از سرگیرنده، با ارجاع به چیزی که قبلاً به آن اشاره

شده و معمولاً بدون ساخت دستوری، بصورتی فراوان در شیوه‌های معمولی می‌آید (پ ۳۱۲، پ ۳۱۴)، نیز بکار می‌روند. قیده‌های *avadā* و *avaθā* نیز بعنوان عوامل از سرگیرنده مورد استفاده قرار می‌گیرند. قید *amata* «از آنجا»، بن *ama-* «آن» را که در فارسی باستان تنها بصورت قید دیده می‌شود، نشان می‌دهد.

IV- ضمیر موصولی در فارسی باستان *hya hyā tya* (پ ۲۶۱) است که هم بصورت حرف تعریف معین بکار می‌رود (پ ۲۶۲) و هم (بندرت) بعنوان ضمیر سوم شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

V- ضمیر نامعین پرسشی هندواروپایی آغازین **q^uo-q^ui-*، در فارسی باستان آثار و بقایای چندی دارد؛ نگاه کنید به پ ۲۰۱.

VI- موصول هندواروپایی آغازین **io-* نیز در فارسی باستان دارای باقیمانده‌هایی است؛ نگاه کنید به پ ۱۹۷.

پ ۲۶۱ - ضمیر موصولی اشاره‌ای فارسی باستان *hya hyā tya* است، که در ساخت و عملکردها با ضمائر اشاره *sa-s sā tad* و موصول *ya-s yā yad* سنسکریت پیوند دارد (مقایسه شود با یونانی *ὅς η τὸ, ὅς η ὅ*). در فارسی باستان کاربرد موصولی این ضمائر بسیار بیشتر از کاربرد حرف تعریفی یا ضمیر اشاره‌ای آنها ظاهر می‌شود. بررسی دقیق مثال‌ها، این احتمال را پیش می‌آورد که قلمرو اصیل ضمائر فوق، قلمرو موصولی بوده است؛ در فراکردهای وصفی توصیف کننده یک صورت فاعلی، حذف فعل ربط، به استنباط یک بدل مشخص شده با حرف تعریف می‌انجامد؛ این کاربرد به مرجع‌های در حالت مفعولی صریح و بندرت به اسم‌هایی در حالت‌های دیگر گسترش یافته است؛ بدل با صفت محض جابجا شده و گاهی پیش از اسم توصیف شده جا یگرفته است؛ حرف تعریف در یک مفهوم عام، نهایتاً پیش از صفت قرار گرفته است.^{۱۰۲}

I- در جایی که فراکرد، دارای فعل قابل صرف باشد، کاربرد موصولی روشن است، همانند DB 1.51، یا وجه وصفی بدون فعل ربط بعنوان هم ارزش و قرینه مجهول حالت معلوم موجود در زنجیره:

DB 4.1f *tya manā kartam* «آنچه که بوسیله من کرده (شد)»، برابر با DB 4.3f *tya adam akunavam* «آنچه که من کردم»؛ و نیز هنگامی که موصول نسبت به مرجع خود تغییر حالت می دهد:

XPf 22f *Dārayavaum hya manā pitā*, cf. DSf 57f 42, DPh 5f.

-II از نوع موصولی اصیل (و غیره DB 1.44 *gaumāta hya maguš* بدون فعل ربط، نوع مفعولی صریح (و غیره، DB 1.49f *gaumātam tyam magum* بدست می آید، که در آن کاربرد موصولی قطعی است.

-III این ضمیر بعنوان حرف تعریف، پس از یک اسم بکار می رود تا توصیف کننده هایی را ارائه کند: یک اسم بدل به تنهایی (DB 1.44, 1.50) یا با حالت وابستگی مقدم (XPf 30, DB 1.39)؛ یک صفت مشترک عمومی (DB 2.25f, DPe 3f, DSf 30f, 37)؛ دو صفت مشترک پی در پی (DSf 11f)، یک قوم-واژه (DBk 2, DB 1.79, 2.21)؛ یک صفت برترین و بدنبال آن حالت وابستگی کل (DSf 9)؛ وابستگی ملکی مربوط به یک نام شخصی (DB 1.89) یا مربوط به یک ضمیر (DB 2.35, 1.69)؛ اسم در حالت دری (DB 1.81 *xšaçaṃ tya bābirāuv*) یا یک اسم در حالت بایی همراه با حرف (اضافه) پسایند متصل (DB 3.26 *kāra pārša hya v^hāpatiy*).

-IV این ضمیر به عنوان حرف تعریف، گاهی بر اسم خود مقدم می شود تا برای ایجاد یک صفت یا یک اضافه به آن بپیوندد؛ در این زمینه این مثال ها موجود است:

DB 1.8 و DBa 12f *hyā amāxam taumā*; DB 1.23 *tyanā manā dātā*, cf. DNa 21; DB 3.32 *hya aniya kāra Pārša*; DB 4.87f *tyām imaišam martiyānām taumām*; DB 5.12 *tyamšām maθištam*; DNa 56f *hyā auramazdāhā framānā*, DSf 12f *hya manā pitā vištāspa*^{۱۰۳}.

-V این ضمیر بعنوان یک حرف تعریف عام، در DSe 39f *hya tauvīyā tyam* کاربرد دارد و -*martiya* «مرد» ارائه می شود، همانند DNb 12 *martiyam* همراه *draujanam* و یا نامشخص است، همانند هنگامی که با *skauθiš* در DNb 8f و با *tunuvā* در DNb 10 همراه می باشد.

-VI در دو عبارت، که -*tya* ضمیر اشاره است: DB 3.73 *nipadiy tyaiy* «بدنبال آن ها»، جایی که متن بی ابهام است و DSf 14 *tyā* که تنها به آثار جزئی این

ویژگی‌ها متکی است^{۱۰۴}.

پ ۲۶۲ - حروف تعریف در فارسی باستان.

I- علیرغم کاربردهای ارائه شده در قسمت پیشین، باید گفت که حرف تعریف معین در فارسی باستان وجود ندارد؛ مقایسه شود با 8 - Lg. 20.6 ؛ در نتیجه *hya hyā tya*، بعنوان حرف تعریف، تنها برای پیوند دادن توصیف کننده‌ها به اسم دیگر، و یا برای بیان ارزش عام، عمل می‌کنند. بنابراین مادر DB 2.18f به *kāra pārša utā māda hya upā mām āha hauv kamnam āha adam dārayavauš* به DB1.1 و در *xšāyaθiya vazraka* «من داریوش، شاه بزرگ (هستم)»؛ برمی‌خوریم. قابل توجه است که گزنفون *βασιλεus* را در ارجاع به شاه پارس، بدون حرف تعریف بکار می‌برد (و غیره، 2, 1.7.1, Anab.).

II- حرف تعریف نامعین نیز در فارسی باستان به کلی وجود ندارد، به جز عبارت *I martiya* «یک مرد» که برای معرفی یک شخصیت جدید بکار رفته است و در آن‌جا نشانه عددی، تقریباً دارای ارزش حرف تعریف نامعین است (و غیره، 77, 74, 1.36, DB).

III- حرف تعریف عام در: پ ۲۶۱/V، مورد بحث قرار گرفته است.

پ ۲۶۳ - ضمیر اشاره *hauv* (یک بار بصورت *hauvam* در DB 1.29) یا ضمیری است با ارجاع به اسمی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفته است، و یا صفتی است که بلافاصله از سوی اسم خود، که گاهی با یک فراکرد موصولی مورد شرح قرار می‌گیرد، دنبال می‌شود (70, 54, 3.35, 2.66, DB 1.92).

پ ۲۶۴ - ضمیر اشاره *ava-* «آن»، نیز یا ضمیر است یا صفت؛ و معمولاً به چیزی که قبلاً به آن اشاره شده برمی‌گردد، اما گاهی دارای مرجعی است که پس از آن می‌آید، همانند *naimā ava kāma tya tunuvā skauθaiš rādiy miθa kariyaiš* «نه مرا کام است که (شخص) توانایی از سوی ضعیف (به او) بدی کرده شود (DNb20, 53, 55, 57, DSa 4, DB 3.58, DNa39, DNb 10f)

(DSe 34, XPh 49, 51f). همچنین زمانی که برای آسمان بکار می‌رود، معنی «آن» می‌دهد:

hya imām būmim ada hya avam asmānam adā (DNa 1-3, (و غیره
auramazdā «اهورامزدا کسی که این زمین را آفرید کسی که آن آسمان را
آفرید».

پ ۲۶۵ - ضمیر اشاره فاعلی مفرد مذکر - فاعلی مفرد مونث iyam «این»، با تکمله آن (پ ۱۹۹)، نیز همانند موارد فوق یا ضمیر است یا صفت، و در مجموع از انواع زیر است: (DN 1) iyam pārša «این پارسی است»، hya imām xšāyaθiya (DPa 5f) tacaram akunauš «کسی که این قصر را ساخت» ahyāyā būmiyā vazrakāyā (DNa 11f) «شاه در این زمین بزرگ». iyam در tya imaiy kāram adurujiyaša (DB 4.34f) «که اینها مردم را فریفتند»، ضمیری است که با مرجع خود نسبتاً فاصله دارد، بعبارت دیگر imaiy به مدعیان شورشی برمی‌گردد که در DB 4.7-30 فهرست شده‌اند.

پ ۲۶۶ - ضمیر اشاره aita- «این»، در اغلب اوقات به مرجع پیش از خود و گاهی نیز هنگامیکه مرجع بوسیله aita- یا ava- تکرار می‌شود، به مرجع پس از خود برمی‌گردد (XSc 4 → احتمالاً، DB 1.44, DNa 48, XPh 43).

پ ۲۶۷ - ضمائر در فراکردهای موصولی تعدادی ویژگی‌های نحوی جالب را نشان می‌دهند.

I- بجز aita tya «این که» در (DNa 48, XPh 43)، موصول هیچگاه دارای مرجع اسمی مقدم با ویژگی عام نیست؛ مقایسه شود با DB 1.27 ima tya manā kartam «این (است آنچه) بوسیله من کرده شد». اما ممکن است یک اسم عام بعنوان مرجع وجود داشته باشد، همانند DB 1.21 martiya hya agriya āha avam «مردی که وفادار بود او را...».

II- مرجع عام ممکن است داخل فراکرد قرار گرفته باشد، همانند ۱۰۵ DB 1.57f utā tyaišaiy fratamā martiyā anušiya āhatā «و آن مردانی

را که برترین پیروان او بودند؛ اما اغلب موارد، مرجع بر موصول مقدم می‌شود همانند DB 2.77 utā martiyā tyāišaiy fratamā anušiya āhatā.

-III

همین طور، صفت توصیفی نیز، در

DB 2.30f(2.50f) و kāra hya hamiṣiya manā naiy gaubataiy «سپاه نافرمانی که خود را از آن من نمی‌خواند»، داخل فراکرد قرار گرفته است؛ در حالیکه این گونه صفات معمولاً بیرون از فراکرد قرار می‌گیرند، همانند DB 2.84 kāram hamiṣiyam hya manā naiy gaubātaiy شود با DB 2.21, 3.86.

-IV

مرجع ضمیر موصولی معمولاً پس از فراکرد، بوسیله یک ضمیر از سرگیرنده در بافت نزدیک و بی فاصله از خود تکرار شده است همانند:

DB 1.21 avam (نگاه کنید بالا I) و نیز DB 4.75f tya kunavāhy ava-taiy auramazdā ucāram kunautuv «آنچه کنی آن را بتو اهورامزدا خوب کند»^{۱۰۶}. در یک عبارت، ضمیر از سرگیرنده تکرار شده است: DNb 16f martiya hya hataxšataiy anu-dim [ha]kartahyā avaθā-dim paribarāmiy «مردی که همکاری می‌کند او را برابر همکاریش، همانگونه پاداش می‌دهم».

-V

در یک عبارت، ضمیر موصولی که مفعول دو فعل است، بوسیله diš- بعنوان مفعول فعل دوم تکرار شده است:

DNb 45-7 ūvnaṛā tyā auramazdā upariy mām nīyasaya utā-diš atāvayam bartanaiy

«هنرهایی را که اهورامزدا بر من فرو فرستاد و من توانستم آنها را بکار برم»^{۱۰۷}. ضمیر موصولی بعنوان فاعل، پیش از ayauda در XPh 31 حذف شده است.

-VI

پ ۲۶۸ - حروف (اضافه) پیشایند و حروف (اضافه) پسایند و نیز موارد دیگری که در فارسی باستان تنها بعنوان پیشوندهای فعلی و اسمی وجود دارند، با توضیح خلاصه کاربردهای مربوطه، در فهرست زیر داده شده است:

ā, حرف (اضافه) پیشایند با قید؛ حرف (اضافه) پسایند برای حالت دری؛ پیشوند برای افعال و اسم‌ها

aⁿtar حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح

ati-	پیشوند با افعال
aθiy	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح
anuv	حرف (اضافه) پیشایند با حالت بایی و وابستگی
apa-	پیشوند با افعال و اسم‌ها
abiy	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ پیشوند با افعال و اسم‌ها
ava-	پیشوند با افعال
ud-	پیشوند با افعال و اسم‌ها
upā	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ حرف (اضافه) پیشایند با افعال و اسم‌ها
upariy	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح، پیشوند با افعال
tara	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح
ni-	حرف (اضافه) پیشایند با حالت دری در قید مرکب؛ پیشوند با افعال
nij-	پیشوند با افعال
nipadiy	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح
pa-	پیشوند در -pavastā، نگاه کنید به مدخل مربوطه
paišiyā	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح
patiy	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ حرف (اضافه) پسایند با حالت مفعولی صریح، بایی، دری؛ پیشوند با افعال و اسم‌ها
patiš	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح
para	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ احتمالاً پیشوند در اسم‌ها
parā	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ پیشوند با افعال
pariy	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ پیشوند با افعال؛ بکاربرده شده بعنوان ریشه اسم مشتق
pasā	حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح و وابستگی
fra-	پیشوند با افعال و اسم‌ها، و در قید مرکب
yātā	حرف (اضافه) پیشایند با حالت دری
yātā ā	حرف (اضافه) پیشایند با حالت ازی
rādiy	حرف (اضافه) پسایند با حالت وابستگی
vi-	پیشوند با افعال و اسم‌ها

hacā حرف (اضافه) پیشایند با حالت ازی، دری، بایی، قید.
hadā حرف (اضافه) پیشایند با حالت بایی
پیشوندهای جدا ناشدنی به شرح زیر عبارتند از:

a- an- پیشوند معمولی نفی

u- (=h u-) «خوب»؛ duš- «بد»

ha- ham- بعنوان پیشوند در معنی برابر با یونانی *ovv* و لاتین *com-* به عنوان پیشوند. کاربردهای مربوط به حروف (اضافه) پیشایند (و حروف) (اضافه) پسایند در بخش‌های بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ کاربردهای دیگر نیز به تناسب در واژه‌نامه توضیح داده شده است.

پ ۲۶۹- حروف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح به شرح زیر عبارتند از:

در مورد *patiy* و *pasā* که با حالت‌های دیگر نیز بکار رفته‌اند، نگاه کنید به: پ ۲۷۱.

aⁿtar «اندر» برای مکان نامعین

aθiy «به» برای مقصد

abiy «به، بسوی» برای رسیدن به مقصد، چه شخص و چه مکان؛ بجز در «من نزدیک.... بودم» (DB 2.12)، «من به.... افزودم» (XPg 10).

upā «تحت»، همیشه برای شخص، در کاربردهای مجازی: «زیر نظر من بود، تحت فرمان من، با من» (DB 2.18, 3.30)؛ «تحت فرمان اردشیر، در زمان اردشیر» (A²Sa4)؛ «ساخته شده به فرمان من، در زمان من» (A³Pa 23).

upariy «بالای» باگرایش جزئی به بیان مفهوم «بنابر، مطابق با» (DB 4.64)؛ یک بار نیز به عنوان دومین واژه پس از مفعول آمده است (DNb 49، گونه دیگر 46).

tara «از وسط، با حرکت».

nipadiy «دنبال»، نگاه کنید به: پ ۲۷۰/IV

paišiyā «در حضور، پیش»

patiš «ضد»، حکومت یک شخص مورد نظر

para «ماوراء» یک مکان نامعین

parā «سرتاسر» حرکت، حرف (اضافه) پسایند متصل.
pariy «درباره = مربوط به = در برابر» یک شخص

پ ۲۷۰ - حروف (اضافه) پیشایند با حالات دیگر به شرح زیر عبارتند از:

- I - با حالت بایی؛ نیز نگاه کنید به anuv, patiy, hacā, پ ۲۷۱.
- hadā «با» برای همراهی؛ برای اجتماع خصمانه (مانند DB 2.23)
- II - با حالت ازی؛ نیز نگاه کنید به hacā, پ ۲۷۱.
- yātā ā «تا»، برای محدودیت مکانی؛ نیز نگاه کنید به ā و yātā, IV
- III - با حالت وابستگی؛ نیز نگاه کنید به anuv, patiy, pasā, پ ۲۷۱.
- rādiy «بواسطه»، حرف (اضافه) پسایند پی چسب در avahyarādiy «به سبب اینکه»؛ نیز بعنوان حرف (اضافه) پسایندی که دارای تکیه مستقل نیست و فاعل منطقی را نشان می دهد (DNb 9.10f).
- IV - با حالت دری؛ نیز نگاه کنید به patiy, hacā, پ ۲۷۱.
- ā, حرف (اضافه) پسایند پی چسب که به تمام اسم ها و صفات عام در حالت دری مفرد و جمع به جز قیود مرکب می پیوند؛ نیز به عنوان حرف (اضافه) پیشایند با قید مرکب pasāva برای اشاره به محدوده زمانی (DSe 48)؛ نیز نگاه کنید به II, yātā ā
- ni- «زیر، پایین»، تنها در قید مرکب nipadiy «بدنبال، در پی»، که خود بعنوان یک حرف (اضافه) پیشایند موثر بر صورت مفعولی صریح tyaiy نیز عمل می کند (DB 3.73؛ برای ساخت. نگاه کنید به: پ ۱۹۸).
- yātā «تا» برای مقصدی در مکان؛ نیز نگاه کنید به II, yātā ā

پ ۲۷۱ - حروف (اضافه) پیشایند با دو حالت یا بیشتر به شرح زیر عبارتند از:

- نیز نگاه کنید به ā, yātā, پ IV/۲۷۰، و yātā ā, پ II/۲۷۰:
- anuv «سرتاسر» یک حرکت گذشته، با حالت بایی، «مطابق با»، با حالت بایی (DNb 25) و حالت وابستگی (DNb 16,18)
- patiy با حالت مفعولی صریح «ضد» (DNb 22)، «بر» در قید مرکب patipadam

(DB 1.62)؛ بعنوان حرف (اضافه) پسایند بدون تکیه مستقل با حالت مفعولی صریح، «در»، برای بیان زمان نامعین (DB 2.62)؛ بعنوان حرف (اضافه) پسایند پی‌چسب، بیان‌کننده مکان «در، داخل»، با حالت بایی در *viθāpatiy* (DB 2.16, 3.26)؛ «بِـر» با حالت دری در *uzmayāpatiy* (DB 2.76, 91; 3.52, 92)، بیان‌کننده زمان «در طول» با حالت وابستگی و مفعولی صریح در *xšapa-vā raucapati-vā* (DB 1.20)

pasā «پس، سپس» با حالت مفعولی صریح زمان در *pasā tanūm* «پس از خویشتن»، و نیز در قید مرکب *pasāva* «پس از آنکه»؛ با اضافه مکانی در *pasā manā* «پس از، در پشت من» (DB 3.32)، و مفعول صریح مکان در *pasā sa[kā]* «در پس سکاها» (DB 5.22).

hacā «از»، با حالت ازی اسم و ضمیر یا قیدی در حالت ازی؛ گاهی همراه اسم‌های دارای ساخت دری یا بایی (یک بار با عبارت فاعلی بی‌تسلسل. 9 DZc، و یک بار همراه و بدنبال ضمیر مفعولی صریح متصل به عنوان جزء تغییرناپذیر، DB 1.50). این حرف اضافه روی نام - جایهایی که بعنوان نقطه آغاز از آن حرکت یا عمل (DB 3.80) یا گسترش (DPh 5.7) و یا جدایی (XPh 16) صورت می‌گیرد؛ نام اشخاصی که خطری از سوی آنها احساس می‌شود، فرمانی از آنها صادر می‌شود (= فاعل منطقی)، شورش از سوی آنها شکل می‌گیرد، چیزی از آنها گرفته می‌شود (DB 1.61)؛ قیود زمان بعنوان نقطه آغاز؛ اسامی اشخاص و اشیایی که باید از آنها مواظبت بعمل آید (DPd 16f و غیره) عمل می‌کند.

پ ۲۷۲ - حالات فعل در فارسی باستان، ساخت‌های معلوم، میانه و مجهول را در برمی‌گیرد؛ اما معانی آنها در تمام مثال‌ها و نمونه‌های مربوط به ساخت حالت‌ها وجود ندارد.

پ ۲۷۳ - ساخت‌های معلوم دارای معنی معمولی حالت معلوم هستند؛ اما این ساخت‌ها، گاهی بدون هیچگونه تمایز معنایی، با ساخت‌های میانه جایگزین می‌شوند (پ ب/ ۲۷۴).

پ ۲۷۴ - ساخت‌های میانه معمولاً دارای معنی واقعی حالت میانه هستند، اما

گاهی نیز معنی حالت‌های دیگر را به خود می‌گیرند.

الف) معنی حالت میانه در هر یک از مثال‌های زیر روشن است:

DB 1.41f xšačam hauv agarbāyatā «شاهی را او برای خود گرفت»؛

DB 1.47 uvāipašiyam akutā «(کشورها را) او از آن خود کرد»؛

DB 1.55 patiyāvahyaiy «برای خود یاری خواستم»؛

DB 1.93 hya nabuk^udracara agaubatā «او که خود را بخت‌النصر

می‌خواند»؛ DB 4.38 patipayauvā «خود را پایی».

ب) در پاره‌ای از قطعات، حالت میانه دقیقاً با معنی معلوم بکار می‌رود، همانند.

akunavašaⁿ DSf 51,53: آن حالت معلوم «کردند»، اما kunavantā DSf 48

manā bājim ataraⁿtā DB 1.19 «به من باج دادند»، اما حالت

معلوم، با همان عبارت: 17 XPh؛ 19f؛ DNā 19f؛ 9f؛ DPe 9f؛ abaraⁿ

azdā kušuvā DNb 50 «آگاه ساز»؛ میانه āhaⁿtā «بودند»، اما

معلوم: āhaⁿ ۱۰۸. احتمالاً ابهام ab^ar^a نسبت به صورت مفرد abara^t و

جمع abaraⁿ، ak^uun^av^a نسبت به akunava^t و akunavaⁿ و غیره، به

کاربرد حالت میانه بگونه‌ای متمایز بجای صورت جمع، منجر شده است؛

بهرحال این امر در مورد برخی از افعال، از جمله صورت امر kušuvā،

صدق نمی‌کند.

پ) پاره‌ای از افعال، تنها در حالت میانه دیده می‌شوند، اگرچه معنی میانه در

آنها بصورتی کاملاً آشکار وجود ندارد، این گونه افعال عبارتند از:

maniyaiy «می‌اندیشم»، yadataiy «می‌ستاید»، amariyatā «مُرد»، و نیز

ساخت‌های گوناگون آنها. اینکه این افعال در اصل مفاهیم حالت میانه را

نشان می‌داده‌اند، از طریق نمونه‌های اصیل لاتین arbitror, veneror،

که همان مفاهیم را بیان می‌کنند (اگرچه تنها morior از نظر

ریشه‌شناسی با معادل خود در فارسی باستان هم‌ریشه است)، و همگی

منجهول نما هستند، همانگونه که از نظر ریشه‌شناسی و معنی‌شناسی

معادل‌های آنها در زبان‌های دیگر اینگونه‌اند، شناخته می‌شود.

ت) ساخت‌های میانه زیر دارای معنی مجهول هستند: اخباری *vainataiy* «دیده می‌شود، بنظر می‌رسد که باشد، بنظر می‌آید» در *DNb 2, XPa 16*؛ و التزامی *vainātaiy DNb 35*؛ *anayatā* «برده شد» در *DB 1.82, 2.73, 5.26*؛ احتمالاً التزامی *kunavātaiy DNb 56*، و صورت بازسازی شده وجه اخباری ماضی استمراری *[ā]h[yat]ā* «انداخته شد» در *DB 1.95*. این نوع کاربرد حالت میانه بعنوان مجهول در اوستا نیز یافت می‌شود (*Reichelt, Aw. Elmb. §614*)؛ و ساخت‌های میانه در یونانی و لاتین، پایه ساخت‌های مجهول هستند.

پ ۲۷۵ - ساخت‌های مجهول همگی در دو گروه شکل می‌گیرند، آنهایی که با پسوند مجهول ساز *-ya-* (پ ۲۲۰) ساخته می‌شوند و همیشه در معنی مجهول هستند، و آنهایی که ترکیب شده‌اند از وجه وصفی مجهول با و یا بدون فعل «بودن» که معمولاً محذوف است؛ ترکیباتی که این ساخت در آنها بیان شده، در: پ ۲۷۶، بفرست در آمده است. اینکه وجه وصفی مذکور بدون فعل کمکی، یک ساخت مجهول اخباری است، از دو عبارت معادل یعنی *DB 4.1f tya manā kartam* «آنچه بوسیله من کرده (شد)»، و *DB 4.3f tya adam akunavam* «آنچه کردم»، دریافت می‌شود. هنگامیکه فعل لازم باشد، وجه وصفی مجهول دارای معنی معلوم خواهد بود، مانند *DB 2.32, 38, 43*، *52, 57f, 3.65 hamičiya hagmatā paraitā* «شورشیان گرد آمده (و) فرا رسیدند»؛ *DNa 43-5 Pārsahyā martiyahyā dūrai arštiš parāgmatā* «نیزه مرد پارسی دور رفته است».

پ ۲۷۶ - فعل «بودن» همراه با وجه وصفی مجهول معمولاً حذف می‌گردد؛ این فعل تنها در نمونه‌های زیر بیان می‌شود:

-I مجهول‌های واقعی عمل احتمالاً در موارد زیر دیده می‌شوند:
DB 1.61f xšačam tya hacā amāxam taumāyā parābartam āha.

DB 4.46f aniyašciy vasiy astiy kartam.

DB 4.51f avaišām ava(θ)ā naiy astiy kartam.

XPf 38 tyamaiy piça kartam āha.

-II

در موارد زیر، وجه وصفی خبری، به وضوح، صفتی است:

DB 1.37f viyaxnahya māhyā XIV raucabiš θakatā āha

(نیز در ۱۷ تاریخ دیگر)

DB 3.7f Garmapadahya māhyā I rauca θakatam āha.

DPe 22 yadiy kāra Pārsa pāta ahatiy.

DNb 26 xšnuta amiy، مقایسه شود با صفت در فراکرد معادل:

xšnauš amiy در بند ۲۷.

XPh 47 šiyāta ahaniy، مقایسه شود با صفت، در بند ۴۸ artāvā ahaniy و

جفت همگون در بند ۵۵f artāva bavatiy.....diyata bavatiy که بخش مقدم

آن در معنی به زمان حال مجهول واقعی عمل، نزدیکتر بنظر می رسد تا هرگونه عبارت دیگر.

-III

فعل bav- «شدن»، باید کم و بیش در این جا مورد بررسی قرار گرفته باشد،

مقایسه شود با مجهول واقعی آلمانی همراه با werden «شدن»، از آنجاییکه

sein «بودن» در آلمانی تنها مجهول حالت را شکل می دهد، از این رو وجه

وصفی در آن صرفاً یک صفت است. bav- فارسی باستان با وجوه وصفی

خبری، تنها در XPh 55 ظاهر می شود که قبلاً به آن اشاره شد؛ در DSf 25

yaθā katam abava وجه وصفی، اسمی شده و مسندالیه قرار گرفته است.

-IV

چهار عبارت DNb 56، DNb 54f، DSf 56f، DSe 31f که بدشواری

بازسازی شده اند، نشانه ای دال بر ارزش افزوده ای را ارائه نمی دهند.

پ ۲۷۷ - وجه اخباری در فارسی باستان دارای کاربردهای معمولی برای اشاره به

زمان حال و گذشته در فراکردهای آزاد است. در فراکردهای وابسته، این وجه

در موارد زیر بکار می رود:

الف) در فراکردهای موصولی توصیفی یا محدود کننده، گاهی نیز در

فراکردهایی با معنی عام، این وجه در هردوی این انواع می تواند با وجه

التزامی متفاوت شود (پ الف، ب/۳۰۱).

ب) در فراکردهای اسمی: فراکردهای مفعولی واقعیت، نقل قول‌های مستقیم یا غیر مستقیم واقعیت، پرسش‌های مستقیم یا غیر مستقیم (پ a,d,e/۳۰۲^(۱۱)).

پ) در فراکردهای زمانی بوجود آمده از طریق «کی»، «بعد از»، «هنگامیکه»، «تا زمانیکه»، «تا» در زمان گذشته (پ a,b,d,e,f/۳۰۴^(۱۲)) و از طریق «هر وقت»، «تا» در زمان حال بعنوان تعمیم‌ها (پ c,f/۳۰۴^(۱۳)).

ت) در فراکردهای وجهی، موضعی، سببی و متوالی در زمان حال یا گذشته؛ در فراکردهای متوالی با نتیجه موجود وابسته به زمان مضارع و ماضی استمراری در فراکرد اصلی (پ ۳۰۵).

پ ۲۷۸ - وجه التزامی در فارسی باستان دارای شماری از کاربردهاست، از جمله آنهایی که به زمان آینده، تصمیمات و آرزوها مربوط می‌شوند. این کاربردها می‌توانند به کاربردهایی در فراکردهای آزاد، کاربردهایی در فراکردهای موصولی، و کاربردهایی در فراکردهای پیرو دیگر تقسیم شوند:

I- در فراکردهای آزاد:

الف) کاربردهای آینده: آینده محض 35, 5.19 DB ahatiy؛ در جزای شرط 24 DPe nirasātiy؛ آینده تصمیمی که تقریباً با فرمانی برابر باشد 42 DNa xšnāsātiy

ب) کاربردهای ارادی: فرمان‌های موکد 43, 45f DNa bavātiy؛ فرمان‌های منفی با mā یا amātya 35 DNb vainātaiy؛ فرمان‌های منفی با mā یا amātya

۱۱. در ترجمه، پ: الف، ت، ث/۳۰۲.

۱۲. در ترجمه، پ: الف، ب، ت، ث، ج/۳۰۴.

۱۳. در ترجمه، پ: پ، ج/۳۰۴.

kunavātaiy DNb 56, vikanāhy DB 4.71, maniyāhay DB 4.43
bavātiy DNb 59. آرزوهای منفی احتمالاً در (صورت بازسازی شده)
vināθayātiy و vijanātiy در A^2Sa5 و A^2Ha7 (اگرچه احتمال وجود
ساخت‌های تمنایی، تاکید، یا امری در این قطعات به یک اندازه است).

پ) کاربردهای مربوط به آرزوهای ممکن آینده: ahanīy XPh 47, 48;
ahatiy DB 4.39f, θadayātaiy DSa 5, DSj 6.

-II در فراکردهای موصولی:

الف) در یک فراکرد موصولی با معنی عام آینده، وابسته به بیان امر یا در
خواست:

āhy DB 4.37, 68, 87, DSt 10; ahatiy DB 4.38, 68, 68f;
kunavāhy DB 4.75, 79; patiparsāhy DB 4.42; patiparsātiy DB
4.48; vaināhy DB 4.70; vainātiy DSj 5.

ب) در یک فراکرد موصولی هم ارزش با یک شرط عمومی آینده، همراه با
نتیجه‌ای در زمان مضارع التزامی:

yadātaiy DB 5.19, 5.34f.

پ) در یک فراکرد موصولی معرف، که از فراکرد دیگر که با زمان مضارع
اخباری همراه است، متمایز نباشد، در این حال فراکرد پایه یک فرمان
خواهد بود: gaubātaiy DB 2.84, 3.86؛ مقایسه شود با وجه اخباری
gaubataiy DB 2.21, 31, 51, 3.15, 59 در همان معنی.

-III در فراکردهای پیرو دیگر:

الف) در شرط‌های آینده با yadiy «اگر»؛ نشانه نفی مربوطه naiy و فراکرد
پایه یک فرمان یا یک درخواست، و یک بار نیز بیان آینده (DPe 22)
است:

apagaudayāhy DB 4.55, θāhy DB 4.55, 58; vaināhy DB 4.73, 77; vikanāhy DB 4.73; vikanāh^a-diš DB 4.77; paribarāh^a-diš DB 4.74; paribarāhy DB 4.78; maniyāhaiy DB 4.39, DPe 20, DNa 38, XPh 47; ahatiy DPe 22.

ب) در فراکردهای زمانی مربوط به زمان آینده، با yāvā «تا زمانی که»؛ فراکرد پایه دارای فعل امر یا التزامی در معنی آینده است: āhy DB 4.72; ahatiy DB 4.74, 78.

پ) در فراکردهای متناوب عام، فراکرد نخست با yaθā «هنگامیکه» و فراکرد دوم با yadi-vā «یا اگر» شکل می‌گیرد؛ در این وضع فراکرد پایه فعل ربط را حذف می‌کند:

vaināhy...āxšnavāhy DNb 29f.

ت) در فراکردهای منظور بصورت منفی، شکل گرفته بوسیله mātya با معنی ضمنی ترس: xšnāsātiy DB 1.52; وابسته به یک وجه تمنایی بالقوه؛ θadayātaiy...varnavātaiy...maniyātaiy DB 4.49f; وابسته به یک مضارع بی زمان.

ث) در اراده، مفعول فعل بیان کننده عمل ذهنی، بدون حرف ربط: tyā amanayaiy kunavānaiy DSI 3f «آنچه اندیشیدم بجای آورم».

پ ۲۷۹- وجه تمنایی در فارسی باستان تنوع کاربرد دارد، و بصورتی آشکار همانند وجه التزامی است، مشروط بر آنکه کاربردهایی بعنوان آینده وجود نداشته باشد؛ کاربردهای این وجه بشرح زیر عبارتند از:

-I در فراکردهای آزاد:

الف) فرمانها: yadaišā XPh 50 منفی با mā در dbiā DB 4.69, yadiyaišāⁿ XPh 39

ب) در خواست‌ها: *biyā* DB 4.56, 56, 58, 74f, 75, 78f؛ منفی با *mā* در *ājamiyā* DPd 19 و *biyā* DB 4.59, 79

-II در یک فراکرد موصولی ویزگی، با مفهومی بالقوه: *caxriyā* DB 1.50.

-III در فراکردهای پیرو دیگر:

الف) در فراکردهای تمنایی توضیحی *kāma* «کام» که بوسیله *tya* «که» شکل گرفته است:

kariyaiš DNb 9, 11; *vināθayaiš* DNb 20; *fraθiyaiš* (tya بدون) DNb 21.

ب) بالقوه در یک فراکرد مفعولی برای یک فعل مبین ترس در زمانی ثانویه؛ بدون حرف ربط آغازین: *avājaniyā* DB 1.51, 52^{۱۰۹}.

پ) بالقوه در زمان آینده بدون شرط مشخص با *yadiy* «اگر»: *vināθayaiš*: DNb 21 (نتیجه *fraθiyaiš* نگاه کنید به IIIa^(۱۴)).

پ ۲۸۰ - وجه امری در فارسی باستان دارای معانی فرمان و درخواست است.

-I فرمان‌ها، خطاب به مردم، بسیار عام، مقایسه شود با *parsā* DB 4.38, 69 *jadiy* DB 2.31 و غیره، *kušuvā* DNb 50. در *jlvā* DB 4.56, 75 فرمان از نظر ارزش به آرزو متمایل می‌شود؛ در *mā...raxθatuv* DNb 60 به نظر می‌رسد که فرمان منفی به تهدید تبدیل شده است. *varnavatam* DB 4.42, 53. مرد مورد خطاب، فاعل نیست بلکه مفعول است.

-II در خواست‌ها، خطاب به اهورامزدا، همراه یا بدون ایزدان دیگر؛ بطور معمول، با *dadātuv*, *baratuv*, *kunautuv*, *nikaⁿtuv*, *pātuv* *pāⁿtuv*

پ ۲۸۱ - وجه تاکید که یک ساخت ثانویه اخباری بدون افزونه است، در فارسی باستان تنها در حکم منفی همراه با *mā* کاربرد دارد: در اول شخص مفرد *tarsam* DPe 21؛ در دوم شخص

مفرد 4.54 DB *apagaudaya*, *avarada*, *stabava* در 60 DNa؛ سوم شخص مفرد *θadaya* DNa 58, DNb 53.

پ ۲۸۲ - مصدر در فارسی باستان در دو کاربرد ظاهر می شود:

الف) بعنوان مفعول افعال بیان کننده «دستور»، «جرات داشتن»، «قادر بودن»:
 9 DZc *niyaštāyam...katanāiy* «فرمان دادم...حفر کنند»؛
 23f XV *niyaštāyam ... nipaīštanaīy* «فرمان دادم... بنویسند»؛
 مقایسه شود با صورت های بازسازی شده در 1 DSn و 19f DSf (فاعل
 ساخت مجهول *framātam*)؛ *kašciy naiy adaršnauš cišciy*؛
 1.53f DB *θastanaīy* «هیچ کس جرات گفتن چیزی را نداشت»؛
 46f DNb *atāvayam bartanaīy* «و من توانستم آنها را پیروانم».

ب) بیان منظور، با افعال بیان کننده حرکت: تنها در عبارت *hamaranam*
cartanaīy «جنگ کردن» در 1.93f DB و ۱۰ بسامد دیگر)، وابسته به
āīš «او رفت»، *paraitā* (وجه وصفی جمع) «آنها پیش رفتند»،
frāīšaya «او به پیش فرستاد».

پ ۲۸۳ - وجوه وصفی در فارسی باستان ویژگی های نحوی ندارند. کاربرد آنها
 بشرح زیر عبارت است از:

بعنوان صفت وصفی 23 DPe *axšatā*؛ بعنوان صفت توضیحی 48 XPh *marta*؛
 صفت اسنادی برای یک صورت فاعلی، 26 DNb *xšnuta*، 15 DNb *axšayamna*؛
 1.38 DB *θakatā*؛ صفت اسنادی برای یک صورت مفعولی صریح 1.50 DB *dītam*؛
 4.44f DB *druxtam*؛ صورت فاعلی گزاره ای بدون فعل ربط، با کاربرد
 بصورت فعل قابل صرف 2.32f DB *paraitā*؛ اسم شده بوسیله جنسیت، مذکر
 10 DNb *tanuvā*، خنثی 25 DSf *katam*، 52 DNa *gastā* DNb *rāstam*،
 11 DNb *vinastahyā*، 2.62 DB *jīyamnam*.

پ ۲۸۴ - زمان ها در فارسی باستان عبارتند از زمان مضارع، ماضی استمراری،

ماضی قوی، ماضی s دار، در وجه اخباری؛ زمان مضارع، در وجه التزامی، تمنایی و امری. همچنین یک ماضی نقلی وجه تمنایی (پ ۲۱۹)، احتمالاً یک ماضی قوی وجه تمنایی، یک ماضی قوی وجه امری و احتمالاً موارد دیگر نیز وجود دارد (پ ۲۱۸/II، نیز بعلاوه فعل *rādiy* DB 4.45).

پ ۲۸۵ - زمان مضارع و وجه اخباری برای اشاره به زمان حال واقعی بکار می‌رود، مانند: DB 1.3f *θātiy dārayavauš xšāyaθiya* «داریوش شاه می‌گوید»، 1.12 *adam xšāyaθiya amiy* «من شاه هستم»؛ و نیز برای اشاره به آنچه که حقیقت دارد، بدون توجه به زمان، مانند DZc 10 *draya tya hacā* آنچه که در یایی که از پارس می‌رود، *pārsā aitiy* 51 *martiya*....56 *bavatiy*. زمان مضارع هنگام همراهی با یک بیان قیدی، همانند زبانهای دیگر، ممکن است زمان آغاز در گذشته و گسترش آن به زمان حال را نشان دهد، ماضی استمراری نیز بهمین صورت ممکن است نشان دهنده زمان آغاز در گذشته دور و گسترش آن به گذشته نزدیک تر باشد؛ بهترین مثال‌ها در DB 1.7f *hacā paruviyata āmātā amahy hacā paruviyata hya amāxam taumā xšāyaθiyā āha* «از دیرگاهان اصیل هستیم (= بوده‌ایم)، از دیرگاهان خانواده ما شاهی (یا شاهان) بود (= بوده بودند)»، و نیز در 9-11 *VIII manā taumāyā tyaiy paruvam xšāyaθiyā āha adam navama IX duvitāparanam xšāyaθiyā amahy* «۸ (تن) از خانواده من (بودند) که آنها شاه بودند (= بوده بودند)؛ من نهمین (هستم)؛ ما ۹ (نفر) پشت اندر پشت شاه هستیم (بوده‌ایم)؛ آمده است.

بنظر می‌رسد که XPh 30 *astiy* «هست»، بصورتی غیر منطقی بجای *āha* «بود» بکار رفته باشد. صورت مضارع *kunautiy* در DSs یک زمان حال تاریخی، با معنی ضمنی بی‌زمان، بجای ساخت ماضی معمولی *adā* «آفرید» است.

پ ۲۸۶ - زمان‌های ماضی استمراری و ماضی وجه اخباری در فارسی باستان برای بیان عمل در زمان گذشته اعم از اینکه در حال پیشرفت بوده یا قطعاً به انجام رسیده یا از روی عادت انجام گرفته و یا تکرار شده باشد، بکار رفته است. دو زمان مذکور در

گونه‌های مختلف یک عبارت دیده شده‌اند: ماضی در DB 1.90 *avaθā* hamaranam akumā «آنگاه جنگ کردیم»، و ماضی استمراری در DB 2.23 *avadā hamaranam akunauš* «آنجا جنگ کرد»، که هر دو به عملی انجام یافته اشاره دارند. همچنین صورت ماضی استمراری *adadā* «آفرید» در عبارات آغازین *DNa*, *DSf* و *DNb*, *DSe* دقیقاً همانند ساخت ماضی *adā* که در *DNa* و کتیبه‌های دیگر داریوش و خشایارشا آمده، بکار رفته است. عمل در حال پیشرفت در فراکرد پایه DB 2.62f *vaumisa citā mām amānaya arminiyaī yātā adam arasam mādam* «پس از آن، وؤمیس بخاطر من در ارمنستان ماند تا من به ماد رسیدم»^{۱۵}. چنین بنظر می‌رسد که میان *arasam* در این فراکرد و صورت مرکب آن در DB 2.65 *yaθā mādam parārasam* «وقتی که به ماد رسیدم»، از نظر وجه، تمایزی موجود نباشد. عمل تکرار شده برپایه عادت در DB 1.23f *yaθāšām hacāma aθahya avaθā akunavayatā* «آنگونه که از سوی من به آنها گفته شد، همانگونه کرده شد» دیده می‌شود. برای عمل آغاز شده در گذشته دور و گسترش یافته به گذشته نزدیک‌تر، نگاه کنید به مثال‌های پ ۲۸۵.

پ ۲۸۷ - وجه زمان فعل در فارسی باستان پدیده‌ای زنده نبوده است. بعبارت دیگر تمایز میان وجوه غیر تام (در حال پیشرفت، از روی عادت، تکراری) و تام (قطعاً بانجام رسیده) را می‌توان با بررسی معنی عبارات دریافت، و همانگونه که در مثال‌های پ ۲۸۶، می‌توان دید، در این افعال، تمایز ساختاری وجود ندارد مقایسه شود با: پ ۲۸۸.

پ ۲۸۸ - زمان ماضی نقلی تقریباً در فارسی باستان وجود ندارد. ساخت مشخص *caxriyā* DB 1.50 نیز وجه تمنایی است که در آن هیچگونه دلیل منتج به وجه تام دیده نمی‌شود؛ احتمالاً در زبان‌های ایرانی، حالتی غیر واقعی و ضمنی وجه تمنایی تام را توجیه می‌کند. بنظر می‌رسد مفهومی که در انگلیسی معمولاً بوسیله زمان ماضی نقلی بیان می‌شود، باید در تمام نمونه‌هایی که در آنها وجه وصفی با زمان حال فعل ربط همراه است، مضارع باشد: *astiy kartam* DB 4.46,51 «کرده

۱۵. ترجمه در متن انگلیسی: «وؤمیس بخاطر من ماند تا من به ماد رسیدم».

شده است»؛ *kartam astiy DNb 56* به نظر می‌رسد که در متن بازسازی شده غیر قطعی، *DNb 54f* جاییکه فعل ربط *āha* «بود» بیان شده، معنی باید ماضی بعید باشد:

DB 1.62 parābartam āha «برداشته شده بود»؛ *XPf 38 kartam āha* «کرده شده بود». اما بعید است که چنین تمایزاتی می‌توانسته است توسط زبانور فارسی باستان احساس شود، زیرا به نظر می‌رسد که تمام مفاهیم مربوط به گذشته به تدریج در یک مجموعه از ساخت‌ها، از جمله وجوه غیر تام، ماضی‌ها و وجوه تام، و حالت مجهول صرف ناپذیر وجه وصفی گذشته با یا بدون فعل ربط (معمولاً بدون آن، پپ ۲۷۵-۲۷۶) ادغام شده است.

پ ۲۸۹ - زمان آینده در فارسی باستان با ساخت‌های التزامی، تمنایی و امری بیان می‌شود. تنها بیان‌های آینده با کاربرد التزامی در فراکردهای پایه در *DPe 24 nirasātiy* و *DB 19, 35 ahati* آمده است. در موارد دیگر مفاهیم آینده در فراکردهای پایه بصورت فرمان‌ها و درخواست‌ها و در فراکردهای پیرو بیانگر زمان مربوط به فعلی هستند که به آن وابسته‌اند. در بعضی از این فراکردهای پیرو، وجه مربوطه، اراده، آرزو و یا توانش پیرو را بیان می‌کند.

صورت امر ماضی *kušuva* «بساز» (*DNb 50*) بصورتی واضح در معنی غیر تام است؛ عبارت‌های مکرر «فراروید، بزیند» (*DB 2.20f paraitā... jatā*) و غیره دارای زمان حال هستند و آشکارا از وجه تام برخوردارند.

پ ۲۹۰ - همپایگی و وابستگی. معمولاً متون فارسی باستان مفاهیم را بوسیله فراکردهای همپایه‌ای بیان می‌کنند که منطقاً وابسته هستند؛ نتیجه این امر مجموعه‌ای از جمله‌های کوتاه است که از نظر نحوی ساده، از نظر دستوری مستقل از یکدیگر اما از نظر منطقی و معنی شناختی بیکدیگر مربوطند. برای مثال:

DB 4.46-8 vašnā auramazdāha utā-maiy aniyašciy vasiy astiy kartam ava ahyāyā dipiyā naiy nipištam avahyarādiy naiy nipištam mātya...

«بخواست اهورامزدا و خودم بسیار (کارهای) دیگر کرده شد؛ آن (کارها) در این کتیبه نوشته نشده است؛ به آن جهت نوشته نشد که مبادا...»؛ این مفهوم می‌توانست در یک جمله مرکب، تقریباً همانند مورد زیر بیان شود: «کارهای دیگری بوسیله من انجام شد که در این کتیبه نوشته نشده است، به این دلیل که، مبادا...» مثال بسیار خوب دیگر را می‌توان در مورد زیر یافت:

XPf 20-25 utā vištāspa utā aršāma ubā ajīvratam aciy
auramazdām avaθā kāma āha dārayavaum hya manā pitā
avam xšāyaθiyam akunauš ahyāyā būmiyā

«هم ویشتاسب، هم ارشام هردو (در آن زمان) زنده بودند، میل اهورامزدا چنین بود، داریوش که پدر من (بود) او را در این زمین شاه کرد»؛ در قطعه مشابه یعنی yadiy, DSf 13-5 «هنگامیکه»، بجای aciy «سپس» بکار رفته است، و بجای auramazdām avaθā kāma āha (موجود در DSf 15f, XPf 29f)، مادر DNā 37f (و نیز در جای دیگر) عبارت yaθā mān kāma āha «چنانکه میل من بود» را می‌یابیم. در جمله‌های گویای تاریخ، ما معمولاً بیان‌هایی از نوع زیر خواهیم داشت:

DB 1.42f garmapadahya māhyā IX raucabiš θakatā āha
avaθā xšačam agarbāyatā

«از ماه گرم پَد ۹ روز سپری شده بود، آنگاه شاهی را بدست آورد»؛ تنها در DB 1.38 است که تاریخ از سوی یک فراکرد پیرو یعنی yadiy udapatatā «هنگامیکه او به شورش برخاست»، دنبال می‌شود. همانند این پدیده احتمالاً در جایی حضور می‌یابد که حروف ربط بعنوان پیشایند فراکردهای پیرو حذف شده باشند، از جمله می‌توان به نبود tya در DNā 20 و DNā 50 (مقایسه شود با DNā 39) اشاره کرد.

پ ۲۹۱ - حروف ربط همپایه عبارتند از utā «و»، و پی‌چسب‌های cā- «و»، و vā- «یا».

I- utā و cā-، یا واژه‌های تک و یا فراکردهای کامل را بیکدیگر مربوط می‌سازند؛ و چنانچه با واژه یا فراکرد آغازین یک مجموعه بکار روند، معنی آنها «هم... و»

خواهد بود. در مجموعه‌ای که دارای سه واژه تک است، حذف حرف ربط صورت نمی‌گیرد بجز $A^2Sa\ 4f$, $A^2Ha\ 5f$ که در آنها «و» میان واژه‌های نخست و دوم حذف شده است. فراکردهای پایه ممکن است بوسیله «و» بهم مربوط شوند یا نشوند (هر دو صورت در $DB\ 1.76f$ بکار می‌رود)، همین امر در مورد دو فراکرد پیرو ($DNb36$ و $DSf\ 28f$) و یا دو بخش از یک فراکرد پیرو (هر دو صورت در $DB\ 4.73f$ بکار می‌رود) نیز صدق می‌کند. مجموعه $cā...-cā\ utā...$ در $DB\ 1.66f$ ظاهر می‌شود.

II- در کتیبه‌های فارسی باستان واژه مخصوصی برای «اما» وجود ندارد. اما بهرحال $utā$ بعنوان خنثی کننده حرف نفی پیش از خود عمل می‌کند^(۱۶). همانند et در لاتین ($DB\ 4.73$). بخاطر داشته باشید که $naiy$ «نه»، همانند $neque$ در لاتین دارای معنی «و نه» نیست. اگرچه این معنی معمولاً می‌تواند معنی مناسبی برای آن باشد (همانند $DB\ 4.73$)؛ کمالاتی که در بعضی از قطعه‌ها (همانند $DB\ 1.71$) صرفاً نشانه‌ای است برای نفی فعل حتی برای فعلی که قبلاً با $utā$ «و» آمده است ($DB\ 4.78$). بهرحال در هنگام تکرار با واژه‌ها و فراکردها، بهتر است که $naiy$ بصورت «نه...نه...»^(۱۷) ترجمه شود.

III- $vā$ - به جزء دوم واژه‌های زوج یا فراکردهای پیرو می‌چسبد؛ البته در $DB\ 1.20$ به هر دو واژه زوج چسبیده است. $yadivā$ «یا اگر» در $DNb\ 25,29$ صرفاً سبب ظهور یک فعل متناوب در یک فراکرد موصولی شکل گرفته با tya «که» و یا $yaθā$ «و قتیکه» می‌شود^(۱۸).

IV- قیدهای دیگری که ارتباطات میان فراکردهای اصلی را نشان می‌دهند، اساساً قیدهایی هستند که ممکن است با مرجعی خارج از فراکرد مربوطه بکار رفته باشند. بخاطر داشته باشید که acy «در آنوقت» در $XPf\ 21$ ، جانشینی است برای $yadiy$ «و قتیکه» در $DSf\ 14$.

پ ۲۹۲ - قیدهای نفی در فارسی باستان عبارتند از $naiy$ و $mā$.

۱۶. در فارسی باستان $utā$ همانند «اما» در فارسی نو، مفهوم مقابله و منافات را بیان می‌کند.

۱۷. بیان مفهوم مشارکت در نفی.

۱۸. بیان مفهوم تناوب.

الف) قید *naiy* با وجه اخباری؛ با وجه التزامی در فراکردهای موصولی آینده DB 2.84, 3.86 و فراکردهای شرطی آینده، DB 4.35, 4.58, 4.73, 4.78؛ با وجه تمنایی در نتیجه یک شرط نا آشکار آینده، DNb 21؛ با وجه التزامی در یک فراکرد منظور بصورت منفی، برای نفی *mātya* پیشایند، DB 4.49 به کار می‌رود.

ب) قید *mā* با وجه التزامی، تمنایی، تأکیدی و امری در آرزوها و فرمان‌های منفی بکار می‌رود. در DPd 18-20، پس از *mā* و وجه تمنایی، سه فاعل آمده که بر هر یک *mā* در افزوده جهت تشدید نفی، مقدم شده است. نشانه مرکب نفی *mātya* در فراکردهای پایه با وجه التزامی بکار می‌رود تا یک فرمان منفی را بیان کند، DB 4.43, 4.71، و نیز در فراکردهای پیرو برای بیان منظور منفی، DB 1.52, 4.48f (نگاه کنید الف).

پ ۲۹۳ - حروف ربط وابسته (ساز) فارسی باستان اشتقاق‌هایی هستند از بن مربوطه در هندواروپایی آغازین در ساخت‌های *yādātya*, *yaθā*, *yātā* (نیز با اشتباه نوشتاری بصورت *yadāyā*)، *yadiy*، *yāvā yaniy*، *tya* و نیز از بن مربوطه در فارسی باستان؛ و *mā* در ساخت *mātya* بجز *mā* که در پ ب ۲۹۲ مورد بررسی قرار گرفت، حروف ربط دیگر در بخش‌های زیر مورد بحث قرار خواهند گرفت.

وابستگی، همچنین از طریق کاربرد ضمیر موصولی *-hya/-tya* (پ ۲۶۱)؛ و کاربرد ضمیر پرسشی *ciyākara* «چه اندازه، چقدر، چه مقدار» که پرسش مستقیم یا غیر مستقیم را در وجه اخباری مطرح می‌کند نیز شکل می‌گیرد. شاید *acyi* «آنوقت» (پ ۲۹۱/IV)؛ و *hakaram* «همین که» (DNb 39f) که با وجه التزامی هم ارزش با شرط عام آینده («همین که دیده شود...») = «اگر در هر زمان دیده شود» بکار رفته‌اند، نیز بتوانند در این زمینه جای گیرند.

پ ۲۹۴ - حرف ربط *yātā* دارای معانی «تا» (دوبار با قید متناظر *citā* «تا وقتی که»)، «هنگامیکه»، «مادام که»، «هرگاه» (با قید متناظر *adakaiy* «آنگاه») است. این حرف ربط معمولاً به زمان گذشته اشاره دارد، و با ماضی استمراری وجه

اخباری همراه می‌شود؛ یک بار نیز با بیانی عام، در زمان حال بیان شده است (DB 1.25). در دو قطعه (DB 1.25, 69)، «تا» عملاً هم ارزش با «برای اینکه» قرار گرفته است.

پ ۲۹۵ - حرف ربط yaθā دارای معانی «چنانکه» (قابل تشخیص با قید متناظر avaθā، یک بار با صورت نوشتاری غلط avā؛ گاهی اوقات بدون قید متناظر با yaθā mām kām āha)؛ «هنگامیکه»، تبدیل شده به «بعد» (که با قید متناظر pasāva «بعد از آن که» مشخص می‌شود)؛ «که»، در تولید یک فراکرد مفعولی (DB 4.44)؛ «زیرا»، در تولید یک فراکرد نتیجه^{۱۱۰}؛ «برای اینکه» (قابل تشخیص با قید متناظر avahyarādiy «به این سبب که»، DB 4.63) است. در تمام این موارد، زمان، گذشته و فعل ماضی استمراری وجه اخباری است، بجز DSe 35, 39، که در آن، زمان، حال، و فعل مضارع اخباری، و DNb 28f که در آن زمان، آینده، و فعل، مضارع التزامی است. در DNb 39، مضارع اخباری یک حالت بی زمان عام، در دو فراکرد شرط قابل قیاس از طریق yaθā «هنگامیکه» = «و هم هنگامیکه» بکار رفته است.

پ ۲۹۶ - حرف ربط yadātya (XPh 35f) با اشتباه نوشتاری بصورت yadāyā در XPh 39 «جاییکه» و (XV 22) yaniy «جاییکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری بکار رفته‌اند؛ در XPh 39 قید متناظر پسایند avadā «آنجا» نیز وجود دارد.

پ ۲۹۷ - حرف ربط yadiy «اگر، هنگامیکه»، کاربردهای گوناگونی دارد. در معنی «اگر»، معمولاً دارای فعل مضارع التزامی بعنوان فراکرد شرط یک شرط آینده است؛ در این حال جزای شرط دارای فعل امر موکد یا وجه تمنایی، وجه تاکید منفی یا وجه تمنایی، یا زمان مضارع التزامی (DPe 22) بعنوان آینده اخباری خواهد بود. yadiy در DNb 20f با مضارع وجه تمنایی، در هر دو بخش، یک شرط نا آشکار آینده می‌سازد. yadi-vā «یا اگر» در DNb 25, 29، برای ارائه یک فعل متناوب، tya «(که) آنچه، که آن» را تکرار می‌کند. در بند ۲۹ فعل دارای وجه التزامی است که فعل اصلی آن حذف شده است، و در بند ۲۵

هر دو فعل مضارع اخباری هستند. در شرط‌های عام، حرف ربط «اگر» بسادگی به معنی «هر وقت که» گذر می‌کند، همانند دو نمونه در DNb 38، نمونه‌هایی که در آنها مضارع اخباری، در هر دو بخش در یک شرط بی‌زمان عام بکار رفته است؛ و «هر وقت که» به معنی «وقتی که» گذر می‌کند هنگامیکه امور گذشته با ماضی استمراری وجه اخباری بیان شده باشد، DB 1.38, 5.23, DSf 14.

پ ۲۹۸ - حرف ربط yāvā «تا وقتی که» به زمان آینده با تمام تظاهراتش اشاره دارد و دارای فعل مضارع التزامی است؛ فعل در فراکردی که این حرف ربط به آن تعلق دارد نیز وجه التزامی با معنی آینده است.

پ ۲۹۹ - حرف ربط tya «که» در ساختن فراکردهای واقعیت، اراده، نقل قول و سؤال مستقیم و غیر مستقیم، و نتیجه بکار می‌رود؛ این حرف ربط دارای فعل مضارع یا ماضی استمراری وجه اخباری است بجز در فراکردهای اراده که دارای وجه تمنایی هستند (DNb 8,10, 19). برای صورت ترکیبی amātya نگاه کنید به: پ ب/ ۲۹۲؛ برای yadātya، پ ۲۹۶؛ عبارت yaθā tya «آنگاه که» (XPh 29) نیز دقیقاً همانند yaθā «هنگامیکه»، دارای فعل ماضی استمراری وجه اخباری است.

پ ۳۰۰ - فراکردهای پیرو در فارسی باستان در انواع رایج زیر جای می‌گیرند: فراکردهای موصولی، شکل گرفته از طریق ضمیر موصولی (پ ۳۰۱)؛ فراکردهای اسمی در انواع گوناگون (پ ۳۰۲)؛ فراکردهای قیدی، از جمله فراکردهای شرطی (پ ۳۰۳)؛ فراکردهای زمانی (پ ۳۰۴)، و انواع دیگر (وجهی، سببی، متوالی، قطعی، موضعی؛ پ ۳۰۵). علاوه بر این، وابستگی منطقی معمولاً از طریق همپایگی، با یا بدون قیدی که وابستگی‌های منطقی را نشان می‌دهد، بیان می‌شود (پ ۲۹۰).
دو یا چند فراکرد پیروی که با یکدیگر همپایه هستند، دارای آرایش‌های زیر خواهند بود:

(الف) افزایشی: فراکردها ممکن است از طریق utā «و»، با تکرار واژه پیشایند،

به یکدیگر متصل شوند، همانند DSf 28f؛ یا ممکن است که فراکردی دارای سه فعل همپایه با ادات مربوطه باشد که دو فعل اول با حذف حرف ربط همراه گردد و utā میان فعل دوم و سوم قرار گیرد و (DB 4.73f, 4.77f).

ب) تناوبی: واحد متناوب برای فراکرد موصولی عام، از طریق ضمیر موصولی با پی‌چسب -vā (DB 4.68f) زمانی شکل می‌گیرد که ضمیر موصولی در حالت فاعلی باشد، در حالیکه همین حالت هنگامی بواسطه yadī-vā «و اگر» (DNb 25) بوجود می‌آید که ضمیر موصولی در حالت مفعولی صریح قرار گیرد؛ واحد متناوب برای فراکرد زمانی عام که از طریق yaθā «زمانی که»، شکل گرفته، بوسیله yadi-vā «یا اگر» نیز شکل می‌گیرد (DNb 29).

پ) قیاسی: یک شرط عام شکل گرفته با yadiy «اگر» (= هر وقت)، از طریق میانجی شدن yaθā «هم»، با فراکرد مقدمی که از همان نوع است مورد قیاس قرار می‌گیرد (DNb 39).

پ ۳۰۱- فراکردهای موصولی در فارسی باستان دارای انواع گوناگونی هستند:

الف) بیشتر فراکردهای موصولی توصیفی یا محدودکننده‌اند، و با فعل در زمان مضارع یا ماضی استمراری یا ماضی اخباری؛ با حالت فاعلی مسند، وجه وصفی یا چیز دیگر، و یا عبارت اسنادی همراه است (همانند DH 4f, DB 1.15، در این وضعیت رابطه astiy یا haⁿtiy یا āha ممکن است حذف شود. در DB 2.84, 3.86، مضارع التزامی، بدون دلیل واضحی در یک فراکرد محدودکننده با کاربردی خاص (=نه عمومی)، جانشین مضارع اخباری شده است.

ب) فراکردهای موصولی با مفهوم عام (= بدون زمان) ممکن است در فراکرد پایه مضارع اخباری (DNb 22-6, XPh 51-6) یا مضارع التزامی

(DB 5.19, 34f) را با یک وجه و زمان داشته باشند؛ در این صورت، جمله عملاً مبین شرط عام در زمان مضارع و یا آینده خواهد بود.

پ) فراکردهای موصولی با مفهوم عام آینده متضمن بیان فرمان یا درخواست، دارای فعل در وجه التزامی هستند (پ الف II/۲۷۸).

ت) یک فراکرد موصولی ویژه، با مرجعی عام و منفی، در یک مفهوم بالقوه دارای فعل در وجه تمنایی (DB 1.50)؛ و فراکرد پایه در بردارنده ماضی استمراری اخباری است.

پ ۳۰۲- فراکردهای اسمی در فارسی باستان دارای انواع گوناگونی هستند.

الف) فراکردهای مفعولی واقعیت: *tya* «که» با ماضی استمراری اخباری، در سه فراکرد مفعول‌های *akunauš* «ساخت، کرد» پایانند در DSf 28f؛ *yaθā* «چگونه»، = «که»، با ماضی استمراری اخباری، بعنوان مفعول *auramazdāha vartaiyaiy* «من از اهورامزدا درخواست کردم» پیشانند، در DB 4.44f.

ب) فراکرد مفعولی با وجه تمنایی بالقوه، وابسته به *atarsa* «ترسید»، بدون حرف ربط، DB 1.51, 1.52.

پ) فراکرد اسمی آرزو، در حالت فاعلی بعنوان فاعل برای *kāma(astiy)* «کام است»، یا بدل برای *ava* در *ava kāma* «آن کام (است)»؛ با وجه تمنایی حاصل از *tya* «که» در DNb 8,10,19؛ بدون *tya* در DNb 21.

ت) فراکردهای نقل قول مستقیم بعنوان مفعول یا فاعل، معمولاً بدون حرف ربط پیشانند: نقل قول‌های واقعیت، با وجه وصفی گذشته یا زمان ماضی استمراری وجه اخباری، وابسته به *xšnāsāhy* و *azdā bavātiy* در DNa 42-7؛ اراده، بیان شده با وجه التزامی، وابسته به *amāniyay* در DSI 3f؛ آرزو، با وجه التزامی یا تأکیدی، وابسته به *maniyāhaiy*، DB 4.39, DPc 20f, XPh 47؛ فرمان منفی، با *mā*

و وجه تمنایی، وابسته به XPh 38f patiyazbayam؛ سؤال مستقیم، با ماضی استمراری وجه اخباری حاصل از ciyākaram «چقدر»، که یک tya «که» زاید بر آن مقدم شده است، وابسته به DNa 38f maniyāhaiy.

ث) فراکردهای نقل قول غیر مستقیم بعنوان مفعول یا فاعل، معمولاً حاصل از tya «که»: با وجه وصفی گذشته بعنوان فعل، بعنوان فاعل naiy azda abava DB 1.32؛ با مضارع اخباری بعنوان فعل، به عنوان مفعول DB 1.52f xšnāsātiy؛ با مضارع اخباری به عنوان فعل و بدون tya، سؤال غیر مستقیم حاصل از ciyākaram «چه بزرگ» (و دو فراکرد همپایه دیگر بدون فعل) به عنوان مفعول kušuvā در azdā kušuvā «آگاه ساز»، DNb 50-2.

پ ۳۰۳- فراکردهای شرطی در فارسی باستان بشرح زیر ظاهر می شوند:

الف) شرطهای آینده تنها هنگامی ظاهر می شوند که به یک شنونده آرمانی در دوم شخص خطاب شده باشد؛ در این حال جزای شرط دارای فعل التزامی در دوم شخص و فراکرد شرط در بردارنده یک فرمان یا یک درخواست یا بیان آینده، می باشد؛ نگاه کنید به: پ الف ۲۷۸/III. فراکردهای موصولی عام با فعل التزامی، معمولاً در عمل جایگزین اینگونه از شرط می شوند؛ نگاه کنید به پ ب ۲۷۸/II.

ب) شرط نا آشکار آینده، با وجه تمنایی در هر دو بخش، که در DNb 20f یافته می شود، و در آنجا بعنوان بدلی برای naipatimā ava kāma «که علاوه بر این مرامیل نیست»، عمل می کند. در این حال، جزای شرط دارای yadiy است.

پ) برای yadi-vā «و اگر»، بعنوان حرف ربط متناظر tya «که»، نگاه کنید به: پ ۲۹۷.

پ ۳۰۴- فراکردهای زمانی در فارسی باستان دارای گوناگونی چشمگیری است.

الف) فراکرد حاصله از «وَتیکه»: برای بیان زمان گذشته، فراکرد زمانی دارای فعل ماضی استمراری وجه اخباری است، و فراکرد پایه نیز از فعل ماضی استمراری وجه اخباری یا وجه وصفی با āha برخوردار است؛ در فراکرد حاصله از yadiy در DSf 14, DB 1.38, 5.23؛ فراکرد حاصله از yātā در DB 4.81؛ فراکرد حاصله از yaθā در DB 1.31, 91, 2.22, 65, 3.34 DNb28f, XPf25, 32, 36, DSi3 و DB 1.31, 91, 2.22, 65, 3.34 DNb28f, XPf25, 32, 36, DSi3. برای بیان زمان آینده، فراکرد زمانی دارای فعل التزامی و فراکرد پایه دارای بیان در خواست یا فرمان خواهد بود. فراکرد حاصله از yaθā در DNb 28f, وجه التزامی در بیانی عام با حذف فعل ربط در فراکرد پایه است.

ب) فراکرد حاصله از «بعداز»، قابل بیان با yaθā مقدم بر و یا پس از pasāva؛ فراکرد زمانی دارای فعل ماضی استمراری وجه اخباری و فراکرد پایه دارای فعل ماضی استمراری وجه اخباری و یا وجه وصفی گذشته، بدون فعل ربط خواهد بود: DB 1.27, 33, 72, 73, 2.32, 52, 3.3, 4.5, 5.3, DNb 31f, DSf 25, XSc 3.

پ) فراکرد حاصله از yadiy «وَتیکه» با فعل مضارع اخباری؛ فراکرد پایه نیز دارای فعل مضارع اخباری خواهد بود: DNb 38, 39.

ت) فراکرد حاصله از yātā «هنگامیکه» با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش جمله: DB 2.6, 3.77.

ث) فراکرد حاصله از «تا وَتیکه»، با yātā و فعل ماضی استمراری وجه اخباری برای اشاره به زمان گذشته، در این حال فراکرد پایه دارای عبارت astiy kartam است، DB 4.51؛ با yāvā و فعل التزامی برای اشاره به زمان آینده، در این حال فراکرد پایه نیز دارای فعل امر در حالت باز دارندگی DB 4.71، و یا فعل التزامی در یک شرط خواهد بود، DB 4.74, 78.

ج) فراکرد حاصله از yātā «تا»، دارای فعل مضارع اخباری در هر دو بخش

جمله با تعمیم بی زمان، DNb 23f، و نیز با فعل ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش برای اشاره به زمان گذشته، DB 1.25, 54, 69, 2.28, 48, 63, DNa 51, DSf 24, XPh 45f

پ ۳۰۵ - فراکردهای قیدی گوناگون از انواع زیر، در فارسی باستان یافته شده است.

الف) وجهی، حاصله از *yaθā* «چنانکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری یا *āha* «بود» محذوف؛ در این حال فراکرد پایه نیز دارای ماضی استمراری وجه اخباری است.

DB 1.23, 63, 67, 69, 4.35, 5.17, 29, 33, DNa 37, DSj 3, DZc 11, 12.

به *DB 4.51f naiy astiy kartam yaθā manā kartam* استثنای «کارهای کرده شده‌ای نیست همانند آنچه که بوسیله من کرده (شد)»، با وجه وصفی گذشته و فعل ربط.

ب) موضعی، حاصله از «جاییکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش جمله: با *yaniy* در XV 22، با *yadātya* در XPh 35f، با *yadāyā* در XPh 39.

پ) سببی، حاصله از «زیرا»: *yaθā* در DB 4.63، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش جمله: *tya* در DNb 33، با مضارع اخباری در هر دو بخش.

ت) متوالی، حاصله از *yaθā* «تا اینکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش DB 1.70، با مضارع اخباری در هر دو بخش DB 38-41، با مضارع اخباری وابسته به یک ماضی استمراری وجه اخباری DB 34-7؛ حاصله از *tya* «بنابراین»، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش DB 4.34، با مضارع اخباری در هر دو بخش DNb 7.

ث) ارادی، در یک فراکرد منظور در حالت منفی، حاصله از *mātya* «مبادا»: با

وجه التزامی وابسته به وجه تمنایی بالقوه DB 1.52، با وجه التزامی وابسته به وجه وصفی گذشته با *astiy* محذوف DB 4.48f.

پ ۳۰۶- جایگاه صفت‌ها.

- I- صفات اسنادی چنانچه اشاره‌ای، شمارشی، کمی یا ماهنام‌ها باشند، بر اسم خود پیشی می‌گیرند. استثنائات: DB 1.40 *kāra haruva* «مردم، همه»، و DB 1.79f *kāra haruva* *bābiruviya* «همه مردم بابلی» (*hya* تنها با *bābiruviya*)، که ممکن است در آن *haruva*- «همه» (که همه جا بر اسم خود مقدم است) یک بدل باشد؛ در *XPf 28f dārayavauš* (→ *vahauš* اشتباه بجای) *puṣā aniyaiciy āhatā* «داریوش را پسران دیگری بودند»، و *DB 5.24^(۱۹) hadā kāra visā* «با تمام سپاه»^(۲۰)، جایگاه صفت بدین گونه، احتمالاً برای تأکید است.
- II- صفات توصیفی، چنانچه اسنادی باشند بدنبال اسم خود می‌آیند. استثنائات:

الف) در یک عبارت ثابت *DNb 23f uradanām hadugām* «آیین نامه دستورات خوب»؛

ب) با یک اسم اشاره مقدم، همانند *DPe 8f kadā anā Pārsā kāra* «با این سپاه پارسی»، *DPe 21 imam Pārsam kāram* (در حالیکه *DPe 22 kāra Pārsa* و غیره)؛

پ) برای تأکید در *DNa 46 Pārsa martiya*، *DNa 43f Pārsahyā martiyahyā*.

- III- صفات اسنادی که *hya* بر آن مقدم شده باشد نیز از همان اصول مذکور پیروی می‌کنند؛ چنانچه *ava-* بر اسم مقدم شود، *hya* مورد نیاز است، همانند *avam kāram tyam hamīciyam* «آن سپاه شورشی» (DB 2.35 و غیره). تنها نمونه‌ای که *hya* در آن مقدم شده عبارتست از *DB 3.32 hya aniya kāra Pārsa* «سپاه دیگر پارسی».

۱۹. در متن انگلیسی: DB 5.23.

۲۰. ترجمه در متن انگلیسی: «با تمام سپاهش».

IV- صفاتی که بعنوان مسند و بدل بکار می‌روند دارای همان جایگاه و همان کاربرد اسم هستند (پ ۳۰۷، پ ۳۰۸).

پ ۳۰۷ - جایگاه اسم‌ها و صفت‌های مسند. اسم و یا صفت مسند میان فاعل و فعل قرار می‌گیرد، مگر اینکه فاعل در پی فعل بیاید؛ در چنین موردی، نظم حاصله، مسند، فعل، فاعل، خواهد بود. استثنائات: DB 4.46f *aniyašciy vasiy astiy kartam* «بسیار (کارهای) دیگر کرده شد»؛ DB 4.51f *avaθā (avā) naiy astiy kartam* (نوشتار غلط *avā*) «چنین (کارهایی) کرده نشد». در DNb بنابر دلایل سبکی، هر دو جایگاه برای صفت دیده می‌شود: 34 *hamaranakara amiy ušhamaranakara* «بعنوان یک هم‌آورد، هما ورد خوبی هستم»، 41f *asabāra uvāsabāra amiy* «بعنوان یک سوار، خوب سواری هستم»، 42f *θanuvaniya uθanuvaniya amiy* «بعنوان یک کمانور، خوب کمانوری هستم»، 44 *ārštika amiy uvārštika* «بعنوان نیزه‌ور، نیزه‌ور خوبی هستم».

پ ۳۰۸ - جایگاه بدل‌ها. بدل‌ها اعم از اسم‌ها یا صفت‌ها، معمولاً در پی واحدی می‌آیند^{۱۱۱} که بدل آن محسوب می‌شوند؛ اما از جهاتی دیگر، جایگاه بدل آزاد است. بدل‌های مربوط به فاعل که بطور ضمنی در پایانه‌های فعلی بیان شده‌اند، ممکن است در همه جا قرار گیرند؛ مقایسه شود با DNb 41-5. صفت مقلوب گاهی اوقات نتیجه ملاحظات سبکی است: XPh 47f *šiyāta ahaniy jīva* «در هنگام زندگی شاد بشوم و در هنگام مرگ خجسته بشوم»؛ DSf 12f *hya manā pitā vištāspa utā aršāma hya*؛ *manā niyāka* «پدر من و یشتاسب و نیای من ارشام»، که در یک مورد در آن، بدل تقدم یافته است.

چنانچه امر بیان شده از سوی شنونده یا خواننده شناخته شده باشد، بدل معمولاً بوسیله *hya* موصولی به اسم خود متصل می‌شود (پ III/۲۶۱).

پ ۳۰۹ - جایگاه حالت وابستگی. حالت وابستگی که صرفاً بعنوان حالت وابستگی بکار می‌رود (نه در کاربرد حالت برایی) و به اسم یا صفتی وابسته است، بر آن اسم یا

صفت مقدم می‌شود، مگر موردی که در آن، حالت وابستگی در پی حرف تعریف آمده و بوسیله آن به اسم خود بچسبد: DB 1.4 *manā pitā* «پدر من»، اما DB 2.27 *kāra hya manā* «سپاه من». استثناء تنها در مورد زیر بنظر می‌رسد: DB 1.9f VIII *manā taumāyā tyaiy paruvam xšāyaθiya āha* (تن) از دودمان من، از قبل شاه بودند؛ برای *manā taumāyā* بدلی وجود دارد برابر با (اعضاء) خانواده من»، مقایسه شود با DB 1.28 *kabūjiya nāma kūrauš puça amāxam taumāyā* «کمبوجیه نام، پسر کوروش (عضوی) از دودمان ما». استثنائات دیگر، صرفاً به الگوهای دولتی و دینی تعلق دارد: *xšāyaθiya xšāyaθiyānām* «شاه شاهان»، *xšāyaθiya dahyūnām* «شاه کشورها»، *hya maθišta bagānām* «بزرگترین خدایان» *vašnā auranazdāha* «بخواست اهورامزدا»، احتمال دارد که حرف (اضافه) پسایند حالت وابستگی در این عبارات، در زبان مادی دارای کاربرد باشد. ضمائر وابستگی متصل، در جایگاه خود، تا اندازه آزادترند؛ با اینکه آنها معمولاً بر اسمی که آنرا توصیف می‌کنند، مقدم می‌شوند، با این حال نمونه‌هایی همانند DNb 25f *anuv taumanišaiy* «برابر توانش»، و صورت بازسازی شده DB 5.27 *[maθ]išta[šām:] s [k]uxa:nāma* «بزرگ آنها، سکونخ نام»، را نیز می‌یابیم، نمونه‌هایی که در آنها، *-šām* دارای نخستین واژه نیست که بتواند به آن بچسبد، و فضای موجود نیز صورت *[hyašām:]* *maθ]išta[:]* *S[k]uxa: nāma*. را جایز نمی‌شمرد، همچنین مقایسه شود با: پ ۳۱۱/I بخش پایانی.

پ ۳۱۰ - ترتیب کلمات جمله جمله در فارسی باستان کاملاً آزاد است، اما ترتیب عادی و معمول عبارتست از، فاعل - مفعول - فعل:

DB 1.85 *kāra hya naditabairahyā tigrām adāraya* «سپاه ندیت بئیر دجله را در اختیار داشت». انواع استثنائات بشرح زیر عبارتند از:

I- ممکن است فعل بدلایلی که بر شمرده می‌شود پیش از فاعل بیاید: برای تاکید، مانند *θātiy dāraycvauš xšāyaθiya* «داریوش شاه می‌گوید»؛ برای شدت بخشیدن به فعل «بودن»، مانند DB 1.48 *naiy āha martiya* «نبود مردی»، و

XPh 30 astiy؛ در پرسش‌های مستقیم و غیر مستقیم، DNa 39، مقایسه شود با DNb 50-2.

-II ممکن است مفعول بدلایلی که می‌آید، بر فاعل مقدم شود: برای تاکید، مانند DB 1.41f xšaçaṃ hauv agarbāyatā «شاهی را برای خود گرفت»، و نیز هنگامی که مفعول یک ضمیر از سرگیرنده و فاعل یک ضمیر باشد، مانند DB 1.62 ava adam patipadam akunavam «آن (سلطنت) را من بجای خود برگرداندم».

-III هرگاه دو یا چند فاعل یا مفعول وجود داشته باشد، فاعل یا مفعول دوم و بعدی، معمولاً پس از فعل می‌آید، مانند DB 4.60f, 1.57f, DSf 57f.

-IV هرگاه فعل دو مفعول صریح، یکی دال بر شخص و دیگری دال بر یک چیز، بگیرد، ترتیب کلمات متغیر خواهد بود؛ با -dā «ستاندن»، DB 1.46 (هر دو مفعول پس از فعل؛ مقایسه شود با صورت مجهول در DB 1.50، موردی که در آن هر دو اسم مقدم است)؛ DPd 20-2 aita adam yānam jadyāmiy؛ auramazdām «این را چون برکتی من از اهورامزدا در خواست می‌کنم»، DNa 53f aita auramazdām jadyāmiy

-V مسند مربوط به مفعول یک فعل کنشی، معمولاً از پی مفعول می‌آید، مانند: DSf 3f hya dārayavaum Xšyā akunauš «کسیکه داریوش را شاه کرد»؛ اما گاهی نیز بر آن تقدم می‌یابد مانند:

DSf 16f ha[r]uvahyāy[ā BUy]ā mar[tiyam] māṃ avar[navatā] در تمام این سرزمین مرا چون مرد برتر برگزیند^(۲۱).

-VI مفعول غیر صریح ممکن است پیش یا پس از مفعول صریح، یا پس از فعل قرار گیرد: DB 1.12 auramazdā xšaçaṃ manā frābara «اهورامزدا شاهی را بمن اعطاء کرد»؛ DB 1.19 manā bājim abaratā «(ایالت‌ها) بمن باج دادند»؛ DZc 3f hya dārayavahauš Xšyā xšaçaṃ frābara شاه شهریار را اعطاء کرد»؛ DNa 4 hya šiyātim adā martiyahyā «کسیکه شادی را برای مردم آفرید» (و بهمین صورت در هر جای دیگر؛ اما در DNb 2f hya adadā šiyātim martiyahyā

۲۱. در متن انگلیسی: در تمام این سرزمین مرا چون مرد خود برگزید.

قرار گرفته است).

VII- ادات دیگر جمله در جایگاه آزادند، بعبارت دیگری می‌توانند در آغاز و میانی فاعل و فعل و یا در پایان قرار گیرند، مثال‌ها بترتیب: DB 1.8 hacā paruviyata, 1.45 hacā paruviyata, 1.82 ūvjam و abiy mām auramazdā «بخواست اهورامزدا»، در ۶۳ مورد از ۷۷ بار ظهور خود، در آغاز فراکرد مربوطه قرار گرفته است. ضمائر از سر گیرنده (hauv و صورت‌های گوناگون -ava) و قیدها (avaθā, avadā) پس از یک عبارت فاعلی، در آغاز قرار می‌گیرند؛ pasāva «سپس»، در ۷۷ مورد از ۸۲ بار ظهور خود آغازگر فراکرد مربوطه است، و در DB 1.27, 4.5, 5.3, XSc3 در بخش پایانی و پیش از yaθā «هنگامیکه» آمده است، در DSe 48 نیز، متن، غیر قطعی است. ادات دیگر در جایگاه، متغیرند؛ بنابراین، مقصد ممکن است بر فعل مقدم شود و یا پس از آن بیاید: DB 2.3 pasāva adam bābirum ašiyavam «سپس من رهسپار بابل شدم»، DB 2.30 avam adam frāišayam arminam «او را من فرستادم به ارمنستان».

VIII- فراکردهای پیرو ممکن است پیش یا پس از فراکرد پایه قرار گیرند؛ اگرچه فعل به احتمال بسیار زیاد، در جایگاه پایانی قرار می‌گیرد، با این حال ترتیب عناصر سازنده فراکردهای پیرو همانند ترتیب عناصر سازنده در فراکردهای پایه است. گاهی واژه‌ای متعلق به فراکرد، پیش از موصول یا حرف ربطی که آنرا ارائه می‌کند قرار می‌گیرد: DB 4.37 tuvam kā xšāyaθiya hya aparam āhy «تو که از این پس شاه‌خواهی بود»، و 4.67f, 4.87، بویژه مقایسه شود با DNb 21f, 24f. در یک عبارت، صفت متعلق به مرجع، در فراکرد موصولی گنجانده شده است: DB 2.31, 2.51 kāra hya hamiçiya manā naiy gaubataiy «سپاه شورش که خود را از آن من نمی‌خواند»، مقایسه شود با:

DB 2.84 kāram hamiçiyam hya manā naiy gaubātaiy

پ ۳۱۱ - جایگاه واژه‌های متصل. بی‌چسب‌های فارسی باستان ممکن است به چهار گروه تقسیم شود:

(۱) صورتهای ضمیرواره -šim -šām -šiš, -šaiy, -taiy, -ma, -mā -mai, -dim -diš.

(۲) قید *patiy*، حرف ربط *tya*.

(۳) حروف ربط *-cā*، *-vā*، قیده‌های *-diy*، *-ciy*، *apiy*.

(۴) حروف (اضافه) پسایند (برای موارد دیگر در ترکیب‌های ثابت، نگاه کنید به: پ ۱۳۳؛ برای پدیده‌های آوایی، نگاه کنید به: پپ ۱۳۴-۱۳۹).

برخی از واژه‌های متصل، گاهی بصورت واژه‌های جدا نوشته می‌شوند؛ بنابراین به نمونه‌های زیر بر می‌خوریم: *diš* در *taiy*, DB 4.34, 35, 36؛ اما *mā-taiy* (DNb 58)، *tya* (DNb 52, 55)، *yaθā tya XPh 29*؛ *patiy*، *mā-tya* DB 1.52, 4.43, 48, 71 و *yadā-tya XPh 35f*؛ *maiy* DNb 32f، *ima pati*؛ *mām. nai-pati-mā* DNb 20؛ *mā-tya-mām* DB 1.52؛ *patiy*، نگاه کنید به II؛ درباره *apiy*، نگاه کنید به III؛ درباره حروف (اضافه) پسایند، نگاه کنید به IV.

-I

ضمایر متصل، به نخستین واژه جمله یا فراکرد یا عبارت خود می‌چسبند، حتی اگر این واژه *utā* «و» باشد: *auramazdā-maiy upastām frābara* DB 1.52 «اهورامزدا مرا یاری کرد»؛ *tya-maiy auramazdā frābara* DPh 8 (شهریاری را) که اهورامزدا بمن ارزانی کرد؛ *mām auramazdā pātuv* DPh 9f «مرا بخوابانید»؛ *utāa-maiy viθam* «اهورامزدا مرا و خاندان شاهی مرا بپایاد». بجز در دو عبارت که تا اندازه‌ای بازسازی شده‌اند، نگاه کنید به III، عبارت *vašnā auramazdāha* در تثبیت جایگاه یک پی‌چسب، دارای نقش نیست: *vašnā auramazdāha adam-šām xšāyaθiya āham* DB 1.13f «بخواست اهورامزدا من شاه آنها بودم». گاهی پی‌چسب در یک فراکرد وابسته، به *utā* که بر حرف ربط یا موصول مقدم شده است می‌چسبد:

DB 4.73f *utā-taiy yāvā taumā ahatiy* «و تا هنگامیکه ترا توانایی است»؛ *uta-maiy tya pitā akunauš* XPa 15 «و آنچه پدرم ساخت»، اما همچنین به مواردی چون *utā tya-maiy piça kartam* XPa 19f «و آنچه بوسیله پدرم ساخته شد»؛ *yaθā-maiy tya kartam vaināhy* DNb 28f «هرگاه آنچه را از طرف من کرده شد ببینی» نیز بر می‌خوریم. حالت وابستگی اسنادی متصل، معمولاً بر واژه‌ای که آن را توصیف می‌کند مقدم می‌شود (مقایسه شود با: پ

(۳۰۹)؛ اما گاهی اوقات معنی، جایگاه را تحت تاثیر قرار می دهد، مانند A²Sa 3 «پدر پدر پدر بزرگم»، apan^ayāka-ma [n^ayā]kama A²Sa 4 (بجای -am-ma، پ ۱۳۸/I) «نیای من»، هر دو با m^a -m^aiy^a برابر با -mai-y (پ ۵۲/I). صورت ازی -ma- تنها در ساخت hacā-ma «از من» که در هرجایگاهی از فراکرد خود قرار می گیرد، یافته می شود. این فورمولبندی ها در سه قطعه که زیاد مورد بازسازی قرار گرفته، نقض شده اند، اما فضای موجود و نیز تحریرهای دیگر، این بازسازی ها را تایید می کند: DSf 20 [ava ucāramaiy(=-am-maiy)akunauš] «انجام آن را برایم نتیجه بخش کرد»؛ DSf 23 [hacā-ci]y dūradaša[arjanam-šaiy abariya] «از راه دور تزئینات آن آورده شد»؛ DNb 54f tya parta[m-taiy as]tiy «آنچه به آگاهی تو می رسد» (این بازسازی کاملاً فرضی است).

-II هرگاه قید patiy متصل باشد به نخستین واژه فراکرد خود می چسبد (در مورد DNb 32f، نگاه کنید به V)، اما از نظر قطعات، در شماری برابر، دارای تکیه مستقل است و از این روی به فراکرد خود جهت می دهد. هرگاه حرف ربط tya متصل باشد، بلافاصله پس از حرف ربطی که به فراکرد خود جهت می دهد، قرار می گیرد (mā-tya, yadā-tya, yaθā tya).

-III حرف ربط cā- و vā- به واژه ای می چسبند که سبب ارائه آن شده اند، و در یک گروه واژه مربوط بهم ضرورت و الزام اتصال در واژه نخست است؛ apiy چه مستقیماً متصل شود و چه بعنوان یک واژه جدا بکار رود، واژه dūrai-y «دور» را که بر آن مقدم می شود و هیچگاه آغازگر فراکردی نیست، مورد تاکید قرار می دهد (در مورد یک نمونه بازسازی شده، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ -ciy- به واژه ای می چسبد که آن را مورد تاکید قرار می دهد، و در هرجایی قرار می گیرد؛ پی چسب نسبتاً مشکوک -diy- نیز به واژه ای می چسبد که آن را مورد تاکید قرار می دهد، این پی چسب نخست در DB 4.69 و سپس در A²Sd3 آمده است.

-IV در این زمینه، حروف (اضافه) پسایند عبارتند از upariy (پ ۲۶۹)؛ تنها یک بار بعنوان واژه جدا، پسایند شده است)؛ parā، تنها در ava-parā؛ rādiy در avahyarādiy و نیز بصورت جدا؛ patiy، بعنوان حرف (اضافه) پسایند متصل،

بعنوان حرف (اضافه) پسایند جدا و نیز بعنوان حرف (اضافه) پیشایند؛ -ā، بعنوان صورت ساز حالت دری؛ hacā یک بار در (DB 1.50)، بصورت جدا، موثر در پی چسب پیشین. جایگاه مربوط به موارد مذکور در فراکرد، متغیر است. هنگامیکه دو پی چسب پی در پی قرار گیرند، به نخستین واژه جمله یا فراکرد می چسبند، در این حال، پی چسب ضمیر واره پس از پی چسب دیگر قرار می گیرد. -V
بسامدهای مربوطه، بشرح زیر عبارتند از:

DNb 20 nai-pati-mā; با انفصال در DNb 32f ima pati-maiy.

DNb 27f avākaram-ca-maiy; DNb 51, 51f ciyākaram-ca-maiy.

DB 1.52 mā-tya-mām، نمونه ای که در آن صورت با قاعده مفعولی صریح و دارای تکیه مستقل māم بصورت یک پی چسب بجای صورت بی تکیه mā-mā- بکار رفته است.

پ ۳۱۲ - عبارات‌های نامگذاری. ویژگی است مربوط به سبک زبانی فارسی باستان و آن اینکه در آغاز اشاره به یک شخص (بجز شاه فرمانروا) و یا یک مکان (بجز یک ایالت دولتی)، و سپس واژه nāma یا nāmā بدنبال نام آن شخص یا مکان می آید؛ در این مورد استثنائاتی نیز وجود دارد، از جمله 12f DS که در آن نام‌های آرشام و ویشتاسب، فاقد nāma هستند و نیز در DB 3.11 و 5.4 که در آن‌ها نام ایالت‌های marguš و ūvja با nāmā همراه است. این عبارات‌ها همیشه^{۱۱۲} در حالت فاعلی هستند، اعم از اینکه در جمله دارای همین عملکرد باشند یا نه؛ معمولاً بدنبال عبارات‌های فوق یک ضمیر از سرگیرنده یا قید می آید. صورت nāma همه جا مورد استفاده قرار می گیرد، مگر اینکه پس از آن یک اصطلاح عام با جنس مونث (dahyāuš, didā) بیاید، در این حال nāmā که خود نیز مونث است، بکار می رود؛ برای ساخت حالت، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل nāman- مثال‌های نمونه:

DB 2.29f dādaršiš nāma arminiya manā badaka avam
frāišayam arminam

«دادرشی نام ارمنی بنده من، او را فرستادم به ارمنستان».

DB 1.58f sikayauvatiš nāmā didā nisāya nāmā dahyāuš mādayi

avadašim avājanam «دژی سیک یاؤودی نام، سرزمینی نی سائی نام در ماد، آنجا او را کشتم».

این عبارت‌ها احتمالاً برپایه جمله بندی مشابه در آرامی که این گونه بیان را ارائه می‌دهد، استوار است، در واقع اگر این عبارت‌ها زیر تاثیر این گونه دشواری بیان که به روشنی معلول شناسه‌های حالت است قرار نمی‌گرفتند، همانگونه که در موارد فوق مورد اشاره قرار گرفت، آنگاه با تجمع ساخت‌های دری، رابطه هریک از عناصر با دیگری می‌توانست در ابهام بماند: «در دژ سیک یاؤودی در سرزمین نی سائی در ماد (همین مشکل در بیان موارد مربوط به تبارشناسی، با رشته‌ای از ساخت‌های وابستگی نیز دیده می‌شود؛ توجه کنید به جایگزین‌ها در DB 1.4-6 و A²Sa)

I-

با نام اشخاص، دارای ۴۱ بسامد (۹ نام در یک فهرست، DB 4.8-29 و ۶ نام در فهرست دیگر، DB 4.83-6). ضمیر از سرگیرنده در این عبارت‌ها (DB 1.29) hauv, hauvam (DB 3.56f), avam, abiy avam است. در بعضی از قطعات، عبارت، دارای āha «بود» است و یک جمله کامل را می‌سازد (DB 1.30, 36; 4.8; XPh 18, 19)؛ در سه مورد از این موارد (DB 1.30; XPf 18, 19) از سرگیری توسط ضمیر از سرگیرنده مانع از ارجاع می‌شود. نیز نه در Sa که در آن عبارت نامگذاری، خود یک کتیبه کامل است، ضمیر از سرگیرنده وجود دارد و نه در مورد مخدوش A³Pa 19f که در آن واژه nāma دوبار همراه با ساخت وابستگی (یکی دارای ساخت فاعلی با عملکرد وابستگی) بکار رفته است. علاوه بر این، فاعل بر ساخته با nāma در DB 2.8f و 3.22 بوسیله ضمیر، پیش از فعل تکرار نشده است، زیرا یک عبارت بر ساخته با nāma مربوط به مکان در آنجا آمده است که در هر قطعه، ضمیر از سرگیرنده خود یعنی avadā را دارد. شش یاری دهنده داریوش (DB 4.83-6) از سوی ضمیر از سرگیرنده دنبال نشده‌اند، زیرا آنها در سیاهه‌ای آمده‌اند که خود نسبت به اسم پیشین بدل بوده و از این روی بیش از این مورد اشاره قرار نگرفته است. جمله بندی‌های نمونه عبارتند از DB 2.29f (در بالا آمده است) و همان 1.77f: I martiya bābiruviya naditabaira nāma:1.77f «مردی بابلی ندیت بشیرا نام،

پسر آیینِ آبیَرِ نام، او در بابل برخاست». عبارت مقدم I martiya به همین گونه که در این قطعه آمده، تنها اصطلاح عامی است که برای اشخاص بکار رفته است. جالب‌ترین مثال DB 3.12-4 است که در آن عبارت فاعلی بر ساخته با nāma پس از فعل آمده و بدون ضمیر از سرگیرنده بگونه مفعول صریح عمل می‌کند: pasāva adam frāišayam dādaršiš nāma pārša manā badaka می‌کند: «سپس من دادرشی نام پارسی، بنده من، شهربان در بلخ، را بر او فرستادم (= علیه فراَد)».

-II-

با نام مکان‌ها، دارای ۳۲ بسامد. بسامد معمول در DB 2.39، بصورت نمونه آمده است: tигра nāmā didā arm'niyaiy avadā hamaranam akunava «دژی تیگر نام در ارمنستان، آنجا جنگ کردند». دقیق‌ترین عبارت در DB 1.58f آمده است که در بالا به آن اشاره شد. پس از نامجای و nāma یا nāmā یک نام عام و سپس معمولاً، امانه همیشه، بیان نام ایالت مربوط به دولت با ساخت دری که نامجای قبلی در آن قرار گرفته است (در DB 1.92 از سوی anuv ufrātuvā «در کنار فرات»، جایگزین شده است)، و پس آنگاه قید از سر گیرنده می‌آید. نام‌های عام عبارتند از dahyāuš «ایالت، ناحیه»، didā «دژ، پایگاه»، vardanam «شهر»، āvahanam «دهکده»، kaufa «کوه»، rauta «رود». قیدهای از سرگیرنده عبارتند از avadā «آنجا» hacā avadašā «از آنجا» (DB 1.37, 3.80; DSf 47) hacā avanā «از آن (کوه)» (DSf 31) avaparā، «از آن سو» (DB 2.72) hacā pirāva nāma rauta «از نیل نام رودی»، که در آن، عبارت فاعلی بگونه عبارت از ی وابسته به hacā عمل می‌کند، یک مثال غیر عادی است.

پ ۳۱۳- شجره نامه‌های اردشیر دارای ساختی است که در کتیبه‌های مقدم یافت نمی‌شود؛ نوع این ساخت عبارتست از «A پسر B پسر C پسر D هخامنشی». از آنجاییکه «هخامنشی» به A مربوط می‌شود، از این روی روشن است که عبارات میانجی، عبارات وابسته‌اند (نه جملات مستقل، همانگونه که گاهی ترجمه می‌شوند). این امر در فارسی باستان، به سبب توالی ساخت‌های وابستگی از B تا D که بسختی می‌تواند قابل تشخیص باشد، مشکلی را ایجاد می‌کند؛ بنابراین

puça «پسر» بعنوان بدل، همیشه دارای ساخت فاعلی است، همانطور که بدل‌های نا متعارف دیگر این گونه هستند (مقایسه شود با: پ ۲۵۷، پ ۳۱۲).
 کتیبه‌های A^1I , A^2Sa , A^2Sc , A^2Ha , A^2Hc دارای شجره نامه‌هایی از نوع شجره نامه مندرج در 1-3 A^2Sa هستند:

-I

artaxšaça...dārayavaušahyā XŠhyā puça dārayavaušahyā
 artaxšaçaahyā XŠhyā puça artaxšaçaahyā xšayārcahyā XŠhyā
 puça xšayārcahyā dārayavaušahyā XŠhyā puça d[āra]
 yavaušahyā vštāspahyā puça haxamān^ašiya^{۱۱۳}.

در این مثال، نخستین عبارت مربوط به تبار، از نظر دستوری صحیح است؛ در عبارت دوم، صورت وابستگی dārayavaušahyā به گونه پایه‌ای برای وضوح تکرار شده و puça بعنوان بدل، در حالت فاعلی است (نگاه کنید بالا) و از سوی ساخت‌های وابستگی وابسته و مناسب همراهی می‌شود؛ عبارت‌های دیگر از نوع عبارت دوم هستند. در پایان، «هخامنشی» بدلی است برای «اردشیر» که در آغاز آمده است. این طرح را می‌توان بصورت زیر برگرداند (۲۲):
 «اردشیر... پسر داریوش شاه، داریوش (که) پسر اردشیر شاه (بود)، اردشیر (که) پسر شاه خشایارشا (بود)، خشایارشا (که) پسر داریوش شاه (بود). داریوش (که) پسر ویشتاسپ هخامنشی (بود).^{۱۱۴}

-II

کتیبه‌های A^2Sb , A^2Sd , A^2Hb , A^sH , A^3Pa دارای طرح دیگر هستند، که در آن، حالت فاعلی نام سلطنتی جای حالت وابستگی را می‌گیرد. فقط A^3Pa واقعاً مستدل و متعارف است، موارد دیگر تنها دارای صورت‌های گوناگونی از عبارت «پسر داریوش شاه» هستند که با یکدیگر اندکی تفاوت دارند:

A^2Sb dārayavauš XŠyā puça, A^2Sd dārayavauš XŠāhyā
 puça, A^2Hb dārayavauš XŠ puçā

و نیز عبارت «پسر آریارمن شاه» در AsH ariyāramna xšāyaθiyahyā puça اما A^3pa از اردشیر سوم تا آرشام، دارای یک تبار کامل است، و ساخت فاعلی را برای تمام نامه‌های سلطنتی بجز ویشتاسپ بکار می‌برد، و نیز صورت

وابستگی «شاه» را با صورت فاعلی *xšāyaθiya* جایگزین می‌سازد، همانند *XŠ* در *A²Hb*. از قرار معلوم فارسی باستان در این زمان، تقریباً به یک زبان مرده تبدیل شده بود که تنها در نوشتار اسناد رسمی تشریفاتی بکار می‌رفت و صورت گفتاری آن خالی از شناسه‌های صرفی بود (همانطور که در پهلوی بروشنی دیده می‌شود). با از میان رفتن شناسه وابستگی، طبیعی بود که صورت فاعلی بعنوان یک حالت عام بکار گرفته شود، همانگونه که قبلاً در بدل‌ها مورد استفاده قرار گرفته بود. صورت وابستگی *vštāspahyā* باقی مانده است، زیرا احتمالاً در کتیبه‌های متقدم و قابل دسترسی کاتبان اردشیر اول و بعد، نام ویشناسب، بصورت معمول، بیشتر در حالت وابستگی ظاهر می‌شود تا در حالت فاعلی، و در نتیجه کاتبان در کتیبه‌هایی که تحریر می‌کردند، صورت آشنا را بکار می‌بردند.

کاربرد دیگر حالت فاعلی بعنوان حالت وابستگی، در *A²Sa4* دیده می‌شود «[vašnā: AM: ana]h^ata[u]tā: [mⁱ]θra» «بخواست اهورامزدا، اناهِید و مهر» (نیز در *A²Ha* بازسازی شده) که در آن، ظهور ساخت‌های یکسان بصورت ساخت‌های فاعلی در سطر 4f و دنباله آن، الگویی را بوجود می‌آورد؛ اگرچه جایگاه فاصله‌ها، بازسازی شناسه‌های وابستگی در *A²Sa* را ممکن می‌سازد، اما وارد ساختن آنها، سطر را بیش از اندازه طولانی می‌کند.

پ ۳۱۴- ساخت بی‌تسلسل عبارتست از کاربرد یک عنصر دستوری در ساختی که توجیه آن در بقیه جمله معلوم نباشد. این پدیده در فارسی باستان در ارتباط با عبارت‌های بر ساخته با *nāma* (پ ۳۱۲)، با شجره‌نامه‌ها (پ ۳۱۳) با فراکردهای موصولی و گاهی در جای دیگر ظاهر می‌شود.

الف) یک فراکرد موصولی ممکن است دارای یک مرجع عام مقدم در حالت فاعلی^{۱۱۵} و نیز یک ضمیر از سرگیرنده پی‌آیند در حالت منطقی باشد: DB 1.21f *martiya hya agriya āha avam ubartam abaram* در این‌جا، صورت فاعلی *martiya*، از سر گرفته شده و نیز بوسیله صورت مفعولی صریح *avam* در رابطه مناسب نحوی خود قرار گرفته

است.

DNa 48-50 aita tya kartam' ava visam vašnā auramazdāha
akunavam

در این نمونه، صورت مفعولی صریح ava صورت احتمالاً فاعلی^{۱۱۶} aita را تکرار می‌کند.

DNb 16f martiya hya hataxšataiy anu-dim [ha]kartahyā avaθā-dim
paribarāmiy

در این جا صورت فاعلی martiya بوسیله صورت مفعولی صریح dim- از سر گرفته شده (دوبار بیان شده است).

ب) بنظر می‌رسد که در AmH، استفاده نابجای حالت‌ها منحصر به
(pārsa, §53 → بجای) iyam dahyāuš pārsā «این سرزمین پارس» در
سطر ۵ باشد که پس از آن ضمیر از سر گیرنده avām در سطر ۶ بعنوان
مفعول frābara در سطر ۷ وجود ندارد. از iyam dahyāuš pārsā
صورت فاعلی xšāyaθiya pārsā «شاه در پارس» در سطر ۲، و
xšāyaθiya iyam dahyāuš «شاه در این کشور» در سطر ۸ و دنباله آن،
بجای صورت دری ناشی می‌شود.

پ) ضمیر موصولی و مرجع آن هر دو در XPh 30-2 astiy atar aitā
dahyāva tyaiy upariy nipištā ayauda «در میان این کشورهاییکه در
بالا نوشته شده (اند)، یکی است (=بود، پ ۲۵۸) که در شورش بود»،
حذف شده‌اند.

پ ۳۱۵ - ویژگی‌های سبکی فارسی باستان. در حالیکه فارسی باستان از نظر
سبک ادبی تحول و توسعه‌ای نداشته، و نیز احتمالاً بسیاری از شیوه‌های بیانی
خود را از زبان آرامی، یعنی زبان میانجی شرق باستان، گرفته است، اما باز
دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان آنها را بعنوان ویژگی‌های سبکی فهرست
کرد: کاربرد عبارت‌های نامگذاری (پ ۳۱۲)، ساخت بی‌تسلسل و پدیده

مربوط به آن یعنی ضمائر و قیود از سرگیرنده (پ ۳۱۴)، حذف حرف ربط میان فراکردهای پایه و نیز میان بخش‌های همپایه فراکردهای پیرو (پ ۲۹۰، پ ۲۹۱)، انواع خاصی از حذف‌ها (پ ۶-۲۷۵)، قلب (پ ۳۱۷) عبارت‌های دارای قافیه (پ ۳۱۸)، کاربرد مفرد خنثی بعنوان مسند یک صورت مذکر (پ ۲۵۹)، تکرار mā با فاعل‌های پی‌درپی در یک حکم ممنوعیت (پ ۲۹۲/ب)، جایگاه غیر طبیعی صفات (پ ۳۰۶)، دگرگونی در نظم اسم مسند و فعل ربط (پ ۳۰۷).

پ ۳۱۶- حذف‌های سبکی در فارسی باستان، بویژه در مورد فعل ربط، هنگامی که یک صفت یا عبارت اسنادی وجود دارد، ظاهر می‌شود؛ مقایسه شود با:

پ ۲۷۵، پ ۲۷۶. مثال‌ها:

DB 1.5f cišpāiš pitā (sc. āha) haxāmaniš; 1.9 VIII manā taumāyā (sc. āhaⁿ) tyaiy...; 1.10 adam (sc. amiy) navama; 1.13 imā (sc. haⁿtiy) dahyāva tyaiy...; 1.15 tyaiy drayahyā (sc. haⁿtiy; یا احتمالاً → dārayaⁿtiy, cf. XPh 23f); 1.27 ima (sc. astiy) tya manā kartam (sc. astiy)^(۲۳)

ضمیر «آن (چه)» نیز پیش از موصولی که بلافاصله پس از آن می‌آید، حذف می‌شود، مانند DB 1.27 ima tya manā kartam «این (است آن چه) که بوسیله من انجام گرفته (بود).

نوع دیگر حذف سبکی زمانی یافت می‌شود که یک فراکرد تکرار شده باشد، و با اینکه یک واژه یا واژه‌های بیشتری از فراکرد پیشین در فراکرد دوم تکرار نشده، اما از فراکرد پیشین فهمیده شود. بدین ترتیب DNb 35-7 yaciy vaināmiy «آنکه را که hamičiyam yaciy naiy vaināmiy (sc. hamičiyam)^(۲۴) نافرمان (باشد) می‌بینم، آنکه را که غیر (نافرمان باشد) می‌بینم»، و به همین صورت DNb 38-40.

۲۳. افعال ربط محذوف با نشانه اختصاری sc در پرانتز مشخص شده‌اند.

۲۴. مورد محذوف با نشانه اختصاری sc در پرانتز مشخص شده است.

پ ۳۱۷ - قلب یا دگرگونی نظم موجود میان یک جفت قرینه، برای ایجاد توالی a-b-b-a، به تغییر تاکید حاصله از تکرار، تناسب می بخشد؛ این فرایند بارها در متون فارسی باستان ظاهر می شود.

DSf 12f hya manā pitā vištāspa utā aršāma hya manā [ni]yāka «پدر من و یشناسب و ارشام نیای من». DSf 36f tya ida akariya در پایان جمله خود، 38 hya idā karta بلافاصله پس از فاعل، و 40 hya idā karta در پایان جمله خود می آید. در XPh 47f šiyāta ahaniy jīva utā marta artāvā ahaniy «شاد شوم در زندگی و در هنگام مرگ خجسته باشم» می آید؛ اما هنگامیکه در بند ۵۴-۶ همین کتیبه، این خبرها تکرار می شوند، هیچگونه تغییری در نظم موجود، شکل نمی گیرد. در مورد DNb 34,41-4 نگاه کنید به: پ ۳۰۷.

پ ۳۱۸ - عبارت های دارای قافیه گاهی در فارسی باستان، برای بیان همپایه های معنایی بکار می روند، حتی اگر واژه های همپایه از ساخت های دستوری متفاوت باشند؛ اما ما نباید فرض کنیم که واژه های فارسی باستان در تلفظ، دقیقاً همان قافیه هایی را می دهند که در نوشتار ایجاد می کنند. در این زمینه، مثال های زیر می توانند مورد استفاده قرار گیرند:

DB 1.20 xšapa-vā rauca-pati-vā «چه شب، چه روز»، که در آن xšapa- دارای حالت وابستگی و rauca- دارای حالت مفعولی صریح است.

DPe 13f tyaiy uškahyā utā tyaiy drayahyā «آن هایی که (ساکن) خشکی و آنهایی که (ساکن) کنار دریا هستند»، که در آن یک ساخت وابستگی مختوم به *-ahyā با یک ساخت دری مختوم به *-ahi+ā هم قافیه شده است.

DB 4.56(4.75) utātaiy taumā vasiy biyā utā dargam jīvā «و دودمان تو بسیار باشد و زندگیت طولانی شود»، که در آن وجه تمنایی biyā^۱ با وجه امری jīvā^۲ هم قافیه شده است.

DNa 44f parāgmatā «دارای حالت فاعلی مونث مفرد از وجه وصفی گذشته مربوطه و نیز patiyajātā 47 سوم شخص مفرد، ماضی استمراری وجه اخباری میانه، در پایان جمله های قرینه و پی در پی ظاهر می شوند.

نمایه قطعات ذکر شده در فصل VII

AmH :314b	25:294;304f;311.I
2:314b	27:250B;267.I;304b;310.VII;316bis
5:314b	28:309
6:314b	28f:250D
7:314b	29:263;312.I
8f:314b	29f:250A
AsH :313.II bis	30:250J;312.I bis
DB I 1:247A,B,C; 257;262.I	31:304a
1f:250C	31f:250G
2:251A	32:302e
3f:247A;285	33:304b
4:250A;309	34f:251A,F;257bis
4-6:312	36:262.II;312.I
5f:316	37:312.II
7:247B	37f:250D;276.II
7f:285	38:283;290;297;304a
8:259;261.IV; 310.VII	39:261.III
9:316	40:250A;306.I
9f:309	40f:257
9-11:285	41f:274a;310.II
10:316	42f:290
11f:250B;252C	44:261.II,III;266
12:250G;285;310.VI	44f:249D
13:250.I;316	45:310.VII
13f:311.I	46:310.IV
15:251A;301a;316	46f:249D
19:249A;274b;310.VI	47:259;274a
20:249K;250E;271;291.III;318	48:310.I
21:267.I,IV	48f:257
21f:314a	49:250D
23:52B;261.IV;305a	49f:249D bis;249E;261.II
23f:286	50:261.III;271;279.II;283;288;301d;
	310.IV;311.IV

51:261.I;279.IIIb;302b	77:262.II
52:278.III d;279.III b;292b;302b;305e	77f:312.I
311 bis; 311.v	79:261.III
52f:249C;302e	79f:306.I
53:257	81:251A;261.III
53f:282a	82:274d;310.VII
54:257;304f	
55:274a	85:310
57f:267.II;310.III	86:251B;252G
58f:312;312.II	87:250H; 255
59:249D	89:261.III
61:271	90:286
61f:276.I	
62:271;288;310.II	91:304a
62f:251B	91f:249G
63:305a	92:252E;263;312.II
64:258.III	93:249G;274a
64f:252.I	93f:282b
65:255;258.III,IV	95:274d
65f:249D	DB II 3:310.VII
66f:291.I	6:304d
67:305a	6f:250A
69:261.III;294;304f;305a	8f:312.I
70:295.nl;305d	12:269
71:291.II	16:271
72:304b	18:269
73:304b	18f:259;262.I
74:262.II	19f:250A
75:250G	19-21:258.III
76f:291.I	20f:289
	21:261.III;267.III;278.IIc

21f:252A	72:249G;312.II
22:304a	72f:249G
23:252A;270.I:286	73:274d
23f:251A	
25f:261.III	75:251A
27:247B;309	76:251A,B;271 VIII
28:304f	77:267.II
29f:312;312.I	79f:250A
30:310.VII	84:258.I;267.III;278.IIc;292a;301a;
30f:258.I;267.III	310.VIII
31:278.IIc;280.I;310.VIII	91:271
32:275;304b	92f:259
32f: 249G; 283	DB III 3:304b
35:261.III;306.III	7f:276.II
38:275	9f:250A
39:312.II	11:249L;250A;312
43:275	11f:258.III
48:304f	12-4:312.I
50f:267.III	15:278.IIc
51:278.IIc;310.VIII	22:312.I
52:275;304b	26:252E;261.III;271
56:252D	27:250A
57f:275	30:269
61f:249K	32:250K;261.IV;271;306.III
62:271;283	34:304a
62f:286	35:263
63:304f	45:258.III
64f:251D	48:258.III
65:254;286;304a	49:258.III
66:263	52:271

54:263	36:311
56f:312.1	37:278.IIa;310.VIII
58:264	38:274a;278.IIa;280.I
58f:250A,F	39:278.IIIa;302d
59:257,278.IIc	39f:278.Ic
65:275	42:278.IIa;280.I
70:263	43:278.Ib;292b;311
73:249G;261.VI;270.IV	44:295
73f:249G	44f:283;302a
77:304d	46:288
78:250A	46f:276.I;307
80:271;312.II	46-8:290
81f:250A	
82:249G	48:278.IIa;305e;311
86:267.III;278.IIc;292a;301a	48f:292b
92:271	49:292a
DB IV 1f:261.I;275	49f:278.IIIId
3f:261.I:275	50f:314.n1
4f:250E	51:288;304e
5:304b:310.VII	51f:276.I;305a;307
5f:258.III	53:280.I
7-30:265	54:281
8:312.I	55:278.IIIa bis;292a
8-29:312.I	55f:249B
12:250A	56:249J;250H;279.Ib bis;280.I;318
34:305d;311	58:278.IIIa;279.Ib;292a
34f:265	59:279.Ib
35:305a;311	60f:310.III
35f:249.I	63:295;305c

64:269	12:261.IV
65:249D	17:305a
67f:310.VIII	19:278.Ia,IIb;289;301b
68:278.IIa bis	19f:250A
68f:258.IV;278.IIa;300b	21f:249G
69:279.Ia;280.I;311.III	22:271
70:278.IIa	23:297;304b
71:278.Ib;292b;304e;311	23f:249G
72:278.IIIb	26:274d
73:278.IIIa bis;291.II bis;292a	27:309
73f:291.I;300a;311.I	29:305a
74:278.IIIa;278.IIIb;279.Ib;304e	33:305a
74f:279.Ib	34f:278.IIb;301b
75:278.IIa;280.I; 318	35:278.Ia;289
75f:267.IV	35f:250A
77:278.IIIa bis	DBa 12f:261.IV
77f:300a	DB k 2:261.III
78:278.IIIa;278.IIIb;291.II;	DPa 5f: 265
292a;304e	DPd :286
78f:250C;279.Ib	1f:250D
79:278.IIa;279.Ib	2:257
81:274.n1;304a	2f:249E
82f:250A	6f:257
83-6:312.I bis	9-11:257
87:278.IIa;310.VIII	16f:271
87f:261.IV	18-20:292b
90f:274d	19:279.Ib
DB V 3: 304;310.VII	20-2:249D,F,310.IV
4:312	DPe 3f:261.III

8f:306.IIb	36:251B;258.III
9f:274b	36f:258.III
13f:318	37:305a
20:278.IIIa	37f:290
20f:302d	38:278.IIIa
21:281;306.IIb	38f:302d
22:261.n2;276.II;278.IIIabis;	39:259;264:290;310.I
297;306.IIb	42:278.Ia
23:283	42-7:302d
24:249G;278.Ia;289	43:278.Ib
DPh 5:252F	43f:306.IIc
5f:261.I;271	43-5:275
6:253B	44f:318
7:251D;254;271	45f:278.Ib
7f:253B	46:306.IIc
8:311.I	47:318
9f:311.I	48:266;267.I
DNa 286	48-50:314a
1-3:264	51:304f
3f:250H	52:283
4:310.VI	53f:310.IV
5f:249F	56:248
7f:250c	56f:250B;261.IV
11f:265	58:281
18f:250c	60:281
19f:274b	DNb:286
21:261.IV	2:274d
31f:304b	2f:310.VI
32:258.III	4f:257

6f:259	27f:259;311.V
7:305d	28f:295;304a bis;311.I
8:299;302c	29:291.III;297 bis; 300b
8f:249D;261.V	29f:278.IIIc
9:250K;270.III;279.IIIa	32f:311;311.II,V
10:261.V;283;299;302c	33:305c
10f:249D;250K;264;270.III	34:307;317
11:279.IIIa;283	34f:293
11f:259	35:274d;278.Ib
12:261.V	35-7:316
15:250C;283	36:291.I
16:250K;271	38:304c
16f:267.IV;314a	38f:297
18:250K;271;283	38-40:316
19:299;302c	39:295;300c;304c
20:264;279.IIIa;290;311;311.V	40f:252D
20f:297;303b	41f:307
21:279.IIIa,c;292a;302c	41-5:308;317
21f:310.VIII	42f:307
22:271	44:307
22-6:301b	45-7:267.V
23:294	46:269
23f:304f;306.IIa	46f:282a
24f:310.VIII	49:269
24-6:252H	50:274b;280.I;289;290
25:271;291.III;297bis;300b	50f:259
25f:309	50-2:302e;310.I
26:276.II;283	51:311.V
27:276.II	51f:311.V

52:311	14:261.VI;291.IV;297;304a
53:264;281	15f:290
54f:276.IV;288:311.I	16f:310.V
55:264;311	19f:282a
56:274d;276.IV;Ib;278.Ib;288	20:311.I
57:264	23:311.I
58:311	24:304f
59:278.Ib	25:276.III;283;304b
60:280.I	25f:257
DN I:265	28f:291.I;300a;302a
Dsa 4:264	30f:261.III
5:250G;278.Ic	31:312.II
DSe:286	32f:251B
31f:276.IV	33:251D;254
32-7:258.IV	34:251B
34:264	36f:317
34-7:305d	37:261.III
35:295,nl	38:317
38-41:305d	40:317
39:295,nl	41:308.nl
39f:261.V	42:261.I
46f:252G	44:251D;254
48:270.IV;310.VII	47:312.II
DSf:286	48:274b
3f:310.V	51:274b
9:261.III	53:274b
11f:261.III	56f:276.IV
12f:261.IV;308;312;317	57f:261.I;310.III
13-5:290	DSi3;304a

DSj 3:305a	25:304a
5:278.IIa	28f:250.nI;306.I
6:278.Ic	29f:290
DSI 3f:278.IIIe;302d	30:261.III
DSn 1:282a	32:304a
DSs: 285	32-4:251D
6:258.IV	33:254
DSt 10:278.IIa	36:304a
DZc 3f:310.VI	38:250B;276.I;288
9.271;282a;312.II	XPg 10:269
10:285	XPh 16:271
11:249G;305a	17:274b
12:305a	23f:316
DH 4:252F	29:299;304a;311
4f:301a	30:285, 310.I
5:253B	30-2:314c
5f:251D;254	31:267.VI
6:253B	31:267.VI
XPa 13f:252E	35f:296;305b;311
15:311.I	38f:302d
16:274d	39:279.Ia;296 bis;305b
16f:311.I	43-5:314.n2
XPc 14:257	45f:304f
XPf 18:312.I bis	47:276.II;278.IIIa;302d
19:312.I bis	47f:308;317
20-5:290	48:276.II;278.Ic;283
21:291.IV	49:264
21f:249.I	50:279.Ia
22f:261.I	50f:252.I

51f:264	A ² Sd 313.II bis
51-6:285;301b	3.311.III
53f:252.I	A ² Ha: 313.I,II
54-6:317	5f:291.I
55:276.III	7:278.Ib
55f:276.II	A ² Hb: 251C;255;313.II ter
XSc 3:304b;310.VII	A ² Hc: 313.I
4:266	14f:312.nl
XV 22:296;305b	A ³ Pa: 313.II ter
23f:282a	5f:274E
A ¹ I : 313.I	19f:312.I
D ² Sa 1:251C;255	22f:250B
A ² Sa : 312;313.I,II	23:269
1-3:313.I	26:250B
3.311.I	Wa t:252D
4:269;311.I;313.II	Wc 1:251C
4f:291.I;313.II	Sa: 312.I
5:278.Ib	
A ² S b:313.II bis	
A ² S c:313.I	

یادداشت‌های بخش نخست: دستور زبان

فصل I :

- ۱- مقایسه شود با MB 34-42; Meillet et cohen, les langues du Monde Gr. §5-§6; kieckers, Die sprachstämme der Erde E.W.West.Gdr. IP 2.75-81; W.Horn, Gdr. IP 1.2. 412-23. 6-7;
- ۲- اصطلاح «نو New» از اصطلاح «جدید Modern» که در ترکیب با «میانه Middle» به کوه نوشتی یکسان منجر می‌شود بهتر است.
- ۳- MB Gr. §5-§18
- ۴- باید بخاطر داشت که -ciça در این نام، دارای صورت فارسی باستان است و نه -ciθra* مادی.
- ۵- vidafarnā و aspacanā, vištāspa، علیرغم آواشناسی زبان مادی، بوضوح و بطور مشخص فارسی هستند؛ زیرا نامهای شخص معمولاً به گویش‌ها و زبان‌هایی به جز منطقه‌ای که دارند نام به آن تعلق دارد، مربوط است، نیز مقایسه شود با یادداشت ۴.
- ۶- P.Tedesco, Le Monde oriental 15.248; Bv.Gr. page 4 infra.

فصل II :

- ۷- شرح مفصل این موضوعات و نیز گامهای بعدی رمزگشایی در: Weissbach, Gdr. IP 2.64-72; و E.L.Johnson, Gr. 1-16: و نیز در: R.W.Rogers, History of Assyria and Babylonia, vol.1, chapters 1-2; آمده است.
- ۸- در واقع، نام کوروش و کمبوجیه، در فارسی باستان، با یک حرف آغاز نمی‌شوند، بلکه بترتیب یکی با k^u و دیگری با k^a شروع می‌شوند؛ اما گروتفند تبار کوروش را در شجره او ندیده گرفته و متوجه نشده بود که پدر و پسر کوروش هر دو کمبوجیه نامیده می‌شدند، در حالیکه شخص اول و سوم سلسله در این کتیبه‌ها دارای نامهای گوناگون هستند.
- ۹- برای نقد این نظریه‌ها نگاه کنید به: Wb. KIA IV-IX:

- ۱۰- آریارمنه عموی پدر کوروش و پدر جد داریوش اول بود؛ آرشام نیز پسر آریارمنه جد داریوش بود. بخاطر داشته باشید که هر دو کتیبه مذکور، روی لوحه‌های طلا است و در حدود اکباتان (همدان) در ماد پیدا شده است؛ اگرچه هردو شاه در این کتیبه‌ها از خود با عنوان «شاه در پارس = فارس» که دارای فاصله بسیاری از ماد است، سخن را نده‌اند. از آنجا که کورش کبیر آرشام را سرنگون و خلع کرد و کوروش کوچک (= کوروش صغیر) نیز در آستانه شکست دادن و کشتن ارشیر دوم در کوناکس بود^(۲۵) (مقایسه شود با JAOS 66.206-12). لوحه طلای A^2Hc می‌تواند سومین کتیبه از همین مجموعه باشد؛ هر سه کتیبه تنها به فارسی باستان تحریر شده‌اند. لذا ممکن است این کتیبه‌ها در زمان اردشیر دوم به عنوان بخشی از تبلیغات ضد کوروش نوشته و نصب شده باشد.
- ۱۱- بویژه مقایسه شود با: Schaefer, SbPAW, 1931.636-42.
- ۱۲- به سختی می‌توان این کتیبه‌ها را به کوروش کوچک نسبت داد، علیرغم: Wb. ZDMG 48.653-65 (و نیز مقایسه کنید با: KIA IXVII-IXIX)، که برای ارائه نظر مخالف، تنها کتیبه CMA برای او شناخته شده بود، مقایسه شود با: HZ-Klio 8.1ff.
- ۱۳- اگرچه احتمالاً از سوی او زیاد بکار نرفته باشد. سه کتیبه دیگر شناخته شده کوروش کبیر به اکدی است؛ اما استرابو ۸-۷/۳/۱۵ (ص ۷۳۰)، به استناد گفته «انه سیکریت Onesicritus»، بیان می‌کند که آرامگاه کوروش در پارسارگاد دستکم دارای دو کتیبه است، که یکی از آنها به دو زبان یونانی و پارسی تحریر^(۲۶) شده است. شناسایی زبانهای فوق بوسیله «انه سیکریت» برای ما اهمیتی ندارد، اما این گزارش نشان می‌دهد که کوروش دارای کتیبه‌هایی بوده که به بیش یک زبان تحریر شده بوده است؛ و در چنین وضعیتی بعید است که زبان بومی او حذف شده باشد. مقایسه شود با: Hinz, ZDMG 96.343-9 و نیز: JAOS 66.206-12.
- ۱۴- BV.Gr.§105 این شیوه آوانویسی را برای نشان دادن یک آوای صفیری قوی

۲۵. نگاه کنید به: ایران از آغاز تا اسلام، ص ۲۲۲

۲۶. نگاه کنید به: ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی صص ۵۴-۵۳

بکار می‌برد نه برای یک آوای صفیری بلند، زیرا زبان ایرانی، تمام همخوان‌های بلند را کوتاه می‌کند (پ ۱۳۰)

۱۵- در باره این موضوع، نگاه کنید به: MB Gr. §93، در باره تحول *r* در اوستا، نگاه کنید به: Reichelt, Aw. Elmb. §109.2.

۱۶- *ep* یونانی دلیل قاطعی برای *r* نیست، علیرغم اینکه *kerša*=*karša* و *Σμερδης*=*bardiya* هر دو دارای *r* هستند (پ ۳۰)؛ مقایسه شود با: *Ἰνταφερνης*=*viⁿdafarnā* با *-ar-* و *Ἀρσάμης*=*aršāma* و *Ἀρταξέρξης*=*artaxšāça* هر دو با *r* بنابر استناد عیلامی، علیرغم *ap-* یونانی، حرف نویسی یونانی پاره‌ای از نام مکانها در برابر *ar* پارسی دارای *ap* هستند:

Παρθιᾶ=*parθava*, *Σαγαρτιᾶ*=*asagarta*,...

۱۷- در آریایی آغازین *s* پایانی پس از *t* و *t̄* به *š* تبدیل می‌شود، و این *š* پایانی در فارسی باستان به نوشتار می‌آید.

۱۸- *t* پایانی برپایه قیاس، با *š* در ساخت‌هایی همانند سوم شخص مفرد، جابجا شده است: *akunauš* (=سنسکریت *ākṛnot*)؛ پ ۲۲۸/III.

۱۹- مقایسه شود با: JAOS 67.32-3.

۲۰- برای امکان حذف نشانه جداکننده به شکل زاویه حرف مجاور، نگاه کنید به یادداشت‌های مربوط به 4.83، 4.71 DB.

۲۱- نیز Wb.ZfA 46.55 برای قرائت KT، مقایسه شود با *-di-* و *-mard*، در واژه‌نامه.

۲۲- یک متن عادی شده، الزاماً یک متن آوانگاری شده نیست، بلکه تنها چیزی شبیه و نزدیک به چنین متنی است. به نشانه‌های نوشتاری عادی توجه کنید:

الف) *-ā, -t̄y, -ūv* پایانی برای *-ā, -t̄, -ū* در آوانگاری

ب) *iy* و *uv* برای *y, u* پس همخوانی

پ) *h^a* یا بندرت *i* برای *hi* و بویژه *hy* برای (واحد آوایی) *hy* یا *hiy* یا *hi* پایانی

ت) *u* برای *hu* و بویژه *uv* برای (واحد آوایی) *hv* یا *huv* یا *hu* پایانی

۲۳- این نظام عادی سازی برای متون فارسی باستان، مورد اتفاق نظر دانشمندان است؛ در واقع نظام مذکور نتیجه مجموعه وسیعی از کوشش‌ها به منظور

دستیابی به نتایج مربوط به آواهاست که از سوی نخستین پژوهشگران این رشته صورت گرفته است (§16؛ §14 یادداشت ۱^(۲۷))، اشاره به مقاله ویسباخ که در آن ادبیات آغازین مورد ردیابی قرار گرفته است). دلیل درستی این نظام، واقعیتی است که به آن عمل می‌کند، واقعیتی که به ما امکان برقراری قیاسی دقیق و متقن را میان این زبان و زبانهای هم خانواده دیگر هندواروپایی و نیز وامواژه‌های موجود در زبانهای غیر هندواروپایی، می‌دهد. با اینکه برخی از دانشمندان، برای نشان دادن قطعی نشانه‌های هجایی فارسی باستان از علایم و نشانه‌های دیگری بهره می‌گیرند (پ ۲۰)، اما باید گفت که در روش، دارای هیچگونه اختلاف شیوه‌ای چشمگیری نیستند و نیز در روش‌های دیگر هیچ مزیت ویژه‌ای وجود ندارد. در حالیکه هنوز ابهامات زیادی در مورد a آغازین و نشانه‌های دارای a ذاتی (پ ۲۱، پ ۲۲)، و ارزش ar (عادی شده) که واحد آوایی ar یا ʾ (پ ۲۹ تا پ ۳۵) به شمار می‌رود، باقیمانده است؛ و اینگونه مسایل را باید از طریق قیاس واژگانی و یا قیاس وامواژه‌ها در زبانهای دیگر حل نمود؛ اما باید توجه داشت که این مسایل، تنها، به واژه‌ها یا اشکال خاص و منفرد مربوط است و اثری بر شیوه عمومی عادی سازی ندارد. برای این موارد هرکس می‌تواند به واژه‌نامه مراجعه کند و در همانجا زیر واژه مربوطه، نظریات گوناگون را بررسی کند. بعضی از دانشمندان، در واقع، ai و au فارسی باستان را بصورت e و o عادی سازی و یا به بیانی دیگر «تعبیر» می‌کنند، اما تنها نتیجه‌ای که بدست می‌آید، مبهم کردن ارتباط میان واژه و صورت میخی آن است؛ بهر حال چنانچه کسی تمایل داشته باشد، توجه به ai و au به گونه نشانه‌هایی به جای آواهای e و o امری کاملاً ساده است.

فصل III :

- ۲۴- Brugmann, Gdr². 1.790-3; مقایسه شود با: پ ۱۰۲.
 ۲۵- Sturtevant, IH Laryngeals §80b, §73-§77
 ۲۶- Brugmann, Gdr². 1.721, 724
 ۲۷- در مورد ارزش آوایی b d g، نگاه کنید به: MB Gr. §§127-9

۲۸- پاره از دانشمندان استدلال می‌کنند که *a* فارسی باستان، پیش از *y* و *v*، بترتیب، *e* و *o*، و همچنین واکه‌های مرکب *ai* و *au* در فارسی باستان، بترتیب *e* و *o* تلفظ می‌شده‌اند؛ در این مورد مراجعه شود به:

MB Gr. §88, Hz. ApI 116, König Burgbau 62.

این نظریه‌ها از سوی خط فارسی باستان تأیید نمی‌شوند (مراجعه شود به: پ ۴۸)، و بر حرف‌نویسی به عیلامی و اکدی که گاهی اوقات در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند، و نیز بر تحولات موجود در ایرانی میانه، که الزاماً به دوره کتیبه‌های فارسی باستان باز نمی‌گردند، استوارند.

۲۹- برای مشخص نمودن *ə* هندواروپایی آغازین، در اختیار داشتن دو زبان هم خانواده، یکی در شاخه آریایی و دیگری خارج از آن، و یا یک زبان هم خانواده دارای درجه بلند واکه، الزامی است.

۳۰- Lg.18.79-82

۳۱- از نظر آوایی موجه است، هنگامیکه *i* با دو همخوان مقدم بر آن و یا با همخوانی که خود با یک واکه بلند یا یک واکه مرکب مقدم همراه بوده است، می‌آمد: Edgerton, Lg.10.257.

۳۲- در فارسی باستان نباید بصورت *-akr* (همانند سنکریت) عادی شده باشد، زیرا در زبان‌های ایرانی، *kr* به *xr* تبدیل شده است؛ پ ۱۰۳/۱.

۳۳- برای *ai* هندواروپایی آغازین، در واژگان فارسی باستان، مثال مشخصی شناسایی نشده است؛ برای *ai* هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۷۱.

۳۴- در مورد نظریه مبنی بر تلفظ *ai* فارسی باستان بصورت *ē*، نگاه کنید به: پ ۶۱. یادداشت شماره ۱. (۲۸)

۳۵- برای *əu* هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۷۱.

۳۶- برای تلفظ احتمالی *au* فارسی باستان بصورت *ō*، مراجعه کنید به: پ ۶۱، یادداشت شماره ۱. (۲۸)

۳۷- تلفیق **mbhi* و **obhi* هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: واژه‌نامه، زیر مدخل *.abiy*.

۳۸- مقایسه شود با تمایز مشابه در تحول مربوطه در لاتین، جائیکه *-d* پس از

واکه‌های کوتاه حفظ شده است، همانند: *id, sed, ad*؛ اما پس از واکه‌های بلند از دست رفته است، همانند *Gnaeō, sē, suprā*، در لاتین باستان: *sēd, suprād*. *Gnaivōd*.

- ۳۹- مراجعه شود به: Kent, Lg.8.18-26; Emeneau, Lg.9.232-6.
- ۴۰- به استثنای مواضع پیش از *s* نگاه کنید به: پ ۹۲.
- ۴۱- احتمالاً فقدان آوای غنه‌ای در بن زمان حال، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل *-θah*.
- ۴۲- برای ارزش آوایی *-b-* در *-zb-*، نگاه کنید به بحث انجام شده از سوی «دبرور»:
- ۴۳- چنانچه *k* هندواروپایی آغازین در *ks* به آوای صفیری معمولی *s* در آریایی آغازین تبدیل شده باشد، پی‌بردن به اینکه چگونه *s* می‌توانسته در *ks* سنسکریت آوای انسدادی داده باشد مشکل است. بنابراین برخی از تحولات دیگر *k* پیش از *s* در آریایی آغازین را نیز باید پذیرفت.
- ۴۴- این توجیه برای *st* باز آمده از *kt* در حال حاضر به نظر من بهتر از توجیهی است که در گذشته (از جمله در: Lg.21.58، ذیل نظریه‌ای از بنونیست در (Bv.Gr.§125)، مبنی بر تعلق *št* به مادی و *st* به فارسی باستان، متذکر شدم؛ زیرا وامگیری واژه‌ها و ساخت‌های شامل *št* از سوی فارسی باستان، در این مورد می‌تواند عامل بسیار موثری باشد. تدسکو^(۲۹) در (st, Le Monde Oriental 15.203-4 (referred to by Bv.l.c.) را صرفاً تحول متاخری از *št* تصور می‌کند (از هر اصلی، از جمله *št* باز آمده از *st* پ ۱۱۵، پ ۱۱۷)، که در بسیاری از واژه‌های پهلوی، البته نه در همه، و با سطح گسترده‌ای در پهلوی جنوبی غربی (مشتق از فارسی باستان، پ ۴/II) نسبت به پهلوی شمالی غربی (مشتق از مادی، پ ۴/I)، یافت می‌شود. البته نتیجه‌گیری وی برپایه قرائت‌های پهلوی ترفانی استوار است (پ ۴/IV)؛ در حالیکه اسناد ترفانی، متعلق به قرن سوم میلادی، یعنی حدوداً ۷۰۰ سال پس از زمان داریوش و خشایارشا می‌باشد، و در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا، ساخت‌های فارسی باستان دارای *-st-* یافت شده‌اند. با توجه به این فاصله زمانی، گونه موجود در فارسی باستان را می‌توان دلیل محکمی برای مرحله مقدماتی تحول موجود در متون ترفانی به شمار آورد.

- ۴۵- بلندی واکه، که در اینجا مورد نظر نیست، احتمالاً معلول گسترش قیاسی است از روی آئوریست s دار معلوم، که گردش واکه‌های بلند در آن، یک ساخت قاعده‌مند هندواروپایی آغازین بوده است، اما ممکن است تا تقسیم هندواروپایی آغازین به دو شاخه جدا از هم، این پدیده به وجه وصفی تعمیم داده نشده باشد.
- ۴۶- نظریه نسبتاً متفاوت نیبرگ در، *Studia Indo-Iranica* W.Geiger 213-6 مرا متقاعد نمی‌کند.
- ۴۷- در مورد -sn- اوستا به جای -šn- مورد انتظار، همانند آنچه که در *vasna* «به لطف»، *asne* «نزدیک» دیده می‌شود، نگاه کنید به: Bthl. Gdr.Ip 1.§33.1.
- ۴۸- در مورد بستگی *ch* سنسکریت با *c* از یک سو و با یک آوای صفیری از سوی دیگر، نگاه کنید به: J.Wackernagel, *Altindische Grammatik* 1.153-8; A. thumb, *Handbuch des sanskrit* 1.113.
- ۴۹- برای P هندواروپایی آغازین، مراجعه شود به: پ ۵۸ الف / الف.
- ۵۰- در ایرانی باستان، خیشوی‌های پیش از آواهای سایشی تنها به خیشومی شدگی واکه مقدم تقلیل می‌یابند (همچنین است در هندی باستان؛ مقایسه شود با: Wackernagel, *Altindische Grammatik* 1.§224). دستگاه نوشتاری فارسی باستان، بطور کلی از نشان دادن ویژگی خیشومی شدگی آواها، اعم از نیکه در فارسی باستان بازمانده (همانند اوستا) و یا به کلی از میان رفته باشد ناتوان است.
- بنابراین *aθaha* فارسی باستان یا می‌تواند با *asasat* سنسکریت در داشتن یک واکه خیشومی مطابقت کند و یا از ساخت ریشه‌ای فاقد آوای خیشومی آمده باشد؛ مراجعه شود به ارجاعات در واژه‌نامه، زیر مدخل *θah*.
- ۵۱- S بصورتی بسیار روشن منشاء ریشه شناختی را نشان می‌دهد؛ بهمین صورت ما می‌توانیم در سنسکریت واژه‌هایی را با *h* یا *s*- بر شماریم.
- ۵۲- همانند مندرجات پ ۵۸، الف، ب؛ من Z هندواروپایی آغازین استور توانست را که از s هندو حتی آغازین همراه با γ مقدم (سومین آوای حنجره‌ای، که واکندار بوده) آمده حذف کردم.
- ۵۳- Tedesco, ZII 2.46-7، تدسکو بویژه در مورد -*ārya* (نوشتار فارسی باستان -*āriya*) بحث داشته و در این زمینه معتقد است که -*ārya* سنسکریت، صرفاً

صورت متأخری است مشتق از صورت متقدم -ārya، که بدین ترتیب تنها صورت اصیل به شمار می‌رود.

فصل IV :

۵۴- در واژه -ciça-taxma، جزء نخست یک بن برهنه نیست، بلکه وجود بن همراه با یک آوای غنه‌ای در افزوده، در حرف نوشت آن به عیلامی، اکدی و یونانی به اثبات رسیده است. این آوای غنه‌ای به سختی می‌تواند پایانه حالت مفعولی صریح باشد (همانگونه که بارتولومه در Aiw 587 بصورت غیر قطعی پیشنهاد کرده است)؛ و به نظر غیر قابل توجیه می‌آید، مگر به عنوان انتقال از برخی ترکیبات دیگر که در آنها، وجود یک آوای غنه‌ای در این جایگاه موجه باشد.

(Schulze, KZ 33.216.n3; Richter, IF 9.203-4; Foy KZ 37.504-5). Cf. Gk. Ἀρτεμ βάρης (Hdt. 1.114-6, 9.122; Aesch.

Pers. 29, 302, 971)=OP *Artam-bara حامی ارته

که به نظر می‌رسد جزء نخست در حالت مفعولی صریح باشد،

(cf. Stonecipher, Graeco-Persian Names 27).

۵۵- بخش بیشین نمونه‌های مربوط به این گروه، آندسته از مواردی را در برمی‌گیرد که بخش نخست آنها یک قید جدا نشدنی یا پیشوند حرف اضافه‌ای است؛ براساس طرح ما، این نمونه‌ها در اینجا مورد بررسی قرار نگرفته‌اند (پ ۱۵۹).

۵۶- از سوی BV.Gr.§315، واژه xšayāršā نیز همانند -auramazdāh، یک بن مختوم به -āh- به شمار رفته، که برپایه ادغامی از xšaya^۱ «فرمانروایی» و arša- «عدالت»، شکل گرفته است، و بنابراین در مجموع «فرمانروایی همراه با عدالت»، معنی می‌دهد. اما مثالی وجود ندارد که در آن، علیرغم تخفیف -t- پایانی، ادغام یک واکه کوتاه رخ دهد؛ برای ایراد دیگر، و نیز توجیه مناسب از شناسه‌های حالت، نگاه کنید به: پ ۱۸۷ و یادداشت ۲^(۳۰)، و نیز واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

۵۷- صورت māhyā به احتمال زیاد بیشتر گونه مخفف māhahyā* در حالت وابستگی، برپایه بن māha- است، تا -māhyā در حالت دری، برپایه بن -māh-

- با اسم وابسته که هردو در حالت وابستگی برابرند.
- ۵۸- مقایسه شود با نام ایالت‌های ایالات متحده آمریکا؛ که تقریباً نیمی از آنها از زبان‌های بومی آمریکا، و بقیه مستقیماً و یا در نهایت از انگلیسی، آلمانی، سلتی، فرانسه، اسپانیایی، لاتین، یونانی، عبری و، هندوایرانی مشتق شده‌اند. برای نام - جای‌های فارسی‌باستان که با قطعیت و یا با برخی احتمالات از نظر ریشه‌شناسی توضیح داده شده‌اند، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های مربوطه.
- ۵۹- این بخش تنها سعی دارد که اسامی و صفات قومی را که به عنوان اصطلاحات جغرافیایی در متون فارسی‌باستان به کار رفته‌اند، فهرست و طبقه‌بندی کند؛ فهرست کامل ایالات امپراطوری پارس^(۳۱)، بنابر مندرجات متون فارسی‌باستان، و نیز بحث مربوط به تغییرات آنها را می‌توان در JNES 2.302-6 یافت. طبقه‌بندی yadā DB 3.26، ظاهراً نام فارسی‌باستان برای آ نشان (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل - yadā²) تا اندازه‌ای نامشخص است.

فصل V :

- ۶۰- برای فرضیه مربوط به اصل این پایانه، نگاه کنید به: sturtevant, Lg.8.1-10
- ۶۱- همانند همین پدیده در اوسکواومبریایی: *en «در»، به عنوان جزء جدا نشدنی صورت صرفی به پایانه حالت دری می‌چسبد، در اوسک: húrtn «در (horto)» از *ei-en، و در امبریایی: arven «در (arvo)»، از *āi-en-.
- ۶۲- مگر اینکه این ساخت، یک واژه نو ساخته باشد (پ ۵۷).
- ۶۳- با اینکه ā+i بنابر قاعده باید بصورت āi ادغام شود (پ ۱۳۱)، اما به نظر می‌رسد که حالت دری بن‌های مختموم به -ā- زیر تاثیر -ā- در حالات دیگر، باید دارای -āi- بوده باشند، در مورد پایانه بایی -āyā- در سنسکریت، نگاه کنید به: Thumb-Hirt, Handbuch d. Skt. §259, §351
- ۶۴- Hinz, ZDMG 92.250، این واژه را صورت غلط نوشتاری برای stūnāyam صفت توصیف‌کننده apadānam «ستون کاخ»، به شمار می‌آورد.
- ۶۵- agnāu سنسکریت، ساختی جدید، زیر تاثیر حالت دری بن مختموم به -u-

۳۱. منظور امپراطوری هخامنشی است.

است، *satrā, satrāu* «دشمن»، این در حالی است که هر دو ساخت هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۶۶- تغییر میان *-il-* و *-i-* برپایه «قانون سیورس»^(۳۲) (مقایسه شود با:

(Edgerton, Lg. 10.235-65)؛ تمایز میان *ē* و *ā* هندواروپایی آغازین

نمی‌تواند به سبب نبود موارد خویشاوند غیر آریایی شکل گرفته باشد.

۶۷- *ā* آریایی آغازین، مقایسه شود با یادداشت پیشین؛ احتمالاً *ā*- آریایی آغازین از

حالات بایی بن مختوم به *-ō-* گسترش یافته است.

۶۸- Debrunner, IF 52.131-6; Kent, Lg. 19.221-4.

۶۹- در فارسی باستان، گرایش غالب بر آن است که ساخت‌های تغییر یافته بن‌های

مختوم به همخوان با هم یکنواخت و هم سطح شوند، نه اینکه به آوای اصیل

برگردند؛ مقایسه شود با: *gāθu- xraθu-, arašan-* در واژه‌نامه، زیر مدخل‌های

مربوطه.

۷۰- در هندواروپایی آغازین، واکه مرکب پیش از آوای غنه‌ای در یک هجا، خود

بخود به واکه + نیم واکه همخوانی، و پس از آن، آوای غنه‌ای به همخوان واکه‌ای

تبدیل شده است، بنابراین: *-ēum > -ēum*، تا فارسی باستان *-āvam*. اما *-ēus*-

فاعلی، باقیمانده و *-āum* مفعولی صریح فارسی باستان را سبب گردیده است

(که در واقع از هندواروپایی آغازین، در موضع پیش از یک واکه آغازین، به

یادگار مانده است). تحول جایگزین مربوط به واکه بلند پیش از *m* پایانی در

هندواروپایی آغازین، عبارت بوده است از فقدان نیم واکه واکه مرکب؛ در این

خصوص، در فارسی باستان مثالی وجود ندارد.

۷۱- مقایسه شود با:

pIE nom *nāus, acc. *nāum کشتی: Skt. *nāus, nāvam*; Gk. Hom. *νῆαυς νῆα*, Att. *vaūs vaūv*.

۷۲- در مورد نظرات پیشین مربوط به صرف *dahyāuš*، نگاه کنید به: Bv.Gr. §287

۷۳- در پاره‌ای از شاخه‌های هندواروپایی، آوای روان و غنه‌ای در حالت فاعلی، زیر

تاثیر صورت بن در حالات غیر فاعلی، مجدداً بازسازی می‌شده است،

بنابراین: سنسکریت *pitā* «پدر»، اما یونانی *πατήρ*، لاتین *pater*؛ سنسکریت

- 7۴- همانند *-es* در لاتین *-os, ped-is* در یونانی *ποδ-ός*. *τεκτων* *tākṣā* «درودگر»، اما یونانی *τακτων*.
- 7۵- چنانچه ما می‌توانستیم *haxāmanišahyā* را با ارزش ظاهری آن بپذیریم، آنگاه می‌توانستیم همانگونه که برخی پنداشته‌اند کاملاً مطمئن شویم که این سه اسم، دارای بن‌های مختوم به *-s* هستند و نه از بن‌های مختوم به *-I-* با پایانه فاعلی *-š*؛ اما *Haxāmanišahyā* در کتیبه آریارمنه که از اشتباهات نوشتاری بسیار برخوردار است، می‌آید و ممکن است جایگزین صورت وابستگی مختوم به **manaiš* - شود، همانگونه که *dārayavauš-ahyā* (در کتیبه‌های اردشیر I و II) جایگزین صورت وابستگی کهن *dārayavahauš* می‌گردد. بهر حال بنظر می‌رسد که صورت مشتق *haxāmaniš-iya* «هخامنشی» ما را در پذیرش تعلق *-š-* به بن، متقاعد می‌سازد.
- 7۶- این *-n* ممکن است از صورت فاعلی وجه وصفی کامل *vidvān* در سنسکریت *-uōs* در هندواروپایی آغازین، همانند یونانی *εὐδ(φ)ως* «آگاه» آمده باشد؛ و بنظر می‌رسد که در وجه وصفی کامل سنسکریت نیز از *-nt-* مربوط به وجه وصفی معلوم آمده است.
- 7۷- مقایسه شود با همین پدیده در صرف *xšayāršan-*، پ ۱۸۷. پیزانی در *Riv. Stud. Or. 19.81-2*، استدلال می‌کند که *auramazdā*، در اصل یک اسم-ریشه مختوم به *-ā-*، با صورت وابستگی قیاسی، جهت اجتناب از هویت فاعلی و وابستگی است، اما این امر بسیار بعید و نامحتمل است.
- 7۸- این نام الهی همیشه در اوستا، در هر دو بخش صرف شده است؛ درگاهان معمولاً واژه‌های دیگر نیز میان دو بخش آن قرار می‌گیرد و در اوستای متاخر صورت *mazdā ahurō* بسیار شایع‌تر از صورت *ahurō mazdā* است.
- 7۹- این امر بیشتر نشان می‌دهد که در فارسی باستان *-h* پس از *ā* از میان رفته بوده و تنها پس از *ā* باقیمانده است؛ پ ۴۰.
- ۸۰- *hamapitā* و *hamātā* فارسی باستان تفاوتی در ساخت ندارند و نمی‌توانند تمایز میان دو نظام واکه‌ای موجود در *δμοπατήρ* و *δμοπατήρ* را نشان دهند، در حالی که ساخت‌های دارنده *-ōr* دقیقاً همانهایی هستند که در ترکیبات اصیل وجود دارند.
- ۸۱- *c^ašma^a* فارسی باستان، به سبب واکه کوتاه پایانی، بصورت *cašma*، همانند یک

- بن مختوم به -n- قرائت نمی شود (پ III/۳۶)، بلکه باید آن را به شکل cašam، یعنی حالت مفعولی صریح خنثی بن مختوم به -a- خواند.
- ۸۲- بنونیست در Gr. §290 این بن را به سبب داشتن āha- در حالت وابستگی، بصورت xšayāršāh آورده است، عامل دوم موثر در این نظر arša- «عادل»، ساخته شده بصورت یک بن (آریایی) مختوم به -ās- است؛ ایراد بر این نظر عبارت است از اینکه بن های مختوم به -ās- به بندرت طبق بن های مختوم به -ā- ساخته شده اند. نیز مقایسه شود با، یادداشت پ ۱۶۲ (۳۳).
- ۸۳- Lg. 15.175-6؛ در مورد توجیهات دیگر مربوط به این دو ساخت، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل های مربوطه.
- ۸۴- Lg. 15.170.
- ۸۵- صورت فاعلی hamičiyā در DB 2.93 مسندی است برای دو اسم مفرد مذکر، اما به احتمال بسیار زیاد دارای صورت جمع است تا تنیّه؛ مقایسه شود با: پ ۲۵۹
- ۸۶- صورت karšā به اینجا تعلق ندارد و نیز احتمالاً نه artā-cā (نیز چنانچه عادی شده، باشد) و نه taumani-šaiy؛ در مورد این واژه ها، نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل های مربوطه.
- ۸۷- در مورد این ساخت ها، مقایسه شود با: Kent. Lg. 19.225.
- ۸۸- منشاء *sī- هندواروپایی آغازین روشن نیست. شاید برخوردی باشد از صورت فاعلی مفرد مذکر هندواروپایی آغازین *so، فاعلی مفرد مونث *sā (سنسکریت sā-s sā، یونانی ó η) و صورت فاعلی مفرد مذکر هندواروپایی آغازین *i-s، فاعلی مفرد مونث *T (لاتین، فاعلی مفرد مذکر *is سنسکریت، فاعلی مفرد مونث iyām از *T بعلاوه -om)، مفعولی صریح مفرد مذکر *i-m، مفعولی صریح مفرد مونث *T-m. براین اساس، حتی تغییرات بلندای واکه نیز توجیه می شود.

فصل VI :

- ۸۹- میانه، همراه با -nth- هسته ای ناشی از تحول پس از دوره باستانی.

۹۰. اما - dhanva* آریایی آغازین می‌تواند صرفاً dha-nu* باشد که بصورت تماتیک^(۳۴) ساخته شده است و درین صورت دقیقاً به dha-nu* بعلاوه -e- قابل تجزیه می‌باشد؛ مقایسه شود با تغییرات مشابه از غیر تماتیک به تماتیک در افعال یونانی، بطور مثال δεικ-νν-ε-τε «تو نشان می‌دهی» جایگزین δεικ-νν-τε.
۹۱. اگرچه صورت فارسی باستان n^aiy^ap^aiš^am^a هرگونه عادی سازی را امکان پذیر می‌سازد، اما صورت ماضی s دار با گردش واکه‌ای قوی، بیشتر از صورتی با درجه ضعیف مورد انتظار است.
۹۲. همین تغییر میان پایانه‌های حالات معلوم و میانه، بویژه در ساخت‌های همراه با پسوند بن ساز مجهول در اوستا (Reieheldt, Aw. Elmg. §615) و نیز در سنسکریت (Whitney, Skt. Gram. §774) دیده شده است؛ اما در هر دوی این زبان‌ها، پایانه‌های حالت میانه، نسبت به پایانه‌های حالت معلوم، در ساخت‌های مجهول دارنده -ya-، بسیار فراوانتر است.
۹۳. بحث مفصل در مورد این فرآیند قیاس توسط پیزانی در Riv. Stud. Or. 19.80-92. ارائه شده است.
۹۴. تا زمانی که چیزی مانع تحول آوایی t پایانی پس از u به ḍ در فارسی باستان نشود، بعید است که این تغییر پس از i نیز ظاهر شده باشد؛ فارسی باستان -ciy- از هندواروپایی آغازین *q^uid^u، که سنسکریت آن cid، اوستای آن čit و لاتین آن quid است. در مجموع باید فرض کرد که ḍ- سوم شخص مفرد پس از u، و نیز همین پایانه پس از i، دارای یک منشاء مشترک هستند.
۹۵. این گسترش قیاس، با جزئیات، از سوی پیزانی در Riv. Stud. Or. 19.92-3 مورد بحث قرار گرفته است.
۹۶. مقایسه شود با Bv. Origines 105-6; Sturtevant, Lg. 20.206. ممکن است صورت بازسازی شده [da]rtanayā بواسطه گذر به بن‌های مختوم به -a- به این گونه ساخت‌ها تعلق داشته باشد، در حالی که ساخت دری بنظر می‌رسیده، و همانند ساخت‌های دیگر دری، حرف (اضافه) پسایند -ā- را بخود گرفته است.

فصل VII :

۹۷- نبود ساخت‌های برایی در فارسی باستان و بعهده گرفتن عملکردهای برایی از سوی ساخت و ابستگی، تشخیص و تمایز ساخت‌های برایی ملکی همراه با رابطه را از ساخت‌های ابستگی ملکی، غیر ممکن می‌سازد؛ بنابراین در XPf 28f dārayavauš (→ vahauš- غلط بجای) puṣā aniyaiciy āhata «داریوش را پسران دیگری بودند»، ساخت و ابستگی ممکن است یک ساخت واقعی و ابستگی ملکی باشد و یا یک ساخت برایی ملکی. هنگامیکه یک ساخت و ابستگی دارای تکیه مستقل، از واژه‌ای پیروی کند که به آن وابسته است، می‌توان فرض عملکرد را به نفع ساخت برایی پذیرفت؛ مقایسه شود با: پ ۳۰۹.

۹۸- مقایسه شود با کاربرد حالت برایی با صفات، در یونانی، که جزء نخست آن -ομο بوده است؛ اگرچه در زمان‌های بعدی، حالت و ابستگی نیز با آنها بکار می‌رفت.

۹۹- بکاربردن ساخت بایی بدون حرف (اضافه) پیشنهاد، برای اشاره به مکان نامعین یا مکان در برگیرنده، عمومیت ندارد. اما زبان‌های گوناگون به آن رویکرده‌اند؛ برای تمام موارد هندواروپایی، مقایسه شود با

Brugmann, Gdr.²2.2.§480 (Der Instrumentalis als örtlicher und zeitlicher, Prosecativus, -der Raumerstreckung-der Zeiterstreckung); in Sanskrit, cf. Whitney, Skt. Gr.³ §281.d (Time passed through, or by the lapse of which anything is brought about); in Avestan cf. Reichelt, Aw. Elmb. §448 (Prosekutivus zur Bezeichnung des Raums, mit dessen Zurücklegung eine Bewegung voranrückt).

۱۰۰- در مورد این موضوع به

Ed. Schwyzer, Die sog. missbräuchlichen Instrumentale im Awesta, IF 47.214-71 (1929);

اما در مورد این گونه ساخت‌ها در گائاه‌ها، مراجعه کنید به:

Maria W. Smith, studies in the syntax of the Gothas of

zarathusftra, esp. pages 19-35 (1929).

- ۱۰۱- مقایسه شود با مسند خنثی که گاهی اوقات برای مسندالیه مذکر یا مونث در لاتین بکار رفته است:

Verg.Ecl.3.80 trīste lupus stabullis, Aen. 4.69f varium et mūtābile semper fēmina.

به همین صورت در یونانی:

Xen. Anab. 2.3.15 (τά τραγήματα) ἣν καὶ παρὰ πτότον ἦδὲ μὲν, κεφαλᾶλτες δε, 3.2.22 εἰ...τους...ποταμούς ἄπορον νομίζετε εἶναι.

- ۱۰۲- Lg.20.1-10 (1944) با جزئیات بحث در مورد نظریاتی که در این بخش خلاصه شده است.

- ۱۰۳- hyā در DPe 22 حرف تعریف مفرد مونث فاعلی نیست که پیش از اسم خود آمده باشد، بلکه یک قید در حالت ازی است؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

- ۱۰۴- Lg. 20.3 برای امکان دیگر

- ۱۰۵- بنویست در TPS 1945.61n معتقد است که کاتب کتیبه تصادفاً martiyā را پیش از tyaišaiy حذف کرده و سپس آنرا پس از frātāmā هنگام توجه به حذف، وارد کرده است.

- ۱۰۶- مقایسه شود با کاربرد مشابه در لاتین:

Caesar, BG 1.12 quae pars cīvitātis Helvētiaē Insignem calamotātem populō Rōmānō intulerat, ea prīnceps poenās solvit

- ۱۰۷- همین کاربرد در لاتین نیز ظاهر می‌شود:

Cic. ad Fam. 12.23.2 legiōnibus...quās sibi conciliāre pecūniā cōgitābat eāsque ad urbem addūcere

- ۱۰۸- بنویست در TPS 1945 61-3، سعی دارد که نشان دهد که ساخت معلوم āha همیشه بر وجود دلالت می‌کند، در حالیکه ساخت میانه āhatā، پیوسته با حالت وابستگی - برایی، در بیان مالکیت بکار می‌رود. استدلال وی کاملاً متقاعد کننده نیست، بویژه در مورد DB 4.81؛ و نیز برای تخصیص معنایی که

- بنظر می‌رسد وجود داشته باشد، انگیزه‌ای محسوب نمی‌شود.
- ۱۰۹- یا شاید بالقوه بعنوان افعال اصلی کلام غیر مستقیم غیر رسمی؛ اما نه افعال اصلی بیان‌کننده عمل مکرر در گذشته، همانگونه که بنویست در TPS 1945. 50-1 فرض کرده است (مقایسه شود با وجه تمنایی در این کاربرد در اوستا؛ Reichelt, Aw. Elmb. §638)
- ۱۱۰- نیز در yaθā:DB 1.70, DSe 35,39 هیچگاه قضیه یا منظور مفروضی را نمی‌سازد. مقایسه شود با BV. TPS 1945.54-6
- ۱۱۱- در عبارت asā dārav (DSf 41؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل (dāruv-) معلوم نیست که کدام واژه برای دیگری بدل است؛ یعنی معلوم نیست که عبارت به صورت «سنگی که خوب است» باید باشد و یا بصورت «چوبی که سنگ است»؟
- ۱۱۲- تنها استثناء A²Hc 14f vištāpahyā nāma puça «پسر وشتاسب نام» است که در آن nāma ساخت وابستگی را توصیف کرده و بدنبال آن یک واژه عام نیامده است؛ ساخت جمله بگونه‌ای است که امکان قرارگیری یک ضمیر از سرگیرنده را در آن از میان می‌برد.
- ۱۱۳- گرایش‌ها به واژگان جدید در قطعه مذکور، در: پ ۵۷ مورد اشاره قرار گرفته است
- ۱۱۴- مقایسه شود با J.R. Ware, TAPA 55.56-7؛ نظر دیگر در مورد نحو این شجره نامه‌ها، از سوی E.H. Sturtevant, JAOS 48.66-73، بیان شده است.
- ۱۱۵- در اغلب موارد بدون مرجع مقدم، همانند:
DB 4.50f tyaiy paruvā xšāyaθiyā yātā āha avaišām avā
(=avaθā, § 52.VI) naiy astiy kartam
«کسانیکه شاهان پیشین (بودند)، تا زمانی که بودند، از سوی آنان چنین کاری انجام نشد...»
- ۱۱۶- اما در:
XPh 43-5 aita tya adam akunavam visam vašnā auramazdāha
akunavam.
من aita را در حالت مفعولی صریح می‌دانم، زیرا این بافت فاقد ضمیر از سر گیرنده ava است.

بخش دُدیگر: متن‌ها

این بخش، نخست توصیف کوتاهی از کتیبه‌ها، همراه با کتابشناسی ویژه آنها را در برمی‌گیرد؛ برخی از کتیبه‌های موجود به عیلامی یا اکدی و یا هر دو، و نه به فارسی باستان، در این کتابشناسی فهرست شده‌اند؛ این امر تنها به منظور توجیه فاصله در طبقه‌بندی الفبایی کتیبه‌های فارسی باستان انجام گرفته است. سپس متن‌های فارسی باستان را پی می‌گیرد، هریک از متن‌ها با یادداشت‌های انتقادی و در صورت لزوم با ویژگی تفسیری، و نیز ترجمه همراه است.

توصیف و کتابشناسی کتیبه‌ها

عناوین کتابشناختی مربوط به سال ۱۹۰۶ و پیشتر، تنها بنا به دلایل ویژه‌ای ارائه شده‌اند، و می‌توانند در Wb. KIA و هرجای دیگر ردیابی شوند.

AmH = آریارمنه / همدان : متن تقریباً ناقص فارسی باستان در ده سطر، روی لوحه طلا؛ هیچگونه سند و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد بخش از دست رفته، در بردارنده تحریرهای عیلامی و اکدی بوده است.

HZ.AMI 2.117-27 (1930), 4.132-9 (1932), 8.17-35 (1938), ApI 1-2 No. I (1938); HZ. Die Goldtafel des Āriyāramna, in Berliner Museen, Berichte aus den preussischen Kunstsammlungen 52.3.52-5, wigh plate (1931);

HHSchaeder, SbPAW 1931.635-45, 1935.494-8;
WBrandenstein, WZKM 39.13-9 (1932); Bv. Gr. §3 (1931);
RGKent, JAOS 56.215 (1936); Sen, OPI 176-7 (1941);
Sidney Smith, Isaiah Chapters XL-LV 122-3 (1944);
RGKent, JAOS 66.206-12 (1946).

نیز نگاه کنید به: پ ۱۸، با یادداشت ۲^(۱)

AsH = ارشام / همدان: تنها به فارسی باستان، ۱۴ سطر روی لوحه طلا در سه قطعه،
کتیبه کامل است بجز گوشه راست پایین، حدود ۹×۱۳ سانتیمتر؛ پیدا شده در
همدان؛ نگاه کنید به: پ ۱۸، با یادداشت ۲^(۲).

Sidney Smith, Isaiah Chapters XL-LV 122 (1944); RGKent,
JAOS 66.209-12 (1946); AUPope, The Illustrated London
News, July 17 1948, pp. 58-9. On exhibition at the Musée
Cernuschi (Paris), in the summer of 1948, where it was
No.54 of the Catalogue Illustré(no date).

CMA = کوروش / مرغاب A: ۵ نسخه یا بیشتر از یک کتیبه سه زبانه، دو سطر به
فارسی باستان، عیلامی و اکدی هریک، یک سطر، روی ستونها و پایه‌های کاخ،
رو نوشت شده است.

Wb. ZDMG 48.653-65 (1894), KIA xxviii-xxix, lxvii-lxix,
126-7 (1911); Hz. Klio 8.60 (1906); Jn. Persia Past and
Present 281-2 (1908); Tm. Lex. 55-6 (1908); Sen, OPI 1
(1941); RGKent, JAOS 66.209 (1946).

CMb = کوروش / مرغاب B: چند قطعه کوچک از یک کتیبه سه زبانه، دستکم ۶
سطر به فارسی باستان، عیلامی و اکدی هریک ۴ سطر، که بالای نقش سلطنتی

۱. در ترجمه: با یادداشت ۱۰.

۲. در ترجمه: با یادداشت ۱۰.

در آستانه کاخ قرار گرفته بود.

Hz. ApI 2-4 No.3 and Plate 2 (1938); Sen, OPI 239 (1941);
RGKent, JAOS 66.209 (1946).

CMc = کوروش / مرغاب C: کتیبه‌ای به سه زبان، هر زبان در یک سطر، روی چین
خوردگی‌های لباس شاه، بر سه درگاه کاخ؛ در حال حاضر متن فارسی باستان آن
کاملاً از بین رفته است.

Hz. AMI 1.14-6 (1929); ApI 2 No. 2 and Plate I fig.2 (1938);
RGKent, JAOS 66.209 (1946).

DB=داریوش/بهستان: کتیبه سه زبانه بهستان، روی یک صخره عمودی، در طرف
چپ جاده اصلی کاروانرو از بغداد به تهران، حدود ۶۵ مایلی نرسیده به همدان،
مشرف به تنگه‌ای نوشته شده است. مجسمه‌ها و کتیبه‌های همراه، در این
صخره طبیعی، در بلندای ۲۲۵ پا (بطور مورب ۳۲۲ پا)، بالای جاده، که ۱۰۰
پای پایانی آن دارای شیب تند و صخره‌ای دشوار برای صعود - و بخش پایانی
در قسمتی دارای بریدگی مسطح است، بمنظور جلوگیری از دستیابی مخربین -
بنابر فرامین داریوش کنده شده‌اند. پهنه مجسمه‌ها در قسمت چپ، پیکره
ایستاده داریوش را همراه با دو تن از ملازمان در پشت سر، در حالیکه پای
راست او محکم بر روی پیکره بخاک افتاده گئوماتا قرار گرفته، در برمی‌گیرد.
پست سر گئوماتا، ۹ نفر از شوروشیان اسیر شده، با دست‌های بسته شده در
پشتشان و بندی به دور گردن که همه را بهم متصل کرده، قرار دارند. در قسمت
بالا، پیکره اهورامزدا^(۳) قرار گرفته است. کتیبه‌های فارسی باستان، عیلامی
و اکدی بخش‌های آزاد پهنه و نیز حاشیه پایین و همینطور فضا‌های زیرین،
راست، چپ و بصورت اریب زیر و چپ آنرا اشغال کرده‌اند. این کتیبه‌ها هم از
فرسایش حاصله از سیلاب‌ها، و هم از لایه‌های انبار شده سنگ آهک بوسیله
آب، در داخل و روی نشانه‌های کنده شده، آسیب دیده‌اند. بیشترین ویرانی
روی مجسمه‌ها، در دو جنگ جهانی، هنگامیکه سربازان از شاهراه پایین آن

۳. نقش فروهر است که تصور می‌کردند تصویر اهورامزدا است.

عبور کرده و از پیکره‌ها بعنوان هدف برای تیراندازی‌های بی دقت استفاده می‌کردند، حاصل آمد.

نام بهستان زیاد بکار رفته ولی املاء آن که حد وسطی است میان فارسی باستان *baga-stāna- «جایگاه خدا»، برابر آن به یونانی βαιριον (Diodorus 2.13) و «بهستون»^(۴) جغرافیدانان عرب قرون وسطی^(۵)، فارسی نو «بیستون»^(۶) یا «بی ستون»^(۷) (یا حتی بیستون^(۸))، بدون واکه در افزوده؛ که براساس واژه شناسی عامیانه از آن معنی «بدون ستون» فهمیده می‌شود)، ضبط نشده است. کتیبه فوق برای نخستین بار در سال ۱۸۳۶-۴۷ توسط ستوان (بعدها سر لشگر سر) هنری، سی، راولنسون، بار دیگر در سال ۱۹۰۳ توسط او، ویلیامز جکسن استاد دانشگاه کلمبیا، که علیرغم توفیق در یک بررسی نا تمام، توانست اولین عکس‌ها را از لبه باریک و زیرین کتیبه‌ها بگیرد، سپس در سال ۱۹۰۴ بوسیله ل، و، کینگ، و نیز، سی، تامپسون از بیرتیش میوزیوم؛ و سرانجام در سال ۱۹۴۸ توسط جورج، جی، کامرون استاد دانشگاه میشیگان، که بررسی جامعی روی کل کتیبه، شامل متن عیلامی واقع در سمت راست پهنه مجسمه‌ها که از پیش کاملاً ناخوانا مانده بود، انجام داد، مورد دستیابی، رونویسی و پژوهش قرار گرفت.

کتیبه بزرگ: متن فارسی باستان در ۵ ستون، هریک به ترتیب با ۳۶، ۹۲، ۹۲، ۹۸، ۹۶ سطر زیر پهنه مجسمه‌ها قرار دارد. ستون ۵ در سمت راست واقع شده و از افزوده‌های متاخر است. متن عیلامی در دو نسخه آمده است، یک نسخه در ۴ ستون مجموعاً ۳۲۳ سطر، در سمت راست مجسمه‌ها قرار گرفته، و آخرین ضمیمه آن به ستون نخست کاهش یافته است (این ظاهراً همان کتیبه ناخوانایی است که سابقاً «متون مکمل» نامیده می‌شد و هم اکنون برای نخستین بار توسط کامرون قرائت شده است). نسخه دوم عیلامی در ۳

Behistūn.۴

۵. منظور جغرافیدانان مسلمان قرون وسطی است.

Bisitūn.۶

Bisutūn.۷

Bistūn.۸

ستون، به ترتیب با ۸۱، ۸۵، ۹۴ سطر، در سمت چپ متن فارسی باستان قرار گرفته و با ۴ ستون نخست فارسی باستان تا پایان پاراگراف ۶۹، برابری می‌کند. ستون کوتاه ۱۰ سطری واقع در بخش بالایی و چپ پهنه مجسمه سازی شده، برابر عیلامی پاراگراف ۷۰ فارسی باستان است. متن اکدی در یک تک ستون، در سمت چپ پهنه مجسمه‌ها، بر لبه پیش آمده گوشه دارای زاویه باز جهت پوشاندن دو وجه صخره، قرار گرفته است، و ترجمه پاراگراف ۱-۶۹ فارسی باستان را در بر داشته و شامل ۱۱۲ سطر (سطرهای ۱-۳۵ فقط در وجه پیشین، سطرهای ۳۶-۱۱۲ در دو وجه کناری صخره) است.

۱۱ کتیبه کوچک به داریوش و دشمنان اسیر شده او مربوط است؛ این کتیبه‌ها تا آنجا که فضا اجازه می‌داده، نزدیک به شخصی قرار گرفته‌اند که به آنها تعلق دارند. کتیبه a به داریوش مربوط است؛ تحریر فارسی باستان آن ۱۸ سطر، تحریر عیلامی آن ۱۰ سطر دارد و کتیبه فاقد تحریر اکدی است. کتیبه‌های j-b همه سه زبانه هستند؛ متون فارسی باستان هریک از ۶ تا ۱۲، متون عیلامی از ۲ تا ۸ و متون اکدی از ۳ تا ۴ سطر دارد. کتیبه k به فارسی باستان و عیلامی، همانند ستون ۵ فارسی باستان، بعداً افزوده شده و در هر زبان دارای دو سطر است.

یک قطعه سنگ دولوریت^(۹) بابلی، بخش مکرر تحریر اکدی را که برابر است با سطرهای ۵۵-۵۸ و ۶۹-۷۲، در بر دارد. این مدارک همچنین به زبان آرامی، روی اسناد پایپروس مربوط به الفاتین نیز، یافته شده‌اند.

Rawlinson, JRAS vols. 10-11 (1846. 1849); vol. 12, i-civ (1851). Jn. JAOS 24.77-95 (1903)=Persia Past and Present 186-212 (1906). KT, The Sculptures and Inscriptions of Darius the Great on the Rock of Behistun in Persia (London, 1907). Tm., The Behistan Insscription of King Darius (Vanderbilt Univ.

۹. نوعی سنگ مرمر زمخت، سنگ آذرین، تیره‌ای که اجزاء متشکله آن بصورت ظاهر قابل رویت و تعیین نیست.

Studies I, Nashville, 1908). Wb. and WBang, Die Altpersischen Keilinschriften in Umschrift und Übersetzung, fasc. 1 pp. 4-5, 12-33 (Leipzig 1893), fasc. 2 pp.x-xvi (Leipzig 1908). Tm., Ancient Persian Lexicon and Texts 2-36 (Nashville 1908). A. Hoffmann-Kutschke, Die altp. Keilinschriften d. Grosskönigs Dārajawausch d. Ersten am Berge Bagistān, bei Behistun (Stuttgart, Kohlhammer 1908 and 1909). Wb. Die Keilinschriften der Achämeniden xi-xiv, 8-79 (Leipzig 1911). FMEPereira, Iscrição de Dario o Grande, Rei da Persia, no Rochedo de Bisutun (Coimbra 1913). Shapurji Kavasji Hodivala, Cuneiform Inscriptions transcribed into Sanskrit and Avestan: Behistan Inscriptions, in JCOI 19.58-158 (1931). FWKönig, Relief und Inschrift des Königs Darcios I am Felsen von Bagistan (Leiden 1938). Sen, OPI 2-88 (1941). GGCameron, Life May 23 1949 pp. 149-52, NGM Dec. 1950 pp. 825-44, JCS 5.47-54 (1951); Kent JCS 5.55-7(1951), JAOS 72.9-20 (1952).

→ در مورد ستون ۵: WHinz, ZDMG 93.364-75 (1939); Wb. ZfA 46.52-82 (1940); WHinz, ZDMG 96.331-43 (1942); Kent, JNES 2.105-14 (1943), 3.233-4 (1944); WEilers. JNES 7.106-10 (1948).

→ در مورد تحریر آرامی: ESachau, Aramäische Papyrus und Ostraka aus einer jüdischen Militär-Kolonie zu Elephantine, 187-205 and Plates 52 and 64-6 (Leipzig 1911); ECowley, Aramaic Papyri of the Fifth Century B.C., pages 248-71 (Oxford 1923).

DPa = داریوش / پرسپولیس A: سه زبانه، هر زبان شش سطر، چندین بار روی چهار چوب‌های اطاق داخلی کاخ، بالای تصاویر داریوش و ملازمانش آمده است.

Tm. Lex. 35-6 (1908); Wb. KIA xvi, 80-1 (1911); Sen, OPI 89 (1941).

DPb=داریوش / پرسپولیس B: سه زبانه در یک سطر روی لباس داریوش؛ در حال حاضر در بخش مدال‌ها و نشان‌های کتابخانه ملی پاریس قرار دارد.
Tm. Lex. 35-6 (1908); Wb. KIA xvi, 80-1; Sen. OPI 89 (1941);
Bv. JA 239.261-73.

DPc=داریوش / پرسپولیس C: سه زبانه، تنها یک سطر، ۱۸ بار روی قرنیز پنجره همان اطاق کاخ داریوش تکرار شده است.
Tm. Lex. 35-6 (1908); Wb. KIA xvi, 80-1 (1911); Hz. ApI 22-3 No. 9 ; Sen, OPI 89-90 (1941).

DPd=داریوش / پرسپولیس D: تنها به فارسی باستان، ۲۴ سطر، روی دیوار حایل جنوبی کاخ.
Tm. Lex. 36-8 (1908); Wb. KIA xvi, 80-3 (1911); Sen, OPI 90-2 (1941).

DPe=داریوش / پرسپولیس E: تنها به فارسی باستان، ۲۴ سطر، روی دیوار حایل جنوبی کاخ.
Tm. Lex. 37-8 (1908); Wb. KIA xvi, 82-3(1911); Sen, OPI 92-5 (1941).

DPf,g=داریوش / پرسپولیس G,F: عیلامی و اکدی، هریک بترتیب ۲۴ سطر، بدون متن فارسی باستان.
Wb. KIA xvi, 82-7 (1911).

DPh=داریوش / پرسپولیس H: سه زبانه، روی دو لوحه طلا و دو لوحه نقره؛ در حال حاضر در تهران است. فارسی باستان ۱۰ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۸ سطر؛ همانند کتیبه DH.
New York Times, Feb.9, 1936, 2d news section, page 8;
Univ. of Chicago Mag. 28.4.23-5, Feb. 1936; Hz. ApI 18-9

No. 6 and Plate 6 (1938).

DPi=داریوش/پرسپولیس I: سنه زبانه، هر زبان یک سطر، روی دستگیره دری از سنگ لاجورد مصنوعی.

Hz. ApI 23 No. 10 and Plate 7 (1938); EFSchmidt, The Treasury of Persepolis 62-3 (1939); Sen, OPI 252 (1941).

DN=داریوش/نقش رستم: در چند مایلی شمال پرسپولیس، در تیغه جنوبی پشته شیب داری که بنام «حسین کوه» یا «کوه حسین» معروف است، چهار کاو عظیم وجود دارد که بصورت صلیب یونانی بریده شده و بعنوان مدخل های ورودی آرامگاه هایی مورد استفاده قرار می گیرند که در صخره پشت آنها واقعند. از سوی شرق، کاو دوم آرامگاه داریوش یکم است که کتیبه هایی را در بر می گیرد. این کاو بطور کامل ۷۳ پا ارتفاع دارد؛ تیر عرضی آن ۲۰ پا ارتفاع داشته و پهنای آن ۳۶ پا می باشد؛ این کاو بوسیله ستون هایی به پنج پهنه تقسیم شده و از این روی نمای یک قصر پارسی را جلوه گر می سازد. پهنه مرکزی، آستانه ورود به آرامگاه پشت را در بر می گیرد. بخش بالاتر صلیب بوسیله تخت سلطنتی که از سوی ۳۰ نفر در دو خط، حمل می شود، اشغال شده است؛ داریوش در حالیکه به سمت راست، بسوی یک مهرباب روی کرده، روی یک پایه سه پله ایستاده است، در آنسوی مهرباب نیز تصویر اهورامزدا^(۳)، در فضا شناور می باشد. در منتهاالیه سمت چپ پهنه تصاویر، سه تن از ملا زمان داریوش که بصورت عمودی یکی روی دیگر آرایش یافته اند، قرار دارند، بطوریکه پایین ترین نفر، با پایین ترین خط حمل کنندگان تخت سلطنتی در یک امتداد است.

کتیبه نقش رستم **a**، در پشت تصویر داریوش؛ نخست به فارسی باستان در ۶۰ سطر، سپس ستون دوم به عیلامی در ۴۸ سطر، و سرانجام تحریر اکدی، برون از کاو روی صخره مجاور، در ۳۶ سطر تحریر شده است. کتیبه **b** در مرکز تیر عرضی، در دو طرف در قرار دارد: تحریر فارسی باستان در سمت چپ پهنه، در ۶۰ سطر؛ عیلامی در ۴۳ سطر، در سمت راست پهنه، همراه با یک تحریر آرامی در ۲۵ سطر در بخش انتهایی؛ در پهنه آخر به سمت راست، تحریر اکدی

در ۳۹ سطر با فضایی خالی باندازه یک سطر میان سطرهای ۳۱ و ۳۲، قرار دارد. کتیبه c، سه زبانه، با ۲ سطر برای هر زبان، به نیزه‌دار داریوش، بالاترین تصویر از سه تصویر عمودی رویهم، پشت سر شاه، در حاشیه چپ، متصل است: d، سه زبانه، متن فارسی باستان ۲ سطر از ۵ سطر متن را پر کرده، و به کماندار داریوش که زیر نیزه‌دار او ایستاده، متصل است. کتیبه‌های I تا xxx سه زبانه و متصل به حمل‌کنندگان تخت سلطنت هستند اما همه آنها قابل خواندن نیستند.

Tm. Lex. 43-8 (1908); Wb. Grab, in AbkSGW 29.1.1-54 and 8 Plates (1911); Wb. KIA xvii-xx, 86-99 (1911); Tm. The Grave of King Darius at Naksh-i-Rustam, in Madrassa Jubilee Volume 168-72 (1914); Hz. ZDMG 80.244 (1926; on Aramaic version), AMI 38 (1931), ApI 4.13 No. 4 and Plates 3-5 (1938; some fragments of a second copy of DNb found at Persepolis, on Plate 5); Kent, Lg. 15.160-77 (1939); Sen, OPI 96-107, 240-51 (1941); Kent, JNES 4.39-52, 232-3 (1945); Bv. TPS 1945.39-50 (1946); GGCameron, Persepolis Treasury Tablets 29 (1948; on Aramaic version); Hinz, Orientalia [Rome] 1950 No. 4 (shortly to appear).

DSa=داریوش/شوش A: تنها به فارسی باستان، روی دولوحه گلین شکسته، در ۵ سطر؛ ازین کتیبه یک نسخه موجود است و در موزه لوور پاریس قرار دارد.

Tm. Lex. 47-8 (1908); Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.52 No.11 (1929); Bv. BSLP 30.163-4 (1930); Kent, JAOS 51.217-8 (1931), 58.326 (1938); Brd. WZKM 39.19-21 (1932); Sen, OPI 116, 131 m (1941); Hinz, ZDMG 95.222-5 (1941).

DSb=داریوش/شوش B: دولوحه گلین، یکی کامل و دیگری بشدت آسیب دیده، همراه با یک کتیبه به فارسی باستان در ۱۱ سطر. یک لوحه در موزه لوور پاریس قرار دارد.

Tm. Lex. 47-8 (1908); Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.48-9 No.8 (1929); Kent, JAOS 51.216 (1931); Brd. WZKM 39.22-3 (1932); Sen, OPI 117, 127 e, 129 j (1941); Hinz, ZDMG 95.225-6 (1941); Kent, JAOS 67.31, 152 (1947).

DSc=داریوش/شوش c: سه زبانه، هر تحریر در یک سطر، روی پایه یک ستون؛ از آن دو نسخه وجود دارد که یکی از آن‌ها در موزه لوورپاریس قرار گرفته است.
Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.35-6 No.2 (1929); Kent, JAOS 51.212 (1931); Brd. WZKM 39.23-4 (1932); Sen, OPI 127 d (1941); Hinz, ZDMG 95.226 (1941).

DSd=داریوش/شوش d: بخش‌هایی از ۲ نسخه فارسی باستان و ۲ نسخه عیلامی، روی ستون‌ها.
Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.38-9 No.4 (1929); Kent, JAOS 51.213 (1931); Brd. WZKM 39.24-5 (1932); Sen, OPI 127 f (1941); Hinz, ZDMG 95.226-7 (1941).

DSe=داریوش/شوش E: درباره اعاده نظم در امپراتوری؛ ۱۰ قطعه فارسی باستان با نسخه‌های متعدد؛ ۳ قطعه عیلامی؛ یک نسخه تقریباً کامل و دو نسخه ناقص اکدی، همه روی الواح. متن ما برپایه یک نسخه فارسی باستان با ۵۲ سطر ترتیب یافته است.

CBezold, ZfA 25.393-4 (1911); Wb. AbkSGW 29.1.36-8 (1911), KIA xx,xxix, 99-101, 130 inc. b (1911); Scheil 21.61-4 No. 15 (1929); Kent, JAOS 51.221-2 (1931); Brd. WZKM 39.25-7 (1932); Scheil 24.116-25 (1933); Kent, JAOS 54.40-50 (1934); Wb. ZDMG 91.80-6 (1937), ZfA 44.150-69 (1938); Kent, JAOS (58.112-21), 324 (1938); Hz. API 19-21 No.7 (1938); Sen, OPI 132-4 q (1941); Hinz, ZDMG 95.227-33 (1941).

DSf=داریوش/شوش F: روی بنای کاخ؛ سه زیانه، با قطعاتی در نسخه‌هایی چند روی لوحه‌های گلین و مرمرین، و نیز روی کاشی‌های لعابدار کتیبه سالن بزرگ متن ما برپایه بهترین نسخه محفوظ، لوحه گلین پخته شکسته، با ۵۸ سطر ترتیب یافته است: ۲۷ سطر روی نمای پیشین، ۳ سطر روی لبه پایین، ۲۷ سطر روی طرف مقابل، و ۱ سطر روی لبه بالایی.

Scheil 21.3-34 No. 1 and 53-6 No. 12 (1929); König, *Burgbau*, in *MVAG* 35.1.1-76 and 16 plates (1930); RBleichsteiner, *WZKM* 37.93-104 (1930); Hz. *AMI* 3.29-124 (1931); Wb. *AfOF* 7.39-44 (1931); Kent, *JAOS* 51.193-212, 218-20 (1931); Brd. *WZKM* 39.28-39 (1932); Schaefer, *Arch. Anz.*, *Beibl. z. Jb. d. DAI* 47.269-74 (1932); Kent, *JAOS* 53.1-23 (1933); Scheil 24.105-15 (1933); Kent, *JAOS* 54.34-40 (1934); Hz. *ApI* 13-7 No.5 (1938); Sen, *OPI* 118-27, 132 n2 (1941); VIAbayev, *Iranske Yazyki* 1.127-33 (Izd. Ak. Nauk, *Iranica* vol.3; Moscow-Leningrad, 1945); Hinz, *JNES* 9.17 (1950) **A**

DSg=داریوش/شوش G: بخش‌هایی از ۲ نسخه فارسی باستان و ۳ نسخه اکدی روی ستون‌ها؛ هر نسخه در ۳ سطر.

Scheil 21.40-1 No.5 (1929); Kent, *JAOS* 51.213-4 (1931); Brd. *WZKM* 39.39-40 (1932); Sen, *OPI* 127-8 g (1941); Hinz, *ZDMG* 95.236-8 (1941).

DSh=داریوش/شوش H: یک قطعه ۲ سطری.

Scheil 21.41 *infra*;

این کتیبه از سوی کنت، همانند D^2Sa شناخته شده است، نگاه کنید به مورد مذکور.

DSi=داریوش/شوش I: دو زیانه، فارسی باستان در ۴ سطر، عیلامی در ۶ سطر، روی یک ستون.

Scheil 21.42-3 No.6 (1929); Kent, JAOS 51.214 (1931); Brd.
WZKM 39.43-4 (1932); Sen, OPI 128 h (1941); Hinz,
ZDMG 95.238-9 (1941).

DSj=داریوش/شوش J: سه زیانه، فارسی باستان در ۶ سطر، عیلامی و اکدی هر یک
در ۵ سطر، روی یک ستون.

Scheil 21.44-7 No.7 (1929); Kent, JAOS 51.214-6 (1931);
Wb. AfOF 7.45 (1931); Brd. WZKM 39.44-52 (1932); Hz.
ApI 21-2 No.8 (1938); Sen, OPI 128-9 i (1941); Hinz,
ZDMG 95.239-42 (1941), ZDMG 102.375-7 (1952).

DSk=داریوش/شوش K: تنها به فارسی باستان، در ۵ سطر، منقش روی آجر گلین
پخته.

Scheil 21.50 No.9 (1929); Kent, JAOS 51.216-7 (1931); Brd.
WZKM 39.53 (1932); Sen, OPI 130 (1941); Hinz, ZDMG
95.242 (1941).

DSI=داریوش/شوش L: تنها به فارسی باستان در ۵ سطر، منقش روی آجر گلین پخته.
Scheil 21.50 No.10 (1929); Bv. BSLP 30.1.64-5 (1930); Kent,
JAOS 51.217 (1931); Brd. WZKM 39.54-5 (1932); Sen, OPI
130-1 (1941); Hinz, ZDMG 95.242-3 (1941).

DSm=داریوش/شوش M: سه زیانه، روی آجرهای لعابدار که در یکی از سالن‌ها
تشکیل یک کتیبه را می‌دهند؛ تنها یک سطر روی آجر، و دیگر قطعات از نظر
کمی بسیار محدود.

Scheil 21.53-6 No. 12 (1929); Brd. WZKM 39.55-8 (1932);
Sen, OPI 131 n 1 (1941).

DSn=داریوش/شوش N: سه زیانه، قطعات کوچک یک کتیبه روی لباس یک

مجمسه؛ فارسی باستان در ۲ سطر.

Scheil 21.57-8 No. 13 and Plate 13 (1929); Kent, JAOS 51.220-1 (1931); Brd. WZKM 39.58-9 (1932); Sen, OPI 132 o (1941); Hinz, ZDMG 95.243-4 m (1941).

DSO=داریوش/شوش O: دو زیانه، روی یک لوحه مرمرین؛ فارسی باستان در ۴ سطر، اکدی در ۵ سطر.

Scheil 21.59-60 No.14 (1929); Kent, JAOS 51.221 (1931); Brd. WZKM 39.59-60 (1932); Sen, OPI 132p (1941); Hinz, ZDMG 95.255-7 D²Sd (1941).

DSp=داریوش/شوش P: قطعه فارسی باستان در ۳ سطر، روی یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.65 No. 16A (1929); Kent, JAOS 51.222-3 (1931); Brd. WZKM 39.61-2 (1932); Sen, OPI 135 ra (1941); Hinz, ZDMG 95.244n (1941).

DSQ=داریوش/شوش Q: دو قطعه فارسی باستان در ۲ سطر، روی یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.65 No. 16 B (1929); Kent, JAOS 51.223 (1923); Brd. WZKM 39.63 (1932); Sen, OPI 135 rb (1941); Hinz, ZDMG 95.245 o (1941).

DSr=داریوش/شوش R: تنها به فارسی باستان در ۴ سطر، روی یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.66 No. 16C;

این کتیبه از سوی Wb. ZDMG 91.643-8، بعنوان بخشی از نسخه A²Sd شناخته شده است، نگاه کنید به مورد مذکور.

DSs=داریوش/شوش S: تنها به فارسی باستان، در ۷ سطر، روی لوحه مرمرین.

Scheil 21.66 No. 16 D (1929); Kent, JAOS 51.223-4 (1931); Brd. WZKM 39.65-6 (1932); Sen, OPI 135-6 rd (1941);

Hinz, ZDMG 95.245-8 p (1941).

DS^t=داریوش/شوش T: تنها به فارسی باستان، در ۱۰ سطر، که ۲ سطر آن بکلی از میان رفته است؛ روی دو سمت یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.67 No. 16 E (1929); Kent, JAOS 51.224 (1931);
Brd. WZKM 39.66-8 (1932); Sen, OPI 136 re (1941); Hinz,
ZDMG 95.248-9 q (1941).

DS^{u, v, w, x}=داریوش/شوش U, V, W, X: به عیلامی (u و x) یا به اکدی (v و w).
Scheil 21.68-76 Nos. 17-21 (1929); Brd. WZKM 39.68-74
(1932).

اما **DS^x** (Scheil Nos 20-1) در واقع بحثی است از دو نسخه عیلامی **DS^e**؛
Wb. ZDMG 91.80-6 (1937); Kent, JAOS 58.112, 118-21 (1938).

DS^y=داریوش/شوش Y: روی پایه یک ستون؛ سه زبانه، فارسی باستان در ۳ سطر.
نسخه چاپ شده در اینجا، به لطف رئیس موزه باستانشناسی تهران، آندره
گذار، از طریق کپی برداری، فراهم آمده است. نسخه‌ای ناقص (فارسی باستان
واکدی) توسط شیل بدرستی بازسازی شده است.

Scheil 21.37 No.3 (1929), cf. Kent, JAOS 51.213 (1931);
این کتیبه به اشتباه از سوی Brd.WZKM 39.12 (1932) با کتیبه **DS^b** یکی
دانسته شده است.

Kent, JAOS 67.30-2 (1947).

DZ^{a, b, c}=داریوش/سوئز A, B, C: روی یک ستون گرانیتی، نه چندان دور از سنگ
نشاندهنده ۳۳ کیلومتر فاصله از سوئز، اندکی به سمت غرب کانال جدید. کتیبه
a عبارتست از نام داریوش در یک قاب؛ در دو نسخه. کتیبه b سه زبانه است:
فارسی باستان در ۶ سطر، عیلامی در ۴ سطر، اکدی در ۳ سطر. کتیبه c در
بردارنده شرح گشایش کانال از دریای سرخ به نیل توسط داریوش است:
فارسی باستان ۱۲ سطر، وزیر آن عیلامی که ۷ سطر از بخشی از آن حفظ شده

است، در حالیکه متن اکدی آن که احتمالاً زیر تحریر عیلامی بوده، بکلی از میان رفته است. در طرف دیگر ستون، کتیبه‌ای بلندتر به هیروگلیف مصری قرارداد که احتمالاً شرح کامل گشایش کانال در آن آمده است.

Tm. Lex 49-52 (1908); Wb. KIA xxi-xxii, 102-5 (1911); Sen, OPI 108-11 (1941); Kent, JNES 1.415-21 (1942).

Scheil, BIFAO → در مورد قطعه‌ای کوچک از یک نسخه مضاعف 30.292-7 (1930); Brd. WZKM 39.76 (1932); Sen, OPI 111 (1941).

DE=داریوش/الوند: سه زبانه، هر تحریر در ۲۰ سطر در کاوی بریده شده در تیغه کوه الوند، که در سمت جنوب غربی همدان قرار گرفته و یک ساعت سواره با آن فاصله دارد؛ احتمالاً این کاو در زمان داریوش بریده نشده است، اما مقارن با XE بنابر فرامین خشایارشا انجام گرفته است. مقایسه شود با:

HHSchaeder, SbPAW 1931.644, and AVWJackson, Persia Past and Present 172 (1906). Tm. Lex.51-3 (1908); Wb. KIA xx, 100-3 (1911); Sen, OPI 113 (1941).

DH=داریوش/همدان: سه زبانه در دو نسخه روی لوحه زرین و سیمین؛ در حال حاضر در تهران است. فارسی باستان ۸ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۸ سطر. این دو نسخه در سطر بندی اندکی متفاوت هستند؛ متن ما از لوحه زرین تبعیت می‌کند. این متن در DPh نیز تکرار شده است.

JMUnwalla, Jame Jamshed, Sept. 30, 1926; Hz. DLZ 47.2105-8 (Oct. 16, 1926); SSmith, JRAS 1926.433-6; CDBuck, Lg. 3.1-5 (1927); LHGray JRAS 1927.97-101: JMUnwalla, JCOI 10.1-3 (1927); Wb. ZfA 37.291-4 (1927); ESchwentner, ZII 6.171-3 (1928); Hz. Memoirs of the Archaeological Survey of India No. 34, 7+iii pp. (1928); LDBarnett, JRAS 1930.452; Kent, JAOS 51.229-31 (1931); Brd. WZKM 39.74-6 (1932); Hz. ApI 18-9 No. 6 and Plate 6 (1938); Sen, OPI 114-5 (1941).

XPa=خشایارشا/پرسپولیس A: سه زبانه، هر تحریر در ۲۰ سطر، در ۴ نسخه که با نشانه‌های ad, ac, ab, aa مشخص شده و تنها اندکی در سطر بندی با هم اختلاف دارند و روی دیوارهای داخلی درگاه کنده شده‌اند. متن ما از aa تبعیت می‌کند.

Tm. Lex. 38-40 (1908); Wb. KIA xxiii, 106-9 (1911); Sen, OPI 138-40 (1941).

XPb=خشایارشا/پرسپولیس B: تنها به فارسی باستان در ۳۰ سطر، روی جهت شمالی تالار صد ستون خشایارشا؛ نیز سه زبانه روی جهت شرقی همان جا، فارسی باستان ۳۰ سطر، عیلامی ۱۸ سطر، اکدی ۱۹ سطر.

Tm. Lex. 30-40 (1908); Wb. KIA xxiii-xxiv, 108-11 (1911); Hz. ApI 24-6 No. 13 and Plate 9 (1938); Sen, OPI 140-1 (1941).

XPc=خشایارشا/پرسپولیس C: سه زبانه، در سه نسخه، نسخه ca روی ستون عمودی غربی رواق کاخ داریوش، فارسی باستان ۱۵ سطر، عیلامی ۱۴ سطر، اکدی ۱۳ سطر؛ نسخه cb روی دیوار مرزی جنوبی صدفه که کاخ روی آن قرار گرفته است، هر تحریر ۲۵ سطر؛ نسخه cc روی ستون ویران شده شرقی رواق، تعداد سطرها برابر با نسخه ca، اما تقسیم بندی‌های سطرهای اندکی متفاوت است.

Tm. Lex. 40-2 (1908); Wb. KIA xxiv, 110-3 (1911); Sen, OPI 141-2 (1941); E.F. Schmidt. اطلاعات در مورد نسخه cc به لطف

XPd=خشایارشا/پرسپولیس D: سه زبانه، در چهار نسخه؛ دو نسخه همانند با نشانه da روی ستون‌های گوشه شمال شرقی و شمال غربی سالن کاخ خشایارشا، فارسی باستان ۱۹ سطر، عیلامی ۱۲ سطر، اکدی ۱۱ سطر؛ دو نسخه همانند دیگر با نشانه db روی دیواره‌های کنار پله‌ها در شرق و غرب صدفه جلویی، فارسی باستان ۲۸ سطر (با کمی اختلاف در سطر بندی)، عیلامی ۲۳ سطر، اکدی ۲۲ سطر.

Tm. Lex. 41-2 (1908); Wb. KIA xxiv xxv, 112-5 (1911); Sen,

OPI 142-3 (1941).

XPe=خشایارشا/پرسپولیس E: سه زیانه، در دو نسخه (نگاه کنید به پایین)، هر تحریر ۴ سطر، با اندکی اختلاف در سطر بندی‌ها در فارسی باستان؛ نسخه ea روی دیرک در شمالی، بالای پیکره حجاری شده شاه؛ eb رو دیرک در شرقی، آن نیز بالای پیکره شاه. همچنین نسخه‌های متعدد دیگری از این کتیبه در داخل و خارج درها و پنجره‌ها که معمولاً در یک سطر یا دو سطر، تنظیم شده است (بنابر اطلاعات کامرون).

Tm. Lex. 41-2 (1908); Wb. KIA xxv, 114-5 (1911); Sen, OPI 143 (1941)

XPf=خشایارشا/پرسپولیس F: کتیبه جلوس خشایارشا، دو زیانه، فارسی باستان ۴۸ سطر، اکدی ۳۸ سطر؛ یک لوحه از سنگ آهکی، بظاهر شبیه لوحه گلین، یافته شده در زیر دیوار در گوشه جنوب شرقی کاخ جنوب شرقی، در حال حاضر بنظر می‌رسد که باید به حرمرای داریوش و خشایارشا متعلق باشد.

HZ. AMI 4.117-32 (1932), Oriental Inst. Series, Stud. in Ancient Or. Civilization No.5 (Chicago, 1932); Bv. BSLP 33.2. 144-56 (1932); Wb. ZfA 41.318-21 (1933); Kent, Lg.9.35-46 (1933); Schaefer, SbPAW 1935.496-506; JCTavadia, JCOI 27.137-8 (1935); HZ. AMI 8.35-46 (1937), ApI 35-8 No. 15 and Plates 13-4 (1938); Sen, OPI 143-6 (1941).

XPg=خشایارشا/پرسپولیس G: یک لوحه تزئینی روی کاشی‌های لعابدار رنگی، بمنظور جای دادن در روی دیوار کاخ، و یافته شده در حالت قطعه قطعه؛ دو نسخه از فارسی باستان در ۱۴ سطر، شماری از قطعات با تحریر اکدی و بسیار کمتر از آن به عیلامی.

III. London News, April 8, 1933 (colored illustration on page 488); Bv. BSLP 34.1.32-4 (1933); Kent, Lg.9.229-31 (1933); HZ. ApI 38-41 No. 16 and Plate 15 (1938); Sen, OPI 147 (1941).

XPh=خشایارشا/پرسپولیس H: کتیبه دیو daiva: سه زبانه، روی لوحه‌های سنگی، یافته شده در ساختمان واقع در گوشه جنوب شرقی صفه؛ فارسی باستان در ۲ نسخه، یک نسخه کامل در ۶۰ سطر، و نسخه دوم در میانه سطر ۵۱ قطع شده است؛ یک نسخه عیلامی در ۵۰ سطر، یک نسخه اکدی در ۵۰ سطر.

New York Times, Feb.9, 1936; Univ. of Chicago Mag. 28.4.23-5 (Feb. 1936); EFSchmidt, Ill. London News, Feb. 22, 1936, page 328, Kent, JAOS 56.212-5 (1936) AfOF 11.91 (1936); Hz AMI 8.56-77 (1936); RHRel. 113.21-41 (Jan-Feb. 1936); HHartmann, OLZ 40.145-60 (1937); Kent, Lg. 13.292-305 (1937); Hz. ApI 27-35 No. 14 and Plates 10-3 (1938); Wb.Symbolae Koschaker 186-93 (1938)؛ (در مورد تحریر عیلامی)؛ ILévy, Revue historique 185.105-22 (1939); EFSchmidt, The Treasury of Persepolis 12-5 (1939); Sen, OPI 148-56 (1941); VIAbayev, Iranskie Yazyki 1.134-40 (Izd. Ak. Nauk, Iranica vol. 3; Moscow-Leningrad, 1945).

XPi=خشایارشا/پرسپولیس I: روی دستگیره در (یا چیزی شبیه آن) از سنگ لاجورد مصنوعی، متعلق به بنای حرمرسا؛ فارسی باستان و عیلامی، هریک در ۱ سطر
Hz. ApI 23-4 No.11 and Plate 7 (1938); Sen, OPI 254 (1941).

XPj=خشایارشا/پرسپولیس J: سه زبانه، هر تحریر در یک سطر بلند، روی پایه حداقل پنج ستون؛ یافته شده در قطعات کوچک. کامرون کشف قطعات دیگری را از آنچه که هر تسفلد ثبت کرده است، گزارش می‌کند.
Hz. ApI 41-2 No.17 (1938); Sen, OPI 254 (1941).

XPk=خشایارشا/پرسپولیس K: فارسی باستان و عیلامی، هریک در یک سطر، روی لباس پیکره شاه در بخش شرقی دروازه میانه کاخ «تچر».
Hz. ApI 42 No. 18 (1938); Sen, OPI 255 (1941).

XSa=خشایارشا/شوش A: سه زیانه، هر تحریر در ۲ سطر، در پایه یک ستون؛ در حال حاضر موجود در موزه لوور پاریس.

Tm. Lex.1 (1908); Wb. KIA xxv, 114-5 (1911).

Scheil 21.81 No. 23 (1929); Kent, JAOS 51.225 (1931); Brd WZKM 39.79 (1932); Sen, OPI 160 a,b (1941).

XSb=خشایارشا/شوش B: اکدی، روی پایه ستون.

Scheil 21.82-3 (1929); Brd. WZKM 39.79-80 (1932).

XSc=خشایارشا/شوش C: تنها به فارسی باستان، در ۵ سطر، روی یک لوحه مرمرین ناقص.

Scheil 21.86 No.26 (1929); Kent, JAOS 51.226 (1931); Brd. WZKM 30.80-1 (1932); Sen, OPI 160 c (1941).

XE=خشایارشا/الوند: در سمت راست کتیبه داریوش؛ سه زیانه، هر تحریر در ۲۰ سطر.

Tm. Lex. 52-4 (1908); Wb. KIA xxv, 116-7 (1911); Sen, OPI 157 (1941).

XV=خشایارشا/وان: سه زیانه، هر تحریر در ۲۷ سطر، در یک کاو بزرگ مستطیل، روی دیوار بلند و صخره‌ای کاخ.

Tm. Lex. 53-4 (1908); Wb. KIA xxv-xxvi, 116-9 (1911); Sen, OPI 158-9 (1941).

XH=خشایارشا/همدان: تنها به فارسی باستان، در یک سطر، روی پاره‌ای از یک سبوی سیمین.

HZ. AMI 2.115-6 (1930); Brd. WZKM 39.83 (1932); HZ. ApI 43 No. 19 (1938); Sen, OPI 161 (1941).

A^1Pa = اردشیر اول / پرسپولیس A: فارسی باستان واکدی. متن فارسی باستان قطعه کوچکی است در ۱۱ سطر با یک حاشیه چپ، که روی یک تخته سنگ مرمرین در حیاط مقابل ضلع جنوبی کاخ یافت شده است؛

H. ApI 44-5 No. 21 (1938); Sen, OPI 256 (1941).

متن واکدی قطعه‌ای است در ۱۴ سطر با حاشیه چپ

Wb. KIA xxvi, 121 (1908); H. ApI 43-4 No. 20 and Plate 15 (1938).

هر دو متن با هم ترکیب شده و متن فارسی باستان توسط کنت در JNES 4.228-32 (1945) مورد بازسازی قرار گرفته است. نیز مقایسه شود با

Cameron, Persepolis Treasury Tablets 16-7 (1948).

متن کامل فارسی باستان دارای ۲۴ سطر، و متن کامل واکدی دارای ۱۸ سطر بوده است. کتیبه دوم واکدی، مربوط به همان موضوعات آسیب ندیده است.

H. ApI 45-6 No. 22 and Plate 16 (1938).

A^1I = اردشیر اول / مکان نامعلوم: تنها به فارسی باستان، در یک سطر، کتیبه‌ای همانند روی چهار ظرف سیمین.

H. AMI 7.1-8 and 4 Plates (1935); Schaefer, SbPAW 1935.480-96; H. AMI 8.6-17, 46-51 (1937); Bv. JAs. 228.233-4 (1936); Kent, JAOS 56.215 (1936), 58.327 (1938); H. ApI 46 No. 23 (1938); Sen, OPI 178 (1941).

D^2Sa = داریوش دوم / شوش A: تنها به فارسی باستان، در ۳ سطر روی پایه یک ستون؛ قطعاتی از یک کتیبه واکدی با محتوایی متفاوت روی همین ستون قرار دارد.

Scheil 21.82-3 No. 24 (1929); Kent, JAOS 51.227-8 (1931); Brd. WZKM 39.83-5 (1932); Sen, OPI 162 b (1941); Hinz, ZDMG 95.249-51 (1941).

کتیبه ناقص دیگری که از سوی برندنشتاین «Dar. Susa h» نام گرفته، بصورت مستقل بوسیله شیل منتشر شده است.

Scheil 21.41 infra (1929), Kent JAOS 51.226-7 (1931), Brd.

WZKM 39.40-2 (1932), Sen OPI 162a (1941),

اما در حال حاضر توسط کنت در JNES 1.421-3 (1942) بعنوان بخش دیگری از همین کتیبه شناخته شده؛ و از سوی هیئت تحت عنوان D²Sc مشخص گردیده است.

Hinz, ZDMG 95.253-5 (1941).

D²Sb=داریوش دوم/شوش B: دو زبان، فارسی باستان در ۴ سطر، اکدی در ۵ یا ۶ سطر، دو نسخه از هر یک روی پایه یک ستون.

Scheil 21.84-5 No. 25 (1926); Kent, JAOS 51.225 (1931);

Brd. WZKM 39.85-8 (1932); Sen, OPI 163 (1941); Hinz, ZDMG 95.251-2 (1941).

A

A²Sa=اردشیر دوم/شوش A: سه زبان، هر تحریر در ۵ سطر، روی پایه ۴ ستون.

Tm. Lex. 47-50 (1908); Wb. KIA xxvii, 122-5 (1911); Scheil

21.94-5 No. 29 (1929),

ارائه دو قطعه دیگر از نسخه اکدی در ۷ سطر؛

Brd. WZKM 39.88-9 (1932); Sen, OPI 160-7 (1941).

A²Sb=اردشیر دوم/شوش B: سه زبان، هر تحریر در یک سطر، روی پایه یک ستون؛ در حال حاضر موجود در موزه لوورپاریس.

Lex. 49-50 (1908); Wb. KIA xxvii, 124-5 (1911); Sen, OPI

167 (1941).

A²Sc=اردشیر دوم/شوش C: تنها به فارسی باستان، در ۷ سطر، روی یک لوحه سنگی، در حال حاضر موجود در موزه لوورپاریس.

Tm. Lex. 49-50 (1908); Wb. KIA xxvii, 124-5 (1911); Sen,

OPI 167 (1941).

A²Sd=اردشیر دوم/شوش D: سه زبان، هر تحریر در ۴ سطر، روی پایه یک ستون؛

همچنین قطعات بیش از دو نسخه فارسی باستان، قطعات بیش از دو نسخه اکدی و نیز قطعات بیش از یک نسخه عیلامی، بعداً انتشار یافته است.

Scheil 21.91-3 No. 28 (1929); Kent, JAOS 51.228-9 (1931); Brd WZKM 39.89-92 (1932); Schcil 24.126-8 (1933); Kent, JAOS 54.50-2 (1934); Sen, OPI 168 (1941). Wb. ZDMG 91.643-51 (1937) recognized the identity of his Frag. inc. a (KIA xxix, 130 [1911]; Mordtmann. ZDMG 14.555-6 [1860]; Sen, OPI 175 c [1941] with Scheil's No. 16 C (21.66; Kent, JAOS 51.223 [1931]; Brd. WZKM 39.63-4 [1932]; Sen, OPI 175 b [1941], and that this belonged to A²Sd.

نسخه da همان است که توسط scheil 21.91-3 و نسخه db و dc همان هایی هستند که بوسیله scheil 24.128 انتشار یافته، و نسخه dd قطعه است که از سوی Wb. شناسایی شده است. نسخه ما دارای سطر بندی نسخه da است.

A²Ha= اردشیر دوم/همدان A: سه زبانه، فارسی باستان در ۷ سطر، عیلامی و اکدی هریک در ۵ سطر، روی بخشی از پایه یک ستون، تحت مالکیت خصوصی، در انگلستان گزارش شده است.

Tm.Lex. 54-5 (1908); Wb. KIA xxviii, 126-7 (1911); Sen, OPI 164-5 (1941).

A²Hb= اردشیر دوم/همدان B: تنها به فارسی باستان، در یک سطر بلند روی پایه یک ستون.

H. Altorient. Stud. B.Meissner gewidmet = Mitteil. d. Altorient. Geos. 4.85-6 (1928); Kent, JAOS 54.231-2 (1931); Brd. WZKM 39.92-4 (1932); H. ApI 50 No.25 (1938); Sen, OPI 165 (1941).

A²Hc= اردشیر دوم/همدان C: تنها به فارسی باستان در ۲۰ سطر روی یک لوحه طلا،

حدود 13×13 سانتیمتر، یافته شده در همدان؛ نگاه کنید به: پ ۱۸، یادداشت ۲ (۱۰).

AUPope, The Illustrated London News, July 17 1948, pp. 58-9. On exhibition at the Musée Cernuschi (Paris), in the summer of 1948, where it was No. 53 of the Catalogue Illustré (no date).

A?P= اردشیر دوم یا سوم / پرسپولیس : سه زبانه، متعلق به حاملان تخت در آرامگاه جنوبی.

Davis, JRAS 1932.373-7 and Plates 2-3; Hz. ApI 46-50 No. 24 (1938); Sen, OPI 172-3 (1941).

A³Pa,b,c,d= اردشیر سوم / پرسپولیس A,B,C,D : تنها به فارسی باستان، ۴ نسخه با متنی همانند ولی متفاوت در سطر بندی؛ کتیبه a,c,d روی دیوار شمالی صفه کاخ اردشیر، در اصل هر یک در ۲۶ سطر؛ کتیبه b در ۳۵ سطر، کنار پلکان، در سمت جنوب کاخ داریوش.

Tm. Lex. 42-4 (1908); Wb. KIA xxix, 128-9 (1911); Photographs of Casts of Persian Sculptures of the Achaemenid Period, mostly from Persepolis, London, British Museum, 1932 (Plate 6 shows this inscription very legibly); Sen, OPI 170-1 (1941).

بخشی از کتیبه c که هنگامی که «اشتولز» تصاویر خود را می‌گرفت مفقود شده بود، توسط گروه اعزامی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۳۹ بدست آمد (برپایه اطلاعات کامرون). متن‌ها دارای سطر بندی نسخه a است.

Wa= داریوش / سنگ وزنه A: سه زبانه، فارسی باستان ۸ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۵ سطر، روی یک هرم فرسوده از دیوریت^(۱۱) سبز تیره، با ۵/۱ سانتیمتر

۱۰. در ترجمه: پ ۱۸. یادداشت ۱۰.

۱۱. سنگ آذرین کریستالی متخلخل.

ارتفاع، ۴/۴ سانتیمتر درازا و ۴/۱ سانتیمتر پهنا؛ با وزن ۱۶۶/۷۲۴ گرم. در حال حاضر موجود در بریتیش میوزیوم لندن.

Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. KIA xxii, 104-5 (1911); Sen, OPI 137 (1941).

Wb=داریوش/سنگ وزنه B: سه زبانه، فارسی باستان ۹ سطر، عیلامی ۶ سطر، اکدی ۴ سطر، روی یک هرم فرسوده از دیوریت سبز تیره (ارتفاع ۱۰/۵ سانتیمتر، قاعده ۱۰/۹×۱۰/۷ سانتیمتر)، با ۲۲۲۲/۴۲۵ گرم وزن؛ یافته شده در یک مسافرت یک روزه به آرامگاهی در کرمان، و از این روی به «داریوش/اکرمان» شهرت دارد؛ در حال حاضر موجود در موزه آسیایی لنینگراد.

Jn. JAOS 27.193-4 and 3 plates (1906), reprinted in Persia Past and Present 184 and 3 plates (1906); Tm. Lex. 51-2 (1908); Scheil, Rec. de Trav. 31.137 (1909); Wb. Bull. de l'Acad. Imp. des Sci. de St. Pet. 1910.481 ff; Wb. KIA xxii-xxiii, lxxiv-lxxv, 104-5 (1911); Sen, OPI 112 (1941).

Wc=داریوش/سنگ وزنه C: سه زبانه، فارسی باستان ۱۰ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۴ سطر، روی یک هرم فرسوده از دیوریت سبز مایل به خاکستری با وزن ۹/۹۵۰ کیلوگرم (وزن اصلی کمی بیشتر بوده، زیرا تکه‌هایی از قاعده آن کنده شده است)، یافته شده در بخش جنوبی گنجینه پرسپولیس.

H. ApI 24 No. 12 and Plate 8 (1938), Schmidt, Treasury of Persepolis 62-3 including plate (1939); Sen, OPI 253 (1941).

Wd=داریوش/سنگ وزنه D: فارسی باستان ۱۰ سطر، عیلامی ۶ سطر (مورد اخیر گردِ نمای راست ادامه می‌یابد)، اکدی ۵ سطر (روی نمای راست؛ با آسیب دیدگی)، روی یک هرم فرسوده از دیوریت سبز مایل به خاکستری با وزن ۴/۹۳۵ کیلوگرم (وزن اصلی کمی بیشتر بوده زیرا آسیب‌هایی به آن وارد شده است)؛ یافته شده در سال ۱۹۳۶ در گنجینه پرسپولیس. در این جا با اجازه ویژه از سوی «ای، اف، اشمیت» انتشار یافته است.

SDa=داریوش/مهر A: سه زیانه، هر تحریر در یک سطر، روی یک استوانه کریستال، در حال حاضر موجود در بریتیش میوزیوم.

Tm. Lex. 55-6 (1908); Wb. KIA xxiii, 106-7 (1911);
HFrankfort, Cylinder Seals Pl. xxxvii d (1939); Sen, OPI 137
(1941).

SDB, SXa, SXb, SXc=داریوش/مهر B: سه زیانه، هر تحریر در یک سطر؛
خشایارشا/مهر A,B,C: تنها به فارسی باستان در دو سطر (سطر دوم C
ناخوانا)؛ از هر یک نسخه‌های متعدد موجود است. نشان مهرها (نه خود مهرها)
روی لوحه‌ها، از سوی گروه اعز می دانشگاه شیکاگو، در گنجینه پرسپولیس
یافته شده است.

EFSchmidt, The Treasury of Persepolis 39 (1939);
GGCameron, Persepolis Treasury Tablets 55-8 (1948).

Sa=مهر A: در ۷ سطر، اکنون در بریتیش میوزیوم.
Tm. Lex. 55-6 (1908); Wb. xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI 174
(1941).

Sb=مهر B: فارسی باستان در ۳ سطر، سطر دوم ناخوانا؛ موجود بریتیش میوزیوم.
Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. KIA xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI
174 (1941).

Sc,Sd=مهر C و مهر D: تنها به فارسی باستان، روی سنگ‌های قیمتی بیضی شکل، با
تصویر سران ساسانی، نشانه‌های نوشتاری در جلو و پشت سران قرار گرفته
است؛ محل کنونی این مهرها نامشخص است.

Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI 174
(1941).

Se=مهر E: تنها به فارسی باستان؛ در ۳ سطر؛ موجود در Musée des Armures

«موزه نشان‌ها» ی بروکسل.

Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. KIA xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI 174 (1941).

Sf=مهر F: تنها به فارسی باستان، در ۴ سطر، که سطر چهارم و تمام سطر سوم بجز بخش‌هایی از دو نشانه آغازین از میان رفته است؛ در یک قاب، روی یک مهر غلطان مصری.

H.H. von der Osten, *Ancient Oriental Seals in the Collection of Mr. Edward T. Newhall* no.453, pages 66 and 166, and plate 31 (Univ. of Chicago, Oriental Institute Publ., vol. 22; 1934); A. Goetze, *Berytus* 8.100 (1944).

XVs=خشایارشا/گلدان‌ها: از رُخام، حامل نام شاه به فارسی باستان، عیلامی، اکدی و هیروگلیف مصری. گلدان a موجود در بخش مدال‌های کتابخانه ملی پاریس؛ گلدان b از هالیکارناسوس، موجود در بریتیش میوزیوم؛ گلدان c در موزه دانشگاه فیلادلفیا؛ بعضی از قطعات یافته شده بوسیله «لوفتوس» در شوش، در بریتیش میوزیوم و قطعات دیگر یافته شده توسط «دیولافوا» در سال ۱۸۵۴-۵ در شوش، و نیز تعدادی دیگر که بوسیله گروه «دومورگان» یافته شده، در موزه لوور موجود است.

Tm. Lex. 56-8 (1908); Wb. KIA xxvi, 118-9 (1911); Sen, OPI 161 (1941).

AVs=اردشیر/گلدان‌ها: در چهار زبان، همانند موارد مربوط به خشایارشا، که بیشتر به پسر خشایارشا نسبت داده شده‌اند تا اردشیر آخر. گلدان a از سنگ سماق، موجود در گنجینه سن مارک در ونیز؛ گلدان b در موزه دانشگاه فیلادلفیا؛ گلدان c در موزه امپریال برلین؛ برخی از قطعات نیز توسط گروه «دومورگان»، در شوش یافته شده است.

Tm. Lex. 56-8 (1908); Wb. KIA xxvii, 120-1 (1911); Sen, OPI 169 (1941).

گلدان d در سال ۱۹۱۰ در «الپو»^(۱۲) Aleppo بوسیله «نوئل جیرون
Noël Giron» به دست آمد، وی آنرا در (1921) 5-18.143 Rev. d'Ass.
منتشر ساخت.

کتیبه‌های جعلی

spur.a = کتیبه جعلی a: از Tarku. Wb. Gdr. IP 2.62 §25 (1895)

Spur.b,c,d,e = کتیبه جعلی b,c,d,e: چهار لوحه گلین پخته، که توسط «چانتِر
Chantre» در نزدیکی «قیصریه» بدست آمده و تنها به فارسی باستان است.
لوحه b,c,d در قسمت رو، شامل نسخه‌های کم و بیش بد نوشته‌ای از DPa و در
قسمت پشت در بردارنده نسخه‌هایی از XPe است. لوحه e نیز در قسمت رو
دارای ۳ سطر از همان موارد و سپس آمیزه‌ای از علایم نوشتاری فارسی باستان
و علایمی همانند ولی بی معنا در سمت رو و تمام سمت پشت می‌باشد. در حال
حاضر لوحه‌ها در موزه آسیایی پاریس (Musée Guimet) موجود است.
Ménant, Comptes-Rendus de l'Ac.d. Inscr., 4th series, 23.126-41
(1895); Wb. Gdr. IP 2.62 §25 (1895).

Spur.f = کتیبه جعلی f: تنها به فارسی باستان، روی کاشی لعابدار، تحریر شده در هر
دو طرف، خریداری شده توسط «سایس» sayce در «سَقَرَه»^(۱۳) saqqara.
Sayce, AfOF 8.225 (1933); Wb. ZDMG 91.87 (1937); Kent,
JAOS 56.215-6 (1936), 58.327-9 (1938); Sen, OPI 179
(1941).

Spur.g = کتیبه جعلی g: تنها به فارسی باستان، در ۱۴ سطر منقطع بوسیله نقوش
برجسته توخالی، روی لوحه مکعبی قرمز، موجود در یک موزه کوچک

۱۲. شهری باستانی در سوریه

۱۳. گورستانی کهن در ممفیس با آثار باستانی متعلق به سلسله‌های نخستین (هزاره سوم پیش از میلاد).

شخصی در فیلادلفیا.

Dyen, JAOS 56.91-3 (1936); Eilers, ZDMG 91.407-20 (1937);
Kent, JAOS 58.327 (1938); Sen, OPI 180 (1941).

Spur.h = کتیبه جعلی h: یک نگاشته غیر جدی به فارسی باستان بوسیله «ویسباخ»
ZDMG 91.644؛ در اینجا تنها به این دلیل که به اشتباه بعنوان یک متن
فارسی باستان اصیل از سوی «سن Sen» شناخته شده بود، فهرست شده است
(قطعه a او، در صفحه ۱۷۵).

متن‌ها همراه با یادداشت‌ها و ترجمه

AmH= اریارمنه/همدان

1. Ariyāramna: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθ
2. iya: xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: Pārsā
3. Cišpaiš: xšāyaθiyahyā: puça: Haxāmanišah
4. yā: napā: θātiy: Ariyāramna: xšāyaθiya
5. iyam: dahyāuš: Pārsā: tya: adam: dārayā
6. miy: hya: uvaspā: umartiyā: manā: бага
7. važraka: Auramazdā: frābara: vašnā: Au
8. ramazdāha: adam: xšāyaθiya: iyam: da
9. hyāuš: amiy: θātiy: Ariyāramna
10. xšāyaθiya: Auramazdā: manā: upastā
11. m: baratuv

ترجمه AmH:

بند ۱-۴. اریارمنه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، پسر شاه چیش پیش، نوۀ هخامنش.

بند ۲-۹. شاه اریارمنه گوید: این سرزمین پارس که من دارم، که دارنده اسبان خوب و مردان خوب است، (آن را) اهورامزدا خدای بزرگ به من ارزانی داشت. به خواست اهورامزدا، من در این سرزمین شاه هستم.

بند ۳-۱۱. شاه اریارمنه گوید: باشد که اهورامزدا مرا یاری برساند.

ارشام/همدان = AsH

1. Aršāma: xšāyaθiya: vazraka: x
2. šāyaθiya: xšāyaθiyānām: x
3. šāyaθiya: Pārsa: Ariyāramna: xš
4. āyaθiyahyā: puça: Haxāmanišiya
5. θātiy: Aršāma: xšāyaθiya: Au
6. ramazdā: бага: vazraka: hya: maθiš
7. ta: bagānām: mām: xšāvaθiya
8. m: akunauš: hauv: dahyāum: P
9. ārsam: manā: frābara: tya: ukāram
10. uvaspam: vašnā: Auramazdāha: im
11. ām: dahyāum: dārayāmiy: mām:
12. Auramazdā: pātuv: utāmai: v
13. iθam: utā: imām: dahyāum: tya:
14. adam: dārayāmiy: hauv: pātuv

ترجمه AsH:

بند ۱. ۴-۱. ارشام، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه (در) پارس، پسر شاه اریارمنه هخامنشی
 بند ۲. ۱۴-۵. شاه ارشام گوید: اهورامزدا خدای بزرگ، بزرگترین خدایان، مرا شاه کرد. او
 سرزمین پارس دارنده مردم خوب (و) دارنده اسبان خوب را به من ارزانی
 داشت. به خواست اهورامزدا این سرزمین را دارم. مرا اهورامزدا بپاید. و (نیز)
 خاندان مرا و این سرزمین را که من دارم، او بپاید.

کوروش/مرغاب (پارسارگاد) = CMa

1. adam: Kūruš: xšāya
2. θiya: Haxāmanišiya

ترجمه CMa:

من کوروش شاه هخامنشی هستم.

کوروش / مرغاب CMb = B

1. Kūruš: xšāyaθiya: vazraka: Kabūjiya
2. hyā: xšāyaθiyahyā: puça: Haxāmanišiya
3. θātiy: yaθā...
4. akutā...

یادداشتی بر CMb: تحریرهای دیگر نشان می‌دهند که کتیبه به تصاویر حجاری شده همراه با نیایش به درگاه اهورامزدا برای پشتیبانی، در آستانه در، اشاره دارد؛ اما بازسازی بیش از این، غیر ممکن می‌باشد. تمام قطعات مشخص و ارائه شده در لوحه هرتسفلد به یک کتیبه تعلق ندارند؛ یک چنین کتیبه‌ای بروشنی در بردارنده واژه $[yā][iθi]$ «در کاخ»، است.

ترجمه CMb: کوروش شاه بزرگ، پسر کمبوجیه شاه هخامنشی. (او) گوید:
هنگامیکه... ساخت...

کوروش / مرغاب CMc = C

Kūruš: xšāyaθiya: vazraka: Haxāmanišiya

ترجمه CMc

کوروش شاه بزرگ هخامنشی

داریوش / بهستان DB =

متن DB ستون I:

- 1: adam: Dārayavauš: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya: xšāyaθiy
- 2 ānām: xšāyaθiya: Pārsaiy: xšāyaθiya: dahyūnām: Višt
- 3 āspahyā: puça: Aršāmahyā: napā: Haxāmanišiya: θātiy:
- 4 Dārayavauš: xšāvaθiya: manā: pitā: Vištāspa: Vištāspahyā:
pitā: Arš
- 5 āma: Aršāmahyā: pitā: Ariyāramna: Ariyāramahyā: pitā:

Cišpiš: Čišp

6 āiš: pitā: Haxāmaniš : θātiy : Dārayavauš: xšāyaθiya: avahyarā

7 diy: vayam: Haxāmanišiyā: θahyāmahy: hacā: paruviyata:
āmātā: ama

8 hy: hacā: paruviyata: hyā: amāxam: taumā: xšāyaθiyā: āha : θ

9 ātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: VIII: manā: taumāyā: tyaiy:
paruvam

10:xšāyaθiyā: āha: adam: navama: IX: duvitāparanam: vayam:
xšāyaθi

11 yā: amahy :θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: vašnā: Auramazd

12 āha: adam: xšāyaθiya: amiy: Auramazdā: xšačam: manā:
frābara : θ

13 ātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: imā: dahyāva: tyā: manā:
patiyāiša: vašn

14 ā: Auramazdāha: adamšām: xšāyaθiya: āham: Pārsa: Ūvja:
Bābiruš: A

15 θurā: Arabāya: Mudrāya: tyaiy: drayahyā: Sparda: Yauna:
Māda: Armina: Kat

16 patuka: Parθava: Zraka: Haraiva: Uvārazmiy: Bāxtriš:
Suguda: Gadāra: Sa

17 ka: θataguš: Harauvatiš: Maka : fraharavam: dahyāva:
XXIII : θātiy: Dāra

18 yavauš: xšāyaθiya: imā: dahyāva: tyā: manā: patiyāiša: vašnā:
Au

19 ramazdāha: manā: badakā: āhatā: manā: bājim: abaratā:
tyašām: hacāma

20 :aθahya: xšapavā: raucapativā: ava: akunavayatā : θātiy:
Dārayava

21 uš: xšāyaθiya : atar : imā : dahyāva: martiya: hya: āgariya:

āha: avam : u

22 bartam: abaram : hya : arika : āha: avam: ufrastam:
aparsam : vašnā: Auramazdā

23 ha: imā: dahyāva: tyanā: manā: dātā: apariyāya: yaθāšām:
hacāma: aθah

24 ya: avaθā: akunavayatā : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya:
Auramazdā

25 maiy: ima: xšačam: frābara: Auramazdāmaiy: upastām:
abara: yātā: ima: xšačam:

26 hamadārayaiy: vašnā: Auramazdāha: ima: xšačam:
dārayāmiy : θā

27 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya : ima: tya:manā: kartam: pasāva:
yaθā: xš

28 āyaθiya: abavam: Kabūjiya: nāma: Kūrauš: puça: amāxam:
taumāy

29 ā: hauvam: idā: xšāyaθiya: āha: avahyā: Kabūjiyahyā: brā

30 tā: Bardiya: nāma: āha: hamātā: hamapitā: kabūjiyahyā:
pasāva: ka

31 būjiya: avam: Bardiyam: avāja: yaθā: Kabūjiya: Bardiyam:
avāja: kārāhy

32 ā: naiy: azdā: abava: tya: Bardiya: avajata: pasāva: Kabūjiya:
Mudrāyam

33 :ašiyava: yaθā: Kabūjiya: Mudrāyam: ašiyava: pasāva: kāra:
arika: abava

34 :pasāva :drauga: dahyauvā :vasiy :abava :utā :Pārsaiy :utā:
Mādaiy :ut

35 ā: aniyāuvā: dahyušuvā : θātiy: Dāravavauš: xšāyaθiya: pa

36 sāva: I martiya: maguš: āha: Gaumāta: nāma: hauv:
udapatatā: hacā: Paiši

- 37 yāuvādāyā: Arakadriš: nāma: kaufa: hacā: avadaša:
Viyaxnahya: māh
- 38 yā: XIV: raucabiš: θakatā: āha: yadiy: udapatatā: hauv:
kārahyā: avaθā
- 39 :adurujiya: adam: Bardiya: amiy: hya: Kūrauš: puça:
Kabūjiyahyā: br
- 40 ātā: pasāva: kāra: haruva: hamiçiya: abava: hacā: Kabūjiyā:
abiy: avam:
- 41 ašiyava: utā: Pārsa: utā: Māda: utā: aniyā: dahyāva: xšaçam:
hauv
- 42 :agarbāyatā: Garmapadahya: māhyā: IX: raucabiš: θakatā:
āha: avaθā: xša
- 43 çam: agarbāyatā: pasāva: Kabūjiya: uvāmaršiyuš: amariyatā
:θātiy
- 44 :Dārayavauš: xšāyaθiya: aita: xšaçam: tya: Gaumāta: hya:
maguš: adīn
- 45 ā: Kabūjiyam: aita: xšaçam: hacā: paruviyata: amāxam:
taumāyā: ā
- 46 ha: pasāva: Gaumāta: hya: maguš: adīnā: Kabūjiyam: utā:
Pārsam: utā
- 47 :Mādam: utā: aniyā: dahyāva: hauv: āyasatā: uvāipašiyam:
akutā: hau
- 48 v: xšāyaθiya: abava : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: naiy: āha:
martiya:
- 49 naiy: Pārsa: naiy: Māda: naiy: amāxam: taumāyā: kašciy:
hya: avam: Gau
- 50 mātam: tyam: magum: xšaçam: dītam: caxriyā: kārašim:
hacā : daršam: a
- 51 tarsi: kāram: vasiy: avājaniyā: hya: paranam: Bardiyam:

adānā: avahyar

52 ādiy: kāram: avājaniyā: mātyamām: xšnāsātiy: tyā: adam:
naiy: Bard

53 iya: amiy: hya: Kūrauš: puça: kašciy: naiy: adaršnauš: cišciy:
θastana

54 iy: pariy: Gaumātām: tyam: magum: yātā: adam: arasam:
pasāva: adam: Aura

55 maz(d)ām: patiyāvahyaiy: Auramazdāmai: upastām: abara:
Bāgayādaiš:

56 māhyā: X: raucabiš: θakatā: āha: avaθā: adam: hadā:
kamnaibiš: martiyaibi

57 š: avam: Gaumātām: tyam: magum : avājanam : utā :
tyaišaiy : frathamā: mar

58 tiyā: anušiā: āhatā: Sikayauvatiš: nāmā: didā: Nisāya: nā

59 mā: dahyāuš: Mādaiy: avādašim: avājanam: xšačamšim:
adam: adīnam: va

60 šnā: Auramazdāha: adam: xšāyaθiya: abavam: Auramazdā:
xšačam: manā: fr

61 ābara : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: xšačam: tyā: hacā:
amāxam: ta

62 umāyā: parābartam: āha: ava: adam: patipadam: akunavam:
adamšim: gāθa

63 vā: avāstāyam: yaθā: paruvamciy: avaθā: adam: akunavam:
āyadan

64 ā: tyā: Gaumāta: hya: maguš: viyaka: adam: niyačārayam:
kārahyā: abi

65 cariš: gaiθāmā: māniyamā: vⁱθbišcā: tyādiš: Gaumāta: hya:

66 maguš: adīnā: adam: kāram: gāθavā: avāstāyam: Pārsamā:
Mādamc

67 ā: utā: aniyā: dahyāva: yaθā: paruvamciy: avaθā: adam: tya:
parābarta

68 m: patiyābaram: vašnā: Auramazdāha: ima: adam:
akunavam: adam: hamataxšaiy:

69 yātā: vⁱθam: tyām: amāxam: gāθavā: avāstāyam: yaθā:
paruvmciy:

70 avaθā: adam: hamataxšaiy: vašnā: Auramazdāha: yaθā:
Gaumāta: hya: magu

71 š: vⁱθam: tyām: amāxam: naiy: parābara : θātiy: Dārayavauš:
xšāyaθ

72 iya: ima: tya: adam: akunavam: pasāva: yaθā: xšāyaθiya:
abavam : θātiy

73: Dārayavauš: xšāyaθiya: yaθā: adam: Gaumātam: tyam:
magum: avājanam: pa

74 sāva: I martiya: Āçina: nāma: Upadarmahyā: puça: hauv:
udapatatā: Ūvjai

75 y :kārahyā: avaθā: aθaha: adam: Ūvjaiy: xšāyaθiya: amiy:
pasāva: Ūv

76 jiyā: hamiçiyā: abava: abiy: avam: Āçinam: ašiyava: hauv:
xšāyaθiya

77 :abava: Ūvjaiy: utā: I martiya: Bābiruviya: Naditabaira:
nāma: Ainairahy

78 ā: puça: hauv: udapatatā: Bābiraup: kārām: avaθā:
adurujiya: adam: Nab

79 uk^udracara: amiy: hya: Nabunaitahyā: puça: pasāva: kārā:
hya: Bābiruviya

80 :haruva : abiy: avam: Naditabairam: ašivava: Bābiruš:
hamiçiya: abava: x

81 šaçam: tya: Bābiraup: hauv: agarbāyatā : θātiy: Dārayavauš:

xšāya

82 θiya : pasāva: adam: frāišayam: Ūvjam: hauv: Ācina: basta:
anayatā: abiy: mā

83 m: adamšim: avājanam : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya:
pasāva: adam: Bā

84 birum: ašiyavam: abiy: avam: Naditabairam: hya:
Nabuk^udracara: agaubatā

85 :kāra: hya: Naditabairahyā: Tigrām: adāraya: avadā: aištātā:
utā:

86 abiš: nāviyā: āha: pasāva: adam: kāram: maškāuvā:
avākanam: aniyam: uša

87 bārim: akunavam: aniyahyā: asam: frānayam: Auramaz-
dāmai : upastām

88 :abara: vašnā: Auramazdāha: Tigrām: viyatarayāmā: ayadā:
avam: kāram:

89 tyam: Naditabairahyā: adam: ajanam: vasiy: Āçiyādiyahya:
māhyā: XXVI: rau

90 cabiš: θakatā: āha: avaθā: hamaranam: akumā : θātiy:
Dārayavauš: x

91 šāyaθiya: pasāva: adam: Bābirum: ašiyavam: aθiy: Bābirum:
yaθā: naiy: up

92 āyam: Zāzāna: nāma: vardanam: anuv: Ufrātuvā: avadā:
hauv: Nadita

93 baira: hya: Nabuk^udracara: agaubatā: āiš: hadā: kārā: patiš:
mām: hamaranam:

94 cartanaiy: pasāva: hamaranam: akumā: Auramazdāmai:
upastām: abara: vašnā: Aurama

95 zdāha: kāram: tyam: Naditabairahyā: adam: ajanam: vasiy:
aniya: āpiyā: āhyatā: ā

96 piṣim: parābara: Anāmakahya: māhyā: II: raucabiṣ: θakatā:
āha: avaθā: hamaranam: akumā

یادداشت‌هایی بر DBI:

متن ما از DB متکی است بر پژوهش و ویرایش KT که بوسیله تحقیقات نوین جکسون و کامرون کامل شد. یادداشت‌ها، نشانه‌ها و واژه‌های در افزوده قابل تشخیص از سوی RI و نیز از سوی WB را براساس قرائت WB از آثار بلخس توسط RI در برمی‌گیرد. در متن، قرائت‌های کامرون نشان داده شده است، کسی که پوسته‌های سنگ آهک را که نشانه‌ها را پوشانده بودند برداشت و در نتیجه در تشخیص متون و بسیاری از قطعات که در گذشته غیر قابل قرائت و یا به غلط بازسازی شده بودند، (بویژه موارد زیر: 1.21; 2.33, 74-5, 89-92; 4.6, 43-4, 46, 54, 85, 87-92; 5.2, 19-20, 22-4, 34-5)؛ علاوه تک نشانه‌های الفبایی در جاهای دیگر، موفق گردید. برای این قرائت‌ها، در یادداشت‌های الحاقی به قطعات، اطمینان در خور داده شده است؛ نیز مقایسه شود با: Cam. JCS 5.47-54, Kent JCS 5.55-7, JAOS 72.9-20. نقل قرائت KT بدون توضیح در یادداشت‌ها، این معنی را می‌دهد که قرائت KT متن پیشین را که بر یک قرائت غلط از سوی RI و یا WB استوار بوده است، اصلاح می‌کند. اصلاحات پذیرفته شده‌ای که شکاف‌هایی را پر می‌کنند، به پژوهشگران مربوطه نسبت داده شده‌اند، مگر در جایی که از ویژگی و ماهیت آشکاری برخوردار باشند؛ اما قرائت‌های غلط و اصلاحات متروک، در اغلب موارد حذف شده است. اختلافات کوچک در عادی سازی، آنجا که تمایزات ترجمه‌ای را در بر ندارند، نا دیده گرفته شده‌اند؛ و برای سهولت قیاس، تمام قرائت‌هایی که حرف به حرف داده نشده‌اند، در عادی سازی مورد استفاده این کتاب، ارائه گردیده‌اند.

⁵ Ariyāram-KT, both occurrences; not-rām-, with Rl. ⁷ am^ata, legible here and DBa 11, Cam; not ādātā with Andreas and Hüsing KZ 38.255. ⁹ VIII: manā: taumāyā: cf. Hist. App. I. ¹⁰ duvitāparanam, see Lex. ¹⁴ On list of provinces, see Kent, JNES 2.302-6. ¹⁶ Yauna Bv. Gr. §348; not y^aun^a[a]=Yaun[ā], with KT, cf. Rl.'s Yau[na]. ¹⁶ [Sug]uda KT. ¹⁷ r^ana^ar^av^ama

Rl., KT; instead of the expected $f^a r^a h^a r^a u v^a m^a$. ²¹ $ag^a r^a [++]$ KT, cf. Rl.'s $ag^a t^a$; $ag^a r^a i y^a$ Cam; see Lex.s.v. āgariya-. ²³ $tyanā$: $manā$: $dātā$ of Rl. and KT is correct; not dittography for $tyā$: $manā$, cf. the idiom in XPh 49 and 51-2 ²³ $apariyāya$, from $pari$ -+ ay -; for wrong interpretations, see Lex. ²⁴⁻⁵ $Auramazdā$ $\{m[aiy:] ima$ KT. ²⁶ $ha[ma]dārayai[y]$ KT. ²⁹ $hauvam$ KT. ³² $avajata$ Rl., KT; not to be emended to $avājata$, with Gray, Bthl. ³⁶ On Gaumāta-Bardiya, see Hist. App. II. ³⁷ On the OP calendar, see Hist. App. IV.

⁵¹ $avājaniyā$, cf. Kent, JAOS 62.274. ⁵⁵ $m^a z^a am^a$ KT. with omission of the d^a . ⁵⁵ $patiyāvahyaiy$ Jn., KT. ⁵⁸ $Sika[ya]uvatiš$ KT. ⁶⁴⁻⁵ $ab^a ic^a r^a i s^a$ Rl., WB, Jn., KT. ⁶⁵ $v^i \theta^a b^a i s^a c^a$ Jn., KT, for Rl.'s $v^i \theta^a i b^a i s^a [c^a]a$; cf. Lex. for lit. on various normalizations and interpretations. ⁶⁶ Bv. MSLP 23.182-3 finds an haplography and would read $adinā$: $adam$ [: $patiyābaram$: $adam$]: $kāram$. ⁷⁴ $Upadarmahyā$ Rl., Wb. KIA; $Upadara^n mahyā$ Opp. Mèd., Hüsing, KT, Tm.; $U^n padara^n mahyā$ HK.

⁸⁵ $aištata$ WB, KT; $aištata$ Rl., Tm., Wb. ⁸⁶⁻⁷ $ušabārim$ Jn., KT; $uš[tra]$ $bārim$ Bthl. AiW 421; cf. §79. ⁸⁷ $asam$ Jn., KT. ⁸⁷ $frānayam$ KT. ⁸⁸ $viyatarayāmā$ acc. to KT's cuneiform text; $viyatarayāma$ WB. ⁸⁸ $[a]vadā$: $avam$: $kāram$ KT. ⁹⁰ $akumā$, with final a legible acc. to Rl., WB, Jn.; but not acc. to KT. ⁹¹ $a\theta iy$ Rl., KT. ⁹¹⁻² $[u]pāyam$ KT, recording that part of the p^a is visible; this eliminates Foy's $[abiy]āyam$. ⁹² $Ufratuvā$ KT. ⁹⁵ $[+][h^a][+++][a]$ Rl.; $[a]ha[rat]ā$ Opp. 169, Gray AJP 21.22; $[a]ha^n[jat]ā$ WB; $[a]ha[dat]ā$ Bthl. AF 1.61; $[aharat]ā$ KT; $[a]h[yat]ā$ Kern ZDMG 23.269, Foy KZ 37.554, Bthl. AiW 279, Wb KIA.

RI دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای KT قابل رویت نبوده است:

- ¹ $xšaya\theta iya$ [: $xšaya$] θiy -; ² $dahy[ūnām]$; ⁴ $V^i štāspahyā$; ⁶ $xšaya\theta[iya]$; ¹⁴ $adamšām$; ¹⁷ $Harauvatiš$; ¹⁹ $manā$; ²⁰ $Dārayava$ -; ²² $[vašn]ā$; ²⁴ $ava\theta ā$; ²⁶ $Bardiya$; ³¹ $būji]ya$: $avam$; ³⁴ $pasā$ - va ; ⁶⁵ hya ; ⁶⁹ $par[u]va[m]c[iy]$; ⁸² $Āç[i]na$; ⁸⁴ $agau[batā]$;

⁸⁷Auramazdāmai; ⁹⁰avaθā; ⁹¹Babirum: ya[θā; ⁹³m[ām; ⁹⁴hamaranam;
⁹⁵āpiyā.

WB، از قرائت Wb. از آثار ملخص RI، موارد زیر را نیز با حروف رومی می‌افزاید که نه برای KT. و نه برای RI قابل رویت نبوده است:

³³ašijyava; ⁶⁶Mādamc-; ⁸²abi: mā-

ترجمه DBI:

بند ۱-۱.۳. من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه سرزمین‌ها، پسر ویشتاسپ، نوه ارشام هخامنشی هستم.

بند ۳-۳.۲. داریوش شاه گوید: پدر من ویشتاسب و پدر ویشتاسب ارشام و پدر ارشام اریارمنه، پدر اریارمنه چیش پیش، پدر چیش پیش هخامنش بود.

بند ۶-۳.۶. داریوش شاه گوید: از این روی ما هخامنشی خوانده می‌شویم. از دیرباز اصیل بوده‌ایم. از دیرباز دودمان ما شاهان بوده‌اند^(۱۴).

بند ۸-۱۱.۴. داریوش شاه گوید: ۸ (نفر) از دودمان ما قبلاً شاه بوده‌اند؛ من نهمین (آنها) هستم؛ ما ۹ (نفر) پشت اندر پشت شاه بوده‌ایم.

بند ۱۱-۱۱.۵. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا من شاه هستم، اهورامزدا شهریاری را به من ارزانی داشت.

بند ۱۲-۱۲.۶. داریوش شاه گوید: این‌ها هستند سرزمین‌هایی که از آن من شدند، بخواست اهورامزدا من شاه آن‌ها بودم: پارس، عیلام، بابل، آشور، ارابابه، مصر، (آنان) که کنار دریا هستند، سارد، ایونی، ماد، آرمینیه، کپدوکیه، پارت، زنگ، هرات، خوارزم، باختر، سغد، گندار، سک، تگوش، رُخج، مَک، مجموعاً ۲۳ کشور.

بند ۱۷-۱۷.۷. داریوش شاه گوید: این‌ها سرزمین‌هایی هستند که از آن من شدند؛ بخواست اهورامزدا بندگان من بودند؛ به من باج بردند؛ هر آنچه از من به آنان گفته شد چه در شب، چه در روز، همان کرده شد.

بند ۲۰-۲۴. داریوش شاه گوید: در این سرزمین‌ها، مردی را که وفادار بود، او را خوب پاداش دادم، (آترا) که متجاوز بود، او را سخت کیفر دادم؛ بخواست اهورامزدا این سرزمین‌ها به قانون من احترام گذاشتند؛ هر آنچه از من به آنان گفته شد،

۱۴. دو جمله اخیر را که کنت مستقل شمرده است، می‌توان در قالب یک جمله مرکب به یکدیگر مربوط

دانست، در این صورت: از دیر باز اصیل بوده‌ایم (زیرا) از دیر باز دودمان ما شاهان بوده‌اند.

همان کرده شد.

بند ۲۴-۲۶. داریوش شاه گوید: اهورامزدا این شهریاری را به من ارزانی داشت، اهورامزدا مرا یاری رساند تا این شهریاری را تصرف کردم، بخواست اهورامزدا این شهریاری را نگهدارم.

بند ۲۶-۳۵. داریوش شاه گوید: این است آنچه بوسیله من کرده شد پس از آنکه شاه شدم. کمبوجیه نام، پسر کوروش، از دودمان ما، او در اینجا شاه بود. آن کمبوجیه را برادری بردیا نام بود، هم مادر و هم پدر با کمبوجیه. سپس کمبوجیه آن بردیا را کشت. هنگامیکه کمبوجیه بردیا را کشت، برای مردم معلوم نشد که بردیا کشته شده است. سپس کمبوجیه رهسپار مصر شد هنگامیکه کمبوجیه رهسپار مصر شد، پس آنگاه مردم متجاوز شدند. پس آنگاه دروغ در کشور بسیار شد، هم در پارس، هم در ماد و هم در کشورهای دیگر.

بند ۳۵-۴۳. داریوش شاه گوید: سپس مردی مغ بود، گئوماتا نام؛ از پاسارگاد (؟) برخاست. کوهی (است) آزکدری نام، هنگامیکه از آنجا برخاست از ماه «وی یخن» ۱۴ روز سپری شده بود. او به مردم اینگونه دروغ گفت: «من بردیا پسر کوروش، برادر کمبوجیه هستم». پس آنگاه همه مردم در برابر کمبوجیه نافرمان شدند (و) بسوی او رفتند، هم پارس، هم ماد، هم سایر کشورها. او شهریاری را در ربود؛ از ماه «گرم پد» ۹ روز سپری شده بود، آنگاه او شهریاری را در ربود. پس آنگاه کمبوجیه بدست خود مرد (۱۵).

بند ۴۳-۴۸. داریوش شاه گوید: این شهریاری را که گئوماتای مغ از کمبوجیه ستاند، این شهریاری از دیرگاه به دودمان ما تعلق داشت. پس آنگاه گئوماتای مغ (آنها) از کمبوجیه ستاند، او هم پارس، هم ماد و هم دیگر کشورها را برای خود تصرف کرد، او (آنها را) متعلق بخود ساخت، او شاه شد.

بند ۴۸-۶۱. داریوش شاه گوید: مردی نبود نه پارسی نه مادی نه از دودمان ما، کسی که آن گئوماتای مغ را از شهریاری محروم کند. مردم از او بسیار ترسیدند (با این اندیشه که) مبادا او مردم بسیاری را که از قبل بردیا را شناخته بودند بکشد؛ از این روی مردم را بکشد «که مبادا آنان مرا بشناسند که من بردیا پسر کوروش نیستم». کسی جرأت گفتن چیزی درباره گئوماتای مغ را نداشت تا من سر

رسیدم. پس آنگاه من کمک اهورامزدا را طلب کردم؛ اهورامزدا مرا یاری رساند؛ از ماه «باگ یادی» ۱۰ روز سپری شده بود، آنگاه من با تعدادی از مردان آن گئوماتای مغ و آنان را که برجسته‌ترین مردان پیرو او بودند، کشتم. دژی «سیگ یاوتی» نام، سرزمینی «نیسای» نام در ماد، آنجا او را کشتم. شهریاری را از او گرفتم. بخواست اهورامزدا من شاه شدم، اهورامزدا شهریاری را به من ارزانی داشت.

بند ۷۱.۶۱.۱۴. داریوش شاه گوید: شهریاری را که از دودمان ما ستانده شده بود، من آنرا در جای خود قرار دادم، من آنرا در جای خود استوار کردم. پرستشگاه‌هایی را که گئوماتای مغ ویران کرده بود، من همانند قبل ساختم. من چراگاه‌ها، نیز رمه‌ها، نیز بردگان خانگی، نیز خانه‌هایی را که گئوماتای مغ آن‌ها را ستانده بود، به مردم باز گرداندم. من مردم را در جای خود استوار کردم، هم پارس، هم ماد و هم دیگر کشورها را. من آنچه را که ستانده شده بود همانند قبل باز گرداندم. بخواست اهورامزدا این را کردم: من کوشیدم تا دودمانمان را همانند قبل در جای خود استوار کردم. نیز من کوشیدم، بخواست اهورامزدا تا گئوماتای مغ دودمان ما را برنینداخت.

بند ۷۱.۷۲.۱۵. داریوش شاه گوید: این است آنچه من کردم پس از آنکه شاه شدم. بند ۷۲.۱۶.۸۱. داریوش شاه گوید: هنگامیکه من گئوماتای مغ را کشتم، سپس مردی «آثرین» نام پسر «او پدَرَم»، او در عیلام برخاست. به مردم چنین گفت: «من در عیلام شاه هستم». سپس عیلامیان نافرمان شدند، (و) بسوی آن آثرین رفتند؛ او در عیلام شاه شد. و مردی بابلی «نَدیتِ بَئیر» نام، پسر «ایسی نیر»، او در بابل برخاست؛ مردم را اینگونه فریفت: «من نبوکدرچَر» پسر نبونید هستم»، سپس مردم بابل همه بسوی «نَدیتِ بَئیر» رفتند. بابل نافرمان شد؛ او شهریاری را در بابل در بود.

بند ۸۱.۱۷.۸۳. داریوش شاه گوید: سپس من (پیامی) به عیلام فرستادم. آن آثرین بسته بسوی من فرستاده شد؛ من او را کشتم.

بند ۸۳.۱۸.۹۰. داریوش شاه گوید: پس آنگاه من به بابل رفتم، بسوی آن «نَدیتِ بَئیر» که خود را نبوکدرچَر می خواند. سپاه «نَدیتِ بَئیر» دجله را در اختیار داشت؛ آنجا

ایستادگی کرد، و (دجله) به سبب آبها ناورو بود^(۱۶). پس آنگاه من (برخی از) سپاهم را روی مشک‌ها (ی باد شده) قرار دادم. دیگران را بر شتر سوار کردم، برای دیگران نیز اسب تهیه کردم. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا دجله را گذشتیم. آنجا آن سپاه «ندیت بثیر» را من بسیار نابود کردم؛ از ماه «آثری یادیا» ۲۶ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ کردیم.

بند ۱۹. ۹۶. ۹۰. داریوش شاه گوید: پس از آن من به بابل رفتم. هنگامیکه به بابل نرسیده بودم، شهری «زازان» نام، در کنار فرات، آنجا آن «ندیت بثیر» که خود را «نبوکدرچر» می خواند با سپاهی برای جنگ کردن با من آمد. سپس جنگ کردیم؛ اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا من سپاه «ندیت بثیر» را بسیار نابود کردم. بقیه در آب انداخته شد (و) آب آنرا برد. از ماه «انامک» ۲ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ کردیم.

داریوش / بهستان DB =

متن DB ستون II:

- 1: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: Naditabaira: ha
- 2 dā: kamnaibiš: asabāraibiš: amuθa: Bābirum: ašiya
- 3 va: pasāva: adam: Bābirum: ašiyavam: vašnā: Auramazdāha: utā: Bā
- 4 birum: agarbāyam: utā: avam: Naditabairam: agarbāyam: pasāva: ava
- 5 m: Naditabairm: adam: Bābirauv: avājanam: θātiy: Dārayavauš: x
- 6 šāyaθiya: yātā: adam: Bābirauv: ābam: imā: dahyāva: tyā: hacāma: ha
- 7 mičiyā: abava: Pārsa: Ūvja: Māda: Aθurā: Mudrāya: Parθava: Marguš: θa
- 8 taguš: Saka: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: I martiya: Martiya:nā

۱۶. دجله به سبب افزایش آب، بدون قایق قابل گذر نبود.

9 ma: Cicixrāiš: puça: Kuganakā: nāma: vardanam: Pārsaiy:
avadā: adāraya:

10 hauv: udapatatā: Ūvjaiy: kārahyā: avaθā: aθaha: adam:
Imaniš: amiy: Ū

11 vjaiy: xšāyaθiya: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: adakaiy:
adam: ašna

12 iy: āham: abiy: Ūvjam: pasāva: hacāma: atarsa: Ūvjiyā:
avam: Marti

13 yam: agarbāya: hyašām: maθištā: āha: utāšim: avājana:
θātiy: D

14 ārayavauš: xšāyaθiya: I martiya: Fravartiš: nāma: Māda:
hauv: udapatat

15 ā: Mādaiy: kārahyā: avaθā: aθaha: adam: Xšaθrita: amiy:
Uvaxštrah

16 yā: taumāyā: pasāva: kāra: Māda: hya: vⁱθāpatiy: hauv:
hacāma: hamiçiya: a

17 bava: abiy: avam: Fravartim: ašiyava: hauv: xšāyaθiya:
abava: Mādaiy:

18 θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: kāra: Pārsa: utā: Māda: hya:
upā: mām: ā

19 ha: hauv: kamnam: āha: pasāva: adam: kāram: frāišayam:
Vidarna: nāma: Pārsa: man

20 ā: badaka: avamšām: maθištām: akunavam: avaθāšām:
aθaham: paraitā: avam: k

21 āram: tyam: Mādam: jatā: hya: manā: naiy: gaubataiy:
pasāva: hauv: Vidarna: ha

22 dā: kārā: ašiyava: yaθā: Mādam: parārasa: Māruš: nāma:
vardanam: Mā

23 daiy: avadā: hamaranam: akunauš: haḍā: Mādaibiš: hya:

Māдайšuvā

24 :maθišta: āha: hauv: adakaiy: naiy: avadā: āha:
Auramazdāmai: u

25 pastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā:
avam: kāram: t

26 yam: hamīçiyam: aja: vasiy: Anāmakahya: māhyā: XXVII:
raucabiš: θakat

27 ā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: pasāva: hauv: kāra:
hya: manā: Kapada: nām

28 ā: dahyāuš: Mādaiy: avadā: mām: amānaiya: yātā: adam:
arasam: Māda

29 m: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: Dādaršiš: nāma: Arminiya:
man

30 ā: badaka: avam: adam: frāišayam: Arminam: avaθāšaiy:
aθaham: paraidiy: kā

31 ra: hya: hamīçiya: manā: naiy: gaubataiy: avam: jadiy:
pasāva: Dādarši

32 š: ašiyava: yaθā: Arminam: parārasa: pasāva: hamīçiyā:
hagmatā: parai

33 tā: patiš: Dādaršim: hamaranam: cartanaiy: Zūzahya: nāma:
āvahanam: A

34 rmⁱniyaiy: avadā: hamaranam: akunava: Auramazdāmai:
upastām: a

35 bara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram:
tyam: hamīçiyam:

36 aja: vasiy: Θūravāharahya: māhyā: VIII: raucabiš: θakatā:
āha: avaθ

37 āšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya:
patiy: duv

- 38 itīyam: hamiçiyā: hagmatā: paraitā: patiš: Dādaršim:
hamaranam: carta
- 39 naiy: Tigra: nāmā: didā: Armⁱniyaiy: avadā: hamaranam:
akunava: A
- 40 uramazdāmai: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra:
hya: manā: a
- 41 vam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: vasiy: Ūravāharahya:
māhyā: XVIII
- 42: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam:
θātiy: Dāraya
- 43 vauš: xšāyaθiya: patiy: çitīyam: hamiçiyā: hagmatā: paraitā:
pat
- 44 iš: Dādaršim: hamaranam: cartanaiy: Uyamā: nāmā: didā:
Armⁱniyaiy: a
- 45 vadā: hamaranam: akunava: Auramazdāmai: upastām:
abara: vašnā: Aurama
- 46 zdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam:
aja: vasiy: Ōāigarca
- 47 iš: māhyā: IX: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām:
hamaranam: kartam: pasāva
- 48: Dādaršiš: citā: mām: amānaya: Armⁱniyaiy: yātā: adam:
arasam: Mā
- 49 dam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: Vaumisa: nāma:
Pārsa: manā: ba
- 50 daka: avam: adam: frāišayam: Arminam: avaθāšaiy: aθaham:
paraidiy: kāra:
- 51 hya: hamiçiya: manā: naiy: gaubataiy: avam: jadiy: pasāva:
Vaumisa: a
- 52 šiyava: yaθā: Arminam: parārasa: pasāva: hamiçiyā:

hagmatā: paraitā: pa

53 tiš: Vaumisam: hamaranam: cartanaiy: Izalā: nāmā:
dahyāuš: Aθurāy

54 ā: avadā: hamaranam: akunava: Auramazdāmai: upastām:
abara: vašnā: Au

55 ramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam:
hamiçiyam: aja: vasiy:

56 Anāmakahya: māhyā: XV: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām:
hamaranam:

57 kartam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: patiy: duvitīyam: ham

58 içiyā: hagmatā: paraitā: patiš: Vaumisam: hamaranam:
cartanaiy: Au

59 tiyāra: nāmā: dahyāuš: Arminiyai: avadā: hamaranam:
akunava:

60 Auramazdāmai: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha:
kāra: hya: ma

61 nā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: vasiy:
Θūravāharahya māh

62 yā: jiyamnam: patiy: avaθāšām: hamaranam: kartam:
pasāva: Vaumisa

63 :citā: mām: amānaya: Arminiyāiy: yātā: adam: arasam:
Mādam

64 :θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: adam: nijāyam: hacā:

65 Bābirauš: ašiyavam: Mādam: yaθā: Mādam: parārasam:
Kud^uruš: nāma:

66 vardanam: Mādaiy: avadā: hauv: Fravartiš: hya: Mādaiy:
xšāyaθiya: a

67 gaubatā: āiš: hadā: kārā: patiš: mām: hamaranam: cartanaiy:
pasāva: hamarana

- 68 m: akumā: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā:
Auramazdāha: kāram
- 69 :tyam: Fravartaiš: adam: ajanam: vasiy: Adukanaišahya:
māhyā: XXV: ra
- 70 ucabiš: θakatā: āha: avaθā: hamaranam: akumā: θātiy:
Dārayavauš: x
- 71 šāyaθiya: pasāva: hauv: Fravartiš: hadā: kamnaibiš:
asabāraibiš: amuθa: Ra
- 72 gā: nāmā: dahyāuš: Mādaiy: avaparā: ašiyava: pasāva: adam:
kāram: f
- 73 rāišayam: nipadiy: Fravartiš: āgarblta: anayatā: abiy: mām: ada
- 74 mšaiy: utā: nāham: utā: gaušā: utā: h^azānam: frājanam:
utāša
- 75 iy: I cašan: avajam: duvarayāmaiy: basta: adāriya:
haruvašim: k
- 76 āra: avaina: pasāvašim: Hagmatānaiy: uzmayāpatiy:
akunavam
- 77 :utā: martiyā: tyaišaiy: fratamā: anušiya: āhatā: avaiy: Ha
- 78 gmatānaiy: atar: didām: frāhajam: θātiy: Dārayavauš: xš
- 79 āyaθiya: I martiya: Ciçataxma: nāma: Asagartiya: hauvmaiy:
hamiçiya:
- 80 abava: kārahyā: avaθā: aθaha: adam: xšāyaθiya: amiy:
Asagarta
- 81 iy: Uvaxštrahyā: taumāyā: pasāva: adam: kāram: Pārsam: ut
- 82 ā: Mādam: frāišayam: Taxmaspāda: nāma: Māda: manā:
badaka: avam
- 83 šām: maθištam: akunavam: avaθām: aθaham: paraitā: k
- 84 āram: hamiçiyam: hya: manā: naiy: gaubātaiy: avam: jatā: pas
- 85 āva: Taxmaspāda: hadā: kārā: ašiyava: hamaranam:

akunauš: had

86 ā: Ciçataxmā: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā:
Auramaz

87 dāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja:
utā: C

88 içataxmam: agarbāya: anaya: abiy: mām: pasāvašaiy: adam:
utā: n

89 āham: utā: gaušā: frājanam: utāšaiy: I cašam: avajam:
duvarayā

90 maiy: basta: adāriya: haruvašim: kāra: avaina: pasāvašim:
Arbairāyā:

91 uzmayāpatiy: akunavam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima:
tya: ma

92 nā: kartam: Mādaiy: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: Parθava:
utā: Var

93 kāna: hamiçiyā: abava: hacāma: Fravartaiš: agaubatā:
Vištāspa: manā: pitā: ha

94 uv: Parθavaiy: āha: avam: kāra: avaharda: hamiçiya: abava:
pasāva: Vištāspa:

95 ašiyava: hadā: kārā: hyašaiy: anušiya: āha: Višpauzātiš:
nāma: varda

96 nam: Parθavaiy: avadā: hamaranam: akunauš: hadā:
Parθavaibiš: Auramazdāmaiy

97 :upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: Vištāspa: avam:
kāram: tyam: hamiçiya

98 m: aja: vasiy: Viyaxnahya: māhyā: XXII: raucabiš: θakatā:
āha: avaθāšām: hamaranam: kartam

²asabāraibiš, from established by asabāra DNb 41-5 ²a[muθa] Hüsing, Wb., for a[biy] Rl., ab[iy] KT. ⁷[Mudrāya] Wb., KT, after the Elam. ²⁴avadā: āha legible, acc. to Cameron. ²⁵[ma]nā KT. ²⁶XXVII KT. ²⁸am^aan^aiy^a KT. ³³z^auz^ah^ay^a legible, acc. to Cameron. ³³⁻⁴ar^amⁱn^aiy^aiy^a KT; so also in 39,44. ⁴⁴uy^am^aa legible, acc. to Cameron.

⁵³iz^al^aa legible, acc. to Cameron, eliminating various conjectures. ⁶²jiyamnam, for KT's jiyamanam. ⁶⁹Adukanaiš WB; Aduka[ni]šahya KT. ⁷²avaparā KT. ⁷³nipadiy KT. ⁷³agarbi[ta] Bthl. WZKM 22.65, for KT's agarbi[ta]; immediately followed by anayatā, without intervening utā, acc. to KT. ⁷⁴h^az^aan^am^a legible, acc. to Cameron, eliminating the conjectures. ⁷⁵[I caša]m, after 2.89, q.v. ⁷⁶pasāvašim KT. ⁷⁶For 'impaled' rather than 'crucified', cf. Wb. KIA 36n.

⁸⁴kāram: hamīçiyam KT, without Rl.'s tyam between the words. ⁸⁹I c^aš^am^a legible, acc. to Cameron, settling old disputes; [u]cšam KT, + cašma Jn.ucašma Wb., ucašam Kent Lg. 19.225-6; cašma Bv. TPS 1945.53-4, after Jn. IF 25.182-3(cf. conj.of Spiegel, Altp. Keilinsch. 21n, 218), whence cašam Kent; see Lex. s.v. caša-. ⁹²⁻⁹⁸Except as noted, the supplements are those of WB and KT. ⁹³Rl.records hya as visible before manā pitā; but KT omit without comment. ⁹⁴avahar[+]KT; avahar[ta]Wb. ZDMG 61.726; avahar[ja] Tm. VS 1.22, Lex. 16, corrected to avahar[da] Tm. CS 21. ⁹⁵Vis[pa]uz[ā]tiš KT; Visp[ā]vaušatiš Rl.; Vispauzatiš WB. ⁹⁶akunava WB; a]kunau[š] KT.

RI دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای KT قابل رویت نبوده است:

⁴Naditabai[ram; ⁵θati]y; Dārayavauš; ⁶aham: i[mā; ⁷Aθurā; ⁸xšāya[θiya; ⁹nāma: var[danam; ¹⁰avaθā; ¹¹Dārayavauš :xšāya[θiya; ¹²hacāma; ²⁵hya; ²⁶māhyā: VI: ra[ucabiš (VI is corrected to VIII by Rl. on page 218); ³⁸paraitā: pat[iš; ³⁹Armaniyaiy (Rl. misread the third character); ⁴¹vasiy; ⁴³ham[içiyā; ⁸¹Uvaz[štra]hyā; ⁹¹uzmayāpat]iy.

WB، از قرائت Wb. از آثار ملخص RI، موارد زیر را نیز با حروف رومی می‌افزاید که نه برای KT. و نه برای RI قابل رویت نبوده است:

¹¹xsayaθ[iya]; ¹⁴Frava[rtiš; ⁶³Arminiyai[y; ⁹⁰ava[ina; ⁹²Fravartaiš[:]agaubata; ⁹⁵anušiya; ⁹⁶nam.

ترجمه DB II :

بند ۵-۱۲. داریوش شاه گوید: پس از آنکه «ندیتِ بئیر» با سوارانی کم گریخت، به بابل رفت. سپس من به بابل رفتم. بخواست اهورامزدا هم بابل را تصرف کردم و هم آن «ندیتِ بئیر» را به اسارت گرفتم. سپس من آن «ندیتِ بئیر» را در بابل کشتم. بند ۸-۵.۲۱. داریوش شاه گوید: زمانیکه من در بابل بودم، این‌ها هستند کشورهایی که نسبت به من نافرمان شدند: پارس، عیلام، ماد، آشور، مصر، پارت، مرو، تگوش، سک.

بند ۱۱-۸.۲۲. داریوش شاه گوید: مردی «مرتیا» نام پسر «چی چیخری»، شهری «کوگنک» نام در پارس، آنجا ساکن بود. او در عیلام برخاست. اینگونه به مردم گفت: «من ایمنش هستم، شاه عیلام».

بند ۱۳-۱۱.۲۳. داریوش شاه گوید: آن هنگام من نزدیک عیلام بودم. پس آنگاه عیلامیان از من ترسیدند؛ آن «مرتیا» را که رئیسشان بود دستگیر کردند و او را کشتند. بند ۱۷-۱۳.۲۴. داریوش شاه گوید: مردی «فرورتی» نام مادی، او در ماد برخاست. اینگونه به مردم گفت: «من خشتریت هستم از دودمان هوشتر». پس آنگاه سپاه مادی که در کاخ (بود)، آن نسبت به من نافرمان شد، (و) به سوی آن «فرورتی» رفت. او در ماد شاه شد.

بند ۲۹-۱۸.۲۵. داریوش شاه گوید: سپاه پارسی و مادی که با من بود، آن (نیروی) کم بود. پس آنگاه من سپاهی را روانه کردم. «ویدرن» نام پارسی، بنده من، او را رئیس آنان کردم؛ اینگونه به آنان گفتم: پیش روید، آن سپاه مادی را که خود را از آن من نه می‌خواند، نابود کنید! سپس آن «ویدرن» با سپاه روانه شد. هنگامیکه به ماد فرا رسید، شهری «مارو» نام در ماد، آنجا با مادی‌ها جنگ کرد. او که در میان مادی‌ها رئیس بود، او در آن هنگام آنجا نبود. اهورامزدا مرا یاری رساند. بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد. از ماه «انامک» ۲۷ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت. پس آن

سپاه من، سرزمینی «کمید» نام در ماد، آنجا برایم ماندند تا من به ماد رسیدم. بند ۳۷-۲۹-۲۶. داریوش شاه گوید: دادرشی نام ارمنی، بنده من، من او را به ارمنیه روانه کردم. چنین به او گفتم «پیش رو، سپاه شورشی که خود را از آن من نمی خواند، آن را نابود کن!». پس آنگاه دادرشی رهسپار شد. هنگامیکه به ارمنیه فرا رسید، آنگاه شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با دادرشی فرا رسیدند. دهی «زوزهی» نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد. از ماه «ثورواهر» ۸ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند ۴۲-۳۷-۲۷. داریوش شاه گوید: باز دوباره شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با دادرشی فرا رسیدند. دژی تیگر نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد. از ماه «ثورواهر» ۱۸ روز سپری شده بود. آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند ۴۹-۴۲-۲۸. داریوش شاه گوید: باز سومین بار شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با دادرشی فرا رسیدند. دژی «اویم» نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد؛ از ماه «ثایی گرجی» ۹ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ با آنان در گرفت. پس از آن، دادرشی آنقدر در ارمنیه برایم ماند تا من به ماد رسیدم.

بند ۵۷-۴۹-۲۹. داریوش شاه گوید: سپس «وآومیس» نام پارسی، بنده من، من او را به ارمنیه روانه کردم. چنین به او گفتم: «پیش رو، سپاه شورشی را که خود را از آن من نمی خواند، آن را نابود کن!». سپس «وآومیس» رهسپار شد. هنگامیکه به ارمنیه فرا رسید، آنگاه شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با «وآومیس» فرا رسیدند. ناحیه ای «ایزلا» نام، در آشور، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا، سپاه من، آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد؛ از ماه «انامک» ۱۵ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند ۶۳-۵۷-۳۰. داریوش شاه گوید: باز دوباره شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با «وآومیس» فرا رسیدند. ناحیه ای «اوتی یز» نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد. در آخرین روز ماه «ثورواهر»، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت. سپس «وآومیس» آنقدر در ارمنیه برایم ماند تا من به ماد رسیدم.

بند ۷۰-۶۴.۳۱. داریوش شاه گوید: پس آنگاه من از بابل دور شدم (و) به ماد رفتم. هنگامیکه به ماد فرا رسیدم، شهری «کوندورو» نام در ماد، آنجا آن «فرورتیش» که خود را در ماد شاه می‌خواند، با سپاهی به جنگ کردن با من آمد. سپس جنگ کردیم. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه «فرورتیش» را من بسیار نابود کردم؛ از ماه «ادوکنیش» ۲۵ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ کردیم.

بند ۷۸-۷۰.۳۲. داریوش شاه گوید: سپس آن «فرورتیش» با سواران کمی گریخت؛ ناحیه‌ای «رگا» نام در ماد، بسوی آنجا رهسپار شد. پس از آن من سپاهی را برای تعقیب روانه کردم؛ «فرورتیش» گرفته شده بسوی من آورده شد. من بینی و دو گوش و زبان او را بریدم و یک چشم او را در آوردم؛ او بر در کاخ من بسته نگهداشته شد، همه مردم او را دیدند. سپس او را در هگمتانه به صلابه کشیدم و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند، آنان را در هگمتانه، در دژی (پوست کندم و پوست آنان را انباشته از گاه) آویختم.

بند ۷۸-۹۱.۳۳. داریوش شاه گوید: مردی «چیژن تَخَم» نام آسگرّتی، او نسبت به من نافرمان شد؛ اینگونه به مردم گفت: «من در آسگرّتیا شاه هستم، از دودمان هوخشتر». سپس من سپاه پارسی و مادی را روانه کردم؛ «تَخَمسپاد» نام مادی، بنده من، او را رئیس آنان کردم. اینگونه به آنان گفتم: «پیش روید، سپاه شورشی را که خود را از آن من نمی‌خواند، آن را نابود کنید!» سپس «تخمسپاد» با سپاه رهسپار شد؛ با «چیژن تَخَم» جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را نابود کرد و «چیژن تَخَم» را به اسارت گرفت (و) بسوی من آورد. سپس من هم بینی، هم دو گوش او را بریدم و یک چشم او را در آوردم؛ او بسته بر در کاخ من نگهداشته شد، همه مردم او را دیدند، پس آنگاه او را در آرپل به صلابه کشیدم.

بند ۹۱-۹۲.۳۴. داریوش شاه گوید: این است آنچه بوسیله من در ماد کرده شد.

بند ۹۸-۹۲.۳۵. داریوش شاه گوید: پارت و گرگان نسبت به من نافرمان شدند، خود را (پیروان) فرورتیش خواندند. ویشتاسب پدر من، او در پارت بود؛ مردم او را ترک کردند، نافرمان شدند. پس از آن ویشتاسب با سپاهی که به او وفادار بود رهسپار شد. شهری «ویشپ اوزّتی» نام در پارت، آنجا با پارتیان جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری کرد؛ بخواست اهورامزدا ویشتاسب آن سپاه نافرمان را

بسیار نابود کرد. از ماه «وی یخن» ۲۲ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

DB = داریوش / بهستان

متن DB ستون III:

- 1 : θātiy : Dārayavauš : xšāyaθiya : pasāva : adam : kāra
- 2 m : Pārsam : frāišayam : abiy : Vištāspam : hacā : Ragā
- 3 yā : yaθā : hauv : kāra : parārasa : abiy : Vištāskpam
- 4 : pasāva : Vištāspa : āyasatā : avam : kāram : ašiyava : Patigraba
- 5 nā : nāma : vardanam : Parθavaīy : avadā : hamaranam :
akunauš : hadā :
- 6 hamiçiyaibiš : Auramazdāmai : upastā : abara : vašnā :
Auramaz
- 7 dāha : Vištāspa : avam : kāram : tyam : hamiçiyam : aja : vasiy :
Ga
- 8 rmapadahya : māhyā : I : rauca : θakatam : āha : avaθāšām :
hamaranam : ka
- 9 rtam : θātiy : Dārayavauš : xšāyaθiya : pasāva : dahyāuš : ma
- 10 nā : abava : ima : tya : manā : kartam : Parθavaīy : θātiy :
Dārayavau
- 11 š : xšāyaθiya : Marguš : nāmā : dahyāuš : hauvmai : hamiçiyā :
abava
- 12 : I : martiya : Frāda : nāma : Mārgava : avam : maθištam :
akunavatā : pasā
- 13 va : adam : frāišayam : Dādaršiš : nāma : Pārsa : manā :
badaka : Bāxtriy
- 14 ā : xšaçaṇpāvā : abiy : avam : avaθāšaiy : aθaham : paraidiy : ava
- 15 m : kāram : jadiy : hya : manā : naiy : gaubataiy : pasāva :
Dādaršiš : hadā : k

- 16 ārā: ašiyava: hamaranam: akunauš: hadā: Mārgavaibiš:
Auramazd
- 17 āmaiy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya:
manā: avam: kāram
- 18 :tyam: hamiçiyam: aja: vasiy: Āçiyādiyahya: māhyā: XXIII:
raucabi
- 19 š: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy:
Dārayavu
- 20 š: xšāyaθiya: pasāva: dahvāuš: manā: abava: ima: tya: ma
- 21 na: kartam: Bāxtriyā: θātiy: Dārayavauš: xšāya
- 22 θiya: I martiya: Vahyazdāta: nāma: Tāravā: nāma:
vardanam
- 23 :Yautiyā: nāmā: dahyāuš: Pārsaiy: avadā: adāraya: ha
- 24 uv: duvitīyam: udapatatā: Pārsaiy: kārahyā: avaθā
- 25 :aθaha: adam: Bardiya: amiy: hya: Kūrauš: puça: pasāva
- 26 :kāra: Pārsa: hya: v¹θāpatiy: hacā: Yadāyā: frataram: ha
- 27 uv: hacāma: hamiçiya: abava: abiy: avam: Vahyazdāta
- 28 m: ašiyava: hauv: xšāyaθiya: abava: Pārsaiy: θā
- 29 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: adam: kāram: Pārsa
- 30 m: utā: Mādam: frāišayam: hya: upā: mām: āha: Artavard
- 31 iya: nāma: Pārsa: manā: badaka: avamšām: maθištam: aku
- 32 navam: hya: aniya: kāra: Pārsa: pasā: manā: ašiyava: Mā
- 33 dam: pasāva: Artavardiya: hadā: kārā: ašiyava: Pārsam
- 34 :yaθā: Pārsam: parārasa: Raxā: nāma: vardanam: Pārsaiy: a
- 35 vadā: hauv: Vahyazdāta: hya: Bardiya: agaubatā: āiš:
- 36 hadā: kārā: patiš: Artavardiyam: hamaranam: cartanaiy:
pas
- 37 āva: hamaranam: akunava: Auramazdāmaiy: upastām:
abara: va

38 šnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam:

Vahya

39 zdātahya: aja: vasiy: Θūravāharahya: māhyā: XII:

raucabiš: θaka

40 tā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy:

Dārayavauš: xšāyaθi

41 ya: pasāva: hauv: Vahyazdāta: hadā: kamnaibiš:

asabāraibiš: a

42 muθa: ašiyava: Paišiyāuvādām: hacā: avadaša: kāram:

āyasa

43 tā: hyāparam: āiš: patiš: Artavardiyam: hamaranam:

cartana

44 iy: Parga: nāma: kaufa: avadā: hamaranam: akunava:

Auramazdāma

45 iy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā:

ava

46 m: kāram: tyam: Vahyazdātahya: aja: vasiy:

Garmapadahya: māh

47 yā: V: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam:

kartam: utā: ava

48 m: Vahyazdātam: agarbāya: utā: martiyā: tyaišaiy: fratham

49 ā: anušiya: āhata: agarbāya: θātiy: Dārayavauš: xš

50 āyaθiya: pasāva: adam: avam: Vahyazdātam: utā: martiyā:

51 tyaišaiy: frathamā: anušiya: āhata: Uvādaicaya: nāma: var

52 danam: Pārsaiy: avadašiš: uzmayāpatiy: akunavam: θā

53 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: tya: manā: kartam:

Pārsaiy

54 θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: hauv: Vahyazdāta: hya:

Bardiya

- 55 :agaubatā: hauv: kāram: frāišaya: Harauvatim: Vivāna:
 56 nāma: Pārsa: manā: badaka: Harauvatiyā: xšačapāvā: abiy:
 ava
 57 m: utāšām: I martiyam: maθištam: akunauš: avaθāšām: a
 58 θaha: paraitā: Vivānam: jatā: utā: avam: kāram: hya:
 Dāraya
 59 vahauš: xšāyaθiyahyā: gaubataiy: pasāva: hauv: kāra: ašiya
 60 va: tyam: Vahyazdāta: frāišaya: abiy: Vivānam:
 hamaranam: cartanaiy: K
 61 āpišakāniš: nāmā: didā: avadā: hamaranam: akunava:
 Auramazdāmai
 62 y: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā:
 avam: kāram: tyā
 63 m: hamičiyam: aja: vasiy: Anāmakahya: māhyā: XIII:
 raucabiš: θakatā: āha: a
 64 vaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavauš:
 xšāyaθiya: patiy: h
 65 yāparam: hamičiyā: hagmatā: paraitā: patiš: Vivānam:
 hamaranam: cartana
 66 iy: Gadutava: nāmā: dahyāuš: avadā: hamaranam:
 akunava: Auramazdāma
 67 iy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā:
 avam: kāram: t
 68 yam: hamičiyam: aja: vasiy: Viyaxnahya: māhyā: VII:
 raucabiš: θakatā:
 69 āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavauš:
 xšāyaθiya:
 70 pasāva: hauv: martiya: hya: avahyā: kārahyā: maθišta: āha:
 tyam: Va

- 71 hyazdāta: frāišaya: abiy: Vivānam: hauv: amuθa: hadā:
kamnaib
- 72 iš: asabāraibiš: ašiyava: Aršādā: nāmā: didā: Harauvatiyā: a
- 73 vaparā: atiyāiš: pasāva: Vivāna: hadā: kāra: nipadiy: tyaiy:
ašiya
- 74 va: avadāšim: agarbāya: utā: martiyā: tyaišaiy: frathamā:
anušiyā:
- 75 āhatā: avāja: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva:
dahyāuš: ma
- 76 nā: abava: ima: tya: manā: kartam: Harauvatiyā: θātiy:
Dārayavauš: xšā
- 77 yaθiya: yātā: adam: Pārsaiy: u(t)ā: Mādaiy: āham: patiy:
duvitīyam:
- 78 Bābiruviyā: hamičiyā: abava: hacāma: I martiya: Arxa:
nāma: Armini
- 79 ya: Halditahya: puça: hauv: udapatatā: Bābiraup: Dubāla:
nāmā: dahyā
- 80 uš: hacā: avadaša: hauv: kārahyā: avaθā: adurujīya: adam:
Nabukud
- 81 racara: amiy: hya: Nabunaitahya: puça: pasāva: kāra:
Bābiruviya: hacāma: ha
- 82 mičiya: abava: abiy: avam: Arxam: ašiyava: Bābirum:
hauv: agarbāyat
- 83 ā: hauv: xšāyaθiya: abava: Bābiraup: θātiy: Dārayavauš:
xšāyaθi
- 84 ya: pasāva: adam: kāram: frāišayam: Bābirum: Vidafarnā:
nāma: Pārsa: manā
- 85 :badaka: avamšām: maθištam: akunavam: avaθāšām:
aθaham: paraita: avam: kāram

- 86 :Bābiruvīyam: jatā: hya: manā: naiy: gaubātaiy: pasāva:
Vidafarnā: hadā: kār
- 87 ā: ašiyava: Bābirum: Auramazdāmai: upastām: abara:
vašnā: Auramaz.
- 88 dāha: Vidafarnā: Bābiruvīyā: aja: utā: bastā: anaya:
Varkazanahya: māhyā: XXII: ra
- 89 ucabiš: θakatā: āha: avaθā: avam: Arxam: hya:
Nabukdracara: duruxtam: a
- 90 gaubatā: utā: martiyā: tyaišaiy: frathamā: anušiyā: āhatā:
agarb
- 91 āya: niyaštāyam: hauv: Arxa: utā: martiyā: tyaišaiy:
frathamā: an
- 92 ušiyā: āhatā: Bābirauv: uz(ma) yāpatiy: akariyatā

یادداشت های بر DB III

⁸θakatam KT. ¹¹hamičiyā KT. ¹⁴paraidiy KT. ¹⁶Mārgavaibiš KT.
¹⁸Āçiyādiyahya KT. ²⁶yadāyā Rl., KT, Cameron; not yaudādā nor yutiya with
Foy, nor Maⁿdāyā with Hz, ApI 244-9; but see Lex. s.v. ²yadā-. ²⁶frataram
Cameron, confirmed by the Elamite irpi, this does away with the fratarta of Rl.
and KT. ⁴⁷V KT. ⁴⁹āhata Rl., KT; so also in 51; cf. §36.IVc. ⁵³⁻⁴Rl. lost a line
here by haplography; corrected by KT. ⁵⁵agaubatā is engraved ag^aur^at^aa, KT.
⁶⁶g^ad^uut^av^a Rl., KT, Wb. KIA; perhaps to be read g^ad^uum^av^a, with Justi
ZDMG 51.240, HK, Tm., cf. Elam. gán(!)-du-ma-qa (Wb. KIA 144, Cam. JCS
5.50, Kent JAOS 72.11.). ⁶⁷ar^ar^a KT. ⁷⁰maθ[išta Rl. ⁷¹am[uθa KT.
⁷³nipadiyam...iy Rl.; nipadiy: tyaiy WB; nipadi[y:] t[ya]iy KT. ⁷⁷utā is engraved
ua, KT.

⁸⁰[k]ārahya KT. ⁸¹Nabunaitahya KT; cf. §36.IVb. ⁸⁴v^da^ar^a[n^aa KT,
cf.86 and 88; v^da^ar^aa Rl. ⁸⁴Pā[rsa] KT, cf. 4.83; Māda Rl. ⁸⁶Rl.'s tyam at the
beginning of the line is not there, acc. to KT. ⁸⁶Bābiruvi[ya]m KT.

⁸⁶[ga]ubātaiy KT; gaubātaiy RI. ⁸⁷RI's abiy between ašiyava and Bābirum is not on the Rock, acc. to KT. ⁸⁸v^da[r^a]n^aa KT; v^da[r^a]a RI. ⁸⁸Bābiruvi[y]ā: aja KT; Bābirum: agarbāya RI., WB. ⁸⁸[agarbāya] WBn, HK; [bastā: anaya] or [anaya: abiy: mām]Tm. VS. ⁸⁸r...nahya WB, WBn; Margazānahyā HK; [Ma]r[gaja]nahya Wb. KIA, stating that the first character could be also va, the third k^a or c^a, the fourth c^a or z^a, [Varkazanahya] Kent (all after the Elamite and the traces of OP characters in RI's squeezes). ⁸⁸XXII KT.

⁸⁸⁻⁹²Mostly as restored by WB and KT, with Cam.'s added readings.

⁸⁹[duruxta]m Kent, to fill gap found by Cam. ⁹⁰⁻¹tyaišai[y to niyaš]tāyam Wb., after KT's traces; but no space for Wb.'s pasāva after agarbāya, acc. to Cam. ⁹²[u]z^ay^a ap^at^aiy^a with m^a omitted after z^a, and a blank space after y^a, Cam. ⁹²asariyatā KT; ākariyaⁿtām WB; akariyaⁿtā Bthl., WBn, confirmed by Cam. ⁹²At end of line there is blank space adequate for 5 signs, Cam.

RI دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای KT قابل رویت نبوده است:

⁷²nipadiy; ⁷⁴utā; ⁷⁸Armini-; ⁷⁹dahyā-; ⁸³Dārayavauš: xšāyaθi-; ⁸⁵paraitā: avam; ⁸⁷upastam; ⁸⁷abara; ⁸⁹θakātā.

ترجمه DB III :

بند ۱.۳۶-۹. داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاه پارسی را از رگا بسوی ویشتاسب روانه کردم. هنگامیکه آن سپاه نزد ویشتاسب فرا رسید، سپس ویشتاسب آن سپاه را برای خود گرفت^(۱۷) (و) رهسپار شد. شهری «پتی گرِنا» نام در پارت آنجا با شورشیان جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا ویشتاسب آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد؛ از ماه «گرم پَد» ۱ روز سپری شده بود که جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند ۱.۳۷-۹. داریوش شاه گوید: پس از آن کشور از آن من شد. این است آنچه که بوسیله

۱۷. یعنی: در رأس آن سپاه قرار گرفت.

من در پارت کرده شد.

بند ۱۹-۱۰.۳۸. داریوش شاه گوید: کشوری مرو نام، آن نسبت به من نافرمان شد. مردی «فَرادَ» نام مروی، او را رئیس کردند. پس از آن من دادرشی نام پارسی، بنده من، شهریان بلخ را بسوی او روانه کردم. اینگونه به او گفتم: «پیش رو آن سپاهی را که خود را از آن من نمی‌خواند نابود کن!». پس از آن دادرشی با سپاه رهسپار شد؛ با مرویان جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورش را بسیار نابود کرد؛ از ماه «آثری یادِ» ۲۳ روز سپری شده بود که جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند ۲۱-۱۹.۳۹. داریوش شاه گوید: پس از آن کشور از آن من شد. این است آنچه که بوسیله من در بلخ کرده شد.

بند ۲۸-۲۱.۴۰. داریوش شاه گوید: مردی «وَهیزدات» نام، شهری «تارَوا» نام، در سرزمینی «یأتیا» نام در پارس، آنجا ساکن بود. او دومین بار در پارس برخاست^(۱۸). اینگونه به مردم گفت: «من بردیا پسر کوروش هستم». سپس سپاه پارسی در کاخ که قبلاً از «انسان» (آمده بود)، آن از من نافرمان شد، بسوی آن «وَهیزدات» رفت. او در پارس شاه شد.

بند ۴۰-۲۸.۴۱. داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاه پارسی و مادی را که تحت فرمان من بود روانه کردم. «ارت وردیا» نام پارسی، بنده من، او را رئیسشان کردم. بقیه سپاه پارسی بدنبال من به ماد روانه شد. پس از آن «ارت وردیا» با سپاهش به پارس رهسپار شد. هنگامیکه به پارس فرا رسید، شهری «رخا» نام در پارس، آنجا آن «وَهیزدات» که خود را بردیا می‌خواند، با سپاهش برای جنگ کردن با «ارت وردیا» آمد. پس از آن جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه «وَهیزدات» را بسیار نابود کرد؛ از ماه «ثورَواهر» ۱۲ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند ۴۹-۴۰.۴۲. داریوش شاه گوید: سپس آن «وَهیزدات» با سوارانی کم گریخت؛ رهسپار پاسارگاد شد. از آنجا سپاهی بدست آورد؛ بعد از آن آمد برای جنگ کردن با «ارت وردیا». کوهی «پَرج» نام، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه «وَهیزدات» را بسیار نابود کرد؛ از ماه «گرم

۱۸. یعنی: او دومین کسی است که در پارس برخاست.

بند ۵-۴۹.۴۳. «پد» ۵ روز سپری شده بود آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت، و آن «وهیزدات» را اسیر گرفتند و نیز مردانی را که از برجسته‌ترین پیروان او بودند، گرفتند. داریوش شاه گوید: پس از آن من آن «وهیزدات» و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند، شهری «اوادیی چیا» نام در پارس، آنجا آنها را به صلابه کشیدم.

بند ۵۳-۵۲.۴۴. داریوش شاه گوید: این است آنچه که بوسیله من در پارس کرده شد. بند ۶۴-۵۴.۴۵. داریوش شاه گوید: آن «وهیزدات» که خود را بردیا می‌خواند، او سپاهی را به رنج روانه کرد، علیه ویوان نام پارسی، بنده من، شهربان رنج، و مردی را رئیس آنان کرد. اینگونه به آنها گفت: «پیش روید، ویوان را نابود کنید، و نیز آن سپاهی را که خود را از آن داریوش شاه می‌خواند. سپس آن سپاهی که «وهیزدات» روانه کرده بود، برای جنگ کردن با ویوان رهسپار شد. دژی «کاپیشکانی» نام، آنجا جنگ کردند. هورامزدا مرا یاری رساند، بخواست هورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد؛ از ماه «انامک» ۱۳ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی ایشان در گرفت.

بند ۶۹-۶۴.۴۶. داریوش شاه گوید: پس از آن دوباره شورشیان گردهم آمدند (و) به جنگ کردن با «ویوان» فرا رسیدند. سرزمینی «گندوتو» نام، آنجا جنگ کردند. هورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست هورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد، از ماه «وی یخن» ۷ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند ۷۵-۶۹.۴۷. داریوش شاه گوید: پس از آن، آن مردی که رئیس آن سپاهی بود که «وهیزدات» آن را علیه «ویوان» روانه کرده بود، او با سوارانی کم گریخت (و) رفت. دژی «آرشد» نام، در رنج، از کنار آنجا برفت. پس آنگاه «ویوان» با سپاهش بدنبال آنها رفت؛ آنجا او را اسیر گرفت و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند (آنها را) کشت.

بند ۷۶-۷۵.۴۸. داریوش شاه گوید: سپس کشور از آن من شد. این است آنچه در رنج بوسیله من کرده شد.

بند ۸۳-۷۶.۴۹. داریوش شاه گوید: هنگامیکه من در پارس و ماد بودم، باز دوباره بابلیان نسبت به من نافرمان شدند. مردی «آرخ» نام ارمنی، پسر «هلدیت»، او در بابل برخاست. سرزمینی «دوبال» نام، از آنجا به مردم اینگونه دروغ گفت: «من

نبوکدرچر» پسر نبونید هستم. سپس مردم بابل نسبت به من نافرمان شدند (و) بسوی آن «ارخ» رفتند. او بابل را گرفت؛ او در بابل شاه شد.

بند ۵۰-۸۳-۹۲. داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاهی را به بابل روانه کردم. «ویندفرن» نام پارسی، بنده من، او را رئیس آنها کردم. اینگونه به آنان گفتم: «پیش روید، آن سپاه بابلی را که خود را از آن من نمی خواند نابود کنید!». پس از آن «ویندفرن» با سپاه به بابل رهسپار شد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا، «ویندفرن» بابلیان را نابود کرد و بسته آورد. از ماه «ورک زن» ۲۲ روز سپری شده بود، آنگاه آن ارخ را که خود را به دروغ «نبوکدرچر» می خواند و مردانی را که برجسته ترین پیروان او بودند، اسیر گرفت. من فرمان دادم آن «ارخ» و مردانی را که برجسته ترین پیروان او بودند، در بابل به صلابه کشیدند.

داریوش / بهستان DB =

متن DB ستون IV :

- 1: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: t
- 2 ya: manā: kartam: Bābirauv: θātiy: D
- 3 ārayavauš: xšāyaθiya; ima: tya: adam: akuna
- 4 vam: vašnā: Auramazdāha: hamahyāyā: θar
- 5 da: pasāva: yaθā: xšāyaθiya: abavam: XIX: hamaran
- 6 ā: akunavam: vašnā: Auramazdāha: adamšiš: a
- 7 janam: utā: IX: xšāyaθiyā: agarbāyam: I Gaumāta:
- 8 nāma: maguš: āha: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam:
- 9 Bardiya: amiy: hya: Kūrauš: puça: hauv: Pārsam: ha
- 10 miçiyam: akunauš: I Āçina: nāma: Ūvjiya: hauv: adu
- 11 rujiya: avaθā: aθaha: adam: xšāyaθiya: amiy: Ūvjaiy
- 12: hauv: Ūvjam: hamiçiyam: akunauš: manā: I Naditabaira: n
- 13 āma: Bābiruviya: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha:
- 14 adam: Nabukudracara: amiy: hya: Nabunaitahya: puça:
- 15 hauv: Bābirum: hamiçiyam: akunauš: I Martiya: nā
- 16 ma: Pārsa: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam: Imani

- 17 š: amiy: Ūvjaiy: xšāyaθiya: hauv: Ūvjam: hamiçiya
 18 m: akunauš: I Fravartiš: nāma: Māda: hauv: adurujiya
 19:avaθā: aθaha: adam: Xšaθrita: amiy: Uvaxštrahya: taumāv
 20 ā: hauv: Mādam: hamiçiyam: akunauš: I Ciçataxma: nāma:

Asa

- 21 gartiya: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam: xšāyaθ
 22 iya: amiy: Asagartaiy: Uvaxštrahya: taumāyā: hauv
 23 :Asagartam: hamiçiyam: akunauš: I Frāda: nāma:
 24 Mārgava: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam:
 25 xšāyaθiya: amiy: Margauv: hauv: Margum: hamiçi
 26 yam: akunauš: I Vahyazdāta: nāma: Pārsa: hauv: a
 27 durujiya: avaθā: aθaha: adam: Bardiya: amiy: hya: Kū
 28 rauš: puça: hauv: Pārsam: hamiçiyam: akunauš: I Ar
 29 xa: nāma: Arminiya: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam:

Nab

- 30 ukudracara: amiy: hya: Nabunaitahya: puça: hauv:
 Bābirum: ham
 31 içiyam: akunauš: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: imaiy:
 32 IX: xšāyaθiyā: adam: agarbāyam: atar: imā: hamaranā
 33 :θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: dahyāva: imā: tyā: hamiçi
 34 ā: abava: drauga: diš: hamiçiyā: akunauš: tyā: imaiy: kāram:

adur

- 35 ujiyaša: pasāva: diš: Auramazdā: manā: dastayā: akunauš:
 yaθā: mām: k
 36 āma: avaθā: diš: akunavam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθi
 37 ya: tuvam: kā: xšāyaθiya: hya: aparam: āhy: hacā: draugā:
 daršam:
 38 patipayauvā: martiya: hya: draujana: ahatiy: avam:
 ufraštam: parsā: ya

- 39 diy: avaθā: maniyāhaiy: dahyāušmai: duruvā: ahati
 40 y: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: tya: adam: akunavam:
 41 vašnā: Auramazdāha: hamahyāyā: θarda: akunavam: tuvam:
 kā: hya
 42 :aparam: imām: dipim: patiparsāhy: tya: manā: kartam:
 varnavatām
 43 :θuvām: mātya: draugam: maniyāhay: θātiy: Dārayavauš:
 xšā
 44 yaθiya: Auramazdāha: ragam: vartaiyaiy: yaθā: ima:
 hašiyam: naiy: duru
 45 xtam: adam: akunavam: hamahyāyā: θarda: θātiy:
 Dārayavauš: xšāya
 46 θiya: vašnā: Auramazdāha: utāmai: aniyašciy: vasiy: astiy:
 karta
 47 m: ava: ahyāyā: dipiyā: naiy: nipištam: avahyarādiy: naiy: n
 48 ipištam: mātya: hya: aparam: imām: dipim: patiparsātiy:
 avah
 49 yā: paruv: θadayātaiy: tya: manā: kartam: naišim: ima:
 varnavātaiy: d
 50 uruxtam: maniyātaiy: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: tyaiy
 51 :paruvā: xšāyaθiyā: yātā: āha: avaišām: avā: naiy: astiy: kar
 52 tam: yaθā: manā: vašnā: Auramazdāha: hamahyāyā: θarda:
 kartam: θā
 53 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: nūram: θuvām: varnavatām: tya:
 man
 54 ā: kartam: avaθā: kārahyā: rādiy: mā: apagaudaya: yadiy:
 imām:
 55 hadugām: naiy: apagaudayāhy: kārahyā: θāhy: Auramazdā:
 θuvām:

- 56 dauštā: biyā: utātaiy: taumā: vasiy: biyā: utā: dargam: jivā
 57 :θātiy :Dārayavauš: xšāyaθiya: yadiy: imām: hadugām:
 apagaudayā
 58 hy: naiy: θāhy: kārahyā: Auramazdātay: jatā: biyā: utātaiy:
 taum
 59 ā: mā: biya: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: tyā: adam:
 akunavam:
 60 hamahyāyā: θarda: vašnā: Auramazdāha: akunavam:
 Auramazdāmai: upas
 61 tām: abara: utā: aniyāha: bagāha: tyaiy: hatiy: θātiy:
 Dārayavau
 62 š: xšāyaθiya: avahyarādiy: Auramazdā: upastām: abara: utā:
 ani
 63 yāha: bagāha: tyaiy: hatiy: yaθā: naiy: arika: āham: naiy:
 draujana: āham: na
 64 iy: zūrakara: āham: naiy: adam: naimaiy: taumā: upariy:
 arštām: upariy
 65 āyam: naiy: škaurim: naiy: tunuvatam: zūra: akunavam:
 martiya: hya: hamata
 66 xšatā: manā: vⁱθiyā: avam: ubartam: abaram: hya:
 viyanāθaya: avam: ufrasta
 67 m:aparsam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: tuvam: kā:
 xšāyaθiya:
 68 hya: aparam: āhy: martiya: hya: draujana: ahatiy: hyavā:
 zūrakara: ahat
 69 iy: avaiy: mā: dauštā: biyā: ufraštādiy: parsā: θātiy: Dāra
 70 yavauš: xšāyaθiya: tuvam: kā: hya: aparam: imām: dipim:
 vaināhy: ty
 71 ām: adam: niyapaišam: imaiivā: patikarā: mātya: vikanāhy:

yāvā: u

72 tava: āhy: avaθāsatā: paribarā: θātiy: Dārayavauš:
xšāyaθiya: ya

73 diy: imām: dipim: vaināhy: imaivā: patikarā: naiydiš:
vikanāhy: utā

74 taiy: yāvā: taumā: ahatiy: paribarāh^adiš: Auramazdā: θuvām:
dauštā:biy

75 ā: utātaiy: taumā: vasiy: biyā: utā: dargam: jivā: utā: tya:
kunavāhy

76 :avataiy: Auramazdā: ucāram: kunautuv: θātiy:
Dārayavauš: xšā

77 yaθiya: yadiy: imām: dipim: imaivā: patikarā: vaināhy:
vikanāh^adiš: ut

78 ātaiy: yāvā: taumā: ahatiy: naiydiš: paribarāhy:
Auramazdātaiy: jatā: b

79 iyā: utātaiy: taumā: mā: biyā: utā: tya: kunavāhy: avataiy:
Auramazd

80 ā: nikatuv: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: imaiy: martiyā:
tyaiy

81 :adakaiy: avadā: āhatā: yātā: adam: Gaumātām: tyam:
magum: avājanam:

82 hya: Bardiya: agaubatā: adakaiy: imaiy: martiyā:
hamataxšatā: anušiā: man

83 ā: Vidafarnā: nāma: Vāyaspārahyā: puça: Pārsa: Utāna:
nāma: Θuxrahyā

84 :puça: Pārsa: Gaubaruva: nāma: Marduniyahyā: puça:
Pārsa: Vidarna: nāma: Ba

85 gābignahyā: puça: Pārsa: Bagabuxša: nāma: Dātuvahyahyā:
puça: Pārsa:

- 86 Ardumaniš: nāma: Vahaukahyā: puça: Pārsa: θātiy:
Dārayavauš: xšāyaθ
- 87 iya: tuvam:kā: xšāyaθiya: hya: aparam: āhy: tyām: imaišām:
martiyānā
- 88 m: taumām: uba(r)tām: paribarā: θātiy: Dārayavauš:
xšāyaθiya: vašnā: Au
- 89 ramazdāha: i(ya)m :dipimaiy: ty(ām): adam: akunavam:
patišam: ariyā: āha: utā: pavast
- 90 āyā: utā: carmā: graθitā: āha: patišamaiy: patikaram:
akunavam: patišam: uvadā
- 91 m: akunavam: utā: niyapiθiya: utā: patiyafrasiya: paišiyā:
mām: pasāva: i(mā)m: d
- 92 ipim: adam: frāstāyam: vispadā: atar: dahyāva: kāra:
hamātaxšatā

یادداشت‌های بر DB IV :

⁴ Aura[mazd]āha WBn, for RI's Au[ramazdāha: ā]ha, KT's Aura[mazdāha:]āha. ⁵ Correctly read by WB from RI's squeezes (against RI's wrong readings), as well as by KT. ⁶⁻⁷ adamšim KT is correctly adamšiš, with a blank space between š^a and the following i, Cam., see §258.III and Lex. s.v. ša-; the suggestion has been made that the clauses have been shifted in order, the original being adam: IX: xšāyaθiyā: agarbāyam: utāsim: ajanam, but uncompounded jan- means only 'defeat (the foe),' not 'put (individuals) to death' (JAOS 35.349-50). ⁹ amiy RI, KT: with blank unengraved space on each side of the a, acc. to KT. ¹² [ma]nā: I KT; manā: [I Cameron. ²⁶ A blank space of one character at the beginning of the line, KT.

³⁶ A blank space of one character between the divider and the following di[š, KT. ³⁶ [akunavam]WB, KT; but KT state that the traces of the last letter are possibly those of š^a, which leads to a restored akunauš (so also RI), of

which Auramazdā would have to be the implied subject (cf. Oppet's restoration, IdA 150). It is more probable that the phrase is here as in DB 5.17, 29,33, and that akunavam is correct. ³⁷ah^ay^a RI., KT; first correctly normalized āhy by Tm. VS 1.30. So also 4.68,72,87. ³⁸ufraštam KT. ³⁹man[iyāhy] Opp. IdA, etc., KT; man[iyāhay]Tm. after DPe 20; man[iyāhaiy] Kent, since there is no reason to assume here the defective writing of DPe.

⁴³]iy^aah^ay^a RI.; [duruj]iyāhy Spiegel, KT; [duruxtam: man] iyāhy WB; [duruj]iyāhy WBN, [drau]jīyāhy Bthl. AiW 769, after RI. JRAS 12.vi; correctly dra[uga]m: maniāhay, Cam. ⁴⁴Auramaz[dā...] RI.; Auramazd[iya:]taiyiya WB, from RI's squeezes; Auramazd[ā...]rtaiyiya with room for 4 or 5 characters in the gap, KT; various restorations and interpretations, Bthl. WZKM 22.69, Tm. VS 1.30, Lex.122 (with lit.), HK 1.28, 1.61 (with lit.), 2.26, Wb. KIA 62-3n, Kent JAOS 63.67-8; all supplanted now by Cameron's reading, aur^am^azad^aah^ad^ug^am^a: [v^a]r^at^aiy^aiy^a (part of v^a legible), which must be reinterpreted to Auramazdāha: ragam: vartaiyaiy (gen-dat. of goal, §250.I; and see Lex. s.vv. raga-, vart-). ⁴⁶tya]mai RI.; api]mai WB, ap]mai KT; A ut]āmai Bthl. AiW 83, Gray AJP 30.457; utāmai (all characters visible)Cameron. ⁴⁹θā[...RI.; θada[yātiy WB; θā[dutiy, with traces of the third character still visible, KT; θaⁿda[yātiy HK 1.28; θada[yāⁿ Bthl. AiW 1559; θadayā legible, Cameron. The second character was d^a rather than KT's a, Jn.; and KT's traces of the third character fit y^a as well as they do d^u. Elsewhere (except in DNa 58)forms of this verb are all middle, and as the subjunctive always has primary endings in Op (§222), the restoration is θadayā[taiy], the necessary space being the same as for KT's restoration.

⁵¹avā RI., KT; reading assured, but apparently an omission in the engraving (av^aa for av^aθ^aa), Mt. Gr. 59. ⁵²kartam KT. ⁵³No gap between xšāyaθiya and nūram, Jn., KT. ⁵⁴sā[...d^a[...]rādiy with vertical hasta at end of last gap, KT; kā[rahyā: θā]hy: avahya[rādiy Tm. (after RI's [avah]yārādiy), but this is too long; Cameron's kārahyā[:rādiy, with rā of rādiy slightly doubtful, is

to be accepted, though Cameron finds in Elam. 3.74 'to the people tell (it)' for this phrase. ⁵⁵hadugām WB, KT, for Rl.'s incorrect dipim.

⁶⁴arštām Foy KZ 35.45 (conj.), Jn., KT, for Rl.'s incorrect abištām. ⁶⁴⁻⁵Definitive reading by Cameron, upariy [ā]ya]m [:] naiy: šakaurim: naiy: t[u]nuvatam, confirming upariy[āyam] of WB, HK, Wb. KIA; šakaurim WB, Jn., šakauri[m]KT, Tm., Wb. KIA (read rather škaurim, see Lex. s.v. skauθi-); [naiy] Spiegel;...uvata Rl.,] nuvatam Jn.,t[u]nuvatam kT. ⁶⁵zuku Rl., zūra Rl. later. ⁶⁵hya WB (from Rl.'s squeezes), Jn.; omitted by KT. ⁶⁶vⁱθ^aib^a...Rl.; v[i]θi^ayā WB, Jn.; vⁱθi^ayā KT. ⁶⁶viyanā[sa]ya WB, KT, HK, Tm., Wb. KIA; correctly viyanā[θa]ya Foy KZ 35.46. ⁶⁶avam: ufrasta- WB; wrongly ava: ufrasta- KT. ⁶⁸[zū]rakara: + +: KT, with possibly traces of two characters in the gap; but Cameron finds [zū]rakara: ahat- with only a gap for one character, perhaps miswritten and erased, after the divider. ⁶⁹dauštā WB, KT. ⁶⁹...ā KT; biy^ajā WbN, HK, Tm. ⁶⁹atifraštādiy Rl.; ahifraštādiy WB, Jn.; ufraštādiy KT.

⁷¹visanāhy Rl., KT; vikanāhy WB, Jn., Camcron; similarly 4.73,4.77. ⁷¹⁻²d^a-|t^as^a with d^a and s^a uncertain, KT; utava HK; Cameron is dubious about utava, and notes that 71 ends with a divider and d^a, which if combined make u, but if so there is no divider (i.e., haplography of two angle-signs). ⁷²avaθašta KT; avaθašatā Kent JAOS 62.272-3, see Lex. s.v. ⁷²pari[ba]rā KT, cf. 4.74. ⁷²⁻³y- | [av]jā Rl.; ya-|diy WB; ya-| [diy] KT. ⁷³⁻⁴utā-|taiy Kt. ⁷⁴paribarāh^adiš KT. ⁷⁶[ava]taiy: aparam Rl.; avataiy WB, Jn., KT (there is no aparam). ⁷⁶++++m with traces of the lost characters, KT; ucāram after DSI 5,Bv. BSLP 30.1.65-6. ⁷⁶d^an^aut^uuv^a Rl.; kunautuv WB, KT. ⁷⁷⁻⁸ut-|ātaiy KT. ⁷⁸paribarāhy KT.

⁸⁰⁻⁶On the Helpers of Darius, see hist. App. III. ⁸³Utāna: nāma WB; U]tā[na:n]āma, though. the middle gap is hardly adequate for two characters and a divider, KT; perhaps the divider was not engraved because it followed an identical stroke as final part of n^a. ⁸⁵Dāduhyahyā WB; [Dādu]hyahyā KT; [Dātu]hyahyā WbN; [Datu]hyahyā or [Daduva]hyahyā Wb.KIA; Dāt[u]vayahyā

Cameron, with t^u not absolutely certain and v^a damaged but sure. ⁸⁷⁻⁸tyām: imaišām:martiyā: u| ++: imām:...ā+: par[ibar]ā KT; martiyānā:|m: taumām: [ubart]ām WbN, after KT's traces; [u+]tām, space requiring omission of b^a or r^a in gap, Cam.

⁸⁹⁻⁹²For restorations, see Wb. KIA 70-2; König, Klotho 4.42-9; Kent, JAOS 62.266-9; Cam.'s new readings, JCS 5.52; Kent, JCS 5.55-6, JAOS 72.11-2; Hinz, ZDMG 102.28-38, closely following the Elam. Our text follows Cam. (a few useful readings in KT also), and accepts Hinz's [u]vādā[m through patiyafrasiya in 90-1. OP lacks Elam. 'which formerly was not,' after 'in Aryan'; correspondence of OP pavastāyā with Elam. halat 'unburnt brick' is explained by Bv. BSLP 47.1.41-9.

RI. دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای KT. قابل رویت نبوده است:

¹Dā[rayava[uš; ³xšā[yaθiya; ¹²ham[içiyam; ¹²manā: I Naditabaira; ²²Asagar[taiy; ²⁴adu[ruijiya; ³¹θā[tiy; ³⁷hya; ⁴¹ha]-mahyāyā; ⁶³arika; ⁷³dipim; ⁷⁵taumā; ⁸⁰Dārayavauš; ⁸²agabātā; ⁸²ada[kajiy; ⁸³nāma (prior occurrence); ⁸³Pārsa; ⁸³θux[rahyā; ⁸⁴Gau[baruva.

WB. از قرائت Wb. از آثار ملخص RI. موارد زیر را نیز با حروف رومی می‌افزاید که نه برای KT. و نه برای RI. قابل رویت نبوده است:

¹¹aθaha: adam; ³⁸draujana; ⁵⁵apagaudayāhy; ⁷¹niyapaišam: imaivā; ⁷⁴ahatiy; ⁷⁸taumā: ahatiy: naiydiš; ⁸¹āhatā; ⁸³Vāyaspārahya; ⁸⁴puça: Pārsa: Gaubaruva; ⁸⁴puça: Pārsa: Vidarna; ⁸⁵gābignahyā: puça; ⁸⁵Bagabuxša; ³⁶Ardumaniš: nāma: Vahaukahyā: puça; ⁸⁷kā: xšāyaθiya.

ترجمه DB IV :

بند ۱-۲. داریوش شاه گوید: این است آنچه که بوسیله من در بابل کرده شد.
بند ۲-۳. داریوش شاه گوید: این است آنچه که من بخواست اهورامزدا، در همان یک سال پس از آنکه شاه شدم، کردم. ۱۹ جنگ کردم؛ بخواست اهورامزدا من آنها

را نابود کردم و ۹ شاه را گرفتم. یکی مغی بود بنام گشوماتا؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من بردیا هستم، پسر کوروش»؛ او پارس را نافرمان کرد. یکی «آخرین» نام عیلامی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من در عیلام شاه هستم»؛ او عیلام را نسبت به من نافرمان کرد. یکی «ندیت بثیر» نام بابلی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من نبوکدرچَر هستم، پسر نبونید»؛ او بابل را نافرمان کرد. یکی «مرتیا» نام پارسی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من ایمیش هستم، شاه در عیلام»؛ او عیلام را نافرمان کرد. یکی فرورتیش نام مادی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من خشثیت هستم از دودمان هوشنتر»؛ او ماد را نافرمان کرد. یکی «چیژن تَحَم» نام آسگرتی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من در آسگرتیا شاه هستم، از دودمان هوشنتر»؛ او آسگرتیا را نافرمان کرد. یکی «فراذ» نام مروی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من در مرو شاه هستم»؛ او مرو را نافرمان کرد. یکی «وهیزدات» نام پارسی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من بردیا هستم، پسر کوروش»؛ او پارس را نافرمان کرد. یکی «ارخ» نام ارمنی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من نبوکدرچَر هستم، پسر نبونید»؛ او بابل را نافرمان کرد.

بند ۳۱-۳۲.۵۳. داریوش شاه گوید: این ۹ شاه را من در این جنگ‌ها اسیر گرفتم.

بند ۳۳-۳۶.۵۴. داریوش شاه گوید: این است کشورهایی که نافرمان شدند. دروغ آنان را نافرمان کرد. از این روی این (مردان) نیز مردم را فریب دادند. پس از آن اهورامزدا آنان را در دست من قرار داد؛ چگونه که مرا کام بود، با آنان همانگونه کردم.

بند ۳۶-۴۰.۵۵. داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی شد، خود را از دروغ بشدت بپای؛ مردی که دروغ‌زن باشد، او را خوب مجازات کن اگر اینگونه بیاندیشی: «کشور من در امان باشد».

بند ۴۰-۴۳.۵۶. داریوش شاه گوید: این است آنچه که من کردم؛ بخواست اهورامزدا، (آن را) در همان یک سال کردم. تو که از این پس این کتیبه را بخوانی، کرده من ترا باور شود، مبادا آن را دروغ بپنداری.

بند ۴۳-۴۵.۵۷. داریوش شاه گوید: خود را سریعاً متوجه اهورامزدا می‌سازم، که این حقیقت (است) نه دروغ. (آنچه که) من در همان یک سال کردم^(۱۹)

بند ۴۵-۵۰.۵۸. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا و من بسیار کارهای دیگر نیز کرده

۱۹. یعنی: به اهورامزدا سوگند می‌خورم که آنچه من در همان یک سال کردم حقیقت است نه دروغ.

شده است؛ که در این کتیبه نوشته نشده است، از این روی نوشته نشد که مبادا آن کس که از این پس این کتیبه را بخواند، برای او بسیار زیاد بنظر آید آنچه بوسیله من کرده شده است، (و) او را باور نشود، (بلکه) آن را دروغ بیندارد. بند ۵۹-۵۰-۵۲. داریوش شاه گوید: آنانکه پیش از این شاه بودند، تا هنگامیکه زنده بودند، آنان را چنین کرده‌ای نیست که بخواست اهورامزدا در همان یک سال بوسیله من کرده شد. بند ۶۰-۵۲-۵۶. داریوش شاه گوید: اکنون که تو را باور شود آنچه بوسیله من کرده شد، بهمین گونه به مردم منتقل کن، آن را پنهان مکن: اگر این سند را پنهان نکنی، (بلکه) به مردم بگویی، اهورامزدا تو را دوست باد و دودمان تو بسیار شود و دیر زیوی. بند ۶۱-۵۷-۵۹. داریوش شاه گوید: اگر این سند را پنهان کنی، (و) به مردم نگویی، اهورامزدا تو را دشمن باد و تو را دودمان نباشد.

بند ۶۲-۵۹-۶۱. داریوش شاه گوید: این است آنچه من کردم؛ بخواست اهورامزدا در همان یک سال کردم؛ اهورامزدا مرا یاری رساند و نیز بغان دیگری که هستند. بند ۶۳-۶۱-۶۷. داریوش شاه گوید: از این سبب اهورامزدا مرا یاری رساند و نیز بغان دیگر که هستند، که من متجاوز نبودم، دروغزن نبودم، زشتی ورز نبودم نه من، نه دودمانم. بنابراین رفتار کردم. نه برضعیف نه بر توانا زور نورزیدم. مردی را که با خانواده من همراهی کرد، او را نیک پاداش دادم، نیز او را که ضرر رساند، او را سخت مجازات کردم.

بند ۶۴-۶۷-۶۹. داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی شد، مردی را که دروغزن باشد یا آنکه زشتی ورز باشد، دوست آنان مباش، (بلکه) آنان را سخت مجازات کن. بند ۶۵-۶۹-۷۲. داریوش شاه گوید: تو که از این پس این کتیبه را که من نوشته‌ام، یا این پیکره‌ها را، ببینی، مبادا آنها را تباه سازی (بلکه) تا زمانیکه توانا هستی آنها را بهمان صورت نگهدار.

بند ۶۶-۷۲-۷۶. داریوش شاه گوید: اگر این کتیبه یا این پیکره‌ها را ببینی (و) آنها را تباه نسازی و تا زمانیکه توانا هستی آنها را نگهداری، اهورامزدا تو را دوست باد، و دودمان تو بسیار باد و دیر زیوی و آنچه بکنی، اهورامزدا آنرا برای تو با فایده کند. بند ۶۷-۷۶-۸۰. داریوش شاه گوید: اگر این کتیبه یا این پیکره‌ها را ببینی (و) آنها را تباه سازی و تا زمانیکه توانا هستی آنها را نگهداری نکنی، اهورامزدا دشمن تو باد و تو را دودمان نباشد و آنچه بکنی اهورامزدا آنرا برای تو به کلی بر اندازد.

بند ۸۰-۸۶. داریوش شاه گوید: این‌ها هستند مردانی که چون من گثوماتای مغ را که خود

را بردیا می خواند کشتم، آنجا بودند؛ در آن هنگام این مردان بعنوان پیروان من، همکاری کردند: «ویندفرن» نام، پسر «وایسپار» پارسی؛ «اوتان» نام پسر سوخرای پارسی: «گئوُبرآو» نام پسر مردونیۀ پارسی؛ «ویدرن» نام پسر «بگایگن» پارسی؛ «بگابوخش» نام، پسر «داتووهیا» پارسی؛ «اردومنیش» نام، پسر «وهاوک» پارسی.

بند ۸۸-۸۶.۶۹ داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی شد، دودمان این مردان را نیک نگهداری کن.

بند ۹۲-۸۸.۷۰ داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا این است کتیبه ای که من بر ساختم. علاوه بر این به آریایی بود، و در روی الواح گلین و روی چرم تصنیف شده بود. علاوه بر این پیکره ام را نیز بر ساختم. علاوه بر این نسب نامه ام را نیز بر ساختم. و آن نوشته شد و خوانده شد پیش من. پس از آن من این کتیبه را در همه ایالت فرستادم. مردم همکاری کردند.

داریوش / بهستان DB=

متن DB ستون V:

1. θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya:
- 2 ima: tya: adam: akunavam: duvitīyā
- 3 mca: čitāmca: θardam: pasāva: yaθā: xšāya
- 4 θiya: abavam: Ūvja: nāmā: dahyāuš: hau
- 5 v: hamičiyā: abava: I martiya: Atamaita: nāma: Ū
- 6 vjiya: avam: maθištam: akunavatā: pasāva: ada
- 7 m: kārām: fraišayam: I martiya: Gaubaruva:
- 8 nāma: Pārsa: manā: badaka: avamšām: maθištam: aku
- 9 navam: pasāva: Gaubaruva: hadā: kārā: ašiyava:
- 10 Ūvjam: hamaranam: akunauš: hadā: Ūvjiaibiš: pas
- 11 āva: Gaubaruva: Ūvjiyā: avāja: utā: viyamarda:
- 12 utā: tyamšām: maθištam: agarbāya: anaya: abi
- 13 y: mām: utāšim: adam: avājanam: pasāva: dahyā
- 14 uš: manā: abava: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθi

- 15 ya: avaiy: Ūvjiyā: arikā: āha: utāšām: Aurama
- 16 zdā: naiy: ayadiya: Auramazdām: ayadaiy: vašnā: A
- 17 uramazdāha: yaθā: mām: kāma: avaθādiš: akunavam
- 18: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: hya: Auramazdā
- 19 m: yadātaiy: yānam: avahyā: ahatiy: utā: jlvah
- 20 yā: utā: martahyā: θātiy: Dārayavauš: xš
- 21 āyaθiya: pasāva: hadā: kārā: adam: ašiyavam: abiy: Sak
- 22 ām: pasā: Sakā: tyaiy: xaudām: tigrām: barati
- 23 y: imaiy: Sakā: hacāma: āiša: yadiy: abiy: draya: a
- 24 vārasam: parašim: avadā: hadā: kārā: visā: viyatara
- 25 yam: pasāva: adam: Sakā: vasiy: ajanam: aniyam: aga
- 26 rbāyam: hauv: basta: anayatā: abiy: mām: ut
- 27 āšim: avājanam: maθištašām: Skuxa: nāma: avam: aga
- 28 rbāya: utā: anaya: abiy: mām: avadā: aniyam: maθ
- 29 ištam: akunavam: yaθā: mām: kāma: āha: pasāva: da
- 30 hyāuš: manā: abava: θātiy: Dārayavauš: xšāya
- 31 θiya: avaiy: Sakā: arikā: āha: utā: naiy: Auramazd
- 32 āšām: ayadiya: Auramazdām: ayadaiy: vašnā: Aurama
- 33 zdāha: yaθā: mām: kāma: avaθādiš: akunavam: θāt
- 34 iy: Dārayavauš: xšāyaθiya: hya: Auramazdām: yadāta
- 35 iy: avahyā: yānam: ahatiy: utā: jlvahyā: utā
- 36: martahyā

یادداشت‌هایی بر DB V :

متن در موارد متعدد به صورت بدی هوازده و یا به کلی از میان رفته است؛ در مورد ۳۵ فاصله موجود نشانه‌ای وجود ندارد. بحث انتقادی در:

JNES 2.105-44, 3.232-3, cf. also Wb. ZfA 46.52-82, Hinz ZDMG

96.331-43, Eilers JNES 7.106-10; now superseded by Cam.'s readings, JCS

5.52-4, also Kent JCS 5.56-7, JAOS 72.15-8.

متن ما در بردارنده قرائت‌های کامرون است (در حدود ۱۳۵ نشانه که قبلاً قرائت نشده بود) همراه با بازسازی‌های جدید بوسیله کنت. حروف رومی در زیر، قرائت‌های قدیمی‌تری را نشان می‌دهد که برای RI. یا KT. قابل رویت و برای Cam. غیر قابل رویت بوده است (اما بازسازی‌های ارائه شده در اینجا معمولاً پس از RI. و KT. انجام گرفته است):

²akunava[m RI. ³xšāya, ⁴hau RI., KT. ⁵Ū RI., KT. ⁶vjiya, a[kunava]RI.; ada RI., KT. ⁷mart]iya RI. ⁸: P[ārsa, :a[vamšām RI. ⁹pa[sāva RI., KT. ¹¹Ga[ubar]uva, ¹³ada[m, pasāva, ¹⁵: [arikā, utā]šām KT. ¹⁷uramaz[dā]ha RI. ¹⁹jīvah RI., KT. ²⁰martah]yā KT. ²⁰xš RI., KT. ²²tyaiy: xaudā]m, ²⁴avad]ā: ha[dā, ²⁵Sak[ā KT. ²⁵aniyam RI., KT. ²⁶: abiy RI. ²⁷āš[im KT. ²⁷Sk]uxa RI., S[ku]xa KT. ²⁸: avadā, ²⁹ya[θā, ³¹Sa[k]ā, ³²m]ām, ³⁶ma[rtahyā] KT.

موارد زیر بازسازی‌های اخیر و نیز آنهایی را که قدیم‌تر بوده‌اند و در کار KT. نیامداند، در بر می‌گیرد، این بازسازی‌ها برای متن بالا اساسی هستند:

²duvit]yā Cam. ³ç[itāmca] Kent. ⁴]mamaita kT, [A]tamaita Hüsing. ⁷[I] RI. ¹¹[Ūvjiyā] WBn. ¹¹daiy: marda KT, viya: marda Wb. ZfA 46.55; no divider Cam. ¹²[tyāmšām] WBn. ¹⁵a[vā Hinz, a[vaiy Kent; [arikā: āha] Hinz. ¹⁶A[uramazdām] Wb. KIA. ¹⁹ya[dātaiy Tm. VS; šiyāt[iš: avahyā] Eilers, yā[nam: avahyā] Kent. ²⁰[utā] Foy; martah]yā Hinz; no space for word between martahyā and θātiy (sic!), Cam. ²¹[pasāva: had]ā: k[ārā Kent. ²²pas[ā]va[... Cam., pas[ā]: Sa[kā Kent; [tyaiy: xauda]m Oppert. ²²⁻³barata-y RI., KT; barati-y (sic) Cam. ²³i...iš^a...iy^a, with gaps of about 15 and 3 spaces, Cam.; i[mai: Sakā: hacāma: ā]iša [: yad]iy Kent. ²³⁻⁴avā[rasam: avad]ā: ha[dā: kār]ā Hinz; after first word Cam. found more space and read + r^ax^a + a[, emended by Kent to pa]raši[m:]a[vadā. ²⁴pisā RI, KT; višā (sic!) Cam. ²⁵Sak[ā] Tm. Lex.; [pasāva: adam:] Sak[ā: vasiy:] Hinz. ²⁶[hauv] Kent apud Hinz. ²⁷maθ]ištā[mšām Hinz, maθ]ištā[šām Kent. ²⁸utā: āna]ya[: abiy: mām Hinz, quoting Wb. ²⁹ya[θā: mām: k]āma WBn, after Oppert. ³¹[avaiy] Kent; [arikā: āha: u]tā Hinz. ³²a[šām] Kent; [ayad]i]ya Hinz; A]ura[mazdām: a]yadaiy Tm. Lex. ³⁴[hya] Foy,

after Oppert.³⁵ Like 19, except [avahyā: yāna]m Kent; identity of §76 with §73, Hinz ZDMG 93.374. ³⁶Only 11 signs or fewer after the divider, Cam.

Wb.ZfA 46.52-82 اصلاحات زیر را که در JNES 2.105-14 مورد بحث قرار نگرفته و من نیز آنها را نمی‌پذیرم، مورد تایید قرار داده است:

²¹hadā: kārjā: S[ugdam (for pasāva: hadjā: k[ārā, where KT readjā: s]); ²⁵[aniyam] for [vasiy], ²⁶[aniya] for [hauv], ²⁶⁻⁷utāš[iš for utāš[im, ²⁷hya]š[ām: maθišta.

مورد اول و آخر، فاصله موجود را پر نمی‌کند و با نشانه‌های خوانا مناسب نیست؛ مورد دوم و سوم و چنانچه بپذیریم، مورد چهارم، این امکان را دارند.

ترجمه DB V :

بند ۱۴-۱۷.۱. داریوش شاه گوید: این است آنچه من کردم هم در دومین و هم در سومین سال پس از آنکه شاه شدم. کشوری عیلام نام، آن نافرمان شد. مردی «اتام ئیتا» نام عیلامی، او را رئیس کردند. پس از آن من سپاه را روانه کردم. مردی «گئوئرو» نام پارسی، بنده من، او را رئیس آنان کردم. پس از آن «گئوئرو» با سپاه رهسپار عیلام شد، با عیلامیان جنگ کرد. پس آنگاه «گئوئرو» عیلامیان را نابود کرد و تار و مار کرد و رئیس آنها را گرفت، او را نزد من آورد و من او را کشتم. سپس کشور از آن من شد.

بند ۱۷-۱۴.۷۲. داریوش شاه گوید: آن عیلامیان بی‌ایمان بودند و اهورامزدا از سوی آنان ستایش نمی‌شد. من اهورامزدا را می‌پرستیدم؛ بخواست اهورامزدا، آنگونه که مرا کام بود، همانگونه با آنان کردم.

بند ۲۰-۱۸.۷۳. داریوش شاه گوید: آنکه اهورامزدا را پرستد، رحمت الهی با او باشد، چه زنده، چه مرده

بند ۳۰-۲۰.۷۴. داریوش شاه گوید: پس آنگاه من با سپاهی بسوی سک رهسپار شدم، در پی «سکاهای برنده خودتیز»^(۲۰). این سکهاها از پیش من رفتند. هنگامیکه به دریا رسیدم، آنگاه با تمام سپاه به آن سویش گذشتم. پس از آن من سکهاها را بسیار نابود کردم؛ (سردار) دیگری را گرفتم، او بسته به نزد من آورده شد و من او را

۲۰. سکاهای تیز خود، منظور تیره‌ای از سکاهایی هستند که بر سر خود کلاه خود نک تیز حمل می‌کردند.

کشتم. رئیس آنان، «اسکونخ» نام، او را گرفتند و بنزد من آوردند. سپس دیگری را رئیس کردم، آنگونه که مرا کام بود. پس از آن، کشور از آن من شد.
 بند ۳۰-۳۳. داریوش شاه گوید: آن سکاها سرکش بودند و اهورامزدا از سوی آنان ستایش نمی شد.... (DB5.15-17).
 بند ۳۳-۳۶.۷۶ (=DB5.18-20).

متن DB، کتیبه های کوچک:

DBA:

- 1: adam: Dārayavauš: xšāyaθiya: vazraka: xšāya
- 2 θiya: xšāyaθiyanām: xšāyaθiya: Pārsaiy: xš
- 3 āyaθiya: dahyūnām: Vīštāspahyā: puça:
- 4 Aršāmahyā: napā: Haxāmanišiya: θātiy: Dāra
- 5 yavauš: xšāyaθiya: manā: pitā: Vīštāspa: Vī
- 6 štāspahyā: pitā: Aršāma: Aršāmahyā: pi
- 7 tā: Ariyāramna: Ariyāramnahyā: pitā:
- 8 Cišpiš: Cispaiš: pitā: Haxāmnaiš:
- 9 θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: avahya
- 10 rādiy: vayam: Haxāmanišiyā: θahyā
- 11 mahy: hacā: paruviyata: āmātā
- 12: amahy: hacā: paruviyata: hyā: amā
- 13 xam: taumā: xšāyaθiyā: āha: θā
- 14 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: VIII: ma
- 15 nā: taumāyā: tyaiy: paruva
- 16 m: xšāyaθiyā: āha: adam: na
- 17 vama: IX: duvitāparanam: vayam: x
- 18 šāyaθiyā: amahya:

DBb

- 1: iyam: Gaumā
- 2 ta: hya: maguš
: a
- 3 durujiya:
- 4 avaθā: aθaha:
adam: Ba
- 5 rdiya: amiy:hya
:k
- 6 ūrauš: puça:
adam:xš
- 7 āyaθiya: amiy:

DBd

- 1: iyam:
Naditabaira:
- 2 adurujiya: ava
- 3 θā: aθaha: adam:
Nab
- 4 ukudracara: ami
- 5 y: hya:
Nabunaita

DBe

- 1: iyam:Fra
- 2 vartiš:
- 3 aduru
- 4 jiya: ava
- 5 θā: aθaha: adam:

DBc

- 1: iyam: Āç
- 2 ina: adu
- 3 rujiya:
- 4 avaθā
- 5: aθaha: a
- 6 dam: x
- 7 šāyaθ
- 8 iya: am
- 9 iy: Ū
- 10 vjaiy:

- 6 hya: puça: adam
:x
- 7 šāyaθiya: amiy:
B
- 8 ābirauv:

- 6 Xšaθirta: amiy

- 7: Uvaxštrahya
- 8: taumāyā: adam
- 9: xšāyaθiya: amiy
- 10: Mā
- 11 daiya:

DB_F

1: iyam: Martiya	4 dam: Imaniš: am
:a	5 iy: Ūvjaiy: x
2 durujiya: a	6 šāyaθi
3 vaθā: aθaha: a	7 ya:

DB_G

1: iyam: Ciça	7 ya: ami
2 taxma: ad	8 y: Asaga
3 urujiya	9 rtaiy: Uva
4: avaθā: a	10 xštrahya
5 θaha: adam:	11: taumāy
6 xšāyaθi	12 ā

DB_H

- 1: iyam: Vahya
- 2 zdāta: adu
- 3 rujiya: ava
- 4 θā: aθaha: ada
- 5 m: Bardiya: a
- 6 miy: hya: K
- 7 ūrauš: puça
- 8: adam: xšā
- 9 yaθiya: amiy

DB_I

- 1: iyam: Arxa
- 2: aduruj
- 3iya: avaθā:
- 4 aθaha: adam:
- 5 Nabuku(d)ra
- 6 cara: amiy:
- 7 hya: Nabuna
- 8 itahya: pu
- 9 ça: adam: xšā
- 10 yaθiya: amiy
- 11: Bāb^arauv:

DB_K

- 1: iyam: Sku
- 2 xa: hya: Saka

DB_I

1 :iyam: Frāda:

2 aduruji

3 ya: avaθā: aθaha

4 :adam: xšāyaθ

5 iya: amiy: Marga

6 uv:

یادداشت‌هایی بر DB، کتیبه‌های کوچک:

DBa: علیرغم KT، نشانه جداکننده، در پایان سطر ۷ قرار دارد نه در آغاز سطر ۸ (کامرون).

DBg: این کتیبه ۱۲ سطر دارد (نیز WB، ۵ سطر پس از نسخه برداری‌های RI؛ مورد تایید از سوی

کامرون) و نه ۱۱ سطر (همانند KT و شماری دیگر از ویرایش‌ها که سطر ۷ را حذف می‌کنند).

DBi: $5-6n^ab^auk^u r^a c^a r^a$ روی صخره؛ d^a حذف شده است. $11b^a a b^a r^a u v^a$ ، با حذف i که باید

بدنبال b^a دوم بیاید.

ترجمه DB، کتیبه‌های کوچک:

DBa

بند ۱.۱-۴.... (=DB 1.1-3).

بند ۲.۲-۸.... (=DB 1.3-6).

بند ۳.۳-۹.... (=DB 1.6-8).

بند ۴.۴-۱۳.... (=DB 1.8-11).

DBb

این است گئوماتای مغ... (=DB 4.8-9)؛ من شاه هستم.

DBC

این است آثرین... (=DB 4.10-11).

DBd

این است ندیت بئیر... (=DB 4.13-14)؛ من در بابل شاه هستم.

DBe

این است فرورتیش... (=DB 4.18-20)؛ من در ماد شاه هستم.

DBf

این است مرتیآ... (=DB 4.16-17).

DBg

این است چیژن تَحَم... (=DB 4.21-22).

:DBh

این است «وہیزدات»... (= DB 4.26-28)؛ من شاه هستم.

:DBi

این است اَرخ... (= DB 4.29-30)؛ من در بابل شاه هستم.

:DBj

این است فراَد... (= DB 4.24-25).

:DBk

این است «اسکونخ» سکایی

داریوش / پرسپولیس A = DPa

1 Dārayavauš: xšāyaθiya:

2 vazraka: xšāyaθiya: xšā

3 yaθiyānām: xšāyaθiya:

4 dahyūnām: Vištāspahy

5 ā: puça: Haxāmanišiya: h

6 ya: imam: tacaram: akunauš

ترجمه DPa:

داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشتاسب هخامنشی، کسی که این کاخ را ساخت.

داریوش / پرسپولیس B = DPb

Dārayavauš: Xš: vazraka: Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه DPb:

داریوش شاه بزرگ، پسر ویشتاسب هخامنشی

داریوش / پرسپولیس C = DPc

ardastāna: aθagaina: Dārayavahauš: Xšhyā: viθiyā: karta

قرنیز پنجره سنگی ساخته شده در قصر داریوش شاه.

داریوش / پرسپولیس DPd = D

- 1 Auramazdā: vazraka: hya: maθišta: bag
- 2 ānām: hauv: Dārayavaum: xšayaθi
- 3 yam: adadā: haušaiy: xšačam: frāba
- 4 ra: vašnā: Auramazdāhā: Dārayavau
- 5 š: xšāyaθiya: θātiy: Dārayavauš:
- 6 xšāyaθiya: iyam: dahyāuš: Pār
- 7 sa: tyām: manā: Auramazdā: frāba
- 8 ra: hyā: naibā: uvaspā: umarti
- 9 yā: vašnā: Auramazdāhā: manac
- 10 ā: Dārayavahauš: xšāyaθiyahy
- 11 ā: hacā: aniyanā: naiy: tarsat
- 12 iy: θātiy: Dārayavauš: xšāya
- 13 aiya: manā: Auramazdā: upastām:
- 14 baratuv: hadā: viθaibiš: bagai
- 15 biš: utā: imām: dahyāum: Aura
- 16 mazdā: pātuv: hacā: haināy
- 17 ā: hacā: dušiyārā: hacā: dra
- 18 ugā: abiy: imām: dahyāum: mā
- 19: ājamiyā: mā: hainā: mā: duš
- 20 iyāram: mā: drauga: aita: adam:
- 21 yānam: jadiyāmiy: Auramazd
- 22 ām: hadā: viθaibiš: bagaibiš: a
- 23 itamaiy: yānam: Auramazdā: dadāt
- 24 uv: hadā: viθaibiš: bagaibiš:

یادداشت‌هایی بر DPd:

¹⁷dušiyārā Jn. (not d^uaš^a). ¹⁸abiy Stolze (not an^aiy^a). ¹⁹⁻²⁰dušiyāram Jn. (not d^uaš^a-). ²⁰iy^aar^am^a: m^aa with divider and all characters visible, and a gap between i and y^a, acc. to Cameron. ²¹y^aan^am^a, with separation caused by a defect in the stone (so Stolze's photograph). ²²The insertion of yānam is required for the filling, of the gap in which some slight traces of the characters are still visible; so Cameron, from photo.

ترجمه DPd:

بند ۱.۱.۵. اهورامزدا ی بزرگ، بزرگترین بغان، او داریوش شاه را آفرید، او شهریاری را به او ارزانی داشت؛ بخواست اهورامزدا داریوش شاه است.
بند ۱.۲.۵.۲. داریوش شاه گوید: این کشور پارس که اهورامزدا به من ارزانی داشت، زیبا، دارنده اسبان خوب، دارنده مردان خوب، بخواست اهورامزدا و نیز من داریوش شاه، از دیگری نمی‌ترسد.
بند ۱.۲.۳.۲۴. داریوش شاه گوید: اهورامزدا مرا یاری کند، با بغان خاندان شاهی و این کشور را اهورامزدا از دشمن (متجاوز)، از قحطسالی، از دروغ بپایدا به این کشور نه دشمن، نه قحطسالی، نه دروغ نیاید؛ این را من چون رحمت از اهورامزدا با بغان خاندان شاهی در خواست می‌کنم. باشد که این موهبت را اهورامزدا با بغان خاندان شاهی به من بدهد.

داریوش / پرسپولیس DPe = E

1 adam: Dārayavauš: xšāyaθiya: vaz

2 raka: xšāyaθiya: xšāyaθiyānā

3 m : xšāyaθiya: dahyūnām: tyai

4 šām: parūnām: Vištāspahyā:

5 puça: Haxāmanišiya: θātiy: Dāra

6 yavauš: xšāyaθiya: vašnā: Aurama

7 zdāhā: imā: dahyāva: tyā: adam

8: adaršiy: hadā: anā: Pārsā: kā

- 9 rā: tyā: hacāma: atarsa: manā: bāj
 10 im :abara: Ūvja: Māda: Bābiru
 11 š: Arabāya: Aθurā: Mudrāy
 12 ā: Armina: Katpatuka: Sparda: Ya
 13 unā: tyaiy: uškahyā: utā: tya
 14 iy : drayahyā: utā: dahyāva: t
 15 yā: para: draya: Asagarta: Parθava: Zra
 16 ka: Haraiva: Bāxtriš: Sug^uda: Uv
 17 ārazmiy: θatagyš: Harauvatiš: H
 18 iduš: Gadāra: Sakā: Maka: θātiy
 19 :Dārayavauš: xšātaθiya: yadiy
 20: avaθā: maniyāhay: hacā: aniya
 21 nā: mā: tarsam: imam: Pārsam: kāram: pādi
 22 y: yadiy: kāra: Pārsa: pāta: ahatiy: hyā:
 23 duvaištam: šiyātiš: axšatā: hauvci
 24 y: Aurā: nirasātiy: abiy: imām: viθam

یادداشت‌هایی بر DPe:

⁸hadā not 'by means of', as previously taken, but 'along with, in addition to', as shown by Bv. TPS 1945.51-3, which is its normal meaning. ¹⁵p^ar^au + y^a, with a vertical hasta in the mutilated character, followed by a gap, according to the earliest editors; restored as paruvaiy by Rl.; misread p^ar^auiy^a with a blank unengraved space in the gap, by Jn.; correctly read p^ar^a: d^ar^ay^a = para: draya by Cameron, JNES 2.307-8, with a wide space between the r^a and the y^a ²⁰maniyāhay for- haiy. ²²A divider is visible between pāta and ahatiy, acc. to Jn. and to Stolze's photographs.

ترجمه DPe:

بند ۱.۱.۵. من داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای بسیار، پسر وشتاسب

هخامنشی هستم.

بند ۱۸۵.۲. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهایی که من علاوه بر مردم پارسی، از آن خود کردم، که از من ترسیدند (و) به من باج دادند: عیلام، ماد، بابل، اربابیه، آشور، مصر، ارمنیه، کبدوکیه، سارد، ایونی‌هایی خشکی و (آنها) که کنار دریا هستند، و کشورهایی که آن سوی دریا هستند، اسگرتیا، پارت، زرنگ، هرات، بلخ، سغد، خواززم، تگوش، رخج، سند، گندار، سک، مک. بند ۲۴-۱۸.۳. داریوش شاه گوید: اگر اینگونه بیندیشی «از دیگری ترسم»، این مردم پارس را بپای؛ اگر مردم پارس پاییده شوند، از این پس شادی پیوسته بوسیله اهورا بر این خاندان فرو خواهد رسید.

داریوش / پرسپولیس DPh = H

1 Dārayavauš: Xš: vazraka: Xš: Xšyanām: Xš

2: dahyūvnām: Vištāspahyā: puça

3: Haxāmanišiya: θātiy: Dārayavau

4 š: Xš: ima: xšačam: tya: adam: dāray

5 āmiy: hacā: Sakaibiš: tyaiy: para

6: Sugdam: amata: yātā: ā: Kūšā:

7 hacā: Hidauv: amata: yātā: ā: Spa

8 rdā: tyamaiy: Auramazdā: frābara

9 : hya: maθišta: bagānām: mām: Au

10 ramazdā: pātuv: utāmai: viθam

ترجمه DPh:

بند ۱-۳. داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر و شتاب هخامنشی. بند ۱۰-۳.۲. داریوش شاه گوید: این است شهریاری که من دارم، از سکاهای آنسوی سغد، از آنجا تا کوش^(۲۱)، از هند، از آنجا تا سارد، که آنرا اهورامزدا؛ بزرگترین بغان، بر من ارزانی داشت. اهورامزدا مرا و خاندان مرا بپاید.

داریوش / پرسپولیس = I DPi

mayūxa: kāsakaina: Dārayavahauš: XŠhyā: viθiyā: karta

ترجمه DPi:

دستگیره دراز از سنگ قیمتی ساخته شده در کاخ داریوش شاه.

کتیبه‌های نقش رستم.

داریوش / نقش رستم = A DNa

1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: im

2 ām: būmim: adā: hya: avam: asm

3 ānam: adā: hya: martiyam: adā: h

4 ya: šiyātim: adā: martiyahyā

5 :hya: Dārayavaum: xšāyaθiyam: ak

6 unauš: aivam: parūvnām: xšāyaθ

7 iyam: aivam: parūvnām: framātā

8 ram: adam: Dārayavauš: xšāyaθiya: va

9 zraka: xšāyaθiya: xšāyaθiyānām

10 :xšāyaθiya: dahyūnām: vispazanā

11 nām: xšāyaθiya: ahyāyā: būmi

12 yā: vazrakāyā: dūraiapiy: Vištās

13 pahyā: puça: Haxāmanišiya: Pārsa: P

14 ārsahyā: puça: Ariya: Ariya: ci

15 ça: θātiy: Dārayavauš: xšāya

16 θiya: vašnā: Auramazdāhā: imā:

17 dahyāva: tyā: adam: agarbāyam:

18 apataram: hacā: Pārsā: adamšām:

19 patiyaxšayaiy: manā: bājim: abara

20 ha: tyāšām: hacāma: aθahya: ava: a

- 21 kunava: dātam: tya: manā: avadiš:
- 22 adāraiya: Māda: Ūvja: Parθava: Harai
- 23 va: Bāxtriš: Suguda: Uvārazm
- 24 iš: Zraka: Harauvatiš: Ōtaguš: Ga
- 25 dāra: Hiduš: Sakā: haumavargā: Sa
- 26 kā: tigraxaudā: Bābiruš: A
- 27 θurā: Arabāya: Mudrāya: Armina
- 28 :Katpatuka: Sparda: Yauna: Sakā: tyaiy: pa
- 29 radraya: Skudra: Yaunā: takabarā: Putāy
- 30 ā: Kūšiyā: Maciyā: Karkā: θātiy: D
- 31 ārayavauš: xšāyaθiya: Auramazdā: yaθ
- 32 ā: avaina: imām: būmim: yaudatim:
- 33 pasāvadim: manā: frābara: mām: xšā
- 34 yaθiyam: akunauš: adam: xšāyaθiya
- 35 :amiy: vašnā: Auramazdāhā: a
- 36 damšim: gāθavā: niyašādayam: tyašā
- 37 m: adam: aθaham: ava: akunava: yaθā: mām:
- 38 kāma: āha: yadipatiy: maniyāhaiy: t
- 39 ya: ciyakaram: āha: avā: dahyāva
- 40 tyā: Dārayavauš: xšāyaθiya
- 41 :adāraya: patikarā: dīdiy: tyaiy: g
- 42 āθum: baratiy: avadā: xšnāsāhy:
- 43 adataiy: azdā: bavātiy: Pārsahyā:
- 44 martiyahyā: dūrai: arštiš: pa
- 45 rāgmatā: adataiy: azdā: bavāti
- 46 y: Pārsa: martiya: dūrayapiy: hacā: Pā
- 47 rsā: partaram: patiyajatā: θātiy: Dā
- 48 rayavauš: xšāyaθiya: aita: tya: karta
- 49 m: ava: visam: vašnā: Auramazdāhā: ak

- 50 unavam: Auramazdā(ma)iy: upastām: aba
 51 ra: yātā: kartam: akunavam: mām: A
 52 uramazdā: pātuv: hacā: gastā: utāma
 53 iy: viθam: utā: imām: dahyāum: aita: ada
 54 m: Auramazdām: jadiyāmiy: aitama
 55 iy : Auramazdā: dadātuv:
 56 martiyā: hyā: Auramazdāh
 57 ā: framānā: hauvtaiy: gas
 58 tā: mā: θadaya: paθim:
 59 tyām: rāstām: mā
 60 :avarada: mā: stabava

یادداشت‌هایی بر DNa:

متن DNa در حال حاضر بر تصاویر «ف. اشتولتز (Persepolis: Berlin, 1882) و نیز «ا. سوروگین» (قابل دستیابی در Wb. Grab, Plates 2-3) متکی است. قرائت‌های زیر که یا جایگزین قرائت‌های اشتباه قبلی می‌شود و یا قرائت‌های قابل تردید قبل را تأیید می‌کند، بوسیله این تصاویر مسلم و قطعی شده‌اند؛ بازسازی‌ها با مقدار درازای فواصل مطابقت دارند:

⁷⁻⁸framātā- |ram; ¹²dūraiapiy; ¹⁹patiyaxšayaiy; ¹⁹⁻²⁰aba[ra]-|ha;
²²adāraiya (for normalization, cf. §48); ²⁵haumavargā; ³⁷akunava; ³⁸yadipatiy:
 maniy[āhaiy: t]- |ya(for-haiy, cf. note on DB 4.39); ³⁹[āha]Wb.; ⁴¹no space for
 [manā] before gāθum; ⁴²a[va]dā; ⁴⁴dūrai; ⁴⁶dūrayapiy; ⁵⁰Auramazdā(ma)iy,
 with omission of m^a; ⁶²ga[stā] , see Lex.s.v. (not s^ar^a +).

یادداشت‌های دیگر متنی:

²⁸⁻⁹[pa]-|radraya, after other occurrences, see Lex. s.v.; not [ta]- |
 radraya. ²⁹⁻³⁰Put-[ā]yā, after other occurrences, see Lex. s.v.; not Put[i]yā.
³²yau[datim]Bthl., see Lex. s.v. yaud-; hardly yau[dinim], with Wb. ⁶⁰stabava(as
 Rl. JRAS 10.310 had it), see Lex. s.v.; not starava nor stakava.

ترجمه DNa:

بند ۸۱.۱. خدای بزرگ اهورامزدا است، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که

انسان را آفرید، که شادی را برای انسان آفرید، که داریوش را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرماندار از بسیاری.

بند ۱۵۸.۲. من داریوش شاه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌های دارنده همه گونه مردم، شاه در این زمین بزرگ دور و دراز، پسر ویشتاسپ هخامنشی پارسی، پسر یک پارسی آریایی آریایی نژاد.

بند ۳۰-۱۵۰.۳. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهایی که من بجز پارسی گرفتم؛ بر آنها فرمان راندم؛ به من باج دادند؛ آنچه از سوی من به آنها گفته شد، آنرا انجام دادند؛ قانون من آنان را نگهداشت: ماد، عیلام، پارت، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، زرنگ، رخج، تگوش، گندار، هند، سکا‌های هوم و رگ، سکا‌های تیز خود، بابل، آشور، اربایه، مصر، ارمنیه، کپدوکیه، سارد، ایونی، سکا‌های آنسوی دریا، اسکودر، ایونیایی‌های پتاسوس^(۲۲) برسر، لیبیایی‌ها، کوشیان، اهالی مگ، کاریان.

بند ۴۷-۳۰.۴. داریوش شاه گوید: اهورامزدا چون این زمین را آشفته دید، آنگاه آنرا به من ارزانی داشت، مرا شاه کرد؛ من شاه هستم. بخواست اهورامزدا من آنرا در جای خود قرار دادم؛ آنچه من به آنها گفتم، آنرا انجام دادند، آنچنان که مرا کام بود. اکنون اگر فکر کنی که «چند بود آن کشورهایی که داریوش شاه داشت؟» بیکره‌ها را ببین که تخت را می‌برند، آنگاه خواهی دانست، آنگاه به تو معلوم خواهد شد که: نیزه مرد پارسی دور رفته است؛ آنگاه به تو معلوم خواهد شد که: مرد پارسی دورتر از پارس جنگ کرده است.

بند ۵۵-۴۷.۵. داریوش شاه گوید: این که کرده شد، همه را بخواست اهورامزدا کردم. اهورامزدا مرا یاری رساند تا کار را به انجام رساندم. اهورامزدا مرا و خاندان مرا و این سرزمین را از آسیب بپاید: این را من از اهورامزدا طلب می‌کنم، باشد که این را اهورامزدا به من بدهد!

بند ۶۰-۵۶.۶. ای مرد، فرمان اهورامزدا، ناپسند بنظرت نیاید؛ راه راست را ترک مکن، شورش مکن!

داریوش / نقش رستم DNb = B

1 бага: vazraka: Auramazdā:hya: adadā: i

- 2 ma: frašam: tya: vainataiy: hya: adadā: ši
- 3 yātim: martiyahyā: hya: xraθum: ut
- 4 ā: aruvastam: upariy: Dārayavaum: xšā
- 5 aθiyam: nīyasaya: θātiy: Dārayavauš: xšāya
- 6 °θiya: vašnā: Auramazdāhā: avākaram: a
- 7 miy: tya: rāstam: dauštā: amiy: miθa: na
- 8 iy: dauštā: amiy: naimā: kāma: tya: skauθ
- 9 iš: tunuvatahyā: rā°diy: miθa: kariyaiš
- 10 : naimā: ava: kāma: tya: tunvuā: skauθaiš: r
- 11 ādiy: miθa: kariyaiš: tya: rāstam: ava: mām:
- 12 kāma: martiyam: draujanam: naiy: dauštā: am
- 13 iy: naiy: manauviš: amiy: tyāmai: dartana
- 14 yā: bavatiy: daršam: dārayāmiy: manahā:
- 15 uvaipašiyahyā: daršam: xšayamna: amiy:
- 16 martiya: hya: hataxšataiy: anudim: hakarta°
- 17 hyā: avaθādim: paribarāmiy: hya: v°
- 18 ināθayatiy: anudim: vinastahyā: avaθ
- 19 ā: parsāmiy: naimā: kāma: tya: mar°tiya
- 20 :vināθayaiš: naipatimā: ava: kāma: yadi
- 21 y: vināθayaiš: naiy: fraθiyaiš: martiya:
- 22 tya: pat°iy: martiyam: θātiy: ava: mām:
- 23 naiy: varnavataiy: yātā: uradanām: hadu
- 24 gām: āxšnautiy: martiya: tya: kunau
- 25 tiy: yad°ivā: ābaratiy: anuv: tauman
- 26 išaiy: xšnuta: °° amiy: utā: mām: vas
- 27 iy: kāma: utā: uxšnauš: amiy: avākaram
- 28 camaiy: °ušl̥y: utā: framānā: yaθāmai
- 29 y: tya: kartam: vaināhy: yadivā: āxšnav
- 30 āhy: utā: viθ°i°yā: °° uta: spāθma
- 31 i°d°yā: aitamai°y°: °°° aruvastam:

- 32 upariy: manašcā: °ušl̥cā: ima: patimai
 33 y: aruvastam: t°ya°mai: tanūš: tāvaya
 34 ti°y: hamaranakara: am°iy: ušhamaranakara: hakara
 35 mci°y: ušl̥yā: gāθa°vā: vainātaiy: yaciy:
 36 vaināmiy: hamičiya°m: yaciy: naiy: vainā
 37 miy: utā: ušl̥biyā: utā: framānāyā
 38 :a°dakaiy: fratarā: maniyaiy: aruvāyā: ya
 39 di°y: vaināmiy: hamičiyam: yaθā: yadiy:
 40 nai°y: vaināmiy: yāumainiš: amiy: u
 41 tā°: dastaibiyā: utā: pādaibiyā: asabā
 42 ra: °uvāsabāra: amiy: θanuvaniya: uθa
 43 n°uvaniya: amiy: utā: pastiš: utā
 44 :asabāra: ārstika: amiy: uvārštika:
 45 utā: pastiš: utā: asabāra: utā: ūvnaṛā
 46 :tyā: Auramazdā: upariy: mām: niyasaya: utā
 47 diš: atāvayam: bartanaiy: vašnā: Auramazdāh
 48 ā: tyamaiy: kartam: imaibiš: ūvnaraibiš: aku
 49 navam: tyā: mām: Auramazdā: upariy: n̥lyasaya
 50 :marl̥kā: daršam: azdā: kušuvā: ciyākaram
 51 :amiy: ciyākaramcamaiy: ūvnaṛā: ciyākara
 52 mcamaiy: pariyanam: mātaiy: duruxtam:
 53 θaday a°:tyataiy: gaušāyā: xšnutam: avaš
 54 ciy: āxšnudi: tyā: partamtaiy: asti
 55 y: marl̥kā: mātaiy: avašciy: duruxta
 56 m: kuna°vātaiy: tyā: manā: kartam: astiy
 57 :avašciy: d̥l̥diy: yaciy: nipištam: mā:
 58 taiy: dātā: + + + + + :mā: + + + + + ātiy
 59 ā: ayāu(ma)iniš: bavātiy: marl̥kā: xšāyaθiya
 60 :mā:raxθatuv: + + + + + + + + + + + + + + + ina:

یادداشت‌هایی بر DNb:

متن ما از DNb همان است که در JNES 4.39-52، برپایه تصاویر «اشمیت» که در سال ۱۹۳۸ گرفته شده و بوسیله نگاره و حرف نوشت هر تسفلد در 4-6 Api کامل شده، ارائه گردیده است. میان افزوده ° ° ° ° در متن ما، بترتیب فضاهای خالی مناسب با یک، دو، سه حرف را که ناهمواری صخره، حجاری آنرا ناممکن می‌ساخته، مشخص می‌کند.

برداشت جدید مربوط به سطر ۳۴-۴۰، همراه با بازسازیهای دیگر متنی توسط «ای. گرشویچ» در TPS 1948.66-8، مرا متقاعد نمی‌سازد. پاره‌ای تغییرات متون فارسی‌باستان و نیز برخی برداشت‌ها بویژه در سطور ۵۲-۶۰ از سوی «و. هینتز» برپایه تحریر عیلامی، تا زمانیکه مقاله وی در دست چاپ است نمی‌تواند ارزیابی شود.

¹⁴bavatiy on the Rock; bavatiy in fragmentary 2d copy (Hz. Api Plate5).
¹⁹mar^otiya Schmidt photo; last character not m^o, despite Hz. ²²pat^oiy Kent;
 par[saiy] 'in court' Hz.Api 273. ³¹The gap is inadequate for Hz.'s restored dīdiy; and the Schmidt photo shows a divider in the middle of the space.
²⁸an^uuv^aaθ^aa, with dubious n^u, Wb. KIA 94, from Sevruguin's photo;
 a^auv^aay^aa Hz., which he emends to ar^uuv^aaθ^aa; a^auv^aay^aa, with f^a to be emended to r^u, and y^a rather than θ^a, Kent from Schmidt photo.

⁴⁹The divider is not at the end of 49, but at the beginning of 50. Between the two lines there is the vacant space of one line, to indicate the break in the subjectmatter. ^{51,51-2}c^aiy^aak^ar^am^am^ac^aiy^a in both places, Hz., confirmed by Schmidt photo; with metathesis for m^ac^am^a, and to be normalized ciyākaramcamaiy. ⁵²[durux]tam Bv., after DB 4.44f, 49f. ⁵³[xšnutam] Kent; the space is inadequate for Bv.'s āxšnūtam. ⁵⁵⁻⁶[durux]tam Kent, after Bv.'s restoration in 52. ⁵⁶⁻⁶⁰The remaining restorations, quite dubious, are largely my own. ⁵⁹The m^a of ayāumainiš was omitted on the Rock.

For my variations from Hz.'s text. see Lg. 15.166-74, JNES 4.39-52.

ترجمه DNb:

بند ۱.۷.۵. خدای بزرگ اهورامزدا است که این شکوه را که دیده می‌شود آفرید، که شادی را برای انسان آفرید، که خرد و فعالیت را به داریوش شاه ارزانی داشت.

بند ۱۱-۵۸a. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا بگونه‌ای هستم که راستی را دوست هستم، خطا را دوست نیستم. نه مرا کام است که به ضعیف از سوی قوی ظلم کرده شود، نه مرا کام است که به قوی از سوی ضعیف ظلم کرده شود.

بند ۱۵-۱۱.۸b. آنچه راست است، آن کام من است. مرد دروغزن را دوست نیستم. تند خو نیستم. آن چیزهایی را که خشم مرا گسترش می‌دهند، توسط اندیشه خویش بشدت تحت مراقبت نگه‌میدارم. سخت بر (امیال) خود مسلط هستم.

بند ۲۱-۱۶.۸c. مردی را که همکاری می‌کند، او را متناسب با همکاریش، او را پاداش می‌دهم. آنکه آسیب می‌رساند، او را متناسب با آسیبش، او را مجازات می‌کنم. نه مرا کام است که مردی آسیب برساند؛ نه در واقع مرا کام است که اگر آسیب رساند، مجازات نشود.

بند ۲۴-۲۱.۸d. آنچه مردی علیه مردی می‌گوید، آن مرا باور نیاید، تا اینکه فرمان قوانین خوب را اجابت کند.

بند ۲۷-۲۴.۸e. آنچه مردی متناسب با قوای (طبیعی) خود (برای من) بکند یا بجای آورد، خشنود هستم و مرا کام بسیار است و نیک خشنود هستم.

بند ۳۱-۲۷.۸f. از این گونه است هوش و فرمان من: چون آنچه از سوی من کرده شده بینی یا بشنوی، چه در کاخ و چه در اردوگاه رزم، این فعالیت من است علاوه بر قدرت اندیشه‌ام و هوشم.

بند ۴۰-۳۲^(۲۳).۸g. در واقع این فعالیت من است: تا تن من توان دارد، بعنوان هماورد، هماورد خوبی هستم. همینکه با هوش در (آورد-) گاه نگریسته شود، آنکه نافرمان (باشد)، آنکه غیر (نافرمان باشد) می‌بینم؛ چه باهوش، چه با فرمان، آنگاه نخستین کسی هستم که می‌اندیشم همراه با عمل، چه هنگامیکه نافرمانی را می‌بینم، چه هنگامیکه غیر (نافرمانی) را می‌بینم.

بند ۴۵-۴۰.۸h. آزموده هستم، هم با دست‌ها، هم با پای‌ها. بعنوان سوار، سوار خوبی هستم. بعنوان کمان‌ور، کمان‌وری خوب هستم، چه پیاده چه سوار. بعنوان نیزه‌ور، نیزه‌ور خوبی هستم، چه پیاده چه سوار.

بند ۴۹-۴۵.۸i. و مهارت‌های (بدنی) که اهورامزدا به من فرو فرستاد و توانا بوده‌ام در استفاده از آنها، بخواست اهورامزدا، آنچه بوسیله من کرده شد، با این

مهارت‌هایی کردم که اهورامزدا بر من ارزانی داشت.
 بند ۵۵.۵۰.۹a ای بنده، جداً آگاه ساز که من چگونه‌ام، مهارت‌هایم چگونه‌اند، برتریم
 چگونه است. مبادا دروغ بنظرت رسد آنچه با گوش‌هایت شنیده شده است.
 آنچه را که بتواظهار شده، بشنو.
 بند ۶۰.۵۵.۹b ای بنده، مبادا آنچه بوسیله من کرده شده است، دروغ (بنظرت) نمایانده
 شود. بنگر آنچه را که [نوشته شده است]. مبادا قوانین [مورد نافرمانی
 قرارگیرد] بوسیله تو. مبادا [کسی در فرمانبرداری] ناآزموده شود. [ای بنده] مبادا
 شاه، (خود را ملزم به) تحمیل مجازات (؟) کند [برای عمل خطا (؟) در مورد
 ساکنین (در این سرزمین) (؟)].

متن DN/کتیبه‌های کوچک:

- DNc 1 Gaubaruva: Pātišuvāriš: Dāra
 2 yavahauš: xšāyaθiyahyā: arštibara
 DNd 1 Aspacanā: vaḡabara :Dārayavahauš: xš
 2 āyaθiyahyā: isuvām: dārayatiy
 DN I iyam: Pārsa
 II iyam: Māda
 III iyam: Ūvja
 IV iyam: Parθava
 XV iyam: Sakā: tigraxaudā
 XVI iyam: Bābiruš
 XVII iyam: Aθuriya
 XXIX iyam: Maciyā

یادداشت‌هایی بر DN، کتیبه‌های کوچک:

DNc: ²arštibara, engraved š^ar^as^at^aib^ar^a; the original draft was miswritten ar^as^at^aib^ar^a, and the š^a, intended to replace the s^a, was by error inserted in the place of the a. (But the first engraved character is read by Cameron from photographs not as š^a, but as h^a; for a miswritten h^a I can offer no

explanation).

DNd: «اسپَچَنا» دارای کمان یا کماندانی سنگین بر روی شانه چپ و تبرزینی در دست است؛
مقایسه شود با JNES 4.233

ترجمه DN، کتیبه‌های کوچک:

:DNc

«گئویراؤ» اهل «پتی شووری»، نیزه‌دار داریوش شاه.

:DNd

«اسپَچَنا» کمانور، تبرزین داریوش شاه را (دردست) دارد.

:DNI

این پارسی است.

:DNII

این مادی است.

:DNIII

این عیلامی است.

:DN IV

این پارتی است.

:DN XV

این سکای تیز خود است.

:DN XVI

این بابلی است.

:DN XVII

این آشوری است.

:DN XXIX

این اهل مَک است.

DSa = A داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ XŠyān

- 2 ām: XŠ DHnām: Vīštāspahyā: puça: Ha
3 xāmaniš^aya: θātiy: Dārayavauš: XŠ
4 :vašnā: AMha: adam: ava: akunavam: tya:
5 akunavam: visahyā: frašam: θadayātaiy

یادداشت‌هایی بر DSa:

⁵ frašam: θadayātaiy, Hz. ApI 156-8, for the previously accepted frašta:
θadayāmai; but Hinz, ZDMG 95.223-5, supports a[dam: visa]hyā: frašta:
θadayāmai.

ترجمه DSa:

بند ۱-۱.۳. من داریوش... (=DPa 1-5).
بند ۲-۳.۵. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا من کردم آنچه را که کردم؛ بر همگان
عالی بنظر آید.

DSb = B داریوش / شوش

- 1 adam: Dārayavau
2 š: xšāyaθiya
3 :vazraka: xšāya
4 θiya: xšāyaθi
5 yānām: xšāya
6 θiya: dahyūnā
7 m: xšāyaθiya:
8 haruvahyāya:
9 būmiyā: Vīšt
10 āspahyā: puça
11 :Haxāmanišiya

ترجمه DSb:

من داریوش... (DPa 1-4 =)، شاه کشورها... (DPe 4-5=).

DSc = C داریوش / شوش

adam: Dārayavauš XŠ: vazraka XŠyānām: Vištāspahyā: puça

ترجمه DSc:

من داریوش... (DPa 1-3,4-5=)

DSd = D داریوش / شوش

1 adam Dārayavauš XŠ vazraka XŠ XŠyānām XŠ DHnām
XŠ

2 ahyāyā BUyā Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya θā

3 tiy Dārayavauš XŠ vašnā AMha imam: tacaram akunavam

ترجمه DSd:

بند ۱.۱.۲. من داریوش... (DPa 1-4=)، شاه در این زمین... (DPe 4-5).

بند ۲.۲.۳. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا من این کاخ را ساختم.

DSe = E داریوش / شوش

1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: imā

2 m: būmim: adadā: hya: avam: as

3 mānam: adadā: hya: martiyam: ada

4 dā: hya: šiyātim: adadā: mart

5 iyahyā: hya: Dārayavaum: XŠm: ak

6 unauš: aivam: parūvnām: XŠm: a

7 ivam: parūvnā: framātāram: a

8 dam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠy

9 ānām: XŠ: dahyūnām: vispazanā

- 10 nām: XŠ: ahyāyā: būmiyā: vaz
- 11 rakāyā: dūrai: apiy: Vštās
- 12 pahyā: puça: Haxāmanišiya: Pār
- 13 sa: Pārsahyā: puça: Ariya: Ari
- 14 ya: ciça: θātiy: Dārayavauš: XŠ:
- 15 vašnā: Auramazdāhā: imā: dahy
- 16 āva: tyā: adam: agarbāyam: apata
- 17 ram: hacā: Pārsā: adamšām: pat
- 18 iyaxšaya: manā: bājim: abara:
- 19 tyašām: hacāma: aθahya: ava: aku
- 20 nava: dātām: tyā: manā: avadiš: a
- 21 dāraya: Māda: Ūja: Parθava: Haraiva:
- 22 Bāxtriš: Suguda: Uvārazmiš
- 23 :Zraka: Harauvatiš: θataguš: Maci
- 24 yā: Gadāra: Hiduš: Sakā: haumava
- 25 rgā: Sakā: tigraxaudā: Bābir
- 26 uš: Aθurā: Arabāya: Mudrāya:
- 27 Armina: Katpatuka: Sparda: Yaun
- 28 ā: tyai: drayahyā: utā: tyai
- 29 y: paradraya: Skudra: Putāyā:
- 30 Kūšiyā: Karkā: θātiy: Dāra
- 31 yavauš: XŠ: vasiy: tyā: duškarta
- 32 m: āha: ava: naibam: akunavam: da
- 33 hyāva: ayauda: aniya: aniyam:
- 34 aja: ava: adam: akunavam: vašnā
- 35 :Auramazdāhā: yaθā: aniya: a
- 36 niyam: naiy: jatiy: cinā: gā
- 37 θavā: kašciy: astiy: dātām:
- 38 tyā: manā: hacā: avanā: tarsati

- 39 y: yaθā: hya: tauviyā: tyam: s
 40 kauθim: naiy: jatiy: naiy: vi
 41 mardatiy: θātiy: Dārayavauš:
 42 XŠ: vašnā: Auramazdāhā: dastaka
 43 rtam: vasiy: tya: paruvam: naiy
 44 :gāθavā: kartam: ava: adam: gāθa
 45 vā: akunavam: + + + +: nāma: varda
 46 nam: didā: hanatāyā: avagmat
 47 ā: paruvam: akartā: hacā: ava
 48 daša: ā: pasāva: didām: aniy
 49 ām: akunavam: θātiy: Dārayavau
 50 š: XŠ: mām: AM: pātuv: hadā: ba
 51 gaibiš: utamaiy: viθam: u
 52 tā: tyamaiy: nipištam

یادداشت‌هایی بر DSe:

برای بازسازی این متن، نگاه کنید به مراجع در کتابشناسی.

21-30

فهرست ایالت‌ها براساس ترجمه دوباره از تحریر اکدی بازسازی شده است؛ اینکه putāyā و kūšiya هر دو در سطر ۲۹-۳۰ قرار داشته باشند، وابسته است به اینکه فاصله موجود در پایان سطر ۲۱ تحریر اکدی برای هر دو نام کافی باشد.

³⁶ci[nā] Kent, JAOS 58.116-7; ci[tā]Sen 134.

45-9

بازسازی‌ها کاملاً غیر قطعی است؛ مقایسه شود با:

Hinz, ZDMG 95.229-32.

ترجمه DSe:

بند ۷.۱.۱ (= DN 1-8).

بند ۷.۲-۱۴.... (=DNa 8-15).

بند ۳۰-۱۴.۳.... (=DNa 15-24)، مردم مَک،... (=DNa 24-28)، ایونیایی‌ها، (آنان) که کنار دریا هستند و (آنان) که آنسوی دریا هستند، اسکودز، لیبیایی‌ها، کوشی‌ها، کاری‌ها.

بند ۴۱-۳۰.۴. داریوش شاه گوید: بسیار کارهای بد کرده شده بود، آنها را نیک کردم. کشورها در شورش بودند، یکی دیگری را نابود می‌کرد. من بخواست اهورامزدا آن را چنان کردم که به کلی یکی دیگری را نابود نکند، هرکس در جای خود است. قانون من، از آن می‌ترسند، از این روی توانا ضعیف را نه، می‌زند، نه نابود می‌کند.

بند ۴۹-۴۱.۵. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا، بسیار کارهای دستی که قبلاً از جای خود جابجا شده بود، آن را من در جای خود قرار دادم. شهری... نام، دیوار (آن) از گذشت زمان فرو ریخته، قبل از این بازسازی نشده بود، دیوار دیگری ساختم (برای کارکردن) از آن هنگام تا آینده.

بند ۵۲-۴۹.۶. داریوش شاه گوید: اهورامزدا با بغان، مرا و خاندان مرا و آنچه را که بوسیله من نوشته شده بیاید.

DSf = F داریوش / شوش

1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būmim: a

2 dā: hya: avam: asmānam: adā: hya: martiyam: adā

3 :hya: šiyātim: adā: martiyahyā: hya: Dāra

4 yavaum: XŠyam: akunauš: aivam: parūnām: XŠ

5 yam: aivam: parūnām: framātāram: adam: Dāra

6 yavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHnām: XŠ

7 :ahyāyā: BUyā: Vištāspahyā: puça: Haxāma

8 nišiya: θātiy: Dārayavauš: XŠ: Auramazdā:

9 hya: maθišta: bagānām: hauv: māām: adā: ha

10 uv: māām: XŠyam: akunauš: haumaiy: ima: xša

11 çam: frābara: tya: vazrakam: tya: uvaspam: uma

12 rtiyam: vašnā: Auramazdāha: hya: manā: pitā

13 :Vištāspa: utā: Aršāma: hya: manā: niyāka:

- 14 tyā: ubā: ajivatam: yadiy: Auramazdā: mā
- 15 m: XŠyam: akunauš: ahyāyā: BUyā: Auramazd
- 16 ām: avaθā: kāma: āha: haruvahyāyā: BUyā: mar
- 17 tiyam: mām: avarnavatā: mām: XŠyam: akunauš:
- 18 haruvahyāyā: BUyā: adam: Auramazdām: ayadaiy:
- 19 Auramazdāmai: upastām: abara: tyamai: fram
- 20 ātam: cartanaiy: ava: ucāramai: akunauš: t
- 21 ya: adam: akunavam: visam: vašnā: Auramazdāha:
- 22 akunavam: ima: hadiš: tya: Čušāyā: akunavam:
- 23 hacāciy: dūradaša: arjanamšaiy: abariya: frava
- 24 ta: BU: akaniya: vātā: aθagam: BUyā: avārasam:
- 25 yaθā: katam: abava: pasāva: θikā: avaniya: aniyā:
- 26 XL: arašaniš: baršnā: aniyā: XX: arašaniš: barš
- 27 nā: upariy: avām: θikām: hadis: frāsahya
- 28 :utā: tya: BU: akaniya: fravata: utā: tya: θikā:
- 29 avaniya: utā: tya: ištiš: ajaniya: kāra: hya: Bā
- 30 biruviya: hauv: akunauš: θarmiš: hya: nau
- 31 caina: hauv: Labanāna: nāma: kaufa: hacā: avanā: aba
- 32 riya: kāra: hya: Aθuriya: haudim: abara: yātā:
- 33 Bābirauv: hacā: Bābirauv: Karkā: utā: Yau.
- 34 nā: abara: yātā: Čušāyā: yakā: hacā: Gadārā
- 35 :abariya: utā: hacā: Karmānā: daraniyam: hacā
- 36: Spardā: utā: hacā: Bāxtriyā: abariya: tya
- 37 :idā: akariya: kāsaka: hya: kapautaka: utā: sikab
- 38 ruš: hya: idā: karta: hauv: hacā: Sugudā: aba
- 39 riya: kāsaka: hya: axšaina: hauv: hacā: Uvāraz
- 40 miyā: abariya: hya: idā: karta: ardatam: utā: a
- 41 sā: dāruv: hacā: Mudrāyā: abariya: ar
- 42 janam: tyanā: didā: pištā: ava: hacā: Yaun

- 43 ā: abariya: piruš: hya: idā: karta: hacā: Kūš
 44 ā: utā: hacā: Hidauv: utā: hacā: Harauvat
 45 iyā: abariya: stūnā: aθagainiya: tyā: id
 46 ā: kartā: Abirāduš: nāma: āvahanam: Ūjaiy
 47 :hacā: avadaša: abariya: martiyā: karnuvakā: t
 48 yayi: aθagam: akunavatā: avaiy: Yaunā: utā
 49 :Spardiyā: martiyā: dāraniyakarā: tyaiy: daran
 50 iyam: akunavaša: avaiy: Mādā: utā: Mudrāy
 51 ā: martiyā: tyaiy: dāruv: akunavaša: avaiy:
 52 Spardiyā: utā: Mudrāyā: martiyā: tyaiy
 53:agurum: akunavaša: avaiy: Bābiruviy
 54 ā: martiyā: tyaiy: didām: apiθa: avaiy: Mād
 55 ā: utā: Mudrāyā: θātiy: Dārayavauš: XŠ:
 56 Čūšāyā: paruv: frašam: framātam: paruv: fraša
 57 m: āha: mām: Auramazdā: pātuv: utā: V
 58 ištāspam: hya: manā: pitā: utāmai: DHum

یادداشت‌هایی بر DSf:

سطر بندی این متن همان است که در لوحه a «شیل»، به استناد قطعات متعدد نسخه‌های دیگر، و نیز تحریرهای عیلامی و اکدی، کامل شده است. تمام نسخه‌ها دارای یک متن بوده‌اند، بجز موردی که در توضیح مربوط به سطر ۵۵ بیان شده است؛ برای تغییرات ارائه شده از سوی 9-30.39 WZKM, Brd., مبنایی وجود ندارد.

¹⁴tyā König, Burgbau 29; imā Hz. AMI 3.34; but the traces are very faint

and indecisive, cf. Kent, JAOS 53.8. ²⁰Retranslation of Elam. version by Hinz, JNES 9.1-7, because of Elam. ù-sa-ra-um-mi, transliteration of OP ucāramaiy=ucāram-maiy; the Akk. version is here, as often, quite different.

²¹The Akk. does not warrant ava with visam; in this phrase, ava always precedes, but the OP has no gap at that point. ²⁷frāšah[ya](passive) is probably better than my frāšaha[m] (active), JAOS 53.13. ⁴¹dāruva Scheil 21.18, etc., is a

better reading than *sāruva*, Hz. Apl 299; but normalize *dāruv*, with Duchesne. Guilleman (*d*^a certain, according to Duchesne-Guillemin, who inspected the original tablet at the Louvre in 1948); for meaning and normalization, see Lex. s.v. *dāruv*. ⁴²[p]ištā Bv. BSLP 30.1.62-3; [d]ištā Hz. AMI 3.37. ⁵¹[dār]uv Hinz, rather than [išmal]uv; see Lex. s.vv.

⁶²'Babylonians' here seems to denote 'Ionians resident in Babylonia,' cf. König, *Burgbau* 25; confirmed by the reading of Akk. frag. Y line 9 of obverse (Akk. 21 = OP 30), given by Scheil 24.107. ⁵⁵Between the text of 55 and that of 56, Scheil's fragment *θ* indicates the presence of *vašnā Auramazdāha* (JAOS 51.196); but there is no space for it in tablet a. There is also no room for *aita tya*, inserted here by Hz. AMI 3.38, 3.77. ⁵⁷[āha] Brd. WZKM 39.36; probably better than *abava*, Kent, JAOS 52.22-3.

ترجمه DSf:

بند ۱.۱... (= DN a 1-8).

بند ۵.۲... (= DS d 1-2).

بند ۱۲.۳a. داریوش شاه گوید: اهورامزدا، بزرگترین بغان، او مرا آفرید، او مرا شاه کرد، او این شهریار را به من ارزانی داشت، که بزرگ، دارای اسبان خوب، دارای مردان خوب است.

بند ۱۵.۱۲.۳b. بخواست اهورامزدا، پدر من و یشتاسب و ارشام نیای من، هر دو زندگی می کردند هنگامیکه اهورامزدا مرا در این زمین شاه کرد.

بند ۱۸.۱۵.۳c. اهورامزدا را چنین کام بود: او در تمام این زمین مرا بعنوان انسان (دلخواه خود) برگزید؛ مرا در تمام این زمین شاه کرد.

بند ۲۲.۱۸.۳d. من اهورامزدا را ستایش کردم، اهورامزدا مرا یاری رساند. آنچه را که من به انجام آن فرمان دادم، او برای من نیک گردانید. آنچه که من کردم، همه را بخواست اهورامزدا کردم.

بند ۲۷.۲۲.۳e. این کاخ را که در شوش ساختم، تزئینات آن از دور دست آورده شد. زمین کنده شد، تا اینکه در زمین به سنگ رسیدم. هنگامیکه کنده شد، آنگاه شفته انباشته شد، حدود ۴۰ ارش عمق (و در جای) دیگر ۲۰ ارش عمق. روی آن

شفته کاخ بنا شد.

بند ۳۰-۲۸.۳۴. و زمینی که کنده شد، و شفته‌ای که انباشته شد، و خشتی که زده شد، مردم بابل (این کارها را) انجام دادند.

بند ۳۰-۳۵.۳. الوار کاج، از کوهی لبنان نام، از آنجا آورده شد. مردم آشور آنرا آوردند تا بابل، از بال کاری‌ها و ایونیایی‌ها آوردند تا شوش. الوار «یکا» از گندار و کرمان آورده شد.

بند ۴۰-۳۵.۳h. زری که در اینجا بکار رفته، از سارد و باختر آورده شد. سنگ قیمتی کبود و عقیقی که در اینجا بکار رفته، آن از سُغد آورده شد. سنگ قیمتی فیروزه که در اینجا بکار رفته، از خوارزم آورده شد.

بند ۴۰-۴۵.۳i. نقره و چوب آبوس از مصر آورده شد. زیوری که با آن، دیوار آراسته شد، آن از ایونی آورده شد. عاجی که در این جا بکار رفته از کوش و از سند و از رخج آورده شد.

بند ۴۰-۴۵.۳j. ستون‌های سنگی که در اینجا بکار رفته از دهکده‌ای «ایرادو» نام در عیلام، از آن جا آورده شد. مردان سنگ تراشی که سنگ کاری کردند، آنان ایونیایی و ساردی بودند.

بند ۴۰-۴۹.۳k. مردان زرگری که زرگری کردند، آنان مادی و مصری بودند. مردانی که با چوب کار کردند، آنان ساردی و مصری بودند. مردانی که با آجر پخته کار کردند، آنان بابلی بودند. مردانی که دیوار را آراستند، آنان مادی و مصری بودند.

بند ۵۸-۵۵.۴. داریوش شاه گوید: در شوش (کاری) بسیار عالی فرموده شد، (کاری) بسیار عالی (تکمیل) شد. اهورامزدا مرا و ویشتاسپ پدر من و سرزمین مرا بیاید.

داریوش / شوش DSg = G

1 adam: Dārayavauš XŠ vazraka XŠ XŠyānām XŠ DHnām
XŠ ah

2 yāyā BUyā: Vištāspahyā puça Haxāmanišiya θāt

3 iy: Dārayavauš XŠ viθiyā imā stūnā adam akunavam

یادداشتی بر DSg:

³[viθiyā imā stūnā] Brd., for which Hinz, ZDMG 95.238, prefers [imam

apadānam]

ترجمه DSg:

بند ۱.۱.۲... (= 1-2 DSd).

بند ۲.۲.۳. داریوش شاه گوید: این ستون‌ها را در خانه (ام) ساختم.

DSi = I داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš XŠ: vazraka: XŠ XŠyānām: XŠ
DHnām: XŠ a

2 hyāyā BUyā: Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya: θ

3 ātiy: Dārayavauš XŠ: yaθā: AM: mām: XŠyam: akunauš:

4 ahyāyā BUyā: vašnā: AMha: visam: naibam: akunavam

یادداشتی بر DSi:

⁴For restoration, cf. XPg 4, XV 20; but the Akk. does not warrant Brd.'s

visam tya naibam, WZKM 39.43; cf. XPh 43.

ترجمه DSi:

بند ۱.۱.۲... (= 1-2 DSd).

بند ۲.۲.۴. داریوش شاه گوید: پس از آنکه اهورامزدا مرا در این زمین شاه کرد، بخواست اهورامزدا هر آنچه را (که) انجام دادم خوب (بود).

DSj = J داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš XŠ: vazraka XŠ XŠyānām: XŠ ahyāyā
BUyā: Vištāspahyā:

2 puça: Haxāmanišiya: θātiy: Dārayavauš XŠ: visam: tya:
adam: akunava

3 m: aniyaθā: naiy: akunavam: yaθā: AM m: kāma: āha:
avaθā: akunava

4 m: mām: AM: dauštā: āha: tya: akunavam: avamaiy: visam:
ucāram: āha: θā

- 5 tiy: Dārayavauš XŠ: vašnā AMhā: hya: ima: hadiš: vainātiy:
 tyā: manā: ka
 6 rtam: visahyā: frašam: θadayātaiy: mām: AM: pātuv:
 utamaiy: DHum

یادداشت‌هایی بر DSj:

²visam Hinz (after Elam.). ³[paruv]iyaθā naiy 'nicht in einem einzigen Anhieb' Brd.; [aparuv]iyaθā naiy 'wie nie zuvor' Hz. ApI 103; [an]iyaθā naiy 'not otherwise' Kent; Hinz ZDMG 102.376 (after Elam.). ³AMm kāma Hinz ib.
⁶frašam θadayā[taiy] Hz. (cf. DSa 5,q.v.); frašta Scheil.

ترجمه DSj:

بند ۱.۱.۲... (= DSd 1-2)، با یک مورد افتادگی).
 بند ۲.۲.۴. داریوش شاه گوید: هر آنچه را که من انجام دادم، از جهات دیگر نکردم، (بلکه)
 آنگونه که اهورامزدا را کام بود، همانگونه کردم. اهورامزدا مرا دوست بود؛ هر
 آنچه که انجام دادم، آن همه، برای من موفقیت‌آمیز بود.
 بند ۳.۴.۶. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا، این کاخی که بوسیله من ساخته شده
 است، برای هرکسی که آنرا ببیند، عالی بنظر آید. اهورامزدا مرا و سرزمین مرا
 بپاید.

داریوش / شوش = DSk = K

- 1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠy
 2 ānām: XŠ: DHnām: Vištāspahyā:
 3 puça: Haxāmanišiya: θātiy: Dā
 4 rayavauš: XŠ: manā: AM: AMha: adam: AMm:
 5 ayadaiy: AMmaniy: upastām: baratuv

ترجمه DSk:

بند ۱.۱.۳... من داریوش... (= DPa 1-5).

بند ۳.۲.۵. داریوش شاه گوید: اهورامزدا از آن من است، من از آن اهورامزدا هستم. من اهورامزدا را پرستیدم. اهورامزدا مرا یاری رساند.

DSI = L داریوش / شوش

- 1 θātiy: Dārayavauš: x
- 2 šāyaθiya: vašnā: Aura
- 3 mazdāha: tya: amaniyai
- 4 y: kunavānaiy: avamai
- 5 y: visam: ucāram: āha:

ترجمه DSI:

داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا آنچه اندیشیدم که انجام دهم، همه آنها برای من موفقیت آمیز بود.

DSm = M داریوش / شوش

- 1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām:
- 2 XŠ: DHnām: Vištāspahyā: puça: Haxāmanisiya:
- 3 θātiy: Dārayavauš: XŠ: AMmai: xšaçam: frābara:
- 4 tya: vazrakam: tya: umartiyam: mām: xšāyaθiyam:
- 5 ahyāyā: būmiyā: akunauš: vašnā: AMhā: imā: dah
- 6 yāva: tyaišām: adam: xšāyaθiya: abavam: Pārsa:
- 7 Ūja: Bābiruš: Aθurā: Arabāya: Mudrāya: Sparda:
- 8 Yauna: Māda: Armina: Katpatuka: Parθava: Zraka:
- 9 Haraiva: Uvārazmiš: Bāxtriš: Suguda: Gadāra:
- 10 Ōataguš: Harauvatiš: Hiduš: Skudra: Yaunā: taka
- 11 barā:.....

یادداشتی بر DSm:

در اینجا متن بازسازی شده 39.55-8 Brd. WZKM، علیرغم مغایرت‌های کاربردی هزوارش‌ها، ارائه

شده است.

ترجمه DSm:

بند ۱.۱.۲. من داریوش... (DPa 1-5=).

بند ۱.۱.۳.۲. داریوش شاه گوید: اهورامزدا شهریاری بزرگ، دارای مردان خوب را بر من ارزانی داشت؛ او مرا در این زمین شاه کرد. بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهای که من شاه آنها شدم: پارس، عیلام، بابل، آشور، اربابیه، مصر، سارد، ایونی، ماد، ارمنیه، کپدوکیه، پارت، زرنگ، هرات، خوارزم، بلخ، سغد، گندار، تنگوش، رخج، سند، اسکودر، ایونیایی‌های پتاسوس برسر...

DSn = N داریوش / شوش

1 imam: patikaram: Dārayavauš: XŠ: niyaštāya: cartanaiy:

+++....

2...+++ na: Dārayavaum: XŠyam: AM: pātuv: utā: tya:

kartam

ترجمه DSn:

ساختن این پیکره را داریوش شاه فرمان داد،... اهورامزدا داریوش شاه و آنچه را که (بوسیله او) ساخته شده بپاید.

DSO = O داریوش / شوش

1+++++ ++++++ ++++++ naš^a

2 tam: akunavam: θātiy: Dā

3 rayavauš: XŠ: vašnā: AMha: Čūš

4 āyā: idā: frašam: akunavam

یادداشتی بر DSO:

هیئت در ZDMG 95.255-7 بخشی از کتیبه فوق را بعنوان کتیبه‌ای از داریوش دوم (D²Sd)،

بازسازی می‌کند.

ترجمه DSO:

... ساختم. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا، اینجا در شوش (بنایی) عالی ساختم.

DSp = P داریوش / شوش

- 1 Auramazdā: vazraka: hya: maθišta: bagānām: hauv: Dā
- 2 rayavaum: XŠyam: adā: haušaiy: xšačam: frābara: tya: nai
- 3 bam: tya: uraθaram: uvaspam: umartiyam:...

یادداشت‌هایی بر DSp:

³[u]raθaram Brd. WZKM 39.61-2; [f]raθaram Bv. BSLP 33.2.151.

تمام متن ارائه شده در بالا متعلق به براندشتین است؛ هینتز در ZDMG 95.244، این متن را بصورت زیر پیشنهاد می‌کند:

- 1 [baga: vazraka: Auramazd]ā[:hya: maθišta: bagān
- 2 ām: hya: Dārayavaum:] XŠya[m: akunauš: θāti
- 3 y: Dārayavauš XŠ: ima: f[raθaram [:adam: akunavam]

ترجمه DSp:

اهورامزدا، بزرگ، بزرگترین بغان، او داریوش شاه را آفرید، شهریار خوب، دارای گردونه رانان خوب، اسبان خوب، مردان خوب را به او ارزانی داشت.

DSq = Q داریوش / شوش

- 1...a...
- 2...:Dārayavauš: XŠ:...cašam:...
- 3...:adānā:... ..nas^atā...
- 4... m: mā: ka... ..:mā:yā...

ترجمه DSq:

داریوش شاه... چشم... او دانست... مَ... مَ...

DSs = S داریوش / شوش

- 1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: frašam: ah
- 2 yāyā: būmiyā: kunautiy: hya: mart
- 3 iyam: ahyāyā: būmiyā: kunau
- 4 tiy: hya: šiyātim: kunautiy:
- 5 martiyahyā: hya: uvaspā: uraθācā:
- 6 kunautiy: manā: haudiš: frābara: mām: Au
- 7 ramazdā: pātur: utā: tyamaiy: kartam:

یادداشتی بر DSs:

هیئت ZDMG 95.245-8 در آغاز بیش از یک سطر را بازسازی کرده و در سطر ۶ نیز بیانی بشرح

زیر دارد:

- 0 бага: vazraka: Auramazdā: hya: maθišta: bag
- 1 ānām: hya: Dārayavaum: xsāyaθiyam:] ah
-
- 6 [kunautiy: hyamaiy: upastām: aba]ra: mām: Au

ترجمه DSs:

خدای بزرگ اهورامزدا است که برتری را در این زمین برقرار می‌کند، که انسان را در این زمین بوجود می‌آورد، که شادی را برای انسان می‌آفریند، که اسبان خوب، ارابه‌های خوب را می‌آفریند. آنها را بر من ارزانی داشت. اهورامزدا مرا و آنچه را که بوسیله من کرده شده بپاید.

DSt = T داریوش / شوش

- 1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: imā
- 2 m: būmim: adā: hya: avam: as
- 3 mānam: adā: hya: martiyam: a
- 4 dā: hya: šiyātim: adā: mart
- 5 iyahyā: hya: Dārayavaum: xš

- 6 āyaθiyam: akunauš: θāti
 7 y: Dārayavauš: XŠ: mām: Auramaz
 8 dā: pātuv: hadā: bagaibiš
 9: utamaiy: viθam: utā: θuv
 10 ām: kā: XŠ: hya: aparam: āhy

ترجمه DSt:

بند ۱.۱.۶... (= DNa 1-6).

بند ۱.۲.۶... (= DSe 49-51) و تو را که روزی شاه خواهی شد بپاید.

DSy = Y داریوش / شوش

- 1 adam: Dārayavauš XŠ: vazraka XŠ XŠyānām
 2 XŠ DHyūnām XŠ: ahyāyā BUyā: Vi
 3 štāspahyā: puça: Haxāmanišiya

یادداشتی بر DSy:

متن فوق از روی نسخه کپی شده از طریق سایش ذغال، که حذف نشانه‌های جدا سازنده واژه را مسجل می‌دارد، قرائت شده است؛ در حالیکه فاصله موجود در بخش از میان رفته سطر ۳، به حضور آن نیاز دارد. نسخه ناقص مذکور، اندکی دارای سطر بندی متفاوت است.

ترجمه DSy:

.... (= DSd 1-2)

کتیبه‌های داریوش در سوئز = DZ

یادداشتی بر DZ:

Recueil de متن ما از کتیبه‌های سوئز بر آثار جدید منانت و داریوش در
 Oppert, Le Peuple et la Travaux, vols. 9 and 11، با مطابقت

Langue des Mèdes 217-8 استوار است؛ مقایسه شود با JNES 1.415-21.

DZa = A داریوش / سوئز
1 Dā 2 raya 3 va 4 uš

ترجمه DZa:
داریوش.

DZb = B داریوش / سوئز
1 Dārayavauš: XŠ: vazraka
2: XŠ: XŠyānām: XŠ: dahy
3 ūnām: XŠ: ahyāyā:
4 būmiyā: vazrakāyā:
5 Vištāspahyā: pu
6 ça: Haxāmanišiya

ترجمه DZb:
..... (= 8-12 DNa) با کمبود دو واژه).

DZc = C داریوش / سوئز
1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: avam: asmānam: adā: hya:
imām: būm
2 im: adā: hya: martiyam: adā: hya: šiyātim: adā: martiyahy
3 ā: hya: Dārayavaum: XŠyam: akunauš: hya: Dārayavahauš:
XŠyā: xšaça
4 m: frābara: tya: vazrakam: tya: uvaspam: umartiyam: adam:
Dārayavauš:
5 XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: dahyūnām: vispazanānām:
XŠ: ahyāy

- 6 ā: būmiyā: vazrakāyā: dūrai: apiy: Vištāspahyā: puça: Ha
 7 xāmanišiya: θātiy: Dārayavauš: XŠ: adam: Pārsa: amiy:
 hacā: Pā
 8 rsā: Mudrāyam: agarbāyam: adam: niyaštāyam: imām:
 yauviyā
 9 m: katanaiy: hacā: Pirāva: nāma: rauta: tya: Mudrāyaiy:
 danuvatiy: ab
 10 iy: draya: tya: hacā: Pārsā: aitiy: pasāva: iyam: yauviyā:
 akaniya:
 11 avaθā: yaθā: adam: niyaštāyam: utā: nāva: āyatā: hacā:
 Mudrā
 12 yā: tara: imām: yauviyām: abiy: Pārsam: avaθā: yaθā: mām:
 kāma: āha

یادداشت‌هایی بر DZc:

The Fragment has⁹⁻¹⁰a]biy[:draya and¹⁰⁻¹akani]ya: a[vaθā.

ترجمه DZc:

بند ۱.۱-۴.... (= DN 1-6)، با یک تغییر در نظم؛ که به داریوش شاه... (= DSf 11-12).
 بند ۲.۴-۷.... (= DN 8-13).

بند ۳.۷-۱۲. داریوش شاه گوید: من پارسی هستم؛ از پارس مصر را گرفتم؛ من کندن این
 ترعه را فرمان دادم از رودی نیل نام که در مصر جاری است تا دریایی که از
 پارس می‌رود. پس از آن این ترعه کنده شد همانگونه که من فرمان داده بودم، و
 ناوها از مصر از طریق این ترعه به پارس رفتند همانگونه که مرا کام بود.

داریوش / الوند = DE

- 1 бага: vazraka: Auramazdā
- 2 :hya: imām: būmim:
- 3 adā: hya: avam: asmā
- 4 nam: adā: hya: martiya

- 5 m: adā: hya: šyāti
- 6 m: adā: martiyahyā:
- 7 hya: Dārayavaum: xšāya
- 8 θiyam: akunauš: aiva
- 9 m: parūnām: xšāyaθ
- 10 iyam: aivam: parūnām
- 11 :framātāram: adam:
- 12 Dārayavauš: xšāyaθi
- 13 ya: vazraka: xšāyaθiya:
- 14 xšāyaθiyānām: xš
- 15 āyaθiya: dahyūnām: pa
- 16 ruzanānām: xšāyaθ
- 17 iya: ahyāyā: būmiy
- 18 ā: vazrakāyā: dūrai
- 19 :apiy: Vištāspahy
- 20 ā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه DE:

بند ۱۱.۱.۱ (= 1-8 DNa).

بند ۱۱.۲ (= 8-10 DNa)، دارای همه گونه مردم، ... (= 11-13 DNa).

داریوش / همدان = DH

- 1 Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyanām: XŠ: dahy
- 2 ūvnām: Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya:
- 3 θātiy: Dārayavauš: XŠ: ima: xšaçam: tyā: ada
- 4 m: dārayāmiy: hacā: Sakaibiš: tyaiy: pa
- 5 ra: Sugdam: amata: yātā: ā: Kūšā: hacā: Hida
- 6 uv: amata: yātā: ā: Spardā: tyamaiy: Aurama
- 7 zdā: frābara: hya: maθišta: bagānām: m

8 ām: Auramazdā: pātuv: utāmai: viθam

یادداشتی بر DH:

متن ما از سطر بندی نسخه گرفته شده از لوحه زرین تبعیت می‌کند.

ترجمه DH:

بند ۱.۱.۲ ... (= DPh 1-3).

بند ۳.۲ ... (= DPh 3-10).

XP_a = A خشایارشا / پرسپولیس

1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būmim: a

2 dā: hya: avam: asmānam: adā: hya: martiyam:

3 adā: hya: šiyātim: adā: martiyahyā: hya

4 :Xšayāršām: xšāyaθiyam: akunauš: aivam:

5 parūnām: xšāyaθiyam: aivam: parūnām: fram

6 ātāram: adam: Xšayāršā: xšāyaθiya: vazraka:

7 xšāyaθiya: xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahy

8 ūnām: paruv: zanānām: xšāyaθiya: ahyāy

9 ā: būmiyā: vazrakāyā: dūrai: apiy: Dā

10 rayavahauš: xšāyaθiyahyā: puça: Hāxāmaniš

11 iya: θātiy: Xšayārša: xšāyaθiya: vašnā:

12 Auramazdāhā: imam: duvarθim: visadahyum

13 :adam: akunavam: vasiy: aniyašciy: naibam

14 :kartam: anā: Pārsā: tya: adam: akunavam:

15 utamai: tya: pitā: akunauš: tyapaty: ka

16 rtam: vainataiy: naibam: ava: visam: vašnā: A

17 uramazdāhā: akumā: θātiy: Xšayāršā:

18 xšāyaθiya: mām: Auramazdā: pātuv: utamai

19 y: xšaçam: utā: tya: manā: kartam: utā: tyamai

20 y: piça: kartam: avašciy: Auramazdā: pātuv

یادداشتی بر XPa.

¹⁰⁻¹¹hāxāmanišiya^(۲۴)، تحریر نادرستی برای -hāxā.

ترجمه XPa:

بند ۱.۱.۶... (=DNa 1-4)، که خشایارشا^(۲۵) را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرماندار از بسیاری.

بند ۱.۱.۶.۲... (=DE 12-19)، پسر داریوش شاه هخامنشی.

بند ۱۷.۱۱.۳... شاه خشایارشا گوید: بخواست اهورامزدا این دالان همه کشورها را من ساختم. بسیار (ساختمان) خوب دیگر در این (شهر) پارس ساخته شد، که من ساختم و پدر من ساخت. هر بنایی که زیبا دیده می‌شود، آن همه را بخواست اهورامزدا ساختیم.

بند ۲۰.۱۷.۴... شاه خشایارشا گوید: اهورامزدا مرا و شهریاری مرا بپاید و آنچه را که بوسیله من ساخته شده و آنچه را که بوسیله پدر من ساخته شده آنرا اهورامزدا بپاید.

خشایارشا / پرسپولیس XPb = B

1 бага: vazraka: Auramazdā

2 :hya: imām: būmim:

3 adā: hya: avam: asamā

4 nam: adā: hya: martiya

5 m: adā: hya: šiyāti

6 m: adā: martiyahyā:

7 hya: Xšayārsām: xšā

8 yaθiyam: akunauš: ai

9 vam: parūnām: xšāyaθ

۲۴. در متن انگلیسی به اشتباه: ¹¹⁻²hāxāmanišiya.

۲۵. در ترجمه انگلیسی به اشتباه: داریوش

- 10 iyam: aivam: parūnām
- 11 :framātāram: adam: X
- 12 šayāršā: xšāyaθiya:
- 13 vazraka: xšāyaθiya: xš
- 14 āyaθiyānām: xšāyaθ
- 15 iya: dahyūnām: paruv
- 16 zanānām: xšāyaθiya:
- 17 ahiyāyā: būmiyā:
- 18 vazrakāyā: dūratīy: a
- 19 piy: Dārayavahauš: xš
- 20 āyaθiyahyā: puça: Hax
- 21 āmanišiya: θātīy: X
- 22 šayāršā: xšāyaθiya:
- 23 vazraka: tyā: manā: karta
- 24 m: idā: utā: tyamaiy
- 25 :apataram: kartam: ava: v
- 26 isam: vašnā: Auramazdā
- 27 ha: akunavam: mām: Aura
- 28 mazdā: pātuv: hadā: ba
- 29 gaibiš: utāmai: xšaça
- 30 m: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر XPb:

متن ما دارای سطر بندی نسخه دوم است، بصورتی که در Hz. ApI, Tafel LX دیده می شود.

ترجمه XPb:

بند ۱.۱.۱ ... (=XPa 1-6).

بند ۱.۱.۲ ... (=XPa 6-11).

بند ۲۱.۳-۳۰.۴. خشایارشا، شاه بزرگ گوید: آنچه بوسیله من در اینجا ساخته شد، و آنچه بوسیله من

در فاصله‌ای (از اینجا) ساخته شد، تمام آن را بخواست اهورامزدا ساختم. اهورامزدا با بغان، مرا و شهریار مرا و آنچه را که بوسیله من ساخته شده پیاید.

خشایارشا / پرسپولیس XPc = C

- 1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būmim:
- 2 adā: hya: avam: asmānam: adā: hya: marti
- 3 yam: adā: hya: šiyātim: adā: martiyahyā
- 4 :hya: Xšayāršām: Xšm: akunauš: aivam: pa
- 5 rūnām: Xšm: aivam: parūnām: framātāram
- 6 :adam: Xšayāršā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠānām: XŠ:
- 7 dahyūnām: paruv: zanānām: XŠ: ahyāyā: b
- 8 ūmiyā: vazrakāyā: dūrai: apiy: Dārayava
- 9 hauš: XŠhyā: puça: Haxāmanišiya: θātiy: X
- 10 šayāršā: XŠ: vazraka: vašnā: Aurahya Mazdāha: i
- 11 ma: hadiš: Dārayavauš: XŠ: akunauš: hya: manā:
- 12 pitā: mām: Auramazdā: pātuv: hadā: baga
- 13 ibiš: utā: tyamaiy: kartam: utā: tyamaiy:
- 14 piça: Dārayavahauš: XŠhyā: kartam: avašciy
- 15: Auramazdā: pātuv: hadā: bagaibiš

یادداشتی بر XPc:

نشانه جداکننده میان aurahya و mazdāha موجود نیست (ca 10, cb 17, cc11). حالت
مفعولی صریح در بررسی‌های کامرون از عکس‌های مربوطه.

ترجمه XPc:

بند ۱.۱.۵... (=XPa 1-6).

بند ۶.۲.۹... (=XPa 6-11).

بند ۱۵.۹.۳. خشایارشا، شاه بزرگ گوید: بخواست اهورامزدا، این کاخ را داریوش شاه که

پدر من است ساخت. اهورامزدا با بغان مرا بپاید، و آنچه را که بوسیله من ساخته شده، و آنچه را که بوسیله پدر من داریوش شاه ساخته شده، آنرا نیز اهورامزدا با بغان بپاید.

خشیایارشا / پرسپولیس XPd = D

- 1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: i
- 2 mām: būmim: ada: hya: avam
- 3 :asmānam: adā: hya: martiya
- 4 m: adā: hya: šiyātim: adā: mar
- 5 tiyahyā: hya: Xšayāršām: x
- 6 šāyaθiyam: akunauš: aivam: par
- 7 ūnām: xšāyaθiyam: aivam: parū
- 8 nām: framātāram: adam: Xšayārš
- 9 ā: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya:
- 10 xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahy
- 11 ūnām: paruvzanānām: xšāyaθiya
- 12: ahiyāyā: būmiyā: vazrakāyā
- 13: dūrai: apiy: Dārayavahauš: xš
- 14 āyaθiyahyā: puça: Haxāmanišiya:
- 15 θātiy: Xšayāršā: xšāyaθiya: va
- 16 zraka: vašnā: Auramazdāha: ima: had
- 17 iš: adam: akunavam: mām: Auramaz
- 18 dā: pātuv: hadā: багаibiš: utama
- 19 iy: xšačam: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر XPd:

نسخه db در راه پله شرقی در پایان، پس از kartam دارای نشانه جدا کننده است؛ db در راه پله غربی، در پایان، جایی برای نشانه جدا کننده دارد، اما سنگ چنان آسیب دیده است که نشانه جدا کننده‌ای نمی‌تواند دیده شود (اطلاعات کامرون).

ترجمه XPD:

بند ۱.۱.۸... (=XPa 1-6).

بند ۲.۸-۱۴... (=XPa 6-11).

بند ۳.۱۵-۱۹. شاه بزرگ، خشایارشا گوید: بخواست اهورامزدا این کاخ را من ساختم... (=XPb 27-30).

خشایارشا / پرسپولیس XPe = E

1 Xšayāršā: xšāyaθiya: vazra

2 ka: xšāyaθiya: xšāyaθiyā

3 nām: Dārayavahauš: xšāyaθ

4 iyahyā: puça: Haxšmanišiya:

ترجمه XPe:

... (=XPa 6-7,9-11).

خشایارشا / پرسپولیس XPf = F

1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: imā

2 m: būmim: adā: hya: avam: asm

3 ānam: adā: hya: martiyam: adā:

4 hya: šiyātim: adā: martiyahy

5 ā: hya: Xšayāršām: xšāyaθiyam

6 :akunauš: aivam: parūnām: xš

7 āyaθiyam: aivam: parūnām: fram

8 ātāram: adam: Xšayāršā: xšā

9 yaθiya: vazraka: xšāyaθiya: xšā

10 yaθiyānām: xšāyaθiya: dahyū

11 nām: paruv: zanānām: xšāyaθ

12 iya: ahyāyā: būmiyā: vazrak

13 āyā: dūrai: apiy: Dārayavaha

14 uš: xšāyaθiyahyā: puça: Haxš

- 15 manišiya: θātiy: Xšayāršā:
- 16 xšāyaθiya: manā: pitā: Dāraya
- 17 vauš: Dārayavahauš: pitā: Viš
- 18 tāspa: nāma: āha: Vištāspahy
- 19 ā: pitā: Aršāma: nāma: āha: u
- 20 tā: Vištāspa: utā: Aršāma:
- 21 ubā: ajlvatam: aciy: Auramaz
- 22 dām: avaθā: kāma: āha: Dārayava
- 23 um: hya: manā: pitā: avam: xš
- 24 āyaθiyam: akunauš: ahyāyā:
- 25 būmiyā: yaθā: Dārayarahauš: xš
- 26 āyaθiya: abava: vasiy: tya: fraθara
- 27 m: akunauš: θātiy: Xšayāršā
- 28 :xšāyaθiya: Dārayavauš: puçā:
- 29 aniyaiciy: āhatā: Auramazdām
- 30 :avaθa: kāma: āha: Dārayavauš: hya
- 31 : manā: pitā: pasā: tanūm: mām
- 32 : maθištam: akunauš: yaθāmai
- 33 : pitā: Dārayavauš: gāθavā: a
- 34 šiyava: vašnā: Auramazdahā: ada
- 35 m: xšāyaθiya: abavam: piça: gā
- 36 θavā: yaθā: adam: xšāyaθiya: a
- 37 bavam: vasiy: tya: fraθaram: aku
- 38 navam: tyamaiy: piça: kartam: āha
- 39 :ava: adam: apayaiy: utā: ani
- 40 ya: kartam: ablvāyayam: tyapati
- 41 y: adam: akunavam: utamaiy: tya
- 42 :pitā: akunauš: ava: visam:
- 43 vašnā: Auramazdahā: akumā: θ
- 44 ātiy: Xšayāršā: xšāyaθiya:

45 mām: Auramazdā: pātuv: utama

46 iy: xšačam: utā: tya: mānā: kar

47 tam: utā: tyamaiy: piča: kartam

48 :avašciy: Auramazdā: pātuv

یادداشت‌هایی بر XPf:

Dārayavahauš²⁵ برای حالت فاعلی -vauš-؛ در پیش نویس اصلی، h^a در صورت وابستگی حذف شده است. در سطر ۲۸، و نیز هنگامیکه اشتباه مورد اشاره قرار گرفته، اصلاح در تظاهر غلط واژه اعمال شده بود.²⁸ برای جلوس خشایارشا نگاه کنید به: پیوست تاریخی ۵.

ترجمه XPf:

بند ۱.۱.۸... (=XPa 1-6).

بند ۱.۵۸.۲.... (=XPa 6-11).

بند ۱۵.۳-۲۷. شاه، خشایارشا گوید: پدر من داریوش بود؛ پدر داریوش ویشتاسپ نامی بود. پدر ویشتاسپ ارشام نامی بود. هم ویشتاسپ و هم ارشام هر دو در آن هنگام زنده بودند، اهورامزدا را چنین کام بود، داریوش، پدر من، او را در این زمین شاه کرد. زمانی که داریوش شاه شد، او بسیار (بنای) عالی ساخت.
بند ۲۷.۴-۴۳. شاه خشایارشا گوید: داریوش را پسران دیگری بودند، (اما) چنانکه اهورامزدا را کام بود، داریوش، پدر من، پس از خود، مرا بزرگترین کرد. هنگامیکه پدر من داریوش از تخت (کنار) رفت، بخواست اهورامزدا من برجایگاه پدر شاه شدم. هنگامیکه من شاه شدم، بسیار (بنای) عالی ساختم. آنچه را که بوسیله پدرم ساخته شده بود، من آن را پاییدم و ساختمان دیگری افزودم. آنچه را که من ساختم و آنچه که پدرم ساخت آن همه را بخواست اهورامزدا ساختیم.

بند ۴۳.۴۸... (=XPa 17-20).

خشایارشا / پرسپولیس XPg = G

1 θātiy: Xšayāršā:

2 xšāyaθiya: vazraka: vaš

3 nā: Auramazdāha: vasi

- 4 y: tya: naibam: akunau
 5 š: utā: frāmāyatā:
 6 Dārayavauš: xšāyaθiya
 7 :hya: manā: pitā: vaš
 8 nāpiy: Auramazdāha
 9 :adam: abiyajāvayam
 10: abiy: ava: kartam:
 11 utā: fratarām: akuna
 12 vam: mām: Auramazdā
 13: pātuv: hadā: bagai
 14 biš: utamaiy: xšačam

یادداشتی بر XPg:

⁷⁻⁸vašnā[pi]y Bv. BSLP 34.1.32-4

که من در حال حاضر آنرا از صورت بازسازی شده خود vašnā[ci]y یا y vašnā[di] در Lg. 9.230 بهتر می دانم.

ترجمه XPg:

شاه بزرگ، خشایارشا گوید: بخواست اهورامزدا، داریوش شاه، پدر من، بسیار (بنای) زیبا ساخت و فرمان داد (تا ساخته شود). نیز بخواست اهورامزدا، من به آن ساختمان افزودم و (بناهای) بیشتر ساختم. (=XPb 27-30).

خشایارشا / پرسپولیس XPh = H

- 1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būm
 2 im: adā: hya: avam: asmānam: adā: hya
 3 :martiyam: adā: hya: šiyātim: adā:
 4 martiyahyā: hya: Xšayāršām: xšāyaθi
 5 yam: akunauš: aivam: parūnām: xšāyaθ
 6 iyam: aivam: parūnām: framātāram: ada
 7 m: Xšayāršā: xšāyaθiya: vazraka: xšāya

- 8 θiya: xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahy
- 9 ūnām: paruv: zanānām: xšāyaθiya: ah
- 10 yāyā: būmiyā: vazrakāyā: dūrai: a
- 11 piy: Dārayavahauš: xšāyaθiyahyā: puça
- 12 :Haxāmanišiya: Pārsa: Pārsahyā: puça
- 13 :Ariya: Ariyaciça: θātiy: Xšayāršā
- 14 :xšāyaθiya: vašnā: Auramazdahā: imā:
- 15 dahyāva: tyaišām: adam: xšāyaθiya: āh
- 16 ām: apataram: hacā: Pārsā: adamšām:
- 17 patiyaxšayaiy: manā: bājim: abaraha: t
- 18 yašām: hacāma: aθahiya: ava: akunava: d
- 19 ātam: tya: manā: avadiš: adāraya: Māda
- 20 :Ūja: Harauvatiš: Armina: Zraka: Parθava
- 21 :Haraiva: Bāxtriš: Sugda: Uvārazmi
- 22 š: Bābiruš: Aθurā: θataguš: Sparda
- 23 :Mudrāya: Yaunā: tya: drayahiyā: dā
- 24 rayatiy: utā: tyaiy: paradraya: dārayat
- 25 iy: Maciyā: Arabāya: Gadāra: Hiduš:
- 26 Katpatuka: Dahā: Sakā: haumavargā: Sakā
- 27 :tigraxaudā: Skudrā: Ākaufaciya:
- 28 Putāyā: Karkā: Kūšiya: θātiy: Xša
- 29 yāršā: xšāyaθiya: yaθā: tya: adam.x
- 30 šāyaθiya: abavam: astiy: atar: aitā
- 31 :dahyāva: tyaiy: upariy: nipištā: a
- 32 yauda: pasāvamāiy: Auramazdā: upastām:
- 33 abara: vašnā: Auramazdahā: ava: dahyāvam
- 34 :adam: ajanam: utašim: gāθavā: nīšāda
- 35 yam :utā: atar: aitā: dahyāva: āha: yad
- 36 ātya: paruvam: daivā: ayadiya: pasāva: va
- 37 šnā: Auramazdahā: adam: avam: daivadāna

38 m: viyakanam: utā: patiyazbayam: daivā:
 39 mā: yadiyaiša: yadāyā: paruvam: daivā:
 40 ayadiya: avadā: adam: Auramazdām: ayada
 41 iy: artācā: brazmaniya: utā: aniyaš
 42 c^a: āha: tya: duškartam: akariya: ava: ada
 43 m: naibam: akunavam: aita: tya: adam: ak
 44 unavam: visam: vašnā: Auramazdahā: aku
 45 navam: Auramazdāmai: upastām: abara: y
 46 ātā: kartam: akunavam: tuva: kā: hya:
 47 apara: yadimaniyāi: šiyāta: ahaniy
 48 :jīva: utā: marta: artāvā: ahaniy:
 49 avanā: dātā: parīdi: tya: Auramazd
 50 ā: niyaštāya: Auramazdām: yadaišā: a
 51 rtācā: brazmaniya: martiya: hya: avan
 52 ā: dātā: pariyaith^a: tya: Auramazdā: n
 53 ištāya: utā: Auramazdām: yadataiy: a
 54 rtācā: brazmaniya: hauv: utā: jīva:
 55 šiyāta: bavatiy: utā: marta: artāvā
 56 :bavatiy: θātiy: Xšayāršā: xšāyaθ
 57 iya: mān: Auramazdā: pātuv: hacā: ga
 58 stā: utamai: viθam: utā: imām: dah
 59 yāvam: aita: adam: Auramazdām: jadiy
 60 āmiy: aitamai: Auramazdā: dadātuv

یادداشت‌هایی بر XPh:

¹⁷The h^a of abaraha has become n^a by failure to engrave the prior angle.
²³t^ay^a for t^ay^aiy^a = tyaiy. ³¹The p^a of upariy lacks the two small verticals in copy a. ³⁷The daivadāna- of copy a is daivadāva- in copy b; the engraver was misled by the v^a ending the previous line (Hz. AMI. 8.62). ³⁹y^ad^aiy^ais^a for

y^adⁱy^aiš^a = yadiyaiša. ⁴¹For the normalization brazmaniya here and in 51 and 54, see Lex. s.v. ⁴¹⁻²aniyašc^a for - c^aiy^a = - ciy. ⁴⁵The m^a of - maiy lacks the small middle vertical in copy b. ⁴⁶The a of k^a, in both copies, has the horizontal over a single vertical only. ⁴⁷apara is perhaps an error for aparam, which elsewhere stands in this idiom. ⁵¹Copy b ends midway in this line, with the left-hand part lacking; the engraver was accustomed to Aramaic writing, which went from right to left, Hz. AMI 8.62. ⁵²pariyait^a = - t^aiy^a = - tiy. ⁵⁸In the prior utā the space for the first character is left blank; probably the character in the model copy was illegible to the engraver.

ترجمه: XPh:

بند ۱.۱.۶... (= XPa 1-6).

بند ۶.۲.۱۳... (= XPa 6-11, DN 13-15).

بند ۱۳.۲۸. شاه، خشایارشا گوید: بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهایی که بجز پارس من شاه آنها بودم... (= DNa 18-22); ماد، عیلام، رخیج، ارمنیه، زرنګ، پارت، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، بابل، آشور، ثتګوش، سارد، مصر، ایونیایی‌ها - آنهایی که در کنار دریا ساکنند و آنهایی که آنسوی دریا ساکنند، اهالی مَک، اربابیه، گندار، سند، کپدوکیه، دَها، سکاها ی هوم ورګ، سکاها ی تیز خود، اسکودر، اهالی آکثوفک، لیبیایی‌ها، کاری‌ها. کوشی‌ها.

بند ۲۸.۳۵. شاه خشایارشا گوید: هنگامیکه من شاه شدم، در میان کشورهایی که در بالا نوشته شد (یکی از آنها) در شورش بود. سپس اهورامزدا مرا یاری رساند، بخواست اهورامزدا من آن کشور را شکست دادم و آن را سرجایش نشاندم.

بند ۳۵.۴۱. و در میان این کشورها (جایی) بود که در آن از قبل دیوان پرستیده می‌شدند. پس از آن بخواست اهورامزدا من آن دیوکرده را ویران کردم و اعلام کردم، «دیوان پرستیده نخواهند شد»، جاییکه از قبل دیوان پرستیده می‌شدند، من در آنجا اهورامزدا و آرت را با احترام ستایش کردم.

بند ۴۱.۴۶. و (کار) دیگری بود که بد انجام شده بود؛ من آن را نیک گردانیدم. آنچه را که من انجام دادم، همه را بخواست اهورامزدا کردم، اهورامزدا مرا یاری رساند تا کار را تکمیل کردم.

بند ۵۶-۴۶.۴d. تو که از این پس (خواهی بود)، اگر بیندیشی، «هنگام زندگی شاد شوم و هنگام مرگ سعادتمند شوم»، به آن قانونی که اهورامزدا وضع کرده احترام بگذار؛ اهورامزدا و آرت را با احترام بستای. مردی که به آن قانونی که اهورامزدا وضع کرده است احترام بگذارد و اهورامزدا و آرت را با احترام بستاید، او هم هنگام زندگی شادی می‌شود و هم هنگام مرگ سعادتمند می‌گردد.
بند ۵۶.۵۶.۶. شاه، خشایارشا گوید... (= DN 51-55).

خشایارشا / پرسپولیس $XPi = I$

mayūxa: kāsakaina: Xšayāršāha: XŠhyā: viθiyā: karta

ترجمه XPi :

... (= DPI) خشایارشا.

خشایارشا / پرسپولیس $XPj = J$

adam: Xšayāršā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām:
XŠ: ahyāyā: būmiyā: Dārayavahauš: XŠyahyā: puça: Haxāmanišiya:
θātiy: Xšayāršā: XŠ: imam: tacaram: adam: akunavam

یادداشتی بر XPj :

قطعات اضافی یافته شده بوسیله کامرون، بیشتر فواصل باز مانده در قطعات هرتسفلد را پر می‌کند، و نیز قرائت‌های ahyāyā و XŠyahyā را برای برخی از نسخه‌ها ارائه می‌دهد.

ترجمه XPj :

بند ۱.۱.۳... (= XPa 6-11 با دو مورد حذف).

بند ۲.۳.۴. شاه، خشایارشا گوید: این کاخ را من ساختم.

خشایارشا / پرسپولیس $XPk = K$

Xšayāršā: Dārayavahauš: XŠhyā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه XPk:

خشایارشا، پسر داریوش شاه هخامنشی.

XSa = A خشایارشا / شوش

1 θātiy: Xšayāršā: xšāyaθiya: vašnā: Auramazdāha: ima:

2 hadiš: Dārayavauš: xšāyaθiya: akunauš: hya: manā: pitā

یادداشت‌هایی بر XSa:

این متن دارای سطر بندی نسخه مربوط به ثبیل است؛ نسخه دیگر سطر را پیش از ima جدا می‌کند. نسخه دستی ثبیل، علیرغم صورت عادی شده ak^uun^auš^a توسط ویسبناخ، دارای صورت ak^uun^auuš^a است.

ترجمه XSa:

... (=XPc 9-12 با اندکی موارد حذف).

XSc = C خشایارشا / شوش

1 adam: Xšayāršā: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya: xšāyaθiyānām:
xšāya

2 θiya: dahyūnām: Dārayavahauš: xšāyaθiyahyā: puça:
Haxāmanišiya: θāt

3 iy: Xšayāršā: xšāyaθiya: ima: hadiš: akunām: pasāva: yaθā:
adam: xšāya

4 θiya: abavam: aita: adam: yānam: jadyāmiy: Auramazdām:
mām: Au

5 ramazdā: pātuv: hadā: багаibiš: utamaiy: xšaçam: utā:
tyamaiy: kartam

ترجمه XSc:

بند ۱.۱.۲..... (=XPa 6-8, 9-11).

بند ۵۲.۲. شاه، خشایارشا گوید: این کاخ را ساختم، پس از آنکه من شاه شدم. این را من بصورت یک لطف از اهورامزدا طلب می‌کنم ... (=XPb 27-30).

خشایارشا / الوند = XE

- 1 бага: vazraka: Auramazdā:
- 2 hya: maθišta: bagānām:
- 3 hya: imām: būmim: ad
- 4 ā: hya: avam: asmānam:
- 5 adā: hya: martiyam: ad
- 6 ā: hya: šiyātim: adā
- 7: martiyahyā: hya: Xša
- 8 yāršām: xšāyaθiyam:
- 9 akunauš: aivam: parūn
- 10 ām: xšāyaθiyam: aivam
- 11 :parūnām: framātāram
- 12 :adam: Xšayāršā: xšā
- 13 yaθiya: vazraka: xšāyaθi
- 14 ya: xšāyaθiyānām: xš
- 15 āyaθiya: dahyūnām: par
- 16 uzanānām: xšāyaθiya:
- 17 ahiyāyā: būmiyā: va
- 18 zrakāyā: dūrai: apiy
- 19 :Dārayavahauš: xšāyaθiya
- 20 hyā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه XE:

بند ۱.۱.۱ ... (=XPa 1-6).

بند ۲.۱۲.۲۰ (=XPa 6-11).

خشایارشا / وان = XV

- 1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: maθi
- 2 šta: bagānām: hya: imām: būm
- 3 im: adā: hya: avam: asmānam:
- 4 adā: hya: martiyam: adā: hya:
- 5 šiyātim: adā: martiyahyā:
- 6 hya: Xšayāršām: xšāyaθiyam
- 7 :akunauš: aivam: parūnām: x
- 8 šāyaθiyam: aivam: parūnām:
- 9 framātāram: adam: Xšayāršā:
- 10 xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya:
- 11 xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: da
- 12 hyūnām: paruv: zanānām: xš
- 13 āyaθiya: ahyāyā: būmiyā: va
- 14 zarkāyā: dūrai: apiy: Dāraya
- 15 vahauš: xšāyaθiyahyā: puça: Ha
- 16 xāmanišiya: θātiy: Xšayāršā
- 17 :xšāyaθiya: Dārayavauš: xšāya
- 18 θiya: hya: manā: pitā: hauv: va
- 19 šnā: Auramazdāha: vasiy: tya:
- 20 naibam: akunauš: utā: ima: st
- 21 ānam: hauv: niyaštāya: katanaiy
- 22 :yaniy: dipim: naiy: nipišt
- 23 ām: akunauš: pasāva: adam: ni
- 24 yaštāyam: imām: dipim: nipa
- 25 ištanaiy: mām: Auramazdā: pā
- 26 tuv: hadā: bagaiḃiš: utāmai
- 27 y: xšaçam: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر XV:

سطر ۲۵ بطور کامل، در عکس گرفته شده بوسیله «Lehmann» قابل خواندن است، SbPAW 1900.1.628 Taf.2.

ترجمه XV:

بند ۹-۱۱. خدای بزرگ اهورامزدا است، بزرگترین بغان... (=XPa 1-6).

بند ۹-۱۶... (=XPa 6-11).

بند ۲۷-۱۶. شاه، خشایارشا گوید: داریوش شاه، که پدر من بود، او بخواست اهورامزدا بسیار (بنای) زیبا ساخت، و فرمان کندن این کاو را او داد، جایکه سبب نشد تاکتیبه‌ای نوشته (شود). پس از آن من فرمان نوشتن این کتیبه را دادم... (=XPb 27-30)

XH = خشایارشا / همدان

Xšayāršāha: Xšhyā: viθiyā: kartam

یادداشتی بر XH:

احتمالاً واژه «سبو» در آغاز این کتیبه از میان رفته است زیرا کتیبه روی یک سبو نوشته شده است. احتمالاً Xšhyā 43 Apl Hz. نسبت به صورت نوشتاری و استثنایی Xšyā که در Hz. AMI 2.115 ارائه شده درست‌تر است.

ترجمه XH:

(سبو) ساخته شده در خانه شاه، خشایارشا.

A¹Pa = A اردشیر اول / پرسپولیس

1 бага: vazraka: Auramazdā: hya:

2 imām: būmim: adā: hya: ava

3 m: asmānam: adā: hya: marti

4 yam: adā: hya: šiyātim: ad

5 ā: martiyahyā: hya: Artaxšaç

- 6 ām: xšāyaθiyam: akunauš: a
- 7 ivam: parūnām: xšāyaθiyam:
- 8 aivam: parūnām: framātāram
- 9 :adam: Artaxšaça: xšāyaθiya
- 10 :vazraka: xšāyaθiya: xšāyaθi
- 11 yānām: xšāyaθiya: dahyūnā
- 12 m: paruzanānām: xšāyaθiya:
- 13 ahyāyā: būmiyā: vazrak
- 14 āyā: dūrai: apiy: Xšay
- 15 āršahyā: xšāyaθiyahyā: pu
- 16 ça: Dārayavahauš: napā: Haxāmanišiya
- 17 :θātiy: Artaxšaça: xšā
- 18 yaθiya: vazraka: vašnā: Au
- 19 ramazdahā: ima: hadiš: Xšayā
- 20 ršā: xšāyaθiya: hya: manā: pi
- 21 tā: fratarām: pasāva: adam: aku
- 22 navam: mām: Auramazdā: pāt
- 23 uv: hadā: bagaibiš: utamaiy:
- 24 xšaça: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر A¹Pa:

برای بازسازی نگاه کنید به JNES.4.228-32.

ترجمه A¹Pa:

بند ۱.۱.۸... (=DNa 1-4)، که اردشیر را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرماندار از بسیاری.
 بند ۱۶.۹.۲... (=DE 12-19)، پسر شاه خشایارشا، نوه داریوش هخامنشی
 بند ۲۴.۱۷.۳... اردشیر شاه بزرگ گوید: بخواست اهورامزدا، این کاخ را شاه خشایارشا، پدر
 من از قبل (آغاز کرد به ساختن)، پس از آن من (کامل) ساختم...
 (=XPb 27-30)

A¹I = اردشیر اول / مکان نامعلوم

Artaxšaça: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ:

DHyūnām: Xšayāršahyā: XŠhyā: puça:

Xšayāršahyā: Dārayavaušahyā: XShyā: puça:

Haxāmanišiya: hya: imam: bātugara: siyamam: viθiyā: karta

یادداشتی بر A¹I:

برای نحو فراگرد آخر، مقایسه شود با شیوه بیان در DPi, XPi, XH.

ترجمه A¹I:

اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر شاه خشایارشا (که) پسر داریوش شاه هخامنشی (بود)؛ که در کاخش این نعلبکی نقره‌ای ساخته شد.

D²Sa = A داریوش دوم / شوش

1 imam: apadānam: stūnāya: aθagainam:

2 Dārayavauš: XŠ: vazraka: akunauš: Dāraya

3 vaum: XŠm: AM pātuv: hadā: BGibiš

ترجمه D²Sa:

این کاخ با ستون(های) سنگی را، داریوش شاه بزرگ ساخت؛ داریوش شاه را اهورامزدا بابغان دیگر بیاید.

D²Sb = B داریوش دوم / شوش

1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ:

DHyūnām XŠ: a

2 hyāyā: BUyā: Artaxšaça: XŠhyā: puça: Haxāmanišiya:

3 θātiy: Dārayavauš: XŠ: ima: hadiš: Artaxšaça: paranam: akunauš:

4 hya: manā: pitā: ima: hadiš: pasāva: vašnā: AMha: adam:

akunavam

یادداشت‌هایی بر D²Sb:

Brd. WZKM 39.85-7, after the Akk., restored ³[apara]m 'upper part' = 'part at the top of the slope,' and ⁴[adaram] 'lower part' = 'part lower on the hill'; but Hinz, ZDMG 91.251-2, restores [parana]m and [pasāva], in temporal sense, which is preferable. ³akunaš in copy b.

ترجمه D²Sb:

بند ۱۰۱-۲... (= DNa 8-12 با یک مورد حذف)، پسر شاه اردشیر هخامنشی.
بند ۳۰۳-۴. داریوش شاه گوید: این کاخ را اردشیر که پدر من بود، از قبل ساخت؛ پس از آن
بخواست اهورامزدا، من این کاخ را (کامل) ساختم.

A²Sa = A اردشیر دوم / شوش

- 1 θātiy: Artaxšaça: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ:
DHyūnām: XŠ: ahyāyā: BUyā: Dāravaušahyā: XŠhyā: puça: D
- 2 ārayavaušahyā: Artaxšaçaāhyā: XŠhyā: puça: Artaxšaçaāhyā:
Xšayārcāhyā: XŠhyā: puça: Xšayārcāhyā: Dāra
- 3 yavaušahyā: XŠhyā: puça: Dārayavaušahyā: Vīštāspahyā:
puça: Haxamān^a šiya: imam: apadāna: Dārayavauš:
apan^ayākama: ak
- 4 unaš: ab^ayapara: upā: Artaxšaçaām: n^ayākama: ++++:vašnā:
AM: Anah^ata: utā: Mⁱθra: imam: apadāna: adam: akunām:
AM: A
- 5 nah^ata: utā: Mⁱθra: mām: pātuv: hacā: vispā: gastā: utā:
imam: tya: akunām: mā: vijanātiy: mā: vināθayātiy

یادداشتی بر A²sa:

سطرهای ۵-۴، پس از متن فارسی‌باستان A²Ha و تحریر اکدی A²Sa بازسازی شده‌اند.

ترجمه A²Sa:

اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، شاه در این زمین، پسر داریوش شاه، داریوش (که) پسر شاه اردشیر (بود)، اردشیر (که) پسر شاه خشایارشا (بود)، خشایارشا (که) پسر داریوش شاه (بود)، داریوش (که) پسر ویشتاسب هخامنشی (بود): این کاخ را داریوش پدرنیای من ساخت؛ بعداً در دوره اردشیر پدربزرگ من آتش گرفت؛ بخواست اهورامزدا، ناهید و مهر، این کاخ را من ساختم. اهورامزدا ناهید و مهر مرا از هر بلایی بپایند و آنچه من ساختم نه فرو بپاشد و نه آسیب به بیند.

اردشیر دوم / شوش B = A²Sb

adam: Artaxšaça: XŠ: vazraka: XŠ XŠyānā: XŠ: Dārayavauš:
XŠhyā: puça

یادداشتی بر A²Sb:

XŠ پس از XŠyānā یک تکرار نوشتاری اشتباه است که در هیچیک از دو تحریر دیگر قرینه ای ندارد.

ترجمه A²Sb:

... (= 1 A²Sa با مواردی از حذف).

اردشیر دوم / شوش C = A²Sc

- 0 Dārayavaušahyā: XŠhyā: puça:
- 0 Dārayavaušahyā: Vⁱštāspahyā: puça
- 1 Haxāmanišiya: θātiy: Artaxšaça:
- 2 xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya: x
- 3 šāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahyūn
- 4 ām: xšāyaθiya: ahyāyā: būmiyā: i
- 5 mām: hadiš: utā: imām: usta
- 6 canām: tya: :aθagainām: ta + + + + +
- 7 Auramazdā:

8

یادداشتی بر A²Sc:

دو سطر نخست به گونه‌ای بازسازی شده‌اند که در بردارنده قطعه مورد اشاره Wb. KIA 125n. باشد؛ اما این قطعه برای واژه «شاه» دارای هزوارش و برای بخش دیگر دارای صورت نوشتاری کامل است. مقایسه شود با یادداشتی بر DS^m.

ترجمه A²Sc:

بند ۱.۰۱... (=A²Sa 2-3).

بند ۱.۲... (=A²Sa 1): این کاخ و این پلکان سنگی... اهورامزدا...

A²Sd = D اردشیر دوم / شوش

(نسخه‌های DC, DB, DA)

1 adam: Artaxšaça: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ:

DHyūnām: XŠ: ahyāyā:

2 BUyā: Dārayavauš: XŠāhyā: puça: Haxāmanišiya: θātiy:

Artaxšaça: XŠ:

3 vašnā: AMhā: imām: hadiš: tya: jⁱvadiy: paradayadām:

adam: akunavām: AM: Anah

4 ita: utā: Mⁱtra: mām: pātuv: hacā: vispā: gastā: utamaiy:

kartam

یادداشت‌هایی بر A²Sd:

متن براساس سطر بندی نسخه da.

¹a[...da; ahyāyā db; ahyā dc. ²Haxāmanišiya db; Haxāmaniš^aya da, dc.

³aku[... da; akunavām db; akuvanašaša dc. ⁴hacā da; lost in db; haša dc. ⁴vispā

da, dc; vⁱaspā db. ⁴gastā da, db; gastā dc. ⁴uta[... da; utamaiy db; utamay dc.

ترجمه A²Sd:

بند ۱.۰۱... (=A²Sa 1)، هخامنشی.

بند ۲.۴-۲. شاه اردشیر گوید: بخواست اهورامزدا، این است کاخی که در زندگی خود
 بعنوان خلوتگاه خوشایند ساختم. اهورامزدا، ناهید و مهر مرا و آنچه را که من
 ساختم از هر بلایی بپایند.

اردشیر دوم / همدان $A^2Ha = A$

- 1 $\theta\bar{a}tiy$: $Artax\check{s}a\check{c}\bar{a}$: $X\check{S}$: $vazraka$: $X\check{S}$: $X\check{S}y\bar{a}n\bar{a}m$: $X\check{S}$:
 $DHy\bar{u}n\bar{a}m$: $X\check{S}$: ah
- 2 $y\bar{a}y\bar{a}$: $B\bar{U}y\bar{a}$: $D\bar{a}rayava\check{s}ahy\bar{a}$: $X\check{S}hy\bar{a}$: $pu\check{c}a$: $D\bar{a}rayava\check{s}ahy\bar{a}$:
 $Artax\check{s}a\theta ra$
- 3 $hy\bar{a}$: $X\check{S}hy\bar{a}$: $pu\check{c}a$: $Artax\check{s}a\theta rahy\bar{a}$: $X\check{s}ay\bar{a}r\check{s}ahy\bar{a}$: $X\check{S}hy\bar{a}$:
 $pu\check{c}a$: $X\check{s}ay\bar{a}r$
- 4 $\check{s}ahy\bar{a}$: $D\bar{a}rayava\check{s}ahy\bar{a}$: $X\check{S}hy\bar{a}$: $pu\check{c}a$: $D\bar{a}rayava\check{s}ahy\bar{a}$:
 $V\check{s}t\bar{a}spahy\bar{a}$: $pu\check{c}a$
- 5 $Hax\bar{a}mani\check{s}iya$: $imam$: $apad\bar{a}na$: $va\check{s}n\bar{a}$: AM : $Anah^a ta$: $ut\bar{a}$:
 $M^i tra$: $adam$: $akun$
- 6 $\bar{a}m$: AM : $Anah^a ta$: $ut\bar{a}$: $M^i tra$: $m\bar{a}m$: $p\bar{a}tuv$: $hac\bar{a}$: $visp\bar{a}$:
 $gast\bar{a}$: ut
- 7 $\bar{a}$: $imam$: tya : $akun\bar{a}$: $m\bar{a}$: $vijan\bar{a}tiy$: $m\bar{a}$: $vin\bar{a}\theta ay\bar{a}tiy$

یادداشت‌هایی بر A^2Ha :

^{2,3} $Artax\check{s}a\theta rahy\bar{a}$, acc. to Tm. Lex. 54, and not- $\check{c}ahy\bar{a}$. ⁶ $[hac\bar{a}: gast\bar{a}]$ WB;
 $[ut\bar{a}mai y: x\check{s}a\check{c}am]$ Tm.; $[hac\bar{a}: visp\bar{a}: gast\bar{a}]$ Kent, after A^2Sd . ⁷ $akun\bar{a}$ for
 $akun\bar{a}m$, and $m\bar{a}$ with following lost verb, as in A^2Sa ; but $akun\bar{a}$: $m\bar{a}$ emended
 to $akunaum\bar{a}$ Tm. PAPA 36.xxxii, Lex. 81, and to $akunavam$ Bthl. AiW 444.

ترجمه A^2Ha :

بند ۱.۱... (= A^2Sa 1-3).

بند ۲.۵... (= A^2Sa 4-5).

A²Hb = B اردشیر دوم / همدان

apadānam: stūnāya: aθagainam: Artaxšaça:

XŠ: vazraka: akunauš: hya: Dārayavauš:

XŠ: puça: Haxāmanišiya: Mitra: mām: pātuv

یادداشتی بر A²Hb:

احتمالاً ضمیر اشاره imam در آغاز پیش از apadānam و عبارت‌های دیگر نیایش برای حفاظت، در پایان قرار داشته است.

ترجمه A²Hb:

این کاخ با ستون(های) سنگی را اردشیر، شاه بزرگ، پسر داریوش شاه هخامنشی ساخت. مهر مرا بپاید....

A²Hc = C اردشیر دوم / همدان

1 бага: vazraka: Auramazdā: hya: maθišta:

2 bagānām: hya: imām: būmim: adā:

3 hya: avam: asmānam: adā: hya: martiya

4 m: adā: hya: šiyātim: adā: martiyahy

5 ā: hya: Artaxšaça: XŠm: akunauš: ai

6 vam: parūnām: XŠm: aivam: parūnām:

7 framātāram: θātiy: Artaxšaça: XŠ: va

8 zraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām: XŠ

9 :ahyāyā: BUyā: adam: Dārayavaušahy

10 ā: XŠhyā: puça: Dārayavaušahyā: Artax

11 šaçaḥyā: XŠhyā: puça: Artaxšaçaḥy

12 ā: Xšayāršāhyā: XŠhyā: puça: Xšay

13 āršāhyā: Dārayavaušahyā: XŠhyā: p

14 uça: Dārayavaušahyā: Vištāspahyā: nā

15 ma: puça: Haxāmanišiya: θātiy: Artaxša

16 çā: XŠ: vašnā: Auramazdāhā: adam: XŠ: a

17 hyāyā: BUyā: vazrakāyā: dūrai: a

18 piy: amiy: Auramazdā: xšcam: manā: frāba

19 ra: mām: Auramazdā: pātuv: utā: xšaça

20 m: tyamai: frābara: utāmai: viθam

ترجمه A²Hc:

بند ۷-۱.۱. خداى بزرگ اهورامزدا است، بزرگترین بغان... (=A¹Pa 1-8).

بند ۱۵.۷.۲... (=A²Sa 1=): من... (=A²Sa 1-2)، پسر وشتاسب نام هخامنشی.

بند ۲۰-۱۵.۳. شاه اردشیر گوید: بخواست اهورامزدا من شاه در این سرزمین بزرگ دور و

گسترده هستم؛ اهورامزدا شهریارى را به من ارزانی داشت. اهورامزدا مرا و

شهریارى را که به من ارزانی داشت و خاندان مرا بپاید.

اردشیر دوم یا سوم / پرسپولیس = A?P

1 iyam: Pārsa:

2 iyam: Māda:

3 iyam: Ūvja:

4 iyam: Parθava:

8 iyam: Uvārazm'ya

9 iyam: Zrakā

10 iyam: Harauvatiya

11 iyam: Ōataguiya

12 iyam: Gadāraya:

13 iyam: Hiduya

14 iyam: Sakā: haumavargā:

15 iyam: Sakā: tigraxaudā:

16 iyam: Bābiruš:

17 iyam: Aθuriya

18 iyam: Arabāya

- 19 iyam: Mudrāya
- 20 iyam: Arminiya
- 21 iyam: Katpatuka:
- 22 imay: Spardiya
- 23 iyam: Yaunā:
- 24 iyam: Sakā: paradraiya:
- 25 iyam: Skudra:
- 26 iyam: Yauna: takabarā:
- 27 iyam: Putāya:
- 28 iyam: Kūṣāya
- 29 iyam: Maciya
- 30 iyam: Karka:

یادداشت‌هایی بر A?P:

¹¹Θataguiya Smith, Hz.; if correct, for Θataguiya; or a wrong writing for Θatagudaya or Θatagudiya, cf. Gk. Σατταγύδα. ¹⁴There is an extra vertical hasta between the g^a and the a in haumavargā. ²²im^ay^a, miswritten for iy^am^a.

ترجمه A?P:

- ۱- این پارسی است. ۲- این مادی است. ۳- این عیلامی است. ۴- این پارتی است. [۵-۷- این هراتی، بلخی، سفدی است] ۸- این خوارزمی است. ۹- این زرنگی است. ۱۰- این رنجی است.
- ۱۱- این ننگوشی است. ۱۲- این گنداری است. ۱۳- این اهل سند است. ۱۴- این سکایی هوم ورگ است. ۱۵- این سکایی تیز خود است. ۱۶- این بابلی است. ۱۷- این آشوری است. ۱۸- این اهل اربابیه است. ۱۹- این مصری است. ۲۰- این ارمنی است.
- ۲۱- این کپدوکیایی است. ۲۲- این ساردی است. ۲۳- این ایونیایی است. ۲۴- این سکایی آنسوی دریا است. ۲۵- این اسکودری است. ۲۶- این ایونیایی

پتاسوس برسر است. ۲۷- این لیبیایی است. ۲۸- این کوشی است. ۲۹- این اهل مَک است. ۳۰- این کاری است.

اردشیر سوم / پرسپولیس A³Pa = A,B,C,D

- 1 бага: vazraka: Auramazdā: hya:
- 2 imām: būmām: adā: hya: a
- 3 vam: asmānām: adā: hya: marti
- 4 yam: adā: hya: šāyatām: adā: mart
- 5 ihyā: hya: mām: Artaxšaça: xšāya
- 6 θiya: akunauš: aivam: parūvnām:
- 7 xšāyaθiyam: aivam: parūvnām
- 8 :framatāram: θātiy: Artaxšaça:
- 9 xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya
- 10 :xšāyaθiyanām: xšāyaθiya:
- 11 DHyūnām: xšāyaθiya: ahyāyā: BUyā: ada
- 12 m: Artaxšaça: xšāya
- 13 θiya: puça: Artaxšaça: Darayavau
- 14 š: xšāyaθiya: puça: Dārayavauš: A
- 15 rtaxšaça: xšāyaθiya: puça: Artaxša
- 16 çā: Xšayāršā: xšāyaθiya: puça: X
- 17 šayāršā: Dārayavauš: xšāyaθ
- 18 iya: puça: Dārayavauš: V¹štāspa
- 19 hyā: nāma: puça: V¹štāspahyā:
- 20 Aršāma: nāma: puça: Haxāmaniši
- 21 ya: θātiy: Artaxšaça: xšāyaθi
- 22 ya: imam: ustašanām: aθaganām: mā
- 23 m: upā: mām: kartā: θātiy: Arta
- 24 xšaça: xšāyaθiya: mām: Auramazdā:
- 25 utā: M¹θra: бага: pātuv: utā: imā

26 m: DHyaum: utā: tya: mām: kartā:

یادداشت‌هایی بر A^3pa :

متن براساس سطر بندی نسخه a، همراه با تمام موارد نوشتاری غلط، تنظیم شده است؛ تمام چهار نسخه دارای تحریری همانند است، اگرچه سطر بندی‌ها تا اندازه‌ای متفاوت هستند.
¹²ترجمه سطرهای ۱۲-۲۰، نمایانگر ساخت بی‌تسلسل صورت‌های فاعلی است؛ قطعه مذکور بطور آشکار، همان مفهومی را منتقل می‌کند که در A^2Sa1-3 بیان شده است.
²³برای $upā mām$ «در زمان من» (در اینجا تنها برای تاکید آمده، زیرا آمدن آن بی‌مورد است)، مقایسه شود با $A^2Sa 4[u]pā Arta[xšaçām]$ «در زمان اردشیر».

ترجمه A^3Pa :

بند ۱.۱-۸... ($DNa 1-4=$)، که من، اردشیر را شاه... ($DNa 6-8=$).
 بند ۸.۲-۲۱... ($A^2Sa 1=$): من پسر شاه اردشیر هستم، اردشیر (که) پسر داریوش شاه، داریوش پسر شاه اردشیر، اردشیر پسر شاه خشایارشا، خشایارشا پسر داریوش شاه، داریوش پسر ویشاسب نام، ویشاسب پسر ارشام نام هخامنشی (بود).
 بند ۲۱.۳-۲۳. شاه اردشیر گوید: این پلکان سنگی بوسیله من در زمان من ساخته شد.
 بند ۲۳.۴-۲۶. شاه اردشیر گوید: اهورامزدا و مهریغ مرا و این کشور را و آنچه را که بوسیله من ساخته شده بپایند.

کتیبه‌های روی سنگ‌های وزنه

داریوش / سنگ وزنه $Wa = A$

1 II karšā

2 adam: Dāra

3 yavauš: xš

4 āyaθiya: va

5 zraka: Viš

6 tāspahyā

7 :puça: Hax

8 āmanišiya

ترجمه Wa:

به وزن II (واحد)...(Wb 1-2,7-9=):

Wb = B داریوش / سنگ وزنه

1 adam: Dārayavauš: x

2 šāyaθiya: vazraka: x

3 šāyaθiya: xšāyaθ

4 iyānām: xšāyaθ

5 iya: dahyūnām: xš

6 āyaθiya: ahyāyā

7 :būmiyā: Vištā

8 spahyā: puça: Haxš

9 manišiya

ترجمه Wb:

...(DSf 5-8=).

Wc = C داریوش / سنگ وزنه

1 CXX karšayā

2 adam: Dārayavauš: x

3 šāyaθiya: vazraka: x

4 šāyaθiya: xšāyaθ

5 iyānām: xšāyaθ

6 iya: dahyūnām: x

7 šāyaθiya: ahyāy

8 ā: būmiyā: Višt

9 āspahyā: puça: Hax

10 āmanišiya

ترجمه Wc :

به وزن cxx (واحد)...(Wb 1-9).

Wd = D داریوش / سنگ وزنه

1 LX karšayā

2 adam: Dārayavauš:

3 xšāyaθiya: vazraka:

4 xšāyaθiya: xšāyaθ

5 iyānām: xšāyaθ

6 iya: dahyūnām: xš

7 āyaθiya: ahyāyā

8 :būmiyā: Vištā

9 spahyā: puça: Hax

10 āmanišiya

ترجمه Wd :

به وزن LX (واحد)... (= 1-9 Wb)

کتیبه‌های روی مهرها

SDa=	A مهر	adarm:Darayavauš XŠ
Sdb=	B مهر	adarm: Dārayavauš
SXa=	A مهر	1 Xšayāršā 2:XŠ: vazraka
SXb=	B مهر	1 adam: Xšay 2 āršā: XŠ
SXc=	C مهر	1 adam: Xšayāršā: XŠ 2.....
Sa =	A مهر	1 Arša 5 yāba 2 ka:n 6 ušna 3 āma: 7 hyā: 4 Āθi 8 puça
Sb=	B مهر	1 Hadaxaya 2.... 3 θadaθa: ...
Sc=	C مهر	Vašdāsaka
Sd=	D مهر	Vahyavšdāpaya
Se=	E مهر	1 ma:Xa 2 rša 3 dašyā
Sf=	F مهر	1 upā 2 Artā 3 xšaça 4 ām

یادداشت‌ها:

Se: برای قرائت xišyārša متعلق به یوستی، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل . xaršadšyā . Sf: بعد از upā نشانه جدا کننده واژه وجود ندارد.

ترجمه مهرها:

SDa:	من داریوش شاه (هستم).
Sdb:	من داریوش (هستم).
SXa:	خشیایارشاه، شاه بزرگ
SXb-c:	من شاه، خشیایارشاه (هستم).
Sa:	ارشک نام، پسر آثیاب اوشن.
Sb-e:	؟؟؟
Sf:	در دوران اردشیر

کتیبه‌های روی گلدان

XVs=	خشایارشا/گلدان	Xšayāršā: XŠ: vazraka
AVsa=	A اردشیر/گلدان	Ardaxcašca: XŠ: vazraka
AVsb-d=	B,C,D اردشیر/گلدان	Artaxšaça: xšāyaθiya

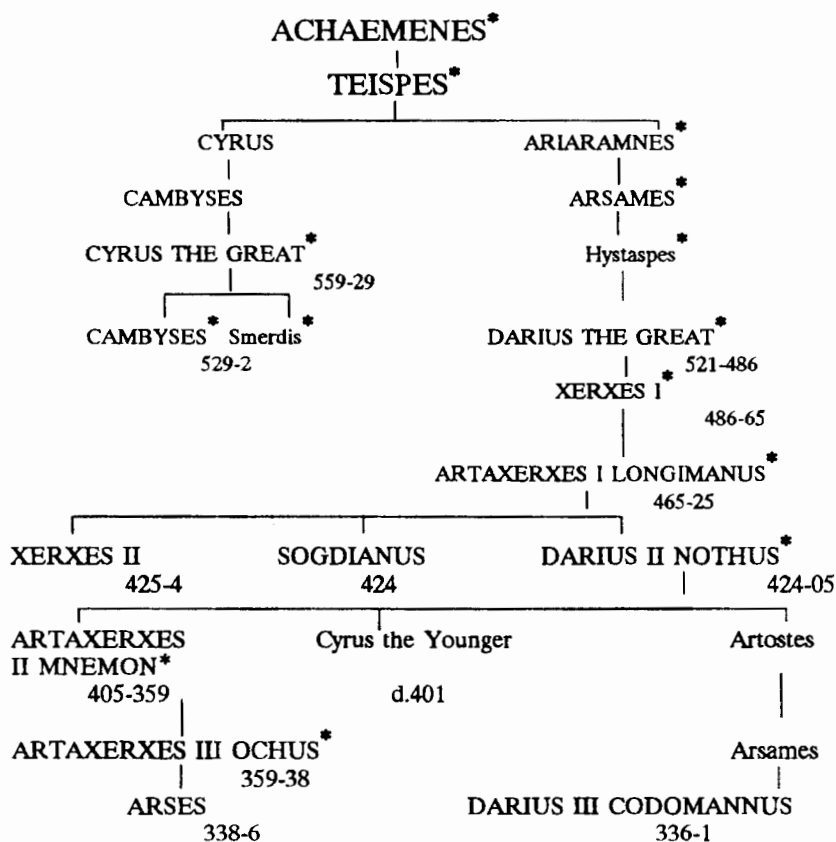
ترجمه:

XVs:	خشایارشا، شاه بزرگ.
AVsa:	اردشیر، شاه بزرگ.
AVsb-d:	اردشیر شاه

پیوست تاریخی

۱- سلسله هخامنشی

داریوش و شاهان دیگر پارسی که کتیبه‌های میخی مدون شده به فارسی باستان را برای ما باقی گذاشته‌اند، همگی به سلسله هخامنشی وابسته‌اند و نیز از این جهت به این نام خوانده می‌شوند که از تبار هخامنش بوده‌اند. اطلاعات کامل را می‌توان در PW 1.200-204 زیر مدخل Achaimenidai و همچنین زیر نام‌های شخصی افراد یافت؛ در PW 1.192 جدول کامل تبار شناسی ارائه گردیده است. در این جا نیز جدولی از مهمترین شخصیت‌های هخامنشی داده شده است؛ نام شاهان با حروف بزرگ در اندازه‌های بزرگ و کوچک همراه با سال سلطنت آنان آمده، و نشانه ستاره آن شخصیت‌های هخامنشی را که در کتیبه‌های فارسی باستان از آنان نام رفته مشخص می‌کند.



داریوش در کتیبه بهستان بند ۴ و نیز دوباره در بهستان a، تصریح می‌کند که در خاندان آنها، پیش از او هشت پادشاه وجود داشته و او نهمین بوده است. ما می‌توانیم آنها را بدین ترتیب بر شماریم: ۱- هخامنش، ۲- چیش پش، ۳- کوروش، ۴- کمبوجیه، ۵- کوروش کبیر، ۶- کمبوجیه، ۷- آریارمنه، ۸- ارشام، ۹- داریوش. سه نفر آخر به دودمان جوانتر آریارمنه وابسته‌اند، در حالیکه از شماره ۳ تا ۶ به دودمان چیش پش، پسر بزرگتر تعلق دارند. در این میان ویشتاسب پدر داریوش بر شمرده نشده است زیرا او در هیچ جا دارای عنوان «شاه» نیست حتی در هنگامیکه بعنوان پدر داریوش مورد اشاره قرار گرفته است، در حالیکه شاهان دیگر همه در هنگام بیان دودمان، به پدر خود عنوان «شاه» می‌دهند. هردوت ۷/۱۱، تبار داریوش را بدین ترتیب نشان می‌دهد: هخامنش، چیش پش، کمبوجیه، کوروش، چیش پش، آریارمنه، ارشام، ویشتاسب، داریوش که در این تبارنامه، داریوش نهمین است. اما بی‌تردید داریوش تبار خود را بهتر از هردوت می‌شناخت. هردوت، یا دچار تکرار نوشتاری غلطی شده است که از نسخه برداری از فهرستی که هر دو شاخه را پوشش می‌دهد، ناشی می‌شود، و یا به غلط به کمبوجیه و کوروش بعنوان نیاکان داریوش نگریسته و چیش پش را برای دومین بار درج نموده است تا فهرستی مطابق با واقعیت مشهور که بنابر آن پدر آریارمنه، چیش پش نامیده می‌شد، ترتیب دهد.

گزارش‌های دیگری که در برخی ملاحظات مهم متفاوتند، نیز وجود دارد. نیکلاس دمشقی، که تصور می‌رود از «پرسیکا»ی کتزیاس استفاده کرده باشد، بیان می‌دارد که کوروش کبیر در بدو تولد یک هخامنشی نبود، بلکه به اصلی پایین‌تر تعلق داشت که لطف کمبوجیه را جلب کرد و سرانجام علیه وی شورش نمود و او را سرنگون ساخت؛ نگاه کنید به ترجمه گزارش نیکلاس توسط «سی. جی. اگدن C.J.Ogden» در Dastur Hosang Memorial Volume 465-81 (Bombay 1918).

تمام گزارشات، اعم از کتابی و کتیبه‌ای توسط ویسباخ در PW، Suppl.Bd.4.1132-44, s.v.Kyros، معرفی و ارزشیابی شده است. نتایج وی بشرح زیر عبارتست از: از پسران چیش، آریارمنه در پارس (بعداً پارسا نامیده شد) شاه بود و کوروش اول در شهر (یا ناحیه؟) انشان واقع در میان پارس و عیلام و یا احتمالاً در منتهاالیه شمال، میان پارس و ماد، پادشاهی می‌کرد. کوروش دوم پس از دستیابی به سلطنت انشان، ارشام را که در پارسا فرمانروایی می‌کرد، بزودی خلع کرده و خود پادشاه پارسا که بعداً پارس نامیده شد، گردید. بهر حال ارشام به قتل نرسید، بلکه

(براساس آنچه که کتیبه‌های فارسی باستان به ما می‌گویند) تا زمانیکه نوه‌اش داریوش به تخت سلطنت پارس نشست، هنوز زنده بود. بنابراین ویشناسب هرگز شاه نبوده و در میان نه پادشاه هخامنشی بر شمرده نشده است. پس از آن کوروش دوم ماد را فتح کرد و به قلمرو خود افزود و سپس فتوحات خود را از هر سمت گسترش داد. اما او از سوی نیاکان به دودمان هخامنشی وابسته بود؛ و از این روی، به سختی می‌توان او را به عنوان یک بیگانه مطرح نمود.

احتمالاً داستان کتزیاس، بگونه‌ای که توسط نیکلاس دمشقی تکرار شده، به عنوان وسیله‌ای برای بی‌اعتباری دودمان کوروش و نیز توجیه داریوش در تصرف قدرت امپراتوری، در دودمان داریوش شکل گرفته است. در این میان شورش ناموفق کوروش صغیر علیه برادر خود، اردشیر دوم، که کتزیاس بعنوان پزشک شخصی به او خدمت می‌کرد، می‌توانست موقعیت ویژه‌ای بوده باشد. مقایسه شود با (JAOS 66.211(1946

۲- بردیا^(۱) و گئوماتا

بنابر مندرجات کتیبه بهستان بند ۱۰-۱۳، کمبوجیه پسر کوروش، برادر تنی خود بردیا را چنان مخفیانه بقتل رساند که مرگ وی بر مردم آشکار نشد؛ آنگاه به مصر لشکر کشید. هنگامیکه او سرگرم این لشکر کشی بود، شورش‌ها در پارس، ماد و نقاط دیگر گسترش یافت. بویژه اینکه مغی بنام گئوماتا رهبری شورش‌ها را بدست گرفت و ادعا کرد که بردیا پسر کوروش است و در نتیجه در تمام این سرزمین شورشی، به پادشاهی رسید. کمبوجیه که هنوز در مصر بسر می‌برد، دست به خودکشی زد.

گئوماتا شورش خود را در روز ۱۴ از ماه ۱۲ سال ۵۲۳/۲ آغاز کرد و در روز ۹ از ماه ۴ سال ۵۲۲/۱، پیروی تمام امپراتوری را نسبت به خود بدست آورد. اما داریوش پسر عموی دور کمبوجیه که می‌دانست که گئوماتا بردیای واقعی نیست، با یاری تنی چند از مردان با گئوماتا جنگید و گئوماتا و پیروان اصلی وی را در روز ۱۰ از ماه ۷ همان سال، در «سیگ یاووتی»، دژی در «نیسای» ناحیه‌ای در ماد، بقتل رساند. پس از آن داریوش شاه شد.

هردوت همین داستان را در کتاب ۳، فصل‌های ۳۸۱ و ۸۸۶، با تفصیل بیشتری روایت می‌کند. کمبوجیه به مصر لشکر کشید (فصل ۱)، و البته دلایل این تجاوز و نیز

لشکر کشی نیز ارائه شده است (۱-۲۶). او در ممفیس بر گاو مقدسی که بعنوان خدایی بنام آپیس ستایش می شد، زخمی مرگبار وارد ساخت (۲۷-۲۹)، و در نتیجه عقل خود را از دست داد. مهارت رشک پرانگیز برادر وی بردیا، در رابطه با کمان بزرگی که بوسیله طایفه «ایختیوفاگی» آورده شده بود، سبب شد که او بردیا را به پارس برگرداند و آنگاه، پس از دیدن خوابی که از جانشینی بردیا بجای او حکایت می کرد، وی گمارده خود «پرکساسپس» *prexaspes* را برای کشتن پنهانی او گسیل داشت و او نیز همین کار را کرد (۳۰-۳۸)، بویژه (۳۰).

پاترتیس *patizeithes* مغ، از سوی کمبوجیه، بعنوان عامل و کارگزار در بار او، در شوش مانده بود، و او یکی از چند نفری بود که از مرگ بردیا آگاهی داشت. وی خود دارای برادری بود که در ظاهر بسیار زیاد به بردیا شباهت داشت، و هردوت می گوید، نام این برادر نیز بردیا بود. پاترتیس برادر خود بردیا را بر تخت نشاند، با این ادعا که او بردیا پسر کوروش و برادر کمبوجیه بوده است. بردیای دروغین با اجازه حضور ندادن به هر کسی که بردیای واقعی را می شناخت، موفق شد هویت واقعی خود را تا زمانی پنهان نگهدارد (۶۱-۶۲). اما خبرها در مصر به کمبوجیه می رسید و او حقیقت را می دانست، زیرا «پرکساسپس» او را مطمئن کرده بود که بردیای واقعی را کشته است. وی تصمیم گرفت که با غاصب بجنگد، از این روی برای بازگرداندن سپاه خود به شوش بروی اسب خود پرید، اما تصادفاً نوک شمشیر به ران او اصابت کرد و او از زخم حاصله مرد (۶۳-۶۶). بدین ترتیب بردیای دروغین برای ماه ها، فرمانروایی کرد؛ اما «اوتان»^(۲) پسر «ثوخرا»، که نجیب زاده ای پارسی بود و به هویت او مشکوک شده بود، موفق شد با نیرنگی هویت او را برای خود اثبات کند (۶۷-۶۹)، و در این راه به یاری پنج نفر نجیب زاده دیگر که داریوش نیز که از سوی پدرش ویشتاسب، فرمانروای پارس، به شوش آمده بود، به آنان افزوده می شد، پشتگرم شد (۷۰؛ نگاه کنید به پیوست ۳). داریوش در ابراز عمل بیدرنگ علیه دومغ اصرار ورزید (۷۱-۷۳). آشفتگی ناشی از اعتراف آشکار و علنی «پرکساسپس» مبنی بر اینکه او بردیای واقعی را کشته است، و سپس خودکشی وی، اوضاع را مساعد کرده، سپس آن هفت مرد بناگاه به حضور آن دومغ تاخته و آنها را بقتل رساندند (۷۴-۷۹). آنگاه آنان در مورد شیوه ای جهت انتخاب یک نفر از میان خود برای تصدی سلطنت موافقت کردند، و داریوش به کمک نیرنگ

۲. برای معادل این نام ها در تاریخ هردوت به پیوست ۳ مراجعه کنید.

مهتر خود «اوبارس» برنده شد (۸۸۸۰).

دو گزارش فوق اگرچه در ویژگی‌های اصلی مشترکند اما در جزئیات بطور چشمگیری متفاوت هستند. بعبارت دیگر روایت هردوت به روشنی وارد قلمرو داستان تاریخی شده است. نیز نگاه کنید به PW 3A.710-2 زیر مدخل smerdis.

۳- یاران داریوش

نام شش نجیب‌زاده پارسی که با داریوش در کشتن گئوماتا، بردیای دروغین، همکاری کرده‌اند، در بند ۶۸ کتیبه بهستان و نیز هردوت ۳/۷۰ آمده است؛ میان نام پنج نفر نخست، در دو منبع مطابقت وجود دارد:

بهستان	هردوت
Vi ^o dafarnā → Vāyaspāra	Intaphernes
Utāna → Ouxra	Otanes → Pharnaspes
Gaubaruva → Marduniya	Gobryas
Vidarna → Bagābigna	Hydarnes
Bagabuxša → Dātuvaḥya	Megabyzus
Ardumaniš → Vahauka	Aspathines

گزارش هردوت، در نام پدر «اوتان - اوتانس» با گزارش کتیبه بهستان متفاوت است؛ وی مردونیه (۷/۸۲) سردار سومین یورش به یونان را بعنوان پسر گئوبراؤ مورد اشاره قرار داده است در حالیکه این نام با پدر گئوبراؤ، مطابقت می‌کند. مگابیزوس پسر زوپيروس (۷/۸۲) نیز احتمال دارد که همان بگابوخش پسر داتووهیا یا نوه او، در کتیبه بهستان باشد یا نباشد. هردوت نام یاران ششگانه داریوش را در قطعاتی به جز ۳/۸۸-۶۸، یعنی در قطعاتی که در هر نمایه اسامی خاص مربوط به متن هردوت می‌توان یافت، مورد اشاره قرار داده است. کتیبه بهستان دوباره در بند ۲۵ از «ویدرن» بعنوان شکست‌دهنده سپاه فرورتیش در ماد؛ از ویندفرن در بند ۵۰ بعنوان در هم کوبنده شورش در بابل؛ از گئوبراؤ در بند ۷۱ بعنوان سرکوب‌کننده آخرین شورش عیلامیان، یاد می‌کند.

۴- تقویم پارسی و بهستان IV-I

داریوش در کتیبه بهستان ۴/۴ بیان می‌دارد که ۱۹ نبرد، همراه با اسارت ۹

غاصب، توسط وی در سه ستون نخست کتیبه به ثبت رسیده که تماماً نیز «در همان یکسال hamahyāyā θarda» رخ داده است. برای هجده نبرد، در تقویم پارسی، همراه با ترجمه آن به عیلامی و اکدی، تاریخ داده شده است. در مرتب کردن و قرار دادن این تاریخ‌ها در یک سال، که با کشتن گئوماتا یعنی بردیای دروغین آغاز می‌شود، دشواری وجود دارد؛ نظم ماه‌ها در تقویم پارسی و تقویم‌های دیگر نیز، بهیچ وجه یکسان و قطعی نبوده است. بهر ترتیب، در حال حاضر، «آرنوبویل Arno poebel» از طریق نمونه‌ای از لوحه‌های اکدی و عیلامی در افزوده که تحریر فارسی باستان ندارند، موفق شده است که فهرست ماه‌ها را بصورت زیر بازسازی کند^۱:

معادل	اکدی	عیلامی	فارسی باستان
A	Mch.-	Nīsannu	Hadukannaš
Apr.			
Apr.-	Aiiāru	Turmār	Θūravāhara
May			
May-	Sīmannu	Sākurrīš	Θāigarcīš
June			
June-	Du'ūzu	Karmabadaš	Garmapada
July			
July-	Ābu	Turnabasiš	5
Aug.			
Aug.-	Ulūlu	Qarbaši(ia)š	6....
Spt.			
Spt.-	Tašrītu	Bagiātīš	Bāgayādīš
Oct.			
Oct.-	Arahsamna	Marqasanaš	*Varkazana
Nov.			
Nov.-	Kis(i)līmu	Haššiati(ia)š	Āçiyādiya
Dec.			
Dec.-	Tebētu	Hanāmakaš	Anāmaka
Jan.			

11	Sami(ia)maš Šabātu	Jan.- Feb.
12 Viyaxna	Mi(ia)kannaš Addāru	Feb.- Mch.

هر چند که روایت شورش‌ها در ستون III-I با ترتیب زمانی نیامده است، اما نسبتاً دارای نظم جغرافیایی هستند که براساس همین نظم کشورهای شورشی چنانکه در بند ۲۱^(۳) نامبرده شده‌اند عبارتند از: پارس، عیلام، ماد، آشور، مصر، پارت، مرو، تگوش، سک. چنانچه بتوانیم داستان مربوطه را در حد نمونه‌ای بسیار روشن و ساده کوتاه کنیم، بصورت زیر در خواهد آمد:

پس از آنکه کمبوجیه، پسر کوروش کبیر، برادر تنی خود بردیا را پنهانی بقتل رساند، و جهت فتح مصر لشکر کشی کرد، علیه سلطنت او شورش‌هایی در پارس، ماد و نواحی دیگر رخ داد (بند ۱۰). بویژه اینکه مغی بنام گئوماتا رهبری شورش را بدست گرفت و مدعی شد که بردیا است، کسی که مرگ او تنها برای تعدادی اندک آشکار بود؛ وی شورش خود را در روز ۱۴ از ماه ۱۲ سال ۵۲۳/۲ آغاز کرد و زمانیکه در روز ۹ از ماه ۴ سال ۵۲۲/۱ شاه شد، پیروی تمام امپراتوری را جلب کرد^۲. کمبوجیه در مصر، بلافاصله پس از شنیدن خبر شورش گئوماتا، چه عمدی و چه تصادفی، بدست خود مرد (بند ۱۱).

سه ماه بعد، داریوش و یارانش، گئوماتا و مهمترین پیروان او را در روز ۱۰ از ماه ۷ سال ۵۲۲/۱، در «سیک یاووتی» در ماد کشتند. داریوش از این رهگذر شاه شد، اما در مراحل بسیار آغازین، فرمانروانی او از سوی آثرین در عیلام و ندیت‌بئیر^(۴) (که مدعی بود بخت‌النصر پسر نبونید است) در بابل، که هریک در ناحیه خود بعنوان شاه شناخته شده بودند، مورد اعتراض قرار گرفت؛ که البته آثرین زیاد دوام نیاورد؛ داریوش پس از تشکیل حکومت در ماد و پارس، سپاهی از مادها و پارس‌ها گرد آورد و بسوی بابل که از نزدیکی عیلام می‌گذشت، لشکر کشید. در هنگام عبور، برای عیلامیان فرمان‌هایی ارسال کرد و آنان نیز با ترس و وحشت آثرین را گرفته و در غل و زنجیر به حضور داریوش آوردند و داریوش نیز او را کشت (بند ۱۷).

۳. در متن انگلیسی به اشتباه: بند ۲۲.

۴. نیدیتوبل Nidintu-Bel

داریوش با سپاهش، علیه ندیت‌بئیر رهسپار بابل شد (بند ۱۸)، و در نبود او، از ماد و پارس شورش‌های متعددی آغاز شد (بند ۲۱)، شاید بعضی از آنها زودتر آغاز شده بودند، اما خبر آنها، پیش از عزیمت علیه ندیت‌بئیر، به داریوش نرسید: الف) شورش وهیزدات در پارس با طرفداری ثتگوش و احتمالاً گروهمی در رنج (بند ۴۵؛ ب) شورش مرتیا در عیلام؛ پ) شورش فرورتیش در ماد با طرفداری ارمینیه (بند ۲۶)، شورش آشور، پارت شامل گرگان (بند ۳۵؛ ت) شورش فراد در مرو؛ ث) شورش مصر؛ ج) شورش اسکونخ در سِک (بند ۲۱).

داریوش بسوی ندیت‌بئیر و سپاه او که در کنار دجله بود آمد، با دشواری از آن گذر کرد و او را در روز ۲۶ از ماه ۹ شکست داد (بند ۱۸)، و اگرچه ندیت‌بئیر تجدید قوا کرده و دست به تهاجم زد اما داریوش دوباره او را در روز ۲ از ماه ۱۰، در زازان واقع در کنار فرات شکست داد (بند ۱۹)؛ داریوش، او و سواران معدود و باقیمانده‌اش را تا بابل دنبال کرد، آن شهر و ندیت‌بئیر را همراه با آن گرفت و شورش را شکست (بند ۲۰).

در این هنگام رویدادها در هرجایی در حال گسترش بود. داریوش دادرشی، سردار پارسی را که شهریان ایالت مجاور بلخ بود، همراه با نیروهای محلی‌اش، علیه فراد که خود را فرمانروای مرو کرده بود فرستاد، و دادرشی در روز ۲۳ از ماه ۹، با بدست آوردن پیروزی سرنوشت‌ساز، دوباره فرمانروایی داریوش را در مرو با برجا ساخت (بند ۳۹). فرورتیش با این ادعا که خشتريت از دودمان هوشستَر^(۵) است خود را بر بخش بزرگی از امپراتوری، شاه کرد (بند ۲۴). نخستین گام داریوش، گسیل داشتن «واومیس» شهریان پارسی، علیه شورشیان به ارمینیه بود؛ وی می‌باید «واومیس» را قبلاً به نبرد بابلیان فرستاده باشد، زیرا «واومیس» در روز ۱۵ از ماه ۱۰ در مسیر شمال، در «ایزلا» واقع در آشور، با شورشیان برخورد کرده است. اینکه «واومیس» چه نیروهایی در اختیار خود داشته، بیان نشده، و حتی اشاره‌ای به اعزام گروهایی با او نیز نرفته است؛ احتمالاً وی گروهای وفادار را در طول میسر جمع‌آوری کرده است. «واومیس» با این نبرد شورشیان را تا داخل ارمینیه پس‌راند، یعنی همانجایی که وی چند ماه بعد دومین نبرد خود را با آنان انجام داد (بند ۳۰، نگاه کنید به قسمت زیر).

با اینکه نیروی مادی و پارسی همراه داریوش در بابل اندک بود، وی در زمانی کوتاه، احتمالاً نه با فاصله زمانی زیادی پس از نبرد در کنار دجله، ملزم شد که ویدرن، شهریان

پارسی را با نیرویی قوی علیه فرورتیش در ماد گسیل دارد. ویدرن با سپاهی متعلق به فرورتیش (که وی خود با آن نبود) جهت نبرد، در "مارو" واقع در ماد روبرو شد و در روز ۲۷ از ماه ۱۰ با آنان جنگید، البته اینکه پس از آن، ویدرن برای ورود داریوش و سپاهش از بابل منتظر مانده باشد، غیر قطعی بنظر می‌رسد (بند ۲۵).

پارت و ناحیه مجاور گرگان، هردو به فرورتیش روی آوردند، اما ویشتاسب، پدر داریوش در پارت فرمانده سپاه بود و در نتیجه ارتش وفادار ماند. ویشتاسب در روز ۲۲ از ماه ۱۲، در «ویشپ اوزتی» با شورشیان به نبرد پرداخت، اما پیروزی قطعی بدست نیامد.

پس از مرگ ندیت‌بشر در بابل، داریوش علیه فرورتیش رهسپار ماد شد (بند ۳۱). مسیر حرکت، او را به عیلام نزدیک کرد، جایی که یک پارسی بنام مرتیا، تحت نام ایمنیش، خود را به شاهی منصوب نموده بود. عیلامیان که از برخورد با داریوش وحشت‌زده شده بودند، مرتیا را گرفتند و کشتند (بند ۲۲-۲۳)^۳. در این هنگام داریوش نیرویی از پارسیان و مادها را تحت فرماندهی آرت وردیا سردار پارسی، علیه وهیزدات که خود را در پارسی شاه کرده بود، روانه کرد؛ او خود با باقیمانده سپاه پارسی به ماد رفت (بند ۴۱) و در روز ۲۵ از ماه ۱ سال ۵۲۱ در «کوندورو» جنگی میان فرورتیش و او در گرفت (بند ۳۱). سپاه فرورتیش تارومار شد؛ او خود با سوارانی چند گریخت، اما در رگا غافلگیر و اسیر شد و در هگمتانه^(۴) با شکنجه و عذاب بقتل رسید (بند ۳۲). داریوش از رگا، نیرویی از پارسیان را جهت تجدید قوای ویشتاسب به پارت روانه کرد (بند ۳۶).

پس از این، مردی آسگرتی بنام چیثرن تَحَم، احتمالاً فرمانده نیروهای محلی که به فرورتیش وفادار بوده است، خود را در آسگرتی، ناحیه‌ای در شمال ماد، شاه معرفی کرد؛ او مدعی بود که از دودمان هوشتر است. داریوش نیرویی مرکب از مادها و پارسیان را تحت فرماندهی تَحَم‌سپاد، سرداری مادی روانه کرد، کسی که چیثرن تَحَم را شکست داد و او را اسیر نزد داریوش آورد. داریوش نیز وی را در اریل با شکنجه و عذاب بقتل رساند (بند ۳۳). بدین ترتیب شورش در ماد پایان رسید (بند ۳۴)؛ اما هنوز یک نیروی شورشی قوی در ارمنیه وجود داشت، که داریوش سرداری ارمنی بنام دادرشی را علیه آن روانه کرد. دادرشی سه بار با شورشیان جنگید و آنان را بترتیب در

روز ۸ از ماه ۲ در زوزهی (بند ۲۶)، در روز ۱۸ از ماه ۲ در کنار دجله (بند ۲۷) و در روز ۹ از ماه ۳ در اویمّا، شکست داد، پس از آن او منتظر داریوش ماند تا بیاید و آخرین آرایشات حکومتی و دولتی را اعمال کند (بند ۲۸). این جنگ سوم از سوی دادرشی، تنها نه روز پس از آنکه "وآومیس" در دومین درگیری، دیگر نیروی شورشیان ارمنی را در روز ۳۰ از ماه ۲ در ناحیه "اوتی یَر" سرکوب کرد، واقع شد؛ که وی پس از آن، همچنین منتظر ورود داریوش ماند (بند ۳۰). بیش از این جنگ دیگری در ارمنیه در نگرفت.

ویشتاسب در پارت با پارسیانی که داریوش از رگا بسوی او روانه کرده بود، تجدید قوا کرد و پس از تعقیب سپاه شورشی، آنرا در روز ۱ از ماه ۴ در "بتی گربنا" تارومار نمود (بند ۳۶). این رویداد فرمانروایی داریوش را در پارت دوبار مستقر ساخت.

هنگامیکه داریوش در بابل بود، یک نفر پارسی بنام "وهیزدات"، با ادعای اینکه بردیا پسر کوروش است، شورش نموده و خود را در پارس شاه کرد (بند ۴۰). وی ظاهراً با اعتماد به موقعیت خود نیرویی را علیه ویوان، شهربان پارسی، که به داریوش وفادار مانده بود، به رخج^۴ فرستاد؛ اما ویوان در روز ۱۳ از ماه ۱۰، شورشیان را در کاپشیکانی سرکوب کرد (بند ۴۵). شورشیان بار دیگر در روز ۷ از ماه ۱۲ در "گندوتو" دست به نبرد زدند، ولی در این جا بطور قطع شکست خوردند (بند ۴۶)؛ فرمانده آنان و نیز سوارانی چند، گریختند، اما توسط ویوان در "آرشد" اسیر شدند و ویوان همه آنها را کشت (بند ۴۷).

وهیزدات چند ماهی در پارس، بی مشکل فرمانروایی داشت، اما این دوران با پیشروی "ارت وردیا" و نیروی پارسی و مادی همراه که از سوی داریوش در مسیر خود به ماد اعزام شده بود، پایان رسید. وهیزدات یک بار در روز ۱۲ از ماه ۲ در "رخا" (بند ۴۱) و بار دیگر در روز ۵ از ماه ۴ در نزدیکی کوه "پَگ" با ارت وردیا نبرد کرد. در نبرد دوم، وهیزدات و مهم ترین پیروان او اسیر شدند (بند ۴۲)؛ آنان در شهر پارسی «اوودی» چیا به داریوش تحویل داده شدند، و داریوش نیز آنها را با شکنجه و عذاب اعدام کرد (بند ۴۳). در این هنگام داریوش به پارس بازگشت (بند ۴۴) که بعلاوه سرزمین های شورشی دیگر بجز مصر و سَک، دوباره تحت فرمانروایی او در آمده بودند. از هنگامیکه وی گئوماتای غاصب را کشته بود، نه ماه کامل نگذشته بود که این رویداد تحقق یافت. اما زمانی که داریوش در حال سرکوبی شورشیان در ماد و پارس بود، یک ارمنی بنام آرَخ، با این ادعا که بخت النصر پسر نبونید است، خود را شاه بابل معرفی کرد (بند ۴۹). داریوش یک سردار پارسی بنام ویندفرن را با سپاهی علیه او روانه ساخت، و ویندفرن

پس از تعقیب آرَخ و نیروهای او در روز ۲۲ از ماه ۸، هم آرَخ و هم سرداران مهم او را در بابل اسیر و اعدام کرد (بند ۵۰).

این آخرین رویداد مربوط به سه ستون نخست کتیبه بهستان است، یعنی ۱۳ ماه و ۱۲ روز پس از مرگ گئوماتا؛ بنابراین، زمان مذکور عملاً از یک سالی که داریوش در ستون IV با مباحثات به آن اشاره دارد، تجاوز نمی‌کند.

ستون V گزارشی در مورد سومین شورش در عیلام تحت رهبری «آتامَ ثیتا» ارائه می‌دهد؛ «گئوبراو» با سپاهی از سوی داریوش علیه او روانه شد و او را شکست داد و اسیر شده برای داریوش آورد و داریوش نیز او را کشت (بند ۷۱). آنگونه که قرائت کامرون از صورت دارای ریختگی DB 5.2-3 نشان می‌دهد، تاریخ این شورش در دومین سال فرمانروایی داریوش یعنی سال ۵۲۱، جای دارد. پس از این، داریوش در سال سوم به سَک رفت و اسکونخ را شکست داده و اسیر کرد (بند ۷۴). فتح مجدد مصر نیز، اگرچه در کتیبه بهستان مورد اشاره قرار نگرفته است، اما باید در همان سال یا سال بعد روی داده باشد.^۶

۵ - جلوس خشایارشا

خشایارشا در XPf گزارشی از چگونگی جانشینی خود برای تخت سلطنت، به ما می‌دهد: داریوش را پسرانی چند بود، اما همانگونه که اهورامزدا را کام بود، او خشایارشا را (احتمالاً نه فرزند بزرگتر خود را، اگرچه این مطلب در کتیبه بیان نشده است) پس از خود (دارای) بزرگترین (مقام) کرد؛ و هنگامیکه داریوش «از تخت رفت»، همانگونه که اهورامزدا را کام بود، خشایارشا بر تخت سلطنت پدر شاه شد.

گزارش ارائه شده توسط هرودوت ۷/۱-۴، نیز با این گزارش مطابقت دارد اما با تفصیل بیشتری همراه است: پس از آنکه داریوش اخباری را مبنی بر اینکه نیروهایش در مارا تن شکست خورده و نیز کمی پس از آن مصر سر به شورش برداشته، دریافت کرد، آمادگی‌هایی را علیه نبرد با آتنی‌ها و نیز علیه مصریان، تدارک دید. در این هنگام، میان آرتباز، پسر ارشد داریوش از همسر اول وی، دختر گئوبراو، و نیز خشایارشا پسر ارشد داریوش از آتوسا، دختر کورش کبیر که پس از جلوس به تخت سلطنت با وی از دواج کرده بود تا جانشینی داشته باشد، اختلافی در گرفته بود. بنابر توصیه «داما را توس»، شاه تبعید شده اسپارت، خشایارشا نزد پدر رفته و بر این ادعا پای فشرد که او پسر ارشد

داریوش شاه است، در حالیکه آرتباز تنها پسر ارشد داریوش، یک فرد بی مقام است^(۷). داریوش این ادعا را تأیید کرد، اگرچه شاید واقعاً نیازی به استدلال نیز نبود (آتوسا بعنوان دختر کوروش کبیر، باید نفوذ بسیاری در داریوش می داشته، و خشایارشا نیز احتمالاً لایق ترین پسران داریوش بوده است)، و بدین ترتیب خشایارشا، به جانشینی وی منصوب شد. داریوش، پیش از تدارک آمادگی های لازم برای نیروهای مذکور، مرد؛ در حالیکه خشایارشا بر تخت سلطنت پدر جلوس کرد.

۷. آرتباز پسر ارشد داریوش پیش از جلوس به تخت سلطنت است.

یادداشت‌های پیوست تاریخی

- ۱- AJSLL 55.139-42. تقویم پارسی موضوع تحقیقات بسیاری قرار گرفته است، اما تحقیقات «پوبیل» جای همه آنها را گرفته است: AJSLL 55.130-65, 285-314, 56.121-45, نیز مقایسه شود با 44-5 Cam.PTT; Hinz, ZDMG 96.326-31.
- ۲- ماه‌ها با اعداد رومی نشان داده می‌شوند.
- ۳- پوبیل در AJSLL 55.154 مرگ بی تاریخ مرتیا را پس از مرگ فرورتیش قرار داده است، زیرا در ردیف اسیران حجاری شده در صخره بهستان نظم مربوطه عبارتست از گئوماتا، آثرین، ندیت بنیر، فرورتیش، مرتیا، چیژن تَحَم، وَهیزَدات، آرَخ، فراد». من توضیحی اینگونه از ردیف حجاری‌ها را نمی‌پذیرم، زیرا این نظم ما را ملزم می‌کند که مرگ فراد را در پایان ردیف قرار دهیم و در نتیجه تاریخ شکست او را نه در روز ۲۳ از ماه ۹ سال ۵۲۲/۱، که در روز ۲۳ از ماه ۹ سال ۵۲۱ بپذیریم، و بدین ترتیب رشته رویدادها را از ۱۳ ماه و ۱۲ روز به ۱۴ ماه و ۱۳ روز گسترش دهیم.
- ۴- من شورش در تگگوش (بند ۲۲) را بعنوان پاره‌ای از وقایع رخج (بند ۴۵ - ۴۷) بررسی می‌کنم.
- ۵- Cameron, JCS 5.52-3; cf. R.A. Parker, AJSLL 58.373-7; Kent, JNES 2.109-10.
- ۶- Parker, l.c.

بخش سدیگر: واژه‌نامه

این واژه‌نامه دارای کشف اللغاتی برای واژه‌های کتیبه‌ها و نیز مطالبی جهت مطابقه ریشه‌شناختی است. نظم الفبایی این واژه‌نامه عبارتست از: a/ā i/ī u/ū k x g c j t θ ç, d n p f b m y r l v s š z h, (بنابراین naiy دارای جایگاه الفبایی nai بوده و بر-naiba مقدم است). ورود حروف بر کشیده، برای نشان دادن آواهای حذف شده در دستگاه نوشتاری فارسی باستان است و از این روی تأثیری در نظم الفبایی ندارند.

ارجاعات مربوط به بخش نخست (دستور زبان) با نشانه § مشخص شده‌اند^(۱)؛ این ارجاعات کلیه اشارات مربوط به واژه و یا صورت در افزوده به اطلاعات ارائه شده در واژه‌نامه را در برمی‌گیرد، اما در تمام نمونه‌ها دارای فهرست کاملی نیست. بخش مربوط A به نحو، کم ارجاع‌ترین بخش این واژه‌نامه است، زیرا مثال‌های آن بخش بیشتر عبارات است تا واژه‌ها؛ از این روی نمایه‌ای از قطعات در پایان بخش مربوطه، آمده است.

ā قید، بعنوان پیشوند و حرف (اضافه) پیشایند، «به»: اوستا، سنسکریت، ā، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح وازی، «به، تا» (نیز با کاربردها و معانی دیگر)؛ هندواروپایی آغازین ā* اگر = لاتین ā «از» (Sturtevant, Lg. 15.145-54)،
یا ā* اگر = یونانی ω - در ω-κεανος «(گرداگرد قرار گرفته)، اقیانوس».
(۱) پیشوند با فعل‌های ay-, xšnav-, gam-, grab-, jan-, bar-, mā-, yam-؛ در

۱. در متن ترجمه بخش دستور زبان، نشانه فوق با حرف «پ» مشخص شده است.

ahiyāyā (§27) XPb 12; XPjv, XE 17.

aita- اشاره، «این» (§260.III, §266): اوستا -aēta- سنسکریت etā، آریایی آغازین
*aita-

aita-maiyaita DB 1.44,45; DNa 48. (§202) فاعلی مفرد خنثی
DNb 31.

aita DPd 20; DNa 53; XPh 43, 59; XSc 4°
aita-maiy DPd 22f; DNa 54f; XPh 60.

aitā XPh 30,35. مفعولی صریح جمع مونث

ainaira- اسم، «آبی‌نیر»، یک شخصیت بابلی، پدر ندیت‌بئیر: عیلامی ha-a-na-a-ra
اکدی a-ni-ri-'

aina[jira]hyā DB 1.77f وابستگی، مفرد، مذکر

aiva- صفت، «یک» (§150; §204.I): اوستا -aēva- «یک»، یونانی همری oīos،
قبرسی oīfos «تنها»، هندواروپایی آغازین *oiuos.

aivam DNa 6,7; DSe 6°, 6f; DSf 4,5; DE 8f, 10; XPa 4,5; XPb 8f, 10; XPc 4, 5; XPd 6, 7; XPf 6,7; XPh 5,6;
XE 9,10; XV 7,8; A¹Pa 6f°, 8°; A²Hc 5f, 6; A³Pa 6,7.

aiš- فعل، «شتابان رفتن»، سببی aišaya- «روانه کردن، فرستادن»: اوستا -aēš-، سببی
aēšaya- سنسکریت aiš- سببی eṣayati (§117).
aiš- + fra- سببی «پیش فرستادن»: اوستا -fraēš- سنسکریت -pres.

frāišayam DB (§24, §72, §131, §215) ماضی استمراری، اول شخص مفرد
1.82; 2.19, 30,50, 72f, 82; 3.2, 13,30, 84; 5.7.

frāišaya DB 3.55, 60,71. ماضی استمراری

autiyāra- اسم، «آوتی‌یار»، ناحیه‌ای در ارمنیه: عیلامی ha-u-ti-ia-ru-iš اکدی

.u-ti-ia-a-ri

autiyāra DB 2.58f. مذكر، مفرد، مذكر

aura- (همان a^hura) اسم، «سرور، خدا»: اوستا -ahura، سنسکریت -āsura «دیو»، هندواروپایی آغازین -esuro* (§148.I).

aurahya mazdāha XPe 10 (§36.IVb, §44) وابستگی، جمع، مذكر

aurā DPe 24 بایی مفرد مذكر

(بصورت دیگر در Bv. BSLP 30.1.70-3, Gr. §179, §389؛ «سرازیر»، بایی مفرد خنثی از aura-، درجه ضعیف -avara، صفت برتر از -ava²، مقایسه شود با اوستای متاخر aora «پایین»). در جاهای دیگر همیشه در ترکیب -auramazdāh.

auramazdāh- اسم «سرور دانا. اهورامزدا»، خدای برتر دین زردشتی: اوستا در

A حالت فاعلی مفرد مذكر ahurō mazdā، پهلوی öhrmazd، فارسی نو: هرمزد؛

عیلامی u-ra-maš-da، اکدی -ù-ra-ma-az-da -ù-ri-mi-iz-da-

’-a-hu-ru-ma-az-da- و غیره، یونانی Ὠρομᾶσδος؛ در اوستا همیشه بصورت

دو واژه معمولاً جدا می آید و درگاهان اغلب بصورت برعکس (Kent,

Or.Stud.Hon. Pavry 200-8)، اما در فارسی باستان بجز XPe 10، همیشه

بصورت یک واژه بکار می رود (§44)؛ برای aurā به تنهایی نگاه کنید زیر مدخل

aura-). ترکیب -ahura* (نگاه کنید به -aura) بعلاوه -ma(n)dzdha* با پسوند s

(نظر دیگر مربوط به پیزانی، مقایسه شود با §185.n3)؛ این ترکیبی است از

هندواروپایی آغازین -menth* (یا درجه قوی هندواروپایی آغازین -math*)

در یونانی بصورت εμαθον «من آموختم»، بعلاوه هندواروپایی آغازین -dhē*

«عرضه کردن، قرار دادن»، نگاه کنید به -dā² (Pisani, Riv. Stud. Or. 81-2)

پس از Wackernagel-Debrunner, Altind. Gram. 3.282-3، بخش

نخست را بصورت -mns*، درجه ضعیف آریایی آغازین -manas می گیرد):

برای ساخت واژه، مقایسه شود با سنسکریت -srad-dhā «اعتماد»، لاتین

§70, §156.I, §160.II; decl., §185.IV credit

auramazdā مذكر، مفرد، فاعلی AmH 7, 10; AsH 5f, 12; DB 1.12,

60; 4.35, 55, 62, 74, 76, 79f; 5.15f; DPd 1, 7, 13, 15f, 23; DPh 8, 9f; DNa

1,31, 51f,55; DNb 1, 46,49; DSe 1; DSf 1,8,14,57; DSp 1; DSs 1°,6f; DSt 1°, 7f; DZc 1; DE 1; DH 6f, 8; XPa 1,18,20; XPb 1,27f; XPc 1,12, 15; XPd 1, 17f; XPf 1,45,48; XPg 12; XPh 1,32,49f,52,57,60; XSc 4^o; XE 1; XV 1,25; A¹Pa 1°,22°; A²Sc 7; A²Hc 1,18,19; A³Pa 1,24. auramazdā-maiy DB 1.24f, 25, 55, 87,94; 2.24, 34, 39f, 45, 54, 60, 68, 86, 96; 3.6,16f,37,44f,61f,66f,87;4.60; DNa 50 -dāiy, با حذف → m^a (§52.VI); DSf 19; XPh 45.

auramazdā-taiy DB 4.78.

auramazdā-tay (§52.II) DB 4.58.

auramazdā-[šām] DB 5.31f.

auramazdām DB 1.54f (auramazām, مفرد، مذكر، صريح، §52.VI); 5.16,18f,32,34; DPd 21f; DNa 54; DSf 15f,18; XPf 21f,29; XPh40,50,53,59; XSc 4.

auramazdāha AmH 7f; AsH 10; DB 1.11f, 14, 18f,22f,26,60,68,70,88,94f; 2.3, 25, 35, 40, 45f,54f, 60,68, 86f,97;3.6f,17,38,45,62,67, 87f;4.4, 6,41,44,46,52, 60, 88f; 5.16f, 32f;DSf 12,21°; DSfv 55^o; DSl 2f; XPb 26f; XPd 16; XPg 3,8;XSa1;XV 19.

auramazdāhā DPd 4,9; DPe 6f; DNa 16,35,49,56f; DNb 6,47f; DSe 15, 35, 42; XPa 12, 16f; A²Hc 16.

Auramazdahā (§52.III; §131; §185. IV) XPf 34, 43;XPh 14,33,37,44;A¹Pa 18f.

AM (§42) DSe 50°; DSi 3°; DSj 4, 6°; DSK 4; DSn 2°; D²Sa 3; A²Sa 4° (§313.II) 4;A²Sd 3;A²Ha 5° (بصورت وابستگی), 6.

AMmai DSk 5;DSm 3°.

AMm DSj 3°; DSK 4.

AMha DSa 4; (بصورت متصل §42) DSk 4.

AMhā DSj 5; A²Sd 3.

AMha یا AMhā DSd 3°; DSi 4°; DSm 5°; DSo 3°; D²Sb 4°.

ākaufaciya- صفت، اسم «اهل اکثوفک»؛ جمع، ایالتی از امپراتوری ایران: اکدی a-ku-pi-i-iš مشتق از ***akaufaka-** «کوهستان»، پیشوند ā بعلاوه **kaufa-** «کوه» بعلاوه پسوند صفت ساز (§113, §144, III; cf. Hz. AMI 8.72; Kent, Lg. 13.298-9) **ākaufaciā** 27. Xph فاعلی جمع، مذکر

akarta- صفت «ناکرده، نساخته، مرمت نشده»؛ نشانه نفی a- بعلاوه وجه وصفی از **kar-** «ساختن» (نظر Kent, JAOS 54.43. DSe 47. فاعلی، مفرد، مونث [akartā])

axšaina- صفت، با **kāsaka-** «فیروزه» (نیز Bleichsteiner, WZKM 37.103-4 و Hinz, ZDMG 95.235-6, König, Burgbau 63-4، اما آنرا با تردید بررسی کرده است؛ با اینکه به سختی می توان معنی «کهربای خاکستری» را از سوی Hz. AMI 3.65-7, ApI 232 قبول کرد ولی معنی «همایت» را از سوی Scheil 21.29-30 نمی توان پذیرفت): اوستا **axšaēna-** «تیره رنگ»، وام گرفته شده در یونانی **πῶντος** **Aξεινος** «دریای سیاه» (براساس ریشه شناسی عامیانه یونانی «بخیل، و با حسن تعبیر بصورت **Evξεινος** تغییر کرده است)، از نشانه نفی a- بعلاوه **xšaina-**، مقایسه شود با اوستا **xšaēta** «درخشان» (§102, §147.I). **axšaina** 39. DSf فاعلی، مفرد، مذکر

axšata- صفت «پیوسته، ناگسسته»؛ نشانه نفی a- بعلاوه وجه وصفی **xšan-** (§102, §242.I)، سنسکریت **kṣanòti** «آسیب می رساند»، یونانی **κτηνει** «می کشد» (بصورت دیگر 70-1 Hz. ApI, Foy KZ 35.49). **axšatā** 23. DPe فاعلی، مفرد، مونث

āgariya- صفت «وفادار» در تضاد با **arika-** (Bv. BSLP 47.132-3): برپایه (اوستا) **ā-gar-** «تمجید کردن» (Bthl. AiW 512; Duchesne-Guillemin, Comp. de lAv. 74). **āgaria** 1.21. DB فاعلی، مفرد، مذکر

(قرائت کامرون، نگاه کنید به عبارت مربوطه؛ پذیرش صورت عادی شده agriya کنت، = اوستا - ayrya «عالی»، سنسکریت - agriyā «برجسته»، برپایه اوستا - ayra «نخستین»، سنسکریت - ágra «اوج»، دشوار است: در برابر ++ ag^ar^a متعلق به KT āgar[ta] مربوط به:

Wb. ZDMG 61.725, Tm.Vdt. Stud.1.9, cf.Bthl. WZKM 22.72; āgraⁿ[θa] Jn. Indian Stud. Lanman 255-7; āgr[mata]König, RuID 65; āgr[mā] Hz.ApI.59-62).

agura- اسم «آجر پخته» (§153.I).

DSf 53, مفعولی صریح مفرد مذکر [agurum]

ارائه شده از سوی 52 könig, Burgbau پس از a-gar-ru متن اکدی، مقایسه شود با فارسی نو «آگور» در همان معنی.

DB 4.89, دری مفرد مذکر a[g]ura[vā]

(بازسازی شده بوسیله 62.267 JAOS kent, پس از 4.45 könig, klotho), اما قرائت کامرون بصورت ariyā āha.

aciy قید «آنگاه، در آن هنگام» (§291.IV): اوستا atčit «و براستی» لاتین ecquid از ادات پرسش «هر چیز»، هندواروپایی آغازین *ed-q^{id}. نگاه کنید به -a² «این» و ادات -ciy (§105, §130; Bv. BSLP 33.2.152-3; Hz. AMI 4.125-6, 8.41, ApI 55-6; Wb. ZfA 41.319). XPf 21.

atamaita- اسم «اتامَ ئیتا»، یک شورشی بابلی: عیلامی atameta (§54.I, §76.V; Hüsing ap. Prašek, GMP 2.73.n3; König, RuID 78; نه صورت umamaita پس از ummaima مربوط به 158 Oppert, Mèdes, برپایه صورت tim^aim^a + راولینسون، و بعد صورت تغییر داده شده m^am^ait^a + از سوی KT). DB 5.5 فاعلی، مفرد، مذکر [a]tamaita

ātar- اسم «آتش»: اوستا - ātar- āθr-، فارسی نو «آذر»؛ در āciyādiya- و احتمالاً در ācina- (§152.I).

atar (همان a^{tar})، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «اندر، میان»: اوستا $antarə$ ، سنسکریت $antar$ ، لاتین $inter$ هندواروپایی آغازین $enter^*$ (§31).
DB 1.21; 2.78; 4.32, 92; XPh 30, 35.

ati- پیشوند «ماوراء، آنسوی»: اوستا $aiti$ ، سنسکریت $āti$ ، یونانی $ἐτι$ «هنوز، طولانی تر»، لاتین et «و»، هندواروپایی آغازین eti^* ؛ با $-ay$. نیز مقایسه شود با $aθiy$.

aθaga- (همان $aθa^{\text{ga}}$) اسم «سنگ»: اوستا $asənga-$ ، فارسی نو «سنگ»، مقایسه شود با فارسی باستان $asan-$, $asman-$ (§87, §151, §155.I)؛ نیز نگاه کنید به $aθagaina-$.

DSf 24, 48. مفعولی صریح، مفرد، مذکر $aθagam$.

aθgaina- (همان $aθa^{\text{gaina}}$) صفت «سنگی»: مشتق از $aθaga-$ (§147.III)، احتمالاً با ویژگی $vridhhi$ ($āθagaina-?$) (§126).

DPC. فاعلی مفرد مذکر $aθagaina$.

$aθagainam$ D²Sa 1; A²Hb. مفعولی صریح، مفرد، مذکر

$aθagainām$ A²Sc 6. مفعولی صریح، مفرد، مونث

$aθaganām$ (§56.V) فاعلی مفرد، مونث → بجای (§52.VI) مفعولی صریح، مفرد، مونث
A³Pa 22.

$aθagainiya$ §179.III, §190.I; JAOS 53.20, §152.II فاعلی جمع، مونث

به اشتباه در: König, Burgbau 68؛ نه $aθagainīy$ در حالت فاعلی مفرد مونث
برای اسم جمع $stūnā$ همانگونه که از سوی Hz.AMI 3.68 گرفته شده
(است). DSf 45.

aθahavaja قرائت اشتباه KT در DB 4.90. مورد بحث از سوی Morgenstierne,

Acta Orientalia 1.252؛ از سوی F.W.König, Klotho 4.44-5؛ و از سوی

Kent, JAOS 62.268. قرائت درست بصورت $akunavam$ از سوی کامرون

(JCS 5.50)؛ و نیز مقایسه شود با Kent, JAOS 72.14) مطرح شد.

aθiy حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «به».

DB 1.91

ظاهراً جفتی برای *atiy* (Bv.Gr. §102)، احتمالاً از طریق خلط **aθi* پیشواکه‌ای و *ati* پیش همخوانی در فرایند سندهی (§80; Mt.Gr. §103).

āθiyābaušna- اسم «آثیاب اوشن»، پدر «ارشاک» (§163.III): ترکیبی از (اوستا) *-āθi-* «تباهی، بدبختی» بعلاوه وجه وصفی گذشته *-ā-baug-* «رها کردن» (§243) همراه با صورت متاخر *-šn-* از *-xšn-* (Bv. BSLP 29.2.104)، مقایسه شود با اوستا *pouru-baoxšna-* «موجب رهایی بسیار» (Bthl. AiW 901): «رها شده از بدبختی» (§160.Id)؛ نه عملاً «موجب رهایی از بدبختی»، همانگونه که Bthl. AiW 322-3 آنرا اختیار کرده است؛ بصورت دیگر در *HZ. ApI 191-2*: *haθiya-* «حقیقت»، با نبود متاخر *-h-* مشتقی از *-ā-baud-* «خوشبو بودن»، مقایسه شود با اوستا *-baodī-* «بوی خوش»، بنابراین در مجموع «دارنده بوی خوش حقیقت»؛ Gray, AJP 72.326-7، بصورت یک ترکیب ملکی (§161) «دارنده رهایی از بدبختی»، نگاه کنید به پیوست 79a.

āθiyābaušnahyā مذکر، مفرد، مذكر 4-7. Sa وابستگی، مفرد، مذكر

aθurā- اسم «آشور (و سوریه)»، ایالتی از امپراتوری ایران (§6, §166.III): عیلامی *āš-šú-ra*، اکدی *āš-šur*، یونانی *Assurīā*، اما آرامی *aθur*.

aθurā مونث DB 1.14f; 2.7; DPe 11; DNa 26f; DSe 26°; DSm 7°; XPh 22.

aθurāyā مونث DB 2.53 f. (§136) دری، مفرد، مونث

aθuriya- صفت «آشوری»: مشتقی برای مدخل پیشین (§144.III)، احتمالاً با ویژگی *vridhhi* در هجای نخست (*āθuriya-?*) (§126)

aθuriya مذکر، مفرد، فاعلی DN xvii; DSf 32; A?P 17.

āčina- اسم «آثرین»، یک شورشی عیلامی: عیلامی *ha-iš-ši-na*، اکدی *a-ši-na*. یا از عیلامی به وام گرفته شده (Foy, KZ 37.498)؛ و یا صورت کوتاه شده یک نام هندواروپایی است که با *-āç-* فارسی باستان = اوستا *-āθr-*، *-ātar-* «آتش» آغاز

می شود (§147.II, §152.I)، مقایسه شود با -ātərə-dāta «آتش داده یا آتش آفریده» و اسامی دیگر (Vd.18.52; Justi, INB 50; Bthl. AiW 324) DB.1.74,82;4.10;DBc 1f. فاعلی، مفرد، مذکر āçina DB 1.76. مفعولی صریح، مفرد، مذکر āçinam.

A āçiyādiya- صفت «آثری یادبیا، نهمین ماه، برابر با نوامبر- دسامبر: عیلامی haššiatiaš اکدی kis(i)līmu ترکیبی از -ātar «آتش» بعلاوه مشتقی از -yad «ستایش کردن» (§126; §152.I): «ماه پرستش آتش».
DB 1.89; 3.18. وابستگی، مفرد، مذکر āçiyādiyahya.

ada- قید «آنگاه»: اوستای گاهانی adā، اوستای متاخر adā، سنسکریت ādha «بنابراین» مقایسه شود با یونانی (→θευ و ποσ-θε) «در برابر»: هندواروپایی آغازین *e-dhe، برپایه ریشه مختوم به -a² (§76.III; §191.II)؛ نیز نگاه کنید به adakaiy ada-taiy DNA 43,45.

adakaiy قید «آنگاه»: فارسی باستان -kaïy + -ada، یونانی، قید ποι «جایی»، هندواروپایی آغازین *q^uoi، حالت دری مفرد خنثی برپایه بن پرسشی نامعین (§135).
DB 2.11,24;4.81,82;DNb 38.

adam ضمیر «من»: اوستا azəm، سنسکریت ahəm، هندواروپایی آغازین *eghom (§109)، مقایسه شود با هندواروپایی آغازین *egō در یونانی εγω، لاتین ego (§193.I)

adam مذکر AmH 5,8; AsH 14; CMa 1; DB 1.1, 10, 12, 39, 52, 54 bis, 56, 59, 60, 62, 63, 64, 66, 67, 68 bis, 70, 72, 73, 75, 78, 82, 83,86, 89, 91, 95; 2.3, 5,6, 10°, 11, 15°, 19, 28, 30, 48, 50, 63, 64, 69, 72, 80, 81, 88; 3.1, 13, 25, 29, 50, 77, 80, 84; 4.3, 8, 11°, 14, 16, 19, 21, 24, 27, 29, 32, 40, 45, 59, 64, 71, 81, 89; 5.2, 6f, 13, 21, 25°; DBa, 1, 16; DBb 4,6; DBc 5f; DBd 3,6; DBe 5, 8; DBf 3f; DBg 5; DBh 4f, 8; DBi 4,9; DBj 4; DPd 20; DPe 1,7; DPh 4;

DNa 8,17,34,37; 53f; DSa 1,4; DSb 1; DSc; DSd 1°; DSe 7f, 16°, 34, 44°; DSf 5,18°, 21°; DSg 1,3°; DSi 1; DSj 1°, 2°; DSk 1,4; DSm 1°, 6°; DSy 1; DZc 4,7,8, 11; DE 11; DH 3f; XPa 6, 13, 14; XPb 11; XPc 6; XPd 8,17; XPf 8,34f,36,39,41; XPg 9; XPh 6f,15,29,34,37,40,42f,43,59; XPj bis; XSc 1°,3°,4°; XE 12; XV 9,23; A¹Pa 9°,21°; D²Sb 1°, 4°; A²Sa 4; A²Sb; A²Sd 1,3; A²Ha 5°; A²Hc 9,16; A³Pa 11f; Wa 2; Wb 1; Wc 2; Wd 2; SDa; SDb; SXb 1; SXC 1.

adam-šaiy DB 2.73f.

adam-šim (§39) DB 1.62, 83; DNa 35f.

adam-šām DB 1.14; DNa 18; DSe 17; XPh 16.

adam-šiš DB 4.6.

مفعولی صریح، مفرد مذکر māṁ

(اوستا māṁ، سنسکریت māṁ، هندواروپایی آغازین *mē* بعلاوه پایانه مفعولی صریح -m (§193.II):

AsH7,11; DB 1.52 (mātya-māṁ, §133), 82f, 93°; 2.18, 28, 48, 63, 67, 73, 88; 3.30; 4.35, 91; 5.13, 17, 26, 28°, 29°, 33; DPh 9; DNa 33, 37, 51; DNb 11, 22, 26, 49; DSe 50°; DSf 9, 10, 14f, 17 bis, 57; DSi 3°; DSj 4, 6°; DSm 4°; DSs 6; DSt 7°; DZc 12; DH 7f; XPa 18; XPb 27; XPc 12; XPd 17; XPf 31, 45; XPg 12; XPh 57; XSc 4°; XV 25; A¹Pa 22°; A²Sa 5°; A²Sd 4; A²Ha 6; A²Hb°; A²Hc 19; A³Pa 5, 23, 24, 22f, 26 (§56.V; → manā?).

بی‌چسب، مفعولی صریح، مفرد مذکر mā-

(اوستا mā، سنسکریت mā، هندواروپایی آغازین *mē*، §193.II؛ مقایسه شود با بی‌چسب *me* در یونانی (με):

nai-mā DNb 8 (na[imā]), 10, 19; nai-pati-mā DNb 20.

وابستگی، مفرد، مذکر manā

(اوستا mana، سنسکریت māṁ، آریایی آغازین *mana*، مقایسه شود با لیتوانیایی mąno (§193.III):

AmH 6,10; AsH 9; DB 1.4, 9,12,13,18,19 bis,23,27,60;2.19f, 21, 25, 27,29f,31,35,40,46,49,51,55,60f,82,84,87, 91f, 93;3.9f, 10,13, 15,17, 20, 20f,31,32,38,45,53,56,62,67,75f,76,84,86;4.2,12, 35,42, 49, 52, 53f,66,82f;5.8, 14,30;DBa 5,14f; DPd 7,13;DPe 9;DNa 19,21,33; DNb 56°; DSe 18°,20°,38;DSf 12,13,58;DSj 5°; DSk 4; DSs 6°; XPa 19; XPb 23; XPc 11; XPf 16,23,31,46; XPg 7; XPh 17,19; XSa 2; XV 18; A¹Pa 20°; D²Sb 4°; A²Hc 18. mana-cā (§135) DPd 9f.

وابستگی، مفرد، مذکر -mai

(اوستای گاهانی، وابستگی -برای mōi، اوستای متأخر mē، سنسکریت me، یونانی، برای μοι، هندواروپایی آغازین *moi) بی چسبی برای:

aita,auramazdā AM, ava, avākaram avākaramca-, ucāram, utā uta-, tya, dahyāuš, dipī-, duvarayā, nai-, pati-, patiṣam, pasāva, yaθā, hauv hau-: AsH 12, DB 1.25 bis, 55,87, 94; 2.24, 34,40, 45,54, 60, 68,75,79,86, 90, 96; 3.6, 11,17,37, 44f, 61f,66f, 87;4.39, 46,60,64,89,90; DPd 23°, DPh 8, 10; DNa 50 (m^a، مخدوف) §52.VI), 52f,54f; DNb 13,28,28f, 31,32f, 33, 48, 51,52; DSe 51°,52°; DSf 10,19,19°,20°,58; DSj 4°,6°; DSk 5; DSI 4f;DSm 3°; DSs 7°; DST 9°; DH 6,8; XPa 15,18f, 19f; XPb 24,29,30; XPc 13 bis; XPd 18f, 19; XPf 32,38,41,45f,47; XPg 14; XPh 32,45,58,60;XSc 5° bis; XV 26°,27°; A¹Pa 23°, 24°; A²Sdb 4 (-may dc, §52.VI); A²Hc 20 bis.

(§193.III) -mai → برای، وابستگی مفرد مذکر -ma

apan^ayāka-ma A²Sa 3;]kama [n^ayā → برای n^ayākam-ma (§130) A²Sa 4. نه kamna-ma DB 2.19، همانگونه که تولمان آنرا اختیار کرده است.

بی چسب، ازی، مفرد، مذکر -ma

(اوستا mat، سنسکریت mat، هندواروپایی آغازین *med, §193.IV؛ صورت دارای تکیه مستقل هندواروپایی آغازین *med در لاتین باستان mēd، لاتین کلاسیک mē)؛ تنها در DB 1.19,23;2.6,12°, 16,93 hacā-ma

3.27,78,81;5.23°; DPe 9;DNa 20; DSe 19°; XPh 18.

نه 3.24 duvitīya-ma DB (تزد Bthl.); نه 4.37,68,87 apara-ma DB (تزد Bthl.)، و نه 10° Dst.

فاعلی جمع مذکر vayam

(اوستا vaēm، سنسکریت vayam، هندواروپایی آغازین uei* بعلاوه آریایی آغازین -am، مقایسه شود با گوتیک \$193.V;wei-s)

DB 1.7,10°; DBa 10,17.

وابستگی جمع مذکر amāxam

(اوستا ahmākəm، سنسکریت asmākam \$118.II, \$193.VI)

DB 1.8,28,45,49,61,69,71;DBa 12f.

adukanaiša- صفت «آدوکیش»، نخستین ماه، برابر با مارس - آوریل: عیلامی ha-du-kan-na-iš، اکدی naiša-: nīsanu بیشتر برپایه نمونه عیلامی، حالت مفعولی صریح در \$96 MB Gr. تا \$117 (niša-). ترکیبی از adu-(?) بعلاوه kan- «کندن»، احتمالاً با ویژگی vridhhi (adu-?) \$126: «ماه لایروبی کانال آبیاری»، اشاره به لایروبی مجراهای زیرزمینی برای آب آبیاری، که قاعدتاً در بهار انجام می‌شده است (مقایسه شود با 61 Bthl.Aiw).
DB 2.69. وابستگی مفرد مذکر aduka[nai]šahya

an- پیشوند نفی پیش از واژه‌ها، مقایسه شود با a-¹ پیش از همخوان‌ها: اوستا، سنسکریت an-، یونانی av-، لاتین in-، گوتیک un-، هندواروپایی آغازین \$67.I) *ñn-؛ در anāhatā.

anā حالت بایی مفرد مذکر برپایه a-² (نگاه کنید به مدخل مربوطه)؛ 8 DPe (نه برپایه اوستا، سنسکریت ana-)؛ 14 XPa (نه حرف (اضافه) پیشایند).

anāmaka- صفت «اناماک»، دهمین ماه، برابر با دسامبر - ژانویه: عیلامی hanāmakaš، اکدی tebētu. ترکیبی از نشانه نفی a- بعلاوه nāma- «نام» (نگاه کنید به nāman-) بعلاوه پسوند صفت ساز -ka (II \$146)، احتمالاً با ویژگی

vridddhi (ānāmaka-?) (§126): «ماه خدای بی نام (=متعالی)». anāmakahya DB 1.96;2.26, 56;3.63. مفرد، مذکر

anāhitā- اسم «آناهیتا، ناهید»، یک ایزد بانو: عیلامی an-na-hi-ud-da. اکدی a-na-ah-i-tu-، یونانی 'Avairis؛ اوستا- anāhitā. ترکیبی از نشانه نفی an- بعلاوه وجه وصفی گذشته āhita- «لکه دار، آلوده»، با پیوندهای درونی نا مشخص (§242.I, §67.I, §118.V): «نیالوده». نوشته های فارسی باستان متاخر، در نشان دادن بلندای ā در هر موضعی، ناتوان است.

anahita (A²sd 3f. فاعلی، مفرد، مونث (§27, §52.III)

6. (بگونه وابستگی) 4f, A²Ha 50, §313.11، بگونه وابستگی) 4 A²Sa anah^ata

aniya- صفت «یکی یا دیگری از (دوتا)، دیگر (از هر شماری)، بقیه» (JNES 3.233-4)؛ نه «دشمن»، مقایسه شود با 9-1945.56 Bv. TPS و n6 35.345. (Kent, JAOS): اوستا ainya-، سنسکریت - anyā، هندواروپایی آغازین - anio*، مقایسه شود با - alio* در یونانی ἄλλος، لاتین alius و - antero* در گوتیک - anpara، ژرمنی ander، انگلیسی نو other (§203, decl., §204.II, §144.II, §39).

aniya DB 1.95; 3.32; DSe 33°, 35. فاعلی، مفرد، مذکر

aniyam DB 1.86;5.25, 28; DSe 33,35f. مفعولی صریح، مفرد، مذکر

aniyahyā DB 1.87. وابستگی مفرد مذکر

aniyanā DPd 11; DPe 20f. از، مفرد مذکر

aniyai-ciya XPf 29. فاعلی، جمع، مذکر

aniyāha DB 4.61,62f. فاعلی جمع، مذکر (§10, §172)

aniyā DSf 25,26 فاعلی مفرد مونث

(نه مطابق با؛ Bv.Gr. §334، بایی بگونه قید «در یک سو... در سوی دیگر).

aniyām DSe 48f. مفعولی صریح مفرد مونث

aniyā DB 1.41. فاعلی جمع مونث

aniyā DB 1.47,67. مفعولی صریح جمع مونث

aniyāuvā DB 1.35. دری جمع مونث (§72)

aniya XPf 39f. مفعولی صریح مفرد خنثی

(صورت نوشتاری بگونه ^aaniyašc (\$52.I) XPh 41f; XPa 13; DB 4.46; \$9.VI, §105) فاعلی مفرد خنثی aniyaš-ciy.

aniyaθā قید «به صورت دیگر» (\$191. II) DSj 3
Kent, JAOS 51.215; Hinz, ZDMG 102.376) پس از عیلامی) نه در
(Cam. JCS 5.52) DB 4.89.

anuv (همان *anu*) حرف (اضافه) پیشایند «سراسر، برابر با»: اوستا *anu* با حالت
مفعولی صریح و دری «در امتداد، بسوی»، سنسکریت *anu* با حالت مفعولی
صریح «بعد از، سراسر»؛ نیز نگاه کنید به *anušiya*.
Lg.15.176) → مقایسه شود با (DB 1.92; DNb 25 با حالت بایی (۱)
(حالت وابستگی + *anu-dim* \$137, §267.IV; DNb 16,18 با حالت وابستگی (۲).

anušiya- صفت بعنوان اسم «پیرو، مرید»: از *anu-* (نگاه کنید به *anuv*) بعلاوه پسوند
صفت ساز *-tia* (\$80, §144.VI).

DB 2.95. فاعلی مفرد مذکر *anušiya*.

DB 1.58; 2.77; 3.49, 51, 74, 90, 91f; 4.82. فاعلی جمع مذکر *anušiyā*.

apa- پیشوند (\$206b) «دور»: اوستا، سنسکریت *apa*، یونانی *από*، لاتین *ab*،
گوتیک *af*، ژرمنی *ab*، انگلیسی نو *off, of*، هندواروپایی آغازین **apo*. بکار
رفته با فعل *gaud-* و نیز در اسم‌های *apadāna-*، *apaniyāka-*؛ با پسوند
بصورت *apatara- apara-*.

apataram قید «دورتر، دور»، حالت فاعلی مفرد خنثی از *apatara-*، که عبارتست از
apa- بعلاوه نشانه صفت برتر *-tara-* (\$32, §190.III)، مقایسه شود با قید
یونانی *απωτερω*.

DNa 18; DSe 16f; XPb 25; XPh 16.

apadāna- اسم «کاخ»: از *apa-* بعلاوه *dāna-* (\$147.I) برپایه ریشه *dā-*، مقایسه شود با
سنسکریت *apadhā* «نهانگاه»، یونانی *αποθηκη* «انبار». برای تحول در ایرانی متاخر،

با -āpa از طریق بلندای ثانویه (اما نه -appa فارسی باستان، مقایسه شود با §130)،
نگاه کنید به Henning, Trans.Philol.Soc.1944.110n.

apadānam D²Sa 1; A²Hb. صریح مفرد مذکر

apadāna (§52.V) A²Sa 3,4; A²Ha 5.

-apaniyāka اسم «پدر پدر بزرگ»^(۲): از -apa بعلاوه -niyāka «نیا»، مقایسه شود
با لاتین ab-avos «پدر پدر بزرگ».

apan^ayāka-ma (§22, §52.I) A²Sa 3. فاعلی مفرد مذکر

-apara صفت «متاخر، پسین»: اوستا، سنسکریت -apara، از -apa بعلاوه پسوند صفت
برتر -ra-(§32, §190.III).

apara 47. XPh فاعلی مفرد، مذکر

aparam DB 4.37, 42, 48, 68, 70, 87; DSt 10° صریح مفرد خنثی بصورت قید

(نه -apara-ma در حالت فاعلی مفرد مذکر با بی چسب حالت ازی در DSt 10° و DB
4.37, 68, 87- بگونه‌ای که Bthl.AiW به تبع اکدی -a ar-ki-a -a ša be-la «کسیکه
پس از من فرمانروایی خواهد کرد»، حدس می‌زند).

-āpi اسم «آب»: اوستا -āp، فارسی نو «آب»، سنسکریت، فاعلی جمع āpas،
مفعولی صریح apās هندواروپایی آغازین -āp*، با و یا بدون گستره -ā که بنظر
می‌رسد در فارسی باستان آ باشد (§122).

āpišim (=āpiš-šim; §41, §130) DB 1.95f. فاعلی مفرد، مونث

āpiyā DB 1.95 دری مفرد مونث

abiš DB 1.86. بایی جمع مونث

(سنسکریت adbhl و سنسکریت در حالت برایی -ازی adbhyās، اوستا
aiwyō، هردو از -ābh* §75.IV, §130, §188.V, JAOS 62.269-70; نگاه کنید به مدخل abiš).

apiy قید «بعلاوه، خیلی»: اوستا *aipi*، سنسکریت *âpi*، یونانی، حرف (اضافه) پیشایند *επι* «روی»، هندواروپایی آغازین **epi* (§44, §191.I). در فارسی باستان معمولاً پی چسب است. اما گاهی نیز جدا نوشته می‌شود؛ اغلب با *dūrai* «دور» می‌آید (§136):

dūrai-apiy DNa 12. «دورو دراز»

dūray-apiy DNa 46.

dūrai apiy بصورت دو واژه جدا DSc 11, DZc 6, DE 19, XPa 9, XPb 18f, XPc 8, XPd 13, XPf 13, XPh 10f, XE 18, XV 14, A¹Pa 14°, A²Hc 17f.

احتمالاً صورت *vašnā[pi]y* XPg 7f(Bv. BSLP 34.1.32-4) با ادغام واکه‌ای پسندیده‌تر از صورت *vašnā-[di]y* (Lg.9.230) یا *vašnā-[ci]y* است؛ صورت بازسازی شده *[ap]i-maiy* متعلق به *kT* در قرائت *utāmai* کامرون بصورت کاملاً قابل رویت حذف شده است DB 4.46 (مقایسه شود با عبارت مربوطه).

afuvāyā اشتباه نوشتاری برای *aruvāyā* (§55.II)؛ نگاه کنید به *aruvā*.

abiy حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند «به، بسوی، علیه، علاوه بر»: اوستای گاهانی *aibī*. اوستای متاخر *aiwi*، سنسکریت *abhi*؛ مجموعه‌ای از هندواروپایی آغازین **mbhi*، ژرمنی فرازین باستان *umbi* «گرداگرد»، هندواروپایی آغازین **obhi*، و ساکسونی کهن *obī* «نزدیک، کنار».

حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح (۱) DB 1.40, 76, 80, 82, 84; 2.12, 17, 73, 88; 3.2, 3, 14, 27, 56, 60, 71, 82; 5.12f, 21, 23, 26, 28°; DPd 18; DPe 24; DZc 9f, 12; XPg 10.

(۲) پیشوند با فعل *-jav*، و پاره نخست در *abicariš*, *abyapara* و نیز شاید در *abirāduš*، اما احتمالاً پایه و اساس *abiš* نیست.

abicariš DB 1.64f، واژه‌ای با ساخت و معنی نامشخص، احتمالاً حالت مفعولی صریح مفرد خنثی بن مختوم به *s* (§ 185.III)، برپایه *abi-* بعلاوه ریشه *car-* «حرکت کردن، رفتن» (اوستا *caraiti*، سنسکریت *càrati*، لاتین *colit* «می‌کارد»؛ §107)، در ارتباط

A با واژه *gaiθām* که در پی آن می‌آید، بطور تحت‌اللفظی «ثروت شخصی حیاتی» با مفهوم (سرزمین‌های مرتع) معنی می‌دهد، مقایسه شود با فارسی نو «چریدن» (89 Spiegel, KT, Bthl. AiW)، نیز مقایسه شود با؛ Tm. Le. 64-5؛ Gray, JAOS 33.281-3؛ Hz. ApI 51-4؛ Hüsing, KZ48. 155-6.

abiyaparam قید «پس آنگاه، بعداً»، از *abiy* بعلاوه *aparam* (§191.IV) *ab^ayapara* (§22, §52.V) A²Sa 4.

abirādu- اسم «ابیرادو»، دهکده‌ای در عیلام: پاره نخست احتمالاً *abi-* DSf 46 فاعلی، مفرد، مذکر *abirāduš*.

abiš DB 1.86 احتمالاً قید «از این طریق» با ترکیب *abi-* بعلاوه *s-* قیدی نیست، بلکه باید صورت بایی جمع مونث *āpi-* «آب» باشد (نگاه کنید به مدخل مربوطه): نظر König, RuID 70-1 مبنی بر اینکه واژه فوق اشتباه نوشتاری است برای *āpiš* «آب» در حالت فاعلی مفرد مونث، پذیرفته نیست.

abyapara نگاه کنید به *abiyaparam*

-am از اادات پی چسب که از تقسیم اشتباه **azham* «من» آریایی آغازین بدست آمده است، این امر احتمالاً حتی در دوران هندواروپایی آغازین صورت گرفته است، و بنابراین *-om* از **eg(h)om*؛ که در فارسی باستان *tuvam* (مقایسه شود با *adam* «من»)، *iyam*, *imam*, *patišam* دیده می‌شود، مقایسه شود با سنسکریت *tuvām iyām imām* و غیره.

ama- اسم «نیروی تهاجمی»، نگاه کنید به *aršāma-*.

amaxamatā قرائت اشتباه DB 4.92 KT. بصورت *amaxamatā: hama* مورد بحث، تبادل نظر و برداشت‌های گوناگون از سوی Wb. KIA 72n و نیز بوسیله Kent, JAOS 62.269 قرائت درست *hamā[ta]xšatā* از سوی Cameron، در

JCS 5.52 مطرح شد، مقایسه شود با Kent, JAOS 72.15 (نگاه کنید به -taxš و §103.II).

amata قید «از آنجا»: اشاره، با بن -ama، یافته شده (اگرچه بندرت) در سنسکریت، بعلاوه قید -tos، همانند سنسکریت tātas «از آنجا»، یونانی εκτός «خارج، ماوراء»، لاتین caelitus «از آسمان»: Buck, Lg. 3.45؛ به نقل از جکسون از سوی Gray, JRAS 1927.101؛ مقایسه شود با Kent, JAOS 51.231. از نظر Gray, JRAS 1927.99-100 و HZ. ApI 65-6، بدشواری، همان asmāt سنسکریت در حالت ازی است که به asmatas* با پایانه -tos بازسازی شده است.

DPh 6,7; DH 5,6.

amuθa نگاه کنید به -mauθ.

ay- فعل «رفتن: اوستا -ay- (مضارع aēiti)، سنسکریت i- (مضارع èti)، یونانی εἶσι، لاتین it: صرف §208. نیز مقایسه شود با -yauviyā.

aitiy (§69) DZc 10.

āiš ماضی استمراری (§72, §228.III) DB 1.93; 2.67; 3.35, 43.

DB 5.25. ماضی استمراری، سوم شخص جمع [ā]iša.

, §131) ماضی استمراری، سوم شخص جمع میانه āyaⁿtā: «رسیدن» -ā+ay- (DB 11, §208) DZc 11.

ati - + ay «پیش رفتن، فرا رفتن» -atiyāiš (DB 3.73, §122, §228.III).

upa-+ay- «رسیدن به، وارد شدن به» -[u]pāyam (DB 1.91f, §122, §226.II).

upa-+ay- «رفتار کردن، سلوک کردن» -upariyā[ya]m (DB 4.64f, §122, §226.II).

nij-+ay- «دور شدن» -nijāyam (DB 2.64, §120, §226.II).

III. 140 (§) ماضی استمراری، سوم شخص جمعⁿ patiyāsa آمدن به، به مالکیت درآمدن pati-+ay-
 122 (§) امر، دوم شخص مفرد paraidiy: «پیشروی کردن، جلورفتن» -parā + ay-
 §131, §237.I) DB 2.30, 50; 3.14.

paraitā مفرد شخص مردوم (§131, §208, §231, §237) DB 2.20, 83;
 3.58, 85.

paraitā مذكر جمع ماضی گذشته، فاعلی جمع مذكر (§122, §242, §242.I) DB
 2.32f, 38, 43, 52, 58; 3.65.

XPh pariyaiti با حالت بایی، «احترام گذاشتن، توجه کردن» -ay + pari-
 (نوشته شده بصورت^a §52 Lait؛ بوسیله Hz.AMI 8.66f, Apl 219 به اشتباه ترجمه شده است) §2
 XPh 49 parīdiy دوم شخص مفرد (§122, §131, §208, §237.I) امر، دوم شخص مفرد
 (نیز بوسیله Hz در همان، به اشتباه ترجمه شده است).

DB 1.23 (بدون افزونه مضاعف §208) ماضی استمراری سوم شخص جمعⁿ apariyāya
 (نه āpariyāya، برای -ahapa، در سنسکریت saparyāti «می پرسند»،
 علیرغم نظر Bthl.Stud.2.67, AiW 1765: نباید به upariyāya چنانکه
 بوسیله WBn xi, Wb. KIA 12 صورت گرفته، اصلاح شود)؛ نگاه کنید
 به JAOS 35.331-6, Lg. 13.303.

ayāumani- صفت «ناآزموده»: نشانه نفی -a (§67.I) بعلاوه yāumani.
 DNb 59 ayāu(ma)iniš فاعلی مفرد مذكر
 (باتوارد آوایی -i، §127، همانند اوستا §52.VI)

ayadana- اسم «پرستشگاه»: مشتق از (§147.I) پیشوند ā بعلاوه فعل -yad-
 «پرستیدن».

DB 1.63f ayadanā مفعولی صریح جمع خنثی

ar- فعل «حرکت کردن، رفتن یا آمدن بسوی»: اوستا -ar، سنسکریت -r، لاتین
 oritur «برمی خیزد»؛ مضارع آغازی (§97)، فارسی باستان -rasa، فارسی نو
 «رسد»، سنسکریت rcchāti، هندواروپایی آغازین -r̥ske (و -re-ske § 32).
 نیز نگاه کنید به -arta، -hamarana.

arasam ماضی استمراری، اول شخص مفرد DB 1.54; 2.28, 48, 63. (§212)

ماضی استمراری اول شخص مفرد [avā[rasam]: «فرارسیدن، وارد شدن به» -ava-+ar-
(§131) DB 5.23f; [a]vārasam DSf 24.

«آمدن به، وارد شدن به» -parā+ar-

با حالت مفعولی صریح مکان، و abiy بعلاوه حالت مفعولی صریح شخص:
parārasam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 2.65. (§131)

parārasa ماضی استمراری DB 2.22,32,52;3.3,34.

«فرو آمدن، نازل شدن» -ni-+ar-

با abiy و حالت مفعولی صریح مکان:

nirasātiy التزامی (§140.I; §289) DPe 24.

arakadri- اسم «آرکدّری»، کوهی در پارس (§32): عیلامی ha-rak-qa-tar-ri-iš

اکدی a-ra-ka-ad-ri-؛ ریشه‌شناسی احتمالی در Foy, KZ 35.62.

arakadriš فاعلی مفرد مذکر DB 1.37.

arabāya- اسم «ارابایه»، ایالتی از امپراتوری ایران (§32, §75.V, §166.III)؛ نیز «اهل

ارابایه»، قوم - واژه‌ای برای همان مکان: عیلامی har-ba-ia، اکدی a-ra-bi،

یونانی Ἀρβῆα

۱) arabāya فاعلی مفرد مذکر «ارابایه» DB 1.15; DPe 11; DNa 27; DSe

26°; DSm 7°; Xph 25

۲) arabāya فاعلی مفرد مذکر «اهل ارابایه» A?P 18.

arašan- اسم «آرش» (§32, §82, §155.II): اوستا در حالت فاعلی تشبیه arəθnā،

برپایه بن ایرانی aratan-, araθn-، مقایسه شود با سنسکریت aratnī؛

Lg.15.176-7 (وامواژه از ایرانی در اسلاوی معمول بصورت aršin «ال»^(۳))

، Wb. AfoF7.41، علیرغم Berneker, Slav. etym. Wrtb. 31، که آنرا

وامواژه‌ای از ترکی می‌داند؛ نیز مقایسه شود با Bv. Orig. 105.

arašaniš مذكر جمع بایی، DSf 26 bis (§187)

(نه فاعلی مفرد از نظر Bv.Gr. §308, §318: نه مفعولی صریح جمع)

arika- صفت «بی وفا، شرور»: مشتق (§146.II) از **asra-*، اوستای گاهانی *-angra*، اوستای متاخر *-anra* «متخاصم، دشمن»، برپایه ریشه آریایی آغازین *-ans**، در اوستا بصورت *-asta* «نفرت داشتن، دشمنی» دیده می شود؛ نیز مقایسه کنید با اوستا (فاعلی) *anrō mainyuš* «اندیشه پلید، اهریمن» (Bthl. AiW 189)؛ نه برپایه سنسکریت *-arī-* «دشمن» (MB Gr. §273)، و نه برپایه سنسکریت *alīkā* (Wackernagel, KZ 59.28-9).

arika فاعلی مفرد مذكر DB 1.22,33;463.

arīkā جمع مذكر فاعلی DB 5.15°,31.

ariya- «آریایی (شاید §126 *āriya-*): اوستا *airya*، سنسکریت *-ārya* «نجیب»، مقایسه شود با فارسی نو «ایران»، ایرلندی *aire* «نجیب»، برپایه ریشه هندواروپایی آغازین *-er**، فارسی باستان *-ar-* (§35.I, §144.I) نگاه کنید به *-ariyaciça-*, *-ariyāramna-*.

ariya مذكر فاعلی، مفرد، مذكر DNa 14; DSe 13; XPh 13.

ariyā بایی بعنوان اسم، «در (زبان) آریایی» DB 4.89

ariyaciça- صفت «از تبار آریایی» (§161. IIa): مرکب از *-ariya-* بعلاوه *-ciça-*.

XPh 13 فاعلی مفرد مذكر ^(۴) *ariyaciça*;

DNa 14f, DSe 13f. (نوشته شده بصورت دو واژه §44) *ariyaciça*.

ariyāramna- اسم «اریارمنه»، پدر پدربزرگ داریوش: عیلامی *har-ri-ia-ra-um-na*، اکدی *ar-ia-ra-am-na'*، یونانی *Ἀριαράμνης*. از *-ariya-* بعلاوه وجه وصفی گذشته *-ā-ram-* (§131)؛ اوستا، سنسکریت *-ram-* «در آرامش بودن، صلح کردن»: نگاهدارنده آریاییان در آرامش (§161.IIc). ترکیب *ariyā* جمع

۴. در متن انگلیسی به اشتباه: *ariyaçica*

بعلاوه ramna- (Foy, KZ 35.9) ، یا ariya- بعلاوه aramna- بعنوان صفت فاعلی میانه برپایه ar- (Hz. ApI 237) را بدشواری می‌توان پذیرفت.
ariyāramna مفرد مذکر AmH 1,4,9; DB 1.5; DBa 7;
AsH 3 (§313.II). بعنوان وابستگی مفرد مذکر
ariyāramnahyā DB 1.5; DBa 7.

aruvā اسم «عمل» (Bv. TPS 1945.42-3 → نیز JNES 4.44,52; §35.II, §150):
مونث برپایه صفت aruva- ، اوستا aurva- «تند، دلیر» (Bthl. AiW 200)،
قرینه اوستا aurvant- (نگاه کنید به مدخل aruvasta-).

DNb 38 دری مفرد مونث aruvāyā
(در کتیبه بصورت afuvāyā نوشته شده § 55.II ؛ و نمی‌توان آنرا بصورت
anuvāθā از نظر Wb. Grab 28, KIA 94 ، و نیز شکل اصلاح شده به
aruvāθā «عشق»، از سوی Hz. ApI 293-6 را پذیرفت، مقایسه شود با اوستا
urvaθa- «دوست» Bthl. AiW 1537 ؛ afuvāyā حالت مفعولی صریح خنثی
جمع «تصمیمات مستخذه»، از āpu-āia* ، در Pisani, Riv. Stud. Or.
19.82-5، برپایه ریشه āp- «بدست آوردن»، مقایسه شود با اوستا āfənte «آنها
کسب می‌کنند»، 72 ، Bthl. AiW 70 ، یادداشت ۱ بر ap-)

aruvasta- اسم «فعالیت» (JNES 4.50-2, 232) «توانایی بدنی» -ta- (Bv. TPS 1945.40-1):
اسم معنی (§145) از arvant- «متحرک»، اوستا aurvant «تند، دلیر، دلاور»
(Bthl. AiW 200) ، سنسکریت arvant- «تند، شتابان، اسب»، از آریایی ar-
«حرکت کردن» بعلاوه پسوند -vant- (§35.II, §85, §126, §157) ، مقایسه شود
با لاتین orior «برخاستن»؛ مقایسه شود با ترجمه اکدی it-ba-ru-tum¹⁴
«فعالیت»، برپایه abāru «قوی بودن» (Schaeder, OLZ 43.289-93). نیز
نگاه کنید به aruvā- نه از نظر Hz. RHRel. 113.29-31, ApI 80-6 «موهبت
بودن»، برپایه اوستا urvaθa «دوست»، مطابق با it-ba-ru-tum به معنی
«دوستی» برپایه ibru «دوست» (مقایسه شود با JNES 4.51) ؛ نمونه و مثال
معتبری برای معنی و امواژه آرامی arwest «تعجب می‌کند» که بوسیله Nyberg
Rel. 351 از St. John 4.48 نقل شده، وجود ندارد.

4. DNb مفعولی صریح مفرد، خنثی؛ DNb 31,33 فاعلی مفرد خنثی aruvastam

arxa- اسم «آرخ، یک شورشی ارمنی» (§31, §164.V): عیلامی ha-rak-qa، اکدی a-ra-hu.
arxa DB 3.78,91; 4.28f; DBi l. فاعلی مفرد مذکر
arxam DB 3.82,89. مفعولی صریح مفرد مذکر

arjana- اسم «تزئین»، همانگونه که در اکدی si-im-ma-nu-u «آذین بندی» (§34, §126, §147.I) دیده می‌شود: برای معنی آن نگاه کنید به
Schaeder, Arch. Anz.47.272-4, JAOS 51.208,53.13, 53.19
علیرغم HZ «سنگ آهک» (AMI 3.52-3) و «مواد ساختمانی» (ApI 88-93).
مقایسه شود با اوستا، مضارع- arəja «ارزش داشتن»، سنسکریت arhati و
پهلوی اشکانی aržān، فارسی نو «ارزان»، اوستا arəjah «ارزش، بها»،
سنسکریت -argha.

arjanam DSf 41f; فاعلی مفرد خنثی
arjanam-šaiy DSf 23°.

arta- اسم «قانون، عدالت»، ایزدی مقرب و ملازم اهورامزدا: وجه وصفی از ar-
بصورت اسم، اوستا aša- و arəta، سنسکریت rtā- «نظم کیهانی»، لاتین
ortus «برخاسته، خلق شده»، هندواروپایی آغازین rto- (§30, §66, §242.I).
نیز نگاه کنید به artaxšaça-, artāvan-, artavardiya-

artā-cā (§252.I, Lg.21.223-9) XPh 41,50f,53f بایی مفرد خنثی
(نه مطابق با Hartmann, OLZ 40.145-60؛ و نه مطابق با Nyberg Rel.367, 478.
Bailey ap. Nyberg, Rel. 478; Henning, TPS 1944.108

بدشواری مطابق با Sen 155، بصورت artācā brazmaniy در حالت مفعولی
صریح جمع خنثی «و خرسندی‌های الهی را»؛ و نه مطابق با نظر Pisani, Riv.
Stud. Or. 19.85-8 مبنی بر تثنیه محذوف «arta و brazman»، و اینکه cā-
رابط aurāmazdām مقدم است، و brazman موجود در فارسی باستان برابر
اوستا vohū manō «اندیشه نیک» است).

artaxšaça- اسم «اردشیر» (اول، پسر خشایارشا؛ دوم، پسر داریوش دوم؛ سوم، پسر

اردشیر دوم): عیلامی *ir-tak-ša-šš-ša*، اکدی *ar-tak-šat-su*، یونانی *Ἀρταξέρξης* (§29.n2, §30) از *arta-* «حق» بعلاوه *xšaça-* «شهریاری»، «دارای شهریاری حق» (نظر Nyberg, Rel.352 را مبنی بر «کسی که *xšaça-* او از *arta-* ناشی می‌شود»، بدشواری می‌توان پذیرفت)؛ به تقلید از *xšayāršā*، پایانه مفعولی صریح *-ām* بیانگر واکه بلند آخرین جزء در صورت فاعلی و مفعولی صریح است (§78, §161.Ib; decl. §172, §187).

artaxšaça مذکر مفرد فاعلی A^1Pa 9°, 17°; A^1I ; D^2Sb 3°; A^2Sa 1; A^2Sb ; A^2Sc 1°; A^2Sd 1,2; A^2Ha 1; A^2Hb ; A^2Hc 7,15f; A^3Pa 5 13, §313.II) بعنوان وابستگی (8,12, §247E⁽⁵⁾) بعنوان مفعولی صریح (21, 23f; (بعنوان وابستگی) 15f, (بعنوان وابستگی) 14f (بعنوان وابستگی) *AVsb-d*.

ardaxšaça (§49; *šda*) *AVsa*.

artaxšaçaām مذکر مفرد مفعولی صریح A^1Pa 5f°; A^2Sa 4; A^2Hc 5; *Sf* 2-4.

artaxšaçaahyā مذکر وابستگی مفرد D^2Sb 2°.

artaxšaθrahyā (Tm.Lex.54) A^2Ha 2f, 3;

artaxšaçaāhyā (§53) A^2Sa 2 bis; A^2Hc 10f, (بعنوان فاعلی) §313.I) 11f.

artāvan- صفت «پارسا، مقدس»، اشاره به وضعیت سعادت‌مند دینداران واقعی، پس از مرگ: برابر با اوستا *ašāvan-* «متصف به ارت یا اشنه، پارسا»، سنسکریت *rtāvan-* «وفادار نسبت به قانون مقدس» (مقایسه شود با Hz. API 289-93)؛ از **rta-*، فارسی باستان *-arta*، با واکه بلند پایانی، بعلاوه پسوند صفت ساز *-van-* (§30, §155.IV).

artāvā مذکر مفرد فاعلی (§124.5, §187) *XPh* 48,55.

artavardiya- اسم «ارت وردیا»، یکی از سرداران داریوش: عیلامی *ir-du-mar-ti-ia*، اکدی *ar-ta-mar-zi-ia* از *arta-* بعلاوه *vard-* «کارکردن»، بعلاوه پسوند صفت ساز (§30, §31, §144.IV, §160.Ia): «عامل به عدالت» (نه از *vard-* «افزایش

دادن، بالاندن»، سنسکریت -vardh-، به سبب -z- در اکدی و آرامی >rtvrzy بگونه‌ای که Bv.BSLP 31.2.66-7 نشان می‌دهد).

artavardiya DB 3.30f, 33. فاعلی مفرد مذکر

artarardiyam DB 3.36, 43. مفعولی صریح مفرد مذکر

ardaxcašca (یا -šda-)، احتمالاً اشتباه نوشتاری بجای -artaxšaça-، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

ardata- اسم «نقره»: اوستا -ərəzata-، سنسکریت -rajatā-، مقایسه شود با یونانی ἀργυρος، لاتین argentum (§30, §88, §145)؛ یزدی āl «نقره» دارای ar- ایرانی و نه -r- (Bv. BSLP 30.1.60, Origines 12). نیز نگاه کنید به -ardastāna-.

ardatam DSf 40. فاعلی مفرد خنثی

ardastāna- اسم «قرنیز پنجره»: -arda- «نور» همانند فارسی باستان -ardata- «نقره»، سنسکریت -rajatā- «سفید»، -rjra- «سرخ»، یونانی ἀργός «درخشان» بعلاوه -stāna- «مکان» (§31, §160.Ib; Foy, KZ 35.48) با احتمال ضعیف از نظر Hz. ApI 74-6 یا Bthl. AiW 193؛ «مکان روشن».

ardastāna DPc. فاعلی مفرد مذکر

ardumaniš- اسم «اردومنیش»، هوادار داریوش در برابر گئوماتا: اکدی a-ar-di-ma-ni-is. از -ardu- «شریف»، اوستای گاهانی -ərəzu-، سنسکریت -rjū- بعلاوه -maniš-، نگاه کنید به -manah- «اندیشه» (§34, §63.II, §124.4, §156.IV, §161.IIa, §185.III) «دارای اندیشه شریف» (با احتمال ضعیف -ardimaniš- «manah» او برانگیخته است) از نظر (Nyberg, Rel.352).

ar[duma]n[iš] DB 4.86. فاعلی مفرد مذکر

arbairā- اسم «اربل»، شهری در آشور: عیلامی har-be-ra، اکدی ar-ba>-il، یونانی ἀρβηλα (§31, §107, §166, §160.III).

ar**bairāyā** DB 2.90. دری مفرد مونث

ar**mina-** اسم «ارمنیه»، ایالتی از امپراتوری ایران (§31, §106): نیز نگاه کنید زیر ar**miniya-**.

ar**mina** DB1.15;DPe 12;DNa27;DSe 27°;DSm 8°; XPh 20. فاعلی مفرد مذکر

ar**minam** DB 2.30,32,50,52. مفعولی صریح مفرد مذکر

ar**miniya-** (۱) صفت «ارمنی»، (۲) اسم «ارمنیه»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی har-mi-nu-ia ، اکدی u-ra-aš-tu ، یونانی Ἀρμενιά. صفتی برای ar**mina-** (§144.III)

(۱) ar**miniya** DB 2.29;3.78f;4.29;A?P 20. فاعلی مفرد مذکر

(۲) ar**miniya** DB 2.59,63;Armⁱniyaiy DB 2.33f,39,44,48 (§22;Lg.19.233n). دری مفرد مذکر

ar**šaka-** اسم «ارشاک»: یونانی Ἀρσάκης. مشتق از ar**ša-**، نگاه کنید به ar**šan-** §30, §146.II, §163.III, §164.III.

ar**šaka** Sa 1f. فاعلی مفرد مذکر

ar**šādā-** اسم «آرشد»، دژی در رنج: عیلامی ir-šā-da (§30). ar**šādā** DB 3.72. فاعلی مفرد مونث

ar**šan-** و نیز صورت ar**ša-** (§155.I) اسم «نرینه = مرد، قهرمان، گاونر»: اوستا ar**šan-**، سنسکریت r**ṣa**-bhà «گاونر»، یونانی ἀρσην «نرینه»؛ در ar**šādā**، ar**šaka**، ar**šāma**، xšayār**šan-**.

ar**šāma-** اسم «ارشام»: عیلامی ir-šā-um-ma ، یونانی Ἀρσάμης (§29, §29.n2, §30). از ar**ša-** بعلاوه (فارسی باستان، اوستا، سنسکریت) ama- «نیروی تهاجمی» (Benveniste Renou, Vṛtra et Vṛθragha 11): دارای نیروی یک قهرمان (§161.Ib).

aršāma فاعلی مفرد مذکر AsH 1,5;DB 1.4f;DBa 6;DSf 13;XPf 19,20;A³Pa 20 (§313.II); بعنوان وابستگی).
aršāmahyā مفرد مذکر DB 1.3, 5;DBa 4,6.

arštā- اسم «راستی» (§93; §30): محذوف بقرینه برای -aršta-tā* (§129)، اسم معنی برپایه -aršta «پارسا» (§145)، هندواروپایی آغازین -rg-ta*، با درجه ضعیف برپایه ریشه -reg* (§122; Mt.Gr.§123,§125)، مقایسه شود با اوستا -arštāt- «ایزدبانوی راستی»، فارسی باستان -ardu- در -ardumaniš-، -rāsta- یا صرفاً مونث -rg-tā* بعنوان اسم معنی (§123,§125; Bv.Gr.).
DB 4.64 مفعولی صریح مفرد مونث arštām.

aršti- اسم «نیزه» (§30): اوستا -aršti-، سنسکریت -rṣti-، هندواروپایی آغازین -rs-ti* (§152.III,§179.III)، برپایه ریشه سنسکریت -rṣati rṣāti «با شتاب رفتن، هل دادن». نیز نگاه کنید به -arštika- -arštibara-.
DNa 44 فاعلی مفرد مونث aršt[i]š.

ārštika- اسم «نیزه‌ور» از -aršti- «نیزه» با ویژگی vridhhi (همانند -uvārštika- §126)، بعلاوه پسوند -ka- (§146.II).
DNb 44 فاعلی مفرد مذکر ārštika.

arštibara- اسم «نیزه‌دار»: -aršti- «نیزه» بعلاوه -bara- «برنده، حامل» (§122,§143.V,§160.Ia).

DNc 2 فاعلی مفرد مذکر arštibara

صورت نوشتاری §51, š^ar^as^at^aib^ar^a؛ بنظر می‌رسد که پیش نویس اولیه دارای صورت ar^as^at^aib^ar^a بوده باشد؛ در نمونه خوانی š^a که می‌باید جایگزین s^a شده باشد، به اشتباه با a جابجا شده است، و همین اصلاح غلط نوشتاری در حجاری صخره راه یافته است).

¹ava- صفت، ضمیر اشاره «آن» (§260.III,§264): اوستا -ava-، سنسکریت،

وابستگی تثنيه avòs، سلتی و ساکسونی کهن ovū؛ نیز نگاه کنید به avā،
 avaθā, avadā, avaparā, avahyarādi, pasāva صرف، §200.
 avam DB 1.21,22,31,40,49,57,76,80,84, 88;
 2.4, 4f, 12, 17, 20, 25, 30, 31, 35, 40f, 46, 50, 51, 55, 61, 84, 87, 94,
 97; 3.4, 7, 12, 14, 14f, 17, 27, 38, 45f, 47f, 50, 56f, 58, 62, 67, 82,
 85, 89; 4.38, 66 bis; 5.6°,27; DNa 2; DSe 2; DSf 2°; DSt 2°; DZc
 1; DE 3; XPa 2; XPb 3; XPc 2; XPd 2; XPf 2, 23; XPh 2,37; XE
 4; XV 3; A¹Pa 2f; A²Hc 3; A³Pa 2f. avamšām DB 2.20, 82f;
 3.31,85; 5.8°.
 avahyā DB 1.29;3.70;4.48f;5.19°,35°.
 avanā DSf 31.
 avaiy DB 5.15,31;DSf 48,50°,51,53,54.
 avaiy DB 2.77; 4.69.
 avaišām DB 4.051
 avām DSf 27;
 ava (§56.V)XPh 33.
 [a]vā DNa 39.
 ava DB 1.20,4.47; DNb 10,11,20, 22; DSf
 42.ava-maiy DSj 4; DSI 4f. ava-diš DNa 21; DSe 20°; XPh 19.
 avaš-ci-y (§9.VI,§105) DNb 55.
 ava DB 1.62;DNa 20,37,49;DSa 4; DSe 19°,
 32°,34,44°;DSf 20°; XPa 16; XPb 25; XPf 39, 42; XPg 10; XPh
 18,42. ava-taiy DB 4.76, 79. avaš-ci-y DNb 53f, 57; XPa 20; XPc
 14; XPf 48.
 avanā DSe 38.
 avanā XPh 49,51f.

ava-² پیشوند «دور، پایین»: اوستای گاهانی avā، اوستای متاخر ava، سنسکریت
 àva؛ با افعال -¹rad-,stā-,hard-,²kan-,gam-,jan-,ā-jan-,³ar-. مقایسه شود با

JAOS 62.274-5

avā قید «بنابراین»، متناظر با yaθā: احتمالاً حالت بایی -ava¹ (نیز هم اکنون θ^a حذف برای avaθā اما احتمالاً برای Bv. BSLP 47.131-2)، (Bv. BSLP 47.131-2)، اما احتمالاً برای avaθā با حذف θ^a؛ نیز نگاه کنید به DB 4.51. avākara-. §59 MBGr. §52.VI;so

avākanam نگاه کنید به kan².

avākara- صفت «بگونه‌ای»: avā «بنابراین» بعلاوه -kara «کننده» (§160.Ia)؛ به اشتباه در Hz. ApI 101-3، که -kara- را در avākara- و -ciyākara- نه از -kar- «کردن»، بلکه از -kara- «زمان» می‌گیرد، همانند hakaram، نگاه کنید به مدخل مربوطه).

avākaram فاعلی مفرد خنثی (§259) DNb 6.

avākaram-ca-maiy (§109, §133, §135) DNb 27f.

avajam نگاه کنید به vaj-.

avaθā قید «بنابراین، آنگاه، سپس»: اوستای متاخر avaθa: -ava¹ بعلاوه پسوند قید ساز θā-(§191.II)؛ مقایسه شود با سنسکریت tā-thā. معمولاً همراه با قید متناظر مقدم یا موخر yaθā؛ نیز نگاه کنید به avaθāśātā.

DB 1.24, 38, 63, 67, 70, 75, 78; 2.10, 15, 80; 3.24, 80; 4.8, 11, 13, 16, 19, 21, 24, 27, 29, 36, 39, 54; DBb 4; DBc 4; DBd 2f; DBe 4f; DBf 2f; DBg 4; DBh 3f; DBi 3; DBj 3; DPc 20; DNb 18f; DSf 16; DSj 3°; DZc 11, 12; XPf 22, 30 (avaθa, §52.III). avaθā-dim DNb 17. avaθādiš DB 5.17, 33. avaθā-šaiy DB 2.30, 50; 3.14. avaθā-šām DB 2.20, 83; 3.57, 85.

DB 1.42, 56, 90, 96; 2.70; 3.89. avaθā-šām DB 2.27, 36f, 42, 47, 56, 62, 98; 3.8, 19, 40, 47, 63f, 69.

DB 4.72 *avaθāšā^atā*، واژه‌ای نامشخص که بوسیله KT قرائت شده است؛ احتمالاً *avaθāša-tā* است، از *avaθā* همراه با پایانه ازی *-ša* (همانند *avadaša* §191.II) بعلاوه پی‌چسب مفعولی صریح جمع مذکر *-tā* (§133)، «از آن پس آنها را (= پیکره‌ها)». نیز Kent, JAOS 62.272-3، پس از تصحیح تولمان بصورت *tā : avaθā* «بنابراین آنها را»؛ مقایسه شود با عبارت مربوط به HK بصورت *avaθā štā* «بنابراین می‌ایستند (همانگونه که من در برابر شورشیان می‌ایستم)»، و نیز قرائت «سن Sen» بصورت *avaθāštā* صفت در حالت مفعولی صریح جمع مذکر «این چنین ایستاده».

avadā (همان *avadā*) قید «آنجا، آنگاه»: اوستای متاخر *avaða* از *ava-*¹ بعلاوه پسوندی که در فارسی باستان بصورت *idā* (§191. II) دیده می‌شود. معمولاً قید از سرگیرنده برای عبارت مکانی که بلافاصله بر آن مقدم می‌شود و بدین ترتیب حالت دری ایجاد می‌شود (نیز پیوسته در DB بجز 1.85, 88; 2.24; 3.74; 4.81; 5.24, 28). نیز نگاه کنید به *avadaša*.
 ۱) «آنجا»: DB 1.85, 88, 92; 2.9, 23, 24, 28, 34, 39, 44f, 54, 59, 66, 96; 3.5, 23, 34f, 44, 61, 66; 4.81; 5.24, 28; XPh 40. *avada-šim* (§135) DB 1.59; *avadā-šim* DB 3.74; *avada-šiš* DB 3.52.
 ۲) «آنگاه»: DNa 42

avadaša قید «از آنجا، از آنگاه»: *avadā* بعلاوه پایانه ازی *-ša* (§191.II)؛ Bthl.AiW170، بصورت تحت اللفظی؛ مخالف نظر او §325 (Bv. Gr.)، همیشه پس از *hacā*.
 ۱) «از آنجا»: DB 1.37; 3.42, 80; DSf 47.
 ۲) «از آنگاه»: DSe 47f.

avaparā قید مرکب «از آنسو»: *ava* در حالت مفعولی صریح مفرد خنثی بعلاوه حرف (اضافه) پسایند *parā* (§191.IV) DB 2.72; 3.72f.

avastā- اسم «چرم» (König, Klotho 4.45-6): ریشه‌شناسی نامعین (§145).
avast[ā]y[ā] در DB 4.89f (JAOS 62.267);

بدشواری می‌توان قرائت و بازسازی KT بصورت avast[ā]ya[m] را که تنها می‌تواند ماضی استمراری بدون افزونه -ava بعلاوه -stā باشد، پذیرفت. احتمالاً آنگونه که Wb. ZDMG 61.730 پیشنهاد کرده است، مرجعی برای اوستا وجود ندارد.

āvahana- اسم «دهکده» (§166)، مشتق از ā (§147.I) بعلاوه -vah «ساکن شدن»، اوستا -vah، سنسکریت -vas، ژرمنی *wesen* «هستی». *āvahanam* DB 2.33; DSf 46.

avahar[da] DB 2.94، نگاه کنید به *hard*.

avahya- فعل جعلی (§217) «یاری خواستن»، اوستا -avahya، سنسکریت -avasya در صفت فاعلی با حالت برایی مفرد مذکر *avasyaté* (RV 1.116.23)، در اوستا -avah «کمک کردن»، سنسکریت -avas. (Jn.JAOS 27.190, MB Gr. §209, Bv.Gr. §193). DB ماضی استمراری اول شخص مفرد میانه (§140.III) *patiyāvahya* «یاری خواستن» -*avahya* + *pati* 1.55.

avahyarādiy قید مرکب (§191.IV) «ازاین سبب» *avahyā* (§135) وابستگی مفرد خشی از -ava بعلاوه *rādiy* «به سبب»، نگاه کنید به مدخل مربوطه. در مورد عبارت پردازی، مقایسه شود با یونانی *τὸν ἐνεκα, τουνεκα*، لاتین *JAOS 35.322-9 ; huius reī causā*.

DB 1.6f, 51f; 4.47, 62; DBa 9f.

asa- اسم «اسب» (§90, §143.III): مادی -*aspa*، اوستا -*aspa*، سنسکریت -*āśva*، لاتین *equos*، هندواروپایی آغازین **ekuos*. نیز نگاه کنید به -*aspa*، -*asabāra*، -*asagarta*.

DB 1.87. (اسم جمع §255) مفعولی صریح مفرد مذکر *asam*.

asagarta- اسم «آسگرتیا» ایالتی در شمال غرب امپراتوری ایران (§31, §29.n2): عیلامی

صفت *ṣa-ga-ar-ta-a-a*، اکدی، صفت *šā-šà-kar-ti-ia*، یونانی *Σαγαρτιά*.
 احتمالاً *asan-* «سنگ» (با *s* مادی *k* > هندواروپایی آغازین؛ §9.I، §87) بعلاوه
**garta-* «غار» (سنسکریت - *gārta*)، «سرزمین ساکنان غار سنگی»،
 (161.Ib، §166.I; Bthl. AiW 207، zAiW 119-20)؛ به احتمال ضعیف *asa-*
 «اسب» (با *s* فارسی باستان *kū* > هندواروپایی آغازین §90) بعلاوه **garta-* «گاری»
 (سنسکریت - *gārta*)، «سرزمین گاری‌های اسبی». نیز نگاه کنید به *asagartiya-*.
 DPe 15. فاعلی مفرد مذکر *asagarta*.
 DB 4.23. مفعولی صریح مفرد مذکر *asagartam*.
 DB 2.80f; 4.22; DBg 8f. دری مفرد مذکر *asagartaiy*.

asagartiya- صفت «آسگرتی»، صفت از مدخل پیشین (§144.III، §159).
 DB 2.79; 4.20f. فاعلی مفرد مذکر *asagartiya*.

asan- اسم «سنگ»: هندواروپایی آغازین **aken-* (§9.V، §87، §155.I)، مقایسه
 شود با *asman-*. نیز نگاه کنید به *asagarta-*.
 DSf 40f; فاعلی مفرد مذکر *asā* (§124.5، §187).
 نیز نگاه کنید زیر *dāru-*.

asabāra- اسم «سوار»: فارسی نو «سوار»، نیز مقایسه شود با *Tedesco*, ZII 2.40-1.
asa- «اسب» (§126) بعلاوه *bāra-* «حمل شده بوسیله، سوارکار»
 (§122، §143.V، §159، §160.Ic) نیز نگاه کنید به *uvāsabāra-*.
 DNb 41f, 44, 45. فاعلی مفرد مذکر *asabāra*.
 DB 2.2, 71; 3.41, 72. جمع مذکر *asabāraibš*.

aspa- اسم «اسب»، گونه مادی برای فارسی باستان *asa-* (§90)، نگاه کنید به مدخل
 مربوطه، در *aspacanh-*, *uvaspa-*, *vištāspa-*.

aspacanh- اسم «اسپَچنا»، کمانور داریوش: عیلامی *ṣa-na*، اکدی *ṣa-na*، یونانی *Ἀσπαθίνης* *aspa-* «اسب» (§9.II، §9.n2، §90).
as-pa-[si-na]

بعلاوه -canah «اشتیاق»، اوستا -čīnah-، سنسکریت cānas «دوست دارنده اسبها» (§161.Ia, §163.Ib).
aspacanā (156.II, §185.II) DNd 1. فاعلی مفرد مذکر

asman- اسم «آسمان»: اوستا -asman-، سنسکریت -āśman-، یونانی ακμων «سندان»، لیتوانیایی akmuō «سنگ»، هندواروپایی آغازین -akmen-/mon- Reichelt, IF 95, §155. III)؛ برای معانی مختلف، مقایسه شود با Bailey, 32.23-57 برای اعتقادات ایرانی در مورد پیدایش آن، مقایسه شود با Zoroastrian Problems 120-48. نه بصورت -āsman- علیرغم گونه فارسی نو «آسمان»، که در صورت متاخر دارای واکه بلند است.
(Bv. Gr. §175. Debrunner, IF 52.153) نیز نگاه کنید به -aθaga-, -asan-.
asmānam (67.II, §124.6, §187) DNa 2f; DSe 2f; DSf 2; DSt 2f; DZc 1; DE 3f; XPa 2; XPb 3f; XPc 2; XPd 3; XPf 2f; XPh 2; XE 4; XV 3; A¹Hc 3.
asmānām (§53) A²Pa 3.

ašnaiy قید «نزدیک» حالت بایی مفرد خنثی از -ašna- «نزدیک» (Hz. ApI 98-9)، اوستا -āšna- «نزدیک»، در صورت دری -asne.āšnaē-ca «نزدیک»، ازی asnāt «از نزدیک»؛ از ریشه مختوم به š یا ž آریایی آغازین (هندواروپایی آغازین k یا g: سنسکریت aśòti «می رسد» و àjati «می راند» که به احتمال ضعیف تناسب دارد)؛ نه -ā-zd-na-¹، وجه وصفی ā بعلاوه -had² «به کسی نزدیک شدن» (Bthl. AiW 1755)؛ اما -had² که همیشه دارای پیشوند ā است، تنها یک گونه معنایی برای -had¹ «نشستن» می باشد، مقایسه شود با سنسکریت -āsanna- بعنوان صفت «نزدیک» (Bthl. AiW 220). احتمالاً از هندواروپایی آغازین -aŋgh- «خفه کردن، بند آوردن»، مقایسه شود با لاتین angō، یونانی αγγω اسم لاتین angor، اوستا -azah-، سنسکریت -aŋgh-:ahas- بعلاوه وجه وصفی -no- (§96, §147.I, §191.III, §243)؛ برای معنی شناسی، مقایسه شود با یونانی αγγι، قید «نزدیک» (JAOS 62.276-7). نه «روی مرز» برپایه ریشه آریایی آغازین -āz-، سنسکریت -ājati-، لاتین agit (Bthl. AiW 264)؛ نه «در

دوستی» براساس عیلامی (WB, KT) *kanna enni git*؛ قرائت کنونی (kánna šà-nu-gi-ut)؛ و نه «در صلح»، مقایسه شود با اوستا *āxštiš* «صلح»، *āxšta-* «آرام» (Bv. BSLP 31.2.67-9). عیلامی *kàn-* تکرار می‌شود = *dauštā* «دوست»، بدین ترتیب تنها مفهوم «روی مرز» حذف می‌شود، زیرا «دوستی»، «صلح»، «نزدیکی» مفاهیم مرتبط هستند.

ašnaiy DB 2.11f;

نه در DB 5.23، علیرغم نظر Hinz ZDMG 96.341

azdā قید «آگاهی»: اوستای گاهانی *azdā* «بدین ترتیب»، بهلوی *azd*، سنسکریت *addhā* «قطعاً»، از آریایی آغازین **adzdhā* (§85)؛ مقایسه شود با MB Gr. §118. DB 1.32; DNa 43,45; DNb 50.

¹ah- فعل «بودن»: اوستا *ah-*، سنسکریت *as-*، یونانی *εδτì*، لاتین *est*، گوتیک *ist*، هندواروپایی آغازین **es-*. نیز نگاه کنید به *hašiya-āθiyābaušna*. صرف §208 اول شخص مفرد *amiy* اوستا *ahmi*، سنسکریت *àsmi* یونانی *ἄσμι* آتیک *εμμ* انگلیسی نو *am* (§118.II, §226.I):

AmH 9; DB 1.12, 39, 53, 75, 79; 2.10; 15, 80; 3.25, 81; 4.9, 11, 14°, 17, 19, 22, 25, 27, 30; DBb 5, 7; DBc 8f; DBd 4f, 7; DBe 6, 9; DBf 4f; DBg 7f; DBh 5f, 9; DBi 6, 10; DBj 5; DNa 35; DNb 6f, 7, 8, 12f, 13, 15, 26, 27, 34, 40, 42, 43, 44, 51; DZc 7; A²Hc 18.

astiy,

اوستا *asti*، فارسی نو «است»، سنسکریت *àsti* (§116, §228.I):

DB 4.46, 51; DNb 54f, 56; DSe 37; XPh 30.

a^hmahy.

اوستا *mahi*، سنسکریت *smàs-i-*، یونانی *εμης* (§118.II, §230.I):

DB 1.7f, 11; DBa 12, 18.

haⁿtiy سوم شخص جمع

اوستا *hənti*، سنسکریت *sānti*، یونانی *ἐντι*، اوسکی *sent*
: (§39, §122, §232.I)

DB 4.61, 63°.

ماضی استمراری اول شخص مفرد *āham*
سنسکریت *āham*، یونانی *ἤα* (§67.II, §122, §226.II)

DB 1.14; 2.6, 12; 3.77, 4.63 bis, 64. *āhām* XPh 15f

(§53, §131; با احتمال ضعیف → Hz. AMI 8.65, ApI 63-4).

āha ماضی استمراری **ēset* (§228.II)

اما اوستا *ās* از **est*:

DB 1.21, 22, 29, 30, 36, 45f, 48, 62, 86, 2.13, 18f, 19, 24 bis,
94, 95; 3.8, 30, 70; 4.8; 89; 5.29; DNa 38; DSe 32°; DSf 16,
57°; DSj 3°, 4.4°; DSI 5; DZc 12°; XPf 18, 19, 22, 30, 38;
XPh 35, 42.

ماضی استمراری سوم شخص جمع *āhaⁿ*

سنسکریت *āsan* (§232.II; §274.nl):

DB 1.8 (§259), 10, 38, 42, 56, 90, 96; 2.27, 36, 42, 47, 56, 70,
98; 3.19, 40, 47, 63, 69, 89; 4.51; 5.15°, 31; DBa 13. 16; DNa
39°.

āhaⁿtā ماضی استمراری سوم شخص جمع میانه (§236.II, §274.nl)

DB 1.19, 58; 2.77; 3.75, 90°, 92; 4.81; XPf 29.

āhaⁿta (§36.IV c) DB 3.49, 51.

التزامی، اول شخص مفرد *āhaniy*

سنسکریت *āsāni* (§226.I):

XPh 47,48

(-ā-) از زمان فعلی دیگری گسترش یافته است، بنابر نظر Ogden ap.

(Kent, JAOS 58.325; §52.III, §131, §222.I)

التزامی دوم شخص مفرد *āhy*

سنسکریت *āsasi* (§131, §227.I):

DB 4.37, 68, 72, 87; DSt 10°.

التزامی ahatiy

اوستای گاهانی $\alpha\eta\text{haitl}$ ، سنسکریت $\grave{\text{a}}\text{sati}$ (§222.I):

DB 4.38, 39f, 68, 68f, 74°, 78; 5.19, 35°; DPe 22.

²ah-

فعل «حرکت دادن»: اوستا -²ah، سنسکریت -as، مضارع $\grave{\text{a}}\text{syati}$.

DB 1.95 (§214, §274d) ماضی استمراری میانه بعنوان مجهول $[\bar{\text{a}}]\text{h}[\text{yat}]\bar{\text{a}}$ (بازسازی مربوط به Kern, ZDMG 23.239).

idā

(همان idā) قید «اینجا»: اوستای گاهانی idā، اوستای متاخر idā، سنسکریت idā یونانی، پایانه قیدی -θε، هندواروپایی آغازین *i-dhe (§191.II, §76.III)، شکل گرفته روی ریشه ضمیرواره موجود در فارسی باستان diyam سنسکریت is ea id لاتین ayām iyām idām

DB 1.29; DSf 37, 38, 40, 43, 45f; DSo 4°; XPb 24.

ima-

صفت و ضمیر اشاره «این»: اوستا ima-، سنسکریت ima-؛ بن برگرفته از آریایی *im-am برابر با مفعولی صریح *i-m بعلاوه پی چسب am- (نگاه کنید به مدخل مربوطه؛ به اشتباه در Mt. MSLP 19.49-52). صرف 199.

imam DPa 6; DPe 21; DSd 3; DSn 1°; XPa 12; XPj; A¹I (§56.V) بعنوان فاعلی مفرد مذکر (A¹I 12; XPj; A²Sa 3,4,5°; A³Pa 22؛ بعنوان مفعولی صریح مفرد خنثی) (A²Ha, 5,7; §56.V) بعنوان مفعولی صریح مفرد خنثی) (A³Pa 22؛ بعنوان فاعلی مفرد مونث) (§56.V).

imaiy DB 4.34, 80, 82; 5.23. جمع مذکر

imaiy DB 4.31; imai-vā (§136) DB 4.71, 73, 77. جمع مذکر

imaisām DB 4.87. جمع مذکر

imām AsH 10f, 13; DB 4.42, 48, 54, 57, 70, 73, 77, 91 (im^a Cameron; imām, §52.VI); DPd 15, 18; DPe 24; DNa 1f, 32, 53; DSe 1f; DSf 1; DSt 1; DZc 1,8,12; DE 2; XPa 1; XPb 2; XPc 1; XPd 1f; XPf 1f; XPh 1, 58; XE 3; XV 2,

24; A¹Pa 2°; A²Sc 4f (بمعنوان مفعولی صریح مفرد خنثی) §56.V, 5;
A²Sd3 (بمعنوان فاعلی مفرد خنثی) §56.V; A²Hc 2; A³Pa 2,25f.

imā فاعلی جمع مونث DB 1.13, 18,23;2.6°;4.33; DPe 7; DNa 16;
DSe 15; DSm 5°; XPh 14.

imā مفعولی صریح جمع مونث DB 1.21; DSg 3°.

ima فاعلی مفرد خنثی DB 1.27, 72; 2.91; 3.10, 20, 53, 76; 4.1, 3,40,
49, 59; 5.2; DPh 4; DNb 32; DSf 22; DH 3.

ima مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.25 bis, 26, 68; 4.44; DNb 1f; DSf
10; DSj 5°; XPc 10f; XPd 16; XSa 1; XSc 3°; XV 20; A¹Pa 19°;
D²Sb 3°, 4°.

imā مفعولی صریح جمع خنثی DB 4.32.

imaibiš بایی جمع خنثی DNb 48.

imaniš- اسم «ایمنیش»، نامی که از سوی «مرتیا»، شورش بایی بکار رفته است
(§163.V): عیلامی, um-man-nu-iš اکدی im-ma-ni-e-šú.

imaniš فاعلی مفرد مذکر DB 2.10; 4.16f; DBf 4. (§185.III)

iyam صفت و ضمیر اشاره «این» (§11, §260.III, §265): از آ* در حالت فاعلی
مفرد مونث (نیز احتمالاً از i* در حالت فاعلی مفرد مذکر بدون پسوند) بعلاوه
ضمیرواره am- (نگاه کنید به مدخل مربوطه). صرف, §199. نیز نگاه کنید به idā,
ima-

iyam مفعولی مفرد مذکر DBb 1; DBc 1; DBd 1; DBe 1; Dbf 1;
DBG 1; DBh 1; DBi 1; DBj 1; DBk 1; DNi-iv, xv, xvi°, xvii, xxix;
A?P 1-4, 8°, 9-21, 22 (نوشتار بصورت im^ay^a, §51), 23-8, 29°, 30.

iyam مفعولی مفرد مونث (بمعنوان دری مفرد مونث) AmH 5,8 صفت, فاعلی مفرد مونث
(یا ادغام شده در §23.I, Im) (§52.VI); DPd 6; DZc 10; i(ya)m DB4.89

isuvā- اسم «تبرزین» (Junge, Klio 33.22-3; Kent, JNES 4.233): ریشه‌شناسی
نامعلوم (ساخت بن §143.IV). نه «کماندان» برای išuvā- برپایه اوستا išu-

«تیر»، سنسکریت -išu (مقایسه شود با آراء گوناگون 3-41 Wb. Grab).
DnD 2 مفعولی صریح مفرد مونث isuvām.

iš- فعل، نگاه کنید به -aiš.

išti- اسم «خشت» (§152.III, §179.III): اوستا -ištya، فارسی نو «خشت»،
سنسکریت istakā، سنسکریت قرون وسطی -istikā
(König, Burghau 51-2; Wb. AfoF 7.41; Hz. AMI 3.57-8; W.N.
Brown, Lg. 8.13).
DSf 29 فاعلی مفرد مونث ištiš.

išmal]uv یا [išmar]uv حالت مفعولی صریح مفرد خنثی با مفهومی نامعین،
احتمالاً «(طلای) مرصع»
DSf 51 (Cameron, Persepolis Treasury Tablets 129-30)؛ ارائه شده از
سوی 5-3.74 Hz.AMI بعنوان وامواژه از عیلامی is-ma-lu (gišma-lu)
«چوب» (Hinz, Orientalia 1950, 19, 408-15) یا از یک اصل گمشده اکدی
برای هردو؛ مقایسه شود با JAOS 53.21, 56.220 اما قرائت ترجیحی از نظر
هیئت uv [dār]، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

izalā- اسم «ایزلا» ناحیه‌ای در آشور (§6, §107): عیلامی is-si-la.
DB 2.53 فاعلی مفرد مونث i[za]lā،
صورت بازسازی شده بوسیله Wb ZDMG 61.726 (Izarā Tm. Lex. 74)،
پس از صورت عیلامی. اما کامرون تمام حروف را قابل مشاهده یافته است: iz^ala.

h^u- پیشوند جدا نشدنی «خوب، درست» (-uv پیش از واکه‌ها): اوستا -hu،
سنسکریت -su یونانی u-γ^uns «دارای زندگی خوب، سالم». هندواروپایی
آغازین -su (IV §140) در: uxšnav-, ukāra-, ucāra-, utāna-, utava-،
uθanuvaniya-، ufrašta-، ufrasta-، ubarta-، umartiya-، uraθa-،
uvaspa-، ūvnara-، uradana-، uvaxštra-، uvārazmi-، uvārštika-،

.uvāṣabāra-, ušhamaranakara-.

ukāra- صفت «دارنده مردم یا سپاه خوب»: از **u-** «خوب» بعلاوه **kāra-** «مردم، سپاه». مفعولی صریح مفرد خنثی بجای مفعولی صریح مفرد مونث **ukāram** AsH 9 (§ 52.III).

uxšnav- صفت «خوب راضی» (§ 142): از **u-** «خوب» بعلاوه **xšnav-** «راضی کردن» («مهربان» Hz. ApI 199-200; **uxšnuš** «آگاه»، Sen 233).
DNb 27. **u[xšna]uš** فاعلی مفرد مذکر (§183.III, §190.I).

ucāra- صفت «خوب انجام شده، موفق»، بعنوان اسم خنثی «کردار خوب»؛ از **u-** بعلاوه **cāra-** از ریشه **kar-** «انجام دادن» (§122, §123.3, §99)، مقایسه شود با اوستای متاخر **čārā-** «بزار کمکی»، فارسی نو «چاره» (Bv. BSLP 30.1.65-6, Gr. §292؛ مقایسه شود با Bthl. AiW 584)؛ اما Wb. AfoF 7.39-40, Hz. ApI 193-8، واژه را از آریایی **car-** «حرکت کردن» می گیرند (اوستا **čaraiti**، سنسکریت **cāratī**؛ اما در سنسکریت تنها واژه **sučārā** بعنوان نام زن وجود دارد).

DSj 4°; DSI 5. **ucāram** فاعلی مفرد خنثی
DB 4.76; **ucāramaiy** مفعولی صریح مفرد خنثی
DSf 20° (= **ucāram-maiy**, §138.I).

ucašma- قرائت اشتباه برای **cašam** = **cašama**؛ نگاه کنید به **caša-**.

hūja-hūvja- (§23.II) اسم، «عیلام، شوش»، ایالتی در امپراتوری ایران (§166.II)؛ نیز بعنوان قوم - واژه «عیلامی، شوشی»: عیلامی **hal-tam-ti** اکدی **e-lam-mat**، مقایسه شود با فارسی نو «هوژ» (**ūja**) متمایز از **ūvja**، نظر اشتباه (König, Burgbau 9-11, Hz. AMI 3.69-73) نیز نگاه کنید به **ūjiya**.
DSe 21°, DSm 7°; XPh 20. فاعلی مفرد مذکر **ūja**: «عیلام» (۱)
ūvja DB 1.14, 2.7, 5.4; DPe 10; DNa 22.

ūvjam DB 1.82; 2.12; 4.12, 17; 5.10. مفعولی صریح مفرد مذکر

ūjaiy DB 1.74f, 75, 77; 2.10, 10f; 4.11, 17; DBc 9f; DBf 5. در مفرد مذکر

DN iii; A?P 3. فاعلی مفرد مذکر ūvja: «عیلامی» (۲)

hūvjia-hūjia- (§144.III) صفت، عیلامی، «شوشی»: مشتق از واژه پیشین.

ūvjia DB 4.10, 5.5f. فاعلی مفرد مذکر

ūvjia DB 1.75f, 2.12, 5.15. فاعلی جمع مذکر

ūvjia DB 5.11. مفعولی صریح جمع مذکر

ūvjiaibis DB 5.10. بایی جمع مذکر

utā (برای utā §36.I) حرف عطف «و» (§291.I-II): اوستا uta، سنسکریت utā،

یونانی همری η-ute «مانند»، هندواروپایی آغازین ute* (با احتمال ضعیف هم -ā و هم -ā در آریایی، علیرغم §151 Mt. MSLP 19.57-8, MB Gr.

utā...utā: (τε ka مقایسه شود با یونانی) DB 1.66f، مقدم -cā، همبسته با «هم... و هم...»:

DB 1.34f, 41, 46f; 2.74, 88f; 5.19f, 35; DNb 30, 37, 40f, 43, 45; XPf 19f; XPh 54f.

utā : AsH 13; DB 1.34 bis, 34f, 41 ter, 46 bis, 47, 57, 67, 77, 85; 2.3, 4, 18, 74 ter, 77, 81f, 87, 88, 89, 92; 3.30, 47, 48, 50, 58, 74, 77(uā, §52.VI), 88, 90, 91; 4.7, 56, 61, 62, 75 bis, 79, 89, 90, 91 bis; 5.11, 12, 19, 20°, 28°, 31, 35 bis; DPd 15; DPe 13, 14; DNa 53; DNb 3f. 26, 27, 28, 30 bis, 37 bis, 40f, 41, 43 bis, 45 ter; DSe 28°, 51f; DSf 13, 28 bis, 29, 33, 35, 36, 37, 40, 44 bis, 48, 50, 52, 55, 57; DSn 2°; DSs 7°; DSt 9; DZc 11; XPa 19 bis; XPb 24, 30; Xpc 13 bis; XPd 19; XPf 19f, 20, 39, 46, 47; XPg 5, 11; XPh 24, 35, 38, 41, 48, 53, 54, 55, 58; XSc 5°; XV 20, 27°; A¹Pa 24°; A²Sa 4, 5, 5°; A²Sc 5; A²Sd 4; A²Ha 5°, 6, 6f; A²Hc 19; A³Pa 25 bis, 26.

utā-maiy:AsH 12;DB4.46 (قابل رویت برای کامرون؛ مقایسه شود با یادداشت مربوطه)
 DPh 10; DNa 52f; DH 8; XPb 29; XV 26f; A²Hc 20.
 utā-taiy DB 4.56, 58, 73f, 75, 77f, 79. utā-šaiy DB 2.74f, 89.
 utā-šim DB 2.13^o; 5.13, 26f. utā-šām DB 3.57; 5.15. utā-diš
 DNb 46f.

uta-maiy (§135) DSe 51^o; DSf 58; DSj 6^o; DSt 9^o; XPa 15, 18f;
 XPd 18f;XPf 41,45f;XPg 14;XPh 58 (جای u خالی مانده است) Lg. 13.303;
 XSc 5^o; A¹Pa 23^o; A²Sd 4. uta-šim (§135) XPh 34. (در بازسازی‌ها معمولاً همیشه میان utā و utā-šim تفاوت وجود دارد).

utāna- اسم «اوتان»، پیرو داریوش علیه گنوماتا: عیلامی hu-ud-da-na اکدی
 u-mi-it-ta-na- یونانی ὀτάνης؛ احتمالاً u- «خوب» بعلاوه tāna- از ریشه
 tan- «کشیدن، گستردن» (§164.II)، اوستا، سنسکریت tan-، یونانی τείνειν
 لاتین tendit. مقایسه شود با سنسکریت tāna-m «فرزند»: دارنده نسل‌های
 خوب».

DB 4.83. فاعلی مفرد مذکر [u]tā[na]

utava- صفت «قوی، سالم»: u- «خوب» بعلاوه صورت مشتق از tav- «قوی بودن»
 (§122).

utava فاعلی مفرد مذکر DB 4.71f

(اصلاح HK,ApKI 1.63, 2.29 در برابر d^at^as^a مربوط به KT، در مورد
 حروف اول و سوم بسیارست است §54.I).

uθanuvaniya- اسم «کمانور خوب»: u- «خوب»، بعلاوه θanuvaniya- «کمانور».
 DNb 42f. فاعلی مفرد مذکر uθanuvaniya

nd حرف (اضافه) پیش‌بیند و پیشوند «بالا»، از ایرانی uz-,us- پیش از آواهای دندانی
 (§85): اوستا- uz-,us-، سنسکریت ud، هندواروپایی آغازین *ud (و *ūd در
 انگلیسی نو out، آلمانی فرازین نو aus): ud؛ با ریشه فعلی us-,pad- در
 ustašānā- و u(z)- در uzma- (§84).

upā (همان upā، مقایسه شود با §140.I) حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند «بسوی»: اوستا upa، سنسکریت úpa یونانی ὑπὸ لاتین s-ub «زیر»، هندواروپایی آغازین *upo.
«در زمان، زیر، با»، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح (۱)
(به احتمال ضعیف به معنی «مربوط به» بصورتی که Hz. ApI 353 برداشت کرده است):
DB 2.18,3.30; A²Pa 23; Sf.

پیشوند (۲)

«زیر»، در upadarma-؛ «بسوی»، با فعل ay-؛ «نسبت به»، در upastā-.

upadarma- اسم «اویدرم»، پدر آثرین: عیلامی uk-ba-[tar]-ra-an-ma. upa از علاوه darma- (ریشه dar-)، سنسکریت dhàrma- «رفتار مناسب» (§163.V): «کسی که تحت تاثیر رفتار مناسب است (=براساس رفتار مناسب عمل می‌کند)»
(نیز Bthl. AiW 390، بصورت تحت اللفظی؛ با احتمال ضعیف upadaraⁿma-، پس از صورت عیلامی؛ صورت پذیرفته شده با احتمال ضعیف از سوی Hz. ApI 190)
DB 1.74. وابستگی مفرد مذکر upadarmahyā.

upariy قید، حرف (اضافه) پیشایند، پیشوند «بالا»: اوستا upairi، سنسکریت upāri، یونانی ὑπερ لاتین s-uper، گوتیک ufar، هندواروپایی آغازین *uperi (§191.I)
Xph 31، «بالا» قید (۱).

«مطابق با، طبق، روی»، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح (۲):
DB 4.64; DNb 4,32, 46,49; DSf 27.

با فعل ay-، «روی»، پیشوند (۳)

upastā اسم «کمک، یاری»: upā علاوه ریشه فعلی stā- (§140.I, §142)، از نظر معنایی مقایسه شود با آلمانی Bei-stand.

upastām AmH 10f; DB 1.25, 55, 87, 94; 2.24f, 34, 40, 45, 54, 60, 68, 86, 97°; 3.6, 17, 37, 45, 62, 67, 87; 4.60f, 62; DPd 13; DNa 50; DSf 19°; DSk 5; XPh 32, 45.

ufrātu- اسم «فرات»، رودبابل: عیلامی ú-ip-ra-tu-iš، اکدی purattu، یونانی

Evφpātns (§75.V, §76.V, §166, §166.III). ریشه‌شناسی نامعلوم، احتمالاً در فارسی باستان، یک ریشه‌شناسی عامیانه از نام یک محل غیر ایرانی است، مقایسه شود با Bth. AiW 1830; Fick, BB 24.310; Justi, IFA 17.116; Tm. Lex. 77. (نه در حالت وابستگی بصورت اختیار شده از سوی DB 1.92 (Hz. ApI 71-2) بایی مفرد مذکر *ufrāuvā*).

ufrasta- ufrašta صفت «بخوبی مجازات شده»: *u-* «بخوبی» بعلاوه وجه وصفی *frašta-* یا *frasta-* (§93) «مورد ستوال واقع شده، بازجویی شده» از ریشه *fraθ-*: هندواروپایی آغازین **su-prekto-* (§33, §75.II, §242.II).
ufrastam DB 1.22, 4.66f; صریح مفرد مذکر
ufrāštam DB 4.38.

DB 4.59 *ufrāštā-diy* صریح جمع مذکر
 AOS 35.351-2, cf. Bv. Gr. §345) نه *ufrastā* در حالت دری بعلاوه حرف (اضافه) پیشابند *adiy* بصورت اختیار شده از سوی Bthl. IF 12.110, AiW. (60-1, Mt. Gr. §318).

uba- صفت «هردو»: اوستای گاهانی *uba-*، سنسکریت، تشنیه (*ubhā(u)*)، هندواروپایی آغازین (**ubhō(u)*)، مقایسه شود با یونانی *αμ-φω*، لاتین *am-bō* (§143.III).
 DSf 14; XPf 21. (*ubā*) فاعلی تشنیه مذکر

ubarta- صفت «خوب نواخته شده، ارتقاء یافته، محترم شمرده شده»: *u-* «خوب» بعلاوه *barta-* «برده»، وجه وصفی از *bar-* «بردن»، هندواروپایی آغازین **su-bhrto-* (§30, §122, §242.1).

DB 1.21f; 4.66 *ubartam* صریح مفرد مذکر
 DB 4.88 *[uba(r)]tām* (§56.VI) صریح مفرد مونث
 در مورد معنی، مقایسه شود با Altheim, ZII 3.33-5؛ به احتمال ضعیف، بصورتی که از سوی *könig*, RuID 69 اختیار شده است.

[u]mamaita، نگاه کنید به *atamaita-*.

umartiya- صفت «دارای مردان خوب»: *u-* «خوب» بعلاوه *martiya-* «مرد».

umartiyā AmH 6; DPd 8f. فاعلی مفرد مونث

umartiyam DSf 11f; DSm 4°; DSp 3°.DZc 4. صریح مفرد خنثی

uyamā اسم «اویما»، دژی در ارمنیه: عیلامی ū-i-ia-ma آرامی huyaw
(Cowley, AP 251 line 4,257).

uyamā DB 2.44 فاعلی مفرد مونث (همه حروف برای کامرون قابل رویت بوده است)

uraθa- صفت «دارای گردونه‌های خوب»؛ سنسکریت suratha- بعنوان نام مرد: u-
«خوب» بعلاوه raθa- «گردونه»، اوستا raθa- سنسکریت rātha- لاتین rota
«چرخ» (§143.III). نیز نگاه کنید به uraθara-.

DSs 5. مفعولی صریح جمع خنثی بعنوان اسم «گردونه‌های خوب» uraθā-cā

uraθara- صفت «دارای گردونه رانان خوب»، مشتق از uraθa- (§148.I).
[u]raθaram DSp 3. مفعولی صریح مفرد خنثی

uradana- صفت «دارای دستور خوب»: u- «خوب» بعلاوه مشتق rad-² «هدایت
کردن» (§122, §147.I): نیز نگاه کنید به Hz.ApI 206-7 (اما او در طرح واژه
به لاتین بصورت lēx «قانون» اشتباه کرده است).

DNb 23. مفعولی صریح مفرد مونث uradanām

huva- ضمیر انعکاسی «خود» و صفت ملکی «مال خود» (§118.IV): اوستا x^va-،
سنسکریت sva- یونانی ε و os، لاتین sē و suos، هندواروپایی آغازین *sue و
*suos (§143.III): در uvāmaršiyu-، uvāipašiya-، uvādā-.

uvaipašiya- صفت «متعلق به خود» (به اشتباه «خود رأی»، Sen 246)، خنثی بعنوان
اسم «ملکیت خود»: اوستا xāēpaiθya- «خود»؛ فارسی باستان uvai- صورت
فاعلی uva-، همانند سنسکریت svay-ām «خود» (MB Gr. §293) بعلاوه
آریایی آغازین *patia- ساخته شده روی صورت هندواروپایی آغازین *poti-،
اوستا paitiš «سرور، شوهر»، سنسکریت pati-، یونانی πòtis «شوهر»، لاتین

potis «قادر»، لیتوانیایی pàts «خود»: هندواروپایی آغازین -suoi-potio*
 (§53, §143.II, §152.III, §161.IIb).

DNb 15. وابستگی مفرد خنثی uvaipašiyahyā

uvāipašiya- همان واژه پیشین، با ویژگی vridhhi در هجای آغازین
 (§126; MB Gr. §298)؛ اما ممکن است uvāi- صورت اشتباهی باشد برای
 uvai- یا uvai- بجای (§53) uvāi-
 DB 1.47. مفعولی صریح مفرد خنثی uvāipašiyam

^huvaxštra- اسم «هوخستر»، شاه متقدم ماد: عیلامی ma-ak-iš-tar-ra اكدی
 ú-ma-ku-iš-tar یونانی kvaξāpης از u- «خوب» بعلاوه vaxštra- «رشد»
 (§9.II, §79, §148.III)، از ریشه vaxš-، اوستا vaxš-، سنسکریت vaks-، آلمانی
 wachsen، انگلیسی نو wax (§102): «دارنده رشد خوب» (§164.II, IV). نیز
 Hz. ApI 209؛ Bthl. AiW 1836 اما «دارای نظارت خوب» معنی می‌کند، برپایه اوستا
 aiwy-axštrāi (در حالت برایی) «نظارت» (صورت دیگر 2.139-40 OLZ, Hüsing)
 uvaxštrahya (§36.IVb) و وابستگی مفرد مذکر uvaxštrahya DB 2.15f, 81.
 DB 4.19, 22; DBe 7; DBg 9f.

uvajiya- uvaja- قرائت ūvja- ūvjiya- نگاه کنید به -ūjiya, -ūja.

uvādā- اسم «محل اقامت»، ساخت دارای ویژگی vridhhi از سنسکریت svadhā
 «ویژگی ذاتی»، از sva- «خود» بعلاوه dhā- «ساختن» (-²dhā- uva- OP §142)؛
 در paišiyāuvādā، نگاه کنید به مدخل مربوطه.
 DB 4.90f. مفعولی صریح مفرد مونث، «نسب نامه» [v]vādā[m]

uvādaicaya- اسم «اووادی چیا»، شهری در پارس (§159): عیلامی ma-te-si-iš.
 DB 3.51. فاعلی مفرد مذکر uvādaicaya

uvāmaršiyu- صفت «(دارای خود مرگی) (= کسی که با دست خود بمیرد)»، چه از

روی عمد و چه تصادفی: uva- «خود»، با ویژگی vridddhi بعلاوه mr̥tiu* «مرگ»، اوستا mərəθyu- سنسکریت mr̥tyú- از mar- «مردن» (§30, §80, §113, §122, §126, §152.III, §153.I, §161.IIa) ؛ این صفت برای کمبوجیه بکار رفته است که بنابر Herod. 3.64-6، بر اثر زخمی که تصادفاً بر خود وار آورد، مرد. این برداشت از طریق ترجمه‌های اکدی و (با اینکه متن دقیق عیلامی تا اندازه‌ای دارای ابهام است) عیلامی، قویاً تأیید شده است. نیز 17 Wb.KIA; KT9; Tm.Lex.78؛ با یادداشت؛ 141 Hz. BSOS 8.589-97 و Apl 216-9; W.Hinz, Altpers. Wortschatz 141 نظر W.Schulze, SbPAW 1912.685-703, 1918.331-2 مبنی بر «برائر مرگ طبیعی» را که در زبانهای دیگر دارای نظایر معنایی است واز سوی MB Gr. §144, §286, §298 (بنویست uvā- را در حالت بایی و نه با ویژگی vridddhi اختیار کرده است) و H.H.Schaeder, Nachrichten d.Ak.d. Wiss. in Göttingen, phil.-hist. Kl.1946-7.24-36 نیز مورد پیروی قرار گرفته است، نمی توان پذیرفت. DB 1.43. فاعلی مفرد مذکر uvāmaršiyuš.

uvārazmī- اسم «خوارزم»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی ma-ra-iš-mi-iš، اکدی chu-ma-ri-iz-ma- یونانی *χωρασμιν* اوستا، مفعولی صریح مفرد مونث xāirizəm از u- «خوب» بعلاوه (vāra- (؟) (§126, §143.III) بعلاوه zml- (§95, §120, §152.II) از zam- «سرزمین». نیز نگاه کنید به uvārazmiya- uvārazmīy (DB 1.16, DPe 16f; Lg.19.223) (§179.I; فاعلی مفرد مونث uvārazmīš DNa 23f, DSe 22°, DSm 9°, XPh 21f. DSf 39f. ازی مفرد مونث uvārazmiyā.

uvārazmiya- صفت «خوارزمی»: مشتق از واژه پیشین (§144.III) A?P 8. فاعلی مفرد مذکر (uvāra)zmīya (§22).

ūvārštika- اسم «نیزه‌دار خوب»: u- «خوب» بعلاوه ārštika- «نیزه‌دار» (§126). DNb 44. فاعلی مفرد مذکر uvārštika.

uvāsbāra- اسم «سوار خوب»: u- «خوب» بعلاوه asabāra- «سوار»، با ویژگی vridddhi.

(§126).

uvāsbāra DNb 42. فاعلی مفرد مذکر

uvaspa- صفت «دارنده اسب‌های خوب»: u- «خوب» (§118.IV, §140.IV) بعلاوه aspa- «اسب» (§9.III).

uvaspā AmH6; DPd 8. فاعلی مفرد مونث

→ بجای 4°; DZc 3°; DSf 11; DSp 3° مفعولی صریح مفرد خنثی uvaspam

AsH 10 (§52.III). مفعولی صریح مفرد مونث

DSs 5°. مفعولی صریح جمع خنثی بعنوان اسم «اسبان خوب» uvaspā

ūvjīya- ūvja- نگاه کنید به ūjiya- مقایسه شود با Wb. AfoF 7.43, Schaeeder Sb PAW 1931.636.n3.

ūvnara- اسم «هنر، مهارت»: ساخت صفتی از آریایی آغازین *su- «خوب» بعلاوه *nar- «مرد» (§142, §143.II, V), = «دارنده بهترین نوع مرد»، اوستا hunara- «قابلیت، مهارت»، سنسکریت sūnāra- «شادمان، خوشحال، خندان»، با ویژگی vridhhi در واکه نخست در فارسی باستان و سنسکریت برای نشان دادن ویژگی اشتقاقی (§126, §23.II): Lg.15.173, JNES 4.51-2: مقایسه شود با Hz.RHRel.113.30, ApI 200-6 که ریشه‌شناسی دیگری را مطرح می‌کند، همانگونه که Pisani, Riv.Stud.Or.19.93-4 و Bailey, JRAS 195,194 عمل می‌کنند).

ūvnarā DNb 45,51. فاعلی جمع خنثی

ūvnaraibiš DNb 48. بایی جمع خنثی

ustašnā Bv. Gr. §294) ustašānā- اسم «پلکان»: us- (نگاه کنید به ud- §84, §85) بعلاوه tašanā (§102)، مشتق (§147.I) از ریشه taš- «بریدن، ساختن» (نگاه کنید به مدخل (taxs-)، هندواروپایی آغازین *ud-tekpenā.

(به عنوان فاعلی §56.V) A³Pa 22 مفعولی صریح مفرد مونث ustašānām

[usta]canām (§49b) A²Sc 5f.

uṣābāri- صفت «سوار بر شتر»: *uṣā-* «شتر» (§79, §130)، اوستا- *uṣtra* (MB Gr. §109; cf. Justi, GGA 1882.488)، بعلاوه- *bāri* «سوار بر» (§122, §126, §152.I, §160.Ic)، از ریشه *bar-* «بردن». مقایسه شود با Jn. Indo-Iranian Studies Sanjana 18-20.
uṣābārim DB 1.86f.

uṣī- اسم تثنیه «دو گوش، شنیدار، درک» (مقایسه شود با JNES 4.232؛ (Hz. RHRel. 113.30, ApI 342-4): اوستای متأخر، تثنیه *uṣī*، مقایسه شود با یونانی *ovs*، لاتین *auris*، گوئیک *ausō*.

uṣī- فاعلی تثنیه خنثی *uṣī* DNb 28. (§189)
[*uṣī*]-*cā* مفعولی صریح تثنیه خنثی DNb 32. (§136)
uṣībiyā بایی تثنیه خنثی DNb 37. (§189)
DNb 35. (با پایانه مفرد 5-19.224; Lg. 189) *uṣīyā* بایی تثنیه خنثی

uṣka- صفت «خشک»؛ خنثی بعنوان اسم، «سرزمین، سرزمین اصلی»: اوستا *huṣka-* «خشک»، فارسی نو «خشک»، سنسکریت *súsyati, súska-* «خشک می‌کند»، لیتوانیایی *saūsa-s* «خشک»، انگلیسی نو *sear, sere* (§146.I).
DPe 13. وابستگی مفرد خنثی *uṣkahyā*

uṣhamaranakara- اسم «جنگاور خوب»: *u-* «خوب» بعلاوه- *hamaranakara-* «جنگاور» (§140.VI).
DNb 34. فاعلی مفرد مذکر *uṣhamaranakara*

uzma- صفت بعنوان اسم «آن که بالای زمین است، چوبه مرگ»: از *ud-* «بالا» بعلاوه *zma-* از *zam-* «زمین» (§84, §65, §120, §130, §142, §143.II, VI).
Wackernagel, KZ 61.208; Lommel, OLZ 37.180.n2; بصورت دیگر *uzmayā-patiy* حذف شده (DB 2.76, 91; 3.52, 92 *m^a*, §52.VI).
König, RuID 72

ka- ضمیر پرسشی نامعین «چه کسی»: اوستا، سنسکریت *ka-*، یونانی *πο-*، لاتین

quo-، انگلیسی نو wha-t، هندواروپایی آغازین $^*q^u-o$ (§201). نیز نگاه کنید به
 (§132.2) $kā$ -, $kaiy$ -, ci - با پی چسب $-ciy$ ، «هر»:
 DB 1.49,53; DSe 37. $kaš$ - ciy (§9.VI, §99, §105) مفرد مذکر

Kā از ادات تعمیم پس از ضمیر دوم شخص: احتمالاً حالت بایی مفرد خنثی از ka -
 (§191.III; Kern ap. Caland, z.Syntax der Pron.im Av. 47;
 Kieckers, Etymol. Miscellen 1934.135; Gray, → صورت دیگر
 JAOS 23.60). DB 4.37,41,67°, 70,87°; DSt 10°; XPh 46.

kaiy از ادات تاکید پی چسب، در ada - $kaiy$ (نگاه کنید به مدخل مربوطه): احتمالاً
 حالت دری مفرد خنثی از ka - (§191.III)، مقایسه شود با یونانی $\pi o i$ «هرجا»
 Bv.Gr. §336) واژه را بصورت $^*ka^d-i^d$ گرفته است، مقایسه شود با $naiy$ از
 ($^*na-i^d$).

kaufa- اسم «کوه»: اوستا- $kaofa$ ، پهلوی $kōf$ ، فارسی نو «کوه»^(۶) (§75.II, §166).
 نیز نگاه کنید به $ākaufaciya$.
 DB 1.37; 3.44; DSf 31. مفرد مذکر $kaufa$

kaⁿta- وجه وصفی بعنوان اسم (§276.III) «حفاری»: آریایی آغازین $^*knta$ - از kan -¹، با n
 بازسازی شده (§242.II) همانند $samar-kand$ ، که در آن $kand$ - از نهر تا دیوار
 مجاور انتقال یافته است (König, Burgbau 32n; Hz. AMI 3.54-5, ApI 224)
 DSf 25. فاعلی مفرد خنثی $katam$

katpatuka- اسم «کپدوکیه». ایالتی از امپراتوری ایران؛ نیز، بصورت صفت،
 «کپدوکیایی»: عیلامی $qa-at-ba-du-qa$ ، اکدی $ka-at-pa-tuk-ka$ یونانی
 (§83.III) $κατπαδοκία$.

۶. کنت واژه فوق را در فارسی نو بصورت $kōh$ واجنوئسی کرده است. در حالیکه واجنوئسی درست این
 واژه در فارسی $kūh$ است؛ زیرا واج $/ō/$ فارسی میانه در فارسی نو به $/ū/$ تبدیل شده است.

DB 1.15f; DPe 12; DNa 28; katpatuka مفرد مذکر «کپدوکیه» (۱)
DSe 27°; DSm 8°; XPh 26.

kan¹ فعل «کندن»: اوستا kan-، سنسکرت khan- (§100). نیز نگاه کنید به .kata-, adukanaiša-

DSf 24,28(25,29,van نگاه‌کنید زیرمداخل avaniya (فرائت DZc10°
 113,§220)ماضی استمراری مجهول akaniya
 ni- + kan- «ویران کردن، از میان بردن» : nikaⁿtuv امر (208, §237.II)
 DB 4.80

viyakaⁿ ماضی استمراری (§208,§228.II) DB 1.64.

vikanāhy (DB 4.71,73; §27) التزامي، دوم شخص مفرد

vikanāh^a-diš (§27,§54.II,§136) DB 4.77

kan-² فعل، با پیوندهای مبهم، احتمالاً «انداختن، قرار دادن»: مقایسه شود با فارسی نو «افکندن» به معنی «بار کردن» از-ava-kan (Bv. Gr. §184; Morgenstierne, Acta Or.1.249; Hz. ApI 225).
(§213) ماضی استمراری اول شخص مفرد avākanam: «نهادن در، گذاشتن در» -ava+kan- (DB 1.86 §226.II)

ka^mpaⁿda- (§111) اسم «کَمِید»، ناحیه‌ای در ماد (مقایسه شود با 71 König. RuID):
 عیلامی qa-um-pan-taš، اکدی ha-am-ba-nu.
 DB 2.27. فاعلی مفرد مذکر kapada.

kapautaka- صفت «کبود»، در *kāsaka hya kapautaka* «سنگ لاجورد»: مشتق (§146.II) از *zin*، در بهلوی *kapōt* فارسی نو «کبود»^(۷)، سنسکرت- *kapōta* «کبوتر، رنگ کفتری، طوسی»

۷. واجنویسی کنت kabōd که می‌بایست بصورت kabūd واجنویسی می‌شد. برای واج /ō/ نگاه کنید به

kaufa- با دداشت

(Scheil 21.29; Bv.BSLP 30.1.61; König, Burghau 62; Bleichsteiner, WZKM 37.94-110;

Wb. AfOF 7.42 مقایسه شود با PW 10.1887 s.v. kapauta; Hz. AMI3.64-5)

kapautaka- DSf 37. فاعلی مفرد مذکر

kāpišakāni- اسم «کاپیشکانی»، دژی در رخج (§117, §126): عیلامی
-qa-ap-pi-iš-ša-qa-nu-iš

kāpišakāniš DB 60f. فاعلی مفرد

ka^mbūjiya- اسم «کمبوجیه»، ۱- پدر کوروش کبیر؛ ۲- پسر کوروش کبیر، شاه ایران
پیش از داریوش: عیلامی، kân-bu-ši-ia، اکدی kam-bu-zi-ia، یونانی
Καμβύσης (§ 111, §144.IV): ریشه شناسی مورد اختلاف است (مقایسه
شود با Bthl. AiW 437; Charpentier, ZII 2.140-52).

kabūjiya DB 1.28,30f,31,32,33,43. فاعلی مفرد مذکر

kabūjiyam DB 1.45,46. مفعولی صریح مفرد مذکر

kabūjiyahyā CMb 1f; DB 1.29,30,39. وابستگی مفرد مذکر

kabūjiyā DB 1.40. ازی مفرد مذکر

kam- فعل «میل داشتن»، سنسکریت kam-؛ در kāma-، و احتمالاً در -canah. برای
واژه های خویشاوند نگاه کنید به LEW³ زیر مدخل cārus.

kāma- اسم «کام، آرزو»: اوستا، سنسکریت kāma- (§126, §143.I, V, VI). نیز نگاه
کنید به kam. برای ساخت نحوی حالت مفعولی صریح وابسته نگاه کنید به
§249.I, JAOS 66.44-9.

kāma DB 4.35f; 5.17°, 29,33; DNa 38; DNb 8, 10,
12, 19, 20, 27; DSf 16; DSj 3°; DZc 12°; XPf 22,30.

kamna- صفت «کم، اندک»: اوستا- kamna-، فارسی نو «کم» (§147.II).
DB 2.19. (بعنوان اسم مسند §259) فاعلی مفرد خنثی kamnam

kamnaibiš بایبی جمع مذکر DB 1.56; 2.2, 71; 3.41, 71f.

kar- فعل «کردن، ساختن، بنیان گذاشتن»: اوستا -kar-, مضارع kərənaoiti سنسکریت -kr-, مضارع krñóti (§99, §122, §132.2, §132.3). نیز نگاه کنید به .akarta-, ucāra-, kara-, dastakarta-, duškarta-, hakarta-

kunautiy (§66.I, §70, §99, §210.I) DNb 24f; DSe 2°, 3f, 4, 6°.

akunavam (§66.I) ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.62, 63, 68, 72, 87; 2.20, 76, 83, 91; 3.31f, 52, 85; 4.3f, 6, 36°, 40, 41, 45, 59, 60, 65, 89, 90, 91°; 5.2, 8f, 17, 29, 33; DNa 49f, 51; DNb 48f; DSA 4, 5; DSd 3°; DSe 32, 34, 45, 49; DSf 21, 22 bis, DSG 3°; DSI 4°; DSj 2f°, 3, 3f°, 4; DSo 2°, 4; XPa 13, 14; XPb 27; XPd 17; XPf 37f, 41; XPg 11f; XPh 43, 43f. 44f, 46; XPj; A¹Pa 21f; D²Sb 4. akunavām (§53, §55.I) A²Sdb 3; akuvanašāša (§55.I) A²Sdc 3. [akun]ām (§55.I) XSc 3; A²Ha 5f; [akunām] A²Sa 4, 5; akunā (§55.I) A²Ha 7. akunauš ماضی استمراری (§84, §218.I, §228.III) AsH 8; DB 2.23, 85, 96; 3.5, 16, 57; 4.10, 12, 15, 18, 20, 23, 26, 28, 31, 34, 35; 5.10; DPa 6; DNa 5f, 34; DSe 5f; DSf 4, 10, 15, 17, 20°, 30; DSI 3°; DSm 5°; DSt 6°; DZc 3; DE 8; XPa 4, 15; XPb 8; XPC 4, 11; XPd 6; XPf 6, 24, 27, 32, 42; XPg 4f; XPh 5; XSaa 2(-nauuš §53, ab در) XE 9; XV 7, 20, 23; A¹Pa 6°; D²Sa 2; D²Sb 3; A²Hb; A²Hc 5; A³Pa 6. akunaš (§55.I) D²Sbb 3; A²Sa 3f.

akunavaⁿ ماضی استمراری سوم شخص جمع DB 2.34, 39, 45, 54, 59; 3.37, 44, 61, 66; DNa 20f, 37; DSe 19f°; XPh 18. akunavaša (§232.III) DSf 50°, 51, 53.

akumā ماضی اول شخص جمع (§218.II, §230.II) DB 1.90, 94, 96; 2.68, 70; XPa 17; XPf 43.

akunavaⁿtā ماضی استمراری میانه سوم شخص جمع (§210.I, §236.II) DB 3.12; 5.6; DSf 48

Hz. ApI 229-30) این فعل را از -kart- + ā «بریدن» گرفته است؛ اما نگاه کنید

به (Kent, Lg. 18.81-2).

akutā ماضی میانه (§66.I, §218.II, §235.II) CMb 4; DB 1.47.

akunavayatā مجهول ماضی استمراری (§220, §235.II) DB 1.20, 24.

akariya مجهول ماضی استمراری (§35.I, §99, §220) DSf 37; XPh 42.

akariya^{ntā} جمع ماضی استمراری مجهول سوم شخص جمع (§35.I, §66.II, §220, §236.II) DB 3.92.

[c]āxṛ[iyatā] یا caxṛ[iyatā] ماضی نقلی مجهول DB 4.90,

بازسازی اشتباه Kent, JAOS 62.267-8 برای [ax^{ar}]^a مربوط به KT.

قرائت درست carmā (کامرون).

kunavāhy التزامی دوم شخص مفرد (§222.III) DB 4.75, 79.

kunavānaiy التزامی میانه اول شخص مفرد (§66.I, §222.III, §233.IV) DSI 4.

(نه -niy در حالت معلوم از نظر Bv.BSLP 30.1.65; Wb.AfOF 7.39).

kunavātaiy التزامی میانه (§222.III) DNb 56.

caxriyā ماضی نقلی وجه تمنایی (§99, §103.I, §122, §219, §223.I, §228.II) DB 1.50

kariyaiš وجه تمنایی مجهول (§35.I, §220, §223.II, §228.III) DNb 9, 11

(نه زمان آینده وجه آرزویی، بصورتی که از سوی Hz. ApI 228 اختیار شده است).

kunautuv وجه امری (§210.I, §237.II) DB 4.76.

kušuvā مفرد دوم شخص وجه امری میانه (§218.II, §237.III) DNb 50.

cartanaiy مصدر (§31, §99, §122, §238) DB 1.94; 2.33, 38f, 44, 53, 58, 67; 3.36, 43f, 60, 65f; DSf 20°; DSn 1°.

karta صفت مفعولی گذشته. فاعلی مفرد مذکر

(اوستا: kərəta-، فارسی نو «کرد»، سنسکریت -kṛtā §30, §66, §122, §242.I)

DPc: DPi; DSf 38, 40, 43; XPi°; A¹I.

kartā A³Pa 23 مفرد مونت فاعلی

kartā جمع مونت فاعلی (§119) DSf 46.

kartam فاعلی مفرد خنثی DB 1.27; 2.27, 37, 42, 47, 57, 62, 92, 98;

3.8f, 10, 19, 21, 40, 47, 53, 64, 69, 76; 4.2, 42, 46f, 49, 51f, 52, 54;

DNa 48f; DNb 29, 48, 56°; DSe 44; DSj 5f°; DSn2°; DSs 7; XPa 14, 15f, 19, 20; XPb 23f, 25, 30; XPc 13, 14; XPd 19; XPf 38, 46f, 47; XSc 5°; XV 27°; XH; A¹Pa 24°.

A³Pa 26. (بجای فاعلی مفرد خنثی، §56.V kartā)

kartam DNa 51; XPf 40; XPg 10; XPh 46; A²Sd 4.

kara- اسم «کننده، سازنده»، بعنوان دومین بخش اسم مرکب: مشتق از kar- (§32, §143.I); avākara-, ciyākara-, dāranīyakara-, zūrakara-, hakara-, در hamaranakara- و نیز همراه با معنی مجهول «چیز ساخته شده» در patikara- (مقایسه شود با §289 Bv.Gr.)، دیده می‌شود.

kāra- اسم «مردم، سپاه»: لیتوانیایی kāras «جنگ»، در گویش «سپاه»، گوتیک harjis «سپاه»، آلمانی نو Heer (III §143)؛ مقایسه شود با König, RuID 66. نیز نگاه کنید به ukāra-.

kāra فاعلی مفرد مذکر DB 1.33, 40, 79, 85; 2.16, 18, 25, 27, 30f, 35, 40, 46, 50, 55, 60, 75f, 87, 90, 94; 3.3, 17, 26, 32, 38, 45, 59, 62, 67, 81; 4.92; DPc 22; DSf 29, 32. kāra-šim DB 1.50.

kāram فاعلی صریح مفرد مذکر DB 1.51, 52, 66, 78, 86, 88, 95; 2.19, 20f, 25, 35, 41, 46, 55, 61, 68, 72, 81, 83f, 87, 97; 3.1f, 4, 7, 15, 17, 29, 38, 42, 46, 55, 58, 62, 67, 84, 85; 4.34; 5.7; DPc 21.

kārahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.31f, 38, 64, 75; 2.10, 15, 80; 3.24, 70, 80; 4.54, 55, 58.

kārā بای مفرد مذکر DB 1.93; 2.22, 67, 85, 95; 3.15f, 33, 36, 73, 86f; 5.9, 21, 24; DPc 8f.

karka- صفت «کاری»؛ جمع، نیز ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی kur-qa-ap, اکدی kar-sa یونانی kārēs, kārīkoi (§31, §106)؛ مقایسه شود با Eilers, OLZ 38.201-13 با صورت حرفی.

karka A?P 30. فاعلی مفرد مذکر

karkā DNA 30; DSe 30°; DSf 33; XPh 28. جمع مذکر فاعلی

karnuvaka- اسم «سنگ تراش»: از ریشه kart- «بریدن»، اوستا، مضارع -kərənṽ، سنسکریت -krt، هندواروپایی آغازین -qert* بعلاوه پسوند -aka- (§30, §146.I)، مقایسه شود با JAOS 51.210. نیز ساخت‌هایی از این ریشه وجود دارد که دارای -t- نیست (JAOS 53.20)، همانند یونانی κερω (مقایسه شود با Boisacq, Dict. ètym.de la langue grecque, s.v. Bv.BSLP 30.1.66; Hz. AMI 3.73; König, Burgbau 69-70; Wb.AfoF 7.43 DSf 47. فاعلی جمع مذکر karnuvakā

karmāna- اسم «کرمان»، ناحیه‌ای در جنوب ایران (§166.I): فارسی نو «کرمان»، یونانی καρμᾶνᾱ.

DSf 35. ازی مفرد مذکر karmānā

karša- اسم «سنگ وزنه، (واحد) وزن» (مانند لاتین pondō 9-19.227 Lg.) برابر با ۸۳/۳۳ گرم یا اندکی کمتر از ۳ اونس وزن (Gray, JAOS 20.55; Schmidt, Treasury of Persepolis 62) سنسکریت -karša «کشیدن، واحد برای وزن» (§29.n2, §30, §143.I, VI) karša- فارسی باستان، یک ششم mana (وزن؛ نه واحد ارزش) بابلی بوده است. عیلامی، آنرا بصورت =kršam, kur-šà-um واجنویسی می‌کند، که ممکن است واژه را بصورت خنثی نشان دهد، زیرا واجنویسی‌های عیلامی، معمولاً صورت فاعلی مفرد و امواژه را ارائه می‌کنند؛ در حالیکه نمونه دیگر، بیشتر برای مذکر است.

karšā (نه، فاعلی تثنیه مذکر؛ 9-19.227 Lg; §252D) بایی مفرد مذکر Wa 1. (نه، فاعلی جمع مذکر؛ 9-19.227 Lg; §251C) دری مفرد مذکر karšayā 1; Wd 1.

kāsaka- اسم «سنگ قیمتی»؛ صورت عیلامی qa-si-qa، سبب می‌شود که könig و

Wb، وزاه را بصورت *kās'ka* تحریر کنند، در حالیکه این تحریر در فارسی باستان موجه نیست. مشتق از ریشه ایرانی «**kas-*» (§9.V, §87, §126, §146. II) = سنسکریت *kaś-* «قابل رویت بودن، ظاهر شدن، درخشیدن» (نگاه کنید به König, Burgbau 61؛ نه به سنسکریت *kācā-* «بلور، کوارتز»، علیرغم Bv. BSLP 30.1.61)؛ برای معنی، مقایسه شود با انگلیسی نو brilliant. نیز مقایسه شود با Scheil 21.29; Wb. AfOF 7.42; Hz. AMI 3.65, ApI 230-3; Bv.Gr. §273 نگاه کنید به *kasakaina-*.

DSf 37,39. فاعلی مفرد مذکر *kāsaka-*.

kāsakaina- صفت «از سنگ قیمتی»، یعنی، از سنگ لاجورد: صفت از واژه پیشین (§147. III).

DPI;XPi. فاعلی مفرد مذکر *kāsakaina*.

kuganakā- اسم «کوگنک»؛ شهری در پارس: عیلامی *ku-ug-gām-na-qa-an* اکدی *ku-gu-na-ak-ka*.

DB 2.9. فاعلی مفرد مونث *kuganakā*.

kuⁿduru- اسم «کوندورو»، شهری در ماد: عیلامی *ku-un-tar-ru-iš* اکدی *ku-un-du-ur*.

DB 2.65. فاعلی مفرد مذکر (*kuⁿduⁿruš*) §22).

kūru- اسم «کروش»، بنیانگذار امپراتوری ایران: عیلامی *ku-raš* اکدی *ku-ra-aš* یونانی *κῦρος* (§164.V).

CMa 1; CMb 1; CMc° فاعلی مفرد مذکر *kūruš*.

DB 1.28, 39, 53; 3.25; 4.9, 27f; DBb 5f; DBh 6f. وابستگی مفرد مذکر *kūrauš*.

kūša- اسم «کوش = اتیوبی»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی *ku-šā* اکدی

kūš-ù-šu، عبری kūš. نیز نگاه کنید به -kūšiya
DPh 6; DSf 43f; DH5. از ی مفرد مذکر kūšā

-kūšiya صفت «کوشی»؛ جمع؛ ایالتی از امپراتوری ایران: صفت از واژه پیشین (III.144).
A?P 28. (در این صورت!) فاعلی مفرد مذکر kūšāya
DNa 30; DSe 30°; XPh 28. جمع مذکر kūšiyā
(مکتوب بصورت kūšiya، §51؛ مقایسه شود با 13.298.Lg).

-xaudā اسم «کلاه، خود» (IV.143، §100): اوستا -xaoða آسی xodā، فارسی نو
«خود»^(۸)، ارمنی (وامواژه) xoir «نوار دورسر»
(مقایسه شود با 9.865 BSOS و Duchesne-Guillemin، 444 DELG و Boisacq،
برای صورت‌های خویشاوند). نیز نگاه کنید به -tigrā-xauda.
DB 5.22. مفعولی مفرد مونث [xaudā]m

-xaršādašyā (یا -xaršāišyā) واژه‌ای با معنی مبهم، در Se؛ ظاهراً در حالت وابستگی
مفرد مذکر از اسم خود. Justī, INB 173، سطرها را بصورت ۲-۳-۱ قرائت
می‌کند و واژه xišyāršā را که به صورت اکدی نام خشایارشا نزدیک است،
بدست می‌آورد. §163 (VII)؛ برخلاف این امر، نگاه کنید به 131 Wb.KIA.

-xraθu- «خرد»، معنی ارائه شده در اکدی برابر با tēmē hissatum «کلام یا پیام خرد»:
اوستا -xratav- xraθw- «خواستن و توانستن عقلی» (Bthl. AiW 535)،
سنسکریت -krātu- «نیرو»، یونانی κρατός «نیرومند» (§33، §81، §103.I)؛
§153.III، §179.n2) مقایسه شود با 7-235 ApI، 9-113.27 Hz.RHRel.
DNb 3. مفعولی صریح مفرد مذکر xraθum

-xšaθrita- اسم «خشت‌ریت»، نامی که از سوی شورشی مادی، فرورتیش، مورد استفاده

۸. واجنویسی کنت xōd، که بایست بصورت xūd واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به

قرار گرفت (§9.II, §78): عیلامی *ḫa-ša-at-ri-it-ti* اکدی *ḫa-ša-at-tar-ri-da*؛ صورت کوتاه اسمی مرکب (§145, §164.III) همانند **xšθradāra-* (موجود در پهلوی، مقایسه شود با 176 INB Justī).
xšaθrita DB 2.15°; 4.19; DB 6. فاعلی مفرد مذکر

xšaça- اسم «شهریاری، پادشاهی»: اوستا *xšaθra-*، فارسی نو «شهر»، سنسکریت *ksatrá-* هندواروپایی آغازین **qpetro-*، مشتق از ریشه موجود در فارسی باستان *xšay-* (§78, §148.III). نیز نگاه کنید به *.artaxšaça-, xšaθrita-, xšaçaṇāvan-*

xšaçam DB 1.44; DPh 4; DH 3. فاعلی مفرد خنثی
xšaçam DB 1.12, 25 bis, 26, 41, 42f, 50, 60, 61, 80f; DPd 3; DSf 10f; DSm 3°; DSp 2°; DZc 3f; XPa 19; XPb 29f; XPd 19; XPf 46; XPg 14; XSc 5; XV 27°; A¹Pa 24°; A²Hc 18,19f, *xšaçam-šim* DB 1.59. مفعولی صریح مفرد خنثی

xšaçaṇāvan- اسم «شهربان»: یونانی *σατράπης*؛ *xšaça-* بعلاوه ریشه *pā-* «بایدن» بعلاوه پسوند *-van-* (§155.IV, §160.Ia).
xšaçaṇāvā DB 3.14, 56. فاعلی مفرد مذکر

xšan- فعل، نگاه کنید به *axšata-*

xšap- اسم «شب»: اوستا *xšap-*، فارسی نو «شب»، سنسکریت *ksap-* (§102, §142) DB 1.20 وابستگی مفرد مونث *xšapa-vā*
 (برای حالت نگاه کنید به §188.III، مقایسه شود با سنسکریت، حالت وابستگی *ksapas...usras* «شب و روز»، RV 6.52.15, 7.15.8؛ در §318، حالت وابستگی، با *rauca* در حالت مفعولی صریح بیشتر هم قافیه شده است تا *xšapam* در حالت مفعولی صریح که از *xšapa* برای هم قافیه شدن با *rauca* باز ساخته شده است).

xšay- فعل «فرمانراندن»: اوستا -xšā(y)، سنسکریت ksáyati «در اختیار دارد»، یونانی κτάομαι «من بدست می آورم»، κτημα «بخشی از دارایی»، هندواروپایی آغازین *qpei- (§102). نیز نگاه کنید به -xšaça-, -xšāyaθiya-, -xšayāršan-.

DNb 15. (§213, §241) وجه وصفی میانه، فاعلی مفرد مذکر xšayamna.

ماضی استمراری میانه، اول شخص مفرد [xšayaiv]: «فرمانراندن بر» -xšay- + upari DB 4.64f.

(Tm. Lex. 85) بازسازی اشتباهی است برای upariyā[ya]m بگونه ای که از سوی کامرون قرائت شده است (پیش از این از سوی Wb. KIA 66, ZDMG 61.729 حدس زده شده بود).

§ 213, ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد patiyaxšayaiy: «سروری داشتن بر» -xšay- + pati- §233. III) DNa 19; DSe 17f; XPh 17.

xšāyaθiya- اسم «شاه»؛ احتمال در اصل، در کاربرد صفتی «سلطنتی»، DB 1.8 (Bthl. AiW 553) آریایی آغازین -kšāiatia* (مادی -θy-, §147, Bv. Gr. 147, Mt. Gr. 147) همانگونه که Hz. AMI 3.97, نه -θia اصیل، همانگونه که §147, Mt. Gr. 147, (است)، از ریشه موجود در فارسی باستان -xšay- (§9.III, §80, §126, §144.VI). xšāyaθiya فاعلی مفرد مذکر AmH 1, 1f, 2, 4, 8, 10; AsH 1, 1f, 2f, 5; CMa 1f; CMb 1°; CMc°; DB 1.1 bis, 2 bis, 4, 6, 9, 11, 12, 13, 14, 18, 21, 24, 27, 27f, 29, 35, 44, 48 bis, 60, 61, 71f, 72, 73, 75, 76, 81f, 83, 90f; 2.1, 5f, 8, 11, 11°, 14, 17°, 18, 29, 37, 43, 49, 57, 64, 66, 70f, 78f, 80, 91, 92; 3.1, 9, 11, 20; 21f, 28, 29, 40f, 49f, 53, 54, 64, 69, 75, 76f, 83, 83f; 4.1, 3, 5, 11, 17, 21f, 25, 31, 33, 36f, 37, 40, 43f, 45f, 50, 53, 57, 59, 62, 67bis, 70, 72, 76f, 80, 86f, 87, 88; 5.1, 3f, 14f, 18, 20f, 30f, 34; DBa 1, 1f, 2, 2f, 5, 9, 14; DBb 6f; DBc 6f; DBd 6f; DBe 9; DBf 5f; DBg 6f; DBh 8f; DBi 9f; DBj 4f; DPa 1, 2, 3; DPd 5, 6, 12f; DPe 1, 2, 3, 6, 19; DNa 8, 9, 10, 11, 15f, 31, 34, 40, 48; DNb 5f, 59; DSb 2, 3f, 5f, 7; DSI 1f; DSm 6°; DE 12f, 13, 14f, 16f; XPa 6, 7 bis, 8, 11, 18; XPb 12, 13, 14f, 16, 22; XPd

9 bis, 10, 11, 15; XPe 1,2; XPf 8f, 9, 10, 11f, 16, 25f, 28, 35, 36, 44; XPg 2, 6; XPh 7.7f.8.9, 14, 15, 29, 29f, 56f; XSa 1, 2; XSc 1°, 1, 1f°, 3°, 3f°; XE 12f, 13f, 14f, 16; XV 10 bis, 11, 12f, 17, 17f; A¹Pa 9°, 10°, 11°, 12°, 17f, 20; A²Sc 2,2°, 3,4; A³Pa 5f (§247E), 9 bis, 10, 11, 21f, 24; Wa 3f; Wb 1f, 2f, 4f, 5f; Wc 2f, 3f, 5f, 6f; Wd 3, 4, 5f.6f; AVsb-d.

xšāyaθiyam مفعولی صریح مفرد مذکر AsH 7f; DPd 2f; DNa 5, 6f, 33f; DNb 4f; DSm 4; DSt 5f°; DE 7f, 9f; XPa 4, 5; XPb 7f, 9f; XPd 5f, 7; XPf 5,6f,23f; XPh 4f, 5f; XE 8,10; XV 6,7f; A¹Pa 6°, 7°; A³Pa 7. xšāyaθiyahyā وابستگی مفرد مذکر AmH 3; AsH 3f; CMb 2; DB 3.59; DPd 10f; DNc 2; DNd 1f; XPa 10; XPb 19f; XPd 13f; XPe 3f; XPf 14; XPh 11; XSc 2; XE 19f; XV 15; A¹Pa 15°.

xšāyaθiya مفعولی صریح مفرد مذکر (با صفت در حالت فاعلی مفرد مونث؟) DB 1.8 (یا صفت در حالت فاعلی جمع مذکر) 10,10f; 4.51; DBa 13, 16, 17f.

xšāyaθiyā مفعولی صریح جمع مذکر DB 4.7, 32.

xšāyθiyanām وابستگی جمع مذکر AmH 2; AsH 2; DB 1.1f; DBa 2; DPa 2f; DPe 2f; DNa 9; DSb 4f; DE 14; XPa 7; XPb 13f; XPd 10; XPe 2f; XPf 9f; XPh 8; XSc 1; XE 14; XV 11; A¹Pa 10f°; Wb 3f; Wc 4f; Wd 4f. xšāyθiyanām (§52.III) A²Sc 2f; A³Pa 10.

در مورد عنوان «شاه شاهان»، نگاه کنید به von Wesendonk, Or. Stud. Pavry 488-90.

XŠ فاعلی مفرد مذکر (§42) DPb; DPh 1 ter, 4; DSa 1 bis, 2, 3; DSc bis; DSd 1 bis, 1° bis, 3°; DSe 8°, 8, 9°, 10°, 14°, 31°, 42, 50°; DSf 6 quater, 8, 55°; DSg 1° quarter, 3; DSi 1,1° ter, 3; DSj 1 bis, 1°, 2°, 5; DSk 1 bis, 2, 4; DSm 1° bis, 2°, 3°; DSn 1°; DSo 3°; DSt 7°, 10°; DSy 1 bis, 2 bis; DZb 1,2 bis, 3°; DZc 5 ter, 5°, 7; DH 1 ter, 3; XPc 6 ter, 7, 10, 11; XPj quinquies; A¹I ter; D²Sa 2°; D²Sb 1° ter, 1, 3°; A²Sa 1 quater; A²Sb ter; A²dd 1 quater, 2; A²Ha 1 bis, 1°

bis; A²Hb; A²Hc 7, 8 ter, 16 bis; SDa; SXa 2; SXb 2; SXc 1; XV_s; AV_{sa}.

XŠm مذكر مفرد صريح مفعولی DSc 5,6; XPc 4,5; D²Sa 3; A²Hc 5, 6. XŠyam DSf 4, 4f, 10, 15, 17; DSi 3°; DS_n 2; DS_p 2; DZc 3.

XŠyā مذكر مفرد وابستگی DZc 3. XŠhyā DPc; DPi; XPc 9, 14; XPI°; XPk; XH; A¹I bis; D²Sb 2°; A²Sa 1, 2 bis, 3; A²Sb; A²Sc 0; A²Ha 2, 3, 3°, 4; A²Hc 10, 11, 12, 13. XŠāhyā (§53) A²Sd 2. XŠyahyā XPj; XŠyahiyā (§27) XPjv.

XŠ مذكر مفرد وابستگی (§313.II) A²Hb.

XŠānām مذكر جمع وابستگی XPc 6. XŠyānām DSa 1f; DSc; DSd 1; DSe 8f; DSf 6; DSg 1°; DSi 1°; DSj 1; DSk 1f; DSm 1°; DSy 1; DZb 2; DZc 5; XPj; A¹I; D²Sb 1°; A²Sa 1; A²Ha 1°; A²Hc 8. XŠyanām (§52.III) DPh 1; DH 1. XŠyānā (§52. V) A²Sb.

xšayāršan- اسم «خشایارشاه»: عیلامی *ik-še-ir-iš-šā* اکدی *ar-šā* - *hi-ši-* یونانی *Ξερξης*: از *xšaya-* «شاه»، *xšaya-* اوستا- *xšaya-* از ریشه *xšay-* بعلاوه *aršan* «مرد» (§131) **A** «قهرمان در میان شاهان»، مقایسه شود با سنسکریت *rāja-rṣabha-* *arša-* «عادل» می‌گیرند، در مورد آن مقایسه شود با *§187.n2*, *§162.nl* نیز مقایسه شود با *Hz. AMI 7.82-137*، بویژه *135-6*، در باره آن نگاه کنید به *Henning, BSOS 10.502-3*، صرف، *§187*.

xšayāršā مذكر فاعلی مفرد XPa 6, 11, 17; XPb 11f, 21f; XPc 6, 9f; XPd 8f, 15; XPe 1; XPf 8, 15, 27, 44; XPg 1; XPh 7, 13, 28f, 56; XPj bis; XPk; XSa 1; XSc 1°, 3°; XE 12; XV 9, 16; A¹Pa 19f; A³Pa 16, 16f (هر دو بعنوان وابستگی (§313. II); SXa 1; SXb 1f; SXc 1; XV_s.

xšayāršām مذكر صريح مفعولی XPa 4; XPb 7; XPc 4; XPd 5; XPf 5; XPh 4; XE 7f; XV 6.

xšayā[ršāha] مذكر وابستگی XPi; *[xšayār]šāha* XH. *xšayāršahyā* (§57) A¹Pa 14f;

A¹I bis; A²Ha 3, 3f. xšayārcayā (§49b) A²Sa 2 bis. xšayāršāhyā A²Hc 12,
نگاه کنید به مدخل مربوط، xaršadašyā (§313.I) 12f. بعنوان فاعلی)

xšnā- فعل، «آموختن، قصد دانستن کردن، دانستن»: اوستا - xšnā- سنسکریت - jñā-
یونانی γιγνώσκω لاتین gnōscō، انگلیسی نو know، هندواروپایی آغازین
آغازین - gnō* (§96, §110, §212). نیز نگاه کنید به - dan, - xšnav.
adānā ماضی استمراری DB 1.51; DSq 3. §68, §210.II) فارسی نو «دانم» (ماضی استمراری
xšnāsāhy DN 42. §212, §227.I) دوم شخص مفرد التزامی
xšnāsātiy DB 1.52. §62, §97, §110, §122) التزامی

xšnav- فعل «شنیدن، خشنود کردن» (§96): مقایسه شود با اوستا - xšnav- رضایت
داشتن»، صفت - xšnav- «راضی»، وجه وصفی - xšnūta- اسم - xšnūtay-
«خشنودی» (Bthl. AiW 557-60)؛ ظاهراً گسترشی است از ریشه xšnā
«آموختن» (مقایسه شود با هندواروپایی آغازین - dō* و - dou* «دادن») همراه با
تحول معنایی «آموختن، خبردار شدن، شنیدن»، و «شنیدن، گوش دادن به،
خشنود کردن» (Lg. 15.171؛ نیز مقایسه شود با Bv. TPS 1945.47-50).
Hz. ApI 238-40 معادلی غیر ممکن با سنسکریت - ru- را ارائه می‌دهد
(هندواروپایی آغازین - klu*)؛ Sen 247, 251 دارای معانی اشتباهی است.
Pisani, Acme 1.319-20 نیز ریشه‌شناسی دیگری را ارائه می‌دهد. نیز نگاه
کنید به - uxšnav.

xšnuta- صفت مفعولی گذشته (§71, §242.I)، مقایسه شود با - uxšnav:
DNb 26. «خشنود» فاعلی مفرد مذکر xšnuta.
DNb 53. «شنیده» فاعلی مفرد خنثی [xšnutam].
DNb 24. «خشنود کردن» (§71, §122, §208) ā+xšnav:-axšnautiy.
DNb 29f. «خشنود کردن» (§227.I) التزامی دوم شخص مفرد āxšnāvāhy.
DNb 54. «شنیدن» (§208, §237.I) امر، دوم شخص مفرد axšnudiy.

gaiθā- اسم «دارایی شخصی (زندگی)، گله گاو»: اوستا - gaēθā- «حیات فردی»، جمع:

جهان؛ اهل خانه، دارایی، پهلوی *gēhān* «کیهان» (از حالت وابستگی جمع)، از ریشه هندواروپایی آغازین **g^uei-*، موجود در فارسی باستان بصورت §69. *ājiv-* (§101, §151) برای تعبيرات گوناگون، نگاه کنید به *Tm. Lex.85*، همراه با صورت تحت اللفظی. DB 1.65. مفعولی صریح مفرد مونث (§39) *gaiθām-cā*.

gaud- فعل «پوشاندن»: اوستا *gaoz-*، سنسکریت *gūhati* (§88).
«مخفی کردن، پوشاندن» *apa- + gaud-*:
apagaudayāhy DB 4.55, 57f. (تزامی، دوم شخص مفرد §227.I)
apagaudaya DB 4.54. (تزامی، دوم شخص مفرد §215, §224, §227.II, §237)

gaub- فعل «گفتن»، میانه «خود را خواندن» (§213): پهلوی ساسانی *gōwēd* «گوید»، فارسی نو «گوید»، مصدر «گفتن»: احتمالاً گسترشی از *-bh-* مربوط به ریشه هندواروپایی آغازین **gheu-*، که بصورت گسترش *-s-* در *gauša-* دیده می شود (نگاه کنید به مدخل مربوطه؛ Bv. BSLP 31.2.70).
gaubataiy DB 2.21, 31, 51; 3.15, 59. (میانه §235.I)
(مکتوب بصورت *54.II, agauratā*) DB 1.84, 93; 2.66f; 3.35, 55. (ماضی استمراری میانه *gaubatā*)
89f; 4.82.
DB 2.93. (ماضی استمراری میانه سوم شخص جمع *agaubaⁿtā*) (§236.II)
DB 2.84; 3.86. (تزامی میانه *gaubātaiy*) (§235.I)

gaubaruva- اسم «گنوبَرَاو»، طرفدار داریوش در برابر گئوماتا: عیلامی *kam-bar-ma*، اکدی *gu-ba-ru-*، یونانی *Γωβρυς*؛ از *gau-* «گله گاو» بعلاوه *baruva-*، مقایسه شود با سنسکریت *bharu-* «سرور»، از فعل *bar-* (§35.II, §101, §122, §142, §143.II, §150, §153.I, §160.Ib) «دارنده گله گاو» (Boisacq, DELG 733 و Foy, ZDMG 54.360 → صورت دیگر: Justi, IFA 17.111)
DB 4.84; 5.7, 9, 11; DNc 1. (فاعل مفرد مذکر *gaubaruva*)

gaumāta- اسم «گئوماتا»، مدعی مادی که نام بردیا را برای خود اختیار کرد (§ 164.I): عیلامی *kam-ma-ad-da*، اکدی *gu-ma-a-tu*؛ از *gav-* «گله گاو» بعلاوه وجه

وصفی māta- با معنی نامعلوم (§ 242.II).

gaumāta مذکر مفرد فاعلی DB 1.36, 44, 46, 64, 65, 70; 4.7; DBb 1f.

gaumātam مذکر مفرد صریح مفعولی DB 1.49f, 54, 57, 73; 4.81.

gauša- اسم «گوش»: اوستا gaoša-، فارسی نو «گوش»^(۹)، سنسکریت ghōṣa- «سرو صدا»؛ ریشه ایرانی gauš- «شنیدن»، هندواروپایی آغازین *gheus- (§70, §101, §143.I).

gaušā مذکر تثنیه صریح مفعولی (§189) DB 2.74, 89.

gaušāyā مذکر تثنیه بایی (§189; Lg.19.225) DNb 53.

gāθu- اسم «جا.تخت، رزمگاه» (JNES 4.49-50): اوستا gāθw - gātav، فارسی نو «گاه»، سنسکریت gātu- از ریشه آریایی آغازین gam-، هندواروپایی آغازین *gʰem- «آمدن» (§68, §81, §153.III, §179.n2)

gāθum مذکر مفرد صریح مفعولی DNa 41f.

gāθava مذکر مفرد دری DB 1.62f, 66, 69; DNa 36;

DNb 35 (JNES 4.49-50): DSe 36f, 44, 44f; XPf 33

بعنوان حالت ازى §182.III علیرغم نداشتن hacā:

Lg. 9.41-6; Bv.BSLP 33.2.148-50; Wb. ZfA 41.319-20; Schaeder,

SbPAW 1935.503; Hz AMI 4.130-2, 8.45, ApI 177-80, 35f; XPh 34.

gad- فعل، نگاه کنید به jad-.

gaⁿdāra- اسم «گندار»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی gān-da-ra، اکدی

gan-da-ri. نیز نگاه کنید به gadārāya-.

gadāra مذکر مفرد فاعلی DB 1.16; DPe 18; DNa 24f; DSe 24°; DSm 9°; XPh 25.

gadārā ازى DSf 34.

۹. واجنویسی کنت gōš؛ که باید بصورت gūš واجنویسی می‌شد. در مورد اوج /ō/ نگاه کنید به یادداشت

gaⁿdāraya- صفت برای واژه پیشین (§144.III, §167).
gadāraya A?P 12. فاعلی مفرد مذکر

gaⁿdutava- اسم «گندوتَو»، ناحیه‌ای در رخج: عیلامی **du-ma-qa**-(بجای **gán**)
 (Cam.JCS 5.50; Kent JAOS 72.11).

gadutava DB 3.66. فاعلی مفرد مذکر

gan- فعل، نگاه کنید به **jan-**.

gand- فعل، نگاه کنید به **gasta-**.

gam- فعل «آمدن»: اوستا **gam-**، سنسکریت **gam-**، یونانی **βαίνω**، لاتین **veniō**، گوتیک **qiman**، هندواروپایی آغازین ***g^uem-** (§101, §244). نیز نگاه کنید به **gāθu-**.
 §122, §101, §67.I, سنسکریت **gamyāt**؛ تمنایی **ājamiyā**: «آمدن». **ā+gam**. DPd 19.
 §132.2, §218.II, §223.I, §228.II.

اسم مفعول، فاعلی مفرد مونث **ā[avagmat]**: «فرو رفتن، سقوط کردن»-**ava+gam**
 (JAOS مقایسه شود با 46f DSe (§244) 54.46. نظر کنت، مقایسه شود با)

اسم مفعول فاعلی مفرد مونث **parāgmatā** «پیش رفتن»-**parā + gam**
 (DNA 44f. §101, §103.IV, §122, §132.2, §244).

اسم مفعول، فاعلی جمع مذکر **ha^mgmatā** «گرد هم آمدن، با هم آمدن»
ham-+gam-

(DB 2.32, 38, 43, 52, 58; 3.65. §101, §103.IV, §132.2, §140.V, §244).

نیز نگاه کنید به **hagmatāna-**.

gay- فعل، نگاه کنید به **jīv-**.

gara- «نوشتن»^(۱۰)، نگاه کنید به **bātugara-**.

garta- اسم، «غار» و یا «گاری»، نگاه کنید به **asagarta-**.

garmapada- صفت «گرم پَد»، چهارمین ماه، برابر با ژوئن - ژوئیه: عیلامی **karmabadaš** اکدی **du'ūzu**. از **garma-** «گرما»، اوستا **garəma-**، سنسکریت **gharmá**، لاتین **formus** «داغ»، انگلیسی نو «warm»، هندواروپایی آغازین ***g^uhormo-** مقایسه شود با یونانی **θερμός** (با **e-** قیاسی)، بعلاوه **pada-** «گام»، جایگاه» (**§29, §31, §149.I, §161.Ib. §165**): «ماه جایگاه گرما».

garmapadahya DB 1.42; 3.7f. 46. وابستگی مفرد مذکر

gav- اسم «گاو، گله گاو» (**§101**): اوستا **gāuš**، سنسکریت **gāuṣ**، یونانی **βovs**، انگلیسی نو **cow**، هندواروپایی آغازین، حالت فاعلی ***g^uōus**: در **gaumāta-**، **gaubaruva-** احتمالاً در **θatagu-**.

gasta- صفت «نابسند، زشت»؛ خنثی بعنوان اسم، «زشتی، آسیب»: اسم مفعول (**§85, §242.I**) از فعل ***gant-** ***gandh-** «بوی بد دادن»، اوستا **ganti-** «بوی بد» (**AiW 493**)، **duž-ganti-** «بوی مشمژ کننده» (**AiW 757**)، سنسکریت **gandhá** «بو» (**Bv.Gr. §179**)؛ برای معنی، مقایسه شود با لاتین **odor** «بوکشیدن»، **ōd** «(من بو کشیده‌ام)، من بدم می‌آید»، **odium** «انزجار، بی‌زاری». نه تلخیص از همان ریشه، ***gant-tāt-**، فاعلی **gastā¹**، حالت ازی کوتاه شده از طریق حذف بقرینه، چنانکه **Hz. AMI 8.68, ApI 173-7** اختیار کرده است.

gastā DNa 57f. فاعلی مفرد مونث

gastā از **DNa 52; XPh 57f; A²Sa5°; A²Sdc 4 (gāstā d, db; §53); A²Ha 6°**.

gud- فعل، نگاه کنید به **gaud-**.

gub- فعل، نگاه کنید به **gaub-**.

A **graθ-** در وجه وصفی **gra[θitā]**، DB 4.90؛ نگاه کنید به پیوست.

grab- فعل «گرفتن (به عنوان مالکیت)، گرفتن (بمعنوان اسیر)»، مضارع garbāya- (§30, §217): اوستا- grab-، مضارع gəurvāya-، سنسکریت grabh-، مضارع gr̥bhāyati، انگلیسی نو grab، هندواروپایی آغازین *ghrebh-، نیز نگاه کنید به patigrabanā-
agarbāyam DB 2.4 bis; 4.7, 32; 5.25f; DNā 17; DSe 16; DZc 8.
agarbāya ماضی استمراری DB 2.88; 3.74, 90°; 5.12.
agarbāyaⁿ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§232.II) DB 2.13; 3.48, 49; 5.27f.
agarbāyatā ماضی استمراری، میانه (§235.II) DB 1.42, 43, 81; 3.82f.
هنگامیکه به معنی «اسیر گرفتن» باشد (DB ستون ۲ بند: ۴ با دویار بسامد، بند ۱۳، ۸۸؛ ستون ۳ بند: ۴۸، ۴۹، ۷۴، ۹۰؛ ستون ۴ بند: ۷، ۳۲؛ ستون ۵ بند: ۱۲، ۲۵f، ۲۷ f)، احتمالاً نه agarb- بلکه āgarb-، از ā بعلاوه garb- است (نگاه کنید به پایین).
صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خنثی āgarblta: «گرفتن (بمعنوان اسیر)»- grab+ā DB 2.73. (§30, §217, §242.II)
برای مثال‌های نامشخص، نگاه کنید زیر مدخل grab- (غیر ترکیبی).

-cā (همان -cā) پی‌چسب عطف «و»: اوستای گاهانی -cā، اوستای متاخر -ča، سنسکریت ca، یونانی τε، لاتین que-، هندواروپایی آغازین *q^ue.
-cā...-cā «هم...هم...» DB 1.65, DNb 32;
-cā...-cā utā «هم...هم...وهم...» DB 1.66-7;
-cā...[-cā] «هم...هم...» DB 5.3 (§52. III).
-cā DB 1.65 ter, 66, 66f; 5.3 bis; DPd 9f; DNā 32 bis; XPh 41, 51, 54; -ca-maiy DNb 28, 51, 52 (§51).

+++canām + نگاه کنید به -ustašanā.

canah- اسم «اشتیاق»، نگاه کنید به -aspacanah.

car- فعل «حرکت کردن»، نگاه کنید به abicariš؛ نیز مقایسه شود با -ucāra.

نگاه کنید به ucāra- (§126), cāra-

carman- اسم «پوست، چرم، پوستی که بجای کاغذ از آن استفاده می‌شد»: اوستا-
čarəman، فارسی نو «چرم»، سنسکریت čarman- «پوست».
DB 4.90 (§187) دری مفرد خنثی carmā.

caša- اسم «چشم»: برپایه ریشه موجود در سنسکریت cakṣ- «نگاه کردن، حرف زدن»، مشتقات - cakṣan, cakṣus-, cakṣu- cakṣas- و اوستا -čāšman, پهلوی، فارسی نو čāšm «چشم»؛ u- آغازین در ucašma یک اشتباه است.
(Bv. TPS 1945.53-4, quoting Jn. IF 25.182). بن این واژه caša- است نه cašman- (Kent, Lg. 19.225-6)، زیرا حالت فاعلی - مفعولی صریح واژه خنثی cašman- باید cašmā شود نه cašma-. مقایسه شود با §102, §143.I, §187.nl. در مورد کوشش‌ها و تلاش در جهت توضیح u- اشتباه در ucašma-، نگاه کنید به: Wb. ZDMG 61.726; Wackernagel, KZ 61.205-8.
DB 2.75, 89 مفعولی صریح مفرد خنثی cašam
(کامرون در سطر ۸۹ I c^aš^am^a را ولی در سطر ۷۵ تنها m^a پایانی را قابل قرائت یافت)؛
DSq 2 (ساخت و حالت نامشخص است) caša[m].

ci- ضمیر پرسشی نامعین «چه، هر»؛ بن موازی (§201) با فارسی باستان ka- نیز نگاه کنید به -ciy, citā, cinā, ciyākara-.
(§9.VI, §105, §132.2, §201) «هر چیز» مفعولی صریح مفرد خنثی ciš-ciy
DB 1.53,
لاتین quicquid، هندواروپایی آغازین q^uid-q^uid*: ساخت مضاعف شده همراه با ویژگی سندهی در مادی: برای هم خانواده‌های دقیق، نگاه کنید به فارسی باستان -ciy.

-ciy از ادات پی‌چسب تاکید یا تعمیم، حالت فاعلی مفرد خنثی یا مفعولی صریح مفرد خنثی از -ci: اوستا čit-، سنسکریت cid، یونانی αἰ لاتین quid، هندواروپایی آغازین q^uid* (§40, §84, §113, §191.III, §201, §228.n2).
در ترکیبات زیر:

21. XPf (نگاه کنید به مدخل مربوطه) aciy

DB 4.46; XPa 13; aniyaš-ci^a (§52.I) XPh 41f.

29. XPf فاعلی جمع مذکر aniyai-ci^a

DNb 53f, 55; avaš-ci^a فاعلی مفرد خنثی; DNb 51; XPa20; XPc14; XPf 48.

DB 1.49,53; DSe 37. kaš-ci^a فاعلی مفرد مذکر

DB 1.53. paruvam-ci^a فاعلی صریح خنثی

DNb 35, 36, 57. hauv-ci^a فاعلی صریح خنثی (نگاه کنید به مدخل مربوطه)

DNb 34f. [hačā-ci] DSf 23. vašnā-[ci] XPg 7f, → نگاه کنید به, 7f.

ciⁿcixri- اسم «سین سیخری»، پدر «مرتیا» (§163.V): یش-اک-ری-سا-ین-یش
اکدی یش-اک-ری-سا-ین-یش.

DB 2.9. IV. §179) وابستگی مفرد مذکر cixrāiš

citā قید «تا زمانیکه»، متناظر با yātā «تا»: از ci- بعلاوه پسوند موجود در یونانی
επειτα «سپس» (§191.II): بصورت اشتباه در 72 RuID (Sen 40, König, DB 2.48,63).

ciča- اسم «تخمه، تبار»: اوستا-čithra, فارسی نو «چهر=اصل» (§78, §148.III). در
cičataxma-, ariyaciča-

cičaⁿtaxma- اسم «چیژن تخم»، شورشی اسگرتیایی: یش-اک-تا-ان-ش-یش
اکدی یش-اک-تا-ان-ش-یش یونانی Tritavataxma. از ciča- (§9.nl) بعلاوه
taxma- «شجاع» (§9.II): «از نظر نژادی شجاع» (§160.Ie): -xm- مادی است
§163.II; Jacobsohn, KZ 54.261; Bv.BSLP 31.2.79). برای پایانه غنه‌ای
نخستین بخش، نگاه کنید به §159.nl.

DB 2.79; 4.20; DBg 1f. cičataxma فاعلی مفرد مذکر

ciğataxman DB 2.87f. مفعولی صریح مفرد مذکر

ciğataxmā DB 2.86. بایی مفرد مذکر

ci[nā] قید تاکید، پس از حالت نفی، «بکلی»: اوستا cinā «همچنین، نیز همینطور»؛

احتمالاً حالت بایی مفرد خنثی از -ci، مقایسه شود با، JAOS 58,116-7, 324

Harl, KZ 63.2 نه [ci[tā]، از نظر Sen 134). DSe 36

ciyākara- (§53) صفت «چه بزرگ»؛ خنثی بعنوان اسم، «چه چیز بزرگی»: *ciya(n)t-

مقایسه شود با سنسکریت kṛyat در حالت فاعلی مفرد خنثی «چقدر، چه مقدار»،

بعلاوه kara- از ریشه -kar «ساختن» (Bthl. AiW 597, §160.Ia؛ بدشواری

می‌توان پذیرفت که از kara- «زمان» باشد، مقایسه شود با hakaram، همانگونه که از

سوی 3-101 ApI, Hz. §293, MB Gr اختیار شده است).

ciyākaram DNb 39; DNa §259) فاعلی مفرد خنثی ciyākaram

§41, r^am^am^ac^aiy^a → صورت مکتوب) ciyākaram-ca-maiy 50;

DNb 240) Hz. → علیرغم Lg. 15.173, §138.I; §51, §133,

51,51f.

cišpi- (نیز Schaeder, SbPAW 1931.641.n4؛ و بصورت ca^hišpi حالت مفعولی صریح

مندرج در Justi, INB 152، برپایه نمونه‌های مشخص املائی در یونانی) اسم «چیش

پس»، شاه عیلام در حدود سال ۶۱۰ پیش از میلاد، نیای کوروش و داریوش: عیلامی

iši-iš-pi-iš اکدی iši-iš-pi-iš یونانی (§117, §124.3, §164.V). Τεισπις

cišpiš DB 1.5°; DBa 8. فاعلی مفرد مذکر cišpiš (§24, §179.IV)

cišpaiš (§24, §179.IV) DB 1.5f; وابستگی مفرد مذکر cišpaiš (§24,

§179.IV) AmH 3; DBa 8.

jaⁿtar- اسم «کشنده، نابود کننده»: اوستا-jantar، سنسکریت hantár؛ هندواروپایی

آغازین -g^uhen-tor، اسم فاعل از ریشه فارسی باستان -jan (§154.II).

jatā فاعلی مفرد مذکر jatā (§186.I) DB 4.58, 78.

jad- فعل «دعا کردن، خواستن»، با مفعول صریح شخصی و مفعول صریح شیئی:

اوستا -jad- (Bthl. AiW 487, gad-), مضارع -jaiḍya- (§214)، یونانی،
آئورست، مصدر، میانه، *θεσσαοθαυ*، هندواروپایی آغازین -g^uhedh-؛ یونانی
πòθος «آرزو».

jadiyāmaiی مفرد اول شخص DPd 21; DNā 54; XPh 59f;
XSc 4.

jan- فعل «زدن، نابود کردن، شکست دادن (دشمن در نبرد)»؛ قالب زدن (آجر):
اوستا -jan- (Bthl. AiW 490, gan-), سنسکریت -han-, یونانی *θαίνει*
«می زند»، *φòνος* «قتل»، لاتین *dē-fendit* «از خود دور می کند»، هندواروپایی
آغازین -g^uhen- (§101, §110, §208)؛ نیز نگاه کنید به -jatar.

jaⁿtiy (hánti) (سنسکریت §208, §228.I) DSe 36, 40.

ajanam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.89, §101, §122, §208)
95; 2.69; 4.6f; 5.25; XPh 34.

ajaⁿ ماضی استمراری DB 2.26, 36, 41, 46, 55, 61, 87, 98;
3.7, 18, 39, 46, 63, 68, 88, DSe 34.

ajaniya ماضی استمراری مجهول DSf 29.

jadiy (jah) (سنسکریت §101, §122, §208, §237.I) DB
2.31, 51; 3.15.

jatā جمع شخص امر دوم DB 2.21, 84; 3.58, 86.

ava- + jan- و ava- + ā + jan- «کشتن، نابود کردن»

ظاهراً -ava- در *avajata* و -ava-ā در *avājaniyā*، و موارد دیگر مبهم هستند؛
مقایسه شود با §206c, JAOS 62.274):

avājanam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.57, 59, 73,
83; 2.5; 4.81; 5.13, 27°.

avājaⁿ ماضی استمراری DB 1.31 bis; 3.75; 5.11.

avājanaⁿ جمع سوم ماضی استمراری DB 2.13, §208, §232.II)

avājaniyā تمنایی (§206c, §223.I, §228.II) DB 1.51, 52

(Foy, KZ 35.34) → بدشواری برابر با: §53, JAOS 62.274)

avajata صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مذکر DB 1.32, §122, §242.I)

(صورت اشتباه برای avājata، بنابر نظر Gray AJP 21.13, BthI. AiW 491).

ماضی استمراری میانه patiyajatā: «جنگیدن علیه» pati- + jan-
(§140.III, §208, §235.II) DNa 47.

ماضی استمراری اول شخص مفرد frājanam: «قطع کردن» fra- + jan-
DB 2.74, 89.

التزامی سوم شخص جمع vijanāⁿtiy: «خرد کردن» vi- + jan-
(§208, §222.III, §232.I) A²Sa5°, A²Ha7° (kent نظر).

jav- فعل «سوق دادن به جلو»: سنسکریت jī- «سوق دادن به جلو، به سرعت هل دادن، برانگیختن، بالا بردن»، مضارع jāvate «شتاب می‌کند»، وجه سببی jāvayati. مقایسه شود با
Bv.BSLP 33.2.152; Hz.AMI 4.127, 8.37-8, 65-6, ApI 366-7; Wb.
ZfA 41.320; Bailey, BSOS 7.292-4; Schaefer SbPAW
1935.502; Kent, Lg. 9.43, 231.

افزودن به، افزایش دادن، بالا بردن» وجه سببی abi- + jav-:
abiyajāvayam ماضی استمراری اول شخص مفرد
abljāvayam (§23.I, §140.III) XPf 40.

jiyamna- وجه وصفی بعنوان صفت «رویه پایان»، حالت خنثی بعنوان اسم «پایان»
(§109, §241): اوستا -jiyamna- وجه وصفی از ریشه -jyā- «رشد ضعیف
داشتن»، سنسکریت jināti «رویه پایان است».
DB 2.62. مفعولی صریح مفرد خنثی jiyamnam.

jiv- فعل «زندگی کردن»: اوستا jīvaiti (502, BthI. AiW 502), سنسکریت
jīvati، لاتین vīvit، هندواروپایی آغازین *g^hlveti (§216)؛ نیز نگاه کنید به
jīva-, gaiθā-
ajīvatam ماضی استمراری سوم شخص تنه (§229) DSf 14; XPf 21
jīvā (§237.I) DB 4.56, 75. امر دوم شخص مفرد jīvā.

jīva- صفت «زنده»: اوستا -jiva-، سنسکریت -jīvā-، لاتین vīvos، هندواروپایی

آغازین $g^{u}uo-$ ، مقایسه شود با $g^{u}iuo-$ در یونانی $\beta i o s$ «زندگی»، $o-$ $g^{u}ig^{u}$ در انگلیسی باستان $cwicu$ «زنده»، انگلیسی نو $quick$ (§101, §114, §150). نیز نگاه کنید به $j\bar{v}$.

$j\bar{v}a$ XPh 48, 54. $j\bar{v}a-diy$ A²Sd 3

(بطور نامشخص §22، §55.II؛ مقایسه شود با

(JAOS 51.229, Scheil 21.93, Wb. AfoF 7.45).

$j\bar{v}ahyā$ DB 5.19f, 35. وابستگی مفرد مذکر

ju- فعل، نگاه کنید به $jav-$

-ta- ضمیر اشاره متصل «این، او»: اوستا، سنسکریت $ta-$ ، مقایسه شود با فارسی باستان $tya-$. تنها بصورت $tā-$ در حالت مفعولی صریح جمع مذکر، برای ارجاع به $patikarā$ ، در $avaθaša-tā$ مندرج در DB 4.72 (§133, §196; JAOS 62.272-3).

A **taumā-** اسم «دودمان» (§149.I): اوستا- $taoxman$ ، فارسی نو «تخم»، سنسکریت $tokā-m$ «فرزند»، $tokma-s, tōkman-$ «پره نوریس جو»؛ $xm-$ به $-hm-$ فارسی باستان تبدیل می شود (§103.II, §118.II)، در حالیکه در مادی به همان صورت نخست باقی می ماند.

(Bv.BSLP31.2.76-9, Gr. §133; به اشتباه → Mt.Gr. §75, Kent JAOS35.329-31).

$taumā$ DB 1.8; 4.56, 58f, 64, 75, 79; DBa 13. مفرد مونث

$taumām$ DB 4.88. صریح مفرد مونث

$taumāyā$ DB 1.9, 28f, 45, 49; 2.16, 81; وابستگی مفرد مونث

4.19f, 22; DBa 15; DBg 8; DBg 11f.

$taumāyā$ DB 1.61f. ازی مفرد مونث

tauman- اسم «نیرو، قدرت»: مشتق از ریشه $tav-$ «نیرومندن بودن» با پسوند $-man-$ همانند سنسکریت $nāma$ «اسم»، لاتین $nōmen$ (§122, §155.III). برای تمایز و جدایی از $taumā$ «خانواده»، نگاه کنید به Kent, JAOS 35.329-31 و Tm. Lex.91. نیز نگاه کنید به $tauvlyah-$.

taxmaspāda DB 2.82,85. فاعلی مفرد مذکر

taxš- فعل «فعال بودن»: خلط شده با ایرانی آغازین -taš^{*}، اوستا -taš^{*} «بریدن، ساختن»، سنسکریت -taks^{*} «ساختن از طریق بریدن»، یونانی τεκτων «سازنده»، لاتین textit «بافه، می‌بافد»، هندواروپایی آغازین -tekP^{*} و آریایی آغازین -tuakš^{*}، اوستا -θwaxš^{*} «(میانه) سرگرم بودن»، سنسکریت -twaks^{*} «آفریدن، کارکردن»، هندواروپایی آغازین -tueqP^{*}. نیز مقایسه شود با Hz. ApI 322-4, ustašanā-.

ham + taxš- (\$140.V, میانہ ha^mtaxšataiy: «کارکردن با، موجب شدن» DNb 16, \$213, \$235.I)

hamataxšaiy DB (\$213,\$233.III) ماضی استمراری میانہ اول شخص مفرد hamataxšaiy 1.68,70.

A (نگاه کنید به پیوست) DB 4.65f,92 (\$235.II) ماضی استمراری میانہ hamataxšatā hamataxšatāⁿ جمع ماضی استمراری میانہ سوم شخص جمع DB 4.82.

tacara- اسم «کاخ»: فارسی نو «تزر»، عیلامی da-iš-ša-ra-um، اکدی bītu (\$76.V, \$148.I) مقایسه شود با

Gray, AJP 53.67; Hz. Klio 8.51, AMI 2.77; Hinz, ZDMG 95.227.

tacaram Dpa 6; XPj.dacaram (\$49a) DSd 3. مفعولی صریح مفرد مذکر

A **tanū** اسم «تن، نفس» (\$153.II): اوستا -tanū، سنسکریت -tanū؛ مقایسه شود با \$183.I → صرف Debrunner, IF 52.136.

tanūš DNb 33. فاعلی مفرد مونث

tanūm XPf 31. مفعولی صریح مفرد مونث

tar- فعل «از سویی به سویی رفتن»: اوستا -tar، سنسکریت -tāratī، وجه سببی tārayati، لاتین trāns وجه وصفی بعنوان حرف (اضافه) پیشایند «از میان»،

مقایسه شود با انگلیسی نو through نیز نگاه کنید به tara.
:وجه سببی «موفق به انجام کاری شدن»، «از سویی به سویی رفتن» -tar-+vi:
viyatarayam DB 5.24f. (\$215) ماضی استمراری اول شخص مفرد
viyatarayāmā DB 1.88. (\$230.II) ماضی استمراری اول شخص جمع

tara حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «سرتاسر»: اوستا tarō،
فارسی نو «تر»، سنسکریت tīrás؛ ساخته شده برپایه ریشه tar- (نگاه کنید به
مدخل مربوطه) همانند para (نگاه کنید به مدخل مربوطه).
ta[ra] DZc 12.

tāravā- اسم «تاروا»، شهری در پارس؛ عیلامی -ra-u-ma +، اکدی -ta-ar-ma.
tāravā DB 3.22. فاعلی مفرد مونث

tarsa- بن مضارع فعل «ترسیدن، با hacā بعلاوه حالت ازی: اوستا tərəsaiti،
فارسی نو «ترسد»، هندواروپایی آغازین *trs-ske-ti (\$31، \$97، \$212)،
مقایسه شود با هندواروپایی آغازین *tres- در سنسکریت trāsati، یونانی
τρεσι نیز *trep- *trem-، در لاتین tremi «می‌لرزد (همراه با ترس)»،
trepidus «سراسیمه (همراه با ترس)».

tarsatiy (\$228.I) DPd 11f.

tarsaⁿtiy (\$232.I) DSe 38f. سوم شخص جمع

atarsa DB 1.50f. ماضی استمراری

atarsaⁿ (\$232.II) DB 2.12°; DPe 9. ماضی استمراری سوم شخص جمع

tarsam (\$224، \$237) DPe 21. وجه تأکیدی اول شخص مفرد

tav- فعل «نیرومند بودن»: اوستا -tav-، سنسکریت -tu-، مقایسه شود با یونانی
ταυπος «گاو»، لاتین taurus. نیز نگاه کنید به -tauman-، -utava-، -tunuvat-
و -tauvlyah- (مقایسه شود با 328-33 Hz).

tāvayatiy (\$122، \$123.2، \$215) DNb 33f.

atāvayam (\$215) DNb 47. ماضی استمراری اول شخص مفرد

taš- فعل، نگاه کنید زیر مدخل *-taxš*، در *-ustašanā*.

tigra-¹ اسم «تیگر»، دژی در ارمنیه: عیلامی *ti-ig-ra* (§103.IV).
DB 2.39 فاعلی مفرد مذکر *tigra*.

tigra-² صفت «نوک تیز» (§103.IV, §148.I): اوستا *tiyrai-* «تیر»، سنسکریت *tigmā-* «نوک تیز»، مقایسه شود با درجه قوی اوستا *bitaēya-* «دولبه»، سنسکریت *tèjate* «تیز است»؛ با پیشوند *-s*، یونانی *στιγμη* «سوراخ کردن». نیز نگاه کنید به *tigraxauda-*.
DB 5.22 مفعولی صریح مفرد مونث *tigrām*.

tigrā- اسم «دجله» (§76.V, §103.IV, §107, §166): عیلامی *ti-ig-ra*، اکدی *di-iq-lat*، یونانی *Tigris*.
DB 1.85, 88 مفعولی صریح مفرد مونث *tigrām*.

tigraxauda- صفت «تیز خود»^(۱۲) (§161. IIa), همانگونه که در حجاری شکل «اسکونخ» سکایی در بیستون دیده می شود (نیز مقایسه شود با Hdt. 7.64):
tigra-² «نوک تیز»، بعلاوه *xaudā-* «کلاه خود» (§159).
برای فاعلی مفرد مذکر: DNa 26, DSe 25°, XPh 27; جمع مذکر *tigraxaudā* (§56.III) DN xv, A?P 15.

tunuvaⁿ-t- صفت «توانا»: وجه وصفی (§240) برپایه *tunautiy*، مضارع از *-tav* → صرف (Hz. ApI 329-32 → بصورت دیگر §122; JAOS 15.170; §190.I, §240).

DNb 10. فاعلی مفرد مذکر *tunuvā* (§210.I).

DB 4.65. (*tunuvaⁿtam* (§39)).

DNb 9. وابستگی مفرد مذکر *tunuvaⁿtahyā*.

tuvam ضمیر «تو»: اوستای گاهانی *tvōm*، اوستای متأخر *tūm*، سنسکریت *tuvām*.

۱۲. گروهی از سکاها که کلاه خود نوک تیز بر سر داشتند.

هندواروپایی آغازین $*tuuom$ ؛ مقایسه شود با سنسکریت $tvām$ ، یونانی دری tv لاتین $tū$ ، گوتیک $pū$ (§76.I, §137). صرف §194.

$tuvam$ DB 4.37, 41, 67, 70, 87; $tuva$ (§ 52.V) → نه بصورت $túv$ = $Hz. Apl$ 329) XPh 46. بصورت مفروض از سوی $*tu$ ، هندواروپایی آغازین =

DB §81, §114, §132.3) $Skt.tvām$ (مفعولی صریح مفرد مذکر $\theta uvām$ DB 4.43, 53, 55, 74; DSt 9f.

DNb 58 (§133). سنسکریت te ، یونانی، قید toi وابستگی مفرد مذکر $taiy$.

پی چسب، وابستگی مفرد مذکر $-taiy$.

در موارد زیر:

$auramazdā-tay$ (§52.II) DB 4.58; $auramazdā-taiy$ DB 4.78; $ada-taiy$ DNb 43,45; $ava-taiy$ DB 4.76, 79; $utā-taiy$ DB 4.56, 58, 73f, 75, 77f, 79; $tya-taiy$ DNb 53; $parta[m-taiy]$ DNb 54; $mā-taiy$ DNb 52, 55 (مقایسه شود با $mā: taiy$ 58); $hauv-taiy$ DNb 57.

¹ $tya-$ ضمیر موصولی، حرف تعریف معین، ضمیر اشاره؛ مقایسه شود با بن مشابه در سنسکریت (ودایی) یعنی ضمیر اشاره $-tya$ ؛ صورت (ایرانی یا فارسی باستان) متاخر، صورت خلط شده (§261; Lg.20.1-8) با ضمیر اشاره $-ta$ است، اوستا، سنسکریت $-ta$ ، یونانی $to-$ ، هندواروپایی آغازین $-to$ (مقایسه شود با لاتین $dis-tud$ انگلیسی نو $tha-t$) همراه با بن موصول $-ya$ ، اوستا، سنسکریت $-ya$ ، یونانی $-s$ ، هندواروپایی آغازین $-io$ (تا گسترش بن $-ta$ از طریق پسوند $-ia$ ، بصورتی که از سوی MB Gr. §331 فرض شده است)، و بیشتر صورت نوشتاری $-tāyā$ تا صورت نوشتاری $-tāiyā$ به سبب نوشتار همانند hya در حالت فاعلی مفرد مذکر و $hyā$ در حالت فاعلی مفرد مونث (نه به سبب ناتکیه بر بودن، به گونه‌ای که از سوی MB Gr. §331 فرض شده است)؛ $-t$ پیش از i بواسطه تاثیر $-ta$ ، تغییر نیافته است زیرا واژه مشتق است (Foy, KZ 35.4n; Bthl. Gdr. IP §416 a.nl). صرف، §198؛ کاربردها §261, §262. نیز نگاه کنید به tya حرف ربط، hya .

«که، که آن، چه» موصول (۱)

DB 3.60, 70. مفعولی صریح مفرد مذکر $tyam$

tyaiy فاعلی جمع مذکر DB 1.9, 15; 4.50, 61, 63, 80; 5.22°; DBa 15; DPe 13, 13f; DPh 5; DNa 28, 41; DSe 28°, 28f°; DSf 47f, 49, 51°, 52, 54°; DH 4; XPh 24. tyai-šaiy (§136) DB 1.57; 2.77; 3.48, 51, 74, 90, 91.

tya بعنوان فاعلی جمع مذکر (§52.I) XPh 23.

tyām مفعولی صریح مفرد مونث DB 4.70f; DPd 7.

tya بعنوان مفعولی صریح مفرد مونث (§56.V) AmH 5; AsH 13°; DB 4.89°.

tyā فاعلی جمع مونث DB 1.13, 18; 2.6; 4.33; DPe 9, 14f; DSf 45.

tyaiy فاعلی جمع مونث (§258.IV) XPh 31.

tyā مفعولی صریح جمع مونث DPe 7; DNa 17, 40; DSe 16.

tyaišām وابستگی جمع مونث DSm 6°; XPh 15.

tya فاعلی مفرد مذکر (§40) DB 1.27, 61, 67; 2.91; 3.10, 20, 53, 76; 4.1f, 42, 49°, 53; DNa 48; DNb 2, 11, 29, 54, 56; DSe 31, 43; DSf 36; DSj 5°; DSn 2°; DZc 9, 10; XPa 19; XPb 23; XPf 26, 37, 46; XPg 4; XPh 42; XV 19; A³Pa 26. tyā-šām DB 1.19; DNa 20; DSe 19°; XPh 17f. tyā-maiy DNb 48; DSe 52°; DSf 19°; DSs 7°; XPa 19f; XPb 24, 30; XPc 13 bis; XPd 19; XPf 38, 47; XSc 5°; XV 27°; A¹Pa 24°; A²Hc 20. tyā-taiy DNb 53. tyā-patiy XPa 15.

tya مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.44, 72; 4.3, 40, 59, 75, 79; 5.2; DPh 4; DNb 22, 24; DSa 4; DSf 20f°, 22°; DSj 2°, 4; DSI 3; DH 3; XPa 14, 15; XPf 41; XPh 43, 49, 52; A²Sa 5°; A²Sd 3; A²Ha 7. [tya]-šām DNa 36f. tyā-maiy DPh 8; DH 6. tyā-patiy XPf 40f.

tyanā بایی مفرد خنثی DSf 42.

tyā در tyāmaiyy فاعلی جمع خنثی DNb 13.

tyā مفعولی صریح جمع خنثی DB 1.64; DNb 46, 49. tyā-diš DB 1.65. tyam مفعولی صریح مفرد مذکر: حرف تعریف معین (۲) DB 1.50, 54, 57, 73, 89, 95; 2.21, 25f, 35, 41, 46, 55, 61, 69, 87, 97°; 3.7, 18, 38, 46, 62f, 67f; 4.81; DSe 39. tyamšām DB 5.12.

tyām DB 1.69, 71; 4.87; DNa 59. مفعولی صریح مفرد مونث
 tyā (§56.V)AsH 9, A²Sc 6. بعنوان مفعولی صریح مفرد مونث
 tyaišām DPe 3f. جمع مونث وابستگی
 tyā DNa 21; DSe 20°, 38; XPh 19. فاعلی مفرد خنثی
 tyā DB 1.81; DSf 11 bis; DSm 4° bis; DSp 2°, 3°; DSf 4 bis. مفعولی مفرد خنثی
 tyā DB 1.23. بایی مفرد خنثی
 DSf 14. فاعلی برایی مذکر tyā: «این» ضمیر اشاره (۳)
 DB 3.73. مفعولی صریح جمع مذکر tyaiy

²tya حرف ربط «که»، حالت خنثی و مفرد مدخل پیشین؛ مقایسه شود با کاربردهای
 همانند یونانی *οτι*، لاتین *quod*، انگلیسی *that*، آلمانی *dass*.
 در کاربردهای گوناگون (§299):

- ۱) DSf 28 bis, 29. ارائه دهنده فراکرد واقعیت بعنوان مفعول، «که» (۱)
- ۲) DNb 8, 10, 19. ارائه دهنده فراکرد اختیار، با وجه تمنایی، «که» (۲)
- ۳) DB 1.32, 52; DNa 38f. ارائه کننده نقل قول غیر مستقیم یا مستقیم، «که» (۳)
- ۴) DNb 33 (tya-maiy). ارائه کننده فراکرد سببی، «زیرا» (۴)
- ۵) DB 4.34; DNb 7. ارائه کننده فراکرد نتیجه، «برای اینکه» (۵)
- ۶) mā-tya-mām DB 1.52. و نیز در، mā-tya-mām DB 4.43, 48, 71 «مبادا» (۶)
- ۷) XPh 39 «جایی که» yadāyā → مقایسه شود با XPh 35f «جایی که» yadā-tya (۷)
- ۸) XPh 29 «هنگامیکه» yaθā tyā (۸)

θāigarci- صفت «ثایی گرچی»، سومین ماه، برابر با مه - ژوئن: عیلامی *sākurriš* اکدی
sāmannu (165, 152, 126, 87, 72, 30)؛ از نظر ریشه شناسی به
 معنی «ماه جمع آوری سیر»، متضمن عادی سازی بصورت θāigraci- که از سوی
 Justi, ZDMG 51.243 ارائه شده است (مقایسه شود با Bthl. AiW 786).
 DB 2.46f وابستگی مفرد مذکر θāigarcais

θakata- وجه وصفی، صفت «پر شده»: اوستا - sak «گذشتن (زمان)»، هندواروپایی

آغازین -keq؛ صفت مفعولی آینده (§244) همانند اوستا -yazata «در خور ستایش» (Bv. BSLP 30.1.68-70)، بیشتر، گذر به معنی گذشته، همانند سنسکریت *pacatā* «پخته»، یونانی *api-δευκ-ετος* «بسیار موکد، مشهور» (Schwyzer, Griech. Gram. 501-2) تا صفت فاعلی معلوم -θakaⁿt که بصورت تماتیک ساخته شده است (مقایسه شود با 22.79-80 Bthl.WZKM).
 DB 3.8 فاعلی مفرد خنثی *θakatam*.
 DB 1.38, 42, 56, 90, 96; 2.26f, 36, 42, 47, 56, 70, 98; 3.19, 39f, 47, 63, 68, 89. فاعلی جمع خنثی *θakatā*.

θatagu- اسم «تنگوش»، ابالتی از امپراتوری ایران: عیلامی *sa-ad-da-ku-iš* اکدی *sa-at-ta-gu-ú* یونانی *Σατταγυδία* (§67, §87, §122, §153.I, §161.IIa, §204.V). از *θata-* «صد»، اوستا -*sata* سنسکریت *śatām* یونانی *ε-κατον* لاتین *centum*، انگلیسی نو *hundred*، هندواروپایی آغازین *kmto-m*، بعلاوه *gav-* «گله گاو، گاو»: دارنده صدها (گله) گاو» (باحتمال بسیار ضعیف «[سرزمین] هفت رود»، از نظر 63 König RuID 8.73, 3.100-2, 1.99n, Hz. AMI).
 نیز نگاه کنید به *θataguiya-*.

DB 1.17; 2.7f; DPe 17; DNa 24; DSe 23°; DS^m 10°; XPh 22. فاعلی مفرد مذکر *θataguš*.

θataguiya- صفت «تنگوشی»: صفت از مدخل پیشین (§167, §144.III).
 A?P 11 فاعلی مفرد مذکر *θataguiya*؛
 در مورد *-guviya*، باید تجدید نظر صورت گرفته باشد، مگر اینکه *gudaya* - خوانده شود (§54.I, §167)،
 مقایسه شود با یونانی *Σατταγυδαί*، که در آن صورت، ریشه شناسی زیر *θatagu-* داده شده است.

θaⁿd- فعل «بنظر آمدن»: اوستا -*sand-* سنسکریت *chand-* (§87, §215).
 DB 4.49: DSa 5; DSj 6 (§222.II) التزامی میانه *θadayātaiy* (برای متن، نگاه کنید زیر *-fraša*؛ مقایسه شود با §54.I).

DNb 53; DNa 58 (§224, §228.II, §237) وجه تاکید *θadaya*.

θadaθa- واژه‌ای با معنی نامعلوم، Sb3.

θanuvaniya- اسم «کمانور»: مشتق (§144.IV) از *anvar/n-* «کمان»، مقایسه شود با سنسکریت *dhanvan* «کمان» (§83.II, §114, §155.IV) و Hz. ApI 339. نیز نگاه کنید به *uθanuvaniya-*.

DNb 42 فاعلی مفرد مذکر *θanuvaniya*.

A *θard-* اسم «سال»: اوستا-*sarəd* «سال»، فارسی نو «سال»، سنسکریت *śarād-* «پاییز» (§31, §87, §142). برای گاهشماری شورشیان علیه داریوش، نگاه کنید به پیوست تاریخی IV.

DB 5.3 مفعولی صریح مفرد مونث *θardam*.

DB 4.4f, 41, 45, 52, 60 وابستگی مفرد مونث *θarda*.

θarmi- اسم «الوار» (§6, §29, §34, §152.IV): بدون ریشه‌شناسی احتمالی، علیرغم نظر König, Burgbau 52-4; Hz. AMI 3.58; Gray, AJP 53.67-8.

θarmiš DSf 30.

θah- فعل «بیان داشتن، گفتن»: اوستا-*sah*، مضارع *saṃha-* سنسکریت *śasati* لاتین *cēnsēt*، هندواروپایی آغازین **kens-* (§87)؛ احتمالاً نبود آوای غنه‌ای در مضارع فارسی باستان (§134) MB Gr. §108.n1، مقایسه شود با Wackenagel, IF 45.321-7؛ نظریه‌های مبهم در مورد تلفظ 3.83-6 Hz. AMI).

θātiy (§131, §213, §228.I; JAOS 35.332-4) AmH 4,9; AsH 5; CMb 3; DB 1.3,6,8f,11,12f, 17, 20, 24, 26f, 35, 43, 48, 61, 71, 72, 81, 83, 90; 2.1, 5°, 8, 11, 13, 18, 29, 37, 42, 49, 57, 64, 70, 78, 91, 92; 3.1,9, 10, 19, 21, 28f, 40, 49, 52f, 54, 64, 69, 75, 76, 83; 4.1, 2,31,33, 36, 40, 43, 45, 50, 52f, 57, 59, 61, 67, 69, 72, 76, 80, 86, 88; 5.1, 14, 18, 20, 30, 33f; DBa 4, 9, 13f; DPd 5, 12; DPe 5, 18; DPh 3; DNa 15, 30, 47; DNb 5, 22; DSa 3; DSd 2f°; DSe 14, 30°, 41, 49°; DSf 8,

55; DSg 2f; DSI 2f; DSj 2,4f^o; DSk 3; DSI 1; DSm 3; DSo 2^o; DSt 6f; DZc 7; DH 3; XPa 11, 17; XPb 21; XPc 9; XPd 15; XPf 15, 27, 43f; 11, 17; XPb 21; XPc 9; XPd 15; XPf 15, 27, 43f; XPg 1; XPh 13, 28, 56; XPj; XSa 1; XSc 2f^o; XV 16; A¹Pa 17; D²Sb 3^o; A²Sa 1; A²Sc 1^o; A²Sd 2; A²Ha 1; A²Hc 7, 15; A³Pa 8, 21, 23.

aθaham ماضی استمراری اول شخص مفرد DB (§131, §132.2-3, §213) DB 2.20, 30, 50, 83; 3.14,85; DNa 37.

aθaha ماضی استمراری DB 1.75; 2.10^o, 15, 80; 3.25, 57f; 4.8, 11, 13, 16, 19, 21, 24, 27^o, 29; DBb 4; DBc 5; DBd 3; DBe 5; DBf 3; DBg 4f; DBh 4; DBi 4; DBj 3.

θahyāmahy مجهول اول شخص جمع (§220, §230.I) DB 1.7; DBa 10f.

aθahya ماضی استمراری مجهول (§220) DB 1.20, 23f; DNa 20; DSe 19^o; aθahiya (§27) XPh 18.

θāhy التزامی دوم شخص مفرد (§131, §222.II, §227.I) DB 4.55, 58.

θastanaia مصدر (§132.2-3) DB 1.53f.

θikā- اسم «شفته، قلوهِ سنگ، پاره سنگ» (به اشتباه König, Burgbau 50 مقایسه شود با Kent, JAOS 53.14): احتمالاً هندواروپایی آغازین -kiqā* (IV, §143, §87)، مقایسه شود با سنسکریت -sikātā «شن، شفته» (با s پراکریّت بجای s سنسکریت، یا وام گرفته شده از یکی از گویش‌های ایرانی (Bv. BSLP 30.1.60-1) و شاید فارسی باستان sikayauvatiš (با-s مادی)، مونث برپایه -sikayas-vant* (مقایسه شود با Kent, JAOS 51.203; Hz. AMI 3.55-6; Bv. BSLP 30.1.61).

θikā DSf 25,28. فاعلی مفرد مونث

θikām DSf 27. مفعولی مفرد مونث

θuxra- اسم «سوخرا»، پدر «اوتان» (§163.Ib, §164.III): عیلامی du-uk-kur-ra، اکدی su-uh-ra- احتمالاً همان -suxra «سرخ» در اوستا، فارسی نو «سرخ»، سنسکریت śukrá- «درخشان» (§148.I, §103.I, §87؛ مقایسه شود با Foy, KZ 35.20).

DB 4.83. وابستگی مفرد مذکر θuxrah[y]ā

θūravāhara- صفت «نورواهر»، دومین ماه، برابر آوریل - مه: عیلامی *turmār*، اکدی *aiiāru*. مرکب از *θūra-* «نیرومند»، اوستا *šūra-* سنسکریت *śūra-* یونانی *kūrios* «معتبر»، هندواروپایی آغازین **kūro-* (87)، *vāhara-* «بهار»، سنسکریت *vāsara-* «درخشان»، فارسی نو «بهار»، لیتوانیایی *vāsara* «تابستان» (154.I, 148.I, 143.II, 126, 118.I؛ مقایسه شود با 16 Origines: Bv.): (ماه) بهار فزاینده (165, 161.IIa).

DB 2.36, 41, 61; 3.39. وابستگی مفرد مذکر *θūravāharahya*

çay- فعل «زخم شدن»: اوستا *šray-* سنسکریت *śri-*، یونانی *κλινει* لاتین *an-clīnat* انگلیسی نو *dean* هندواروپایی آغازین **klei-* (94).
«بازسازی کردن» (215, 123) وجه سببی *-çay- ni* ساخت متاثر از *dāraya-* در اوستا و فارسی باستان (7-44.285: Ware):
DB 1.64 ماضی استمراری اول شخص مفرد *niyaçarayam*

çita- صفت «سوم»: یونانی *ἄπιτος* هندواروپایی آغازین *tritōs* (204.III). نگاه کنید به *çitīya-*.

DB 5.3 مفعولی صریح مفرد مونث [çitām-cā]
(JNES 2.109-10; JCS 5.56; JAOS 72.17)

çitīya- صفت «سوم»: اوستا *θritiya-*، سنسکریت *trītya-*، لاتین *tertius*، هندواروپایی آغازین **trītīo-* (78, 144.II, 204.III)؛ نیز نگاه کنید به *çita-*.
DB 2.43 مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید *çitīyam*

çūšā- اسم «شوش»، شهر مرکزی داریوش، در عیلام: *šū-šā-an* اکدی *šū-šā-an*، یونانی *Σουσα* (78, 117).
DSf 22,34,56; DSo 3f. دری مفرد مونث *çūšāyā*

¹dā- فعل «دادن»: اوستا، سنسکریت *dā-*، یونانی *δαδωμι* لاتین *dat* «دادن»،

dōnum «هدیه»، هندواروپایی آغازین -dō- (§62, §76.III).
dadātuv وجه امری (§209, §237.II) DPd 23f; DNa 55; XPh 60.

²dā- فعل «گذاشتن، ساختن، آفریدن»: اوستا -dā، سنسکریت -dhā، یونانی
δοῦμι لاتین fēcīt «ساخته»، انگلیسی نو deed, do، هندواروپایی آغازین
dhē- نیز نگاه کنید به -dāna-, -dāta-, -uvadā-.

adadā ماضی استمراری (§209, §228.II) DPd 3; DNb 1,2; DSe 2°, 3°, 3f, 4.

adā ماضی (§62, §76.III, §122, §218.II, §228.II) DNa 2,3 bis, 4; DSf 1f°, 2 bis, 3, 9; DSp 2°; DSt 2°, 3, 3f°, 4°; DZc 1, 2 ter; DE 3,4,5,6; XPa 1f,2,3 bis; XPb 3,4,5,6; XPe 2 bis, 3 bis; XPd 2,3,4 bis; XPf 2,3 bis, 4; XPh 2 bis, 3 bis; XE 3f,5,5f,6; XV 3,4 bis, 5; A¹Pa 2°,3°,4°,4f°; A²Hc 2,3, 4 bis; A³Pa 2,3, 4 bis.

daiy نگاه کنید به -di-.

daiva- اسم «الوهیت (ناحق)، دیو» (مقایسه شود با 126-30 ApI, 8.74-5 AMI, 113.32-7 Hz):
اوستا -daēva، سنسکریت -devā «خدا»، لاتین deus, dīvos، هندواروپایی
آغازین -deiwo- (§76.III, §114, §143.III). نیز نگاه کنید به -daivadāna-
daivā فاعلی جمع مذکر XPh 36, 38, 39.

daivadāna- اسم «دیوکرده» (§147.I, §160.Ib): -daiva، بعلاوه -dāna (در معنی
توهین آمیز، «لانه»، بنابر نظر 131 ApI, 8.75 Hz).

daivadānam مفعولی صریح مفرد مذکر XPh 37f

(صورت نوشتاری در نسخه دوم -d^aav^am^a، مقایسه شود با 13.293 Lg. §51).

daug- فعل، نگاه کنید به -hadugā-.

dauštar- اسم «دوست»: فارسی نو «دوست»، سنسکریت -jostār «با محبت»؛ اسم فاعلی

(§154.II) از ریشه -dauš، اوستا- zaoš «لذت بردن»، سنسکریت -jus، لاتین gustat «می‌چشد»، انگلیسی نو choose، هندواروپایی آغازین -geus* (§88).

dauštā DB 4.56, 69, 74; DNb 7, 8, 12; DSj 4. فاعلی مفرد مذکر

-dacara نگاه کنید به -tacara.

-dāta اسم «قانون»: اوستا- dāta، فارسی نو «داد»؛ وجه وصفی خنثی از ²dā- (§122, §242.II). نیز نگاه کنید به -vahyazdāta.

dātam DNa 21; DSe 20°, 37; XPh 18f. فاعلی مفرد خنثی

DB (باحتمال بسیار ضعیف حالت ازی مفرد خنثی §172) بایی مفرد خنثی dātā 1.23; XPh 49,52.

DNb 58. فاعلی جمع خنثی [d]ātā

-datasa قرائت KT، با غیر قطعی بودن نشانه حرفی اول و سوم، DB 4.71f؛ مطالعه کنید -utava، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

-dātuvahya اسم (§164.V) «داتووهیا»، پدر مگاییزوس (§163.Ib): عیلامی da-ad-du-man-ia، اکدی -a-tu-’-za-’ مقایسه شود با 1.84n AMI. Hz. DB 4.85. وابستگی مفرد مذکر dāt[u]vahyahyā

-dādarši اسم «دادرشی»، ۱) شخصی ارمنی، ۲) شخصی پارسی، شهریان بلخ: عیلامی da-tur-ši-iš، اکدی -a-da-ar-šú. مشتق از -darš «جرأت کردن»، با مضاعف سازی؛ سنسکریت -dādhṛṣi «جسور» (§30, §76.III, §152.I, §164.IV).

dādaršiš DB 2.29, 31f, 48; 3.13, 15. فاعلی مفرد مذکر

DB 2.33, 38, 44. مفعولی صریح مفرد مذکر dādaršim

-dan¹ فعل «جاری بودن»: سنسکریت dhán-vati.

→ پس از پیشنهاد دیگر از سوی Wb. KIA 104؛ میانه [danu[taiy]DZc 9 (danu[vatīy]Bthl. AiW 683); §216, §216.nl.

²dan- فعل «آشنا شدن با»، نگاه کنید به xšnā-.

dāna- در apadāna-, daivadāna-: سنسکریت dhāna-m «ظرف»؛ از فارسی باستان dā-²بعلاوه پسوند -na-(§147.I).

¹dar- فعل «نگهداشتن»؛ (لازم) «ساکن شدن»: اوستا dar-، سنسکریت dhr-، لاتین fir-mus «محکم کردن»، لیتوانیایی daryti «ساختن»، هندواروپایی آغازین dher-*(§76.III, §122). نیز نگاه کنید به -dārayavau-, upadarma-, duruva-, vidarna- بن مضارع -dāraya- و التزامی، §215.

dārayāmiy مفرد شخص اول (§226.I) AmH 5f; AsH 11, 14; DB 1.26; DPh 4f; DNb 14; DH 4. dārayatiy DNd 2

(قرائت قطعی، مطابق با یادداشت حاشیه‌ای Wb بر AbkSGW 29.142).

dārayaⁿtiy جمع سوم شخص (§232.I) XPh 23f, 24f.

adāraya ماضی استمراری (§228.II) DB 1.85; 2.9; 3.23; DNa 41; DSe 20f^o; XPh19; adāraiya DNa 22 (§48; Wb. AbkSGW 29.33, (بمعنوان مجهول Hz. ApI 132 به اشتباه Kent, JAOS 35.347n; → مقایسه شود با adaršiy مفرد شخص اول ماضی، میانه اول شخص مفرد adaršiy (§218.I, §233.V) DPe 8.

adāriya مجهول ماضی استمراری (§220, §228.II) DB 2.75, 90.

بازسازی کنت (JAOS 62.268) بصورت adā[rayat]ā، در قرائت جدید کامرون از DB 4.90f حذف شده است.

ماضی استمراری اول شخص مفرد hamadārayaiy: «نصرف کردن، بدست آوردن» ham + dar (§233.III) DB 1.26.

²dar- فعل «خشمگین شدن»، نگاه کنید به dartana-.

daraniya- اسم «زر»: اوستا-zaranya- پهلوی اشکانی zarēn، فارسی نو «زر»،

سنسکریت *dhṛanya-m* هندواروپایی آغازین **ghl-enio*
 (§32, §66.II, §88, §126, §144.IV)، مقایسه شود با انگلیسی نو *gold*. نیز نگاه
 کنید به *-dāranīyakara*.

daraniyam DSf 35. فاعلی مفرد خنثی

daraniyam DSf 49f. مفعولی صریح خنثی

اما صورت یونانی *δαρεϊκος* «سکه زرین پارسی»، از نام داریوش گرفته شده
 است (Bv. BSLP 30.1.59)، و نه از صورت کوتاه شده *-daraniya* (به گونه‌ای
 که از سوی Mt. Gr. §129, Hz. ApI 134-5 اختیار شده است).

-dāranīyakara اسم «زرگر»: فارسی نو «زرگر»؛ *-daraniya* با ویژگی *vriddhi*، بعلاوه *-kara* «سازنده»
 (§126, §143.V, §160.Ia; König, Burgbau 65; Hz. AMI 3.73-4; Kent, JAOS 53.21)

-dāranīyakarā DSf 49 فاعلی جمع مذکر

(در مورد Frag. Theta, Scheil 21, plate 11، نگاه کنید به §44؛
 König, Burgbau, Tafel 5; Kent, JAOS 53.21، در مقابل 51.195-6).

-dārayava^{hu} اسم «داریوش» (-اول، پسر و شتاب شاه ۵۲۲-۴۸۶ پیش از میلاد؛ -
 دوم، پسر شاه اردشیر یکم، ۴۲۶-۴۰۴ پیش از میلاد): عیلامی
da-ri-ia-ma-u-iš، اکدی *da-ri-ia-muš*، یونانی *Δαρεϊος* (با حذف بقرینه
 بجای *Δαρεϊαλος*؛ Keiper, Acta Sem. Phil. Erlangen, 1.253). از آریایی
 آغازین *-dhāraiat** وجه وصفی از ریشه موجود در فارسی باستان
dar- (§162, §240)، بعلاوه آریایی آغازین **uasu* در حالت مفعولی صریح
 مفرد خنثی «نیکی» (§153.I)، نگاه کنید به فارسی باستان *-vau*: «کسی که نیکی
 را ثابت نگه میدارد» (Hz. Arch. Hist. Iran 40, ApI 255, 267). این نام را
 صورت مصغر *-dāraya-vahu-manah** بمعنی «نگهدارنده اندیشه نیک»
 پنداشته است؛ این نظر از سوی Nyberg, Rel. 361 رد شده است).

-dārayavauš DB 1.1, 4, 6, 9, 11, 13, 17f, 20f, 24, 27, 35, 44, 48, 61, 71, 73, 81, 83, 90; 2.1, 5, 8, 11,
 13f, 18, 29, 37, 42f, 49, 57, 64, 70, 78, 91, 92; 3.1, 9, 10f, 19f, 21,

29, 40, 49, 53, 54, 64, 69, 75, 76, 83; 4.1, 2f, 31, 33, 36, 40, 43, 45, 50, 53, 57, 59, 61f, 67, 69f, 72, 76, 80, 86, 88; 5.1, 14, 18, 20, 30, 34; DBa 1, 4f, 9, 14; DPa 1; DPb; DPd 4f, 5, 12; DPe 1, 5f, 19; DPh 1, 3f; DNa 8, 15, 30f, 40, 47f; DNb 5; DSa 1, 3; DSb 1f; DSc; DSd 1°, 3°; DSe 8, 14, 30f°, 41°, 49f; DSf 5f, 8, 55; DSg 1, 3; DSi 1, 3; DSj 1, 2, 5; DSk 1, 3f; DSl 1; DSm 1, 3°; DSn 1°; DSo 2f; DSq 2; DSt 7°; DSy 1; DZa; Dzb 1; DZc 4, 7; DE 12; DH 1, 3; XPc 11; XPf 16f, 30, 33; XPg 6; XSa 2; XV 17; D²Sa 2; D²Sb 1°, 3°; A²Sa 3; Wa 2f; Wb 1; Wc 2; Wd 2; SDa; SDb.

dārayavahauš مذكر بعنوان فاعلی مفرد مذكر XPf 25 (§51; Lg. 9.39).

dārayavaum مذكر مفعولی صریح مفرد مذكر DPd 2; DNa 5; DNb 4; DSe 5°; DSf 3f; DSn 2; DSp 1f°; DSt 5°; DZc 3; DE 7; XPf 22f; D²Sa 2f.

dārayavahauš وابستگی مفرد مذكر (118.IV, §124.2) DB 3.58f; DPc; DPd 10; DPi; DNc 1f; DNd 1; DZc 3; XPa 9f; XPb 19; XPc 8f, 14; XPd 13; XPe 3; XPf 13f, 17; XPh 11; XPj; XPk; XSc 2°; XE 19; XV 14f; A¹Pa 16.

darayavauš مذكر بعنوان وابستگی مفرد مذكر XPf 28 (§51; Lg. 9.39); (§313.II) A²Sb, A²Sd 2, A²Hb, A³Pa 13f, 14, 17, 18.

dārayavaušahyā وابستگی مفرد مذكر A¹I; A²Sa 1, 1f, 2f, 3; A²Sc 0 bis: A²Hc 9f, 10 (§313.I, بعنوان حالت فاعلی), 13, 14 (بعنوان فاعلی).

dārayavašahyā وابستگی مفرد مذكر (§52.VI, §57) A²Ha 2, 2°, 4, 4°.

dāru- اسم «چوب»: اوستا -dāuru-, سنسکریت -dāru-, مقایسه شود با یونانی δῶρου **dāru-** «نیزه». dāruv (§181) مندرج در 41 DSf, در عبارت asā dāruv «چوب آبنوس»، تحت اللفظی «چوب سنگی» (§308.nl), نه تنها به سبب سختی به این نام خوانده شده، بلکه احتمالاً asā ترجمه متشابه اکدی «سنگ» aban است، مقایسه شود با عبری eben «آبنوس»، یونانی βεβος از مصری hbnj «آبنوس» (J. Duchesne- Guillemin, BSOS 10.925-7 [1942]) نه همانگونه که Hdt.3.97 اشاره کرده و می‌گوید مصریان الوارهای چوب آبنوس

را بعنوان خراج به شاه ایران پرداختند). واژه *dāruva* نباید برپایه ریشه *-dar*^۱ و عبارتی که به معنی «مس» (Scheil 21.30; Kent JAOS 51.208, 53.18-9) «آهن» است (Bv.BSLP 30.1.60؛ که پیشنهاد می‌کند که *dāruva* ممکن است صفتی باشد که به نوعی درخت اشاره دارد) عادی شده باشد؛ واژه فوق نه از *asā* به علاوه *dāruv* در حالت بایی و در مجموع به معنی «قاب چوبی پنجره‌ها» ترکیب شده (König, Burgbau 64-5)؛ و نه از صورت *asā sāruva* «راهنمایی کردن» (Hz. ApI 299)، برپایه اوستا *-srva* «راهنمایی کردن» (Bthl. AiW 1649) بوجود آمده است، مضافاً براینکه آثار اندک موجود مؤید *s^a* آغازین نیست.

DSf 51 مفعولی صریح مفرد خنثی [dār]uv (بهمین صورت [1950] 19.415 Hinz, Orientalia؛ نه [išmāl]uv، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

darga- صفت «دیر»: اوستای گاهانی *-darəga*، اوستای متاخر *-darəya*، فارسی نو «دیر»^(۱۳)، سنسکریت *-dārghá*، هندواروپایی آغازین *-dlgho*، مقایسه شود با یونانی *δολιχος* لاتین *longus* (III,VI) (§31,§68,§101,§143). *dargam* DB 4.56,75. مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید، «برای زمانی دراز»

dartana- (یا شاید *-zartana* با *z* مادی) اسم «خشم»: اوستا *-zarəta* «خشمگین»، سنسکریت *hrñitè* «خشمگین است» (§34,§147.V,§238). *[da]rtanayā* DNb 13f دری مفرد خنثی (نظر Kent, JNES 4.46-7 با §238.n1).

darš- فعل «جرات داشتن»: اوستای گاهانی *-dərəš-* «عمل تجاوز»، سنسکریت *dhṛs-nōti* «جرات می‌کند»، انگلیسی نو *dare* (§76.III,§117). نیز نگاه کنید به *dādarši-*, *daršam*.

۱۳. کنت واژه فوق را در فارسی نو بصورت *dēr* واجتویسی کرده است. در حالیکه واجتویسی درست آن در فارسی نو *dīr* است. زیرا واج /ē/ فارسی میانه، در فارسی نو به /i/ تبدیل شده است.

adaršnauš ماضی استمراری (§30, §84, §210.I, §228.III) DB 1.53.

daršam قید «با توانایی»: حالت مفعولی صریح مفرد خنثی از صفت darša- (§143.I)، از ریشه darš- (در مقابل این ریشه شناسی، Hz. ApI 135-6). DB 1.50 (MB Gr. §366; به اشتباه → Kent, JAOS 35.336-42); 4.37; DNb 14, 15, 50.

dasta- اسم «دست»: اوستا- zasta- فارسی نو «دست»، سنسکریت dhāsta- هندواروپایی آغازین-ghosto* (§88, §116, §145). نیز نگاه کنید به dastakarta-

DB 4.35. dastayā مفرد مذکر
dastaibiyā بایی تثنیه مذکر (§189) DNb 41.

dastakarta- صفت «دست ساخت»: dasta- بعلاوه وجه وصفی karta- (§160.Ic)، از ریشه kar- «ساختن».

[dasta]kartam (بازسازی بعد از عیلامی) Wb. ZDMG 91.85, Hz. ApI DSe 42f. «کار دست» فاعلی مفرد خنثی بعنوان اسم (8-136)

daha- صفت «اهل ده»؛ جمع، ایالتی از امپراتوری ایران: اکدی da-a-an، یونانی Δάα (Lg. 13.298; Hz. AMI 8.72) (§76.V).

dahā XPh 26. فاعلی جمع مذکر

dahyu- اسم «سرزمین، ایالت، ناحیه»: اوستای گاهانی -dahyu، اوستای متاخر -daighu- فارسی نو «ده»، سنسکریت dāsyu- «بیگانه، دیو» (§124.2, §153.IV, §166) صرف II.183. نیز نگاه کنید به -visadahyu.

DB (بعنوان مفرد مونث §314b) AmH 5,8f فاعلی مفرد مونث dahyāuš; 1.59; 2.28, 53, 59, 72; 3.9, 11, 20, 23, 66, 75, 79f; 5.4, 13f, 29f; DPd 6. dahyāuš-maiy DB 4.39.

dahyāum (مفعولی صریح مفرد مونث §53, §72) AsH 8, 11, 13; DPd

15, 18; DNa 53. dahyāvam (§124.VI) XPh 33, 58f.
 dahyauvā (dahyuvā Wb.) دری مفرد مونث (§48, §124, §137) DB 1.34.
 dahyāva مونث فاعلی جمع مونث (§124.7) DB 1.13, 17, 18, 23, 41; 26°;
 4.33; DPe 7, 14; DNa 17, 39; DSe 15f, 32f; DSm 5f; XPh 15.
 dahyāva مونث مفعولی صریح جمع مونث DB 1.21, 47, 67; 4.92; XPh 31, 35.
 dahyūnām وابستگی جمع مونث DB 1.2; DBa 3; DPa 4; DPe 3; DNa
 10; DSb 6f; DSe 9°; DZb 2f; DZc 5; DE 15; XPa 7f; XPb 15;
 XPc 7; XPd 10f; XPe 10f; XPh 8f; XSc 2°; XE 15; XV 11f; A¹Pa
 11f; A²Sc 3f; Wb 5; Wc 6; Wd 6. dahyūvnām (§23.II) DPh 2; DH
 1f.
 dahyūšuvā دری جمع مونث DB 1.35.
 DHum (§42) مفعولی صریح مفرد مونث DSf 58; DSj 6°. DHyaum
 (§53) A³Pa26.
 DHum (§42) مفعولی صریح مفرد مونث DSf 58; DSj 6°. DHyaum
 (§53) A³Pa 26.
 DHnām وابستگی جمع مونث DSa 2; DSd 1; DSf 6; DSG 1°; DSi 1°;
 DSk 2; DSm 2°. DHyūnām DSy 2; XPj; A¹I; D²Sa 1; A²Ha 1°;
 A²Hc 8; A³Pa 11.

¹dī فعل «دیدن»: اوستا - dā(y)² «دیدن» (Bthl. AiW 724)، فارسی نو «دیدن»،
 سنسکریت dhī «اندیشیدن».

dīdiy امر دوم شخص مفرد (§65, §129, §209, §218.II, §237.I) DNa 41;
 DNb 57.

²dī- فعل «بزرگرفتن (چیزی از شخصی، با ۲ حالت مفعولی صریح)، محروم کردن (کسی از چیزی، با ۲
 حالت مفعولی صریح)»: اوستا zināiti «آسیب می‌رساند» (Bthl. AiW 1700) (zyā-,
 سنسکریت jināti «سرکوب می‌کند» (§88)، مقایسه شود با یونانی βίᾱ «تجاوز».

adīnam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§210.II, §226.II) DB 1.59.

adīnā ماضی استمراری (§210.II, §228.II) DB 1.44f, 46, 66.

DB 1.50. (§242.I) صفت مفعولی گذشته، مفعولی صریح مفرد مذکر dītam

-dī- ضمیر متصل «او را، آنها را»، معمولاً با مرجع مذکر: اوستا (Bthl. AiW 684) di-؛ سرچشمه گرفته از تقسیم اشتباه pasāvad-im و غیره، در حالیکه -im صورت مفعولی صریح is، لاتین ds بوده و بدین صورت تعمیم و گسترش یافته است (§195.II; Caland, KZ 42.173; Mt. MSLP 19.53-5, Gr. §166)؛ در مورد تقابل آن با -ši-، نگاه کنید به Bv. Gr. §345.

-dim مفعولی صریح مفرد مذکر (§195.II) در Pasāva-dim (با مرجع مونث) DNa 33؛ DSf 32 hau-dim؛ DNb 17 avaθā-dim؛ DNb 16, 18 anu-dim

-diš مفعولی صریح جمع مذکر (§195.III) در tyā-diš DB 1.65 (با مرجع اسم جمع مذکر)؛ naiy-diš DB 4.73, 78; paribarāh^a-diš DB 4.74; vikanāh^a-diš DB 4.77; avaθā-diš DB 5.17, 33; ava-diš DNa 21, DSe.20°, XPh 19; utā-diš DNb 46f (با مرجع خنثی)؛ hau-diš DSs 6° (با مرجع هایی از جنس های گوناگون).

نوشته شده بصورت واژه ای جدا، در drauga diš DB 4.34 (با مرجع های مونث)؛ pasāva diš DB 4.35; avaθā diš DB 4.36.

DB 5.11, daiy بعنوان واژه جدا، احتمالاً viy^a (بدون هیچ نشانه جداکننده ای علیرغم (RL, KT)؛ مطالعه کنید viyamarda را از نظر Wb. ZfA 46.55، نگاه کنید زیر مدخل -mard (نه در حالت مفعولی صریح جمع مذکر از نظر Kent, JAOS 62.273؛ و نه در حالت وابستگی -برای مفرد از نظر Wb. KIA 73n، (Bv. Gr. §345, Gray AJP 53.69

-diy از ادات تاکید متصل: اوستا آ، سنسکریت di یونانی، پی چسب di در vai-«بله واقعاً»، ou-«نه بهیچ وجه»، هندواروپایی آغازین *ghī (§88, §191.I). ufraštādiy DB 4.69

JAOS 35.351-2؛ نه ضمیر، مفعولی صریح جمع مذکر از نظر Bv.BSLP 31.2.63-4؛ نگاه کنید Gr. §345؛ به احتمال ضعیف XPg 7f vašnā-[di]y (علیرغم Lg 9.320؛ نگاه کنید زیر مدخل apiy).

j¹va-diy A²Sd3 (JAOS 51.229).

didā- اسم «دیوار، پایگاه، دژ»: فارسی نو «دژ»، هندواروپایی آغازین -dhighā^{*}، مقایسه شود با سنسکریت dehāl «دیوار»، یونانی τεῖχος انگلیسی نو ditch, dike نیز مقایسه شود با paradayadām (§76. III, §88, §143.IV, §166).

didā DB 1.58; 2.39,44; 3.61, 72; DSe 46; DSf 42. فاعلی مفرد مونث

didām DB 2.78; DSe 48°; DSf 54. مفعولی صریح مفرد مونث

dipī اسم «کتیبه»: عیلامی tup-pi، اکدی tuppu (I. §179): وامواژه از سومری -dup- (Bv. Gr. §282)؛ نه بصورت خلط شده با ایرانی -ripi^{*} برابر با سنسکریت lipi- «آلودن، نوشتن» (Pisani, Riv. Stud. Or. 14.320)، همانند سنسکریت lipi- که بیشتر نوشتن با جوهر را بیان می‌کند تا نقر کردن بر سنگ.

dipī-mai[y] DB 4.89 (§136; = Elam. tup-pi-me). فاعلی مفرد مونث

dipim DB 4.42,48,70,73,77,91f; XV 22, 24. مفعولی صریح مفرد مونث

d[i]p[iy]ā DB 4.47 (I. §179.V) دری مفرد مونث

dug- فعل، نگاه کنید به -hadugā.

dubāla- اسم «دوبال»، ناحیه‌ای در بابل: عیلامی + du-ib-ba- (§6, §107). dubāla DB 3.79. فاعلی مفرد مذکر

dūra- صفت «دور (در زمان یا فاصله مکانی)»: اوستا -dūra، فارسی نو «دور»، سنسکریت dūrā- (I. §148). نیز نگاه کنید به -dāradaša, duvaišta.

دری مفرد خنثی بعنوان قید «دور، دور دست، دور و دراز» dūraiṣ

DNa 44 (اوستای گاهانی dūirē، اوستای متاخر dūire، سنسکریت dūrē III. §191, §65)

dūraiṣ apiy DSe 11, DZc 6, DE 18, XPa 9, XPb 18, XPe 8, XPd

13, XPf 13, XPh 10, XE 18, XV 14, A¹Pa 14f^o, A²Hc 17.
dūraiapiy DNa 12, dūrayapiy DNa 46 (§48, §136).

duradaša- قید «از دور» با تقدم hacā : dūra- بعلاوه قید -dā همانگونه که در avadaša بعلاوه -ša در حالت ازی، دیده می شود، همانند avadaša (§135, §191.II; JAOS 54.37). DSf 23.

duruj- فعل «دروغ گفتن، فریفتن»: اوستا -druj- «دروغ گفتن» (Bthl. AiW 767, draog-), مضارع družaiti، اسم، druxš «بن شرور، اهریمن»، سنسکریت drúhyati «می فریبد»، آلمانی Trügen، هندواروپایی آغازین (§76.III). -dhrugh- نیز نگاه کنید به drauga-.

adurujiya ماضی استمراری (§101, §103.IV, §113, §128, §132, 1, 2, 3, §214, §228.II) DB 1.39, 78; 3.80; 4.8, 10f, 13, 16, 18, 21, 24, 26f, 29; DBb 2f; DBc 2f; DBd 2; DBe 3f; DBf 1f; DBg 2f; DBh 2f; DBi 2f; DBj 2f.

adurujiyašaⁿ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§214, §218.I, §232.III) DB 4.34f.

druxtam صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خنثی (§103.IV, §122, §128, §132, 1, 3, §242.I) DNb 52, 55f; DB 4.44f, مفعولی صریح مفرد خنثی 49f; DB 3.89.^(۱۴) «بناروا» قید

duruva- صفت «مطمئن، محکم»: اوستا -drva-، سنسکریت dhruvā؛ مشتق از ریشه موجود در فارسی باستان -dar¹ (§122, §128, §150).
duruva مفعول فاعلی مفرد مونث DB 4.39.

duvaišta- صفت «بسیار دراز، بسیار دور»: صفت عالی برپایه -dūra- (§156.III, §190.II, §191.III; MB Gr. §275)، مقایسه شود با سنسکریت

۱۴. در متن انگلیسی به اشتباه DB 3.88.

davisthā- با اندکی تفاوت در ساخت.

DPe 23. **duvaiš[ta]m** «تا زمانی دراز» مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید «تا زمانی دراز» (مقایسه شود با نظریات مربوط به مدخل *hyā*).

duvara- اسم «در»: *dvār-* سنسکریت، یونانی *θυρᾱ*، لاتین *forēs*، انگلیسی نو *door*، لیتوانیایی *dvāras* «حیاط»، هندواروپایی آغازین **dhuor-* و ساخت‌های گسترش یافته آن بصورت **dhuoro-* و غیره؛ نیز نگاه کنید به *duvarθi-*.

duvarayā-maiy دری مفرد خنثی (§136) DB 2.75, 89f.

duvarθi- اسم «دالان»: *duvar-* «در» بعلاوه *varθi-* «پوشاندن، حفاظت»، از ریشه *var-* «پوشاندن»، با حذف بقرینه (Bthl. AiW 766; §34, §129, §152.IV, §160.Ia; Bthl. AiW 766) *duvarθim* مفعولی صریح مفرد مذکر XPa 12.

duvitāparanam قید «یکی پس از دیگری، پی در پی»: *duvitā* (§191.III, §204.II)، فارسی میانه *dit* «یکی یا دیگری» (Bthl., quoted by Tm. Lex. 102)، مقایسه شود با فارسی باستان *duvitlyam* «بار دوم»، سنسکریت *dvīṣ* «بار دوم»، لاتین *bis*، بعلاوه *paranam* «پیش از، بیشتر» (Tm.l.c., و Vdt. Stud. 1.8). این هم از معنی Tm. بصورت «خیلی پیشتر»، قید *duvitā* «طولانی»، اوستای گاهانی *daibitā*، سنسکریت *dvitā* (مقایسه شود با فارسی باستان *duvaištām*) بعلاوه *paranam* (به گونه بالا) بهتر است؛ و هم از معنی KT بصورت *duvitāparanam* «در دو خط»، شامل واژه هم خانواده سنسکریت *parṇá-* «بال» (مورد تایید بوسیله Wb. ZDMG 61.724-5, KIA 10-1 و نیز DB 1.10; DBa 17.(Hz. AMI 1.112h).

duvitlyā- صفت «دوم»: اوستای گاهانی *daibitya-*، اوستای متاخر *bitya-*، سنسکریت *dvitlyā-*، هندواروپایی آغازین **duitlīo-* (§76.III, §144.II, §204.II). نیز نگاه کنید به *duvitāparanam*.

DB 2.37f, 57, مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید «بار دوم» *duvitlyam*

DB 3.24 بعنوان مفعول نهفته، «(شورش) دوم»؛ 3.77;
 نه *duvitīya-ma udapatatā* «دومین بود که بر من شورید»، چنانکه
 BthI. Aiw 964 می‌پندارد، زیرا *udapatatā* در هیچ جای دیگر نمایانگر بیان
 کسی نیست که علیه او شورش شکل گرفته باشد).
 (قرائت کامرون) DB 5.2f مفعولی صریح مفرد مونث *duvitīyām-ca*.

duš- پیشوند جدا نشدنی «بد»: اوستا *duš-*، سنسکریت *duṣ-*، یونانی *δυσ-*
 (§76.III)؛ در *dušiyāra- duškarta-*.

dušiyāra- اسم «سال بد، محصول بد، خشکسالی»: *duš-* بعلاوه *yār-* «سال» ساخته
 شده بصورت تماتیک، اوستا *yār-*، یونانی *ωπά* «فصل»، آلمانی نو *Jahr*
 (§140.VII, §143.II)

dušiyāram DPd 19f. فاعلی مفرد خنثی
 DPd 17. ازی مفرد مذکر *dušiyārā*.

duškarta- صفت «بد کرده»، متضاد *naiba-* (Hz. ApI 143-4) *duš-* بعلاوه *karta-*
 «انجام شده، ساخته شده»، صفت مفعولی گذشته از *kar-*.
duškartam DSe 31f; XPh 42. فاعلی مفرد خنثی

draug- فعل، نگاه کنید به *duruj-* و *drauga-*.

drauga- اسم «دروغ»، نیروی شرور در تقابل با اهورامزدا، یعنی همان *druj-* اوستایی: اوستا
drauga-، فارسی نو «دروغ»^(۱۵)، سنسکریت *droha-*، *drògha-* «آسیب (ناشی از
 سوء نیست)»، هندواروپایی آغازین **dhrougho-*، مقایسه شود با آلمانی نو *Trug*
 «فریبکاری»، در فارسی باستان (§70, §76.III, §70, §76.III, §101, §103.IV, §106, §122, §128, §132.2,3, §143.I, V)
duruj-, *draujana-*, *draujīya-*

۱۵. واجنویسی کنت *drōy* که می‌باید بصورت *durūy* واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به

drauga DB 1.34, 4.34; DPd 20. فاعلی مفرد مذکر

dra[uga]m DB 4.43. صریح مفرد مذکر

draugā DB 4.37; DPd 17f. ازی مفرد مذکر

draujana- صفت «دروغزن»، یعنی «پیرو دروغ»: مشتق از drauga- (§101, §132.2, §147.II) مقایسه شود با اوستای گاهانی drəgvant- «پیرو دروغ» (Hz. ApI 140-1).

draujana DB 4.38, 63, 68. فاعلی مفرد مذکر

draujanam DNb 12. مفعولی صریح مفرد مذکر

[drau]jlyāhy DB 4.43، قرائت و بازسازی غلط، نگاه کنید به یادداشت مربوطه در عبارت مذکور؛ Cam. JCS 5.51.

drayah- اسم «دریا»: اوستا - zrayah، فارسی نو «دریا»، سنسکریت - jṛāyas «گستره»، هندواروپایی آغازین - *greios (§88, §113, §128, §156.II). صرف I. §185. نیز نگاه کنید به paradraya.

draya DB 5.23; DPe 15; DZc 10. مفعولی صریح مفرد خنثی

drayahyā Hz. → به غلط در حالت وابستگی (§136, §251A) دری مفرد خنثی ApI 141-3) DB 1.15, DPe 14, DSe 28°;

drayahiyā (§27) XPh 23.

naiy قید «نه»: اوستا - nōit، پهلوی - nē، سنسکریت - ned؛ از هندواروپایی آغازین ne، سنسکریت - na، لاتین - ne-scio «من نمیدانم»، بعلاوه - id، حالت مفعولی صریح مفرد خنثی ضمیر - i، لاتین - id، فارسی باستان - id-am، و غیره (§69, §84, §191.I, §291.II, §292a).

DB 1.32°, 48, 49 ter, 52, 53, 71, 91°; 2.21, 24, 31, 51, 84; 3.15, 86; 4.44, 47 bis, 51, 55, 58, 63 bis, 63f, 64, 65 bis; 5.16, 31; DPd 11; DNb 7f, 12, 13, 21, 23, 36. 40; DSe 36, 40 bis, 43°; DSj 3; XV 22. nai-maiy (§136) DB 4.64. nai-mā DNb 8, 10, 19. nai pati-mā (§133) DNb 20. nai-šim DB 4.49. naiy diš (§136) DB 4.73, 78.

naibā صفت «زیبا، (از نظر دینی) خوب»، جایگزین اوستای گاهانی *vahu-* «خوب» و متضاد *duškarta-* (Hz. AMI 8.68, ApI 266-7): فارسی نو «نیو»^(۱۶) = شجاع، نیک» ایرانی باستان *nōib* «مقدس» (§11, §143.III)، مقایسه شود با Walde-Hofmann LEW³ نگاه کنید به مدخل *niteō*.

DPd 8. فاعلی مفرد مونث *naibā*.

naibam XPa 13,16; XPg 4; XV 20, فاعلی مفرد خنثی

naibam DSe 32°; DSi 4°; DSp 2f°; XPh 43, صریح مفرد خنثی

naucaina- صفت «از چوب کاج»: فارسی نو «نوز»^(۱۷)، نوزان «میوه کاج»؛ بدین ترتیب *naucaina-* «شکل میوه کاج» (§147.III)، مربوط به چوب کاج (König, Burgbau 53-4; Hz. AMI 3.58) *naucaina* DSf 30f. فاعلی مفرد مذکر

naθ- «تباه کردن»، وجه سببی (§123.2, §215) «آسیب زدن، ویران کردن»: اوستا *nas-* سنسکریت *naṣ-* یونانی *νεκνυς* «جسد»، لاتین، حالت مفعولی صریح *nec-em* «ویرانی»، *nocet* «آسیب می‌رساند»، هندواروپایی آغازین **nek-* (§87).
vi + naθ - «آسیب رساندن، صدمه زدن» - *vināθayatiy* (§215) وجه سببی DNb 17f.

viyanāθaya ماضی استمراری DB 4.66. (§122, §123.2, §215)

vināθayāⁿtiy جمع *vināθayāⁿtiy* A²Sa 5°, (§222.II, §232.I) التزامی سوم شخص جمع (نظر کنت) A²Ha7°.

vināθayaish وجه تمنایی DNb 20, 21. (§215, §223.II, §228.III)

vinastahyā (§93) صفت مفعولی گذشته بعنوان اسم، وابستگی مفرد خنثی DNb 18. (§122, §242.II)

۱۶. واجنویسی کنت *nēv* است که باید بصورت *nīv* واجنویسی می‌شد. در مورد واج */ē/* نگاه کنید به یادداشت *-darga*.

۱۷. نوج، نوج؛ نگاه کنید به فرهنگ فارسی انگلیسی استینگاس، زیر مدخل مربوطه. کنت این واژه را بصورت *nōž* و *nōžān* واجنویسی کرده است که باید بصورت *nūž* و *nūžān* واجنویسی می‌شد. در مورد واج */ō/* نگاه کنید به یادداشت *-kaufa*.

nadiⁿtabaira- اسم «ندیت بییر»، شورشی بابلی: عیلامی nu-ti-ut-be-ul اکدی (75.V, §76.V, §107) ni-din-tù- ilu^ubēl.

naditabaira DB 1.77, 92f; 21; 4.12; DBd 1. فرد مذکر فاعلی

naditabairam DB 1.80, 84; 2.4, 5. فرد مذکر صریح مفعولی

naditabairahyā DB 1.85, 89, 95. فرد مذکر وابستگی

napāt- اسم «نوه»: اوستا، سنسکریت -napāt- لاتین nepōs هندواروپایی آغازین *nepōt- (75.I, §110, §142).

napā DB 1.3; DBa 4; AmH 4; (124.5, §188.I) فرد مذکر فاعلی
A¹Pa 16°.

nabukdracara- اسم «بخت‌النصر»، پسر نبوید؛ نامی که از سوی دو شورشی یعنی «ندیت بییر» و «ارخ» بکار رفته است: عیلامی nab-ku-tur-ra-sir اکدی (32, §33, §75.V, §128, §163. VI) nabū-kudurri-ušur.

nabukdracara DB 3.80f, 89; 4.14 29f; DBd 3f; فرد مذکر فاعلی

Nabukuracara (52.VI) DBi 5f. نوشته شده بصورت

Nabuk^udracara (§22) DB 1.78f, 84, 93.

nabunaita- اسم «نبوید»، آخرین شاه امپراتوری بابل نو ۵۵۶-۵۳۹ پیش از میلاد: عیلامی na-bu-ni-da اکدی nabū-na'id؛ یونانی Ἀβύνητος (Hdt.1.74,).

nabunaitahyā DB 1.79. Nabunaitahya (§36. فرد مذکر وابستگی

IVb) DB 3.81; 4.14, 30; DBd 5f; DBi 7f.

nāman- اسم «نام»: اوستا -nāman- فارسی نو «نام»، سنسکریت nāman- لاتین nōmen هندواروپایی آغازین *nōmen، مقایسه شود با یونانی ὄνομα، انگلیسی نو name (109, §110, §155.III). نیز نگاه کنید به anāmaka.

nāmaⁿ اسمی بدون پسوند، در حالت دری مفرد خشی که با اسامی عام مذکر و خشی جهت اشاره به ویژگی آنها بکار می‌رود

(112, §187, §251C, §312): DB 1.28, 30, 36, 37, 74, 77, 92; 2.8f, 9,

14°, 19, 22, 29, 33, 49, 65, 79, 82, 95; 3.5, 12, 13, 22 bis, 31, 34, 44,

51, 56, 78, 84; 4.8, 10, 12f, 15f, 18, 20, 23, 26, 29, 83 bis, 84 bis, 85, 86°; 5.5, 8, 27; DSe 45°; DSf 31, 46; DZc 9; XPf 18, 19; A²Hc 14f; A³Pa 19, 20; Sa 2f.

nāmā یا در حالت مفعولی صریح مفرد خنثی *nāmā^{*} و یا در حالت دری مفرد خنثی nāmāⁿ (با درجه بلند)، به سبب تشابه پایانه، ویژه همان کاربرد با اسامی عام مونث (312, §249L, §187, II.67, §؛ مقایسه شود با Tm. Lex. 105، با صورت تحت اللفظی؛ نه با IF 12.172n, 37.505, KZ 35.11 Foy و نه با (Debrunner, IF 52.153): DB 1.58, 58f; 2.27f, 39, 44, 53, 59, 72; 3.11, 23, 61, 66, 72, 79; 5.4.

nay- فعل «راهنمایی کردن»: اوستا nayeiti، سنسکریت nāyati ساخت افعال §213. anaya ماضی استمراری DB 2.88; 3.88°; 5.12. [a]nayaⁿ جمع [a]nayaⁿ (II.232) DB 5.28. ماضی استمراری سوم شخص جمع anayatā (II.235) DB 1.82, 2.73; 5.26°. پاره‌ای و یا تمام این صورت‌ها احتمالاً از ānay، یعنی از ā بعلاوه -nay ساخته شده‌اند. (II.226) ماضی استمراری اول شخص مفرد frānayam: «پیش راندن، تدارک کردن» fra- + nay DB 1.87.

nar- اسم «مرد»: اوستا، سنسکریت nar-، یونانی άνθρωπος، مقایسه شود با لاتین Ner-ō؛ در ūv-nara- (§142).

nāv- اسم «ناو»: سنسکریت nāus، یونانی ναῦς، لاتین nāv-is، هندواروپایی آغازین nāv-^{*} (§142). نیز نگاه کنید به nāviyā- (IV.183) DZc 11 (Tm. → ارائه شده از سوی) [nāva] جمع مونث (Lex. 52).

navama- صفت «نهم»: اوستا naoma، سنسکریت navamā، آریایی آغازین

navama- بازسازی شده از هندواروپایی آغازین -neueno* پس از آریایی آغازین dasama- «دهم» (§149.II, §204.IV)، مقایسه شود با لاتین nōnus. navama DB 1.10; DBa 16f. فاعلی مفرد مذکر

A **nāviyā-** صفت مونث بعنوان اسم «ناورو»، یعنی «جریان آبی که گذر از آن بصورت پیاده امکان‌پذیر نباشد»: اوستا -nāvaya «ناورو»، سنسکریت -navyā، صفت برپایه -nāv «ناو» (§144.V). به احتمال بسیار ضعیف، اسم جمع، «مجموعه‌ای از ناوها، ناوتیپ»، و قطعاً نه در حالت دری مفرد مونث برپایه -nāv «سوار در ناو»؛ مقایسه شود با König, RuID 70-1 و بویژه با kent JAOS 62.269-71 و نیز 63.67، (با صورت تحت‌اللفظی) DB 1.86. فاعلی مفرد مونث nāviyā

nāh- اسم «بینی»: اوستا -nāh سنسکریت -nās لاتین nārēs انگلیسی نو nose هندواروپایی آغازین -nās* (§110, §142). nāham DB 2.74, 88f. مفعولی مفرد مذکر

ni- حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند فعلی (پایین): اوستا -ni سنسکریت -ni- هندواروپایی آغازین -ni* در قید nipadiy و با فعل‌های -ar-, -kan-, -cay-, -paiθ-, -yam-, -stā-, -had-

nij- پیشوند فعلی «دور»: ساخت سندهی از صورت هندواروپایی آغازین -nis* پیش از آواهای انسدادی واکدار، که تعمیم یافته است، مقایسه شود با اوستا -niš- سنسکریت -niš (§120)؛ با فعل -ay «رفتن».

nipadiy- قید مرکب و حرف (اضافه) پیشایند «بدنبال، در پی»: حرف (اضافه) پیشایند -ni- بعلاوه حالت دری padiy برپایه -pad «پا» (§76.III, §136, §140, §191.IV) DB 3.73. حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح nipadiy قید DB 2.73.

DB 4.90 [nip]iš[tiyā] بازسازی اشتباه Kent, JAOS 62.268، پس از قرائت KT؛

صورت درست [pa[t]iśa[m]، حالت مفعولی صریح، از نظر JCS 5.52. Cam.

A **niyāka-** اسم «نیا»: اوستا (nyāka-III §146)، مقایسه شود با -apaniyāka. DSf 13; [ni]yāka فاعلی مفرد مذکر §22; [n^ayā]kama (→ -kam-maiy §41, §52.I, §130, برای A²Sa 4. Mفعولی صریح مفرد مذکر §138.I)

niyašādayam نگاه کنید به -had.

nisāya- اسم «نیسای»، ناحیه‌ای در ماد: عیلامی nu-iš-šā-ia، اکدی ni-is-sa-a-a (§116). احتمالاً از -ni «پایین» بعلاوه -sāya، از ریشه اوستا -say، si- «فریب دادن، سنسکریت -آی، یونانی κεῖται «می‌فریبد»، هندواروپایی آغازین -kei*.

DB 1.58. فاعلی مفرد مذکر nisāya.

nišādayam نگاه کنید به -had.

nūram قید «اکنون»: اوستا nūrəm؛ از هندواروپایی آغازین *nū «اکنون» (اوستا nū، سنسکریت nū، لاتین nu-nc انگلیسی نو now) بعلاوه بخش پایانی (آریایی آغازین) *dūram «طولانی» (§148.I)، مقایسه شود با dūraiya. DB 4.53.

Pā فعل «پاییدن»: اوستا، مضارع pāiti، پهلوی pātan، سنسکریت pā-، مضارع pāti «گردش واکه §122»). نیز نگاه کنید به -xšaça-pāvan. ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد apayaiy (Bv. BSLP33.2.151-2; Kent, Lg. 9.42; §71, §214, §233.III) به اشتباه برپایه سنسکریت -Pī «بالا آمدن»، (wb.ZfA 41.320-1). XPf 39.

§208, pātuv 21f. DPe §208, §237.I) امر دوم شخص مفرد pādiy

§237.II) AsH 12, 14; DPd 16; DPh 10; DNa 52; DSe 50; DSf 57; DSj 6°; DSn 2°; DSs 7°; DSt 8°; DH 8; XPa 18, 20; XPb 28; XPc 12, 15; XPd 18; XPf 45, 48; XPg 13; XPh 57; XSc 5°; XV 25f; A¹Pa 22f; D²Sa 3; A²Hb°; A²Hc 19.

pāⁿtuv جمع شخص سوم امر §237.II) A²Sa 5°; A²Sd 4; A²Ha 6°; A³Pa 25.

pāta §242.II) DPe 22. صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مذکر

pati- + pā- میانه hacā با: patipayauvā «خود را در برابر...پاییدن» میانہ-pati- (امر، میانه دوم شخص مفرد نه اشتباه نوشتار علیرغم §69 MBGr. §28; §71, §214, §237.III) DB 4.38.

paiθ- فعل «بریدن، حک کردن، تزئین کردن»: اوستا - paēsa «تزئین»، سنسکریت piśāti «می‌برد، تزئین می‌کند». یونانی *ποικίλος* «متنوع»، سلتی و ساکسونی pl̥sati «نوشتن»، هندواروپایی آغازین -peik-، مقایسه شود با لاتین pingit «گلدوزی می‌کند، نقاشی می‌کند» (Wb.AfOF 7.42). نیز مقایسه شود با paišiya-uvādā-

apiθa جمع DSf 54 ماضی استمراری سوم شخص جمع DSf 54 (211) → مقایسه شود با: köing, Burgbau 72).

[p]ištā §242.1) DSf 42 صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مونث [p]ištā (HZ.ApI 121-5 نظر نه [d]ištā BV.BSLP 30.1.63; könig, Burgbau 71) pisā DB 5.24 (نگاه کنید به مدخل مربوطه).

ni - + paiθ- ماضی اول شخص مفرد niyapaišam «حک کردن، کتیبه نوشتن» §92, §102, §130, §218.I, §226.II) DB 4.71.

niyapi[θ]i[ya] مجهول ماضی استمراری مجهول DB 4.91 (Hinz; Kent JAOS 72.14-5).

nipaištanaiy مصدر §93, §122, 238) XV 24f.

nipištām §93) XV 22f. صفت مفعولی گذشته، مفعولی صریح مفرد مونث

nipištā جمع مفعولی XPh 31.

nipištam فاعلی مفرد خنثی (\$122) DB 4.47, 47f; DNb 57^o; DSe 52.

paišiyā حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح (\$269) «در حضور، پیش» (نیز Hinz, ZDMG 102.37, پس از عیلامی): فارسی نو «پیش»^(۸)؛ *pati-ā (\$80, \$127) از patiy ā (نگاه کنید زیر مدخل های مربوطه).

DB 4.91.

paišiyā^huvādā اسم «پاسارگاد»: اکدی pi-ši-'hu-ma-du از نظر Justi, IFA 17.107 احتمالاً «پاسارگاد»، از paišiyā «نوشتار» بعلاوه^huvādā «مکان» (\$72, \$89, \$126, \$127, \$142, \$160, \$166.I) «محل آرشوها و نوشته های مقدس» (در مورد پاسارگاد، نیز مقایسه شود با König, RuID 66؛ اما HZ. ApI 275-6, ضمن تغییر و اصلاح نظر خود در AMI 186n, بخش مقدم واژه را pati- پنداشته که آنگاه pati- با توارد آوایی به paši- تغییر یافته است؛ Bthl. AiW 907-8 آنرا پس از صورت اکدی، به شکل piši- عادی سازی کرده است، ولی هیچگونه ریشه شناسی ارائه نمی دهد).

DB 3.42. مفعولی صریح مفرد مونث paišiyāuvādām

DB 1.36f. ازی مفرد مونث paiši[yā]uvādāyā

pa[camām] صفت «پنجمین»، در حالت مفعولی صریح مفرد مونث؛ بازسازی غلط Wb در DB 5.3 (مقایسه شود با Kent, JNES 2.109).

pat- فعل «پرواز کردن»: اوستا pat-aiti, سنسکریت pát-ati, یونانی τετεται لاتین

petit «جستجو می کند»، هندواروپایی آغازین *pet-

Bv. TPS 1945.64-66) → مقایسه شود با «برخاستن، شورش کردن» -pat- + ud-

udapatatā ماضی استمراری میانه (\$84, \$213, \$235.II) DB 1.36, 38,

74, 78; 2.10, 14f; 3.24, 79.

۱۸. واج نویسی کنت: pēš که باید بصورت pš واج نویسی می شد. در مورد واج /ē/ نگاه کنید به یادداشت

patiy قید، حرف (اضافه) پیشایند، پیشوند (§140.I, §191.I): اوستا *paity*، یونانی (صورت‌گوشی) *ποτι* هندواروپایی آغازین **poti*، مقایسه شود با هندواروپایی آغازین **proti* در سنسکریت *prāti*، یونانی همری *πρῶτι* کلاسیک (مقایسه شود با Lg.20.9-10).

(1) DB 2.37, 43, 57; 3.64, 77. *pati-maiy* (§136) DNb 32f. *nai-pati-mā* (§133, §136) DNb 20. *yadi-patīy* (§136) DNa 38. *tya-patīy* XPa 15; XPf 40f.

(2) «برابر» DNb 22: حرف (اضافه) پیشایند (§271) با حالت مفعولی صریح (273) Hz. Apl 273) *par[s]aiy* (در «دانا»، اسم از ریشه *fraθ* نگه‌کنید به مدخل مربوط، نرائت می‌کند)

DB 2.62. «علیه»، حرف (اضافه) پسایند

(136, §133) DB 1.20 «در زمان»، از ادات پی‌چسب با حالت مفعولی صریح

DB 2.16°, 3.26; «نزدیک، در»، حالت بایی

DB 2.76, 91; 3.52, 92. «در» با حالت دری

Bv. BSLP 42.2.70 تمام این موارد را به جز DB 2.62, DNb 22 قید می‌پندارد.

(3) *ay-*, *xšay-*, *jan-*, *pā-*, *fraθ-*, *ā-bar-*, *zbā-*;

بخش مقدم در اسم‌های *patikara-*, *patigrabanā-*، شاید *pātišuvāri-*

و نیز *paišiyāuvādā-*، و همچنین در قید مرکب *patipadam*؛ نیز مقایسه شود با *patiš*, *patišam*.

patikara- اسم «پیکر، صورت (حجاری شده)»: بهلوی *patkar*، فارسی نو «پیکر»؛ *pati-* بعلاوه *kara-* از ریشه *kar-* (§143.V).

DB 4.90; DSn 1°. *patikaram* مفعولی صریح مفرد مذکر

DB 4.71, 73, 77; DNa 41. *patikarā* مفعولی صریح جمع مذکر

patigrabanā- اسم «پتی‌گربنا»، شهری در پارت: عیلامی *pat-ti-ig-rāb-ba-na*؛ از

pati- بعلاوه ریشه *grab-* بعلاوه پسوند (§33, §103.IV, §147.I).

DB 3.4f. *patigrabanā* فاعلی مفرد مونث

patipadam قید مرکب (§191.IV) «در جای خود»: pati- (§136, §140.I) بعلاوه صورت مفعولی صریح padam (نگاه کنید به -pada §122, §76.III).
DB 1.62.

patiš حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «علیه»: pati- بعلاوه قید -s، مقایسه شود با لاتین ops-, abs-, ex در ops-, os-, tendō در sus-tineō ، سنسکریت ni و niš یونانی ἀπο ἀψ, ἀμφι ἀμφις. نیز نگاه کنید به patišam.
DB 1.93; 2.33, 38, 43f, 52f, 58, 67; 3.36, 43, 65.

patišam قید «بعلاوه»: گسترش patiš، برای ساخت مقایسه شود با اوسکی per-um «بدون»، برپایه (لاتین) per، و برای معنی با یونانی πρὸς δε «و علاوه بر این»، لاتین atque از ad-que* «و بعلاوه» (فارسی باستان pati-، یونانی πρὸς لاتین ad که در نشان دادن چیزی بعنوان افزایش هم سو هستند).
patišam DB 4.89; 4.90 (König, Klotho 4,45; Kent, JAOS 62.267-8); patišamaiy DB 4.90 (=patišam-maiy, Kent JAOS 72.14, مقایسه شود با §138.I؛ از قرائت کامرون).

pātiš^huvari- صفت «مربوط به پتی شووری» (§167): عیلامی ba-ut-ti-iš-mar-ri-iš، اکدی pa-id-di-š-hu-ri-iš، یونانی (جمع) πατεισχορεῖς احتمالاً آریایی آغازین pati- با ویژگی vridhhi (§126)، بعلاوه -suāra* «(از دشت) مقابل کوه‌های dhvara (§117)، با ترکیب (§140.VI) ساخت‌های سندهی (نیز 4-183 Hz. Api، که به ā ما قبل آخر در فارسی باستان بی توجه است).

DNc 1. فاعلی مفرد مذکر pātišuvāriš.

paθi- اسم «راه، مسیر» (§76.II, §152.I, §179.III): اوستا -paθā-، -paθ-، سنسکریت -panthan-، -path-

DNa 58. مفعولی صریح مفرد مونث paθim.

pad- اسم «پا»: اوستا، سنسکریت -pad-، یونانی -ποδ- لاتین -ped- (§142)؛ در

nipadiy نیز مقایسه شود با -pada-, pāda-,pasti-

pada- اسم «جایگاه، گام»: اوستا -paḍa- «پا (در معیار اندازه)»، سنسکریت -padá- «پا، قدم، جا»، یونانی πεδον «زمین»؛ گسترش -pad- (§143.II). در garmapada-؛patipadam, نیز نگاه کنید به -pad-, pāda-

pāda- اسم «پا»: اوستای متاخر -pāḍa- «قدم، گام»، سنسکریت -pāda- «پا»؛ گوئیک -pōd-m, گسترش بن هندواروپایی آغازین -pōd-s, مفعولی صریح -pōd-m, موجود در یونانی دُری πws (§76.III, §122, §126, §143.II). نیز مقایسه شود با -pada-, pad-

41. DNb (§189) بایی تشبیه مذکر pādaibiyā

par- فعل «انتقال دادن»: اوستا -par⁴ «از میان، از موضوعی به موضوعی پرداختن» (Bthl. AiW 851) یونانی Περω «من (باسیخ) سوراخ می‌کنم»، گوئیک faran «سفر کردن».

54. DNb (§242.I) صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خنثی parta[mtaiy] (Kent, Lg. 15.167, 173-4 نظر غیر قطعی).

para-¹ صفت «پیشین»، احتمالاً در hyāparam (نگاه کنید به مدخل مربوطه): اوستا -para- «پیشتر»، سنسکریت -pāra- «دور»، یونانی περᾶν «ماوراء».

para² حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «ماوراء» (§32, §63.I): اوستا -parō «پیش»، سنسکریت -purás «پیش»، یونانی -pāpos «پیش»؛ DPe 15, DPh 5, DH 4f; [pa]raši[m] DB 5.24 (kent نظر).
نگاه کنید به paradayadām, paradraya.

parā حرف (اضافه) پسایند با حالت مفعولی صریح «پیش»، و نیز پیشوند فعلی «پیش» (§132.3): اوستا -parā² «پیش»، سنسکریت -purā «پیش، قبلاً»، یونانی -pará «کنار»؛ در avaparā و با -gam-, bar-,ay-,ar-

parauvaiy حالت دری مفرد خنثی بعنوان اسم «در شرق»:

$p^a r^a u [v^a] i y^a$ DPe 15

قرائت اشتباه برای $p^a r^a : d^a r^a y^a$ (فاصله نانوشته میان r^a و y^a) $para:dra ya =$ نگاه کنید به **paradraya**.

paradayadām اسم، در حالت مفعولی صریح مفرد مونث، احتمالاً «خلوتگاه خوشایند»، (A²Sd 3: (§55.II, §143.IV). احتمالاً قرائت اشتباه $p^a r^a d^a y^a d^a a m^a$ بجای $p^a r^a i d^a i d^a m^a$ برابر با **paridaidam**، اوستا **pairidaēza-** «حصار کشی، دیوار کشیدن» (Bthl. AiW 865)، و اموازه در یونانی $\pi\alpha\rho\acute{\alpha}\delta\epsilon\iota\sigma\omicron\varsigma$ (پارک)، مقایسه شود با JAOS 51.229 و یا بجای $p^a r^a d^a i d^a a m^a$ برابر با **paradidām**، از ^2para «ماوراء» بعلاوه **didā-** «دیوار» (نگاه کنید به مدخل مربوطه)، در معنی «آنچه که ماوراء یا پشت دیوار است» (مقایسه شود با Scheil 21.93; Bv.BSLP 30.1.67 $j^{\ddot{v}}adiy$ **paradayadām** «بهشت زندگی»).

paradraya- قید مرکب «آنسوی دریا» (§44, §191.IV): ^2para «ماوراء» بعلاوه **draya** «دریا» در حالت مفعولی صریح.

DNa 28f; DSe 29°; XPh 24. **paradraiya** (§48) A?P 24 (Hz. ApI 142). **para draya** DPe 15 (Cameron, JNES 2.307-8).

parana- صفت «پیشین»: مشتق (§147.II) از بن فارسی باستان **parā** , ^2para (مقایسه شود با Bthl. AiW 854)، اوستا $^2parā$, **parō**، سنسکریت **purā** «قبلاً» (بدشواری باید از صورت گوتیک **falrneis** «کهن» به شکل **parna-** عادی سازی شده باشد، همانگونه که MB Gr. §267 پنداشته است). نیز نگاه کنید به **duvitāparanam**.

paranam DB 1.51, D²Sb 3. مفعولی مفرد خنثی بعنوان قید «قبلاً»

pariy حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند «دوره، پیرامون»: اوستا **pairi**، سنسکریت **pāri**، یونانی $\pi\epsilon\rho\iota$ لاتین **per** «از میان»، هندواروپایی آغازین ***peri**

(§64, §75.I, §113, §140.I). حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «درباره» DB 1.54. پیشوند با -bar، -ay؛ نیز مقایسه شود با -pariyana.

pariyana- اسم «برتری»: مشتق (§147.II) از pari- از نظر معنایی برابر با اوستا pairi «درباره... پیش»، سنسکریت pāri بعنوان پیشوند «زیاد، بسیار»، مقایسه شود با یونانی περισσός «زیاد از حد» (بصورتی دیگر Hz. ApI 273, Sen 250).
DNb 52. پاریمانام فاعلی مفرد خنثی pariyanam.

paru- صفت «زیاد، بسیار»: اوستا -puru، سنسکریت -purū، یونانی πολὺς گوئیک filu، هندواروپایی آغازین -p̥lu* (§63.I, §107). نیز نگاه کنید به -paruzana.

paruv فاعلی مفرد خنثی DB 4.49; DSf 56 bis. (§114, §127, §140.I)
parūnām جمع مذکر وابستگی DSf 4,5; DE 9, 10; XPa 5 bis; XPb 9, 10; XPc 4f, 5; XPd 6f, 7f; XPf 6, 7; XPh 5, 6; XE 9f, 11; XV 7,8; A¹Pa 7°, 8°; A²Hc 6 bis.

parūnām جمع مونث DPe 4. وابستگی

679

parūvnām (§23.II) جمع مذکر وابستگی DNa 6,7; DSe 6,7; A³Pa 6,7.

paruva- صفت «در زمان و مکان پیش بودن» (§35.II): اوستا -paurva، سنسکریت -pūrva، هندواروپایی آغازین -p̥ruos* (§68, §150)، مقایسه شود با یونانی πρώτος «زود». نیز نگاه کنید به -paruviyata، -paruviyaθā.

paruvā فاعلی جمع مذکر «پیشین» DB 4.51

paruvnām مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید DB 1.9; DBa 15f; DSe 43°, 47; XPh 36, 39; paruvam-ciy DB 1.63, 67, 69.

paruviyata- قید با تقدم hacā «از دیرگهان»: -paruviya- (همان -parvyā*، مشتق از -paruva-)، اوستا -paouruya، سنسکریت -pūrvyā- به علاوه پسوند قیدی -ta^h، اوستا -tō، سنسکریت -tas، یونانی -tos، لاتین -tus همانگونه که در -funditus.

وجود دارد، هندواروپایی آغازین *-tos* (§191.II). نیز مقایسه شود با *paruviyaθā*.

DB 1.7,8, 45; DBa 11,12.

[paruv]iyaθā قید «در بار اول»: *paruviya-* (نگاه کنید به *paruviyata*) بعلاوه پسوند قیدی *-θā*، اوستا *-θa*، سنسکریت *-thā* (§191.II). *DSj³*. (نظر Brandenstein, WZKM 39.49-51؛ مقایسه شود با یادداشت عبارت مربوطه)

paruzana- صفت «پر جمعیت، یا دارای انواع مردم» («دارای مردمی با تمام زبان‌ها» Wb. ZfA 44.165 پس از اکدی): *paru-* «بسیار» بعلاوه *zana-* «انسان» (§9.III, §88, §120, §161.IIa).

paruzanānām (§140.I) DE 15f; XE 15f; A¹Pa 12°. *paruvzanānām* (§23.II) XPb 15f; XPd 11. *paruvzanānām* (§23.II, §44) XPa 8; XPc 7; XPf 11; XPh 9; XV 12.

parga- اسم «پرگ»، کوهی در پارس: عیلامی *par-rak-qa*، فارسی نو «پورگ» (§30). DB 3.44. فاعلی مفرد مذکر *parga*.

partara- اسم «نبرد» (همانند تحریرهای عیلامی واکدی): گستره بن مختوم به *-r/n-* (§30, §148.I, §154.I) مقایسه شود با اوستا *pəšana-* «نبرد»، سنسکریت *prtana-* «نبرد، سپاه»، برپایه ریشه اوستا *pərət-ənte* «آنها می‌جنگند» (Bv. TPS 1945.63-4)؛ نه اسم فاعل «جنگجو، دشمن» چنانکه از سوی Wb.KIA 90-1, Bv. Gr. §277 اختیار شده؛ و نه *paratara-* «دشمن» از نظر Wackernagel, KZ 59.29-30، بگونه‌ای که با [سنسکریت] *pāra-* «دور» = ریگ‌ودا «دشمن» قیاس می‌شود).

DNa 47. مفعولی صریح مفرد خنثی *partaram*.

parθava- (§29.n2, §31) صفت «پارتی»، نیز در حالت مذکر بعنوان اسم «پارت»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی *par-tu-ma*، اکدی *pa-ar-tu-ù*، یونانی

Παρθηᾶ گستره (§150) بنی که با ویژگی vridhhi بصورت pārsa- دیده می‌شود، اما با تفاوت گویشی مختوم به θ/s (§9.VI, §87).

DN iv; A?P 4. فاعلی مفرد مذکر parθava: «پارتی» (۱)

DB 2.96. بایی جمع مذکر parθavaibiš

DB 1.16; 2.7, 92; فاعلی مفرد مذکر parθava: «پارت» (۲)

DPe 15; DNa 22; DSe 21°; DSm 8°; XPh 20.

DB 2.94°, 96°; 3.5, 10. دری مفرد مذکر parθavaiy

parna- نگاه کنید به -duvitāparanam, parana.

¹parsa- فعل، نگاه کنید به -fraθ.

²parsa- اسم «دادگاه»، تنها در Hz. ApI 273 برای قرائش بصورت par[r]saiy در حالت دری مفرد مذکر DNb 22، نگاه کنید زیر مدخل patiy.

pārsa- صفت «پارسی»؛ نیز در حالت مذکر بعنوان اسم، «پارس»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی par-šl̥p، اکدی pa-ar-su، یونانی Παρσῶν, Παρσῶν. نیز نگاه کنید به -parθava (§9.VI, §87, §126, §143.III).

DB 1.49; 2.18, 19, 49; 3.13, 26, 31, 32, 56, 84; 4.16, 26, 83, 84 bis, 85 bis, 86; 5.8; DPe 22; DNa 13, 46; DN i; DSe 12f; DZc 7; XPh 12; A?P 1.

DB 2.81; 3.2, 29f; DPe 21. پارسام paršam صریح مفرد مذکر

DNa 13f, 43; DSe 13; XPh 12. وابستگی مفرد مذکر pārsahyā

DPe 8. بایی مفرد مذکر pārsā

AsH3 (دری) فاعلی مفرد مذکر pārsa: «پارس» (۲) §52.I; بجای حالت دری

DB 1.14, 41; 2.7; DPd 6f; DSm 6°.

AsH 8f; DB 1.46; 3.33, 34; پارسام paršam صریح مفرد مذکر
4.9, 28; DZc 12. Pārsam-cā DB 1.66.

XPa 14 بایی مفرد مذکر pārsā

(در اینجا برابر است با «پرسپولیس»، بنابر نظر کامرون، باعتبار نص؛ (§166, §166.I).
 pārsā مذکر از DNa 18,46f; DSe 17°; DZc 7f, 10; XPh 16.
 pārsā بجای حالت دری مفرد مذکر AmH2
 §56.V, §314b صورت اشتباه 8.17-9, 4.132-4, Hz. AMI بجای حالت بایی
 صورت گسترش یافته؛ بجای فاعلی مفرد مذکر AmH5 (§53)؛ نه صفت در حالت
 فاعلی مفرد مونث از نظر 34, 1, 8.20 Hz. AMI).
 pārsaiy مذکر DB 1.2, 34; 2.9°; 3.23, 24, 28, 34, 52, 53, 77; DBa 2.

pavastā- اسم «الواح گلین» (Bv. BSLP 47.1.40-9): پهلوی pōst «پوست درخت،
 پوست»، فارسی نو «پوست»^(۱۹).

pavastāyā دری مفرد مونث DB 4.89f.

A

pasā- حرف (اضافه) پیشایند «بعد از»، همراه با حالت مفعولی صریح و وابستگی
 (Bv. BSLP 33.2.153; Kent, JAOS 72.17): اوستا pasča, فارسی نو
 «پس»، سنسکریت paścā, حالت بایی مفرد خنثی برپایه بن موجود در
 لیتوانیایی (حالت برایی) قید و حرف (اضافه) پیشایند pāskui «پشت، پس از»
 (Foy, KZ 35.26)؛ هندواروپایی آغازین *po همانند لاتین po-liō, positus,
 یونانی á-πò بعلاوه *sq^uē، حالت بایی برپایه اسم -ریشه از *seq^u «بدنبال
 رفتن»، اوستا hacaitē, سنسکریت śacate یونانی εἰπεταῖ sequitur لاتین
 s, pasā (§105; Uhdenbeck, Etym. Wtb.d. altind. Spr., s.v. paścā) در
 فارسی باستان بجای śc مادی، śc اوستا، از śc آریایی آغازین قرار گرفته است
 (Mt. Gr. §114 → صورت دیگر §114 Bv. Gr.) به احتمال بسیار ضعیف
 آریایی آغازین pas (لیتوانیایی pás «در، بسوی») از همان po بعلاوه -s
 قیدساز همانند فارسی باستان patiš بعلاوه cā- حالت بایی بن های مختم به
 -añc-، بجای acā- (از *ncā-) از راه تاثیر صورت های مخفف شده ای همانند

۱۹. واجنویسی کنت: pōst، در حالیکه در فارسی نو باید بصورت pūst واجنویسی شود در مورد واج /ō/

نگاه کنید به یادداشت -kaufa

سنسکریت *prācā* (**pra-acā*) برپایه *prāñc-* (**pra-añc-*) «رویه جلو»، مقایسه شود با صورت قیاسی همانند در سنسکریت، قید *nīcā* «رویه پایین» (به جای **ni-acā*) برپایه *nyañc-* بدشواری از **pas* (همانند فوق) بعلاوه *-ā* پس از متضاد خود *parā* «پیش» (Bthl. AiW 879).

A

DB 5.22, XPf 31, DB 3.32 با حالت مفعولی صریح؛ DB 3.32 با حالت وابستگی *pasā* و در *pasāva* (نگاه کنید به مدخل مربوطه).

: «سپس، پس از آن» (§191.IV) قید مرکب *pasāva*:

(§131) حالت مفعولی صریح مفرد خنثی *pasā + ava*.

DB 1.27, 30, 32, 33, 34°, 35f, 40, 43, 46, 54, 72, 73f, 75, 79, 82, 83, 86, 91, 94; 2.1, 3, 4, 12, 16, 19, 21, 27, 31, 32, 47, 49°, 51, 52, 62, 64, 67, 71, 72, 81, 84f, 94; 3.1, 4, 9, 12f, 15, 20, 25, 29, 33, 36f, 41, 50, 59, 70, 73, 75, 81, 84, 86; 4.5, 35, 91; 5.3, 6, 9, 10f, 13, 21, 23, 25°, 29; DSe 48; DSf 25; DZc 10; XPh 36; XSc 3; XV 23; A¹Pa 21°; D²Sb 4°. *pasāva-šim* DB 2.76, 90. *pasāva-šaiy* DB 2.88. *pasāva-dim* DNa 33. *pasāva-maiy* XPh 32.

pasti- اسم «سربازپاده»: سنسکریت *pattī-*، از هندواروپایی آغازین **ped-* «پا» (فارسی باستان *pad-*) بعلاوه *-ti-* (§85, §152.III; Wb.Grab 40, Hz.ApI 94-8). *pastiš* DNb 43.45. مفرد مذکر

pitar- اسم «پدر»: اوستا *pitar-*، فارسی نو «پدر»، سنسکریت *pitár-*، یونانی *πατήρ* لاتین *pater*، گوتیک *ƿadar* هندواروپایی آغازین (§63.II, §75.I, §76.I, §154.II) **pater-*؛ نیز نگاه کنید به *hamapitar-*.

DB 1.4 bis, 5 bis, §36.II, §124.5, §186.II) *pitā* فاعلی مفرد مذکر *pitā* 6; 2.93; DBa 5, 6, 6f, 7, 8; DSf 12, 58; XPa 15; XPc 12; XPf 16, 17, 19, 23, 31, 33, 42; XPg 7; XSa 2; XV 18; A¹Pa 20f; D²Sb 4°. *piça* وابستگی مفرد مذکر (§78, §124.5, §186.II) XPa 20; XPc 14; XPf 35, 38, 47.

pirāva- اسم «نیل» (§75.V, §124.2, §166.VI): از مصری (قبطی) *piero* «رود

بزرگ» (G.Maspéro, Rec. Trav.9.153n; Bv.BSLP 47.1.39-40).
 9, DZc فاعلی مفرد مذکر *pirāva*
 در عبارت نامگذاری، ساخت بی‌تسلسل بجای حالت ازی پس از *hacā*
 (§312.II). نه برپایه *piru-* «عاج»، مگر به استناد ریشه‌شناسی عامه.

piru- اسم «عاج»: اکدی *pīlu*، همراه با واماژه و واژه‌های خویشاوند در بسیاری از
 زبانهای آسیایی (Przyłuski, BSLP 27.3.220-2; Scheil, Rev. d'Assyr. 24.120; Bv. BSLP 30.1.62; Köing, Burgbau 66; Hz. AMI 3.67-8)
 43. DSf فاعلی مفرد مذکر *piruš*.

piθ- فعل نگاه کنید به *paiθ-*.

pisā DB 5.24 «با انبوه»: قرائت اشتباه KT، در حال حاضر توسط کامرون بصورت
visā در حالت بایی مفرد مذکر اصلاح شده است، نگاه کنید به مدخل *visa-*.

paiša- یا *paiša* بن فعلی، نگاه کنید *paiθ-*.

putāya- صفت «اهل پوت، لیبیایی» (§75.V, §76.V, §144.III): بصورت جمع،
 «لیبی»، ایالتی از امپراتوری ایران (Cameron, JNES 2.308-9): عیلامی
 (Lg. 13.299, 15.165) *pu-u-ta* اکدی *pu-ù-ti-ia-ap*.

A?P 27. فاعلی مفرد مذکر *putāya*.

DNa 29f; DSc 29°; XPh 28. فاعلی جمع مذکر *putāyā*.

puça- اسم «پسر»: اوستا *puθra-*، پهلوی اشکانی *puhr*، فارسی نو «پس»، سنسکریت *putrá-*،
 آسکی *puçlo-*، هندواروپایی آغازین **putlo-* (§64, §75.I, §78, §148.II).

puça AmH3; AsH 4; CMb 2°; DB 1.3, 28, 39, 53,
 74, 78, 79; 2.9; 3.25, 79, 81; 4.9, 14, 28, 30, 83, 84° bis, 85 bis, 86;
 DBa 3; DBb 6; DBd 6; DBh 7; DBi 8f; DPa 5; DPb; DPe 5; DPh
 2; DNa 13, 14; DSa 2; DSb 10; DSc; DSd 2; DSe 12, 13; DSf 7;

DSg 2°; DSi 2°; DSj 2°; DSk 3; DSm 2°; DSy 3; DZb 5f; DZc 6; DE 20; DH 2; XPa 10; XPb 20; XPc 9; XPd 14; XPc 4; XPf 14; XPh 11, 12; XPj; XPk; XSc 2; XE 20; XV 15; A¹Pa 15f; A¹I bis; D²Sb 2°; A²Sa 1; 2 bis, 3 bis; A²Sb; A²Sc 0° bis; A²Sd 2; A²Ha 2°, 3, 3°, 4, 4°; A²Hc 10, 11, 12, 13f, 15; A³Pa 13, 14, 15, 16, 18, 19, 20; Wa 7; Wb 8; Wc 9; Wd 9; Sa 8°.

A²Hb بعنوان فاعلی مفرد مذکر; XPf 28; فاعلی جمع مذکر puṣā.
(§53) با ā- پس از napā در حالت مفعولی صریح از نظر (Brd. WZKM 39.92).

farnah- اسم، نگاه کنید به vidafarnah.

fra- پیشوند «پیش، جلو» (بعنوان حرف (اضافه) پیشایند در فارسی باستان یافته نشده است): اوستا fra سنسکریت pra یونانی πρῶ pra-fessus, گوتیک fra- هندواروپایی آغازین *pro (§33, §61, §75.11, §106, §132.3).
با افعال -aiš-, -jan-, -nay-, -bar-, -mā-, sā, stā-, haj- در اسم‌های -framātar-, -framānā-, -fravarti- در قید مرکب -fraharavam-؛ با پسوندها و گستره‌ها، در -fratama-, -fratarā-, -fraθara-, -fravata-, -fraša-

fratama- صفت «برجسته‌ترین»: fra- بعلاوه پسوند صفت عالی -tama-, اوستا -fratama- سنسکریت -tama- (§190.III).
DB 1.57; 2.77; 3.48f, 51, 74, 90, 91. فاعلی جمع مذکر fratamā

fratarā- صفت «نخستین، پیشتر»: fra- بعلاوه پسوند صفت برتر -tara-, اوستا -fratarā- سنسکریت، قید pratarām, یونانی πρῶτερος (§106, §190.III).
DNb 38 فاعلی مفرد مذکر fratarā
Sen 249 بی جهت این واژه را صورت اشتباهی برای frataram می‌پندارد).
DB 3.26, A¹Pa 21. «قبلاً»، قید; XPg 11; فاعلی صریح مفرد خنثی frataram

DB 3.26 **fratarta**, قرائت نادرست بجای frataram (کامرون).

fraθ- فعل «پرسیدن، بررسی کردن، رسیدگی کردن، کیفر دادن»: اوستا -fras- سنسکریت -praṣ-، لاتین precor، هندواروپایی آغازین -prek* با مضارع وجه آغازی -prk-ske*، فارسی باستان -parsa-، اوستا -pərəsaiti، فارسی نو «پرسد»، سنسکریت -prcchāti، لاتین -poscit. نیز مقایسه شود با -ufrašta-ufrašta-

DNb 19. (§30, §97, §130, §212, §226.I) parsāmiy اول شخص مفرد

aparsam مفرد ماضی استمراری اول شخص (§122, §132.3, §212, §226.II) DB 1.22; 4.67.

parsā دوم شخص مفرد (§212, §237.I) DB 4.38, 69.

fraθiyaiš مجهول وجه تمنایی (§220, §223.II, §228.III) DNb 21

(نه آینده مجهول وجه آرزویی، همانگونه که Hz. ApI 167 پنداشته است).

pati-+parsa- «بررسی کردن، خواندن» (Bv. BSLP 31.2.71-2).

patiparsāhy دوم شخص مفرد التزامی (§222.II, §227.I) DB 4.42.

patiparsātiy التزامی (§222.II) DB 4.48.

patiyafrasiya مجهول ماضی DB 4.91 (§220).

fraθara- صفت «برتر»: fra- بعلاوه گونه دیگری از صفت برتر بصورت -thara- بر پایه

همان پسوند موجود در -fratarā- (Wb. ZfA 41.319; §148.II, §190.III; Bv. 33.2.150-1 و 34.1.33-4, Hz. AMI 4.126-7, 8.39-40, ApI 166-7),

مقایسه شود با پسوند صفت عالی -thama- در سنسکریت -prathamā-

«نخستین». نیز مقایسه شود با -uraθara-.

fraθaram XPf 26f, 37. مفعولی صریح مفرد خنثی

frāda- اسم «فرد»، شورشی مروی: عیلامی -pir-ra-da، اکدی -pa-ra-da، احتمالاً بن

اسمی تلماتیک (§141) از -fra- بعلاوه -dā²، با ویژگی vridhhi (§126)، مقایسه

شود با اوستا -frād- «پیش بردن، افزایش دادن» (Bthl. AiW 1012)، اما به

احتمال قوی گونه مصغر اسم مرکبی است (§164.III; Bthl. AiW 1013) که

جزء پیشین آن بن وجه وصفی برگرفته از همان فعل مرکب بوده است (§162)،

مقایسه شود با صفت اوستا -frādat.gaēθā- «رونق بخش خانه»، اسم

frādat.fšav- «حامی گله‌ها» (نام یک ایزد 4-1013 Bthl. AiW). نه مطابق با نظر 52 Sen (fra- بعلاوه فارسی باستان -ad* «راندن»، اوستا azaiti، سنسکریت ájati، لاتین agit) و نه مطابق با نظر 101 Justi، INB مبنی بر (fra- بعلاوه -had «نشستن» با نبود -h- میان واکه‌ای).
DB 3.12; 4.23; DBJ 1. frāda فاعلی مفرد مذکر

framātar- اسم «فرمدار، فرمانروا» («گیرنده تصمیمات قضایی»، از نظر Hz. ApI 150-4): fra- بعلاوه ریشه mā- بعلاوه پسوند اسم فاعل -tar-(§154.II).
framātāram (DNa 7f; DSe §124.VI, §186.I) مفعولی صریح مفرد مذکر
7; DSf 5; DE 11; XPa 5f; XPb 11; XPc 5; XPd 8; XPf 7f; XPh 6; XE 11; XV 9; A¹Pa 8°; A²Hc 7. framatāram (§52.III) A³Pa 8.

framānā- اسم «فرمان» («قضاوت، تصمیم»، از نظر Hz. ApI 144-50): پهلوی framān، فارسی نو «فرمان»؛ fra- بعلاوه mā- بعلاوه پسوند -nā-(§128, §147.I)، مقایسه شود با سنسکریت pramāna-m «اندازه، معیار».
DNa 57; DNb 28. framānā فاعلی مفرد مونث
DNb 37. framānāyā فاعلی مفرد مونث

fravata- قید «به پیش، رو به پایین»: پهلوی frōt، فارسی نو «فرود»^(۲۰)؛ از -frava*، گستره fra- همانند یونانی πρῶτος «نخستین» از -proua* بعلاوه -tos- همانگونه که در amata موجود است (§191.II; JAOS 51.204, 53.15; Bv. BSLP 30.1.59).
König, Burgbau 51: نه همانند با سنسکریت pravātā بدشواری مطابق با نظر «سرازمی» در حالت بایی مفرد مونث).

DSf 23f, 28.

fravarti- اسم «فروریش»، شورشی مادی: عیلامی pīr-ru-mar-ti-iš، اکدی

۲۰. واجنویسی کنت: fārōd, fārō که می‌باید بصورت furūd, furū واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/

نگاه کنید به یادداشت -kaufa.

pa-ar-ù-mar-ti-iš یونانی Φραδῶπτης : یا یکسان با اوستا fravaši «فرشته نگهبان، روح»، از fra- بعلاوه var- نگهداری کردن» بعلاوه -ti- (§31, §152.III) به معنی «نگهداری»، و یا یکسان با اوستا fraorēti «از کسی حمایت کردن»، از fra- بعلاوه var- «برگزیدن (از نظر دینی)» بعلاوه -ti- (Nyberg Rel. 334-5; Bthl. AiW 991, 992, 976) نظر دوم را ترجیح می‌دهد؛ بعنوان نامی برای مرد، احتمالاً صورت مصغر ترکیبی بزرگتر (§164.II).
 fravartiš DB 2.14, 66, 71, 73; 4.18; DBe 1f. فاعلی مفرد مذکر
 fravartim DB 2.17. صریح مفرد مذکر
 fravartaiš DB 2.69, 93. وابستگی مفرد مذکر

fras- فعل، نگاه کنید به fraθ-

fraša- صفت «عالی» («شایسته»): (König Burgbau 48, Brd. WZKM 39.37) اوستا -fraša- «هدایت شده، سر برآه، سودمند»، ساخته شده روی قید fraša برپایه -frānk- سنسکریت، قید pračā از prañc-، از pra- بعلاوه -añc- (Bthl. AiW 1006-7)؛ -š- بی قاعده بجای -s- در -āy- ممکن است آمیزشی باشد از -frasa* و -frašay* (صورت دیگر 7-2.266 Bthl. IF)؛ وام گرفته از اوستا از نظر 162 (Hz. ApI 156-65) (Hz. ApI 162) (با نفی اشتقاق این واژه از fra- بعلاوه xšāy درخشدن، برجسته» AMI 3.1-11) آن را از طریق اصطلاحی مربوط به مسابقه یا جنگ به صورت «(رقابت) فوق‌العاده، برتر از (رقابت)»، مشتق از pra- می‌داند، و بدین ترتیب دارای معنی «غیر قابل قیاس، برجسته» می‌باشد. نیز مقایسه شود با Hz.RHRel. 113.26; Bailey, BSoS 6.595-7; Kent, Lg. 15.169.

frašam (برای قرائت، نگاه کنید به frašta-) DSa 5, DSj 6 فاعلی مفرد خنثی
 frašam DNb 2; DSf 56, 56f; DSo 4°; DSs 1°. صریح مفرد خنثی

DSa 5, DSj 6 frašta- مورد بحث قرار گرفته از سوی Bv. BSLP 30.1.63-4; Gr. §103, Gray AJP 53.67, Brd. WZKM 39.20-1
 θadayātaiy و نه θadayāmai (frašta § 54.II) در هر دو قطعه مذکور قرائت می‌شود (Hz. AMI 3.9-10, ApI 156-8). نگاه کنید زیر مدخل -fraša-.

fraharavam قید مرکب (§191.III)، «در مجموع» fra- (§140.I) بعلاوه haravam

حالت مفعولی صریح مفرد خنثی با نوشتار گوناگون (§22, §26) از -haruva.
DB 1.17.

baug- فعل «آزاد کردن»، اوستا baog، فارسی نو «بُختن»؛ در -aθiyābaušna-, bagabuxša-

bāxtri- اسم «بلخ»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی ba-ak-ši-iš, ba-ik-tur-ri-iš، اکدی ba-ah-tar، یونانی (جمع خنثی) Báktpa (§9.I, §79, §103. III) در فارسی باستان بن مختوم به آ بجای بن کهنتر مختوم به آ (§152.II)، در اوستا بصورت bāxδآ.

bāxtriš DB 1.16; DPe 16; DNa 23; DSe 22°; DSm 9°; XPh 21. فاعلی مفرد مونث

bāxtriyā DB 3.13f, 21. دری مفرد مونث

bāxtriyā DSf 36. ازی مفرد مونث

bag- فعل، نگاه کنید زیر مدخل -bāji-, -baga.

baga- اسم «بغ»: اوستا -baga «بخت، اقبال نیک»، سنسکریت bhāga «مُقَسَّم اقبال نیک» یونانی -φayos «خورنده»، سلتی و ساکسونی کهن bogŭ «خدا»، هندواروپایی آغازین -bhago (§101, §122, §143.I, V, VI)؛ مقایسه شود با 10-105 Hz. ApI نیز نگاه کنید به -bāgayādi-, bagabuxša-, bagābigna-.
bāji-

baga باگ فاعلی مفرد مذکر AmH 6; AsH 6; DNa 1; DNb 1; DSe 1°; DSf 1°; DSe 1°; Dst 1; DZc 1°; DE 1; XPa 1; XPb 1; XPc 1; XPd 1; XPf 1; XPh 1; XE 1; XV 1; A¹Pa 1°; A²Hc 1; A³Pa 1, 25.

bagāha باگه فاعلی جمع مذکر DB 4.61, 63. (§10, §119, §172)

bagānām باگانه فاعلی جمع مذکر AsH 7; DPd 1f; DPh 9; DSf 9; DSp 1°; DH7; XE 2; XV 2; A²Hc 2.

bagaibiš باگایبیش فاعلی جمع مذکر DPd 14f, 22, 24; DSe 50f°; DSt 8; XPb 28f; XPc 12f, 15; XPd 18; XPg 13f; XSc 5°; XV 26; A¹Pa 23°.

BGibiš(\$42) D²Sa 3. بایی جمع مذکر (\$42) BGibiš.

bagābigna- اسم «بگاییگن»، یک پارسی، پدر «ویدرن»: عیلامی **ba-qa-pi-ig-na**؛ از **baga-** «بغ» بعلاوه **-ā-bigna-** وجه وصفی مختوم به **-na-** از یک ریشه فعلی ناشناس، مقایسه شود با احتمالاً سنسکریت **bājā-m** «تخمه» **A** (\$243, \$160.Ic, \$103.IV, \$75.III)؛ با احتمال ضعیف مطابق با نظر (Justi, INB 489).

DB 4.84f. وابستگی مفرد مذکر **bag[ā]bignah[yā]**.

bagabuxša- اسم «بگابوخش»، یکی از پیروان داریوش علیه گئوماتا: عیلامی **ba-qa-bu-uk-šá**، اکدی **ba-ga-bu-ki-šù**، یونانی **Μεγάβυχος**. از **baga-** «بغ» بعلاوه مشتق ریشه **-baug-** «آزاد کردن» (\$151, \$102)؛ «رستگار از سوی خدا» (\$160.Ic).

DB 4.85. فاعلی مفرد مذکر **ba[gab]uxša**.

bāgayādi- صفت «باگ یادی، ماه هفتم» برابر با سپتامبر-اکتبر: عیلامی **bagiīātiš**، اکدی **tašrītu** از **baga-** «بغ» با ویژگی **vriidhi** (\$165, \$126)، بعلاوه **-yad-** «ستودن» با واکه بلند (\$165, \$126) ووند **-i-** (\$152.I)؛ «ماه ستایش خدا» (\$159, \$161.Ia)، احتمالاً اشاره به مهر، زیرا در پهلوی و فارسی نو، این ماه را مهر، «(ماه) مهر» می نامند (Justi, ZDMG 51.247; Bthl. AiW 952-3).
DB 1.55. وابستگی مفرد مذکر **bāgayādaiš**.

bāji- اسم «باج»: فارسی نو «باز»؛ مشتق (\$179.III, \$152.I) از ریشه سنسکریت **bhāga-** «بخش، مُقسَّم»، فارسی باستان **baga-** «بغ»، فعل در سنسکریت **bhājati** «بخش می کند»، اوستا **bag-**، پهلوی **baxtan** (\$126, \$123, \$122, \$101).
DB 1.19; DPe 9f; DNa 19; DSe 18; **bājim** صریح مفرد مونث
XPh 17.

bātugara- اسم «نعلیکی، پیمانه»: چنانچه واژه اصیل باشد

batu- از (§55.II; JAOS 56.215; Schaeder, SbPAW1935.489-96)
 «شراب» (§153.I)؛ ریشه‌شناسی واژه نامشخص است، اما Hz. ApI 114، واژه
 batrákη را از Athenaeus, bk.xi, page 784a بعنوان یک واژه پارسی برای
 «شیشه‌دارو، ساغر» نقل می‌کند) بعلاوه -gara- (§143.I) «بلع، آشامش»
 (§160.Ia)، مقایسه شود با اوستا aspō.garō «اسب خور»، سنسکریت
 aja-garā- «بُزخور، اژدرمار»، یونانی δῆμο-βόρος «مردم خور»، لاتین
 carni-vorus «گوشت خور»، از ریشه اوستا -gar- «بلعیدن»، سنسکریت
 girāti، vorat هندواروپایی آغازین *g^uer- Bv.JAs. 228.233-4 پیشنهاد
 می‌کند، و Hz. AMI 8.9-17, ApI 113-5 می‌پذیرد که واژه بیشتر با
 سنسکریت galati «جرعه جرعه می‌ریزد»، gālayati «می‌ریزد» در مجموع به
 معنی «می‌ریز» خویشاوند است، مقایسه شود با لاتین libāre «ریختن» (بعنوان
 نثار برای خدایان)، و فارسی نو «پیااله»، از -pati-gāra-
 bātugara (§56.V) A¹I. فاعلی مفرد مذکر

baⁿd- فعل «بستن»: اوستا -band، سنسکریت -bandh، گوتیک -bindan،
 هندواروپایی آغازین -bhendh^{*}. نیز نگاه کنید به -badaka.
 (§67، صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مذکر (فارسی نو «بست»)) basta
 §85, §120, §122, §132.1, §242.I) DB.1.82; 2.75, 90; 5.26.
 DB 3.88° مفعولی صریح جمع مذکر bastā.

baⁿdaka- اسم «بنده، خدمتکار» (مقایسه شود با König, RuID 64): پهلوی -bandak،
 فارسی نو «بنده»؛ مشتق (§146.II) از فارسی باستان -baⁿda- «قیدوبند، تعهد کردن»،
 اوستا -banda، سنسکریت -bandha، از ریشه هندواروپایی آغازین -bhendh^{*}
 (فارسی باستان -baⁿd- §39, §75.III, §111, §122, §132.1 ;
 badaka DB 2.20, 30, 49f, 82; 3.13, 31, 56, 85; 5.8. فاعلی مفرد مذکر
 badakā DB 1.19. فاعلی جمع مونث

bābiru- اسم (bābairu- زیرا پالی -bāveru- MB Gr. §80) «بابل»، نام شهری
 است (§56.III, §166)؛ «بابل»، ایالتی از امپراتوری ایران؛ از طریق انتقال

«بابلی»: عیلامی *ba-pi-li*، اکدی *bāb-ilu*, *bāb-ilāni* «دروازه خدا(یان)»، یونانی *Baβvλwv* (§75.V, §107). نیز نگاه کنید به *bābiruviya*.
bābiruš مذکر مفرد فاعلی DB 1.14, 80; DPe 10f; DNa 26; DSe 25f°; DS^m 7°; XPh 22; → بعنوان قوماژه (§56.III), DN xvi, A?P 16.
bābirum مذکر مفرد صریح مفعولی DB 1.83f, 91 bis; 2.2, 3,3f; 3.82, 84, 87; 4.15, 30.
bābirauš مذکر مفرد ازی (§168,§182.III) DB 2.65.
bābirauv مذکر مفرد دری DB 1.78, 81;2.5,6; 3.79, 83, 92; 4.2; DBd 7f; DBi 11 (§22 *bāb^arau*v (مکتوب بصورت);
 بعنوان حالت ازی با *hacā* 33، بعنوان حالت دری با *yātā* DS f33
 (علیرغم نظر 53.16 JAOS Kent, Hz. AMI 3.55n, می توان آن را بعنوان ساخت ازی واقعی، برابر با اوستا *aut*- پذیرفت).

bābiruviya صفت «بابلی»: مشتق (§144.III) از واژه پیشین.
bābiruviya مذکر مفرد فاعلی DB 1.77,79;3.81; 4.13; DSf 29f.
bābiruviyam مذکر مفرد صریح مفعولی DB 3.86.
bābiruviyā مذکر جمع فاعلی DB 3.78; DSf 53f.
bābiruviyā مذکر جمع صریح مفعولی DB 3.88.

bar- فعل «بردن، بالابردن، گرامی داشتن»: بن مضارع *bara-*، اوستا *baraiti*، فارسی نو «بَرَد»، سنسکریت *bhāratī*، یونانی *φερει*، لاتین *fert*، گوتیک *baīrip*، هندواروپایی آغازین **bhere/o-* (§213). نیز نگاه کنید به *gaubaruva-*, *bara-*, *ubarta-*, *ušabāri-*,
 (مکتوب بصورت *-t^aiy^a*، کامرون) DB 5.22f (§122,§232.I) سوم شخص جمع *baraⁿtiy* DNa 42.

abaram ماضی استمراری اول شخص مفرد (§61, §75.III, §226.II) DB 1.22;4.66.
abara ماضی استمراری DB 1.25, 55, 88, 94; 2.25, 34f,40,45, 54, 60, 68, 86, 97°; 3.6, 17, 37, 45, 62, 67 (مکتوب بصورت)

- ar^ar^a, §54.II), 87;4.61, 62; DNa 50f; DSf 19°, 32; XPh 33, 45.
- abaraⁿ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§10, §40, §84, §106, §232.II) DPe 10; DSe 18°; DSf 34.
- abarahaⁿ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§10, §218, §232.III) DNa 19f; XPh 17. (§54.I ab^ar^an^a مکتوب بصورت)
- abaraⁿtā ماضی استمراری میانه سوم شخص جمع (§10, §236.II) DB 1.19.
- abariya ماضی استمراری مجهول (§35.I, §220, §228.II) DSf 23°, 31f, 35, 36, 38f,40,43, 45.
- abariyaⁿ ماضی استمراری مجهول سوم شخص جمع (§220, §232.II) DSf 41, 47.
- baratuv وجه امری (§237.II) AmH 11°; DPd 14; DSk 5.
- bartanaiy مصدر (§238) DNb 47.
- ā + bar- «انجام دادن» (§213, §228.I) DNb 25.
- نیز مقایسه شود با 1-110 Hz. Api که به -bar-ā ارجاع می‌دهد، ساخت‌های دیگر بطور مشخص، بعنوان ساخت‌های با افزونه غیر مرکب -bar، در بالا آمده است.
- DB 1.68 ماضی استمراری اول شخص مفرد patiābaram: «بازگرداندن، بازسازی کردن» pati + ā + bar- (احتمالاً-آ- تنها زیر تاثیر parābartam وارد شده است، §53, §206c, JAOS 62.275)
- DB 1.71,96 ماضی استمراری parābara: «بردن، برداشتن» parā+bar-
- DB (§242.I) صفت مفعولی گذشته فاعلی مفرد خنثی parābartam 1.62,67f.
- (مقایسه شود با 3-112 Hz. Api): «نگهداری کردن، محافظت کردن» pari+bar-
- DNb 17. (§226.I) اول شخص مفرد paribarāmiy
- DB (§27, §136, §222.II, §227.I) التزامی دوم شخص مفرد paribarāhy 4.78; paribarāh^a-diš (§27, etc.) DB 4.74.
- DB 4.72, 88. (§237.I) امر دوم شخص مفرد paribarā
- AmH 7; ماضی استمراری frābara: «تقدیم کردن، اعطا کردن» fra+bar-
- AsH 9; DB 1.12, 25, 60f; DPd 3f, 7f; DPh 8; DNa 33; DSf 11; DSm 3°; DSp 2°; DSs 6; DZc 4; DH 7; A²Hc 18f, 20.

bara- اسم «تحمل، حامل»: اوستا -bara-، سنسکریت -bhara-، یونانی -φορος-، هندواروپایی آغازین *bhoros (VI, §143.I, §122, §32)، از ریشه -bar- «بردن»، در -arštibara-, takabara-, vaçabara- نیز -bāra- «برده شده بوسیله، سواربر...»، با ویژگی vridhhi (§122, §126, §143.I)، در -asabāra-، مقایسه شود با -ušabāri- نگاه کنید به §95. ApI. Hz.

bard- فعل «بالا بودن»: اوستا -barəz- «بالا» -barəzant- «رفیع»، فارسی نو «بُرز»، سنسکریت -brhánt- «رفیع»، آلمانی فرازین باستان berg «کوه»، هندواروپایی آغازین -bhergh-؛ در -baršan-, bardiya-، و احتمالاً در -brazman-.

bardiya- اسم «بردیا»، برادر کمبوجیه (§164.III): عیلامی -bīr-ti-ia، اکدی -bar-zi-ia، یونانی -Σμερδης (§30, §29.n2). مشتق (§144.IV) از فارسی باستان -bard- «بالا بودن» (§75.III): «متعال».

DB 1.30, 32, 39, 52f; 3.25, 35, 54; 4.9, 27, 82; DBb 4f; DBh 5.

DB 1.31 bis, 51. مفعولی صریح مفرد مذکر bardiyam.

baršan- اسم «بلند، ژرفا» (§31): اوستا -barəzan- (Bthl. AiW 950)؛ مشتق از فارسی باستان -bard-

(§75.III, §155.I; Scheil 21.26; König, Burgbau 51; Hz. AMI

3.57; Bv. Gr. §312; Kent, JAOS 51.204, 53.15).

baršnā مفرد مذکر (§96, §120) DSf 26, 26f.

bav- فعل «شدن، بودن»: بن مضارع -bava- (§213) «اوستا -bavaiti-، سنسکریت -bhāvati-، یونانی -φύει- «رشد می‌کند»، لاتین -fuī «من بودم» -لیتوانیایی -būti- «بودن»، انگلیسی نو -be-، هندواروپایی آغازین -bheu-*. نیز نگاه کنید به -būmi-.

bavatiy (§122, §228.I) XPh 55, 56.

→ در دودستویس (DNb 14) (§232.I) سوم شخص جمع bavaⁿtiy (Hz. ApI 115; cf. §48).

abavam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.28, 60, 72; 4.5; 5.4°; DSm 6°; XPf 35, 36f; XPh 30; XSc 4°.

abava ماضی استمراری (§228.II) DB 1.32, 33, 34, 40, 48, 77, 80; 2.16f, 17, 80, 94; 3.10, 11, 20, 27, 28, 76, 82, 83; 5.5, 14°, 30; DSf 25; XPf 26.

abavaⁿ جمع سوم شخص جمع ماضی استمراری سوم شخص جمع (§112, §232.II) DB 1.76; 2.7, 93; 3.78; 4.34.

bavātiy التزامی (§222.II, §228.I) DNa 43, 45f; DNb 59

(JNES 4.44؛ تأیید شده بوسیله عکس، 15.74).

[biy]ā دوم شخص مفرد تمنایی، §114, §218.II, §223.I, §227.II) DB 4.69.

تمنایی biyā (§232) Bv.Gr. §232، قیاس با اوستا buyāt از *bhu-iiēt، Bthl. Gdr.IP 1. §143 آنرا بصورت *bhu-ī-iet برابر با لاتین flet می‌گیرد، اما که ممکن است یا وجه تمنایی غیر تماتیک باشد و یا وجه التزامی تماتیک (§114, §122, §208'. §218.II, §223.I §228.II).

DB 4.56 bis, 58, 59, 74f, 75, 78f, 79°.

bigna- در ā-bigna- نگاه کنید به -bagābigna.

būmi- اسم بوم (= جهان یا سرزمین): اوستا -būmī, فارسی نو «بوم»، سنسکریت (ریگ‌ودا) در حالت فاعلی bhūmī bhūmis؛ مشتق از ریشه bhav- (نگاه کنید به -bav) با درجه -bhū، مقایسه شود با سنسکریت ماضی ābhūt، یونانی εφύ (§11, §65, §152.IV, §179.III).

būmim مفعولی صریح مفرد مونث DNa 2, 32; DSe 2°; DSf 1; DSt 2; DZc 1f; DE 2; XPa 1; XPb 2; XPc 1; XPd 2; XPf 2; XPh 1f; XE 3; XV 2f; A¹Pa 2°; A²Hc 2.

būmām مفعولی صریح مفرد مونث (§55.I) A³Pa 2.

būmiyā دری مفرد مونث (§179.II) DNa 11f; DSb 9; DSe 10; DSm 5; DSs 2°, 3°; DZb 4; DZc 6; DE 17f; XPa 9; XPb 17; XPc 7f; XPd

12; XPf 12,25; XPh 10; XPj; XE 17; XV 13; A¹Pa 13°; A²Sc 4°; Wb 7; Wc 8; Wd 8.

BU فاعلی مفرد مونث (§42) DSf 24, 28.

Buyā دری مفرد مونث DSd 2°; DSf 7, 15, 16, 18, 24°; DSg 2; DSi 2, 4; DSj 1°; D²Sy 2; D²Sb 2°; A²Sa 1; A²Sd 2; A²Ha 2; A²Hc 9, 17; A³Pa 11.

brātar- اسم «برادر»: اوستا-brātar، فارسی نو «برادر»، سنسکریت-bhrātar، یونانی φρατήρ «برادر قبیله‌ای»، لاتین frāter، سلتی و ساکسونی کهن bratrū، گوتیک broPar هندواروپایی آغازین-bhrāter (§62, §75.III, §128, §154.II).
brātā فاعلی مفرد مذکر DB 1.29f, 39f. (§124.5, §186.II)

brazmaniya- صفت «نمازگزار، با احترام» (مقایسه شود با Kent, Lg. 21.223-9)، بیشتر مطابق با braz- تا barz- (§33؛ مقایسه شود با عیلامی p̄l̄r-ra-is-man-nu-ia اكدی (bi-ra-za-man-ni-i): مشتق (§144.IV) از مرجع آریایی آغازین و به تبع آن سنسکریت-brāhman «ایمان دینی، نیایش»، مقایسه شود با مشتق مشابه سنسکریت-brahmanyā «دین»، از ریشه هندواروپایی آغازین-bhergh- (نگاه کنید به فارسی باستان-bard؛ §75.III, §95, §120, §155.III; Kent, Lg. 21.223-9؛ Henning, TPS 1944.108-18 13.301; Hartmann, OLZ 40.145-60; Nyberg, Rel. 367, 478; Hz. 13.301; AMI 8.69, ApI 116-8 (از اوستا-barəg «خوشامد گفتن»، bərəg- «آیین» bərəxḍa- «محبوب»؛ نظریه نادرست است زیرا این صورت باید در فارسی باستان-bragman* را داده باشد)؛

Christensen, Essai sur la démonologie iranienne 40-1; Henning, BSOS 10.506; Abayev, Iranskīe Yazyki 1.134; Scherman, JAOS 65.141-3 n.23. نیز مقایسه شود با O.M. Dalton, Treasure of the Oxus 94-5. در مورد ساخت و معنی پهلوی brahm, brahmak، نگاه کنید به Henning, TPS 1944.108-18.

brazmaniya فاعلی مفرد مذکر XPh 41, 51, 54

(باحتمال بسیار ضعیف brazmanīy در حالت بایی مفرد دخشی، توصیف کننده artā؛ و نیز

نه بصورت niy- در حالت مفعولی صریح جمع خنثی «الهی»، از نظر Sen 155، و نه در حالت مفعولی صریح تثنیه خنثی با حذف بقرینه تثنیه از نظر یزانی، نگاه کنید زیر مدخل (arta-).

m^a با معنی نامشخص، Se 1؛ Justi, IFA 17.112 آنرا بعنوان کوتاه نوشتی برای *māraka «مهر» فارسی باستان می‌پندارد، فارسی نو «ماره».

ma- بن ضمیر اول شخص در حالت‌های غیر فاعلی مفرد؛ نگاه کنید به adam.

mā از ادات ربط «(مَ)» در نهی‌ها و غیره: اوستا، سنسکریت mā، یونانی μή، هندواروپایی آغازین *mē (§109, §191.I, §292b).

باوجه التزامی: DNb 55 (mā-taiy), 58.

باوجه تمنایی: DB 4.59, 69, 79°; DPd 18, 19 bis, 20; XPh 39.

باوجه تأکیدی: DB 4.54; DPe 21; DNa 58, 59, 60; DNb 52 (mā-taiy).

باوجه امری: DNb 60.

با افعال منسوخ: DNb 57, DSq 4 bis; A²Sa 5° bis, نیز نگاه کنید به mātya. A²Ha 7, 7°.

mā- فعل «اندازه گرفتن»: اوستا، سنسکریت mā. لاتین mētiōr «من اندازه می‌گیرم». DB «نژاده» (§242.II) صفت مفعولی گذشته، فاعلی جمع مذکر āmātā «گسترش دادن» -ā + mā 1.7; DBa 11

«فرمودن» -fra + mā

(از نظر Hz. ApI 154-6 «تصمیم گرفتن، قضاوت کردن؛ و از نظر Hinz, ZDMG 95.233-5 «برنامه ریزی کردن»). نیز نگاه کنید به framānā. framātar-,

framāyatā XPg 5. (§214, §235.II) ماضی استمراری میانه

framātam (§242.II) DSf 19°, صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خنثی 56.

mauθ- فعل «گریختن»: معنی این فعل از طریق تحریرهای عیلامی و اکدی تثبیت شده

است (Hüsing, KZ 38.258)؛ احتمالاً از سنسکریت *munthate* «می‌گریزد» (Jn. JAOS 38.122).

amuθa ماضی استمراری DB 2.2, 71; 3.41f, 71. (§211)

maka- اسم «مک»، ایالتی از امپراتوری ایران (بحث لغوی در مورد محل در 8-217 JAOS آمده است): عیلامی *ma-ak-qa*، اکدی *ma-ak*، مقایسه شود با یونانی در حالت جمع *Makar* (§99, §132.2, §144.III). نیز نگاه کنید به *macya-*. DB 1.17; DPe 18. فاعلی مفرد مذکر *maka*.

A magu- اسم «مغ»، عضوی از طبقه دینی ماد: عیلامی *ma-ku-iš*، اکدی *ma-gu-šú*، یونانی *Máynos* (§153.I). واژه از نظر معنی و ریشه‌شناسی نامشخص است RuID 66 و König, Klotho 4 chap. 12. DB 1.36, 44, 46, 64, 66, 70f; 4.8; DBb 2. فاعلی مفرد مذکر *maguš*. DB 1.50, 54, 57, 73; 4.81. مفعولی صریح مفرد مذکر *magum*.

macya- صفت «اهل مک»؛ در حالت جمع، نام ایالتی از امپراتوری ایران: مشتق از *maka-* (§99, §113, §132.2, §144.III). A?P 29. فاعلی مفرد مذکر *macyi*. DN xxix. (§56.III) بعنوان فاعلی مفرد مذکر *macyā*. DNa 30; DSe 23f; XPh 25. جمع مذکر *macyā*.

mātar- اسم «مادر»: اوستا-*mātar*، سنسکریت *mātār-*، یونانی *μαῖτηρ* لاتین *māter*، هندوآریایی آغازین در حالت فاعلی *mātē*، بن *māter* (§154.II): در *hamātar*.

mātya ازاداد ربط «مبادا، نکند که»، «ما» بعلاوه حرف ربط *tya* (§133, §292b). DB 1.52. *mātya-mām* (§133) DB 4.43, 48, 71. *mātya*

maθišta- صفت «بزرگترین»، در XPF معادل «ولیعهد» (Speiser ap. Kent, Lg. 9.40-1; Hz. Apl 254-8):

اوستا-*masišta* فارسی نو «مِهست»، یونانی *μηκυτος* «درازترین» (واکه ریشه‌ای پس از آن در *μηκος* «بلند»؛ صفت برترین از هندواروپایی آغازین **māk-ros*، یونانی *μακρὸς*، لاتین *macer* «نازک»، ریشه هندواروپایی آغازین *māk-* (§87) «دراز و ترکه‌ای بودن» بعلاوه پسوند صفت برترین *-isto-* (یونانی *-isto-*، اوستا *-išta-*، سنسکریت (یادمش) *-iṣtha-*).

maθišta مذکر مفرد فاعلی AsH 6f; DB 2.13, 24; 3.70; DPd 1; DPh 9; DSf 9; DSp 1°; DH 7; XE 2; XV 1f; A²Hc 1. [maθ]iṣta-[šām] DB 5.27.

maθištam مذکر مفرد صریح مفعولی DB 2.20, 83; 3.12, 31, 57, 85; 5.6, 8, 12, 28f; XPf 32.

māda- (§166.I) صفت «مادی»؛ مذکر بعنوان اسم «ماد»، ایالتی از امپراتوری ایران:

عیلامی *ma-da* اکدی *ma-da-a-a* یونانی جمع *Μηδοι*

DB 1.49; 2.14°, 16, 18, 82; 4.18; DN ii°; ۱) *māda* مذکر مفرد فاعلی «مادی» A?P 2.

mādam مذکر مفرد صریح مفعولی DB 2.21, 82; 3.30.

mādā جمع مذکر فاعلی DSf 50, 54f.

māda[ibi]š بابی جمع مذکر DB 2.23.

mādaišuvā دری جمع مذکر DB 2.23.

DB 1.15°, 41; 2.7; DPe 10; DNa 22; ۲) *māda* مذکر مفرد فاعلی «ماد»: DSe 21°; DSm 8°; XPh 19.

mādam مذکر مفرد صریح مفعولی DB 1.47; 2.22, 28f, 48f, 63, 65 bis; 3.32f; 4.20. *Mādam-cā* DB 1.66f.

mādaiy مذکر مفرد دری DB 1.34, 59; 2.15, 17, 22f, 28, 66 bis, 72, 92; 3.77; DBe 10f.

man-¹ فعل «اندیشیدن»: اوستا *man-yete*، سنسکریت *mán-yate*، یونانی *μεμῶνα*

«(من اندیشه... را دارم)، من میل دارم»، لاتین *meminī* «من بخاطر می‌آورم»، هندواروپایی آغازین **men-*. نیز نگاه کنید به *manah-*.

maniyaiy اول شخص مفرد میانه DNb 38. (§214, §233.II)

amaniyaiy ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد (\$214, §233.III) DSI 3f.
 maniyāhaiy ماضی استمراری میانه دوم شخص مفرد (\$131, §222.II, §234.I) DB
 4.39 (man[...]; DB 4.43, DPe 20 (maniyāhay §27, §52.II) ; DNa
 38 (maniy[...]; XPh 47 (maniyāiy, بدون h°: §27, §52.VI, Lg.
 13.302; Hz. AMI 8.66, ApI 243-4).
 maniyā[taiy] ماضی استمراری میانه (\$222.II) DB 4.50.

man-² فعل «ماندن»: اوستا -man- بن مضارع تکریری^(۲۱) mānaya- (\$123, §215)،
 یونانی μένω، لاتین maneō؛ احتمالاً تخصیص معنایی هندواروپایی آغازین
 *men- «اندیشیدن» (نگاه کنید به *man¹) در معنی «در فکر ماندن».
 amānaiya (\$48) DB 2.28; DB 2.48, 63 ماضی استمراری amānaya

mana^huvin- صفت «متوجه، خود رأی، تندخو»: از -manah- بعلاوه -uni- (\$155.V)،
 مقایسه شود با Lg. 15.170, JNES 4.47 (صورت دیگر به اشتباه (Hz. ApI 242).
 DNb 13. فاعلی مفرد مذکر (باز ساخته از -vī, §187) manauviš.

manah- اسم «نیروی اندیشه، نیروی اراده» (Jn. Iran. Rel. §70; Kent, JNES 4.45-7, 232):
 اوستا -manah-، سنسکریت -manas- یونانی μένος «جرات»، هندواروپایی آغازین *menos *menes
 (\$124.4, §156.II) صرف I. §185. نیز نگاه کنید به -manauvin- و -maniš- با تخفیف درجه در هجای
 دوم در -ardumanis-، haxāmanis-، و احتمالاً در -imaniš-

DNb 32. مفعولی صریح مفرد خنثی (\$105) manaš-cā
 → به اشتباه حالت وابستگی (JNES 4.45؛ بایی مفرد خنثی manahā
 Hz. ApI 240-2 و Sen 235) DNb 14.

A māniya- اسم «برده (های) خانگی (نگاه کنید به پیوست)؛ صفت خنثی
 بعنوان اسم جمع (\$255)، از -māna- اوستای گاهانی -dāmāna-، اوستای

۲۱. وجهی از فعل که روی تداوم تکرار عمل تأکید دارد. نگاه کنید به A Dictionary of linguistics and

متاخر nmāna- «مسکن، خانه» (§126)، گسترش ریشه موجود در سنسکریت dāma- «خانه»، یونانی δῶμος «لاتین domus. برای نظرهای مختلف نگاه کنید به Tm. Lex. 116، با صورت تحت اللفظی؛ Gray, JAOS 21.17, 33.281-3; Bthl. AiW 1163; MB Gr. §261; Fay, JAOS 34.330-1 DB 1.65. māniyam-cā مفعولی صریح مفرد خنثی

+mamaita- نگاه کنید به -atamaita.

mayūxa- اسم «دستگیره در»: سنسکریت mayūkha- «میخ»، شاید از سنسکریت mi- (مضارع minōti) «ثابت (در زمین)» (§100, §143.III)؛ مقایسه شود با Hz.ApI 258-9.

mayūxa DPi; XPi. فاعلی مفرد مذکر

mar- فعل «مردن»: اوستا-mar، مضارع miryeite (§122, §214)، سنسکریت mariyāte، لاتین moritur، هندواروپایی آغازین *mer-. نیز نگاه کنید به uvāmaršiyu-, marlka-, marta-, martiya-amariyatā DB 1.43. (§35.I, §235.II) ماضی استمراری میانه

marlka- اسم «شخص متعلق به طبقه پایین، مطیع»، همانگونه که در اکدی LUgal-la «نوکر» نشان داده شده است: صورت کوتاه شده‌ای (§23.I) از *mariyaka-، مشتق از بن سنسکریت (ودایی) mārya- «مرد جوان، اسب نر»، مقایسه شود با سنسکریت maryakā- «مرد کوچک (که به گاو نر در میان گاو نر ماده گفته می‌شود)»، پهلوی mērak (از *maryaka)، یونانی μεῖραξ «پسر، دختر» (از *meriak-؛ آخرین ریشه هندواروپایی آغازین *mer- فارسی باستان mar- (§122, §146.III). مقایسه شود با Hz.ApI 251-3, Bv. TPS 1945.43-4 DNb 50, 55, 59°. marlka- ندایی مفرد مذکر

māru- اسم «مارو»، شهری در ماد (مقایسه شود با Köning, RuID 71): عیلامی ma-ru-iš، اکدی -ma-ru.

mā[ru]š DB 2.22. فاعلی مفرد مذکر

mārgava- صفت «مروی»: صفت برپایه -margu- با ویژگی vridddhi (§126, §143.II, V, VI).
DB 3.12; 4.24. فاعلی مفرد مذکر mārgava
DB 3.16. بایی جمع مذکر mārgavaibiš

margu- اسم «مرو»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی mar-ku-iš اکدی mar-gu-
یونانی Μαργῶν, Μάργος (§31, §153.I). نیز نگاه کنید به mārgava-

marguš DB 2.7; 3.11. فاعلی مفرد مذکر
DB 4.25. مفعولی صریح مفرد مذکر margum
DB 4.25; DBj 5f. دری مفرد مذکر margauv (§114)

marta- وجه وصفی بعنوان صفت «مرده»: اوستا marəta- فارسی نو «مرد»، سنسکریت mrtá یونانی βρωτός (بجای βλάτος با همگون شدگی واکه)، لاتین mart-uos (پس از vī-vos «زندگی»)، هندواروپایی آغازین mrtos¹ (§30, §109, §122, §242.I)؛ نگاه کنید به فارسی باستان mar- و مقایسه شود با Hz. ApI 249-51.

XPh 48,55. فاعلی مفرد مذکر marta
DB 5.20, 36. وابستگی مفرد مذکر martahyā

¹martiya- صفت بعنوان اسم «مرد»: گسترش -iio- از هندواروپایی آغازین mortos¹، اوستا marəta- «میرا، انسان»، فارسی نو «مرد»، سنسکریت mārta- (§31, §106, §122, §242.II). مقایسه شود با گسترش -io- در اوستا mašya- سنسکریت mārtya- (§144.IV). نیز نگاه کنید به -²martiya-، umartiya-

DB 1.21, 36, 48, 74, 77; 2.8, 14, 79; 3.12, 22, 70, 78; 4.38, 65, 68; 5.5°, 7; DNā 46; DNb 16, 19, 21, 24; XPh 51.
DNā 56. ندایی مفرد مذکر martiyā

martiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.57; DNa 3; DNb 12, 22; DSe 3; DSf 2,16f; DSs 2f; DSt 3°; DZc 2; DE 4f; XPa 2; XPb 4f; XPc 2f; XPd 3f; XPf 3; XPh 3; XE 5; XV 4; A¹Pa 3f°; A²Hc 3f; A³Pa 3f.

martiyahyā مذكر مفرد وابستگی DNa 4, 44; DNb 3; DSe 4f; DSf 3; DSs 5°; DSt 4f°; DZc 2f; DE 6; XPa 3; XPb 6; XPc 3; XPd 4f; XPf 4f; XPh 4; XE 7; XV 5; A¹Pa 5°; A²Hc 4f; **martihyā** A³Pa 4f. §52.VI؛ به احتمال ضعیف صورت آوایی، همانگونه که از سوی Morgenstierne, Acta Or.1.253 اختیار شده است).

martiyā مذكر فاعلی جمع DB 1.57f; 4.80, 82; DSf 47, 49, 51, 52, 54.

martiyā مذكر صریح جمع مفعولی DB 2.77; 3.48, 50, 74, 90, 91.

martiyānām مذكر وابستگی جمع DB 4.87f.

martiyaibīš مذكر بایی جمع DB 1.56f.

martiya² اسم «مرتیا»، شورشی شوشی: عیلامی **mar-ti-ia**، اکدی **mar-ti-ia**؛ همانند **martiya**¹، تخصیص معنایی بعنوان نام یک مرد (§163.V, §164.III)؛ اما مقایسه شود با 2.26, ApKI 1.54, Phil.66.183-4, HK Iran.Eigenn.13-4).

martiya مذكر فاعلی مفرد مذكر DB 2.8; 4.15; DBf 1.

martiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.12f.

mard- فعل «فشردن»: اوستا-**marəd** «ویران کردن»، سنسکریت **mrđ-** «مالیدن، له کردن»، لاتین **mordet** «گاز می‌گیرد»، هندواروپایی آغازین ***merd-** (Foy, KZ 35.48). نیز نگاه کنید به **marduniya**.

vi+mard- «ویران کردن» §30, §213 DSe 40f.

نشانه جداکننده‌ای پس از ^q وجود ندارد، §44, Cam. JCS 5.53; **viyamarda** ماضی استمراری DB 5.11. (و نیز واژه‌نامه، زیر مدخل **-di**, §52.IV, §228.II).

marduniya اسم «مردونیه»، پدر «گئوبراؤو»: عیلامی **mar-du-nu-ia** یونانی **Μαρδόνιος**؛ احتمالاً مشتق از **marduna** «شراب فروش»

(§164.IV, §153.I, §147.II, §144.IV) مقایسه شود با فارسی نو «مُل = شراب»، سنسکریت *mrđvīkā* «تاک» (Bthl.AiW 1151; Justi, INB 195) که احتمالاً دربردارنده ریشه *mard-* «فشردن» (انگورها به منظور ساختن شراب) است.

DB 4.84. وابستگی مفرد مذکر *marduniyahyā*.

mav- فعل «فرستادن»: مقایسه شود با لاتین *moveō* «من تکان می‌دهم». *[am]avatā*. در DB 4.92، نظر اشتباهی است از Kent, JAOS 62.269؛ مدخل *f[rā]stāyam* را مطالعه کنید (کامرون - کنت)، نگاه کنید به مدخل *-stā*.

mazdāh- صفت «دانا» (§156.I, §160.Ia): بصورت با قاعده در *auramazdāh-* ترکیب شده است (نگاه کنید به مدخل مربوطه)؛ در *aurahya mazdāha* XPC 10 (§185.IV) هر دو بخش صرف شده‌اند، اما بدون نشانه جداکننده واژه.

maškā- اسم «پوست (باد شده)»؛ فارسی نو «مسک»، اکدی *maš-ku-u* «پوست»، آرامی *maškā*: وام گرفته شده از سامی (§143.IV, §117, §109, §99؛ نگاه کنید به MB Gr. §101).

DB 1.86. (72) در جمع مونث *maškāuvā*.

māha- اسم «ماه»: سنسکریت *māsa-* هندواروپایی آغازین *mēso-*؛ گسترش (§143.II) هندواروپایی آغازین *mēs-*، موجود در اوستا بصورت *māh-*، فارسی نو «ماه»، سنسکریت *mās-* مقایسه شود با لاتین *mēsis*، یونانی *μήν* گوئیک *mēna* آلمانی فرازین باستان *māno* لیتوانیایی *mėnuo*، همگی به معنی «ماه» یا «ماه تقویمی».

DB 1.37f, 42, 56, 89, 96; 2.26, 36, 41, 47, 56, 61f, 69, 98; 3.8, 18, 39, 46f, 63, 68, 88

(بجای *māhahyā*، با صورت کوتاه شده *āhah-* به *-āh-*، از نظر Gray, AJP 21.13-4؛ متعارف‌تر است از برداشت معمول مبنی بر حالت دری مفرد مذکر از *māh-* (§131, §165.n1, §185.IV)).

miθah- اسم (§156.II) «پلیدی»، متضاد -rāšta: اوستا-miθahya- «زشتی»، -miθaoxta- «گفتار دروغ»، سنسکریت -mith- «ملاقات (بعنوان دوست یا رقیب)»، وارد شدن در ستیزه؛ مقایسه شود با 15.169-70, Kent Lg. 15.169-70, ApI 259-61, JH. و -hamiçiya-. DNb 7,9,11. مفعولی صریح مفرد خنثی miθa.

miθra- اسم «دوست»، بعنوان ایزد، «مهر»: عیلامی mi-iš-šā- اکدی mi-it-ri؛ اوستا -miθra- فارسی نو «مهر = خورشید»، سنسکریت mitrá «دوست» (§9.VI, §33, §49c, §78, §148.III). مقایسه شود با -vaumisa- و احتمالاً -hamiçiya-.

mit[ra] A²Hb; M¹tra (§22) A²Sd 4, A²Ha 6; m¹θra A²Sa 5, A³Pa 25. بعنوان وابستگی (§313.II), m¹tra A²Ha 5°, m¹θra A²Sa 4.

muθ- فعل، نگاه کنید به -mauθ-.

mudrāya- صفت «مصری»؛ نیز در حالت جمع، ایالتی از امپراتوری ایران، «مصر»؛ در حالت مفرد مذکر بعنوان اسم، «مصر»، نام ایالتی است: عیلامی -mu-is-sa-ri-ia اکدی (§6, §76.V) mi-šir.

A?P 19. فاعلی مفرد مذکر mudrāya: «مصری» (۱).

DSf 50f,52,55. فاعلی جمع مذکر mudrāyā.

DPe 11f. فاعلی جمع مذکر mudrāyā: «مصریان» بعنوان یک ایالت (۲).

DB 1.15,2.7°; DNa 27; DSe 26°; mudrāya مفرد مذکر: «مصر» (۳). DSf 41; DZc 11f. ازی مفرد مذکر mudrāyā.

DB 1.32,33; DZc 8. مفعولی صریح مفرد مذکر mudrāyam.

DSf 41; DZc 11f. ازی مفرد مذکر mudrāyā.

DZc 9. دری مفرد مذکر mudrāyaiy.

ya- ضمیر موصولی «که»، تعمیم یافته بوسیله پی‌چسب -ciy- (مقایسه شود با -ya- یونانی ös, هندواروپایی آغازین (Hz. ApI 355-6).

io- نیز نگاه کنید به yātā, yaθā, yadā, yadiy, yaniy, yāvā
 ya-ci-y فاعلی مفرد خنثی (§105, §130, §197) DNb 57.
 ya-ci-y مفعولی مفرد خنثی DNb 35, 36.

yautiyā اسم «یاوتیا»، ناحیه‌ای در پارس: عیلامی ia-ú-ti-ia اکدی i-ú-ti-ia
 yautiyā DB 3.23 فاعلی مفرد مونث

yaud- فعل «در آشفتگی بودن»، بن مضارع yauda- : اوستا-yaoz «جوشیدن» (§88)،
 بن مضارع yaoza- (Hz. AMI 8.67, ApI 362-5)؛ نه از اوستا yaod-
 «جنگیدن»، سنسکریت yudh-، به سبب تمایز و اختلاف در بن مضارع (اوستا
 yūidyēiti، سنسکریت yúdyati) (JAOS 58.116).

ayauda XPh 31f (§213) ماضی استمراری
 (نه āyauda «شورش»، در حالت فاعلی مفرد مذکر، بصورتی که Henning,
 BSOS 10.505 اختیار کرده و براساس تحریر اکدی رد شده است).
 ayaudaⁿ جمع سوم ماضی استمراری (DSe 33. II) (§232)
 yau[daⁿtim] صفت فاعلی معلوم، مفعولی صریح مفرد مونث (§190, §240)
 DNa32.

yauna- صفت «ایونیایی»؛ نیز در حالت جمع، ایالتی از امپراتوری ایران؛ مفرد مذکر، بعنوان اسم
 «ایونی»، نام ایالتی است: عیلامی (i)-ia-u-na، اکدی ia-ma-nu، یونانی Ιωνία
 A?P 26 فاعلی مفرد مذکر yauna: «ایونیایی» (۱)
 (§56. III) بعنوان فاعلی مفرد مذکر DSf 33f, 48؛ جمع مذکر yaunā
 A?P 23.

DPe 12f; DNa 29; DSe 27f; DSm 10; XPh 23. جمع مذکر yaunā: «ایونیایی‌ها» بعنوان یک ایالت (۲)

DB 1.15; DNa 28; DSm 8. فاعلی مفرد مذکر yauna: «ایونی» (۳)
 DSf 42f. از ی مفرد مذکر yaunā

yāumani- صفت «آزموده، ماهر»: صفت از yauman-، با ویژگی vridhhi

می‌کند، محکم می‌کند»، مقایسه شود با 365-6 Hz. ApI (نه مطابق با نظر Sen 249، «چابک»، از -yāuman-aina*، مونث -Ā-). نیز نگاه کنید به -ayāumani-.

DNb 40. (127; Lg. 15.173) با توارد آوایی (فاعلی مفرد مذکر yāumainiš

-yauviyā اسم «نهر» (§48): فارسی نو «جوی»^(۲۲)، مقایسه شود با احتمالاً سنسکریت (ودایی) yavyā «نهر، رود»؛ احتمالاً مشتق (§144.V) از ریشه -ay/i-/yā- «رفتن» (JAOS 62.271).

DZc 10. فاعلی مفرد مونث yauviyā.

DZc 8f, 12. مفعولی صریح مفرد مونث yaviyām.

-yakā اسم (§6, §143.IV) نوعی چوب (بلوط، Scheil 25.28، در این صورت، واژه دارای خویشاوند نیست، Bv. BSLP 30.1.61؛ «سروافغانی» König, Burgbau 54-61؛ «توت» Wb. AfoF 7.42؛ «ساج»، Hz.AMI 3.61-2؛ بدون تردید در مجموع «الوار» معنی نمی‌دهد، چنانکه از سوی Gray, AJP 53.68 اختیار شده است).

DSf 34. فاعلی مفرد مونث yakā.

yaciy نگاه کنید به -ya-.

yātā حرف ربط و حرف (اضافه) پیشایند؛ احتمالاً yā در حالت بایی مفرد خنثی، و یا -ya^t در حالت ازی مفرد خنثی از -ya بعلاوه -tā- همانگونه که در citā دیده می‌شود، نگاه کنید به مدخل مربوطه (به اشتباه در Sen 11).

DB 1.25, 54, 69; 2.28, 48, 63; DNa 51; DNb 23; DSf 24; XPh 45f. 'مادامی' DB 2.6; 3.77. 'درحالی' که DB 4.81. 'زمانی' که 24; DSf 32, 34. حرف (اضافه) پیشایند با حالت دری، «تا» (۲).

۲۲. واجنویسی کنت: ȳō، که می‌باید بصورت ȳō واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت مربوط به -kaufa-

حرف (اضافه) پیشایند مضاعف *yātā ā* با حالت ازی (۳) (نه، با حالت مفعولی صریح چنانکه از سوی Schwentner, ZII 6.173 اختیار شده است)، «تا»: Dph 6,7; DH 5,6.

yaθā حرف ربط: اوستای گاهانی *yaθā*، اوستای متاخر *yaθa*، سنسکریت *yāthā* ضمیر موصولی *ya-* بعلاوه پسوند قیدی *-thā* (§76.II, §113) در هندی باستان به یک فعل بجز زمان حال التزامی که در فراکردهای زمان، زمان آینده را نشان می‌دهد، نیاز دارد (DNb 28f)؛ جزئیات نحوی، §295.

۱) «چنانکه»: DB 1.23 (*yaθā-šām*), 63, 67, 69; 4.35, 52; 5.17°, 29, 33°; DNa 37; DSj 3; DZc 11°, 12.

۲) (به اشتباه در DNb 39 (Hz. ApI 362): فراکردهای قیاس، «بعلاوه، و...هم» ۳) «هنگامی که»: CMb 3; DB 1.31, 91°; 2.22, 65; 3.34; DNb 28f (*yaθā-maiy*); DSi 3; XPf 25, 32 (*yaθā-maiy*), 36; XPh 29 (*yaθā tya*).

۴) *pasāva* پیشایند یا پسایند، «پس از»: DB 1.27, 33, 72, 73; 2.32, 52; 3.3; 4.5; 5.3; DNa 31f; DSf 25; XSc 3°.

۵) DB 4.44: آغازگر فراکرد مفعولی، «که» ۶).

DB 1.70; DSe 35, 39: آغازگر فراکرد نتیجه، «برای اینکه» ۷).

DB 4.63: «زیرا».

yad- فعل «تکریم کردن، پرستیدن»، معمولاً میانه: اوستا *yazaite*، سنسکریت *yājati*، یونانی *açetai*، هندواروپایی آغازین **iağ-* (§88, §113). نیز نگاه کنید به *āçiyādiya-*, *āyadana-*, *bāgayādi-*, *²yadā*.

XPh 53. (I) §213, §235. میانه *yadataiy*.

DB 5.16, 32; (III) §233. ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد *ayadaiy*; DSf 18°; DSk 5; XPh 40f.

DB 5.16, 32. (I) §220. ماضی استمراری مجهول *ayadiya*.

XPh (II) §220, §232. ماضی استمراری مجهول سوم شخص جمع *ayadiyaⁿ*; 36, 40.

yadātaiy میانۀ التزامی (§222.II, §235.I) DB 5.19, 34f.

yadaišā مفرد شخص میانۀ تمنایی (§223.II, §234.II) XPh 50.

yadiyaišaⁿ XPh 39.

مک‌توب بصورت §55.I, y^adaiy^aišā؛ مقایسه شود با §220, §223.II, §232.III)

ogden ap. JAOS 58.325) تمنایی مجهول سوم شخص جمع (Hz. AMI 8.67, ApI 357-8

yadiyaiš نه آینده Wb. Symbolae Koschaker 196) مفرد از نظر (Hz. AMI 8.67, ApI 357-8) مجهول از نظر

¹yadā- حرف ربط «جایی که»: اوستای گاهانی yadā، سنسکریت yadā؛ احتمالاً ضمیر

موصولی خنثی آریایی آغازین *iad بعلاوه حرف (اضافه) پسایند ā.

yadā-tya XPh 35f (§133, §296)؛ مقایسه شود با yaθā tya XPh 29)؛

yadāyā XPh 39

(شاید اشتباه در نوشتار، §55.I؛ اما مقایسه شود با 477-8 Hz. AMI 8.66, ApI 358, Nyberg Rel.

²yadā- اسم «یدا»، احتمالاً «انسان» (بطوریکه در ترجمه عیلامی an-sa-an-mar 3.3

که بوسیله کامرون قرائت گردیده، مشاهده شده است؛ مقایسه شود با

166.n2)؛ نه اسم معنی yadā- «وفاداری» از ریشه yad- (نگاه کنید به مدخل

مربوطه)، بطوریکه معمولاً پنداشته می‌شود

A Foy, KZ 35.43; Hüsing, OLZ 8.513-6; Hz. ApI 244-9; Nyberg, Rel. 477-8). نیز به اشتباه

yadāyā DB 3.26. (\$141, §175) ازی مفرد مونث

yadiy حرف ربط «اگر، زمانی که»: اوستا yeiði، سنسکریت yādi احتمالاً ضمیر

موصولی خنثی آریایی آغازین *iad بعلاوه ادات اشاره i-، نحو §297.

DB 4.38f, 54, 57, 72f, 77; DPe 19, 22; DNa 38 : باوجه التزامی، «اگر» (۱)

(yadi-patiy); DNa 29 (yadi-vā؛ مقایسه شود با Hz. ApI 359)؛ XPh 47

→ بازمان حال اخباری؛ DNa 20f؛ باوجه تمنایی (§44, §52.VI)؛ (yadi-maniyāy;

DNa 25 (yadi-vā).

DB 1.38, 5.23, DSf 14؛ با ماضی استمراری وجه اخباری، «زمانی که» (۲)

DNa 38f, 39. → بازمان حال اخباری، «هر وقت»

yāna- اسم «لطف، موهبت»: اوستا *yāna-*؛ مشتق از *yam-*، احتمالاً **ya-* از **im-*، با بلند و پسوند *-na-(§147.I)*.

yānam DB 5.19, 35. فاعلی مفرد خنثی

yānam DPd 21, 23; XSc 4°. مفعولی صریح مفرد خنثی

yaniy حرف ربط «زمانی که، هر زمان»: حالت دری مفرد خنثی **yahmi* (= سنسکریت *yāsmi-n*، اوستا *yahmy-a* «زمانی که») از بن ضمیر موصولی *ya-*، همراه با *-n-* در برابر **yanā* در حالت بایی مفرد خنثی، مقایسه شود با *tyanā* در حالت بایی مفرد خنثی، از *tya-* (با احتمال بسیار ضعیف *yanaiy* در حالت دری، ساخته شده روی بن *yana-* بیرون آمده از **yanā* در حالت بایی مفرد خنثی، بگونه‌ای که از سوی Bthl. AiW 1262 اختیار شده است؛ نه صورت اشتباه نوشتاری بجای *tyanaiy*، همانگونه Müller, WZKM 7.112 پنداشته است؛ نظریه‌های دیگر در Tm.Lex.120، نگاه به مدخل مربوطه). نحو §296.

XV 22.

yam- فعل «دست درازی کردن، تصرف کردن»: اوستا *yam-*، مضارع *yasaiti*، سنسکریت *yam-*، مضارع *yácchati*، فارسی باستان بن مضارع *ya-*، هندواروپایی آغازین **im-ske-*. نیز نگاه کنید به *yāna-*. §97، ماضی استمراری میانه **āyasatā*: «دست درازی کردن، (میانه) برای خود گرفتن» *-ā+yam* (§212, §235.II) DB 1.47; 3.4, 42f.

A در مورد ساخت صرفی *[a]tīya[si]ya*، نگاه کنید به پیوست.

A ماضی استمراری وجه سببی **nīyasaya*: «فروفرستادن» (وجه سببی)؛ «ارزانی داشتن، فروفرستادن» *ni- + yam-* (§23.I, §140.III, §215) DNb 5, 46, 49 (Jn.JAOS 38.123-4; MB Gr. §199; Johnson, Gr. §478b; Hz.ApI 359-61).

yāva حرف ربط «تا زمانی که»، حالت بایی مفرد خنثی از **yāva-*، گسترش ضمیر موصولی هندواروپایی آغازین **io-*، آریایی آغازین **ia-*، مقایسه شود با

سنسکریت *yāvāt*، اوستا *yavata*، یونانی *εως* (از **iāuos*)؛ به احتمال ضعیف از **yāva' ā* برابر با اوستای گاهانی (یسنا ۴۳ بند ۸) *yavat ā*، همراه با ادغام (Wackernagel, KZ 46.275-80) با وجه التزامی برای نشان دادن زمان آینده (§298) DB 4.71,74,78

rā- فعل «دادن، مستقل کردن، بخش کردن»: اوستا *rā-* «دادن، بخشیدن» (Bthl. AiW 1518)، سنسکریت و دایی *rāti*. (Cam. JCS 5.51; Kent JCS 5.55, JAOS 72.13)

A *rādiy* امر دوم شخص مفرد DB 4.54. (§237.I)

raucah- اسم «روز»: اوستا *raočah-* «روشنایی»، پهلوی *rōč*، فارسی نو «روز» (۲۳)، سنسکریت *rōcas-* «روشنایی»، هندواروپایی آغازین **leuqos* (§70, §107, §156.II)، مقایسه شود با یونانی، صفت *λευκός* «روشن».

rauca فاعلی مفرد خنثی DB 3.8. (§119, §185.I)

DB 1.20. مفعولی صریح مفرد خنثی (§99, §133) *rauca-pati-vā*

DB 1.38, 42, 56, 89f. بایی جمع خنثی *raucaibīš* (§119, §185.I) 96; 2.26, 36, 42, 47, 56, 69f, 98°; 3.18f, 39, 47, 63, 68, 88f.

rautah- اسم «رود» (§166): فارسی نو «رود» (۲۴)، سنسکریت *srōtas-* «جریان آب، رودخانه»، هندواروپایی آغازین (§118.II, §156.II) از ریشه **sreu-* «جاری شدن»؛ همانند اوستا *θraotah-* با ویژگی سندهی در آغاز (Bthl. Gdr. IP 1. §87.n2, AiW 800).

ساخت بی‌تسلسل در عبارت نامگذاری، فاعلی مفرد خنثی *rauta*

→ *raut-*, Mt. MSLP 19.56-7, MB Gr. §167, §316) DZc 9.

۲۳. واجنویسی کنت: *rōz*، که باید بصورت *rūz* واجنویسی می‌شد. در مورد واج */ō/* نگاه کنید به یادداشت مربوط به *kaufa-*.

۲۴. واجنویسی کنت *rōd* است که باید بصورت *rūd* واجنویسی می‌شد زیرا در فارسی نو */ō/* به */ū/* و */d/* به */d/* تبدیل شده است.

raxā اسم «رخا»، شهری در پارس: عیلامی rak-qa-an (§100).
DB 3.34 فاعلی مفرد مونث raxā.

raxθatuv- DNb 60، وجه امری فعلی، بدون ریشه‌شناسی و معنی مشخص
(§76.II, V, §103.III, §213, §237.II)، احتمالاً «زدن، تنبیه»، مقایسه شود با
تحریر اکدی (Lg.15.174؛ نیز نگاه کنید به Hz.ApI 284-5).

raⁿga- اسم «سرعت، شتاب»: اوستا rang- «سریع، به سرعت رشد کردن»
(Bthl. AiW, 1511)، سنسکریت rahate «شتاب می‌کند، تسریع می‌کند».
rahas- خنثی «سرعت، شتاب» (برای پیوستگی‌های بیشتر، نگاه کنید به
(Uhlenbeck, Wrtb.d. altind. Sprache 241).
مفعولی صریح مفرد خنثی (یا مفعولی صریح مفرد مذکر؟) بعنوان قید ragam
(§143.I, §191.III) DB 4.44
احتمالاً با تحول به «مشتاقانه» یا «با اطمینان».

ragā- اسم «رگا»، ناحیه‌ای در ماد: عیلامی rak-qa-an اکدی 'ra-ga-، یونانی ράγας
اکنون شهر «ری» نزدیک تهران.

DB 2.71f. فاعلی مفرد مونث ragā.

DB 3.2f. ازی مفرد مونث ragāyā.

raθa- اسم «گردونه» (§76.II, §143.III)، نگاه کنید به uraθa-.

¹rad- فعل «رها کردن»: سنسکریت rah- مضارع rahati «جدا می‌کند، رها می‌کند»،
از هندواروپایی آغازین -regh^{*}، اوستا razah- «جدایی»، یا از هندواروپایی
آغازین -redh^{*}، فارسی نو (از طریق پهلوی اشکانی) «رَهْد»؛
Fr. Müller, WZKM 11.203-4; Foy, KZ 37.564-5; Bthl. AiW 1505; MB Gr. §192
وجه تاکیدی دوم شخص مفرد avarada: «رها کردن، ترک کردن» -ava- + rad-
DNa 60. (§213, §224, §227.II, §237)

²rad- فعل «فرمان دادن»، اوستا raz-، سنسکریت rāj- «سلطنت کردن»، لاتین regō «من

فرمانروایی می‌کنم، حکومت می‌کنم»، هندواروپایی آغازین **reg-*؛ در *uradana-*، *rāsta-*.

rādiy حرف (اضافه) پسایند (§133) «به سبب»، با حالت وابستگی: فارسی نو «را»، حرف (اضافه) پسایند پی‌چسب در «چرا»، نیز اداتی برای کاربردهای گوناگون، معمولاً وندی برای مفعول صریح جهت تصریح؛ سلتی و ساکسونی کهن *radi*، حرف (اضافه) پسایند با حالت وابستگی، «به سبب»؛ حالت دری مفرد از *rād-* (188.III)، از ریشه موجود در سنسکریت *rādh-* «موجب شدن، کامل کردن» (نه از *rad-*²، هندواروپایی آغازین **reg-*، از نظر Hz. ApI 280). DNb 9,10f؛ نیز در *avahyarādiy*، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

ram- فعل «در آرامش بودن»، با پیشوند *ā-*، در *ariyāramna-*، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

rasa- بن مضارع فعل، نگاه کنید به *ar-*.

rāsta- صفت «راست، درست، حقیقی»، با حالت خنثی بعنوان اسم؛ وجه وصفی از *rad-*²؛ اوستا *rāšta-*، پهلوی ترفانی *rāšt* «حقیقی»، لاتین *rectus* «راست»، هندواروپایی آغازین **rekto-* (§93, §93.n1.2, §106, §122, §126, §242.II). مقایسه شود با *arštā*.

rāstām DNa 59 مفعولی صریح مفرد مونث.

rāstam DNb 7 مفعولی صریح مفرد خنثی؛ DNb 11 فاعلی مفرد خنثی.

rtaiyaiy ... نگاه کنید *vart-*.

labanāna- (یا *labnāna-*) اسم «لبنان» (§6, §107)، کوهی در سوریه که برای درختان سدرش شهرت دارد.

labanāna DSf 31 فاعلی مفرد مذکر.

-vā حرف ربط پی‌چسب «یا» (§133, §291.III) *-vā...-vā-* «یا... یا...»: اوستا *vā*، سنسکریت *vā*، هندواروپایی آغازین **uē*، مقایسه شود با لاتین *-ve*.

xšapa-vā rauca-pati-vā DB 1.20.

hya-vā DB 4.68.

imai-vā DB 4.71, 73, 77.

yadivā DNb 25, 29.

vaina- بن مضارع فعل «دیدن، (میانه) بنظر آمدن»: اوستا-*vaēna*، فارسی نو «بیند»، سنسکریت *vēda* «می داند»، *vindāti* «می یابد»، لاتین *videt* «می بیند»، *vidētur* «بنظر می رسد»؛ آریایی آغازین **uaidna-*، ایرانی آغازین **uaina-* (§69, §83.I, §130, §210.III; Reichelt, Aw. Elmb. §157). نیز نگاه کنید به *vidafarnah*.

vaināmiy مفرد شخص اول (§226.I) DNb 36, 36f, 39, 40.

avaina ماضی استمراری DB 2.76, 90; DNb 32.

vainataiy مجهول بعنوان میانه (§235.I) DNb 2; XPa 16.

vaināhy مفرد شخص دوم التزامی (§37, §222.II, §227.I) DB 4.70, 73, 77; DNb 29.

vainātiy التزامی (§222.II) DSj 5°.

vainātaiy مجهول بعنوان میانه التزامی (§222.II) DNb 35.

va^hu- صفت «خوب» (§11, §153.I)؛ خنثی بعنوان اسم «بهی، بهی (دینی)»: اوستا، فاعلی مفرد مذکر *varṇhuš*، فاعلی مفرد خنثی *vohu*، سنسکریت، فاعلی مفرد مذکر *vásuḥ*، فاعلی مفرد خنثی *vásu*، هندواروپایی آغازین **uesu-*، در *vahauka-*, *vahyazdāta-*, *dārayavau-*, *vaumisa-*

va^humisa- اسم «وأمیس»، یکی از سرداران داریوش: عیلامی *ma-u-mi-iš-šá* اکدی *ù-mi-is-si*، یونانی (پلوتارخ) *Quionys*؛ بصورت مرکب *va^hu-* و *miθra-* «دوست» (§49c, §78, §148.III): «دوست خدا» (§160.Ib; cf. MB Gr. §51).

vaumisa فاعلی مفرد مذکر DB 2.49, 51, 62.

vaumisam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.53, 58.

vaxš- فعل «رشد کردن»، نگاه کنید به *uvaxštra-*.

vaj- فعل «چشم» در آوردن، مقایسه شود با JAOS 62.274: ریشه‌شناسی نامعلوم (Bv. Origines 7 و Foy, KZ 35.39 سوی 7 و 35.39).
 avajam DB 2.75, 89. ماضی استمراری اول شخص مفرد

vaçabara- اسم «کمانور» (JNES 4.233): vaça- «کمان» (§78, §148.III);
 پیوستگی‌های غیر قطعی در Wb. AbkSGW 29.1.42، و نیز در Bv.Gr. §105
 بعلاوه bara- (§160.Ia)، از ریشه bar- «بردن».
 DNd 1. فاعلی مفرد مذکر vaçabara

van- فعل «چیره شدن، انباشتن»: اوستا-van «برتری یافتن»، مضارع
 A vanaiti (van-¹ Bthl. AiW 1350؛ مقایسه شود با JAOS 53.15-6،
 Wb. AfoF 7.41, Hz. ApI 346-7)، سنسکریت vānati «آرزو می‌کند، با
 تلاش بدست می‌آورد»، گوتیک winnan «دچار بودن»، انگلیسی نو win.
 DSf 25.29 (§220) ماضی استمراری مجهول avaniya
 نه akaniy از سوی Scheil 21.26; König, Burgbau 32
 Hz. AMI 3.49, 54; Schaeder, Ung. Jrb. 15.562 قرائت شده است).

vayam ضمیر فاعلی جمع «ما». نگاه کنید به adam.

vāyaspāra- اسم «وایسپار»، پدر ویندفرن: عیلامی +mi-iš-par- اکدی
 'mi-is-pa-ru- بنابر Foy, KZ 35.63، vayat- «بافندگی» (§162, §240)، با
 ویرگی vridhhi (§126) بعلاوه spāra- «محافظ» (§116 §143.III) «مردی با
 محافظ حصیری» (§163.Ib)؛ مقایسه شود با اوستا spāra-dāšta چنانچه
 معنی «سپر در دست» بدهد (لقب aši؛ معنی مزبور نامناسب بوده و بنابراین
 ریشه‌شناسی از سوی Bthl. AiW 1358-9 رده شده است).
 DB 4.83. وابستگی مفرد مذکر vā[ya]sp[āra]hyā

var- فعل «پوشاندن، محافظت کردن؛ (میانه) گزیدن، متقاعد کردن»: اوستا var-،
 مضارع varənav- (var-¹، var-²، var-⁴ از Bthl. AiW 1360-3 و احتمالاً var-³،

از نظر ساخت و معنی قابل کاهش به یک ریشه هستند)، سنسکریت *vr̥ṇōti*،
گوتیک *warjan* «واگرداندن»، لاتین *operit* «می پوشاند» (از **op-uer-*)؛
فارسی باستان، بن مضارع *varnava-* (§30, §210.I)، بصورت تماتیک. نیز نگاه
کنید به *-duvarθi-*, *fravarti-*.

varnavataiy میانہ (§235.I) DNb 23.

avar[navatā] ماضی استمراری میانہ (§235.II) DSf 17 (Hz. AMI 3.43;
Kent, JAOS 53.II).

varnavātaiy التزامی میانہ (§222.III) DB 4.49.

varnavatām امر میانہ (§237.IV) DB 4.42, 53.

vāra- اسم، نگاه کنید به *-uvārazmī-*.

varka- اسم «گرگ»، نگاه کنید به *-varkāna-*.

varkāna- اسم «گرگان»، ناحیه جنوب شرقی دریای کاسپین (۲۵) (§166.I): عیلامی
mi-ir-qa-nu-ia-ip «گرگانی ها»، پهلوی و فارسی نو «گرگان»، یونانی
γρκαῖα (§30, §99, §107)؛ «سرزمین گرگ»، مشتق از هندواروپایی آغازین
**ulq^uo-*، اوستا-*vāhrka-*، سنسکریت *vrka-*، لیتوانیایی *vilkas*، گوتیک *wulfs* -
(§143.III): نیز نگاه کنید به *-varkazana-*.

varkāna DB 2.92f. فاعلی مفرد مذکر

varkazana- صفت «وَرکَزَن»، هشتمین ماه، برابر با اکتبر - نوامبر: عیلامی
marqašanaš اکدی *araḥsamna* از *varka-* «گرگ» (§143.III) بعلاوه *-zana-*
A «مرد» (§9.IV, §88, §120): «ماه گرگ مردان» (§161.IIb).

DB 3.88 وابستگی مفرد مذکر [varkazanahya]

بازسازی شده پس از صورت عیلامی (نگاه کنید به 7-56 *Wb. KIA*؛ a نخست
یا سوم ممکن است بلند بوده باشد).

varga- اسم، نگاه کنید به *haumavarga*.

vart- فعل «گرداندن»، متعدی در حالت معلوم، انعکاسی، یا لازم در حالت میانه: اوستا - *varət-* سنسکریت - *vrt-* مضارع *vārtati*, *vārtate*، لاتین *vertit*، آلمانی *werden* «شدن»، هندواروپایی آغازین **uert-*.

[va]rtaiyaiy مفرد اول شخص میانه وجه سببی (§31, §48, §215, §233.II; JAOS 62.275, 63.67-8) DB 4.44

(قرائت کامرون؛ نه *upa- + ā + vart-* با *[upāva]rtaiy =* با تکرار اشتباه در *t^aiy^aiy^a*، چنانکه از سوی 122, Lex. 1.30-1, Tm.Vdt. Stud. پیشنهاد شده است؛ برای بازسازی‌های دیگر نگاه کنید به، Gray JAOS 23.60-2, (Bthl. WZKM 22.69, Wb.ZDMG 61.728, HK Phil. Nov. 3.103, ApKI 1.61, 2.28

vard- فعل «کارکردن»: اوستا - *varəz-*، یونانی *ἐργον* «کار»، آلمانی *werk*، هندواروپایی آغازین **uerg-*؛ در *artavardiya*.

vardana- اسم «شهر»: اوستا - *vərəzəna-*، اوستای متاخر *varəzāna-* «اجتماع»، سنسکریت - *vṛjāna-* «فضای بسته»، هندواروپایی آغازین **urgeno-* (§30, §147.I) از ریشه **uerg-*، سنسکریت - *vṛj-*، یونانی *ἐργω* «من می‌بندم» (برای بحث ریشه‌شناختی، با نظری دیگر، نگاه کنید به 9-12.297, Hall, Lg.) *vardanam* فاعلی مفرد خنثی DB 1.92; 2.9°, 22, 66, 95f; 3.5, 22, 34, 51f; DSe 45f.

vasiy قید (§191.III) «مطابق میل، بسیار زیاد، کاملاً»؛ بعنوان اسم تصریف ناپذیر «بسیار»: پهلوی ساسانی *vas*، فارسی نو «بس»؛ حالت دری اسم - ریشه *vas-* (§9.VI, §87, §142) از ریشه هندواروپایی آغازین **uek-*، اوستای گاهانی *vasəmi* «من آرزو می‌کنم»، یونانی (کرتی) *ἐκωv* «مشتاق»؛ با احتمال کم *vasaiy* (§97)، حالت دری از بن تماتیک *vasa-* (**uek-ske-*)، بنابر §114 (MB Gr.)، از بن زمان حال همان ریشه. نیز نگاه کنید به *vašnā*.

DB 1.34, 51, 89, 95; 2.26, 36, 41, 46, 55, 61, 69, 98°; 3.7, 18,

39, 46, 63, 68; 4.46, 56, 75; 5.25°; DNb 26f; DSe 31°, 43; XPa 13; XPf 26, 37; XPg 3f; XV 19.

vašdāsaka واژه‌ای نامشخص در Sc، احتمالاً نام مردی است (§163.VII).

vašnā- اسم «خواست، لطف»: اوستا-vasna: مشتق (§96, §147.I) از ریشه vas- «آرزو کردن»، نگاه کنید زیر مدخل vasiy (Mt. MSLP 17.354-6; Hz. ApI 349.52) بن-vašna- بنابر §267 MB Gr. و Bthl. AiW 1893 و نه vasan- از نظر Sen 5). vašnā بایی مفرد مذکر AmH 7; AsH 10; DB 1.11, 13f, 18, 22, 26, 59f, 68, 70, 88, 94°; 2.3°, 25, 35, 40, 45, 54, 60, 68, 86, 97; 3.6, 17, 37f, 45, 62, 67, 87; 4.4, 6, 41, 46, 52, 60, 88; 5.16, 32; DPd 4, 9; DPe 6; DNa 16, 35, 49; DNb 6, 47; DSa 4; DSd 3; DSe 15, 34, 42; DSf 12, 21°; DSfv 55f; DSI 4; DSj 5; DSI 2; DSm 5; DSo 3°; XPa 11, 16; XPb 26; XPc 10; XPd 16; XPf 34, 43; XPg 2f, 7f (vašnā[pil]y §139 → Bv. BSLP 34.1.33, بیشتر از vašnā[ci]y Lg. 9.229-30); XPh 14, 33, 36f, 44; XSa 1; XV 18f; A¹Pa 18°; D²Sb 4°; A²Sa 4°; A²Sd 3; A²Ha 5; A²Hc 16.

vazraka- صفت «بزرگ»: فارسی نو «بزرگ»؛ مشتق از *vazra-، اوستا-vazra- «گرز»، سنسکریت -vājra «آذرخش ایندرا»، هندواروپایی آغازین -uegro*، از ریشه -ueg* «نیرومند بودن»، سنسکریت vajati، لاتین veget (§9.III, §88, §120, §128, §143.II, §146.II, §154.I) برای -zra-، مقایسه شود با Bv. Origines 15، در برابر vazrka- و vazarka-، مقایسه شود با W.Henning, GN 1932.224.An8 و Schaeder, SbPAW 1935.489.nl.

vazraka فاعلی مفرد مذکر AmH 1,7; AsH 1, 6; CMb 1°; CMc°; DB 1.1; DBa 1; DPa 2; DPb; DPd 1; DPe 1f; DPh 1; DNa 1,8f; DNb 1; DSa 1; DSb 3; DSc; DSd 1; DSe 1°, 8°; DSf 1°, 6; DSg 1°; DSI 1; DSj 1; DSk 1; DSm 1; DSp 1°; DSs 1°; DSy 1; DZb 1; DZc 1,5;

DE 1,13; DH 1; XPa 1,6; XPh 1, 13, 23; XPc 1, 6,10; XPd 1,9, 15f; XPe 1f; XPf 1, 9; XPg 2; XPh 1, 7; XPj;XSc 1°; XE 1, 13; XV 1, 10; A¹Pa 1°, 10°, 18°; A¹I; D²Sa 2;D²Sb, 1°; A²Sa 1; A²Sb; A²Sc 2; A²Sd 1; A²Ha 1; A²Hb;A²Hc 1, 7f; A³Pa 1, 9; Wa 4f; Wb 2; Wc 3; Wd 3; SXa 2; XV_s; AV_{sa}.

vazrakam مفعولی صریح مفرد خشتی DSf 11; DSm 4; DZc 4.

vazrakāyā دری مفرد مونث DNa 12; DSe 10f; DZb 4; DZc 6; DE 18; XPa 9; XPb 18; XPc 8; XPd 12; XPf 12f; XPh 10; XE 17f; XV 13f; A¹Pa 13f; A²Hc 17.

vah- فعل «اقامت کردن»، نگاه کنید -āvahana.

vahauka- اسم «وَهْاوک»، پدراردومنیس: عیلامی ma-u-uk-qa، اکدی ù-ma-ah-ku. صورت مصغر اسمی که با -va^hu «به» آغاز می شود، همراه با ویژگی guna در هجای دوم و پسوند -ka-(§146.II, §153.I, §164.III)؛مقایسه شود باBthl.AiW 1394-5.

DB 4.86 وابستگی مفرد مذکر vahau[kah]y[ā].

vāhara- اسم «هنگام بهار»، نگاه کنید به -θūravāhara.

vahyav'šdāpaya (§22)، واژه‌ای نامشخص در Sd، احتمالاً نوشتار مخدوش نام یک مرد (§163.VII).

vahyazdāta- اسم «وهیزدات»، شورشی پارسی: عیلامی mi-iš-da-ad-da، اکدی ù-mi-iz-da-a-tù از -vahyah «بهتر» (§120, §156.III)، اوستا -vaṇhah، سنسکریت -vásyas، ترکیب فارسی باستان -va^hu (§190.II)، بعلاوه -dāta «قانون»: «پیرو قانون بهتر (=ایمان حقیقی)» (§161.IIa).
DB 3.22, 35, 41, 54, 60, 70f; 4.26; DBh If.

vahyazdātam DB 3.27f, 48, 50. مفعولی صریح مفرد مذکر

vahyazdātahya (§36.IVc) DB 3.38f, 46. وابستگی مفرد مذکر

vi- پیشوند «دور از، جدا»: اوستا *vī*، سنسکریت *vi*؛ با ریشه فعلی *kan-*, *jan-*, *tar-*, *naθ-*, *mard-* و احتمالاً در اسامی *vidarna-*, *vivāna-*, *vištāspa-* صفت *viyaxna-*.

viθ- اسم «خانه، دربار، خانواده سلطنتی» (JNES 4.232): اوستا *vīs-* «خانه» اریایی، سنسکریت *viś-* «خانه، مسکن»، یونانی *oikos* «خانه»، لاتین *vīcus* «دهکده» (§22, §87, §114, §142). صرف *§188.IV, V*.

viθam DB 1.69, 71. مفعولی صریح مفرد مونث *AsH* 12f; *DPe* 24; *DPh* 10; *DNa* 53; *DSe* 51; *DSt* 9°; *DH* 8; *XPh* 58; *A²Hc* 20.

viθam DB 1.69, 71. مفعولی صریح مفرد مونث

viθā-patīy DB 2.16°; 3.26. بایی مفرد مونث (Foy, KZ 35.37-8, 37.556; Hz. ApI 352-4)

viθiyā CMb note: *DPc*; *DPi*; *DNb* 30; *DSg* 3°; *XPi*°; *XH*; *A¹I. viθi[yā]* DB 4.66. دری مفرد مونث

(§252I) بجای مفعولی صریح جمع مونث (§87, §188.V) بایی جمع مونث *viθi-ā-* DB 1.65 «خانهها» Gray, JAOS 33.281-3; Morgenstierne, Tm. Lex. 125-6) برای نظرهای گوناگون؛ *Acta Or.* 1.248-9; *Sen* 23 با معنی ازی).

viθa- صفت، احتمالاً «سلطنتی، از خاندان سلطنتی»، از *viθ-* «دربار» (Wb. KIA 81n.) باشد «همه» از *visa-* «همه» است به معنی «همه» (MB Gr. §282; Tm. Lex. 125; §143.II)؛ اما براساس ترجمه اکدی ممکن است به معنی «همه» از *visa-* «همه» باشد (Wb. KIA 81n.). *viθaibiš* DPd 14, 22. 24. بایی جمع مذکر

viⁿdafarnah- اسم «ویندفرن»، نام یک پارسی، پیرو داریوش علیه گئوماتا: عیلامی *mi-in-da-par-na* اکدی *mi-in-da-par-na*، یونانی *Ἰνταφέρνης* از *vindat-* «یافته» (§240, §211, §162, §111); مقایسه شود با فارسی باستان *vaina-*

§83.I)، سنسکریت vindāti «می‌یابد»، بعلاوه farnah- «فرّه» با f- مادی x^varənah- اوستا (-farna)، وام گرفته از آرامی §9.II, §9.n2, §118.IV)، «شکوه شاهی»، هندواروپایی آغازین *suel-nos (§29.n2, §31, §107, §156.II)، مقایسه شود با یونانی (suel-ns) *σελας «درخشش»، سنسکریت svār «خورشید»: «یابنده فره»

(Foy, KZ 35.5n; Mt. MSLP 17.107-9; MB Gr. §104; Morgenstierne, Acta Or.1.249-50; Andreas ap. Lentz, ZII 4.288; Bv. BSLP 31.2.72-6).

نظر دیگر در مورد farnah- Bailey, Zoroastrian Problems 1.77, esp.1-3, 73-7، در اصل «چیز بدست آمده یا آرزو شده»، جاییکه «چیز(های) خوب، نیکبختی، بخت» مطرح باشد، از آریایی آغازین *suar-، اوستا x^var- «بدست آوردن، خوردن، بویژه خوردن غذا».

DB 3.84, 86, 88; 4.83. فاعلی مفرد مذکر vidafarnā

vidarna- اسم «ویدرن»، نام یک پارسی، پیرو داریوش علیه گئوماتا: عیلامی mi-tar-na، اکدی -mi-da-ar-na، یونانی ὕδαρνης. Yδάρνης احتمالاً vi- «جدا از» بعلاوه dar- «داشتن» در معنی «حمایت کردن، امنیت» (§31, §147.I, §164.II, IV)، مقایسه شود با اوستا vi-dar- «نگهداری کردن، حمایت کردن»، -darana- «دژ، محل پناه بردن» (Bthl. AiW 692)، سنسکریت vi-dhr- «نگهداشتن، نگهداری کردن، حمایت کردن»، -vidharana «کنترل، حمایت»؛ نیز Justi, INB 491 (با احتمال بسیار ضعیف از سنسکریت vidārna- «پاره شده»، از نظر Bthl. AiW 1443)؛ احتمالاً صورت کوچک شده یک ترکیب (§164.III).

DB 2.19, 21; 4.84. فاعلی مفرد مذکر vidarna

viyaxna- صفت «وی یخن»، ماه دوازدهم، برابر با فوریه -مارس: عیلامی mi(ia)kannaš، اکدی addāru، احتمالاً vi- بعلاوه جزء ناشناخته Cameron, Pers. Treas.Insc. 45، گرچه §103.III, §126, §147.I, §165)، اشاره می‌کند که واجنویسی‌های بسیار متداول عیلامی بیشتر صورت vlyxana- را نشان می‌دهند (مقایسه شود با §23.I)، احتمالاً از vi بعلاوه xan- برابر با

سنسکریت -khan «کندن» (مقایسه شود با فارسی باستان -kan) به معنی «(ماه) حفاری»، متناسب با فعالیت‌های کشاورزی ماه فوریه - مارس.
DB 1.37; 2.98; 3.68. viyaxnahya (§36.IVa) وابستگی مفرد مذکر

vivāna- اسم «ویوان»، نام یک پارسی، شهریان رخج: عیلامی ami-ma-na اکدی
-’-mi-ma-na؛ احتمالاً از -vi بعلاوه ریشه -van (§126, §143.I, §164.II, IV)
«فاتح، برنده» (با احتمال بسیار ضعیف -vivahana، مرتبط با اوستا
-vāh-vant- پدر جم، سنسکریت -vivāsvant- §131؛ علیرغم
(Bthl. AiW 1452, Hz. AMI 1.83.n2).

DB 3.55, 73. vivāna فاعلی مفرد مذکر

DB 3.58, 60, 65, 71. vivānam مفعولی صریح مفرد مذکر

visa- صفت «همه»: فارسی باستان (مادی) -vispa، اوستا -vīspa، سنسکریت -viśva،
آریایی آغازین -uiśua* (§90) در برابر هندواروپایی آغازین -uīko* (سلتی و
ساکسونی کهن -vīslā «همه» پس از -ua- در (سنسکریت) -sārva (نگاه کنید به
فارسی باستان -haruva; §150). نیز نگاه کنید به -visadahyu و مقایسه شود با
-viθa-, vispa-

DSa 5; DSj 6. visahyā وابستگی مفرد مذکر

DSj 2°, 4°; DSI 5. visam فاعلی مفرد خنثی

DNa 49; DSf 21; DSI 4°; XPa 16; visam مفعولی صریح مفرد خنثی
XPb 25f; XPf 42; XPh 44.

DB 5.24. (Cam. JCS 5.53-4) visā بایی مفرد مذکر

visadahyu- صفت «از یا برای تمام سرزمین‌ها یا ایالت‌ها» (§161.IIa): وامواژه در
عیلامی -mi-iš-šá-da-a-hu-iš- (با -vispa مادی) اکدی -i-’-iš-pi-da-a-’-u-
-visa «همه» بعلاوه -dahyu «سرزمین، ایالت».

XPa 12. (§53, §183.II) visadahyum مفعولی صریح مفرد مذکر

vispa- صفت «همه»: واژه مادی (§90, §9.III) برای فارسی باستان -visa، نیز در

vispadā, vispazana-
vispā از ی مفرد خنثی A²Sa 5°; A²Sda 4, dc 4 (v¹āspā db, §55.I; A²Ha 6°).

vi[s] padā- (§90) قید «همه جا، هرجا»: vispa- بعلاوه پسوند dā- (§191.II)
Kent JCS 5.55-6 JAOS 72.15) DB 4.92؛ قرائت از سوی کامرون، مورد
تایید قرار گرفته است).

vispazana- صفت «دارای همه (گونه) مردم» (§161.IIa): واماژه در عیلامی
mi-iš-šā-da-na از صورت فارسی باستان -visadana*: مادی vispa- «همه»
بعلاوه مادی zana- «انسان، مردم» (§90, §88, §9.III)
vispazanānām مونث جمع وابستگی DNa 10f; DSe 9f; DZc 5.

vištāspa- اسم «ویشتاسب»، پدر داریوش: عیلامی mi-iš-da-āš-ba اکدی
A uš-ta-as-pa یونانی *γοτασπης* جزء نخست یعنی višta-، احتمالاً وجه
وصفی از (اوستا) -vaēs «آماده عملی شدن» (Bthl. AiW 1326)، سنسکریت
viš- «وارد شدن»، جزء دیگر -aspa «اسب»: «دارنده اسب‌های آماده»
(§9.II, §9.n2, §93, §161.IIa, Lg. 21.55-8)؛ ریشه‌شناسی متداول بعید بنظر
می‌رسد: višta- وجه وصفی از -vi بعلاوه -had «نشستن، مستقر کردن»،
سنسکریت -vi-sad- «فروریختن، افسردن»، در مجموع به معنی «دارای اسبان
بی روح»، که می‌تواند اسمی شوم باشد؛ و این وجه وصفی باید در
فارسی باستان -višasta* یا معادل سنسکریت آن یعنی -višanna باشد، نه
-višta-؛ نیز Hüsing, OLZ 15.537-41 به اشتباه جزء نخست را بشکل مختصر
شده -vahišta «بهترین» پنداشته است).

vištāspa مفرد مذکر DSf 13; XPf 17f, 20. v¹štāspa (§22) DB
1.4; 2.93, 94, 97; 3.4, 7; DBa 5.

vištāspam مفرد مذکر DSf 57f. v¹štāspam (§22) DB 3.2, 3.
vištāspahyā مفرد مذکر DPa 4f; DPb; DPe 4; DPh 2; DNa
12f; DSc; DSd 2; DSf 7; DSg 2; DSi 2; DSj 1°; DSm 2°; DSy 2f;
DZb 5; DZc 6; DE 19f; DH 2; XPf 18f; A²Hc 14; Wa 5f; Wb 7f;

Wc 8f; Wd 8f. Vīštāspahyā (§22) DB 1.2f, 4; DBa 3, 5f; DSa 2; DSb 9f; DSe 11f; DSk 2; A²Sa 3; A²Sc 0°; A²Ha 4°; A³Pa 18f, 19.

višpauzāti- اسم «ویشپ اوزاتی»، شهری در پارت؛ عیلامی mi-iš-ba-u-sa-ti-iš. DB 2.95. فاعلی مفرد مونث viš[pa]uz[ā]tiš.

A sā- فعل «برپا ساختن، ساختن»: احتمالاً از هندواروپایی آغازین -kuā*, اوستا -spā «انداختن، پرت کردن، بزمین گذاشتن»، پهلوی اشکانی pari-sp «دیوار»

(König, Burgbau 49-50 مقایسه شود با §90; Bv.Gr. §113)، به اشتباه (Bv.BSLP 30.1.66-7).

fra- + sā- «برپا ساختن، ساختن» (§218.I, s دار مجهول frāsah[ya]: «برپا ساختن، ساختن» DSf 27 §220)

(اول شخص مفرد معلوم بصورت frāsaha[m] نیز ممکن است، چنانکه از سوی Kent, JAOS 53.15 پیشنهاد شده و n2 Schaefer, Ung. Jrb. 15.562. تایید نموده است)

saka- صفت «سکایی» (§116, §143.III)؛ مفرد مذکر بعنوان اسم «سگ» نام ایالت یا ناحیه است؛ جمع مذکر نیز بعنوان نام ایالت، معمولاً با توصیف کننده‌ها؛ (مقایسه شود با JNES 2.304-5 برای بحث‌های دیگر، مقایسه شود با A.Hermann, AfoF, Beiheft 1, Festschrift oppenheim 157-164 [1933] و (J. Kluge, Klio, Beiheft 41, Saka-Studien [1939]). عیلامی ā-ak-qa اکدی gi-mi(r)-ri یونانی Σkuθης, Σkuθrā نیز نگاه کنید به sakā- احتمالاً «سگ» در معنی خوب، برابر با «نگهبان گله‌ها»، هندواروپایی آغازین -kuon*, مادی σπάκα «سگ» (Herod. 1. 110)، مقایسه شود با Van Windekens, Beitr. z. Namenforschung. 1.98-102.

DBk 2. فاعلی مفرد مذکر saka: «سکایی» (۱)

DN xv; A?P 14, 15, 24. §56.III) فاعلی جمع مذکر بعنوان فاعلی مفرد مذکر sakā

DB 5.23°, 31. فاعلی جمع مذکر sakā

DB 5.22, 25. مفعولی صریح جمع مذکر sakā

sakaibiš مذكر جمع بجای ازى جمع مذكر saka (252F) DPh 5; DH 4.
DPe 18; DNa 25,25f, 28; DSe 24°, 25°; XPh 26 bis.
DB 1.16f; 2.8. saka مذكر «سک» (3).

sakā- اسم «سک»، صورت مونث واژه پیشین بعنوان اسم.
DB 5.21f. sakām مفعولى صريح مفرد مونث

siⁿkabru- اسم «عقیق»: عیلامى šī-in-qa-ab-ru-iš اکدى si-in-ga- + -ru-ù
(\$6,\$75.V, §116, §153.I; JAOS 54.57-8)
Bleichsteiner, WZKM 37.101-3; König, Burgbau 62-3;
Kent, JAOS 53.18, 54.37-8, «شنگرف», Hz. AMI 3.64-5 ApI 303-5;
Gray, AJP 53.68-9. «مار سنگ»
DSf 37f. sikabruš مذكر فاعلى مفرد

Sikaya^huvati- اسم «سیک یاوتی»، دژى در ماد: عیلامى šī-ik-ki-ù-ma-ti-iš اکدى
sik-kam-u-ba-at-ti-’ احتمالاً *sika-yas-vatī, صفت مونث مشتق از -ōikā-
(نگاه کنید به مدخل مربوطه، و نیز §9.I, §87, §152.II, §156.III, §157)
بنابراین «دژ سنگى» ساخته شده از دیوارى از قلوه سنگ و ملاط. مقایسه شود
با Hz. AMI 3.55-6.

DB 1.58. Sika[ya]uvatiš مفعولى مفرد مونث

siyamam صفت، در حالت مفعولى صريح مفرد مذكر بجای حالت فاعلى مفرد مذكر،
«ساخته شده از نقره»، A¹؛ نشانه‌هاى حرفى مشخص، اما واژه ناشناخته است
(§55.II, §56.V, §116, §149.I). ظاهراً بجای فارسى نو «سیم = نقره»، از
پهلوى asēm، وام گرفته از یونانى ἀσημιον «نقره (بى نقش)»، یونانى نو ἀσημι
«نقره»؛ اما بنظر مى‌رسد که این مورد در این دوره کهن و منسوخ باشد.
Hz. ApI 296-9 (نیز AMI 7.2-3, 8.10-7) واژه را بصورت saiyam عادی
سازى کرده است: علیرغم صحت و اصالت کتیبه، مقایسه شود با

.Schaeder, SbPAW 1935.489-96

suguda- sugda- اسم «سغد»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی *šū-ug-da* اکدی *šū-ug-du* یونانی *Σογδιᾶνη* (§22, §103.IV, §116, §128).

sugda مذکر مفرد فاعلی XPh 21. *Suguda* (§128) DB 1.16; DN^a 23; DSe 22°; DSm 9°. *Sug^uda* (§22) DPe 16.

sugdam مذکر مفرد صریح مفعولی DPh 6; DH5.

sugudā مذکر مفرد ازی DSf 38.

skauθi- صفت «فقیر، ضعیف، دون پایه»: پهلوی ترفانی *škvh*؛ مقایسه شود با §6, §116, §152.I, §190.IV JAOS 56.219-20, 58.324; 223.244-5; Hz.ApI 305-10 Bv.JAs.

^a آغازی در تصاویر عکسی DNb آشکار است.

skauθiš مذکر مفرد فاعلی DNb 8f.

skauθim مذکر مفرد صریح مفعولی DSe 39f;

→ اشتباه نوشتاری بصورت *škaurim* DB 4.65.

skauθaiš مذکر مفرد وابستگی DNb 10.

skuⁿxa- اسم «اسکونخ»، شورش سکاکی: عیلامی *iš-ku-in-qa* (§100, §111, §116). *skuxa* مذکر مفرد فاعلی DB 5.27; DBK 1f.

skudra- صفت «اسکودری»؛ صورت مذکر بعنوان اسم «اسکودر»، ایالتی از امپراتوری ایران، احتمالاً تراس و مقدونیه (مقایسه شود با JNES 2.305): عیلامی *š-ku-ud-ra* اکدی *iš-ku-du-ru* (§116).

A?P 25. *skudra* مذکر مفرد فاعلی «اسکودری» (۱).

skudra مذکر مفرد فاعلی DN^a 29; DSe 29°; DSm 10°; «اسکودر» (۲).

§51, Lg.13.298. → نگاه کنید به *skudrā* → صورت مکتوب) XPh 27.

stā- فعل «قرار دادن؛ (میانه) ایستادن»: اوستا *stā-* سنسکریت *sthā-* یونانی

DSg 3° مفعولی صریح جمع مونث [stūnā]

ساخت نامشخص، احتمالاً حالت دری مفرد مونث stūnāya

(بجای -āyā-، §255, §176, §52.III؛ به احتمال ضعیف صفت در حالت مفعولی صریح مفرد مذکر از نظر Hinz, ZDMG 95.250؛ به اشتباه Kent, JAOS 51.227-8).

D²Sa 1, A²Hb.

spāda- اسم «سپاه»: اوستای گاهانی -spāda- فارسی نو «سپاه»، انگلوهندی spahi در taxmaspāda-، مقایسه شود با-spāθmaida- (§83.II, §116, §143.II) (76.V).

احتمالاً از هندواروپایی آغازین *kuā «ورم کردن، بزرگ شدن» (Gray, Lg. 25.377-8; Bailey, JRAS 1951.194; cf. §90).

spāθmaida- اسم «اردو، رزم»، معنی از طریق تحریر اکدی مشخص است: مقایسه شود با -spāda- «سپاه» (§83.II)، اوستا-hamaspaθmaēdaya نام یک ایزد و جشن مربوط به او (Hz. ApI 310-5).

DNb 30f. دری مفرد spāθmaidayā

sparda- اسم «سارد»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی dš-par-da اکدی sa-par-du یونانی Σαρδεις (§31)؛ با -šū*، موجود در لیدیایی بصورت -šfard- (MB Gr. §52; Hz. AMI 3.63-4). نیز نگاه کنید به -spardiya-.

sparda DB 1.15; DPe 12; DNa 28; DSe 27°; DSm 7°; XPh 22.

spardā ازی مفرد مذکر DPh7f; DSf 36; DH 6.

spardiya- صفت «ساردی»: مشتق (§144.III) از واژه پیشین؛ مقایسه شود با JAOS 54.40, Hz.AMI 3.37.

A?P 22. فاعلی مفرد مذکر spardi[ya]

DSf 49,52. فاعلی جمع مذکر spardiyā

-ša- و -ši- ضمیر سوم شخص مفرد متصل: هندواروپایی آغازین -šā-, -so*، آریایی

*ša-, *šī- و *ha-, *hī- ایرانی آغازین، سندهی، بنابر ویژگی *ša-, *šī- و *sa-, *sī- (§117; decl., §195)، اوستا در حالت وابستگی -برایی مفرد šē, hē، مفعولی صریح مفرد hīm، مفعولی صریح جمع hīs، سنسکریت sīm و غیره. صورت‌های مفرد ممکن است به مرجع‌های جمع ارجاع داده شوند، و صورت‌های فارسی باستان تمایزی در جنسیت ندارند.

(یعنوان حالت ازی نگاه کنید به hacā) DB 1-50 مفعولی صریح مفرد با مرجع مفرد مذکر -šim
59 bis, 83, 96; 2.13°, 75, 76, 90 bis; 3.74; 4.49; 5.13, 27.

-šim با مرجع مفرد مونث DNa 36; XPh 34.

-šim با مرجع مفرد خنثی DB 1.62; 5.24.

-šaiy وابستگی -برایی با مرجع مفرد مذکر DB 1.57; 2.30°, 50, 74, 74f, 77, 88, 89, 95; 3.14, 48, 51, 74, 90, 91; DPd 3; DNb 26; DSp 2°.

-šaiy با مرجع مفرد خنثی DSf 23°.

-šām وابستگی با مرجع مذکر DB 2.13, 20 bis, 27, 37, 42, 47, 56, 62, 83 bis, 98; 3.8, 19, 31, 40, 47, 57 bis, 64, 69, 85 bis; 5.8, 12, 15, 27°.

→ dahyāva -šām DB 1.14, 19, 23; DNa 18, 20, 36f; DSe 17°, 19°; XPh 16, 18.

DB 3.52; مفعولی صریح جمع با مرجع مونث -šīš

با مرجع مذکر بیان شده بطور ضمنی از سوی صورت جمع خنثی DB 4.6
-ša

ازی مفرد، بعنوان پسوند قیده‌های ازی dūradaša, avadaša و احتمالاً
avaθāša-tā

(Foy, Kz 35.29-30 به اشتباه Bv.Gr. §325، BthI. BB 14.247, AiW 170-1).

šarastibara- نگاه کنید به -arštibara.

-ši- نگاه کنید به -ša-.

šiyāta- صفت «آرام، شاد (در زمین)»: اوستای گاهانی -šyāta- «شادمان»، اوستای متاخر
-šāta-، لاتین quiētus «آرام» (§104): صفت مفعولی گذشته از اوستا -šyā-

«شادی کردن» (§242.II). نیز نگاه کنید به-šiyāti, با مطالب پیشین در مورد معنی.

šiyāta XPh 47,55. فاعلی مفرد مذکر

šiyāti- اسم «سعادت، آرامش (در زمین)، شادی (نیز پس از مرگ)»
(Hz.AMI 3.40, 8.68-9, RHRel. 113.26-7, ApI 318-22): اوستای
متاخر -šāti «شادی»، نیز در نام ملکه (یونانی) *παρὸν-σatus* لاتین *quiēs*
quiēt-is «آرامش» (§104, §152.III, §179.III)؛ نیز نگاه کنید به -šiyāta.
برای معنی «شادی پس از مرگ»، نگاه کنید به *JNES 7.108, n10f*؛ بجز آن
نگاه کنید به *Cam. JCS 5.54*.

šiyātiš DPe 23. فاعلی مفرد مونث

šiyātim DNa 4; DNb 2f; DSe 4°; DSf 3;
DSs 4°; DSt 4°; DZc 2; DE 5f; XPa 3; XPb 5f; XPc 3; XPd 4;
XPf 4; XPh 3; XE 6; XV 5; A¹Pa 4°; A²Hc 4; → غلط نوشتاری
sāyatām (§55.I) A³Pa 4.

šiyav- فعل «عازم شدن، رفتن»: اوستای گاهانی -šyav- اوستای متأخر -šav- فارسی نو
«شود»، سنسکریت *cyāvati*، یونانی *δευω* «من سریعاً پس از.... آغاز می‌کنم،
تعقیب کردن، سبب تعقیب کردن»، هندواروپایی آغازین **qieu-* (§104).
ašiyavam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.84.91; 2.3.65; 5.21.
ašiyava ماضی استمراری DB 1.33 bis, 41, 80; 2.2f, 17, 22, 32, 51f, 72,
85, 95°; 3.4, 16, 28, 32, 33, 42, 59f, 72, 73f, 82, 87; 5.9; XPf 33f.
ašiyava" جمع ماضی استمراری سوم شخص جمع (§232.II) DB 1.76.

škaurim- نگاه کنید زیر -skauθi.

štā- نگاه کنید زیر -stā.

zana- اسم «انسان»: اوستا -zana- سنسکریت *jāna-*، یونانی *γένος* «بچه، فرزندان»،

هندواروپایی آغازین **gono-* (§88, §143.I)؛ در *paruzana-*،
varkazana-، *vispazana-*

zam- اسم «زمین»: اوستا در حالت فاعلی *zā*، یونانی *χαμαί* «روی زمین»، لاتین *humus* «زمین»، لیتوانیایی *zēmė*، هندواروپایی آغازین **ghem-* (§11, §142, §143.II)، مقایسه شود با **gōhem-* در سنسکریت *ksam-*، یونانی *χθων*؛ در *uvārazmī-*، *uzma-*.

[za]rtanayā با *z-* مادی، بازسازی دیگری بجای *[da]rtanayā*؛ نگاه کنید به *-dartana*.

zazāna- اسم «زازان»، شهری در ناحیه فرات، بالای بابل: عیلامی *za-iz-za-an* اکدی *za-za-an-nu* (§120).

DB 1.92 فاعلی مفرد مذکر *zazāna*.

zūrakara- اسم «زشتی و رز» (§143.V, §160.Ia)؛ *zūrah-* «زشتی» (§105, §119, §120) بعلاوه *kara-* «کننده» (§99, §122)، از ریشه *kar-* DB 4.64, 68 فاعلی مفرد مذکر *zūrakara-*.

zūrah- اسم «فریکاری، کار نادرست»: اوستا *zūrah-* فارسی نو «زور=دروغ»، مقایسه شود با سنسکریت *hvāras-* «نادرستی، فریکاری، کلک» (§9.IV, §88, §120, §156.II)؛ نیز نگاه کنید به *zūrakara-*.

DB 4.65 مفعولی صریح مفرد خنثی *zūra*.

zūzahya- اسم «زوزهی»، شهری در ارمنیه: عیلامی *su-iz-za* اکدی *zu-ū-zu* (§120). DB 2.33 فاعلی مفرد مذکر (بنابر کامرون، تمام نشانه‌های نوشتاری قابل رویت است) *zūzahya-*.

zbā- فعل «فراخواندن» (Lg. 19.226-7; Hz. AMI 8.67. ApI 367): اوستا *zav-* و *zbā-* بن مضارع *zbaya-* سنسکریت *hū-* و *hvā-* بن مضارع *hvaya-* هندواروپایی آغازین **ghuā-* (zb- مادی §9.VI, §91, §120) نیز نگاه کنید به *hazāna-*.

patī- +zbaya- «اعلام کردن» (Bv.BSLP 42.2.70, تنها برای منع بکار رفته است, XPh 38. §214) ماضی استمراری اول شخص مفرد patiyazbayam.

zraⁿka- صفت «زرنگی»؛ صورت مذکر بعنوان اسم «زرنگ»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی sir-ra-an-qa، اکدی za-ra-an-ga، یونانی (هردوت) Σαράγγαι، (پلی بیوس) Δραγγιᾶνη (استرابو) Δραγγιᾶνη (آریان) Σαράγγαι؛ §9.I, §33, §88, §120, §128؛ مقایسه شود با §119 (MB Gr.).

۱) «زرنگی» zrakā: A?P 9. §56.III) بجای فاعلی مفرد مذکر zrakā: «زرنگی» ۲) zraⁿka: DB 1.16; DPe 15f; DNa 24; DSe 23°; DSm 8°; XPh 20.

ha- پیشوند جدا نشدنی (§204.I)، پیش از همخوان (§132.1): اوستا ha- سنسکریت sa- یونانی á-، لاتین sem- هندواروپایی آغازین sm-، درجه ضعیف هندواروپایی آغازین sem- «یک»، یونانی εἷς (از sem-s sem-); در hakara-, hadā. نیز نگاه کنید به ham-, hama-

hainā اسم «سپاه»: اوستا haēnā، پهلوی hēn، سنسکریت sēnā (§118.I, §147.). DPd 19 فاعلی مفرد مونث hainā. DPd 16f ازی مفرد مونث haināyā.

hauv- ضمیر «این»، ضمیر، صفت «این» (§11, §263): هندواروپایی آغازین so، حالت فاعلی مفرد مونث sā، اوستا hō (از so-s)، hā، سنسکریت sa-s sā یونانی ὁ «حرف تعریف معین»، بعلاوه وند u، سنسکریت u «نیز»، موجود در یونانی بصورت «رو بهمرفته» οὗτος «این» از so-u-tos، نیز احتمالاً در فارسی باستان u-tā «و». hāuv فارسی باستان ادغام با قاعده‌ای از ā-u را (§118.IV, §196)؛ نشان می‌دهد؛ در حالیکه sāu، با ā از طریق قیاس با صورت مونث، در اوستا بصورت مذکر- مونث hāu تعمیم یافته است، سنسکریت a-sāu. نیز نگاه کنید به hauvam, hya

hauv AsH 8, 14; DB 1.36, 38, 41, 47, در حالت فاعلی مفرد مذکر

47f, 74, 76, 78, 81; 2.10, 14, 16°, 17, 19, 24, 93f; 3.23f, 26f, 28, 55, 71, 79, 80, 82, 83; 4.8°, 9, 10, 12, 13, 15, 16, 17, 18, 20, 21, 22, 24, 25, 26, 28, 29°, 30; 5.26°; DPd 2; DSf 9, 9f, 30, 31, 38, 39; DSp 1°; XPh 54; XV 18, 21. hauv-maiy DB 2.79. hau-maiy DSf 10. hau-šaiy DPd 3; DSp 2°. hau-dim DSf 32. hau-diš DSs 6°
hauv فاعلی مفرد مونث (§196) DB 5.4f; hauv-maiy DB 3.11;
hauv-taiy DNa 57; hauv-ci-y DPe 23f.
hauv فاعلی مفرد مذکر صفت، DB 1.82, 92°; 2.21, 27, 66, 71; 3.3, 35, 41, 54, 59, 70, 91.

haumavarga- صفت «هوم نوش» یا «تهیه کننده هوم» (§160.Ia): عیلامی u-mu-mar-qa، اکدی 'ù-mu-ur-ga، یونانی *Ἀμυργιοι* از hauma- (§149.I)، اوستا haoma-، سنسکریت sòma- نام یک گیاه، نیز نام نوشیدنی است تهیه شده از عصاره شاخه‌های آن، از ریشه اوستا-hau، سنسکریت su- «فشردن»، بعلاوه (§31, §143.I) varga- با پیوندی ناشناخته.
haumavargā جمع مذکر فاعلی DNa 25; DSe 24f°; XPh 26; بعنوان فاعلی مفرد مذکر (§56.III), A?P 14.

hauvam ضمیر «او»، در حالت فاعلی مفرد مذکر hauv:DB 1.29 (نگاه کنید به مدخل مربوطه) بعلاوه am- از adam, tuvam و غیره (§48, §137, §196). مقایسه شود با §158 MB Gr.

hakaram قید «یک بار» (§191.III, §204.I): اوستا hakərət «یک بار»، سنسکریت sakṛt، مقایسه شود با یونانی ἄ-παῖς، لاتین ha- sem-el (نگاه کنید به مدخل مربوطه) بعلاوه *kṛt «زمان» (مقایسه شود با لیتوانیایی *kaŗtas* «زمان»)، باز ساخته بصورت karam- پس از kara- «سازنده» (Hz. ApI 181). نیز مقایسه شود با §323 Bv.Gr.

hakaram-ci-y DNb 34f.

ha^mkarta- (§140.V) وجه وصفی، صورت خنثی بعنوان اسم «همکاری»: ham-

بعلاوه -karta «کرده»، صفت مفعولی گذشته از -kar.

[ha]kartahyā DNb 16f وابستگی مفرد خنثی

Kent, JNES 4.42-3) نه karrpahyā یا [u]karrtahyā، از نظر Hz.ApI

233-5 و نه [ha]karrtahyā، با تکرار اشتباه^۸، نزد (Kent, Lg.15.170).

haxāmaniš- اسم «هخامنش» (§161.Ib)، بنیانگذار سلسله هخامنشی: عیلامی

ha-ak-qa-man-nu-iš اکدی a-ha-ma-ni-iš-، یونانی Ἀχαμενής، از

haxā- اوستای متاخر، حالت فاعلی مفرد مذکر haxa سنسکریت، حالت

فاعلی مفرد مذکر sákhā «دوست»، بعلاوه -maniš، با درجه تخفیف یافته واکه

در هجای آخر (nl, §185.III, §156.IV, §124.4, §63.II)، صورت دیگر

اشتقاق همانندی با -manah (نگاه کنید به مدخل مربوطه). نیز نگاه کنید به

haxāmanišiya-

haxāmaniš DB 1.6; DBa 8. فاعلی مفرد مذکر

haxāmanišahyā AmH (4.133, 8.31-4 HzAMI → مقایسه شود با §185.III, §57) وابستگی مفرد مذکر

3f.

haxāmanišiya- صفت بعنوان اسم «هخامنشی»: صفت از واژه پیشین

(§144.III, §159, §185.nl)؛ به احتمال بسیار ضعیف -šya- از -tya-، همانگونه که از سوی

MB Gr. §262 پیشنهاد شده است، مقایسه شود با 4.133, 8.31-4 HzAMI).

haxāmanišiya AsH 4; CMa 2; CMb 2°; CMc°; DB

1.3; DBa 4; DPa 5; DPb; DPe 5; DPh 3; DNa 13; DSb 11; DSd

2; DSe 12; DSf 7f; DSg 2; DSi2° DSj 2; DSk 3; DSm 2; DSy 3;

DZb 6; DZc 6f; DE 20; DH 2; XPb 20f; XPc 9; XPd 14; XPe 4;

XPf 14f; XPh 12; XPj; XPk; XSc 2; XE 20; XV 15f; A¹Pa 16°;

A¹I; D²Sb 2; A²Sc 1; A²Sdb 2; A²Ha 5; A²Hb; A²Hc 15; A³Pa

20f; Wa 7f; Wb 8f; Wc 9f; Wd 9f. haxāmanišiya (§53) XPa 10f.

haxāmaniš^aya (§22) DSa 2f; A²Sda, dc 2. haxamān^ašiya (§22, §51)

A²Sa 3.

haxāmanišiyā DB 1.7; DBa 10. فاعلی جمع خنثی

ha^mgmatāna- اسم «هگمتانه»، اقامتگاهی سلطنتی در ماد: عیلامی ag-ma-da-na، اکدی a-ga- ma-ta-nu، یونانی (هردوت) Αἰβάρανα، (آخیلوس، آریستونانس) Εἰβάρανα، فارسی نو «همدان». احتمالاً مشتق از ha-gmata (نگاه کنید به مدخل مربوطه، زیر مدخل gam-§103.IV, §147.II) «شهرگردهمایی».

DB 2.76,77f. دری مفرد مذکر hamatānaiy

hačā حرف (اضافه) پیشابند «از»: اوستای گاهانی hačā، اوستای متاخر hačā سنسکریت śácā «با» (در مورد معنی، نگاه کنید به 12-31.403: (Fay, JAOS): حالت بایی مفرد از اسم - ریشه تماتیک هندواروپایی آغازین - *seq^u «دنبال کردن»، اوستا hačaita، سنسکریت śacate یونانی εἰταῖ لاتین sequitur ژرمنی salhan «دیدن» (§99) - نحو §271

۱) DB 1.36, 40, 61; 2.64; 3.2, 26; 4.37; DPd 11, 16, 17 bis; DPe 20; DNa 18, 46, 52; DSe 17, 38; DSf 31, 34, 35°, 35, 36, 38, 39, 41, 42, 43, 44; DZc 7, 10, 11; XPh 16, 57; A²Sa 5°; A²Sda 4 (hašā dc 4, §49b); A²Ha 6°. hačā-ma DB 1.19, 23; 2.6, 12, 16, 93°; 3.27, 78, 81; 5.23°; DPe 9; DNa 20; DSe 19°; XPh 18.

۲) DPh7; DSf 33, 44; DH5. با حالت دری، بعنوان حالت ازی

۳) DPh 5; DH4. با حالت بایی، بعنوان حالت ازی

۴) hačā avadaša DB 1.37; 3.42, 80; DSe 47f°; DSf 47. hačā paruviyata DB 1.7, 8, 45; DBa 11, 12. [hačā-ci]y dūradaša DSf 23.

۵) -šim hačā DB 1.50: با ضمیر متصل مقدم در حالت مفعولی صریح (Bang, ZDMG43.534; Bv.BSLP 31.2.64-5).

۶) hačā Pirāva nāma rauta DZc 9. با عبارت نامگذاری بی‌تسلسل در حالت فاعلی

haⁿj- فعل «آویختن»: سنسکریت sañj- «بستن»، مضارع sājati.

fra- + haⁿj- «آویزان کردن»

«آویزان کردن» برای نمایش (Foy, KZ 35.39) پوست پر شده از کاه یک

شورشی (König, RuID 73-4؛ به اشتباه «زندانی کردن»، از نظر 45 Sen):
frāhanjam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 2.78. (§213)

had- فعل «نشستن»: اوستا -had, سنسکریت -sad, لاتین sedet انگلیسی نو sit نیز نگاه کنید به -hadiš و احتمالاً -vištāspa.

ni - + šad (§117) وجه سببی ni-šādaya- (§76.III, §122, §123.2, §132.2-3, §215)
ماضی استمراری اول شخص مفرد (§226.II): niyašādayam «نشان دادن، برقرار کردن»
DNa 36. nišādayam (§23.I, §140.III) XPh 34f (→ مقایسه شود با) Hz. AMI

hadā حرف (اضافه) پیشایند با حالت بایی «با»: اوستای گاهانی hadā, اوستای متاخر haḍa, سنسکریت sahā, هندواروپایی آغازین *sm-dhe (§11, §67, §76.III)؛ آریایی *sa- (نگاه کنید به فارسی باستان -ha) بعلاوه پسوند قیدی -dhe، همانگونه که در idā و غیره موجود است. نحو §270.I.
DB 1.56, 93; 2.1f, 21f, 23, 67, 71, 85, 85f, 95°, 96; 3.5, 15, 16,
33, 36, 41, 71, 73, 86; 5.9, 10, 21, 24; DPd 14, 22, 24°; DPe 8;
DSe 50; DSt 8°; XPb 28; XPc 12, 15; XPd 18; XPg 13; XSc
5°; XV 26; A¹Pa 23; D²Sa 3.

hadaxaya واژه‌ای ناشناخته (§163. VII) Sb 1.

hadiš- اسم «جایگاه، مسکن، قصر»: اوستا -hadiš؛ مشتق از -had «نشستن»؛ برای پسوند، مقایسه شود با -haxā-maniš از ریشه -man, اسم -manah, و سنسکریت -śādas یونانی در حالت فاعلی مفرد خنثی εδος (§63.II, §76.III, §117, §122, §132.2-3, §156.IV, §185.III).

hadiš DSf 22,27; A²Sd 3. فاعلی مفرد خنثی
hadiš DSj 5°; XPc 11; XPd 16f; XSa 2; XSc
3°; A¹Pa 19°; D²Sb 3°, 4°; A²Sc 5.

ha^mdugā- اسم «سند، مقررات»: ham- بعلاوه -dugā, از ریشه فارسی باستان -daug,

سنسکریت *duh-* «دوشیدن، فشردن»، هندواروپایی آغازین **dheugh-*
 König → صورت دیگر §260, Gr. §260, Bv.BSLP 30.1.73-4, §143.IV,V, §140.V, §76.III, RuID 67-8, Hz. ApI 188-90).

از نظر ساخت همانند لاتین *fuga*، یونانی *φύγη* «پرواز»؛ برای معنی، مقایسه
 شود با انگلیسی نو *press* (اسم)، *imprint*, *express*.
hadugā DB 4.55, 57; DNb 23f.

had^ubānam نگاه کنید - *hazāna*.

hanatā- اسم «کهولت، گذشت زمان»: اسم معنی (§145) ساخته شده روی *-hana**
 «پیر»، اوستا *-hana* سنسکریت *-sāna* یونانی *ἥνος* «لیتوانیایی *ḗnas*
 هندواروپایی آغازین *-seno** (§143.III)، مقایسه شود با لاتین *senex*
 «پیرمرد».

DSe 46 بایی مفرد مونث *ha[natāyā]*

(نظر Kent, JAOS 54.46، برپایه تحریر اکدی).

hapariya- برداشت نادرست از *apariyāya*؛ نگاه کنید به *-pari* بعلاوه *-ay*، زیر مدخل
-ay «رفتن».

ham- پیشوند جدا نشدنی «باهم، با»، همانند لاتین *-com-* و یونانی *συν* (با هیچیک از
 آنها خویشاوند نیست): اوستا *-ham* سنسکریت *-sam* در اصل با عدد *-sem**
 «یک»، همانند است، نگاه کنید زیر مدخل *-ha* (§132.1, §204.I). قابل
 شناسایی بصورت پیشوند در *-ha-dugā*, *-ha-gmatāna*, *-ha-karta*,
-ha-miçiya, *-ham-arana* و با فعل‌های *-dar*, *-taxš*, *-gam* و شاید با *-kam*.
 (نگاه کنید زیر مدخل *amaxamatā*). نیز نگاه کنید به *-hama*.

hama- صفت «همان یکی»: اوستا *-hama* سنسکریت *-samā* یونانی *ὁμός*
 هندواروپایی آغازین *-somo** (§143.II, §109)، مشتق از هندواروپایی آغازین
*-sem** «یک»، مقایسه شود با *-ha* و *-ham* صرف §203.III. نیز نگاه کنید به

hama-. hamātar-. hamapitar- در DB 4.90,92 خوانده نمی شود، نگاه کنید به
Cam. JCS 5.52, Kent JCS 5.56 (→ Kent, JAOS 62.268-9)
وابستگی مفرد مونث hamahyāyā ساخته شده روی صورت وابستگی مفرد مذکر hamahyā* (مقایسه شود با
ahyāyā از a-). DB 4.4,41,45,52,60.

hamātar- صفت «دارای یک مادر (در مورد شخص معین دیگر)»، (§161.IIa): hama-
بعلاوه amātar- با حذف بقرینه (§129).
hamātā (§62, §124.5, §186.II, §186.n1) DB 1.30.

hamapitar- صفت «دارای یک پدر (در مورد شخص معین دیگر)»، (§161.IIa): hama-
بعلاوه pitar- «پدر».
hamapitā (§124.5, §186.II, §186.n1) DB 1.30.

hamarana- اسم «نبرد»: اوستا - hamarəna- سنسکریت samāraṇa- اسم از ترکیب
ham- فعلی علاوه ar- (§32, §140.V, VI, §147.I): مقایسه شود با
hamaranakara- (Hz. ApI 182-4). نیز نگاه کنید به
hamaranam DB 2.27, 37, 42, 47, 56, 62, 98; 3.8, 19,
40, 47, 64, 69.
hamaranam DB 1.90, 93, 94, 96; 2.23, 33,
34, 38, 39, 44, 45, 53, 54, 58, 59, 67, 67f, 70, 85, 96; 3.5, 16, 36, 37,
43, 44, 60, 61, 65, 66; 5.10°.
hamaranā DB 4.5f, 32. صریح جمع خنثی

hamaranakara- اسم «رزم آور، جنگجو»: hamarana- علاوه kara- «سازنده»، از
ریشه kar- (§160.Ia). نیز مقایسه شود با ušhamaranakara-
DNb 34. فاعلی مفرد مذکر hamaranakara

hamiçiya- صفت «شورش»، بعنوان اسم «شورش»: مشتق از ham- (یا ha-) علاوه

miça- «دوست» (نگاه کنید به -miθra)، بعنوان (جمع) «هم پیمانان»،
 δυοποκοι (Justi IFA 18.36؛ به احتمال بسیار ضعیف، جزء نخست نشانه نفی -a «غیر
 دوستانه»، دوباره الگوسازی شده از ham- از طریق ارتباط با ham-arana-
 «نبرد»، چنانکه از سوی Pisani, Riv. Stud. Or.19.96 پیشنهاد شده است) به
 احتمال ضعیف، جزء دوم نیز عبارتست از -miθ از -miθah (چنانکه از سوی
 Hz. ApI 184-6 اختیار شده است)، با پسوند -ro- و -iya-.

hamiçiya DB 1.40, 80; 2.16, 31, 51, 79, 94; 3.27, 81f.
 hamiçiyam DB 2.26, 35, 41, 46, 55, 61, 84, 87, 97f;
 3.7, 18, 63, 68; 4.9f, 12, 15, 17f, 20°, 23, 25f, 28, 30f; DNa 36,
 39.

hamiçiṽa DB 1.76; 2.32, 38; 43, 52, 57f, 93
 (§189.n1); 3.65, 78.

hamiçiṽa DB 4.34.

hamiçiyaibīš DB 3.6.

hamiçiṽa DB 3.11; 5.5.

hamiçiṽa DB 2.6f; 4.33f.

haraiva- اسم «هرات»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی har-ri-ma، اکدی a-ri-e-mu،
 یونانی Ἀρειοί؛ مقایسه شود با سنسکریت -sarāyu «هوا، باد، نیز رودی در هند»، از
 ریشه سنسکریت sārati «جریان دارد». نیز نگاه کنید به -harauvati.

haraiva DB 1.16; DPe 16; DNa 22f; DSe 21°; DSm
 9°; XPh 21.

hara^huvati- صفت بعنوان اسم «رُخج»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی
 har-ra-u-ma-ti-iš، اکدی a-ru-ha-at-ti، یونانی Ἀραχωσιᾶ؛ سنسکریت
 sārāsvatī در حالت فاعلی مفرد مونث «پر آب»، از ریشه -sar «جریان داشتن»،
 صورت خنثی بعنوان اسم -sāras «برکه، دریاچه»، بعلاوه پسوند صفت ساز
 -vant-، مونث -vatī (§118.IV, §152.II, §156.II, §157) صرف

haraiva-, harauvatiya- نیز نگاه کنید به §179.V.
 harauvatiš DB 1.17; DPe 17; DNa 24; DSe 23°;
 DSm 10°; XPh 20.
 harauvatim DB 3.55. مفعولی صریح مفرد مونث
 harauvatiyā DSf 44f. ازی مفرد مونث
 harauvatiyā DB 3.56, 72, 76. دری مفرد مونث

hara^huvatiya- صفت «رُخجی»: مشتق از واژه پیشین (§144.III)
 harauvatiya A?P 10. فاعلی مفرد مذکر

haruva- صفت «همه»: اوستا-haurva- سنسکریت-sárva- یونانی ایونی ouλος آتیک ὅλος،
 هندواروپایی آغازین *soluos (§26, §35.II, §107, §114, §118.I, §150).
 صرف §203.II. نیز نگاه کنید به fraharavam, haruvadā
 haruva DB 1.40,80. haruva-šim DB 2.75, 90. فاعلی مفرد مذکر
 haruvahyāyā دری مفرد مونث
 ساخته شده روی صورت وابستگی مفرد مذکر haruvahyā به عنوان بن
 (مقایسه شود با ahyāyā, hyāyā, hama-).
 DSf 16,18, haruvahyāyā (§36.IVb) DSb 8.

haruvadā قید «هرجا»، DB 4.92°؛ نظر اشتباه Kent, JAOS 62.269، پس از
 عیلامی. نگاه کنید به vi[s]padā.

hard- فعل «روانه کردن»: اوستا hərəzaiti «رها می کند، پرتاب می کند»، سنسکریت
 sárjati, srjāti آلمانی فرازین میانه selken «نم نم باریدن»، هندواروپایی
 آغازین *selg-.

«ترک کردن، رها کردن»-ava-srj- → سنسکریت، «رها کردن»-ava-hard-
 avahar[da] (§30, §52.IV, §213, §228.II)، ماضی استمراری بدون افزونه
 DB 2.94

-har[ja] Tm.Vdt.Stud.1.22, Lex. 70، اصلاح شده بصورت -har[da]

CS 21, Johnson IV 50, که از سوی §129 Gr. BSLP 31.2.69, Bv. نیز پذیرفته شده است؛ Wb. ZDMG 61.726 [avahar[ta] بعنوان صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد مذکر از -ava بعلاوه هم‌ریشه سنسکریت -sar- «جریان داشتن» را پیشنهاد نموده که از سوی Morgenstierne, Acta Or. 1.249 مورد تایید قرار گرفته است، اما احتمال این مورد کم است، زیرا چیزی در حالت مفعول صریح وجود دارد).

harbānam نگاه کنید به -hazāna.

haldita- اسم «هلدیت» یک ارمنی، پدر «آرخ: عیلامی (hal-ti-da §107, §6). DB 3.79 وابستگی مفرد مذکر (halditahya §36.IVb).

hašiya- صفت «حقیقی»: اوستا -haiθya- سنسکریت -staya- (§80, §118.I) مشتق (§144.IV) از (سنسکریت) -sat- درجه ضعیف صفت فاعلی (سنسکریت) sant- (§240) از ریشه هندواروپایی آغازین -es-^{*} «بودن» (سنسکریت -as-, فارسی باستان -ah-), هندواروپایی آغازین -snt-io-^{*}. احتمالاً در -āθiyābaušna- (Hz. ApI 191-3). مقایسه شود با لاتین -absent-em, prae-sent-em, -In-sont-em.

DB 4.44 مفعولی صریح مفرد خنثی hašiyam.

hazāna- اسم «زبان»، صورتی برای -hizāna- (§27)، با z فارسی باستان برابر با zb مادی از هندواروپایی ghu (§91, §120): اوستا -hizvā- متمایز از -hizu- سنسکریت -jihvā- احتمالاً برپایه ریشه هندواروپایی آغازین -ghuā-^{*} (نگاه کنید به فارسی باستان -zbā- با zb مادی)، با تکرار ā و بنابراین در ایرانی، ناهمگونسازی بخش آغازین (فارسی نو «زبان»، ازگوشی دارای zb، که دارای افزایش واکه ē است). بن فارسی باستان همانند اوستا -hizvā- (-zv- بجای -zb- از طریق تاثیر صورت موازی یعنی hizū) گسترش یافته بوسیله پسوندی که احتمالاً از صورت وابستگی جمع، گسترش یافته است (§143.IV, §147.II)؛ مقایسه شود با Lommel, KZ 50.261).

مفعولی صریح مفرد مذکر (قرائت از سوی کامرون تثبیت شده) $h^a zānam$ (§124.VI, §187) DB 2.74;
 قرائت پیشین و اصلاحات: $h^a b^a n^a$ با $h^a b^a n^a$ ؛ KT؛
 $h^a z b^a n^a$ ؛ Wb.ZDMG 61.726, $h^a z b^a n^a$ ؛ Mt. MSLP 19.58-9
 $h^a d^u b^a n^a$ ؛ Lommel KZ 50.260-2 پذیرفته شده از سوی §129 Bv.Gr.
 مقایسه شود با 19.226-7 Kent Lg.

hiⁿdu- اسم «سند»، ایالتی از امپراتوری ایران در بخش فوقانی رود سند؛ عیلامی
 $hi-in-du-iš$ ؛ اوستا $hindu-$ ، سنسکریت $sindhu-$ «نهر»، رود سند، سرزمین
 اطراف سند (§27, §111, §118.V, §153.I) و نیز نگاه کنید به $hiduya-$
 $hiduš$ مفرد مذکر فاعلی DPe17f; DNa 25; DSe 24°; DSm 10°; XPh 25.
 $hidauv$ دری مفرد مذکر بعنوان حالت از $hidauv$ (§251D), DPh 7; DSf 44
 $h^a id^a uv^a$ نه $h^a id^a uv^a$ برابر با $hidāva$ چنانکه از سوی Scheil 21.18
 BV.Gr, §318, König Burgbau 34 اختیار شده است؛ DH 5f.

hiⁿduya- صفت «(اهل) سند»: مشتق از واژه پیشین (§27, §144.III)
 A?P 13. فاعلی مفرد مذکر $hinduya$.

hya در حالت فاعلی مفرد مذکر، $hyā$ در حالت فاعلی مفرد مونث، ضمیر موصولی و حرف
 تعریف معین؛ مقایسه شود با اشکال مشابه در سنسکریت (ودایی) $syā-s$ «این»؛
 خلط شده با ضمیر اشاره اوستا $hō hā$ ، سنسکریت $sa-s$ «یونانی» $η$ ،
 هندواروپایی آغازین $so^* sā^*$ ، با بن موصولی هندواروپایی آغازین io^* ، نگاه کنید زیر
 $tya-$ ؛ نیز مقایسه شود با $hauv$ ، $hyā$ ، $hyāparam$ صرف §198؛ نحو §261, §262.
 DB 1.21, 22, 49, 51, 84, «کسیکه، که» ضمیر موصولی (۱)
 93; 2.13 ($hya-šām$), 18, 21, 23, 31, 51, 66, 84, 95 ($hya-šaiy$);
 3.15, 30, 35, 54, 58, 70, 86, 89°; 4.37, 38°, 41, 48°, 65, 66, 68,
 68°, 68 ($hya-vā$), 70, 82, 87; 5.18, 34°; DPa 5f; DNa 1, 2, 3,
 3f, 5; DNb 1,2, 3,16,17; DSe 1,2,3°, 4°, 5°; DSf 1, 2°, 2,3°,
 3,38, 40, 43, 58°; DSj 5; DSs 1°, 2,4°, 5°; DSt 1°, 2°, 3°, 4, 5°,
 10°; DZc 1 bis, 2 bis, 3 bis; DE 2,3,4,5,7; XPa 1, 2bis, 3 bis;
 XPb 2,3,4,5, 7; XPc 1,2bis, 3,4; XPd 1,2,3,4,5; XPf
 1,2,3,4,5,23; XPh 1,2 bis, 3,4,46,51; XE 3,4,5,6,7; XV 2,3,4
 bis,6; A¹Pa 1°,2°,3°,4°, 5°; A¹I (§56.V مفرد مذکر);

A²Hc 2,3 bis,4,5; A³Pa 1,2,3,4,5.

AmH 6. (§52.III) بجای فاعلی مفرد مونث hya; DPa8 فاعلی مفرد مونث hyā (۲)
AsH 6; DB 1.39, 44, 46, 53,
64, 65, 70 bis, 85; 2.16, 25°, 27, 35, 40, 46, 55, 60, 87; 3.17,
25, 26, 32, 38, 45, 62, 67, 81; 4.9°, 14, 27, 30°; DBb 2, 5;
DBd 5; DBh 6; DBi 7; DBk 2; DPd 1; DPh 9; DSe 39;
DSf 9°,12,13,29,30,32,37,39; DSp 1°; DH 7; XPc 11; XPf
30; XPg 7; XSa 2; XE 2; XV 1,18; A¹Pa 20°; D²Sb 4°;
A²Hb; A²Hc 1.

در مورد hyā DPe22، نگاه کنید به hyā در بالا) DB 1.8; DBa 12; DNa 56 فاعلی مفرد مونث hyā

hyā حالت ازی مفرد خنثی از واژه پیشین، بعنوان قید «از این زمان»
(§191.III, §198; Bthl. IF 12.127n, AiW 1844)؛ نه در حالت فاعلی مفرد مونث
بعنوان سازنده یک صفت نسبی برای قید بعدی؛ (Foy, KZ 37.561; Mt. MSLP 19.55) و نه سوم
شخص مفرد وجه تمنایی از -ah «بودن» (64 Apl Hz, 70 Lex. Thumb.ap.Tm.DPe 22).

hyāparam قید مرکب «از آن پس، پس از این»: احتمالاً صورت ازی hyā¹ بعلاوه aparam
(§84, §191.III, §198; Foy, KZ 35.10, 37.500; Kent, Lg. 20.8-9)
باحتمال بسیار ضعیف param (Bthl.BB 14.246, AiW 1844)، مقایسه شود با
hyā duvaištam DPe 22f؛ بااحتمال بسیار ضعیف حالت مفعولی صریح مفرد خنثی
hyā¹ بعلاوه aparam، با ادغام دو واکه همجوار در یک واکه بلند.
DB 3.43,64f (Mt.MSLP 19.55, Bv.Gr.§339).

اعداد (§43, §251C, §252D, §262.II; Lg.19.228-9)

I	DB1.36,74,77;2.8°,14,75° 79,89;3.8,12,22,57, 78;4.7,10°,12°,15, 18,20,23,26°,28;5.5°,7°	VIII	DB 1.9,2.36; DBa 14.
II	DB 1.96;Wa 1.	IX	DB 1.10,42;2.47; 4.7,32;DBa 17.
V	DB 3.47.	X	DB 1.56.
VII	DB 3.68.	XII	DB 3.39.
		XIII	DB 3.63
		XIV	DB 1.38.

	3.18.
XV DB 2.56.	XXV DB 2.69.
XVIII DB 2.41.	
XIX DB 4.5.	XXVI DB 1.89.
	XXVII DB 2.26.
XX DSf 26.	XL DSf 26.
XXII DB 2.98;	LX Wd 1.
3.88.	CXX Wc 1.
XXIII DB 1.17;	

قطعات ناقص

CMb	بخش پیشین سطر ۳ تا پایان
DNb 58	+++++ فعل
DNb 58f	+++++ātiy ā حالت دری «در فرمانبرداری»
DNb 60	+++++ ++++++ ++++++ ina:
DSe 45	+++++ vardanam نام
DSm 11f	پایان سطر، و ادامه
DSn 1f	+++... +++ na
DSo 1f	+++++ ++++++ ++++++ na ^a tam:
DSq 1-4	بخش‌هایی از همه سطرها
A ² Sc 6	ta ++++++
A ² Sc 7	بخش آغازین سطر
A ² Sc 8	سطر کامل و ادامه
SXc	سطر ۲ بطور کامل
Sb	سطر ۲ بطور کامل، بخشی از سطر ۳

پیوست‌ها

این پیوست‌ها موارد زیر را در برمی‌گیرند.

- (۱) فهرستی از انتقادهای، و توجه به بهره‌وری آنها و نیز مقالات اخیر؛
- (۲) بخشی در مورد یکسان‌سازی واژه‌های اکدی بر شمرده؛
- (۳) بحثی همانند، در مورد واژه‌های عیلامی، با آوانویسی دقیق، که در بخش پیشین کتاب داده نشده است؛
- (۴) افزوده‌هایی به قطعات ویژه‌ای از کتاب، با تعیین صفحه، ستون و سطر.

انتقادهایی که مورد توجه من قرار گرفته‌اند، بترتیب دریافت، در این جا فهرست شده‌اند:

H.H.Paper, JCS 4.195-7 (1950).

G.S.Lane, Lg.26.412-7 (1950).

A.Carnoy, Le Muséon 63.313-4(1950).

V.Pisani, Paideia 1950.392-7.

J.Duchesne-Guillemin, L'Antiquité classique 20.211-3 (1951).

L.H.Gray, AJP 73.325-8 (1951).

H.W.Bailey, JRAS 1951.193-5.

M.Lejeune, Revue des Études anciennes 53.114-5 (1951).

G.Messina, Orientalia 21.117-9(1952).

W.Hinz, ZDMG 102.374-7 (1952).

محتویات این انتقادهای در این کتاب که ویرایش بازنگریسته‌ای است، مورد

استفاده قرار گرفته است. مقالات متعددی در مورد موضوعات فارسی باستان، که اخیراً منتشر شده‌اند نیز داشته‌ام؛ در مورد آنها، جاییکه نظرهای گوناگون بر شمرده شده‌اند، سپاس شایسته بعمل آمده است.

آوانویسی‌های اکدی واژه‌های فارسی باستان، یکسان سازی و نیز نوسازی شده است، در این زمینه از کوشش‌های دقیق دوست و همکارم ای.آ.اسپسر^(۲۶) تشکر می‌کنم. با رعایت نظر او، من نه نیازی به فهرست تمایزات گوناگون نوشتاری موجود در اکدی احساس کردم، و نه نیازی به آوانویسی دقیق دیدم، آنهم در جاییکه (عمده در نام ماه‌ها) اکدی برابر نهاد آوایی برای واژه‌های فارسی باستان نیست.

آوانویسی‌های عیلامی از فارسی باستان بدقت یکسان سازی شده است، در این زمینه از ه. پی. پر^(۲۷) سپاسگزاری می‌کنم. نظام بکار رفته مربوط است به کامرون در PTT 81-2، بجای ia که بجای ia و نیز qa که بجای ka₄ او مورد استفاده قرار گرفته است.

نام ماه‌ها، که در صفحه ۱۶۱ بصورت عادی شده، آمده، در فهرست زیر بترتیب الفبایی برابر نهادهای فارسی باستان آنها، با آوانویسی دقیق ارائه شده است؛ گونه‌های دیگر عیلامی نیز براساس Cam. PTT 44-5، و نیز مندرجات Poebel AJSL 55.130-43 فهرست شده‌اند. این فهرست نوشتارهای دیگر را نیز، نه در واژه‌نامه ما، بلکه آنچه که در کتیبه‌های سلطنتی هخامنشی رایج است، بعلاوه آوانویسی دقیق ماه‌نام‌ها ارائه می‌کند. بخاطر داشته باشید که در عیلامی ia- در افزوده (از ایرانی؟) معمولاً به صفت بیانگر قومیت و نیز نسل پدری اشاره می‌کند؛ š- در افزوده نیز مشخصه ویژه عیلامی بنظر می‌رسد؛ p یا b(e)- پسوندی، جمع را نشان می‌دهد؛ عیلامی تمایز میان آواهای انسدادی بی‌واک و واکدار (k=g, t=d, p=b) را مشخص نمی‌کند، و بیشتر مواقع آواهای صفیری (s برابر با z، بجای z, c فارسی باستان؛ s و š نیز قابل تبدیل بنظر می‌رسند) را با یکدیگر در هم می‌آمیزد، بدین ترتیب، تفاوت این آواها باید در

۲۶. E.A. Speiser

۲۷. H.H. Paper

فارسی‌باستان و یا واژه‌های دیگری که آنها را در زبانی که چنین تمایزاتی در آن ایجاد شده، ارائه می‌دهند، باقی بماند. در فهرست‌ها، پراکنش برای مشخص کردن نشانه‌هایی که حذف یا وارد کردن آنها در املا واژه اختیاری می‌باشد، بکار رفته است.

صفحه (۲۸)	عنوان	آوانویسی عیلامی
166b	āçina-	ha-ši-na
166b	āçiyādiya-	ha-iš-ši-ia-ti-ia-iš
167b	ādukanaiša-	ha-du-kán-na-iš
167b	anāmaka-	ha-na-ma-ak-kaš
170a	ariya-	har-ri-ia, har-ri-ia-ma, har-ri-ia-na-um
171a	artaxšaça-	ir-da-ik-šá-iš-šá, ir-tak-ik-šá-iš-šá, ir-tak-ik-šá-aš-šá
171b	aršāma-	ir-šá-ma
175a	ūja-ūvja-	hal-la-am-ti, hal-tam-ti, etc.
177b	uvārazmī-	ma-raš-mi-ia,
178b	katpatuka-	qa-at-ba-du-kaš-be (جمع)، qa-ut-ba-du-qa
180b	kūša-	ku-šá-a-ia, ku-ši-ia (قومیت)
180-1	xšaθrita-	šá-ut-tar-ri-ud-da
182a	xšayāršan-	ik-še-ir-šá
183a	gadutava-	ir-du-ma-qa (برای -gán)
183a	garmapada-	kar-ma-pát-taš
184ab	ciçataxma-	si-iš-šá-in-tak-ma

186a	tacara-	da-(iṣ)ša-ra-um
187b	θaigarci-	sa-a-kur-ri-si-iš
187b	θatagu-	sa-ud-da-ku-iš
188b	θuravāhara-	tu-ir-ma-ir
189a	dādarši-	da-tar-ši-iš
189b	dārayavau-	da-ri-ia-ma-ù-iš (یکبار)
193a	nabukudracara-	nab-ku-tur-ru-sir; نیز → nab-ku-tur-sir (با ru یا حذف شده از سوی کاتب، پیش از šir)
193a	Nabunaita-	nab-bu-ni-da
196b	parθava-	pár-tu-maš
199a	bāxtri-	+ak-tur-+, ba-ak-tar-+
199a	bāgayādi-	ba-gi-ia-ti-iš
203b	mudrāya-	mu-sir-ra-ia,[mu]-is-ra
208b	viyaxna-	mi-(ia)-kán-na-iš
208b	vispazana-	mi-iš-ba-ša-na, [mi]-iš- ba-da-na
209b	sugda-	šu-uk-taš-be (قومیت جمع)، šu-uk-da, šu-ik-da
210b	spardiya-	i[š-p]ár-ti-ia-ap (جمع)
211b	zraka-	[šir-ra]-in-kaš-be (جمع)
211b	haumavarga-	u-mar-[qa], u-mu -mar -qa -ip (جمع)
212a	haxāmanišiya-	ha-(ak-)qa-man-nu-(iš-)- ši-ia, ha-qa-man-na-ša, ha-ak-qa-man-nu-u-ši- ia, ha-ak-qa-man-nu-iš- ši-ia-ra
213b	haraiva-	har-ri-i-ia-i[p] (جمع)

213b

harauvati-

har-ru-ma-ti-iš, ha-ru- [...],

har-ra-u-ut-ti-iš

پیوست قطعات ویژه در کتاب، با مشخص کردن صفحه، ستون و سطر در این جا ارائه شده است. در بخش اصلی کتاب، نشانه «A»^(۲۹) در حاشیه، بیان می‌کند که در مورد مطلب مربوطه پیوستی که نظرهای بیان شده را مورد بحث قرار داده و آنها را تشریح می‌کند، وجود دارد.

کوتاه نوشت‌ها. 2b.23: کوتاه نوشت‌های در افزوده در صفحه ۵.

9b.34.۱۲: گرایش دیگر به زبان آرامی، نظم وارونه‌ای است که در عبارات آغازین همانند «داریوش شاه می‌گوید»، وجود دارد؛ مقایسه شود با OT 2 Kings

18.19 (Gray, AJP 72.325)

14b.46.۲۷: نه hy- و iy- بجای hiy- معلوم (چنانکه از سوی Bv. BSLP 47.1.23n اختیار شده است)، زیرا اول شخص مفرد از -man، میانه‌ای است غیر قابل اشتباه، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

14b.49.۲۷: نه h'i در hiduš صرفاً به سبب n نانوشتاری (چنانکه از سوی Bv. BSLP 47.1.23 اختیار شده)؛ توجه کنید به مثال‌های §27,15a.1-12.

22b.19-20.۵۳: احتمالاً -ā- در patiyābaram همانند namātaxšatā (پیوست 186a)، براساس Pisani, Paideia 1950.303-4؛ اما این مورد، در توضیح -ā- در avājaniyā بکار نمی‌آید.

29b.34.۷۵: چنین خویشاوندان دوری برای فارسی باستان -kaufa، همانند انگلیسی‌نو

۲۹. این نشانه در متن ترجمه نیز، در جای مربوطه آمده است؛ باید توجه داشت که شماره صفحه و سطر مندرج در این پیوست یعنی دو شماره سمت چپ براساس متن انگلیسی است. بنابراین در کنار هر توضیح در ترجمه، سه شماره (و یا به جای شماره سوم در واژه‌نامه و کتیبه‌ها، مشخصه سوم) آمده است که به ترتیب از سمت چپ عبارتست از شماره صفحه و سطر در متن انگلیسی و شماره پارگراف که در متن ترجمه با «پ» مشخص شده است (و یا مشخص سوم). در واقع مشخصه ستون که در متن انگلیسی با a/b مشخص شده در ترجمه فارسی حذف گردیده زیرا متن انگلیسی دوستونی و متن ترجمه فارسی یک ستونی تنظیم شده است.

- heap، آلمانی فرازین نو haufen، با f- فارسی باستان مطابقت نکند؛ اما مقایسه کنید با Boisacq, DELG 536 و Pisani, Paideia 1950.393.
- 31a.16.۷۶: احتمالاً taka- دربردارنده ریشه هندواروپایی -teqe* «بافتن» است (Gray, AJP72.327; Walde-Pokorny, Vgl. Wrtb. d. idg. Sprachen 1.716)؛ در این صورت معنی عبارت باید «سپربافته شده یا حصیری» باشد.
- 61b.8.۱۷۹: [اما مقایسه شود با پیوست مربوط به 191b.11.Ed.]
- 66b.30.۱۹۱: MB Gr. 325 بصورت avadaš, avaθāš-tā, dūradaš عادی سازی می کند؛ Gray AJP 72.326 این -š- را از یک پیش ساخت بی واکه لاتین ex، یونانی εξ می گیرد، مقایسه شود با Walde-Hofmann LEW³ زیر مدخل ex.
- 67a.18.۱۹۲: در این جا می توان tanū- «تن» را که در سنسکریت، اوستا و فارسی باستان به معنی انعکاسی «خود» نیز می آید، فهرست کرد.
- 67b.4.۱۹۳: صورت وابستگی جمع مختوم به kam- از سوی دانشمندان بسیاری بعنوان صفت در حالت فاعلی - مفعولی صریح مفرد خنثی بصورت کلیشه ای اختیار شده است.
- 68b.40.۱۹۹: DB 4.89 ساخت فاعلی مفرد مونث، بصورت im^a بجای iy^am^a نوشته شده است، که البته این امر یا از طریق ادغام i-ya صورت گرفته است و یا صرفاً از طریق حذف (§140.III; §56.VI). در DB 4.91، im^a به جای im^aam^a برابر با imām در حالت مفعولی صریح مفرد مونث، است، چه از راه حذف دو نشانه نوشتاری و چه از طریق ساخت مستقیم روی بن مونث کهن -i. [اما مقایسه شود با Hinz ZDMG 102.34 و نگاه کنید به پیوست مربوط به 191b.11 Ed.]
- 70a.38.۲۰۶: مثال احتمالی دیگر مربوط به پیشوند مضاعف در DB 4.92 hamātaxšatā؛ اما نگاه کنید به پیوست مربوط به 186a.8.
- 71b.15.۲۱۱: سنسکریت، همچنین صورت مفرد yuñjati، جمع yuñjanti (همانند لاتین) را داراست، اما تنها در اوپانیشادها و زبان حماسه و دوره بعد؛ نه در متون ودایی کهن تر، یعنی جایی که تکیه ها مشخص شده اند.
- 71b.38.۲۱۲: بنظر می رسد که در این جا، زبان ایرانی در پاره ای از گویش ها، -ters با درجه قوی را دوباره متداول کرده است؛ نگاه کنید به §31.
- 74a.8.۲۲۰: در patiyafrafiya، جایی که کامرون (براساس یک نامه شخصی) تمام نشانه های

نوشتاری رادستکم تا اندازه‌ای قابل رویت می‌یابد، و s را محتمل می‌پندارد اما θ را نه، ما s را از آمده از k-s در آئورست s دار (§102) می‌دانیم.

به‌همین صورت، چنانچه ساخت، ماضی استمراری مجهول باشد، ما s را آمده از k پیش از k (§89) می‌دانیم، مگر اینکه θ آمده از k، از راه قیاس، نگهداری شود، همانند وجه تمنایی مجهول DNb 21 fraθiyaiš. بهترین راه حل ممکن است این باشد که بپذیریم s در afrasiya- ناشی از تاثیر s- در بن مضارع -parsa، از همان ریشه است (§212).

78a.28.۲۴۰: در مورد چنین ترکیباتی، نگاه کنید به

J.Duchesne Guillemin, *Les Composés de l'Avesta* §7, §23, §240n (1936).

79a.14-7.۲۴۳: Gray, *AJP* 72.326-7، بعنوان ترکیباتی ملکی می‌گیرد (§161) و نه بعنوان ترکیبات معین (§160) هر دو واژه یعنی -bagābigna- و -aθiyābaušna- بنابراین «دارای فره‌ایزدی» (بخش دوم از ریشه -^ubheig- «درخشیدن»، همانند یونانی φῶλος) و «دارنده‌ی رهایی از بدبختی» معنی می‌دهد.

88a.43.۲۷۵: دو مثال، هر دو در DB 4.1-4، استحکام استدلال بنونیست در BSLP 47.130-1 را مبنی بر این که نحوه بیان معلوم و مجهول تا اندازه‌ای در معنی از هم متمایزند، سست می‌کند.

کتابشناسی کتیبه‌ها 110b.13 Dsf: در مورد هنر و صنعتگران بیگانه در Dsf نگاه کنید به

Gisela M.A.Richter, *Amer. Journal of Archaeology* 50.15-30 (1946); G.Goossens, *La Nouvelle Clio* 1.32-44 (1949).

کتابشناسی کتیبه‌ها D²Sb. 113b بعد از D²Sb: علاوه بر این، دو لوحه طلا با کتیبه‌هایی، به فارسی باستان وجود دارد، که آخرین شنیده حاکی است که آنها در مالکیت واسطه‌ها در ایالات متحده قرار دارند. آنها چنین وانمود می‌کنند که کتیبه‌ها به داریوش دوم تعلق دارند و نیز گفته شده که کتیبه‌های مذکور باید همانند AsH, AmH و A²Hc از همسایگی همدان آمده باشند. ما می‌توانیم آنها را D²Ha و D²Hb بنامیم. ظاهراً D²Ha عضو دیگر مجموعه‌ای است که AmH و غیره را در برمی‌گیرد، نگاه کنید به n2 §18. اما در مورد D²Hb نیز به اشتباه نوشته شده که این کتیبه احتمالاً یک جمل جدید است [؟ کامرون]. متن این کتیبه‌ها بدون اجازه انتشار در اختیار من قرار گرفته‌اند؛ متن تنها مواد کلیشه‌ای را در برداشته و دارای هیچ واژه یا ساخت جدیدی نیست، از نظر گرایش به واژگان جدید نیز با A²Hc مطابقت می‌کند [نیز در حال حاضر

نگاه کنید به [H.H.Paper, JAOS 72.169-70.Ed]

یادداشت DB IV. 130b یادداشت مربوط به سطر ۴۶: utāmai, Bv. BSLP 47.1.33 را از واحد مقدم جدا کرده و آنرا «... نیز از سوی من بسیار...» ترجمه می‌کند؛ اما من نه در فارسی باستان (ونه در اوستا) کاربرد utā در معنی «نیز» را، هنگامیکه به تنهایی در آغاز فراکرد خود قرار می‌گیرد، نیافتم.

پیوست تاریخی IV. 161a: آوانویسی دقیق عیلامی ماهنام‌ها در فهرست آوانویسی‌های عیلامی این پیوست‌ها یافت خواهد شد.

مقدمه واژه نامه. 164a.18: در واژه‌نامه، ساخت افعال بدقت مشخص شده‌اند، بجز سوم شخص مفرد، (زمان) حال، (وجه) اخباری، (حالت) معلوم، که حذف گردیده‌اند.

auramazdāh- 164b.42: در مورد گزارشات مربوط به دین داریوش و جانشینان وی، در این جا تنها به مورد زیر ارجاع داده شده است (J.Duchesne-Guillemin, Zoroastre 105-33 (Paris, 1948)).
āçiyādiya- 166b.23: وب. هنینگ در JRAS 1944.134n ریشه‌شناسی متفاوتی برای āçiyādiya- دارد، که با نظر J.Duchesne-Guillemin, BSOS 1950.638n متناقض است.

abiciariš. 169a.2: Hinz (ZDMG 102.374) برای abiciariš «حوزه (آبیاری)» را ترجیح می‌دهد، زیرا کاربرد «زمین‌های مرتع» جلگه‌های مربوط احتمالاً باید از گله‌داران دور و جدا بوده باشد.

xšayāršan- 182a.16: Joh.Schmidt, Pluralbild. d.idg.Neutra 418 (1889) در این ریشه‌شناسی بر بار نولومه پیشی بسته است. اما J.Duchesne-Guillemin, Les Composés de l'Avesta §240 n بصورت xšaya- «فرمانروایی کردن (بر)» بعلاوه aršan- «جنگجویان»، ترجمه می‌کند.

xšnav- 182b.2: پیزانی واژه را از ریشه -qes*، با آوای نرم‌کامی یا لبی -نرم‌کامی مشتق، می‌داند زیرا اوستا ماضی نقلی -kuxšnu را در، وجه آرزویی بصورت -čixšnuša مضاعف کرده است (چنانچه از -gnō* باشد، -k، -č اوستا بنابر قیاس پس از -šn تحول یافته و به -xšn تبدیل می‌شود، که البته این نظر کنت است)؛ برابرهای سنسکریت آن از نظر معنایی دارای دشواری هستند.

graθ- 183b-22: فعل «تشکیل دادن»: سنسکریت -granth «بستن، بهم بستن، شکل دادن (یک کار ادبی)»، اختصاص دارد به نوشته‌های روی پاپيروس و

پارشمن که برگه‌های آن باید بهم بسته می‌شد.

(نظر DB 4.90(Kent, JCS 5.55-6, JAOS 72.14) صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مونث [θitā]gra-
taumā- 185b.3: 47.1.37-9 Bv.BSLP, taumā- «تخمه» و tauman- «نیرو» را در
واژه tauman، خویشاوند اوستا -taoxman و غیره، با معنی «تخمه، نیروی
مولد»، یعنی دارای هردو معنی «تخمه» و «نیروی (جنسی)»، به یکدیگر پیوند
می‌دهد و آنرا با گفته هردوت 1.136 در مورد ایرانیان، که می‌گوید شایستگی
مرد، پس از چابکی در نبرد، داشتن فرزندان بسیار است، قیاس می‌کند. برای
توجه به عکس این نظر، بخاطر داشته باشید که taumā «تخمه» بن مختوم -ā-
است، در حالی که حالت بایی جمع خنثی برای tauman، صورت taumaniš
است.

takabara- 185b.31: برای ریشه‌شناسی احتمالی -taka، نگاه کنید به پیوست مربوط
به 31a.16

taxš- 186a.8: 4.92 DB hamā[ta]xšatā (قرائت کامرون)، احتمالاً برای h^am^a برابر
با ham- بعلاوه ataxšatā، به سبب اشتباه کتیبه نویس، مقایسه شود با JAOS
72.15.

tanū- 186a.16: در مورد -tanū، نگاه کنید به پیوست مربوط 67a.18
θard- 70.234-5:188a.1 Szemerényi، JAOS برای صورت عادی سازی شده
فارسی باستان -θarad بجای -θard براساس نمونه بویژه هم‌ریشه آن در
سنسکریت، استدلال می‌کند.

dipī- 191b.11: [یادداشت‌های کنت نشان می‌دهد که او در نظر داشته است به
Hinz, ZDMG 102.28-38 ارجاع دهد (dipiy، خنثی). نشانه‌ای مبنی بر اینکه
او پیشنهاد هیتز را پذیرفته باشد، وجود ندارد.]

dipī- 193b.22: احتمال بسیار ضعیفی وجود دارد که nāviyā صورت فاعلی مسندی
برای tigrā حذف شده باشد «دجله قابل کشتیرانی بود (= غیر قابل گذر
بصورت پیاده)»، همانگونه که بیشتر دانشمندان بصورت غیر قطعی پیشنهاد
کرده‌اند؛ من در متون فارسی باستان، قرینه‌ای برای چنین حذفی نیافتم.

nāviyā- 194a.1: 70.245-6, Szemerényi، JAOS برای فارسی باستان -niyāka-
(فارسی میانه niyāg فارسی نو «نیا») بصورت -ni-āva-ka، با ادغام میانی،
ریشه‌شناسی می‌دهد؛ مقایسه شود با لاتین avos و غیره از هندواروپایی *auos

«نیا».

-pavastā. 196b.44: احتمالاً پیشوند pa- «در، روی» (درجه ضعیف از -apa، نگاه کنید به مدخل مربوطه، Bthl. AiW 816) بعلاوه ریشه فعلی -ues «پوشاندن» (اوستا -vah³, AiW 1394)، مقایسه شود با لاتین vestis «پوشاک»، بعلاوه پسوند وجه وصفی، اسمی شده (§145).
 -pasā. 197a.16: خویشاوند مستقیم pasā در لیتوانیایی pāskui، بواسطه ریشه‌شناسی دوم و سوم حذف شده است؛ در اوستا pasča، سنسکریت pascā، طبق ریشه‌شناسی سوم.
 -bagābigna. 199a.32: ترجمه و برداشت دیگر در پیوست مربوط به 7-14.79a.
 -bāgayādi. 199a.43: W.B.Henning, JRAS 1944.134n، برای -bāgayādi- ریشه‌شناسی متفاوتی دارد.

-magu. 201b.24: magu-اوستا moyu؛ بحث مشروح در مورد عملکرد (1938) Bv., Les Mages dans l'Ancien Iran
 -māniya. 202b.3: māniya-؛ معنی مشخص شده از سوی پیشوند معین شخصی kur-taš در ترجمه عیلامی (Gershevitch, Asia Major N.S.2.139-42; Hinz, ZDMG 102.375)
 -yadā. 205a.1: نیز نه از نظر Bv.BSLP 47.1.34-5، مقایسه شود با تردید خود او در صفحه ۴۹ (= پ ۱۴۱).

-yam. 205a.29: نظر کنت (JAOS 62.269) مبنی بر [a]tīya[si]ya در حال حاضر، بواسطه بازسازی هینتز در ZDMG 102.36 حذف شده واز سوی کامرون بصورت patifراسی مورد تایید قرار گرفته است. نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -fraθ و پیوست مربوط به 74a.18

-yam. 205a.31: Bv. BSLP 47.1.24-5، واژه -nyasaya را بصورت -niy-asaya گرفته و آنرا از ریشه -sā (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه) می‌داند، ضمن اینکه صورت پارسی میانه آنرا نیز بصورت -ny-spy «به پایین زوردادن»، برمی شمارد؛ وی معنی مناسبی بدست آورده و گسترش بن مضارع -yasa (یا -ske, §212) بوسیله پسوند وجه سببی را نمی‌پذیرد. این گسترش در واقع تنها می‌تواند در وضعیتی توجیه گردد که بن -yasa عادی سازی شده باشد و بلندتر از یک مشتق به نظر نرسد.
 -rā. 205a.43: Bv.BSLP 47.1.26-7, 50، rādiy را به θādiy «بگو، اعلام کن» بصورت فعل امر، از ریشه متداول -θah، اصلاح می‌کند؛ در این زمینه چند دشواری آوایی وجود دارد، و کامرون می‌پندارد که نشانه آغازین، به احتمال بسیار زیاد r^a است.

-van. 206b.5: Bv.BSLP 47.1.25-6، گذر معنایی از «چیره شدن» به «انباشتن» را رد می‌کند و به -avaniya از ریشه -van با معنی «گستردن، انباشتن»، که تنها از طریق

اشتقاقات گویشی در ایرانی متاخر شناخته شده است، توجه می‌کند.

varkazana- 206b.45: Varkazana- Gershevitch, Asia Major N.S.2.142: هم
 خانوادگی با واژه‌های ایرانی متاخر به معنی «ردپا، آثار و بقایا» را پیشنهاد می‌کند.

vištāspa- 209a.3: Szemerényi, Btr. z. Namenforschung 2.166-77: بخش
 نخست را بعنوان وجه وصفی vi بعلاوه (سنسکریت) syāti «بهم بستن» می‌گیرد
 (مقایسه شود با AiW 1800)، «نابسته، بی‌پایان، مهار نشده».

sā- 209a.28: در مورد احتمال اینکه nīyasaya در این جا دارای ساخت ماضی
 استمراری از sā- + ni- باشد نگاه کنید به پیوست مربوط به 205a.31

stā- 210a، نگاه کنید به مدخل stā- در پایان توضیحات مدخل:
 nīštāya ماضی استمراری (§23.I; §140.III) XPh 52f.

fra- + stā- «روانه کردن»: f[rā]stāyam مفرد شخص اول ماضی استمراری
 (JAOS 72.15) DB 4.92.

sta^mb- 210a.26: هم خانواده‌ها و معنی از سوی Bv. BSLP 47.128-9، مورد بحث قرار گرفته
 است.